



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

نخج الدعاء

در تقوی و عبادت

مندی شهری

جلد (۱)

تألیف
میرزا محمد تقی

پیشگام
میرزا محمد تقی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نهج الدعاء (با ترجمه فارسی)

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۴	نهج‌الدعا (با ترجمه فارسی) جلد ۱
۱۴	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۲۰	پیشگفتار
۲۰	اشاره
۲۱	روش تهیه و تدوین کتاب
۲۴	سپاس از همکاران
۲۶	درآمد
۲۶	واژه‌شناسی دعا
۲۷	دعا در قرآن و حدیث
۲۷	الف _ دعای تکوینی
۲۷	ب _ دعای تشریحی
۲۸	مفهوم دعا در مورد انسان
۲۸	الف _ حقیقت دعا
۳۰	ب _ اهمیت دعا و نقش آن در زندگی
۳۳	ج _ اصلی‌ترین مقدمات اجابت دعا
۳۴	د _ موانع اجابت دعا
۳۶	فصل یکم : اهمیت دعا
۳۶	باب یکم : تشویق کردن به دعا
۳۶	۱ / ۱ اهتمام ورزیدن به دعا
۴۴	۲ / ۱ اهتمام اولیای خدا به دعا
۵۲	۳ / ۱ پیش‌دستی کردن در دعا
۶۰	باب دوم : ارزش دعا

- ۶۰ ۱ / ۲ مغز عبادت
- ۶۲ ۲ / ۲ برترین عبادت
- ۶۶ ۳ / ۲ برتری زیاد خواندن دعا بر زیاد خواندن قرآن و نمازهای مستحبی
- ۷۰ توضیحی درباره برتری کثرت دعا بر کثرت قرائت قرآن و نماز
- ۷۴ ۴ / ۲ سلاح مؤمن
- ۷۶ ۵ / ۲ سلاح پیامبران و اولیا
- ۷۸ ۶ / ۲ جزئی از تقدیر
- ۸۰ باب سوم : برکت های دعا
- ۸۰ ۱ / ۳ برآورده شدن حاجت ها
- ۸۲ ۲ / ۳ کلید رحمت
- ۸۶ ۳ / ۳ به سلامت ماندن از شیطان
- ۸۶ ۴ / ۳ زنده شدن دل
- ۸۸ ۵ / ۳ انس در وحشت
- ۸۸ ۶ / ۳ نزدیک شدن به خدا
- ۸۸ ۷ / ۳ برگرداندن قضای الهی
- ۹۶ ۸ / ۳ دفع بلا
- ۱۰۶ ۹ / ۳ شفای هر دردی
- ۱۰۸ باب چهارم : سر باز زدن از دعا و سستی نمودن در آن
- ۱۰۸ ۱ / ۴ بر حذر داشتن از ترک دعا
- ۱۱۲ ۲ / ۴ نکوهش خسته شدن از دعا
- ۱۱۴ ۳ / ۴ نکوهش درماندگی در دعا
- ۱۱۴ ۴ / ۴ نکوهش کسانی که فقط هنگام گرفتاری دعا می کنند
- ۱۲۲ فصل دوم : آداب دعا کردن
- ۱۲۲ باب یکم : بایسته های پیش از دعا
- ۱۲۲ ۱ / ۱ وضو گرفتن
- ۱۲۴ ۲ / ۱ رو کردن به قبله

- ۱۲۴ ۳ / ۱ خواندن دو رکعت نماز
- ۱۲۸ ۴ / ۱ گزاردن نمازی یا دادن صدقه ای یا انجام دادن کار خیری یا گفتن ذکر
- ۱۳۰ باب دوم : آداب آغاز کردن دعا
- ۱۳۰ ۱ / ۲ آغاز کردن به نام خدا
- ۱۳۰ ۲ / ۲ ستایش و ثنا گفتن
- ۱۳۶ ۳ / ۲ اعتراف به گناه
- ۱۴۴ ۴ / ۲ درود فرستادن بر محمد و خاندان او
- ۱۵۴ ۵ / ۲ توسل جستن به قرآن و پیامبران و اولیا
- ۱۶۶ باب سوم : بایسته های دعاکننده به هنگام دعا کردن
- ۱۶۶ ۱ / ۳ خاکساری و خواری و فروتنی و افتادگی نمودن
- ۱۷۴ ۲ / ۳ گریستن یا حالت گریه به خود گرفتن
- ۱۸۰ ۳ / ۳ نهانی
- ۱۸۲ نکته
- ۱۸۴ ۴ / ۳ با صدای آهسته
- ۱۸۸ ۵ / ۳ بلند کردن صدا در چند مورد
- ۱۸۹ توضیحی پیرامون بلند کردن صدا در دعا
- ۱۹۲ ۶ / ۳ بلند کردن دست ها
- ۱۹۷ تحلیلی درباره بلند کردن دست به سوی آسمان هنگام دعا
- ۲۰۲ ۷ / ۳ بلند همتی و بزرگی درخواست
- ۲۰۹ ۸ / ۳ خواستن از فضل خداوند
- ۲۱۳ ۹ / ۳ اظهار کردن نیاز
- ۲۱۵ ۱۰ / ۳ قاطعیت
- ۲۱۵ ۱۱ / ۳ همگانی کردن دعا
- ۲۱۹ ۱۲ / ۳ بسیار خواستن
- ۲۲۱ ۱۳ / ۳ پافشاری
- ۲۲۷ ۱۴ / ۳ سه بار گفتن

- ۲۲۹ سجده کردن - ۱۵ / ۳
- ۲۳۳ خوشبین بودن به اجابت - ۱۶ / ۳
- ۲۳۷ باب چهارم : پایان بخش دعا - ۱۶ / ۳
- ۲۳۷ ۱ / ۴ آمین گفتن
- ۲۴۲ توضیحی درباره گفتن «آمین» در پایان دعا - ۱ / ۴
- ۲۴۵ ۲ / ۴ گفتن «ما شاء الله ، لا حول و لا قوة إلا بالله» - ۲ / ۴
- ۲۴۵ ۳ / ۴ کشیدن دست ها به صورت - ۳ / ۴
- ۲۴۹ باب پنجم : بایسته های پس از دعا - ۳ / ۴
- ۲۴۹ ۱ / ۵ سپاس گفتن بعد از اجابت دعا - ۱ / ۵
- ۲۵۱ ۲ / ۵ دعای امام زین العابدین ، هنگام مستجاب شدن دعایش - ۲ / ۵
- ۲۵۳ باب ششم : آنچه برای دعاکننده ناشایست است - ۲ / ۵
- ۲۵۳ ۱ / ۶ درخواست آنچه را که نمی داند ، به صلاح اوست - ۱ / ۶
- ۲۶۱ ۲ / ۶ زیاده روی - ۲ / ۶
- ۲۶۴ سخنی درباره زیاده روی در دعا - ۲ / ۶
- ۲۶۷ ۳ / ۶ شتاب کردن - ۳ / ۶
- ۲۷۱ ۴ / ۶ تکلف در سجع پردازی - ۴ / ۶
- ۲۷۲ سخنی درباره به کارگیری صنایع ادبی در دعا - ۴ / ۶
- ۲۷۵ ۵ / ۶ بسیار شمردن خواسته - ۵ / ۶
- ۲۷۹ ۶ / ۶ کوچک شمردن حاجت - ۶ / ۶
- ۲۸۳ ۷ / ۶ مصلحت آموزختن به خدا - ۷ / ۶
- ۲۸۳ ۸ / ۶ درخواست مرگ - ۸ / ۶
- ۲۸۹ ۹ / ۶ دعا برای چیزهای ناشدنی و ناروا - ۹ / ۶
- ۲۹۱ ۱۰ / ۶ نفرین به خود - ۱۰ / ۶
- ۲۹۲ باب هفتم : بهترین اوقات برای دعا - ۱۰ / ۶
- ۲۹۲ ۱ / ۷ شب قدر - ۱ / ۷
- ۲۹۲ ۲ / ۷ شب نیمه شعبان - ۲ / ۷

۳۰۱	شب جمعه ۳ / ۷
۳۰۳	روز جمعه ۴ / ۷
۳۱۳	دل شب ۵ / ۷
۳۱۹	ثلث آخر شب ۶ / ۷
۳۲۳	سحرگاهان ۷ / ۷
۳۲۷	از سپیده دم تا دمیدن خورشید ۸ / ۷
۳۲۹	پیش از طلوع و غروب خورشید ۹ / ۷
۳۳۱	هنگام نیم روز ۱۰ / ۷
۳۳۷	روز عید فطر ۱۱ / ۷
۳۳۷	روز عرفه ۱۲ / ۷
۳۴۳	روز عید قربان ۱۳ / ۷
۳۴۵	روز اول محرم ۱۴ / ۷
۳۴۵	روز بیست و هفتم رجب ۱۵ / ۷
۳۴۷	ماه رمضان ۱۶ / ۷
۳۵۱	ماه رجب ۱۷ / ۷
۳۵۱	هنگام اذان ۱۸ / ۷
۳۵۵	هنگام نماز ۱۹ / ۷
۳۶۳	هنگام قرائت و ختم قرآن ۲۰ / ۷
۳۶۵	این وقت ها ۲۱ / ۷
۳۷۷	باب هشتم : بافضیلت ترین مکان ها برای دعا
۳۷۷	۱ / ۸ مکه و مسجد الحرام
۳۸۱	۲ / ۸ عرفات در روز عرفه
۳۸۵	۳ / ۸ آرامگاه پیامبر
۳۸۹	۴ / ۸ آرامگاه های امامان از اهل بیت
۳۹۷	۵ / ۸ مسجد کوفه
۳۹۷	۶ / ۸ مسجد شَهْلَه

- ۳۹۹ ----- ۷ / ۸ قبور پدر و مادر -----
- ۴۰۱ ----- باب نهم : رهنمودهایی درباره درست خواندن دعاها -----
- ۴۰۱ ----- ۱ / ۹ بار خدایا! دنیا را چنان که خود می بینی ، به من بنمایان -----
- ۴۰۱ ----- ۲ / ۹ بار خدایا! مرا نیازمند احدی از خَلقت مگردان -----
- ۴۰۳ ----- ۳ / ۹ بار خدایا! کیفر مرا در همین دنیا قرار ده -----
- ۴۰۵ ----- ۴ / ۹ بار خدایا! از فتنه به تو پناه می برم -----
- ۴۰۵ ----- ۵ / ۹ بار خدایا! روزی پاک از تو می طلبم -----
- ۴۰۷ ----- ۶ / ۹ الهی غم نبینی! -----
- ۴۰۷ ----- ۷ / ۹ ستایش خدا تا نهایت علمش -----
- ۴۰۹ ----- باب دهم : توضیح حالت های مناسب دعا -----
- ۴۰۹ ----- اشاره -----
- ۴۲۳ ----- توضیحی درباره حالت های متناسب با نیایش -----
- ۴۲۷ ----- فصل سوم : اجابت دعا -----
- ۴۲۷ ----- باب یکم : تأکید بر وعده «اجابت» -----
- ۴۲۷ ----- ۱ / ۱ دعا ، در اجابت است -----
- ۴۳۵ ----- ۲ / ۱ هر که در [خانه] خدا را بگوید ، برایش باز می شود -----
- ۴۴۱ ----- ۳ / ۱ اجابت دعا ، وظیفه ای است که خداوند بر خود ، واجب ساخته است -----
- ۴۴۳ ----- ۴ / ۱ شرم کردن خداوند از رد کردن دعاکننده -----
- ۴۴۵ ----- باب دوم : شرایط اجابت دعا -----
- ۴۴۵ ----- ۱ / ۲ شناخت -----
- ۴۴۷ ----- ۲ / ۲ اخلاص -----
- ۴۴۹ ----- ۳ / ۲ عمل -----
- ۴۵۸ ----- ۴ / ۲ پاک بودن درآمد و خوراک -----
- ۴۶۴ ----- ۵ / ۲ حضور قلب -----
- ۴۶۶ ----- ۶ / ۲ بریدن از غیر خدا -----
- ۴۷۰ ----- سخنی درباره اصلی ترین شرط اجابت دعا -----

- ۴۷۴ ----- این خصلت ها ----- ۱۷ / ۲
- ۴۷۶ ----- باب سوم : موانع اجابت دعا ----- ۱۷ / ۲
- ۴۷۶ ----- ۱ / ۳ گناه ----- ۱۷ / ۲
- ۴۸۲ ----- ۲ / ۳ ستم کردن و کمک کردن به ستمکار ----- ۱۷ / ۲
- ۴۸۸ ----- ۳ / ۳ نافرمانی از پدر و مادر و آزردهن آنها ----- ۱۷ / ۲
- ۴۸۸ ----- ۴ / ۳ بریدن از خویشاوندان ----- ۱۷ / ۲
- ۴۸۸ ----- ۵ / ۳ زنا ----- ۱۷ / ۲
- ۴۹۰ ----- ۶ / ۳ شرابخواری ----- ۱۷ / ۲
- ۴۹۰ ----- ۷ / ۳ ترک امر به معروف و نهی از منکر ----- ۱۷ / ۲
- ۴۹۲ ----- ۸ / ۳ سبک شمردن نماز ----- ۱۷ / ۲
- ۴۹۲ ----- ۹ / ۳ سخن چینی ----- ۱۷ / ۲
- ۴۹۲ ----- ۱۰ / ۳ آوازه خوانی ----- ۱۷ / ۲
- ۴۹۴ ----- ۱۱ / ۳ وفا نکردن به عهد خدا ----- ۱۷ / ۲
- ۴۹۷ ----- ۱۲ / ۳ متوسل شدن به غیر خدا ----- ۱۷ / ۲
- ۵۰۴ ----- ۱۳ / ۳ حکمت خداوند ----- ۱۷ / ۲
- ۵۱۰ ----- ۱۴ / ۳ این چند صفت ----- ۱۷ / ۲
- ۵۱۸ ----- باب چهارم : تفسیر اجابت دعا ----- ۱۷ / ۲
- ۵۲۴ ----- باب پنجم : نقش نام های نیکوی خداوند در اجابت دعا ----- ۱۷ / ۲
- ۵۲۴ ----- ۱ / ۵ نامهای نیکو ، ویژه خدایند ----- ۱۷ / ۲
- ۵۴۰ ----- ۲ / ۵ خواندن خدا با نام های نیکو ----- ۱۷ / ۲
- ۵۵۰ ----- باب ششم : مستجاب شدن دعا با اسم اعظم ----- ۱۷ / ۲
- ۵۵۰ ----- ۱ / ۶ احادیثی در تفسیر «اسم اعظم» ----- ۱۷ / ۲
- ۵۵۰ ----- الف _ جایگاه اسم اعظم نسبت به بسم الله ----- ۱۷ / ۲
- ۵۵۲ ----- ب _ آیاتی از قرآن ----- ۱۷ / ۲
- ۵۵۶ ----- ج _ متونی از دعاها ----- ۱۷ / ۲
- ۵۶۲ ----- د _ هر نامی از نام های خدا ----- ۱۷ / ۲

- ۵۶۲ ----- ۲ / ۶ کسانی که اسم اعظم را می دانسته اند
- ۵۶۸ ----- تحقیقی در باره معنای اسم اعظم و استجابت دعاء با آن
- ۵۶۹ ----- بهترین تحقیق در تبیین اسم اعظم
- ۵۷۴ ----- باب هفتم : کسانی که دعایشان مستجاب می شود
- ۵۷۴ ----- ۱ / ۷ پیامبران
- ۵۸۶ ----- ۲ / ۷ امامان
- ۵۹۵ ----- ۳ / ۷ اولیای خدا
- ۶۰۱ ----- ۴ / ۷ هر گاه مؤمنان درباره یک چیز دعا کنند
- ۶۰۵ ----- ۵ / ۷ مؤمن
- ۶۰۷ ----- ۶ / ۷ عالم
- ۶۰۹ ----- ۷ / ۷ مجاهد
- ۶۰۹ ----- ۸ / ۷ مؤذن
- ۶۱۱ ----- ۹ / ۷ روزه دار
- ۶۱۱ ----- ۱۰ / ۷ کسی که روزه داری را افطاری دهد
- ۶۱۳ ----- ۱۱ / ۷ کسی که غم زده ای را شاد کند
- ۶۱۳ ----- ۱۲ / ۷ ستم دیده
- ۶۱۹ ----- ۱۳ / ۷ درمانده
- ۶۲۳ ----- ۱۴ / ۷ کسی که غریق گونه دعا کند
- ۶۲۵ ----- ۱۵ / ۷ کسی که خود را برای دعا در دل شب آماده می سازد
- ۶۲۷ ----- ۱۶ / ۷ بیمار و گرفتار
- ۶۲۹ ----- ۱۷ / ۷ عیادت کننده از بیمار
- ۶۳۱ ----- ۱۸ / ۷ نیازمند و نیکی کننده به او
- ۶۳۳ ----- ۱۹ / ۷ کودک
- ۶۳۳ ----- ۲۰ / ۷ پدر
- ۶۳۵ ----- ۲۱ / ۷ کسی که راضی به قضای خداست
- ۶۳۷ ----- ۲۲ / ۷ کسی که امیدش فقط به خداست

- ۶۳۹ ----- ۲۳ / ۷ کسی که برای خدا به دیدار برادرش رود
- ۶۳۹ ----- ۲۴ / ۷ این دعاکنندگان
- ۶۴۹ ----- باب هشتم : کسی که حاجتش بی درخواست برآورده شود
- ۶۵۳ ----- باب نهم : کسی که دعایش مستجاب نمی شود
- ۶۶۷ ----- باب دهم : تأخیر اجابت
- ۶۶۷ ----- ۱ / ۱۰ فاصله میان اجابت و تحقق یافتن خواسته
- ۶۶۹ ----- ۲ / ۱۰ حکمت تأخیر اجابت
- ۶۸۴ ----- باب یازدهم : نمازهای برآورده شدن حاجت
- ۷۱۲ ----- باب دوازدهم : داستان هایی درباره اجابت دعا
- ۷۱۲ ----- ۱ / ۱۲ مستجاب شدن دعای جوان فلج
- ۷۳۶ ----- ۲ / ۱۲ مستجاب شدن دعای سه نفر که در غار ، محبوس شدند
- ۷۴۰ ----- ۳ / ۱۲ مستجاب شدن دعای جوان راهزن
- ۷۴۳ ----- ۴ / ۱۲ مستجاب شدن دعای مرد عابد
- ۷۴۸ ----- ۵ / ۱۲ مستجاب شدن دعای غلام سیاه برای بارش باران
- ۷۵۰ ----- ۶ / ۱۲ مستجاب شدن دعای اُم ایمن
- ۷۵۲ ----- ۷ / ۱۲ مستجاب شدن دعای زنی که فرزندش مرده بود
- ۷۵۲ ----- ۸ / ۱۲ مستجاب شدن دعای اُم سلمه ، خواهر امام صادق علیه السلام
- ۷۵۴ ----- ۹ / ۱۲ مستجاب شدن نفرین مردی در حق همسایه اش که او را می آزد
- ۷۵۴ ----- ۱۰ / ۱۲ مستجاب شدن نفرین یونس بن عمار در حق همسایه مردم آزارش
- ۷۵۸ ----- ۱۱ / ۱۲ مستجاب شدن نفرین اسحاق بن عمار در حق همسایه اش که او را می آزد
- ۷۵۸ ----- ۱۲ / ۱۲ مستجاب شدن دعای پیری از خاندان سعد برای باز ستاندن حقیقتش
- ۷۶۰ ----- ۱۳ / ۱۲ مستجاب شدن دعای اهوازبان برای دفع زلزله
- ۷۷۱ ----- درباره مرکز

نهج الدعاء (با ترجمه فارسی) جلد 1

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : 2451801

عنوان و نام پدیدآور : نهج الدعاء (با ترجمه فارسی) / محمد محمدی ری شهری ؛ رسول افقی، احسان سرخه ای : ترجمه حمید رضا شیخی

مشخصات نشر : قم: دار الحدیث، 1389

مشخصات ظاهری : ج

فروست : علوم و معارف حدیث؛ 138

یادداشت : چاپ سوم: ج 2

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

ص: 1

اشاره

ص: 1

پیشگفتاریکی از بزرگترین نعمت های الهی که به انسان ارزانی داشته این است که اجازه داده او را بخواند چنان که از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده که در مقام نیایش عرضه می دارد: **وَمِنْ أَعْظَمِ النِّعَمِ عَلَيْنَا جَرِيَانُ ذِكْرِكَ عَلَي السَّيِّئَاتِنَا وَإِذْنُكَ لَنَا بِدُعَائِكَ**. (1) از بزرگ ترین نعمت های تو بر ما، جاری شدن یاد تو بر زبان ما و اجازه دادنت به ما برای دعا به درگاه تو است. بزرگتر از نعمت دعا، نعمت اجابت درخواست داعی است که خداوند متعال آن را تضمین کرده و فرموده: **«ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»**. (2) بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را». برای بهره برداری از این دو نعمت بزرگ، آگاهی نسبت به ارزش، اهمیت و عظمت دعا، شناخت آداب، شرایط، آفات و موانع اجابت دعا، همچنین آشنایی با سیره عملی پیشوایان اسلام در این زمینه ضروری است.

1- بحار الأنوار: ج 94 ص 151 نقلاً عن كتب بعض الأصحاب .

2- غافر: 60 .

روش تهیه و تدوین کتاب

در این باره، کتاب های مفید و ارزنده فراوانی تألیف شده است ولی با این وصف برای پاسخگویی به نیازهای روزافزون تشنگان معارف اسلام ناب، به ویژه مراکز پژوهشی و پژوهشگران علوم اسلامی، میدان برای تلاش بیشتر و ارائه مجموعه هایی کاربردی تر باز است. «نهج الدعاء» گامی است متواضعانه در راه وصول به این هدف بلند که با نظمی نوین و سهل الوصول و تحلیل هایی کارآمد در خدمت فرهیختگان و همه علاقمندان به پژوهش و آشنایی با معارف اسلامی قرار می گیرد.

روش تهیه و تدوین کتابروش ما در بررسی و کاوش و مستندسازی مباحث در این مجموعه، متکی به عناصر زیر است: 1. از دیدگاه ما، احادیثی که از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده اند، در واقع، حدیث پیامبر خدایند، همان گونه که امام رضا علیه السلام فرمود: «ما از طرف خدا و پیامبر او سخن می گوئیم» (1). و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «سخن من، سخن پدرم است و سخن پدرم، سخن جدّم است و سخن جدّم، سخن حسین است و سخن حسین، سخن حسن است و سخن حسن، سخن امیر مؤمنان و سخن امیر مؤمنان، سخن پیامبر خداست و سخن پیامبر خدا، سخن خداوند متعال است». (2) به همین دلیل در این کتاب، از همه احادیث روایت شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او، یکسان بهره گرفته شده است.

1- رجال الکشی: ج 2 ص 490 ح 401، بحار الأنوار: ج 2 ص 250 ح 62.

2- الکافی: ج 1 ص 53 ح 14، منیة المرید: ص 373، الإرشاد: ج 2 ص 186، بحار الأنوار: ج 2 ص 179 ح 28. ر. ک: اهل بیت در قرآن و حدیث: بخش چهارم / فصل یکم: ویژگی های علمی اهل بیت / حدیث آنها همان حدیث پیامبر خداست.

2. کوشیده ایم در حدّ توان، همه روایات مربوط به هر موضوع را از منابع گوناگون شیعه و اهل سنت، به طور مستقیم، استخراج و گردآوری کنیم و با بهره گیری از نرم افزارهای رایانه ای، آنها را روی برگه های مخصوص تنظیم نماییم تا زمینه گزینش کامل ترین، موثّق ترین و کهن ترین آنها فراهم آید. در مورد استفاده از دعاها نیز جز در مواردی اندک، تنها از ادعیه ای که مستند به معصومان است، بهره گرفته ایم. 3. سعی کرده ایم تا از آوردن روایات تکراری پرهیز نماییم، جز در این موارد: الف - آن جا که نکته مهمّی در تفاوت واژه ها و اصطلاحات، نهفته بوده است. ب - در مواردی که متن حدیث، در متون شیعه و اهل سنت، تفاوت داشته است. ج - آن جا که متن روایت، بیش از یک سطر نبوده و مربوط به دو باب بوده است. 4. در مواردی که متن های رسیده از پیامبر خدا و امامان علیهم السلام، متعدّد بوده اند، حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله در متن، و نشانی روایات ائمّه دیگر با ذکر عنوان و مأخذ، در پانویست می آید، مگر آن که روایت آنان، نکته تازه ای داشته باشد که آن نیز در متن آورده می شود. 5. در هر موضوع، پس از ذکر آیات مربوط به آن، روایات معصومان به ترتیب زمانی (از پیامبر خدا تا امام مهدی علیه السلام) آورده می شوند، مگر آن که روایتی در تفسیر آیات مذکور باشد (که در این صورت، پیش از روایات دیگر می آید)، یا آن که تناسب موضوعی روایات، ترتیب دیگری را ایجاب کند.

6. در آغاز هر روایت، تنها نام پیامبر صلی الله علیه و آله یا امامی را آورده ایم که حدیث از او نقل شده است، مگر آن که راوی، فعل آنان را نقل کرده، یا سؤال و جوابی در میان بوده و یا راوی، سخنی را در متن حدیث آورده باشد که کلام پیامبر صلی الله علیه و آله یا آن امام نیست. 7. به خاطر تعدد نام‌ها و لقب‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام، نام واحدی را برگزیده ایم که به صورت ثابت در اول روایت می‌آید و بر شخص مورد نظر، دلالت می‌کند. 8. در پانوشت‌ها، منابع احادیث، به ترتیب معتبرترین آنها تنظیم شده است؛ لیکن گاه به دلیلی که بر محققان پوشیده نیست (از جمله: پرهیز از تکرار، اختلاف منابع یا راوی و یا شخصی که از او روایت شده)، این ترتیب را پس از نخستین منبع، مراعات نکرده ایم. 9. هر گاه دسترسی به منابع اولیه ممکن باشد، حدیث مستقیماً از آنها نقل می‌شود. آن‌گاه نشانی بحار الأنوار (در احادیث شیعه) و کنز العمال (در احادیث اهل سنت) به عنوان دو منبع اساسی و جامع حدیث شیعه و اهل سنت، افزوده می‌شود. 10. پس از ذکر منابع، گاه با نشانه «راجع»، به منابع دیگر ارجاع داده می‌شود؛ چرا که متن ارجاعی، با متن نقل شده تفاوت بسیار دارد؛ ولی در عین حال، با متن اصلی و موضوع بحث، مرتبط است. 11. ارجاع به ابواب دیگر این کتاب، به خاطر تناسب و اشتراک محتوایی میان احادیث آنهاست. 12. هدف از «درآمد»‌هایی که برای فصل‌های کتاب، نوشته شده یا

سپاس از همکاران

توضیحات و استنتاج هایی که در پی احادیث آمده است، ارائه چشم انداز کلی روایات آن بخش یا آن فصل است. گاه هم به توضیح و تبیین برخی از مفاهیم دشوار و پیچیده احادیث، پرداخته شده است. 13. مهم ترین نکته در این شیوه، کوشش در حدّ توان برای تأیید اطمینان آور صدور احادیث هر باب از معصوم است که به کمک قرائن عقلی و نقلی برای اثبات محتوای احادیث، صورت پذیرفته است.

14. یکی از آداب مهمّ نقل حدیث، چگونگی نسبت دادن آن به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است. کلینی رحمه الله از امام علی علیه السلام روایت کرده است که: إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ؛ فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ (1). هنگامی که حدیثی را نقل می کنید، آن را به کسی که آن را روایت نموده، نسبت دهید، که اگر درست باشد، به سود شماست و اگر دروغ باشد، به زیان راوی است. بنا بر این، برای رعایت احتیاط، توصیه اکید داریم که کسانی که می خواهند از این کتاب یا سایر کتب روایی، حدیثی نقل کنند، آن را مستقیماً به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نسبت ندهند؛ بلکه حدیث را از طریق منبعی که آن را روایت کرده است، به آنان منسوب نمایند. برای نمونه، نگویند: «پیامبر صلی الله علیه و آله چنین فرمود» یا: «امام علیه السلام چنین فرمود»؛ بلکه بگویند: «فلان کتاب، از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت کرده است» و یا بگویند: «از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت شده است».

1- الکافی: ج 1 ص 52 ح 7، بحار الأنوار: ج 2 ص 161 ح 15.

سپاس از همکاراناز همه فضلاى عزيز و بزرگوار پژوهشكده علوم حديث كه در تهيه ، تدوين ، ارزيابى ، تصحيح ، ويراستارى و نشر اين مجموعه نفيس همكارى داشته اند ، بويژه فاضل ارجمند جناب آقاى رسول اُفقى و فاضل گران قدر جناب آقاى احسان سرخه اى كه اين كتاب با مساعدت آنان به ثمر رسيد ، صميمانه سپاسگزارم . همچنين از مترجم گران مایه جناب آقاى حميدرضا شىخى كه با ترجمه دقيق ، روان و شيوای خود زمينه بهره بردارى پارسی زبانان را از اين كتاب فراهم ساخت ، تشكر مى كنم . واز خداوند منان پاداشى در خور فضل خود براى همه آنان مسألت دارم . رَبَّنَا! تَقَبَّلْ مِنَّا ؛ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . محمّد محمّدى رى شهرى 1385 / 1 / 2

واژه شناسی دعا

درآمد واژه شناسی دعا «دعا» در لغت به معنای خواندن چیزی است به سوی خود با آواز و یا سخن . ابن فارس در تبیین معنای ریشه این واژه می گوید : هو أن تميلَ الشيءَ إليك بصوتٍ وكلامٍ يكون منك . (1) د . ع . و . به معنای متمایل کردن چیزی به سمت خود با صدا و گفته ات است . بر پایه این سخن ، اصل در «دعا» خواندن با صوت و لفظ است لیکن کثرت استعمال این واژه در دعوت با نوشته ، اشاره و امثال آن ، مفهوم این واژه را اعم از خواندن با صوت و لفظ گردانیده است . بنابراین کلمه «دعا» اعم از «ندا» است زیرا «ندا» اختصاص به باب الفاظ و اصوات دارد ولی «دعا» می تواند با لفظ باشد و می تواند با اشاره و امثال آن ، افزون بر این «ندا» در معنای حقیقی اش حتما باید با صدای بلند باشد ولی «دعا» مقید به صدای بلند نیست . (2) بنابراین «دعا» و «دعوت» به معنای توجه دادن مَدْعُوٌّ به سوی داعی برای جلب منفعت یا دفع ضرر است ، از این رو درخواست از مَدْعُوٌّ در واقع هدف دعا است نه خود آن . (3)

1- . معجم مقایس اللغة : ج 2 ص 279 .

2- ندا : کشیدن صدا و بالا بردن آن است . نادی ، شبیه دعا است ، اما دعا گاهی با علامتی غیر از صدا و کلام است و با اشاره ای است که خبر می دهد : بیا . اما ندا ، فقط با صدا صورت می گیرد .

3- ر . ک : المیزان فی تفسیر القرآن : ج 2 ص 31 .

دعا در قرآن و حدیث

الف _ دعای تکوینی

ب _ دعای تشریحی

دعا در قرآن و حدیث کلمه «دعا» در قرآن و احادیث اسلامی با عنایت به مفهوم لغوی آن در معانی مختلفی استعمال شده است . به طور کلی این واژه گاه در مورد خداوند متعال به کار می رود و گاه در مورد انسان . دعای خداوند متعال دو گونه است :

الف _ دعای تکوینیدعای تکوینی خداوند متعال به معنای ایجاد چیزی است برای هدفی خاص ، گویا آن چه ایجاد می شود به آن چه خداوند می خواهد دعوت می گردد . مانند این سخن خداوند متعال : «يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ . (1) روزی که شما را فرا می خواند و شما با حمد او، اجابت می کنید» . بدین معنا که خداوند در قیامت انسان ها را به زندگی اخروی تکوینا دعوت می کند و آنان با زنده شدن پس از مرگ دعوت او را اجابت می نمایند .

ب _ دعای تشریحیدعای تشریحی ، عبارت است از مکلف کردن مردم به انجام آن چه خداوند واجب کرده و ترک آن چه تحریم نموده است ، در حقیقت تکلیف ، فرا خواندن مکلف به انجام اوامر و ترک نواهی الهی است ، مانند این سخن خداوند عزوجل : «أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى . (2)

1- . اسراء : 52 .

2- . ابراهیم : 10 .

مفهوم دعا در مورد انسان

الف _ حقیقت دعا

مگر درباره خدا _ پدیدآورنده آسمان ها و زمین _ تردیدی هست؟ او شما را دعوت می کند تا پاره ای از گناهانتان را بر شما ببخشد و تا زمان معینی شما را مهلت دهد. . به سخن دیگر ، دین پیام تکامل انسان است که خداوند متعال انسان را بدان دعوت می کند تا از طریق پیاده کردن آن در زندگی به فلسفه آفرینش خود دست یابد .

مفهوم دعا در مورد انسانین بود معنای «دعا» در مورد خداوند متعال ، اما در مورد انسان کلمه «دعا» حقیقتاً و مجازاً کاربردهای مختلفی در قرآن و حدیث دارد (1) که طرح آنها در مدخل «نهج الدعاء» ضروری نیست ، آن چه در این جا تبیین آن مهم و لازم است ، تبیین مفهوم حقیقی دعای انسان در برابر آفریدگار ، و جمع بندی اجمالی آیات و احادیثی است که درباره آن وارد شده است :

الف _ حقیقت دعایا تأمل در کاربرد کلمه «دعا» در قرآن و حدیث معلوم می گردد که دعای انسان در برابر خداوند متعال ، در حقیقت به معنای خود را بنده و نیازمند مطلق به خدا دیدن و با پرستش او درصدد جلب عنایت و رحمت او برآمدن است و از این رو امام صادق علیه السلام در تبیین جنود عقل و جهل می فرماید : **وَالدُّعَاءُ وَضِدُّهُ الْإِسْتِثْكَافُ** . (2) دعا، و ضد آن خودداری است .

1- ر . ک : نضرة التَّعِيم : ج 5 ص 1904 .

2- الكافي : ج 1 ص 23 ح 14 ، علل الشرايع : ص 115 ح 10 ، الخصال : ص 591 ح 13 ، المحاسن : ج 1 ص 197 ح 22 کلها عن سماعة بن مهران ، بحار الأنوار : ج 1 ص 111 ح 7 .

این سخن بدان معنا است که «دعا» از سپاهیان عقل است . عقل ، انسان را نیازمند مطلق می بیند و لذا او را به عبودیتِ کمال مطلق دعوت می نماید تا با عبادت و پرستش او به عنایت و رحمتش دست یابد ، از این رو هر چه انسان از معرفت و شناخت بیشتری برخوردار باشد دعای او افزون تر می گردد ، چنان که از امام علی علیه السلام روایت شده : **أَعْلَمُ النَّاسِ بِاللَّهِ أَكْثَرُهُمْ لَهُ مَسْأَلَةٌ** . (1) داناترین مردم به خداوند، پر درخواست ترین آنان است . و پیشوایان دین به دلیل آن که در بالاترین مراتب عقل و معرفت بودند بیش از دیگران خود را نیازمند به خدا می دانستند و لذا فوق العاده به دعا اهتمام داشتند . (2) در نقطه مقابل ، جهل سبب می شود که انسان خود را مستقل و بی نیاز پندارد و از عبودیت الهی و طلب رحمت و از طریق اطاعتش روی برتابد و استنکاف ورزد . این حدیث شریف ، در واقع ریشه در این آیه شریفه دارد که می فرماید : **«وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ** . (3) و پروردگارتان فرمود : مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم . در حقیقت، کسانی که از پرستش من کبر می ورزند، به زودی خوار در دوزخ در می آیند» . این آیه کریمه به روشنی نشان می دهد که حقیقت «دعا» از نگاه قرآن ،

1- ر. ک : ص 28 ح 9 .

2- ر. ک : ص 31 (اهتمام اولیای خدا به دعا) .

3- . غافر : 60 .

ب_ اهمیت دعا و نقش آن در زندگی

احساس عبودیت انسان نسبت به آفریدگار خود و طلب قرب و رحمت آن جناب از طریق پرستش اوست . و لذا از این حقیقت ابتدا با واژه «دعا» و سپس با واژه «عبادت» تعبیر می نماید . همچنین همه روایاتی که «دعا» را مغز عبادت توصیف می کنند یا عین عبادت می دانند اشاره به حقیقت مفهوم دعا دارند . همچنین روایاتی که دلالت می کنند بر این که فضیلت «دعا» از قرائت قرآن بیشتر است اشاره به این معنا است که حال عبودیتی که برای نیایشگر حقیقی دست می دهد برای قاری قرآن پدید نمی آید . با تأمل در آنچه ذکر شد معلوم می شود که مقصود از حقیقت دعا که در همه عبادات وجود دارد همان احساس عبودیت و نیاز مطلق و طلب قرب و رحمت حق به وسیله پرستش اوست ، نه این که کلمه «دعا» مرادف با همه عبادات مثل نماز و روزه و امثال آن است تا این سؤال پیش آید که اگر «دعا» به معنای «عبادت» است معنای حدیث «الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ ؛ دعا هسته عبادت است» (1) می شود «العبادة مخّ العبادة» .

ب_ اهمیت دعا و نقش آن در زندگی در اهمیت دعا همین بس که روح و مغز عبادت است و به همین دلیل سودمندتر از قرائت قرآن بلکه با فضیلت تر از همه عبادات از آن یاد شده است . دعا ، کلید رحمت الهی ، مایه تقرب به خدا ، موجب تأمین خواسته ها ، سلامتی از شیطان و زندگی جان است . (2)

1- ر. ک : ص 47 (ارزش دعا / مغز عبادت) .

2- ر. ک : ص 67 (برکت های دعا) .

دعا، نه تنها در رهایی از گرفتاری ها و دردها و رنج های زندگی به انسان کمک می کند بلکه می تواند سرنوشت قطعی زندگی را تغییر دهد (1) و از بلاهای گوناگون پیشگیری نماید (2) و از این رو پیشوایان اسلام، پیشدستی و تقدم در دعا را توصیه کرده اند، (3) خود آنان نیز پیش از همه و بیش از همه اهل دعا و مناجات با خداوند متعال بوده اند. (4) به دلیل آثار و برکات فراوانی که «دعا» در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد، قرآن کریم با تأکید فراوان و با بیانهای گوناگون مردم را بدان فرا می خواند (5) و نسبت به سستی در عدم بهره برداری از این کلید رحمت و سعادت هشدار می دهد. گاه می فرماید: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ». و هرگاه بندگان من، از تو درباره من پرسند، [بگو] من نزدیکم و دعای دعا کننده را _ به هنگامی که مرا بخواند _ اجابت می کنم، پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند». گاه می فرماید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ».

-
- 1- ر. ک: ص 75 (برکت های دعا / برگرداندن قضای الهی).
 - 2- ر. ک: ص 83 (برکت های دعا / دفع بلا).
 - 3- ر. ک: ص 39 (پیش دستی کردن در دعا).
 - 4- ر. ک: ص 31 (اهتمام اولیای خدا به دعا).
 - 5- ر. ک: ص 23 (اهتمام ورزیدن به دعا).

مرا بخوانید ، اجابت می کنم شما را» . گاه می فرماید : «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً . بخوانید پروردگارتان را به زاری و نهانی» . گاه نمونه ای از دعاهای مستجاب که برای بسیاری از مردم تجربه شده است را ارائه می نماید : «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاَهُ وَيَكْشِفُ الشُّوْءَ . یا کیست آن که اجابت می کند در مانده ات را چون وی را بخواند و گرفتاری را برطرف می گرداند» . گاه تأکید می فرماید که «دعا» میزان وزن و اعتبار و ارزش انسان نزد خداوند متعال است «قُلْ مَا يَعْْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ . (1) بگو : اگه دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی کند» . گاه از کسانی که در دل شب بستر خواب راحت را رها می کنند و به نیایش می پردازند تجلیل و تمجید می کند و این چنین به آنان مژده می دهد که : «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ (2) . هیچ کس نمی داند چه چیزی از آنچه روشنی بخش دیدگان است برای آنان پنهان شده است» و ... و در نقطه مقابل ، کسانی که تنها هنگام گرفتاری و بلا خدا را می خوانند ،

1- . فرقان : 77 .

2- . سجده : 17 .

ج - اصلی ترین مقدمات اجابت دعا

نکوهش می کند (1) و کسانی که از دعا کردن - که روح بندگی است - استتکاف می ورزند به جهنم تهدید می نماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ». کسانی که از عبادت من کبر می ورزند، به زودی به خواری در دوزخ در می آیند».

ج - اصلی ترین مقدمات اجابت دعا خداوند متعال وعده داده که دعای نیایشگران را اجابت کند لیکن تحقق این وعده منوط به تحقق حقیقت دعا از سوی داعی است. (2) پیش از این توضیح داده شد که حقیقت دعا عبارت است از این که «انسان خود را در برابر خداوند متعال نیازمند مطلق ببیند و با پرستش او درصدد جلب عنایت و رحمت او برآید». کسی که خود را نیازمند مطلق به بی نیاز مطلق می بیند ، از غیر او منقطع می گردد و به او می پیوندد . به سخن دیگر خواندن خداوند متعال با خواندن غیر او تفاوت جوهری دارد و تا حال انقطاع به انسان دست ندهد در واقع خدا را نمی خواند . حال انقطاع همان حالی است که از آن تعبیر به خالی کردن دل از غیر خدا شده است چنان که روایت شده از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره اسم اعظم سؤال کردند ، ایشان فرمود : كُلُّ اسْمٍ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ ، فَفَرَّغْ قَلْبَكَ عَنْ كُلِّ مَا سِوَاهُ ، وَادْعُهُ بِأَيِّ اسْمٍ شِئْتَ . (3)

1- ر. ک : ص 101 (نکوهش کسانی که فقط هنگام گرفتاری دعا می کنند) .

2- ر. ک : ص 453 (سخنی پیرامون اصلی ترین شرط استجابت دعا) .

3- ر. ک : ص 450 ح 742 .

د _ موانع اجابت دعا

هر اسمی از نام های خداست؛ پس دلت را از هر چه غیر اوست، فارغ کن و او را به هر اسمی که می خواهی بخوان . بر این اساس ، اصلی ترین مقدمات اجابت دعا ، حال انقطاع و تهی کردن دل از امید به غیر خدا است و هر چه این حال در نیایشگر تقویت شود ، دعای او به اجابت نزدیکتر می گردد ، بلکه اگر چنین حالی به انسان دست دهد بدون دعا نیز خواسته او تأمین گردد (1) . بدین جهت بسیاری از اموری که تحت عنوان آداب دعا و یا شروط اجابت آن در این مجموعه خواهد آمد در حقیقت زمینه ساز پدید آمدن حال دعا است .

د _ موانع اجابت دعا آن چه در باب سوم از بخش اول «نهج الدعاء» تحت عنوان موانع اجابت دعا آمده است را می توان به دو بخش تقسیم کرد : 1 . آن چه بر اساس حکمت الهی مانع اجابت دعا است ، مانند این که نیایشگر از خداوند متعال چیزی را می خواهد که به زیان اوست . 2 . مطلق گناهان ، البته برخی از کارهای ناشایسته مانند : عقوق والدین و قطع رحم ، نقش بیشتری در جلوگیری از اجابت دعا دارند . گفتنی است که نقش آداب و اسباب اجابت دعا در تحقق مطلوب و نیز نقش موانع اجابت دعا در عدم تحقق آن به صورت اقتضاء است نه علیت تامه ، بنابراین ممکن است با وجود برخی از موانع ، دعا مستجاب گردد و در واقع برخی از مقتضیات بر برخی از موانع غلبه نماید .

1- ر. ک : ص 629 (کسی که حاجتش بی درخواست برآورده شود) .

الفصل الأول: أهميّة الدعاء الباب الأول: الحثّ على الدعاء 1 / 1 الإهتمام بالدعاء الكتاب «وإذا سألك عبادي عني فإني قريب أجيب دعوة الداع إذا دعان فليستجيبوا لي وليؤمنوا بي لعلهم يرشدون». (1)

«وقال ربكم ادعوني أستجب لكم إن الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين». (2)

«ادعوا ربكم تضرعاً وخفية إنه لا يحب المعتدين* ولا تقسوا دوا في الأرض بعد أصل—جها وادعوه خوفاً وطمعاً إن رحمت الله قريب من المحسنين». (3)

1- البقرة: 186 .

2- غافر: 60 .

3- الأعراف: 55 و 56 .

فصل یکم : اهمیت دعا

باب یکم : تشویق کردن به دعا

1 / 1 اهتمام ورزیدن به دعا

فصل یکم : اهمیت دعاباب یکم : تشویق کردن به دعا 1 / 1 اهتمام ورزیدن به دعاقرآن» هر گاه بندگانم از تو سراغ مرا گیرند ، [بگو که] من ، نزدیکم و دعای دعا کننده را _ آن گاه که مرا بخواند _ پاسخ می دهم . پس ، باید [آنان نیز] به من پاسخ دهند و به من ایمان آورند ، باشد که راه یابند» .

« و خداوندگارتان گفت : مرا بخوانید تا پاسختان دهم . همانا کسانی که از عبادت من گردن فرازی می کنند ، به زودی ، خوار در دوزخ درخواهند آمد» .

« خداوندگارتان را به زاری و نهانی بخوانید که او تجاوزکاران را دوست نمی دارد . و در زمین ، پس از اصلاح آن ، تباهی مکنید ، و با بیم و امید بخوانیدش که به راستی رحمت خدا به نیکوکاران ، نزدیک است» .

«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَمْ يَكُنْ مَعَهُ اللَّهُ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ» . (1)

الحديث 729. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رسول الله صلی الله علیه و آله - لَمَّا سُئِلَ عَنْ صُحْفِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - : كَانَ فِيهَا . . . : عَلَى الْعَاقِلِ مَا لَمْ يَكُنْ مَغْلُوبًا عَلَى عَقْلِهِ أَنْ يَكُونَ لَهُ سَاعَاتٌ : سَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ، وَسَاعَةٌ يُحَاسِبُ نَفْسَهُ ، وَسَاعَةٌ يَتَفَكَّرُ فِيهَا صَنَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ ، وَسَاعَةٌ يَخْلُو فِيهَا بِحِطِّ نَفْسِهِ مِنَ الْحَلَالِ ؛ فَإِنَّ هَذِهِ السَّاعَةَ عَوْنٌ لِّتِلْكَ السَّاعَاتِ ، وَاسْتِجْمَامٌ (2) لِلْقُلُوبِ وَتَوَزِيعٌ لَهَا . (3) 728. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : الإمام علی علیه السلام : لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ : فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ ، وَسَاعَةٌ يَرْمُ (4) مَعَاشَهُ ، وَسَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَبَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَيَجْمُلُ . (5) 727. المعجم الأوسط (_ به نقل از ابن عباس _) الإمام الكاظم عليه السلام : اجتهدها دوای آن يكون زمانكم أربع ساعاتٍ : ساعةٌ لمناجاةِ الله ، وساعةٌ لأمرِ المعاشِ ، وساعةٌ لمعاشرةِ الإخوانِ والثقاتِ الذين يُعرفونكم غيوبكم ويخلصون لكم في الباطنِ ، وساعةٌ تخلون فيها للذاتكم في غيرِ مُحَرَّمٍ . (6) .

1- النمل : 62 .

2- أَجَمَّ الْإِنْسَانُ وَاسْتَجَمَّ : استراح فذهب إعياءُهُ ، يقال : استَجَمَّ نَفْسَهُ : أراحها (المعجم الوسيط : ج 1 ص 137 «جمم»).

3- النخصال : ص 525 ح 13 ، معاني الأخبار : ص 334 وفيه «وتفرغ لها» بدل «وتوزع لها» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 73 ح 1 .

4- الرَّمُّ : إصلاح ما فسد ، ولمَّ ما تفرَّق (النهاية : ج 2 ص 268 «رمم»).

5- نهج البلاغة : الحكمة 390 ، تحف العقول : ص 203 وفيه «يحاسب فيها نفسه» بدل «يرمُّ معاشه» ، بحار الأنوار : ج 94 ص 94 ح 11 .

6- تحف العقول : ص 409 ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 337 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 346 ح 4 .

« یا کیست که بیچاره را _ آن گاه که بخواندش _ پاسخ می دهد و گرفتاری را می زداید و شما را جانشینان [خویش در] این زمین می گرداند؟ آیا معبودی جز خدای یگانه هست؟ چه اندک پند می پذیرید! » .

حدیث 727. المعجم الأوسط عن ابن عباس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ در پاسخ به پرسش درباره صحف ابراهیم علیه السلام _ : [در صحف ابراهیم علیه السلام آمده بود:] « خردمند ، تا خردش برجاست ، باید اوقاتی را برای خود در نظر گیرد : وقتی برای راز و نیاز با پروردگارش ، وقتی برای حسابرسی از خود ، وقتی برای اندیشیدن در آنچه خداوند عز و جل در حق او کرده است ، و وقتی که در آن برای استفاده از بهره های حلالش خلوت گزینند ؛ زیرا که این وقت (بهره مندی از لذت حلال) ، کمکی است برای آن اوقات [دیگر] و آسایش یافتن دل ها و زدودن پریشانی آنها. 726. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : برای مؤمن سه وقت است : وقتی برای راز و نیاز با پروردگارش ؛ وقتی برای سر و سامان دادن به زندگی اش ؛ و وقتی برای پرداختن به کامجویی های حلال و زیبایش. 725. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام کاظم علیه السلام : در آن بکوشید که اوقاتتان ، چهار بخش باشد : بخشی برای راز و نیاز با خداوند ؛ بخشی برای کار معاش ؛ بخشی برای معاشرت با برادران و دوستان مورد اعتماد ، آنان که عیب هایتان را به شما گوشزد می کنند و با شما خالص و یکرنگ اند ؛ و بخشی برای بهره برداری از لذت های حلالتان .

724. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رسول الله صلی الله علیه و آله : أُرْبِعَ مَنْ كُنَّ فِيهِ مِنْ يَوْمِ الْفَرَجِ الْأَكْبَرِ : ... وإذا كانت له حاجة سأل رَبَّهُ . (1) 723. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلی الله علیه و آله : ما مِنْ عَبْدٍ سَلَكَ وادِيًا فَيَسُطُّ كَفَّيْهِ فَيَذْكُرُ اللَّهَ وَيَدْعُو ، إِلَّا مَلَأَ اللَّهُ ذَلِكَ الْوَادِيَ حَسَنَاتٍ ، فَلْيَعْظُمَ ذَلِكَ الْوَادِي أَوْ لِيَصْغُرْ . (2) 722. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلی الله علیه و آله : مِمَّا رَأَى فِي لَيْلَةِ الْمِعْرَاجِ مَكْتُوبًا عَلَى بَعْضِ أَبْوَابِ النَّارِ - : حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا ، وَبُخُوا نَفُوسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُبُخُوا ، ادْعُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَبْلَ أَنْ تَرُدُّوا عَلَيْهِ وَلَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ . (3) 721. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (_ به کسی که به ایشان گفت : دوست دارم دعایم مستجاب) عنه صلی الله علیه و آله : مَنْ أَكْثَرَ الدُّعَاءَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ : صَوْتُ مَعْرُوفٍ ، وَدُعَاءٌ مُسْتَجَابٌ ، وَحَاجَةٌ مَقْضِيَّةٌ . (4) 726. عنه صلی الله علیه و آله : الإمام علي عليه السلام : قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِعِبَادِهِ : أَيُّهَا الْفُقَرَاءُ إِلَى رَحْمَتِي ، إِنِّي قَدْ أَلْزَمْتُكُمْ الْحَاجَةَ إِلَيَّ فِي كُلِّ حَالٍ ، وَذَلَّةَ الْعُبُودِيَّةِ فِي كُلِّ وَقْتٍ ؛ فَإِلَيَّ فَافْزَعُوا فِي كُلِّ أَمْرٍ تَأْخُذُونَ فِيهِ وَتَرْجُونَ تَمَامَهُ وَبُلُوغَ غَايَتِهِ ؛ فَإِنِّي إِن أَرَدْتُ أَنْ أُعْطِيَكُمْ لَمْ يَقْدِرْ غَيْرِي عَلَى مَنَعِكُمْ ، وَإِن أَرَدْتُ أَنْ أَمْنَعَكُمْ لَمْ يَقْدِرْ غَيْرِي عَلَى إِعْطَائِكُمْ ؛ فَأَنَا أَحَقُّ مَنْ سُئِلَ وَأَوْلَى مَنْ تُضَرَّعُ إِلَيْهِ . (5) .

- 1- . تنبيه الخواطر : ج 2 ص 237 .
- 2- . ثواب الأعمال : ص 183 ح 1 عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأحاديث للقمي : ص 119 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 292 ح 15 .
- 3- . الفضائل : ص 130 عن ابن مسعود ، بحار الأنوار : ج 8 ص 145 ح 67 .
- 4- . كنز العمال : ج 15 ص 866 ح 43445 نقلاً عن حلية الأولياء : ج 6 ص 95 عن ثور يرفع الحديث .
- 5- . التوحيد : ص 232 ح 5 عن محمّد بن زياد ومحمّد بن سيّار عن الإمام العسكري عن الإمام زين العابدين عن الإمام الحسين عن الإمام الحسن عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 92 ص 233 ح 14 .

725. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار خصلت است که هر که دارا باشد، در آن روز وحشتناک بزرگ (قیامت)، آسوده است: ... و هرگاه حاجتی داشته باشد، از پروردگارش بخواهد. 724. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که در وادی ای برود و دو دستش را بگشاید و ذکر خدا بگوید و دعا کند، مگر این که خداوند، آن وادی را پُر از ثواب می کند، خواه آن وادی بزرگ باشد یا کوچک. 723. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از جمله چیزهایی که در شب معراج، بر یکی از درهای دوزخ نوشته دید: پیش از آن که از شما حسابرسی شود، به حساب خود برسید و پیش از آن که شما را [در قیامت] ملامت کنند، خود به ملامت خویشتن پردازید. خدا را بخوانید، پیش از آن که بر او درآید و دیگر، قادر به این کار نباشید. 722. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که بسیار دعا کند، فرشتگان می گویند: این، صدایی آشنا و دعایی است که پذیرفته می شود و حاجتی است که برآورده می گردد. 721. رسول الله صلی الله علیه و آله (_ لِمَنْ قَالَ لَهُ: أُحِبُّ أَنْ يُسْتَجَابَ دُعَائِي _) امام علی علیه السلام: خداوند عز و جل به بندگانش می فرماید: «ای نیازمندانِ رحمت من! شما را همواره نیازمند خود گردانیده ام و داغ بندگی در هر وقتی را بر شما نهاده ام. پس، در هر کاری که می آغازید و امیدوارید آن را به پایان برسانید و به مقصدش برسید، به من متوسل شوید؛ زیرا اگر من بخواهم به شما بدهم، هیچ کس نمی تواند مانع شما شود و اگر من بخواهم که به شما ندهم، هیچ کس نمی تواند به شما بدهد. بنا بر این، من، سزاوارترین کسی هستم که از او چیز می خواهند و شایسته ترین کسی هستم که به او التماس می کنند. .

720. امام هادى عليه السلام: عنه عليه السلام: أعلم الناس بالله أكثرهم له مسألةً . (1) 719. امام رضا عليه السلام: عنه عليه السلام :إعمالوا والعمل ينفع ، والدعاء يسمع ، والتوبة ترفع . (2) 718. امام على عليه السلام: عنه عليه السلام _ فى الحكيم المنسوبة إليه _ : الدعاء زيادةً . (3) 717. امام على عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : ثلاث لا يصدُرُ معهنَّ شىءٌ : الدعاء عند الكرب ، والاستغفار عند الذنب ، والشكر عند النعمة . (4) 716. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله (_ در بیان سخنان خداوند عز و جل به امت شعيب _) حلية الأولياء عن ثور بن يزيد : قرأت فى التوراة (5) أن عيسى عليه السلام قال : يا معشر الحواريين ، كلموا الله كثيراً وكلموا الناس قليلاً .

قالوا : وكيف نكلم الله ؟

قال : أخلوا بمناجاته ، أخلوا بدعائه . (6) 715. عيسى عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام _ فى قول الله عز و جل : « مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا » (7) _ : الدعاء . (8) 720. الإمام الهادى عليه السلام : رسول الله صلى الله عليه وآله : يدخل الجنة رجلان كانا يعملان عملاً واحداً ، فيرى أحدهما صاحبه فوقه ، فيقول : يا رب ، بما أعطيتك وكان عملنا واحداً ؟

فيقول الله تبارك وتعالى : سألتني ولم تسألني . (9) .

-
- 1- غرر الحكم : ح 3260 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 122 ح 2795 .
 - 2- غرر الحكم : ح 2540 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 92 ح 2160 .
 - 3- شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 261 ح 51 .
 - 4- الكافي : ج 2 ص 95 ح 7 ، الأمالى للطوسى : ص 204 ح 349 وفيه «الكربات» بدل «الكرب» وكلاهما عن عبيد الله بن الوليد ، مشكاة الأنوار : ص 69 ح 113 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 46 ح 53 .
 - 5- كذا فى المصدر ، والمناسب للسياق : «الإنجيل» بدل «التوراة» .
 - 6- حلية الأولياء : ج 6 ص 94 و ص 195 .
 - 7- فاطر : 2 .
 - 8- فلاح السائل : ص 75 ح 10 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 299 ح 31 .
 - 9- عدّة الداعى : ص 36 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 221 ح 216 و ج 93 ص 302 ح 39 .

719. الإمام الرضا عليه السلام: امام علی علیه السلام: داناترین مردم به خدا، پُرخواستش ترین آنان از اوست. 718. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: عمل کنید، که عمل، سود می دهد و دعا شنیده می شود و توبه [به درگاه الهی] بالا می رود. 717. الإمام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام_ در حکمت های منسوب به ایشان_: دعا کردن، موجب افزونی [نعمت] است. (1) 716. رسول الله صلی الله علیه و آله (_ مِنْ جُمْلَةِ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ لِأُمَّةٍ شَدَّ عَيْبٍ _) امام صادق علیه السلام: سه چیز است که با وجود آنها هیچ چیز زیان نمی زند : دعا کردن در هنگام گرفتاری؛ آمرزش خواهی در هنگام گناه؛ و سپاس گزاری در هنگام نعمت. 715. عیسی علیه السلام: حلیة الأولیاء_ به نقل از ثور بن یزید_: در تورات خواندم که عیسی علیه السلام فرمود: «ای جماعت حواریان! با خدا بسیار سخن گوید و با مردم، اندک هم سخن شوید».

حواریان گفتند: با خدا چگونه سخن بگوییم؟

فرمود: «با او در خلوت، راز و نیاز کنید. در خلوت، دعا کنید». 714. الزهد، ابن مبارک (_ به نقل از وهب بن منبه _) امام صادق علیه السلام_ درباره این سخن خداوند عز و جل: «رحمتی را که خداوند برای مردم بگشاید، بازدارنده ای برای آن نیست» _: [مقصود از رحمت] دعاست. 713. عدّة الداعی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو انسان که هر دو یکسان عمل کرده اند، وارد بهشت می شوند، اما یکی از آن دو، دیگری را برتر از خود می بیند. پس می گوید: پروردگارا! از چه رو او را برتری دادی، در حالی که عمل هر دوی ما یکسان بوده است؟

خداوند _ تبارک و تعالی _ می فرماید: «او از من درخواست کرد و تو درخواست نکردی».

1- یا: دعا کردن، خود، نوعی افزونی نعمت است (م).

1 / 2 إهتِمام أولياءِ الله بالدعاءِ الكتاب «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّهٌ حَلِيمٌ». (1)

«وَذَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْـرِعُونَ فِي الْخَيْرِ
تِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خـشِيعِينَ». (2)

«تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا
كَانُوا يَعْمَلُونَ». (3)

«وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تَطْعَم مَن أَعْفَلْنَا قَلْبَهُ
عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا». (4)

«وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِّن شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِّن شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ
فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ». (5)

الحديث 712. الإمام الصادق عليه السلام: الزهد لابن المبارك عن عبد الله بن شَدَّاد: قَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا الْأَوَاهُ؟

قَالَ: الْأَوَاهُ الْخَاشِعُ الدَّعَاءِ الْمُتَضَرِّعُ، ثُمَّ قَرَأَ «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّهٌ حَلِيمٌ». (6).

1- التوبة: 114 .

2- الأنبياء: 89 و 90 .

3- السجدة: 16 و 17 .

4- الكهف: 28 .

5- الأنعام: 52 .

6- الزهد لابن المبارك: ص 405 ح 1153 .

1 / 2 اهتمام اولیای خدا به دعا

1 / 2 اهتمام اولیای خدا به دعاقرآن «راستی که ابراهیم، دعاکننده ای (1) بردبار بود» .

«و زکریا را [یاد کن] آن گاه که پروردگارش را خواند که : پروردگارا ! مرا تنها مگذار و [هرچند] تو خود ، بهترین وارثانی . پس [دعای] او را اجابت کردیم و یحیی را بدو بخشیدیم و همسرش را برای او شایسته [و آماده حمل] کردیم ؛ زیرا آنان در کارهای نیک ، شتاب می ورزیدند و ما را از روی امید و بیم می خواندند و در برابر ما خاکسار بودند» .

«پهلوهایشان ، از بسترها دور می شود و پروردگارش را با ترس و طمع می خوانند و از آنچه روزی شان کرده ایم ، انفاق می کنند . هیچ کس نمی داند چه مایه شادی هایی به پاداش آنچه انجام می دادند ، برایشان پنهان شده است» .

«و با کسانی که پروردگارش را بام و شام می خوانند و خشنودی او را می خواهند ، شکیب پیشه کن و برای زیور زندگی دنیا ، دو دیده ات را از آنان برمگیر و از آن کس که دلش را از یادمان غافل گردانیده ایم و از هوسش پیروی کرده و کارش بر زیاده روی است ، اطاعت مکن» .

«و کسانی را که پروردگار خود را در بام و شام می خوانند و خشنودی او را می خواهند ، مَران . از حساب آنان ، چیزی بر عهده تو نیست و از حساب تو نیز چیزی بر عهده آنان نیست تا ایشان را برانی و از ستمکاران باشی» .

حدیث 702. امام علی علیه السلام (_ در توصیه به فرزندش محمد بن حنفیه _) الزهد ، ابن المبارک _ به نقل از عبد الله بن شداد _ :
مردی گفت : ای پیامبر خدا! آواه به چه معناست؟

فرمود : «آواه ، یعنی کسی که خاکسار و بسیار اهل دعا و زاری است» .

سپس این آیه را خواند : «راستی که ابراهیم ، آواه و بردبار بود» .

1- . آواه ، یعنی کسی که بسیار آه و زاری کند ، دلسوز و مهربان ؛ اما با توجه به احادیثی که در تفسیر این واژه آمده است ، آن را دعاکننده ترجمه کردیم (م) .

705. عنه عليه السلام: الكافي عن زرارة عن الإمام الباقر عليه السلام، قال: قُلْتُ: «إِنَّ إِيْرَ هَيْمَ لَأَوْهٌ حَلِيْمٌ»؟ قَالَ: الْأَوْهُ هُوَ الدَّعَاءُ.

(1) 704. عنه عليه السلام (_ فِي الْحِكْمِ الْمَسْنُوبَةِ إِلَيْهِ _) المعجم الكبير عن عقبة بن عامر: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِرَجُلٍ يُقَالُ لَهُ ذُو الْبِجَادَيْنِ: «إِنَّهُ أَوْهٌ»، وَذَلِكَ أَنَّهُ كَانَ يَكْتُمُ ذِكْرَ اللَّهِ بِالْقُرْآنِ وَالْدَّعَاءِ. (2) 703. عنه عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا دَعَاءً. (3) 702. الإمام عليّ عليه السلام (_ فِي وَصِيَّتِهِ لَوْلَدِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِ) رسول الله صلى الله عليه وآله _ فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ: يَا أَبَا ذَرٍّ، طَوَّبِي لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا، الرَّاعِيْنَ فِي الْآخِرَةِ، الَّذِينَ اتَّخَذُوا أَرْضَ اللَّهِ سِطَا، وَتُرَابَهَا فِرَاشًا، وَمَاءَهَا طَيِّبًا، وَاتَّخَذُوا الْكِتَابَ شِعَارًا (4)، وَالْدَّعَاءَ لِلَّهِ دِثَارًا. (5) 701. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا كَمَنْ رَأَى أَهْلَ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ مُخَلَّدِينَ، وَأَهْلَ النَّارِ فِي النَّارِ مُعَذِّبِينَ... أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ، تَجْرِي (6) دُمُوعُهُمْ عَلَى خُدُودِهِمْ، يَجَارُونَ (7) إِلَى رَبِّهِمْ: رَبَّنَا رَبَّنَا، يَطْلُبُونَ فَكَأكَ رِقَابِهِمْ. (8).

- 1- الكافي: ج 2 ص 466 ح 1، تفسير العياشي: ج 2 ص 114 ح 147 وص 154 ح 51 عن عبد الرحمن، دعائم الإسلام: ج 1 ص 166 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، تفسير القمي: ج 1 ص 306، بحار الأنوار: ج 93 ص 293 ح 21.
- 2- المعجم الكبير: ج 17 ص 295 ح 813، الدرّ المنثور: ج 4 ص 305 نقلاً عن ابن مردويه.
- 3- الكافي: ج 2 ص 468 ح 8 عن ابن القدّاح، عدّة الداعي: ص 191 وص 33، بحار الأنوار: ج 93 ص 304 ح 39.
- 4- الشّعار: ما تحت الدثّار من اللباس؛ وهو ما يلي شعر الجسد؛ أي اتّخذوه لكثرة ملازمته بالقراءة بمنزلة الشّعار. ودثّار: أي سلاحا يقي البدن كالدثّار (مجمع البحرين: ج 2 ص 957 «شعر»).
- 5- الأمالى للطوسى: ص 532 ح 1162، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 370 ح 2661 كلاهما عن أبي ذرّ، نهج البلاغة: الحكمة 104، الأمالى للمفيد: ص 133 ح 1، الخصال: ص 337 ح 40 وفيه «والقرآن دثارا والدعاء شعارا»، خصائص الأنمة عليهم السلام: ص 97 والأربعة الأخيرة عن نوف البكالى عن الإمام عليّ عليه السلام في وصيته له، بحار الأنوار: ج 77 ص 81 ح 3؛ تاريخ بغداد: ج 7 ص 162، تاريخ دمشق: ج 62 ص 304 كلاهما عن نوف البكالى عن الإمام عليّ عليه السلام.
- 6- فى المصدر: «يجرى»، وما أثبتناه من بقية المصادر.
- 7- جأر الرجل إلى الله عز و جل: أى تضرّع بالدعاء (الصحيح: ج 2 ص 607 «جأر»).
- 8- تاريخ دمشق: ج 42 ص 493، البداية والنهاية: ج 8 ص 6 كلاهما عن أوفى بن دلهم؛ الكافي: ج 2 ص 132 ح 15 عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عن الإمام زين العابدين عليهما السلام، التمهيص: ص 71 ح 170، الأمالى للصدوق: ص 667 ح 897 عن عبد الرحمن بن كثير عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام وكلاهما نحوه.

700. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : الکافی۔ به نقل از زراره : به امام [باقر علیه السلام] : [گفتم : «راستی که ابراهیم ، آوَاه و بردبار بود»
، به چه معناست؟

فرمود : «آوَاه ، یعنی بسیار دعاکننده» .699. امام کاظم علیه السلام : المعجم الکبیر۔ به نقل از عقبه بن عامر : پیامبر خدا ، درباره مردی که او را «ذوالبجادرین» می گفتند ، فرمود : «او آوَاه است» ؛ چون آن مرد ، با قرآن و دعا ، بسیار خدا را یاد می کرد .698. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : امیر مؤمنان ، مردی بود بسیار اهل دعا .701. عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به ابو ذر : ای ابو ذر! خوشا به حال آنان که از دنیا دل برگزیده اند و به آخرت ، دل بسته اند ؛ همانان که زمین خدا را فرش خود ، خاکش را بستر ، آبش را خوراکِ گوارا و قرآن را جامه زیرین ، دعا به [درگاه] خدا را جامه رویین خویش ساخته اند .700. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : خداوند ، بندگانِ دارد که همچون کسی هستند که به چشم خود دیده اند که بهشتیان ، در بهشت جاویدان اند و دوزخیان ، در دوزخ عذاب می کشند ... شب ها به پا می خیزند و در حالی که اشک هایشان بر گونه هایشان جاری است ، به درگاه پروردگارشان زار می زنند و «خدایا، خدایا!» می گویند و آزادی خویش [از عذاب الهی] را می طلبند .

699. الإمام الكاظم عليه السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام: صَلَّى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَجْرَ، ثُمَّ لَمْ يَزَلْ فِي مَوْضِعِهِ حَتَّى صَارَتْ الشَّمْسُ عَلَى قَيْدِ رُمَحٍ، وَأَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ بِوَجْهِهِ، فَقَالَ:

وَاللَّهِ، لَقَدْ أَدْرَكْتُ أَقْوَامًا يَبْتَغُونَ لِرَبِّهِمْ سُدَّجْدًا وَقِيَامًا، يُخَالِفُونَ بَيْنَ جِبَاهِهِمْ وَرُكْبِهِمْ (1)، كَمَا أَنَّ زَفِيرَ النَّارِ فِي آذَانِهِمْ، إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ عِنْدَهُمْ مَادُوا (2) كَمَا يَمِيدُ الشَّجَرُ، كَأَنَّما الْقَوْمُ بَاتُوا غَافِلِينَ.

قَالَ: ثُمَّ قَامَ، فَمَا رُئِيَ ضَاحِكًا حَتَّى قُبِضَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ. (3) 698. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الباقر عليه السلام: صَلَّى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالنَّاسِ الصُّبْحَ بِالْعِرَاقِ، فَلَمَّا انصَرَفَ وَعَظَّمَهُمْ فَبَكَى وَأَبْكَاهُمْ مِنْ خَوْفِ اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ:

أَمَا وَاللَّهِ، لَقَدْ عَهَدْتُ أَقْوَامًا عَلَى عَهْدِ خَلِيلِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَإِنَّهُمْ لَيُصْبِحُونَ وَيُمْسُونَ شُعْثًا (4) غُبْرًا حُمْصًا (5)، بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ كَرْكَبِ الْمِعْزَى، يَبْتَغُونَ لِرَبِّهِمْ سُدَّجْدًا وَقِيَامًا، يُرَاوِحُونَ بَيْنَ أَفْدَامِهِمْ وَجِبَاهِهِمْ، يُنَاجُونَ رَبَّهُمْ وَيَسْأَلُونَهُ فَكَأَنَّ رِقَابَهُمْ مِنَ النَّارِ، وَاللَّهِ لَقَدْ رَأَيْتُهُمْ مَعَ هَذَا وَهُمْ خَائِفُونَ مُشْفِقُونَ. (6).

1- أى يضعون جباههم على التراب خلف ركبهم؛ يأتون بأحدهما عقب الآخر، وهو قريب من المراوحة (مرآة العقول: ج 9 ص 250).

2- ماد يميد: إذا مال وتحرك (النهاية: ج 4 ص 379 «ميد»). مادوا: أى اضطربوا وتحركوا من الخوف، وهو تلميح إلى قوله تعالى: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ» (مرآة العقول: ج 9 ص 251).

3- الكافي: ج 2 ص 236 ح 22، أعلام الدين: ص 111 كلاهما عن أبي حمزة، الأمالى للمفيد: ص 196 ح 30، الزهد للحسين بن سعيد: ص 23 ح 52 كلاهما عن أبي أراكة نحوه، مشكاة الأنوار: ص 122 ح 289، بحار الأنوار: ج 42 ص 247 ح 49؛ تاريخ دمشق: ج 42 ص 492، عيون الأخبار لابن قتيبة: ج 2 ص 301، البداية والنهاية: ج 8 ص 6 والثلاثة الأخيرة عن أبي أراكة نحوه، كنز العمال: ج 16 ص 200 ح 44222.

4- شعث الشعر: تغير وتلبد لقلّة تعهده بالدهن (المصباح المنير: ص 314 «شعث»).

5- يقال: خَمَصَ: إذا جاع (مجمع البحرين: ج 1 ص 555 «خمص»).

6- الكافي: ج 2 ص 236 ح 21، الأمالى للطوسى: ص 102 ح 157 كلاهما عن معروف بن خربوذ، بحار الأنوار: ج 22 ص 306 ح 5 و ج 69 ص 303 ح 25.

697. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام زین العابدین علیه السلام: امیر مؤمنان، نماز صبح را خواند و آن گاه، در جای خود همچنان ماند تا آن که آفتاب به اندازه یک نیزه بالا آمد و رو به مردم کرد و فرمود: «به خدا سوگند، من مردمانی را دیده ام که شب را تا به صبح، با سجده و قیام در برابر پروردگارشان می گذراندند و یا پیشانی بر خاک داشتند و یا در رکوع بودند؛ چنان که گویی زوزه آتش در گوش هایشان طنین انداز گشته است. هرگاه در حضورشان یاد خدا می شد، چون بید به خود می لرزیدند. (1) تو گویی این مردم، در خواب غفلت فرو رفته اند!».

امیر مؤمنان، سپس برخاست و تا زنده بود، دیگر کسی او را خندان ندید. 696. امام صادق علیه السلام (_ درباره این فرموده خداوند متعال که: { Q } «پس بای) امام باقر علیه السلام: امیر مؤمنان، در عراق، نماز صبح را با مردم خواند و پس از پایان نماز به موعظه آنان پرداخت و خود، از ترس خدا گریست و مردم را نیز به گریه انداخت. آن گاه فرمود:

«هان! به خدا سوگند، مردمانی را در روزگار دوستم پیامبر خدا به یاد دارم که شب و روز خود را ژولیده موی و پریده رنگ و با شکم های گرسنه، سپری می کردند؛ پیشانی هایشان چون زانوی بُز پینه بسته بود، شب را به سجده و قیام در برابر پروردگارشان می گذراندند، در قیام و در سجود، با پروردگارشان راز و نیاز می کردند و آزادی خویش از آتش [دوزخ] را از او می طلبیدند. به خدا سوگند که با این وصف، پیوسته [از عذاب الهی] ترسان و بیمناک بودند».

1- اشارتی است به آیه شریف: «مؤمنان، در واقع، کسانی اند که هرگاه یاد خدا شود دل هایشان به تپش می افتد».

697. رسول الله صلى الله عليه وآله: الإمام عليّ عليه السلام في وصف شيعة أهل البيت -: صُفِرَ الْوُجُوهُ مِنَ السَّهْرِ، ... ذُبِلُ الشَّفَاهِ مِنَ الدُّعَاءِ، عَلَيْهِمْ غَبْرَةُ الْخَاشِ عَيْنَ . (1) 696. الإمام الصادق عليه السلام (_ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : { Q } «فَلَيْسَ تَجِيئُوا لِي») الإمام الباقر عليه السلام _ لِعَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ -: يَا أَبَا الْمِقْدَامِ، إِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ السَّاحِبُونَ النَّاحِلُونَ الدَّابِلُونَ، ذَابِلَةٌ شِفَاهُهُمْ ... إِذَا جَنَّتْهُمْ اللَّيْلُ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ فِرَاشًا، وَاسْتَقْبَلُوا الْأَرْضَ بِجِبَاهِهِمْ، كَثِيرٌ سَجُودُهُمْ، كَثِيرَةٌ دُمُوعُهُمْ، كَثِيرٌ دُعَاؤُهُمْ، كَثِيرٌ بَكَائُهُمْ، يَفْرَحُ النَّاسُ وَهُمْ يَحْزَنُونَ . (2) 695. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: قَالَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أُوتِينَا مَا أُوتِيَ النَّاسُ وَمَا لَمْ يُؤْتُوا، وَعَلَّمْنَا مَا عَلَّمَ النَّاسُ وَمَا لَمْ يُعَلَّمُوا، فَلَمْ نَجِدْ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ فِي الْغَيْبِ وَالْمَشْهَدِ، وَالْقَصْدِ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ، وَكَلِمَةِ الْحَقِّ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ، وَالتَّضَرُّعِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ . (3) .

-
- 1- .الإرشاد: ج 1 ص 237، صفات الشيعة: ص 89 ح 20 عن السندي بن محمّد، الأمالى للطوسى: ص 216 ح 377، نهج البلاغة: الخطبة 121 نحوه، بحار الأنوار: ج 77 ص 403 ح 30؛ المعيار والموازنة: ص 241 .
- 2- .الخصال: ص 444 ح 40، صفات الشيعة: ص 88 ح 19 نحوه وكلاهما عن أبي المقدم، مشكاة الأنوار: ص 150 ح 363، روضة الواعظين: ص 322، بحار الأنوار: ج 68 ص 149 ح 2 .
- 3- .الخصال: ص 241 ح 91 عن سفيان بن نجیح، مشكاة الأنوار: ص 530 ح 1781، جامع الأحاديث للقمي: ص 223، روضة الواعظين: ص 493 وفيها «المغيب» بدل «الغيب»، بحار الأنوار: ج 93 ص 381 ح 5 .

694. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام در وصف پیروان اهل بیت علیهم السلام: رنگ رخسارشان از شب خیزی زرد است ... ، لبانشان از بسیاری دعا ، خشکیده است و گرد خاکساران بر [چهره] آنان است. 695. عنه صلی الله علیه و آله: امام باقر علیه السلام به عمرو بن ابی مقدم: ای ابو مقدم! پیروان علی ، پریده رنگ و نزار و تکیده اند ، لبانشان خشکیده است چون تاریکی شب ، آنان را فراگیرد ، زمین را فرش خود می سازند و پیشانی هایشان را بر خاک می گذارند . بسیار سجده می کنند ، فراوان اشک می ریزند ، فراوان دعا می کنند و فراوان می گیرند . در حالی که مردم شادند ، آنان ، اندوهناک اند. 694. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام باقر علیه السلام: سلیمان بن داوود علیه السلام گفت : «آنچه به مردم داده شده و نشده است ، به ما داده شد و آنچه به مردم آموخته شده و نشده است ، به ما آموخته شد . با این وصف ، چیزی برتر از خدا ترسی در نهان و آشکار ، میانه روی در توانگری و ناداری ، حق گویی در حال خوشی و خشم ، و زاری به درگاه خداوند عز و جل در همه حال ، نیافتیم» . .

1 / 3 التَّقْدُمُ فِي الدُّعَاءِ 691. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: أَحْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظَكَ، وَأَحْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ أَمَامَكَ ، تَعْرِفْ إِلَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلْفَى الرَّخَاءِ يَعْرِفَكَ فِي الشَّدَّةِ ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ ، وَإِذَا اسْتَعْنَتَ فَاسْتَعِنِ بِاللَّهِ عِزَّ وَجَلْ . (1) 693. الإمام الصادق عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْتَجِيبَ اللَّهُ لَهُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ وَالْكَرْبِ ، فَلْيَكْثِرِ الدُّعَاءَ فِي الرَّخَاءِ . (2) 692. عنه صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا ذَكَرَ الْعَبْدُ رَبَّهُ عِزَّ وَجَلْ فِي الرَّخَاءِ ، أَغَاثَهُ عِنْدَ الْبَلَاءِ . (3) 691. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثٌ يُدْرِكُ بِهِنَّ الْعَبْدُ رَغَائِبَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ : الصَّبْرُ عَلَى الْبَلَايَا ، وَالرِّضَاءُ بِالْقَضَاءِ ، وَالِدُّعَاءُ فِي الرَّخَاءِ . (4) 690. تفسير القمى (_ در داستان موسى عليه السلام و قارون _) عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثٌ مِّنْ رُّزْقِهِنَّ فَقَدْ رُزِقَ خَيْرَ الدَّارَيْنِ : الرِّضَا بِالْقَضَاءِ ، وَالصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ ، وَالِدُّعَاءُ فِي الرَّخَاءِ . (5) .

- 1- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 412 ح 5900 عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عن الفضل بن العباس ، الأمامي للطوسي : ص 536 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 377 ح 2661 كلاهما عن أبي ذر ، عده الداعي : ص 121 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 314 ح 19؛ المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 623 ح 6303 و ص 624 ح 6304 وليس فيه من «إذا سألت...» وكلاهما عن ابن عباس ، كنز العمال : ج 16 ص 136 ح 44165 نقلاً عن ابن بشران عن فاطمة بنت الحسين عن أبيها عن جدّها الإمام عليّ عليهم السلام .
- 2- . سنن الترمذى : ج 5 ص 462 ح 3382 ، مسند أبي يعلى : ج 6 ص 42 ح 6365 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 729 ح 1997 ، تاريخ بغداد : ج 1 ص 414 و ج 8 ص 399 كلّها عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 2 ص 78 ح 3220 ؛ الكافي : ج 2 ص 472 ح 4 عن سماعة عن الإمام الصادق عليه السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 11 ح 1999 عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه ، الدعوات : ص 19 ح 9 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 312 ح 17 .
- 3- . الدعاء للطبراني : ص 35 ح 46 ، حلية الأولياء : ج 1 ص 270 وفيه «أنجاه في البلاء» بدل «أغاثته عند البلاء» وكلاهما عن شدّاد بن أوس ، كنز العمال : ج 12 ص 464 ح 35559 نقلاً عن ابن عساكر وفيه «أعانه» بدل «أغاثته»؛ بحار الأنوار : ج 15 ص 399 ح 27 عن شدّاد بن أوس وفيه «أجابه» .
- 4- . كنز العمال : ج 15 ص 808 ح 43211 نقلاً عن أبي الشيخ عن عمران بن حصين .
- 5- . مسكّن الفؤاد : ص 49 عن ابن مسعود ، الدعوات : ص 121 ح 289 نحوه ، بحار الأنوار : ج 82 ص 138 ح 22 .

1 / 3 پیش دستی کردن در دعا

1 / 3 پیش دستی کردن در دعا 687. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدا را پاس بدار، تا تو را پاس بدارد و خدا را پاس بدار، تا او را در برابر خود بیایی. در هنگام آسایش خدا را بشناس، تا در هنگام سختی، او تو را بشناسد. هرگاه چیزی خواستی، از خدا بخواه و هرگاه کمکی طلبیدی، از خداوند عز و جل بطلب. 690. تفسیر القمّی (_ فی خَبَرِ موسی علیه السلام وقارونَ _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که خوش دارد که خداوند، در سختی ها و گرفتاری ها دعایش را بپذیرد، در هنگام آسایش و خوشی، بسیار دعا کند. 689. کنز الفوائد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه بنده در هنگام آسایش، پروردگارش را یاد کند، خداوند، در هنگام رنج و گرفتاری به یاری اش می آید. 688. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز است که بنده، به واسطه آنها به خواست های دنیا و آخرت می رسد: شکیبایی در گرفتاری ها، خرسندی به قضای الهی، و دعا کردن در هنگام برخورداری. 687. الإمام الصادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز است که روزی هر کس شود، خیر هر دو سرا روزی او شده است: خرسندی به قضای الهی، شکیبایی بر بلا، و دعا کردن در هنگام آسایش.

686. امام زين العابدين عليه السلام (_ در زیارت «امين الله» _) عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ يُونُسَ النَّبِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ نَادَى وَهُوَ فِي بَطْنِ الْحَوْتِ، قَالَ: اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. فَأَقْبَلَتِ الدَّعْوَةَ تَحِنُّ (1) بِالْعَرْشِ. فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ هَذَا صَوْتُ ضَعِيفٍ مَعْرُوفٍ مِنْ بِلَادِ غَرْبِيَّةِ!

قال: أما تعرفون ذلك؟ قالوا: يا ربنا من هو؟

قال: ذلك عبدى يونس. قالوا: عبدك يونس الذى لم تزل ترفع له عملاً متقبلاً ودعوةً مجابةً؟

قال: نعم. قالوا: يا رب، أفلا ترحم ما كان يصنع فى الرخاء فتنجيه من البلاء؟

قال: بلى. قال: فأمر الحوت فطرحته بالعراء. (2) 685. امام زين العابدين عليه السلام (_ در «مناجات اميدواران» _) الإمام على عليه السلام: تَقَدَّمُوا بِالْأَدْعَاءِ قَبْلَ نُزُولِ الْبَلَاءِ. (3) 684. بحار الأنوار: عنه عليه السلام: ما من أحدٍ ابتلى _ وإن عظمت بلواه _ بأحق بالدعاء من المُعافَى الذى لا يأمنُ البلاء. (4).

1- كذا، وفى كتاب الفرج بعد الشدة: «تحف» وفى كنز العمال عنه: «نحو».

2- الدعاء للطبرانى: ص 35 ح 47، الفرج بعد الشدة لابن أبى الدنيا: ص 29 ح 32، البداية والنهاية: ج 1 ص 234 كلها عن أنس، كنز العمال: ج 12 ص 477 ح 35576.

3- الخصال: ص 618 ح 10 عن أبى بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 108، جامع الأخبار: ص 365 ح 1015، بحار الأنوار: ج 93 ص 380 ح 1.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 399 ح 5857 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الأمالى للصدوق: ص 337 ح 395 كلاهما عن إسحاق بن عمّار، عدّة الداعى: ص 12، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 166، روضة الواعظين: ص 358، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 13 ح 2014 وفيه «الذى يأمن البلاء»، نهج البلاغة: الحكمة 302، الدعوات: ص 21 ح 23 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 93 ص 380 ح 2.

683. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یونس پیامبر علیه السلام آن گاه که در شکم ماهی صدا زد، گفت: بار خدایا! معبودی جز تو نیست. وارسته ای تو! من، خود از ستمکاران بودم.

این دعا، عرش را به شفقت آورد. فرشتگان گفتند: بار پروردگارا! این آوایی ضعیف و آشنا از سرزمینی غریب است!

خداوند فرمود: «او را نمی شناسید؟».

گفتند: او کیست، ای پروردگار ما؟

فرمود: «او بنده من، یونس است».

فرشتگان گفتند: همان بنده ات یونس که همواره، هر عمل او را فراز می آوردی و می پذیرفتی و دعایش را اجابت می کردی؟

فرمود: «آری».

گفتند: پروردگارا! آیا به [سبب] آنچه در هنگام آسایش انجام می داد، رحم نمی آوری و او را از بلا نمی رهایی؟

فرمود: «چرا» و به ماهی دستور داد تا او را در خشکی افکند. 682. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: پیش از نازل شدن بلا، دعا کنید. 681. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: هیچ بلازده ای، هرچند گرفتاری او بزرگ باشد، به دعا کردن سزاوارتر از کسی نیست که در عافیت به سر می برد، اما از بلا ایمن نیست. .

680. امام على عليه السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام: لَمْ أَرِ مِثْلَ التَّقَدُّمِ فِي الدُّعَاءِ؛ فَإِنَّ الْعَبْدَ لَيْسَ يَحْضُرُهُ الْإِجَابَةُ فِي كُلِّ وَقْتٍ .
 (1) 679. عدّة الداعي: عنه عليه السلام: مَنْ تَقَدَّمَ فِي الدُّعَاءِ قَبْلَ أَنْ يَنْزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ اسْتُجِيبَ لَهُ إِذَا نَزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ، وَمَنْ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الدُّعَاءِ ثُمَّ نَزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ . (2) 686. عنه عليه السلام (_ في زيارة أمين الله _) عنه عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ _ تَبَارَكَ وَتَعَالَى _ إِلَى دَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا دَاوُودُ، اذْكُرْنِي فِي أَيَّامِ سَرَائِكَ، كَيْ اسْتَجِيبَ [لَكَ (3)] فِي أَيَّامِ صَرَائِكَ . (4) 685. الإمام زين العابدين عليه السلام (_ في مُنَاجَاةِ الرَّاجِيْنَ _) عنه عليه السلام _ مِنْ دُعَائِهِ عِنْدَ الشَّدَّةِ _ : اللَّهُمَّ ... اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَدْعُوكَ مُخْلِصًا فِي الرَّخَاءِ، دُعَاءَ الْمُخْلِصِينَ الْمُضْطَرِّينَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ . (5) 684. بحار الأنوار: الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ دُعَاؤُهُ فِي الرَّخَاءِ نَحْوًا مِنْ دُعَائِهِ فِي الشَّدَّةِ، لَيْسَ إِذَا أُعْطِيَ فَتَرَ! فَلَا تَمَلَّ الدُّعَاءَ؛ فَإِنَّهُ مِنَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلِيمٌ كَانِ . (6) .

- 1- الإرشاد: ج 2 ص 151، كشف الغمّة: ج 2 ص 300 كلاهما عن عمر بن عليّ، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 164 وفيه «المقدم» بدل «التقدم»، بحار الأنوار: ج 95 ص 221 ح 19؛ تاريخ دمشق: ج 41 ص 382 عن عمر بن عليّ نحوه .
- 2- فلاح السائل: ص 107 ح 45 عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن أبي الحسن عليه السلام، بحار الأنوار: ج 93 ص 382 ح 9 .
- 3- ما بين المعقوفين ليس في المصدر وأثبتناه من قصص الأنبياء كما يقتضيه السياق .
- 4- الجعفریات: ص 215 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، قصص الأنبياء: ص 198 ح 252، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 10 ح 1991 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 93 ص 381 ح 6 .
- 5- الصحيفة السجّادية: ص 96 الدعاء 22 .
- 6- الكافي: ج 2 ص 488 ح 1، قرب الإسناد: ص 386 ح 1358 وفيه «ابتلى» بدل «أعطى» وكلاهما عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، عدّة الداعي: ص 186، بحار الأنوار: ج 93 ص 367 ح 1 .

683. عنه عليه السلام: امام زین العابدین علیه السلام: چیزی مانند پیش دستی در دعا کردن ندیدم؛ چرا که اجابت دعا، همیشه برای بنده حاضر نیست. (1) 682. عنه عليه السلام: امام زین العابدین علیه السلام: هر کس پیش از آن که بلا [و گرفتاری] بر او فرود آید، دعا کند، در آن هنگام که بلا بر وی نازل گردد، دعایش مستجاب می شود و هر کس پیش تر دعا نکند و بعد، بلا بر او نازل گردد، دعایش مستجاب نمی شود. 681. عنه عليه السلام: امام زین العابدین علیه السلام: خداوند - تبارک و تعالی - به داوود علیه السلام وحی فرمود: «ای داوود! در روزهای خوشی ات مرا یاد کن، تا در روزهای رنج و ناخوشی ات، تو را پاسخ گویم». 680. الإمام علیّ علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام - از دعای ایشان در هنگام سختی ها - : بار خدایا! ... مرا از آنانی قرار ده که در هنگام آسایش، مخلصانه تو را می خوانند، آن سان که در ماندگان از سرِ اخلاص تو را می خوانند، که به راستی، تو ستوده صفات و بزرگواری. 679. عدّة الداعی: امام رضا علیه السلام: ابو جعفر (امام باقر) علیه السلام پیوسته می فرمود: «مؤمن، باید دعا کردنش در هنگام آسایش، همانند دعا کردنش در هنگام سختی باشد، نه این که هرگاه به او عطا شد، [در دعا کردن] سست شود. پس، از دعا کردن خسته مشو؛ چرا که دعا، نزد خداوند عز و جل جایگاهی والا دارد»..

1- . یعنی این گونه نباشد که صبر کنید هر گاه گرفتاری و بلایی بر شما نازل شد، برای رفع آن دعا کنید؛ زیرا معلوم نیست که در آن هنگام، دعایتان اجابت شود؛ بلکه پیش از آن، همواره دعا کنید تا شاید در وقتی مناسب پذیرفته گردد و بلایی بر شما نازل نشود (م).

678. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ تَخَوَّفَ مِنْ بَلَاءٍ يُصِيبُهُ فَتَقَدَّمَ فِيهِ بِالدُّعَاءِ ، لَمْ يُرِهِ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْبَلَاءُ أَبَدًا . (1) 677. تحف العقول (_ در مناجات خداوند عز و جل با موسی علیه السلام _) عنه علیه السلام : إِنَّ الدُّعَاءَ فِي الرَّخَاءِ يَسْتَنْجِرُ الْحَوَائِجَ فِي الْبَلَاءِ . (2) راجع : ص 76 ح 91 و 92 . ص 82 (بركات الدعاء / دفع البلاء) . ص 100 (ذم من لا يدعو إلا عند نزول البلاء) .

1- .الكافي : ج 2 ص 472 ح 2 ، فلاح السائل : ص 77 ح 13 وفيه «فيقوم فيه» بدل «فتقدم فيه» وكلاهما عن عنبسة ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 10 ح 1992 و ص 239 ح 2578 ، عدّة الداعي : ص 121 ، طب الأئمة لابني بسطام : ص 15 عن محمد بن سنان نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 299 ح 34 .

2- .الكافي : ج 2 ص 472 ح 3 ، عدّة الداعي : ص 121 كلاهما عن هارون بن خارجة ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 9 ح 1990 وفيه «لينجز» بدل «يستخرج» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 339 ح 11 .

677. تحف العقول (_ مِنْ مُنَاجَاةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَام) امام صادق عليه السلام : هر کس بترسد بلایی به او برسد و قبل از آن دعا کند ، خداوند عز و جلهرگز آن بلا را به او نشان نمی دهد. 676. الکافی (_ به نقل از علی بن اسباط ، از معصومان علیهم السلا) امام صادق علیه السلام : دعا کردن در هنگام آسایش ، نیازهای هنگام گرفتاری را برمی آورد. ر . ک : ص 77 ح 91 و 92 . ص 83 (برکت های دعا / دور کردن بلا) . ص 101 (نکوهش کسی که جز در هنگام گرفتار آمدن به بلا ، دعا نمی کند).

الباب الثاني : فضل الدعاء 2 / 1 مُخَّ الْعِبَادَةِ الْكِتَابُ «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» . (1)

الحديث 674. عنه عليه السلام : رسول الله صلى الله عليه وآله : الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ (2) . (3) 673. الإمام الصادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه وآله : الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ ، وَلَا يَهْلِكُ مَعَ الدُّعَاءِ أَحَدٌ . (4) 672. عنه صلى الله عليه وآله : عنه صلى الله عليه وآله : إِفْرَعُوا إِلَى اللَّهِ فِي حَوَائِجِكُمْ ، وَالْجَوُّوا إِلَيْهِ فِي مُلِمَاتِكُمْ (5) ، وَتَضَرَّعُوا إِلَيْهِ وَادْعُوهُ ؛ فَإِنَّ الدُّعَاءَ مُخُّ الْعِبَادَةِ . (6) .

1- . غافر : 60 . والداخِر : الدليل المهان (النهاية : ج 2 ص 107 «دخر») .

2- . مخَّ الشيء : خالسه . أى محض العبادة وخالصها (النهاية : ج 4 ص 305 «مخخ») .

3- . سنن الترمذى : ج 5 ص 456 ح 3371 ، الفردوس : ج 2 ص 224 ح 3087 كلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج 2 ص 62 ح 3114 ؛ عدَّة الداعى : ص 24 ، إرشاد القلوب : ص 148 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 302 ح 39 .

4- . الدعوات : ص 18 ح 8 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 300 ح 37 .

5- . المُلَمَّةُ : النازلة من نوازل الدنيا (الصحيح : ج 5 ص 2032 «لمم») .

6- . عدَّة الداعى : ص 34 ، أعلام الدين : ص 278 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 302 ح 39 .

باب دوم : ارزش دعا

1 / 2 مغز عبادت

باب دوم : ارزش دعا 1 / 2 مغز عبادتقرآن «و پروردگارتان فرمود : مرا بخوانید تا پاسختان دهم . همانا کسانی که از عبادت من گردن فرازی می کنند ، به زودی با خواری به دوزخ درمی آیند» .

حدیث 670. عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دعا ، مغز عبادت است . 669. عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دعا ، مغز عبادت است و با وجود دعا کردن ، هیچ کس هلاک نمی شود . 668. عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در نیازهایتان ، دست به دامن خدا شوید و در گرفتاری هایتان به او پناه ببرید و به درگاهش زاری کنید و او را بخوانید ؛ زیرا دعا ، مغز عبادت است .

667. عنه صلى الله عليه وآله (_ فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا بَعَثَ) سنن الترمذى عن النعمان بن بشير: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: الدُّعَاءُ (1) هُوَ الْعِبَادَةُ. ثُمَّ قَرَأَ: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» . (2) / 2 أفضلُ العِبَادَةِ الكتابُ «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» . (3)

الحديث 663. صحيح مسلم (_ به نقل از ابو مالك ، از پدرش (كه شنيد پیامبر صل) الإمام الباقر عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ : «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» قَالَ : هُوَ الدُّعَاءُ ، وَأَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ . (4) 662. المستدرک (_ به نقل از سهل بن سعد (درباره پیامبر صلى الله على) رسول الله صلى الله عليه وآله : أفضلُ العِبَادَةِ الدُّعَاءُ . (5) .

1- . في المصادر الأخرى : «إِنَّ الدُّعَاءَ . . .» .

2- . سنن الترمذى : ج 5 ص 374 ح 3247 و ص 456 ح 3372 ، سنن أبي داود : ج 2 ص 76 ح 1479 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1258 ح 3828 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 373 ح 18380 و ص 391 ح 18463 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 667 ح 1802 ، كنز العمال : ج 2 ص 62 ح 3113 و ص 67 ح 3151 .

3- . غافر : 60 .

4- . الكافي : ج 2 ص 466 ح 1 ، مجمع البيان : ج 8 ص 823 ، جامع الأحاديث للقمي : ص 188 كلها عن زرارة ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 166 عن الإمام الصادق عليه السلام وفيهما «وأفضل العباداة الدعاء وإياه عنى» ، بحار الأنوار : ج 73 ص 189 .

5- . عدّة الداعى : ص 35 ، إرشاد القلوب : ص 148 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 302 ح 39؛ الجامع الصغير : ج 1 ص 170 ح 1129 نقلاً عن الموهبى فى العلم عن يحيى بن أبى كثير ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 667 ح 1805 عن ابن عبّاس من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه وآله ، كنز العمال : ج 2 ص 64 ح 3134 .

2 / 2 برترین عبادت

663. صحیح مسلم عن أبي مالك عن أبيه (_ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ) سنن الترمذی_ به نقل از نعمان بن بشیر_ : از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید : «دعا ، همان عبادت است» . سپس ، این آیه را خواند : « (و پروردگارتان فرمود : مرا بخوانید تا پاسختان دهم . همانا کسانی که از عبادت من گردن فرازی می کنند ، به زودی با خواری به دوزخ در می آیند» . 2 / 2 برترین عبادتقرآن» و پروردگارتان فرمود : مرا بخوانید تا پاسختان دهم . همانا کسانی که از عبادت من گردن فرازی می کنند ، به زودی با خواری به دوزخ در می آیند»

حدیث 657. بصائر الدرجات (_ به نقل از ابن سنان _) امام باقر علیه السلام : خداوند عز و جل می فرماید : «کسانی که از عبادت من گردن فرازی می کنند ، به زودی با خواری به دوزخ در می آیند» . مقصود از عبادت ، دعاست . دعا کردن ، برترین عبادت است . 661. عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برترین عبادت ، دعا کردن است.

660. الإمام الصادق عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: أشرفُ العبادةِ الدعاءُ . (1) 659. معانى الأخبار: عنه صلى الله عليه وآله: ليسَ شَيْءٌ أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الدُّعَاءِ . (2) 658. الإمام الصادق عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: ليسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ . (3) 657. بصائر الدرجات عن ابن سنان عن الإمام الصادق عليه آله (_ أَنَّهُ لَمَّا دَعَا عَلَى دَاوُدَ بْنِ عَلِيٍّ _) الإمام عليّ عليه السلام: أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ، وَأَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعَفَافُ . (4) 656. امام على عليه السلام: عنه عليه السلام _ لَمَّا سَأَلَ بِلَّ: أَيُّ عَمَلٍ أَنْجَحُ؟ _: طَلَبُ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . (5) 655. امام كاظم عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام _ لَمَّا سُئِلَ: أَيُّ الْعِبَادَةِ أَفْضَلُ؟ _: مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ وَيُطْلَبَ مِمَّا عِنْدَهُ، وَمَا أَحَدٌ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِمَّنْ يَسْتَكْبِرُ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْأَلُ مَا عِنْدَهُ . (6) .

- 1- الأذب المفرد: ص 214 ح 713 عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 2 ص 62 ح 3115 .
- 2- سنن الترمذى: ج 5 ص 455 ح 3370، سنن ابن ماجة: ج 2 ص 1258 ح 3829، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 288 ح 8756، الأذب المفرد: ص 214 ح 712، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 666 ح 1801 كلّها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 2 ص 66 ح 3143؛ الدعوات: ص 20 ح 20، جامع الأخبار: ص 363 ح 1010، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 7 ح 1975، بحار الأنوار: ج 93 ص 294 ح 23 .
- 3- الكافى: ج 4 ص 21 ح 4 عن إبراهيم بن عثمان عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 70 ح 1755، تحف العقول: ص 282 عن الإمام زين العابدين عليه السلام، المحاسن: ج 1 ص 455 ح 1051 عن أبي حمزة، جامع الأحاديث للقمي: ص 183 كلاهما عن الإمام الباقر عليه السلام، غرر الحكم: ح 9604، بحار الأنوار: ج 93 ص 292 ح 16؛ حلية الأولياء: ج 3 ص 188، تاريخ دمشق: ج 54 ص 293 كلاهما عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام، كنز العمال: ج 16 ص 259 ح 44364 .
- 4- الكافى: ج 2 ص 467 ح 8، عدّة الداعى: ص 33 كلاهما عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 9 ح 1985، فلاح السائل: ص 72 ح 4 عن عبد الله بن ميمون القدّاح عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عنه عليهم السلام، جامع الأخبار: ص 364 ح 1011 وزاد فى آخره «ثم تلا هذه الآية: «قُلْ مَا يَعْجُبُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»، جامع الأحاديث للقمي: ص 183 عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهما السلام وليس فيه ذيله، بحار الأنوار: ج 93 ص 297 ح 24 .
- 5- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 383 ح 5833، معانى الأخبار: ص 198 ح 4، الأمالى للصدوق: ص 478 ح 644 كلّها عن عبد الله بن بكر المرادى عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، جامع الأحاديث للقمي: ص 175 عن الإمام الكاظم عن آبائه عنه عليهم السلام، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 174 عن الإمام زين العابدين عليه السلام، بحار الأنوار: ج 77 ص 377 ح 1 .
- 6- الكافى: ج 2 ص 466 ح 2، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 7 ح 1976، مجمع البيان: ج 8 ص 823 كلّها عن حنان بن سدير عن أبيه، عدّة الداعى: ص 33 عن حنان بن سدير وفيها «أحبّ» بدل «أفضل»، عوالى اللآلى: ج 4 ص 19 ح 49 عن سدير الصيرفى، بحار الأنوار: ج 93 ص 294 ح 23 .

654. الكافی (_ به نقل از ابو بصیر _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ارجمندترین عبادت ، دعا کردن است . 653. الكافی (_ به نقل از محمّد بن مسلم و زرارہ _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ چیز در نزد خداوند متعال ، گرامی تر از دعا نیست . 656. الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ چیز نزد خداوند عز و جل محبوب تر از آن نیست که از او درخواست شود . 655. الإمام الکاظم علیه السلام : امام علی علیه السلام : محبوب ترین کارها نزد خداوند عز و جل در زمین ، دعا کردن است و برترین عبادت ، خویشنداری است . 654. الكافی عن أبي بصير : امام علی علیه السلام _ در پاسخ به این پرسش که : کدام کار ، نجات بخش تر است ؟ _ : طلب آنچه که نزد خداوند عز و جلاست . 653. الكافی عن محمد بن مسلم و زرارہ : امام باقر علیه السلام _ در پاسخ به این پرسش که : کدام عبادت ، برتر است ؟ _ : هیچ چیز در پیشگاه خداوند عز و جل برتر از این نیست که از آنچه نزد اوست ، درخواست شود و هیچ کس نزد خداوند ، منفورتر از کسی نیست که از عبادت او کبر می ورزد و از آنچه در نزد اوست درخواست نمی کند .

2 / 3 أفضل من كثرة القراءة والصلاة 650. امام صادق عليه السلام: مستطرفات السرائر عن بريد العجلي: قلت لأبي جعفر عليه السلام: أيهما أفضل في الصلاة، كثرة القراءة، أو طول اللبث في الركوع والسجود؟

قال: فقال: كثرة اللبث في الركوع والسجود في الصلاة أفضل، أما تسمع لقول الله عز وجل: «فَأَقْرءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» (1)، إنما عني بإقامة الصلاة طول اللبث في الركوع والسجود. قال: قلت: فأيهما أفضل كثرة القراءة أو كثرة الدعاء؟

فقال عليه السلام: كثرة الدعاء أفضل، أما تسمع لقول الله تعالى لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «قُلْ مَا يَعْجُبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ». (2) 649. امام علي عليه السلام: تهذيب الأحكام عن معاوية بن عمّار: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: رجّلان (3) افتتحا الصلاة في ساعة واحدة، فتلا هذا القرآن فكانت تلاوته أكثر من دعائه، ودعا هذا أكثر فكان دعائه أكثر من تلاوته، ثم انصرفا في ساعة واحدة، أيهما أفضل؟

قال: كل فيه فضل، كل حسن. قلت: إني قد علمت أن كلا حسن وأن كلا فيه فضل.

فقال: الدعاء أفضل، أما سمعت قول الله عز وجل: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»؟! هي والله العبادة، هي والله أفضل، هي والله العبادة، هي والله العبادة، أليست هي أشدهن؟! هي والله أشدهن، هي والله أشدهن. (4).

1- المزمّل: 20.

2- مستطرفات السرائر: ص 88 ح 38، فلاح السائل: ص 80 ح 17، عدّة الداعي: ص 14 وفيه من «فأيهما أفضل»، بحار الأنوار: ج 93 ص 299 ح 30.

3- في المصدر: «رجلين»، والصواب ما أثبتناه.

4- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 104 ح 394، فلاح السائل: ص 79 ح 16، عدّة الداعي: ص 35، مستطرفات السرائر: ص 21 ح 1، دعائم الإسلام: ج 1 ص 166 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 93 ص 298 ح 29.

2 / 3 برتری زیاد خواندن دعا بر زیاد خواندن قرآن و نمازهای مستحبی

2 / 3 برتری زیاد خواندن دعا بر زیاد خواندن قرآن و نمازهای مستحبی 650. الإمام الصادق علیه السلام: مستطرفات السرائر. به نقل از بُرید عجلی: به امام باقر علیه السلام گفتم: کدام یک در نماز فضیلتش بیشتر است: قرائتِ بسیار یا طول دادن رکوع و سجود؟

فرمود: «طول دادن رکوع و سجود در نماز، فضیلتش بیشتر است. آیا این فرموده خداوند عز و جل را نشنیده ای که: «پس، هرچه از آن (قرآن) میسر شد، بخوانید و نماز را بر پا دارید»؟ مقصود از بر پا داشتن نماز، طول دادن رکوع و سجود است.»

گفتم: قرائتِ بسیار، فضیلتش بیشتر است یا دعای بسیار؟

فرمود: «دعای بسیار، فضیلتش بیشتر است. آیا این سخن خداوند متعال به پیامبرش را نشنیده ای که: «بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگرم هیچ اعتنایی به شما نمی کند»؟». 649. الإمام علی علیه السلام: تهذیب الأحكام. به نقل از معاویه بن عمّار: به امام صادق علیه السلام گفتم: دو نفر، هم زمان شروع به خواندن نماز می کنند. یکی تلاوتِ قرآنش بیشتر از دعا کردن اوست و دیگری، دعا کردنش بیشتر از تلاوتش است و هر دو، هم زمان، نماز را به پایان می برند. کدام یک فضیلتشان بیشتر است؟

فرمود: «هر دو فضیلت دارد. هر دو خوب است.»

گفتم: من هم می دانم که هر دو خوب است و هر دو فضیلت دارد.

فرمود: «دعا، فضیلتش بیشتر است. مگر نشنیده ای این سخن خداوند عز و جل را که: «و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانید تا پاسختان دهم. همانا کسانی که از عبادت من گردن فرازی می کنند، به زودی با خواری به دوزخ در می آیند»؟! به خدا سوگند که دعا، عبادت است. به خدا سوگند که دعا، برتر است. به خدا سوگند که دعا، برتر است. مگر دعا، عبادت نیست؟! به خدا سوگند که دعا، عبادت است. به خدا سوگند که آن، عبادت است. مگر دعا، قوی ترین عبادت نیست؟! به خدا سوگند که دعا، قوی ترین عبادت است. به خدا سوگند که آن، قوی ترین عبادت است.»

648. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : تهذیب الأحكام عن عبيد بن زرارة عن الإمام الصادق عليه السلام_ أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ رَجُلَيْنِ قَامَ أَحَدُهُمَا يُصَلِّي حَتَّى أَصْبَحَ وَالْآخَرُ جَالِسٌ يَدْعُو ، أَيُّهُمَا أَفْضَلُ ؟ قَالَ _ : الدُّعَاءُ أَفْضَلُ . (1) 647. الدعوات الكبير (_ به نقل از ابن عباس _) الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : قَالَ لِيَ الْعَالِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الدُّعَاءُ أَفْضَلُ مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ ؛ لِإِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ يَقُولُ : « قُلْ مَا يَعْجُبُوكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا » . (2) .

1- . تهذیب الأحكام : ج 4 ص 331 ح 1034 .

2- . الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 345 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 238 ح 2577 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 292 ح

646. الدعاء (_ به نقل از عِکْرِمَه ، در حدیثی که سندش را به معصوم) تهذیب الأحکام _ به نقل از عبید بن زراره _ : از امام صادق علیه السلام پرسیدم : دو نفر ، یکی تا به صبح ، نماز می خواند و دیگری می نشیند و دعا می کند . کدام یک برتر است ؟

فرمود : «دعا کردن ، برتر است» . 645. المصنّف ، عبد الرزّاق (_ به نقل از عِکْرِمَه ، از ابن عبّاس _) الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام : عالم (امام رضا) علیه السلام به من فرمود : «دعا کردن ، برتر از قرآن خواندن است ؛ چرا که خداوند عز و جل می فرماید : «بگو : اگر دعای شما نباشد ، پروردگرم هیچ اعتنایی به شما نمی کند . در حقیقت ، شما به تکذیب پرداخته اید و به زودی [عذاب بر شما] لازم خواهد شد» . . .

توضیحی درباره برتری کثرت دعا بر کثرت قرائت قرآن و نماز

توضیحی درباره برتری کثرت دعا بر کثرت نماز و قرائت قرآن همان طور که ملاحظه شد، حدیث اول و دوم این باب، دلالت دارند بر این که کثرت دعا در نماز، بر کثرت قرائت قرآن، ترجیح دارد و حدیث سوم، دلالت دارد بر این که کثرت دعا مطلقاً بر کثرت نمازهای مستحبی برتری دارد و حدیث چهارم، صراحت دارد در این که مطلقاً دعا، بر مطلقاً قرائت قرآن، مقدم است. در مقابل این احادیث، حدیث دیگری از پیامبر خدا نقل شده که ظاهراً دلالت بر ارجحیت قرائت قرآن بر دعا دارد. متن آن حدیث این است: **أَفْضَلُ عِبَادَةِ أُمَّتِي بَعْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ الدُّعَاءُ، ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»**. **أَلَا تَرَى أَنَّ الدُّعَاءَ هُوَ الْعِبَادَةُ؟ (1)** برترین عبادت امت من، پس از تلاوت قرآن، دعاست. آن گاه، پیامبر خدا این آیه را تلاوت کرد: «مرا بخوانید که شما را اجابت می کنم. همانا کسانی که از پرستش من کبر می ورزند، به زودی، به خواری وارد دوزخ می شوند». مگر نمی بینی که دعا، همان عبادت است؟ همچنین، دسته دیگری از احادیث، به طور مطلق، دلالت بر این دارند که نماز، بهترین چیزی است که در دین در نظر گرفته شده و بدان توصیه شده است

1- الدعوات: ص 19 ح 10، بحار الأنوار: ج 93 ص 300 ح 37.

و هر کسی می تواند به میزان توان و همتش از آن بهره مند گردد؛ (1) اما با تأمل، روشن می شود که تعارضی میان این احادیث نیست و مراد از برتری در این جا برتری مطلق نیست؛ لیکن فهم دقیق این برتری، نیازمند توجه به دو نکته است: 1. قرآن، برنامه زندگی و دستورالعمل همه عبادات و از جمله دعاست و افزون بر این، خواندن بخشی از قرآن در نماز، واجب است. 2. احادیث برتری دعا بر نماز یا قرآن، از پیشوایانی صادر شده که از یک سو، با رویکردی مبتنی بر اعتدال، برای هر یک از دعا و قرآن و نماز واجب و مستحب، در زندگی عملی خود، جایگاهی ویژه قرار داده اند؛ و از سوی دیگر، از چنان مرتبه ای برخوردار هستند که هرگز میان دو کار شایسته و شایسته تر قرار نمی گیرند، مگر آن که شایسته ترین آنها را برمی گیرند. بنا بر این، به قرینه شخصیت گوینده این احادیث، یقیناً مقصود از احادیثی که دعا را بر قرائت ترجیح می دهند، این نیست که بهتر است پیروان قرآن به کلی قرائت این کتاب آسمانی را کنار بگذارند و یا نسبت به آن، اهتمام بلیغی نداشته باشند و به دعا که فضیلت بیشتری دارد پردازند؛ بلکه مقصود، آن است که اگر هر یک از این سه، به میزانی که به طور واجب یا مستحب لازم است، انجام گرفت و آن گاه در فرصتی، امر، دایر بین یکی از این سه بود، دعا مقدم است؛ زیرا پرداختن به دعا - که روح عبادت است و انسان را از استکبار، دور می کند و به فروتنی در برابر حق، و او می دارد - سخت تر از قرائت قرآن است و فضیلت بیشتری دارد.

به دیگر سخن، حدیث اول و دوم و چهارم این باب و حدیث مورد بحث، همه در واقع، یک مطلب را می گویند و آن، این است که پس از ادای مقدار لازم از نماز و قرائت قرآن و پس از برقراری نوعی تعادل در اهتمام به هر یک از این سه، دعا بر قرائت قرآن و نماز مستحبی تقدم دارد. همچنین مقصود از حدیث سوم، برتری دعا بر کثرت نمازهای مستحبی است. گفتنی است که هیچ یک این روایات، بجز حدیث 55، از نظر سند، صحیح نیستند. برخی نیز - در جمع میان روایات یاد شده، در عین تأکید بر نسبی بودن برتری هر یک از دعا یا نماز و قرآن - این احتمال را مطرح می سازند که چه بسا مخاطبان این سه دسته احادیث، متفاوت بوده اند و پیشوایان ما، متناسب با این که کسی دعا یا نماز یا قرآن را در جایگاه شایسته اش مورد عنایت و اهتمام قرار نمی داد، با توصیه و تأکیدی فزون تر و به اصطلاح، به روش «چکش تعادل»، وی را مخاطب می ساختند. از جمله قراین این سخن، آن است که دعا - که مستلزم فروتنی انسان در برابر حق و دوری از استکبار است - عملی است دشوارتر و نیازمند به حالی سخت تر از حال قرائت و نماز. از این رو، دعا، جز در نزد خواص مؤمنان، کمتر مورد توجه و اهتمام بوده است، به خلاف قرآن و نماز که پیوسته مورد توجه توده مسلمانان بوده اند؛ زیرا توصیه های پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام از یک سو و تأکیدات برخی حکام و خلفا برای جا انداختن شعار «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» (1) و کوشش هایی از این قبیل از سوی دیگر، موجب شده اند که در میان امت اسلام، اهتمام به قرآن و نماز، بیش از دعا باشد.

1- به معنای: «کتاب خدا، برای ما کافی است».

2 / 4 سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ 646. الدعاء عن عكرمة يرفع الحديث ، قال :رسول الله صلى الله عليه وآله :إِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ .
 (1)645.المصنّف لعبد الرزّاق عن ابن عباس :عنه صلى الله عليه وآله :الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ ، وَعَمُودُ الدِّينِ ، وَنُورُ السَّمَاوَاتِ
 وَالْأَرْضِ . (2)644.السنن الكبرى عن الزهري :عنه صلى الله عليه وآله :الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ ، وَعَمُودُ الدِّينِ ، وَزَيْنُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ
 وَالْأَرْضِ . (3)643.المستدرک عن ابن عباس :عنه صلى الله عليه وآله :قَاتِلُوا الْعَدُوَّ بِالْأَدْعَاءِ ؛ فَإِنَّهُ أَسْرَعُ فِيهِمْ مِنَ السَّلَاحِ . (4)642. پیامبر
 خدا صلى الله عليه وآله :الإمام الصادق عليه السلام :قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلَا أُدَلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ ، وَيُدْرُ
 أَرْزَاقَكُمْ ؟ قَالُوا : بَلَى .

قَالَ : تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ؛ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ . (5) .

- 1- .ثواب الأعمال : ص 45 ح 1 عن عليّ بن جعفر عن الإمام الكاظم عن الإمام الصادق عليهما السلام ، الدعوات : ص 18 ح 4 ، إرشاد
 القلوب : ص 148 ، جامع الأخبار : ص 363 ح 1008 ، مسند زيد : ص 157 عن الإمام زين العابدين عن الإمام الحسين عن الإمام
 عليّ عليهم السلام وفيهما «الدعاء سلاح المؤمن» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 300 ح 37 .
- 2- .الكافي : ج 2 ص 468 ح 1 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 37 ح 95 عن
 أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 8 ح 1979 ، فلاح
 السائل : ص 73 ح 7 عن السكوني عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 93 ص
 297 ح 26 ؛ المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 669 ح 1812 عن الحسن بن الزبير الهمداني ، مسند أبي يعلى : ج 1 ص 235 ح
 435 عن الحسن بن أبي يزيد الهمداني وكلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ،
 كنز العمال : ج 2 ص 62 ح 3117 .
- 3- .الجعفریات : ص 222 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأحاديث للقمي : ص 78 .
- 4- .جامع الأحاديث للقمي : ص 107 .
- 5- .الكافي : ج 2 ص 468 ح 3 عن السكوني ، فلاح السائل : ص 72 ح 5 عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عليهم السلام عنه
 صلى الله عليه وآله ، ثواب الأعمال : ص 45 ح 1 عن عليّ بن جعفر عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله ،
 مكارم الأخلاق : ج 2 ص 8 ح 1980 ، الجعفریات : ص 222 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه
 «يحصنكم الله» بدل «ينجيكم» ، عدّة الداعي : ص 12 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 297 ح 25؛ مسند أبي يعلى : ج 2 ص 329 ح
 1806 عن جابر بن عبد الله .

2 / 4 سلاح مؤمن 639. تفسیر القمی (_ درباره این سخن خداوند متعال : { Q } «و به درگاه ا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سلاح مؤمن ، دعاست. 638. امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دعا ، سلاح مؤمن ، ستون دین و نور آسمان ها و زمین است. 637. امام باقر علیه السلام (_ درباره این سخن خداوند متعال : { Q } «و به درگاه ا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دعا ، سلاح مؤمن ، عمود دین و زینت بین آسمان و زمین است. 642. رسول الله صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : با دشمن ، با دعا بجنگید ؛ زیرا دعا از اسلحه در آنها کارگتر است . 641. سنن ابی داوود عن سعد بن ابی وقاص : امام صادق علیه السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «آیا شما را به سلاحی رهنمون نشوم که شما را از دشمنانتان می رهاند و بر روزی هایتان می افزاید؟».

گفتند : چرا.

فرمود : «شب و روز ، پروردگارتان را بخوانید ؛ زیرا سلاح مؤمن ، دعاست».

640. سنن أبي داود عن عبد الله بن الزبير: الإمام علي عليه السلام: الدعاء ترس المؤمن، وماتى تكثرت قرع الباب يفتح لك .
 (1) 639. تفسير القمي (_ في قوله تعالى: { Q } « وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ ت) عنه عليه السلام: نعم السلاح الدعاء . (2) 638. الإمام الصادق عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: الدعاء أنفذ من السنن الحديد (3) . (4) 2 / 5 سلاح الأنبياء والأولياء 635. شرح نهج البلاغه: الإمام علي عليه السلام: الدعاء سلاح الأولياء . (5) 636. الكافي عن الكاهلي: الكافي: عن ابن فضال عن بعض أصحابنا عن الرضا عليه السلام أنه كان يقول لأصحابه: عليكم بسلاح الأنبياء . فقيل: وما سلاح الأنبياء؟ قال: الدعاء . (6) 635. شرح نهج البلاغه عن الإمام علي عليه السلام (_ في الحكيم المنسوبة إليه _) الإرشاد عن حارثة بن مضرب: سمعت علي بن أبي طالب عليه السلام يقول: لقد حضرنا بدرًا وما فينا فارس غير المقداد بن الأسود، ولقد رأيتنا ليلة بدر وما فينا إلا من نام غير رسول الله صلى الله عليه وآله؛ فإنه كان منتصبًا بما في أصل شجرة يصلّي ويدعو حتى الصباح . (7) 634. الأمالي، طوسي (_ به نقل از علی بن معمر، از مردی، از جعفی _) الإمام الصادق عليه السلام: إن النبي صلى الله عليه وآله كان إذا بعث برسيرة دعا لها . (8) .

- 1- الكافي: ج 2 ص 468 ح 4 عن ابن القداح عن الإمام الصادق عليه السلام، عدّة الداعي: ص 12؛ كنز العمال: ج 2 ص 612 ح 4885 نقلًا عن الخلعى فى الخلعيات .
- 2- غرر الحكم: ح 9938، عيون الحكم والمواعظ: ص 494 ح 9115 .
- 3- الحديد: أى الحادّ النافذ . قال الجوهري: وقد حدّ السيفُ يحدّ حدّةً: أى صار حادًا وحديدًا (مرآة العقول: ج 12 ص 12) .
- 4- الكافي: ج 2 ص 469 ح 7 عن عبد الله بن سنان وح 6 عن أبي سعيد البجلي وليس فيه «الحديد»، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 12 ح 2005، عدّة الداعي: ص 12، فلاح السائل: ص 73 ح 6 وفيه «السلاح» بدل «السنان»، بحار الأنوار: ج 93 ص 297 ح 25 .
- 5- غرر الحكم: ح 778، عيون الحكم والمواعظ: ص 24 ح 217 .
- 6- الكافي: ج 2 ص 468 ح 5، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 11 ح 2004، بحار الأنوار: ج 93 ص 295 ح 23 .
- 7- الإرشاد: ج 1 ص 73، كشف الغمّة: ج 1 ص 185، بحار الأنوار: ج 19 ص 279 ح 17 .
- 8- الكافي: ج 5 ص 29 ح 7 عن السكوني، بحار الأنوار: ج 19 ص 178 ح 26 .

2 / 5 سلاح پیامبران و اولیا

633. امام صادق علیه السلام: امام علی علیه السلام: دعا، سپرِ مؤمن است و هرگاه دری را بسیار بکوبی، [سرانجام] آن در به رویت باز می شود. 632. صحیح مسلم (_ به نقل از انس _) امام علی علیه السلام: نیکو سلاحی است دعا! 634. الأُمالی للطوسی عن علی بن معمر عن رجل من جعفی: امام صادق علیه السلام: دعا، برّاتر از نیزه تیز است. 2 / 5 سلاح پیامبران و اولیا 631. امام علی علیه السلام (_ در بیان فضایل پیامبر خدا _) امام علی علیه السلام: دعا، اسلحه اولیاست. 630. امام صادق علیه السلام (_ به مردی که گفت: برایم دعا کنید که خداوند، مرا (الکافی _ به نقل از ابن فضال _ : از یکی از شیعیان، از امام رضا علیه السلام روایت شده است که ایشان همواره به یارانش می فرمود: «بر شما باد سلاح پیامبران» .

گفته شد: سلاح پیامبران چیست؟

فرمود: «دعا». 631. الإمام علیّ علیه السلام (_ فی بیان فضائل رسول الله صلی الله علیه) الإرشاد _ به نقل از حارثة بن مضرب _ : از علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که می فرماید: «در جنگ بدر، تنها سواره ما مقداد بن اسود بود. در شب بدر، همه ما خوابیدیم، بجز پیامبر خدا که تا صبح، زیر درختی به نماز و دعا ایستاده بود». 630. الإمام الصادق علیه السلام (_ لِرَجُلٍ قَالَ: ادْعُ اللَّهَ- لِي أَنْ يُغْنِيَنِي ع) امام صادق علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه سپاهی گسیل می داشت، برایش دعا می کرد.

2 / 6 مِنَ الْقَدْرِ 629. الإمام علي عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقِيلَ لَهُ (1): يَا رَسُولَ اللَّهِ رُفِيَ يُسْتَشْفَى بِهَا، هَلْ تَرُدُّ مِنْ قَدْرِ اللَّهِ؟ فَقَالَ: إِنَّهَا مِنْ قَدْرِ اللَّهِ. (2) 628. الدعاء عن أبي الغصين الطائي: سنن الترمذي عن أبي خزيمة عن أبيه: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَرَأَيْتَ رُفِيَ نَسْتَرَقِيهَا وَدَوَاءً تَتَدَاوَى بِهِ وَتُقَاةً تَنْقِيهَا، هَلْ تَرُدُّ مِنْ قَدْرِ اللَّهِ شَيْئًا؟ قَالَ: هِيَ مِنْ قَدْرِ اللَّهِ. (3).

-
- 1- في بحار الأنوار: «قيل لرسول الله» بدل «قال رسول الله صلى الله عليه وآله وقيل له» وهو الأنسب.
 - 2- قرب الإسناد: ص 95 ح 320 عن الإمام الصادق عليه السلام، التوحيد: ص 382 ح 29 عن علي بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 5 ص 87 ح 1.
 - 3- سنن الترمذي: ج 4 ص 399 ح 2065، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 86 ح 87 و ح 88 كلاهما عن حكيم بن حزام، المعجم الكبير: ج 6 ص 47 ح 5468 عن الحارث بن سعد عن أبيه، كنز العمال: ج 10 ص 104 ح 28529 نقلاً عن أبي نعيم عن حكيم بن حزام وليس فيها «وتقاة تنقيها».

2 / 6 جزئی از تقدیر

6 / 2 جزئی از تقدیر 625. المزار الكبير (_ به نقل از ابو بصیر _) امام باقر علیه السلام : از پیامبر خدا سؤال شد : ای پیامبر خدا! این دعاها و افسون هایی که برای طلب شفا به کار می برند ، آیا جلوی تقدیر خدا را می گیرند؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : « آنها ، خود نیز از تقدیر خدایند » . 627. الإمام علیّ علیه السلام : سنن الترمذی _ به نقل از ابو خزامه ، از پدرش _ از پیامبر خدا پرسیدم : ای پیامبر خدا ! آیا این افسون هایی که به خود می بندیم و دارویی که با آن ، مداوا می کنیم و محافظ هایی که برای حفظ خود به کار می بریم ، جلوی تقدیر خدا را می گیرند؟

فرمود : « اینها ، خود از تقدیر خدا هستند » .

الباب الثالث: بركات الدعاء 3 / 1 نجاج الحوائج الكتاب «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ». (1).

الحديث 623. الإمام علي عليه السلام (_ في فضل مسجد الكوفة _) رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ نَزَلَتْ بِهِ فَاقَةٌ فَأَنْزَلَهَا بِالنَّاسِ لَمْ تُسَدِّدْ فَاقَتَهُ ، وَمَنْ نَزَلَتْ بِهِ فَاقَةٌ فَأَنْزَلَهَا بِاللَّهِ فَيُوشِكُ اللَّهُ لَهُ بِرِزْقٍ عَاجِلٍ أَوْ آجِلٍ . (2) 622. الإمام الرضا عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ ، وَمَقَالِيدُ الْفَلَاحِ ، وَخَيْرُ الدُّعَاءِ مَا صَدَرَ عَنِ صَدْرِ نَقِيِّ وَقَلْبِ تَقِيٍّ ، وَفِي الْمُنَاجَاةِ سَبَبُ النَّجَاةِ ، وَبِالْإِخْلَاصِ يَكُونُ الْخَلَاصُ ، فَإِذَا اشْتَدَّ الْفَرْعُ فِإِلَى اللَّهِ الْمَفْرَعُ . (3).

1- . غافر : 60 .

2- . سنن الترمذی : ج 4 ص 563 ح 2326 ، سنن أبي داود : ج 2 ص 122 ح 1645 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 75 ح 3869 و ص 148 ح 4219 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 566 ح 1482 ، السنن الکبری : ج 4 ص 328 ح 7869 کلها عن عبد الله بن مسعود نحوه ، کنز العمال : ج 6 ص 513 ح 16781 .

3- . الکافی : ج 2 ص 468 ح 2 عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام ، عدّة الداعی : ص 164 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 154 نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 341 ح 11 .

باب سوم : برکت های دعا

1 / 3 برآورده شدن حاجت ها

باب سوم : برکت های دعا 1 / 3 برآورده شدن حاجت هاقرآن«و پروردگارتان فرمود : مرا بخوانید تا پاسختان دهم» .

حدیث 618. عِدَّة الداعی : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس نیازمند شود و نیازش را نزد مردم ببرد ، نیازش برطرف نمی گردد و هر کس نیازمند شود و آن را بر خدا عرضه کند ، خداوند ، دیر یا زود ، او را روزی می دهد. 617. امام صادق علیه السلام : امام علی علیه السلام : دعا ، کلیدهای کامیابی و رمزهای رستگاری است و بهترین دعا ، دعایی است که از سینه ای پاک و دلی پارسا برآید. مناجات ، مایه نجات است و اخلاص ، مایه خلاص . پس ، هرگاه هراس و بی تابی بالا گرفت ، به خدا

باید پناه جُست .

616. تهذيب الأحكام (_ به نقل از عبد الله بن فضل هاشمی _) الإمام الصادق عليه السلام: عَلَيكُمْ بِالدُّعَاءِ؛ فَإِنَّ الْمُسْلِمِينَ لَمْ يُدْرِكُوا نَجَاحَ الْحَوَائِجِ عِنْدَ رَبِّهِمْ بِأَفْضَلِ مِنَ الدُّعَاءِ وَالرَّغْبَةِ إِلَيْهِ، وَالتَّصَرُّعِ إِلَى اللَّهِ وَالْمَسْأَلَةِ لَهُ، فَارْعَبُوا فِيمَا رَغَبْتُمْ اللَّهَ فِيهِ، وَأَجِيبُوا اللَّهَ إِلَى مَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ؛ لِيُفْلِحُوا وَتَنْجُوا مِنَ عَذَابِ اللَّهِ. (1) 615. امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام: عنه عليه السلام: كَانَ فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ لَهُ: يَا عَيْسَى... إِنَّكَ تَفْنَى وَأَنَا أَبْقَى، وَمِنِّي رِزْقُكَ وَعِنْدِي مِيقَاتُ أَجْلِكَ، وَإِلَيَّ إِيَابُكَ وَعَلَيَّ حِسَابُكَ، فَسَدِّ لَنِي وَلَا تَسْأَلْ غَيْرِي، فَيَحْسُنَ مِنْكَ الدُّعَاءُ وَمِنِّي الْإِجَابَةُ. (2) 618. عدّة الداعي: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ تَمَنَّى شَيْئًا وَهُوَ لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ رِضَى، لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يُعْطَاهُ. (3) 3 / 2 مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ الْكِتَابِ «وَسْ لُؤَا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا». (4)

«قُلْ مَا يَعْبُؤُكُمْ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ». (5)

«إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ». (6)

-
- 1- الكافي: ج 8 ص 4 ح 1 عن إسماعيل بن جابر وإسماعيل بن مخلد السراج، بحار الأنوار: ج 78 ص 212 ح 93.
 - 2- الأُمالي للصدوق: ص 606 _ 608 ح 841 عن أبي بصير، الكافي: ج 8 ص 131 _ 133 ح 103 عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 14 ص 290 ح 14.
 - 3- النخصال: ص 4 ح 7، ثواب الأعمال: ص 220 ح 1، الأُمالي للصدوق: ص 674 ح 910 كلّها عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الجعفریات: ص 154 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «لم يمت» بدل «لم يخرج»، عدّة الداعي: ص 15، بحار الأنوار: ج 93 ص 365 ح 9.
 - 4- النساء: 32.
 - 5- الفرقان: 77.
 - 6- الطور: 28.

3 / 2 کلید رحمت

611. امام صادق علیه السلام: امام صادق علیه السلام: تا می توانید، دعا کنید؛ زیرا مسلمانان با چیزی برتر از دعا، التماس به خدا، زاری به درگاه او و خواهش از او به نیازهایشان از پروردگارشان نرسیدند. پس، به آنچه خداوند شما را بدان ترغیب کرده است، رغبت ورزید و به آنچه خداوند، شما را به بدان فرا خوانده است، پاسخ دهید تا رستگار شوید و از عذاب الهی برهید. 614. الإمام الباقر علیه السلام: امام صادق علیه السلام: از جمله اندرزهای خداوند - تبارک و تعالی - به عیسی بن مریم علیه السلام آن بود که بدو فرمود: «ای عیسی! ... تو می میری و من، می مانم. روزی ات از من است و سر رسید عمرت، نزد من است. به سوی من باز می گردی و حسابرسی از تو، بر عهده من است. پس، از من بخواه و از غیر من مخواه، تا از تو خوب دعا کردن باشد و از من، پذیرفتن». 613. ثواب الأعمال عن بشیر الدّهان عن الإمام الصادق علیہ السلام: عن الصادق علیه السلام: هر کس چیزی را آرزو کند و آن چیز، مورد رضایت خداوند عز و جلباشد، از دنیا نمی رود تا آن که بدو داده شود. 3 / 2 کلید رحمتقرآن (و از فضل خداوند، از او بخواهید، که خدا به هر چیزی داناست) .

«بگو: اگر دعای شما نباشد پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی کند» .

«ما از پیش، او را می خواندیم، که او نیکوکار و مهربان است» .

الحديث 607. امام صادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: الدُّعَاءُ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ . (1) 606. امام صادق عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: الدُّعَاءُ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ ، وَمِصْبَاحُ الظُّلْمَةِ . (2) 608. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام: مِنْ وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اَعْلَمُ أَنَّ الَّذِي بِيَدِهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ أَذِنَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ ، وَتَكْفَلَ لَكَ بِالْإِجَابَةِ ، وَأَمَرَكَ أَنْ تَسْأَلَهُ لِيُعْطِيكَ وَتَسْتَرْحِمَهُ لِيَرْحَمَكَ ، وَلَمْ يَجْعَلْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ مَنْ يَحْجُبُكَ عَنْهُ ، وَلَمْ يُلْجِئِكَ إِلَى مَنْ يَشْفَعُ لَكَ إِلَيْهِ ... وَفَتَحَ لَكَ بَابَ الْمَتَابِ وَبَابَ الْإِسْتِعْتَابِ ، فَإِذَا نَادَيْتَهُ سَمِعَ نِدَاكَ ، وَإِذَا نَاجَيْتَهُ عَلِمَ نَجْوَاكَ ، فَأَفْضَيْتَ إِلَيْهِ بِحَاجَتِكَ وَأَبْثَثْتَهُ (3) ذَاتَ نَفْسِكَ ، وَشَدَّ كَوْتَ إِلَيْهِ هُمُومَكَ وَاسْتَكْشَفْتَهُ كُرُوبَكَ ، وَاسْتَعْنَتَهُ عَلَى أُمُورِكَ وَسَأَلْتَهُ مِنْ خَزَائِنِ رَحْمَتِهِ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَى إِعْطَائِهِ غَيْرُهُ ؛ مِنْ زِيَادَةِ الْأَعْمَارِ ، وَصِحَّةِ الْأَبْدَانِ ، وَسَعَةِ الْأَرْزَاقِ ، ثُمَّ جَعَلَ فِي يَدَيْكَ مِفْتَاحَ خَزَائِنِهِ ، بِمَا أَذِنَ لَكَ فِيهِ مِنْ مَسْأَلَتِهِ ، فَمَتَى شِئْتَ اسْتَفْتَحْتَ بِالدُّعَاءِ أَبْوَابَ نِعْمَتِهِ ، وَاسْتَمْطَرْتَ شَأْيِبَ (4) رَحْمَتِهِ . (5) 607. عنه عليه السلام: عيسى عليه السلام: فِي مَوَاعِظِهِ لِأَصْحَابِهِ: بِحَقِّ أَقْوَالِكُمْ: إِنَّ الشَّمْسَ نُوْرٌ كُلُّ شَيْءٍ ، وَإِنَّ الْحِكْمَةَ نُوْرٌ كُلُّ قَلْبٍ ، وَالتَّقْوَى رَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ ، وَالحَقُّ بَابُ كُلِّ خَيْرٍ ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ بَابُ كُلِّ حَقٍّ ، وَمِفْتَاحُ ذَلِكَ الدُّعَاءِ وَالتَّصَدُّعُ وَالْعَمَلُ ، وَكَيْفَ يُفْتَحُ بَابُ بَغَيْرِ مِفْتَاحٍ؟! (6) .

- 1- الفردوس: ج 2 ص 224 ح 3086 عن ابن عباس، كنز العمال: ج 2 ص 62 ح 3116 .
- 2- الدعوات: ص 284 ح 5، تحف العقول: ص 86 وليس فيه «ومصباح الظلمة»، بحار الأنوار: ج 93 ص 300 ح 37 .
- 3- يقال: أبثت فلانا سرى: أى أطلعته عليه وأظهرته له (لسان العرب: ج 2 ص 114 «بث»).
- 4- الشأبيب: جمع شؤبوب؛ وهو الدفعة من المطر وغيره (النهاية: ج 2 ص 436 «شأب»).
- 5- نهج البلاغة: الكتاب 31، تحف العقول: ص 75 نحوه، كشف المحجبة: ص 227 عن عمرو بن أبي المقدم عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 93 ص 301 ح 38؛ كنز العمال: ج 16 ص 173 ح 44215 نقلاً عن وكيع والعسكري في المواعظ .
- 6- تحف العقول: ص 512، بحار الأنوار: ج 14 ص 316 ح 17 وفيه «النفس» بدل «الشمس» .

حدیث 605. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دعا ، کلید [دَر] رحمت است. 604. امام باقر علیه السلام : امام علی علیه السلام :دعا ، کلید رحمت و چراغ تاریکی است. 605. الإمام الصادق علیه السلام : امام علی علیه السلام _ از سفارش ایشان به فرزندش حسن علیه السلام _ : بدان همان کسی که گنجینه های آسمان ها و زمین در دست اوست ، به تو اجازه دعا کردن داده است و اجابت آن را برای تو ، بر عهده گرفته و به تو فرموده است که از او بخواهی تا به تو عطا کند و از او طلب رحمت کنی ، تا بر تو رحمت آورد و میان تو و خودش ، حاجبی نگذاشته است و تو را به کسی که نزد او شفاعت و وساطت کند ، حواله نداده است ... و دَر بازگشت و پوزش خواهی را به رویت گشوده است .

پس ، هرگاه او را بخوانی ، صدایت را می شنود و هرگاه با او راز و نیاز کنی ، نجوایت را می داند . پس ، نیازت را به او ابراز می کنی و راز درونت را برایش می گشایی و با او درد دل می کنی و از او می خواهی که غم و اندوهت را بگسارد و در کارهایت از او کمک می خواهی و آنچه را که جز او کسی نمی تواند به تو دهد (مانند طول عمر و تن درستی و گشایش روزی) ، از خزانه های رحمتش درخواست می کنی و او که به تو اجازه درخواست از درگاهش را داده است ، با این کار ، کلیدهای خزانه هایش را به دست تو داده است ، به طوری که هر زمان بخواهی ، می توانی با دعا کردن ، درهای نعمتش را بگشایی و باران های ناگهانی رحمتش را فرو بارانی. 604. الإمام الباقر علیه السلام : عیسی علیه السلام _ در اندرزهایش به یارانش _ : حقیقتی را به شما بگویم : خورشید ،

روشنی بخش هر چیزی است و حکمت ، روشنی بخش هر دلی و خداپرویی ، اساس هر حکمتی و حق ، دَر هر خیری و رحمت خدا ، دَر هر حقی است و کلیدهای آن ، در دعا و زاری و عمل است و چگونه دری بی کلید ، باز شود؟! .

3 / 3 السَّلَامَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ 601. امام زين العابدين عليه السلام: الإمام عليّ عليه السلام: أكثر الدُّعَاءِ تَسْلَمُ مِنْ سَوْرَةِ (1) الشَّيْطَانِ .
 (2) 600. امام عليّ عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ إِبْلِيسُ : خَمْسَةٌ لَيْسَ لِي فِيهِنَّ حِيلَةٌ وَسَائِرُ النَّاسِ فِي قَبْضَتِي : مَنْ اعْتَصَمَ
 بِاللَّهِ عَنِ نِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَاتَّكَلَّ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ ، وَمَنْ كَثُرَ تَسْبِيحُهُ فِي لَيْلِهِ وَنَهَارِهِ ، وَمَنْ رَضِيَ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ بِمَا يَرْضَاهُ لِنَفْسِهِ ، وَمَنْ لَمْ
 يَجْزَعْ عَلَى الْمُصِيبَةِ حِينَ تُصِيبُهُ ، وَمَنْ رَضِيَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ وَلَمْ يَهْتَمَّ لِرِزْقِهِ . (3) 3 / 4 حَيَاةُ الْقَلْبِ 601. الإمام زين العابدين عليه السلام
 :رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لِيُحْيِيَ قَلْبَ الْمُؤْمِنِ بِالْدُّعَاءِ . (4) راجع : ميزان الحكمة : القلب / ما يحيى القلب .

1- .سَوْرَةُ السُّلْطَانِ : سطوته واعتداؤه (الصحاح : ج 2 ص 690 «سور»).

2- .مطالب السُّؤُولِ : ص 55؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 9 ح 14 .

3- .الخصال : ص 285 ح 37 ، مشكاة الأنوار : ص 155 ح 386 ، روضة الواعظين : ص 424 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 177 ح 4 .

4- .الفردوس : ج 1 ص 168 ح 625 عن أنس .

3 / 3 به سلامت ماندن از شیطان**3 / 4 زنده شدن دل**

3 / 3 به سلامت ماندن از شیطان 597. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : بسیار دعا کن تا از گزند شیطان ، در امان بمانی . 596. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : ابلیس گفت : پنج کس اند که مرا به آنها راهی نیست و دیگر مردمان ، در مشیت من اند : کسی که با خلوص نیت به خدا پناه ببرد و در همه کارهایش بر او توکل کند ؛ کسی که شب و روز ، بسیار تسبیح خدا گوید ؛ کسی که برای برادر مؤمنش آن پسندد که برای خود می پسندد ؛ کسی که هرگاه به او مصیبتی برسد ، بی تابی نکند ؛ و کسی که به آنچه خدا قسمت او کرده است ، خرسند باشد و غم روزی اش را نخورد . 3 / 4 زنده شدن دل 597. عنه صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل دل مؤمن را با دعا کردن ، زندگی می بخشد . ر . ک : میزان الحکمة : دل / آنچه دل را زنده می کند .

3 / 5 أنس في الوحشة 593. المزار الكبير: فلاح السائل عن جميل بن دراج: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: يَا سَيِّدِي، عَلَتْ سِنِّي وَمَاتَ أَقَارِبِي، وَأَنَا خَائِفٌ أَنْ يُدْرِكَنِي الْمَوْتُ وَلَيْسَ لِي مَنْ آتِسُ بِهِ وَأَرْجِعُ إِلَيْهِ.

فَقَالَ لَهُ: إِنَّ مِنْ إِخْوَانِكَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ هُوَ أَقْرَبُ نَسَبًا أَوْ سَبَبًا، وَأُنْسُكَ بِهِ خَيْرٌ مِنْ أَنْسِكَ بِقَرِيبٍ، وَمَعَ هَذَا فَعَلَيْكَ بِالذُّعَاءِ. (1) 3 / 6 التَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ 594. الكافي عن العلاء بن المقعد عن الإمام الصادق عليها السلام: التَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِمَسْأَلَتِهِ، وَإِلَى النَّاسِ بِتَرْكِهَا. (2) 578. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: الْحُظُوءُ عِنْدَ الْخَالِقِ بِالرَّغْبَةِ فِيمَا لَدَيْهِ. الْحُظُوءُ عِنْدَ الْمَخْلُوقِ بِالرَّغْبَةِ عَمَّا فِي يَدَيْهِ. (3) 3 / 7 رَدُّ الْقَضَاءِ 576. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله - لِأَنْسِ بْنِ مَالِكٍ -: يَا أَنْسُ، أَكْثَرَ مِنْ الذُّعَاءِ؛ فَإِنَّ الذُّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ الْمُبْرَمَ. (4).

1- فلاح السائل: ص 303 ح 205، بحار الأنوار: ج 86 ص 7 ح 7.

2- غرر الحكم: ح 1801، عيون الحكم والمواعظ: ص 54 ح 1394.

3- غرر الحكم: ح 2055، عيون الحكم والمواعظ: ص 63 ح 1619 و 1620.

4- الفردوس: ج 5 ص 364 ح 8448، تاريخ بغداد: ج 13 ص 36، كنز العمّال: ج 2 ص 69 ح 3161 نقلاً عن أبي الشيخ وح 3162 نقلاً عن ابن عساكر والحافظ أبي محمد عبد الصمد بن أحمد السليطي في الأحاديث السباعية والرافعي وفيهما «يا بنى» وكلها عن أنس.

3 / 5 اُنس در وحشت**3 / 6 نزدیک شدن به خدا****3 / 7 برگرداندن قضای الهی**

3 / 5 اُنس در وحشت 579. حلیة الأولیاء (_ به نقل از عایشه _) فلاح السائل _ به نقل از جمیل بن دَرّاج _ : مردی بر امام صادق علیه السلام درآمد و گفت : سرورم! سنّم بالا رفته و نزدیکانم همگی مُرده اند و من نیز می ترسم که مرگ به سراغم بیاید و کسی را ندارم که با او دمخور شوم و درد دل کنم.

امام علیه السلام به او فرمود : «در میان برادران مؤمن تو ، کسانی هستند که از خویشاوند نسبی یا سببی به تو نزدیک ترند و دمخور شدنت با آنها ، برای بهتر از دمخور شدن با یک خویشاوند است . با این حال ، تو را به دعا کردن [وراز و نیاز با خدا] توصیه می کنم». 3 / 6 نزدیک شدن به خدا 582. الإمام علیّ علیه السلام : امام علی علیه السلام : نزدیک شدن به خداوند متعال ، با درخواست کردن از اوست و [نزدیک شدن] به مردم ، با ترک درخواست [از آنها] . 583. عنه علیه السلام : امام علی علیه السلام : منزلت یافتن در نزد خالق ، به درخواست کردن از اوست و منزلت یافتن نزد مخلوق ، در بی اعتنایی به آنچه او دارد. 3 / 7 برگرداندن قضای الهی 581. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ به اُنس بن مالک _ : ای اُنس! بسیار دعا کن ؛ زیرا دعا [حتّی] قضای حتمی را برمی گرداند.

582. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: الدُّعَاءُ جُنْدٌ مِنْ أَجْنَادِ اللَّهِ مُجَنَّدٌ، يَرُدُّ الْقَضَاءَ بَعْدَ أَنْ يُبْرَمَ . (1) 583. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْبَلَاءَ يَتَعَلَّقُ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ مِثْلَ الْفَنَادِيلِ، فَإِذَا سَأَلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ الْعَافِيَةَ صَرَفَ (2) اللَّهُ تَعَالَى الْبَلَاءَ عَنْهُ وَقَدْ أُبْرِمَ لَهُ إِبْرَامًا . (3) 584. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: لَا يَرُدُّ الْقَضَاءَ إِلَّا الدُّعَاءُ . (4) 585. الإمام الصادق عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْحَذَرَ لَا يُنْجِي مِنَ الْقَدَرِ، وَلَكِنْ يُنْجِي مِنَ الْقَدَرِ الدُّعَاءُ، فَتَقَدَّمُوا فِي الدُّعَاءِ قَبْلَ أَنْ يَنْزَلَ بِكُمْ الْبَلَاءُ، إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ بِالْدُّعَاءِ مَا نَزَلَ مِنَ الْبَلَاءِ وَمَا لَمْ يَنْزِلْ . (5) 586. عنه عليه السلام: الدعاء عن عبادة بن الصامت: أُتِيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ قَاعِدٌ فِي ظِلِّ الْحَطِيمِ (6) بِمَكَّةَ، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أُتِيَ عَلَى مَالِ أَبِي فَلَانَ بِسَيْفِ الْبَحْرِ (7) فَذَهَبَ .

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا تَلَفَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَلَا- بَحْرٍ إِلَّا- بِمَنْعِ الزَّكَاةِ، فَحَرِّزُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ، وَدَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ، وَادْفَعُوا عَنْكُمْ طَوَارِقَ الْبَلَاءِ بِالْدُّعَاءِ، فَإِنَّ الدُّعَاءَ يَنْفَعُ مِمَّا نَزَلَ وَمِمَّا لَمْ يَنْزِلْ؛ مَا نَزَلَ يَكْشِفُهُ وَمَا لَمْ يَنْزِلْ يَحْسِبُهُ . (8) .

- 1- تاريخ دمشق: ج 62 ص 234 ح 12798 عن نمير بن أوس الأشعري، كنز العمال: ج 2 ص 63 ح 3119 .
- 2- في المصدر: «أصرف»، والتصويب من بحار الأنوار .
- 3- الجعفریات: ص 220 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 10 ح 1995 وليس فيه «وقد أبرم له إبراما»، بحار الأنوار: ج 93 ص 295 ح 23 .
- 4- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 7 ح 1978، الدعوات: ص 21 ح 22، بحار الأنوار: ج 93 ص 294 ح 23؛ سنن الترمذی: ج 4 ص 448 ح 2139 عن سليمان، مسند الشهاب: ج 2 ص 36 ح 832 و ص 37 ح 833 كلاهما عن سلمان، حلية الأولياء: ج 3 ص 188 عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام، كنز العمال: ج 2 ص 66 ح 3148 .
- 5- الدعوات: ص 284 ح 4، مستدرک الوسائل: ج 5 ص 182 ح 5630 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب وفيه من «فتقدّموا في الدعاء...»، بحار الأنوار: ج 93 ص 300 ح 37 .
- 6- الحطيم: هو ما بين الركن الذي فيه الحجر الأسود وبين الباب، وسمي حطيماً لأنّ الناس يزدحمون فيه على الدعاء ويحطم بعضهم بعضاً (مجمع البحرين: ج 1 ص 423 «حطم»).
- 7- سيف البحر: ساحله (النهاية: ج 2 ص 434 «سيف»).
- 8- الدعاء للطبراني: ص 31 ح 34، تاريخ دمشق: ج 40 ص 164 ح 8088، كنز العمال: ج 6 ص 525 ح 16833 وراجع الفردوس: ج 2 ص 225 ح 3089 .

587. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دعا، لشکری از لشکریان مجهّز خداوند است و حتّی قضای محتوم را برمی گرداند. 585. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بلا، همانند قنديل ها میان آسمان و زمین آویخته می شود. هرگاه بنده از پروردگارش عافیت [و دوری از بلا] طلبد، خدای متعال، آن بلا را که قطعی هم شده باشد، از او برمی گرداند. 586. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قضا را چیزی جز دعا، پس نمی زند. 587. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: احتیاط، [آدمی را] از تقدیر نمی رهاآند؛ بلکه دعا از تقدیر می رهاآند. پس، پیش از آن که بلا بر شما نازل شود، دعا کنید. خداوند، به واسطه دعا، بلای نازل شده و نازل نشده را دور می کند. 588. رسول الله صلی الله علیه و آله: الدعاء به نقل از عبادة بن صامت: پیامبر خدا، در سایه حطیم (1) در مگّه نشسته بود که شخصی آمد و گفت: ای پیامبر خدا! اموال ابو فلان در ساحل دریا، دچار حادثه شد و از بین رفت.

پیامبر خدا فرمود: «هیچ مالی در خشکی و دریا تلف نشد، مگر به سبب ندادن زکات. پس، اموال خود را با دادن زکات، حفظ نمایید و بیمارانتان را با صدقه دادن، درمان کنید، و مصیبت های بلا را با دعا کردن، از خود برانید، که

دعا برای آنچه نازل شده و آنچه نازل نشده، سودمند است: آنچه را نازل شده است، برطرف می کند و از آنچه نازل نشده است، جلوگیری می کند».

1- حطیم، جایی است میان رُکن حجر الأسود و در کعبه. آن را حطیم گفته اند، چون مردم در آن جا برای دعا کردن ازدحام می کنند و صفوف یکدیگر را می شکنند (مجمع البحرین: ج 1 ص 423 «حطم»).

588. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله :الإمام علیّ علیه السلام :الدُّعَاءُ يُرَدُّ الْقَضَاءَ الْمُبْرَمَ فَاتَّخِذُوهُ عِدَّةً . (1) 589. رسول الله صلى الله عليه وآله :الإمام زين العابدين عليه السلام :الدُّعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَمَا لَمْ يَنْزِلْ . (2) 590. عنه صلى الله عليه وآله :الكافي عن حمّاد بن عثمان :سَمِعْتُهُ (3) يَقُولُ : إِنَّ الدُّعَاءَ يُرَدُّ الْقَضَاءَ ، يَنْقُضُهُ (4) كَمَا يُنْقَضُ السَّلْكُ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامَا . (5) 591. عنه صلى الله عليه وآله :الإمام الصادق عليه السلام :إِنَّ الدُّعَاءَ يُرَدُّ الْقَضَاءَ وَقَدْ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامَا . (6) 589. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله :الكافي عن زرارة عن الإمام الباقر عليه السلام ، قال :قال لي : أَلَا أُدْلِكَ عَلَى شَيْءٍ لَمْ يَسْتَنْ (7) فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ؟ قُلْتُ : بَلَى .

قَالَ : الدُّعَاءُ ، يُرَدُّ الْقَضَاءَ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامَا _ وَضَمَّ أَصَابِعَهُ _ . (8) .

- 1- الخصال : ص 620 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 110 وفيه «فأعدّوه واستعملوه» بدل «فاتخذوه عدّة» ، إرشاد القلوب : ص 149 وليس فيه «فاتخذوه عدّة» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 289 ح 5 .
- 2- الكافي : ج 2 ص 469 ح 5 عن الحسن بن عليّ الوشاء عن الإمام الكاظم عليه السلام ، عدّة الداعي : ص 13 وفيه «يردّ» بدل «يدفع» .
- 3- كذا ورد في المصدر مضمرًا ، وحمّاد بن عيسى من أصحاب الإمام الصادق عليه السلام .
- 4- في المصباح : نقضت البناء : هدمته . ونقضت الحبل أيضا : حللت برّمه . يقال : نقضت ما أبرمه : إذا أبطلته ... والسلك : الخيط (مرآة العقول : ج 12 ص 12) .
- 5- الكافي : ج 2 ص 469 ح 1 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 12 ح 2006 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 295 ح 23 .
- 6- الكافي : ج 2 ص 469 ح 3 عن بسطام الزيّات ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 237 ح 2571 ، فلاح السائل : ص 76 ح 12 عن عليّ بن عقبة ، الاختصاص : ص 228 عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر والإمام زين العابدين عليهما السلام وليس فيها «وقد نزل من السماء» .
- 7- لم يستنّ : أي لم يقل : إن شاء الله (مرآة العقول : ج 12 ص 15) .
- 8- الكافي : ج 2 ص 470 ح 6 ، عدّة الداعي : ص 13 .

590. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: دعا، [حتی] تقدیر قطعیت یافته را پس می زند . پس به دعا مجهز شوید. 591. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام زین العابدین علیه السلام: دعا، بلای فرود آمده و فرود نیامده را دفع می کند. 592. عنه صلی الله علیه و آله (_ فی ذکرِ مَظَانِّ الدُّعَاءِ _) الکافی_ به نقل از حمّاد بن عثمان _: از امام [صادق] علیه السلام (1) شنیدم که می فرماید: «دعا، قضا را برمی گرداند و آن [قضایی] را که محکم هم شده باشد، همانند رشته ای که پنبه می شود، از هم می گسلد». 593. المزار الکبیر: امام صادق علیه السلام: دعا، قضایی را که از آسمان فرود آمده و قطعی شده باشد، برمی گرداند. 748. امام علی علیه السلام: الکافی_ به نقل از زراره _: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «آیا تو را به مطلبی رهنمون نشوم که پیامبر خدا در آن، استثنا نکرده است؟

گفتم: چرا .

فرمود: «دعا، قضایی را که حتمی هم شده باشد، پس می زند» و [برای تشبیه آن] انگشتانش را به هم چسبانید . .

1- در مأخذ، به صورت ضمیر آمده، ولی مراد، باید امام صادق علیه السلام باشد؛ چون حمّاد بن عیسی از اصحاب ایشان است.

749. امام على عليه السلام: دعائم الإسلام: رُوينا عن جعفر بن محمد عن أبيه عن أبيه عن أبيه عن أبيه عن أبيه عن أبيه عن قول النبي صلى الله عليه وآله في الحبة السوداء، فقال: قد قال ذلك. قيل: وما قال؟ قال: فيها شفاء من كل داء إلا السام - يعنى الموت.

ثم قال عليه السلام للسائل: ألا أدلك على ما لم يستثن فيه رسول الله صلى الله عليه وآله؟ قال: بلى.

قال: الدعاء؛ فإنه يرد القضاء وقد أبرم إبراهيم - وضّم أصابعه من كفيه جميعاً وجمعهما جميعاً واحدة إلى الأخرى - (1) 750. امام على عليه السلام: تفسير العياشي عن عمّار بن موسى عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سئل عن قول الله: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (2)، قال: إن ذلك الكتاب كتاب يمحو الله فيه ما يشاء ويثبت، فمن ذلك الذي يرد الدعاء القضاء، وذلك الدعاء مكتوب عليه: الذي يرد به القضاء، حتى إذا صار إلى أم الكتاب لم يُغن الدعاء فيه شيئاً. (3) 751. امام على عليه السلام: الإمام الكاظم عليه السلام: عليكم بالدعاء؛ فإن الدعاء لله والطلب إلى الله يردّ البلاء وقد قدر وقضى ولم يبق إلا مضاًؤه، فإذا دعى الله عز وجل وسئل صرف البلاء صرفاً (4). (5) 752. امام على عليه السلام: الكافي عن عمر بن يزيد: سمعت أبا الحسن عليه السلام يقول: إن الدعاء يردّ ما قد قدر وما لم يقدر.

قلت: ما قد قدر عرفته، فما لم يقدر؟ قال: حتى لا يكون. (6).

- 1- دعائم الإسلام: ج 2 ص 136 ح 477، طب الأئمة لابني بسطام: ص 68 عن زرارة بن أعين عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 62 ص 231 ح 11.
- 2- الرعد: 39.
- 3- تفسير العياشي: ج 2 ص 220 ح 74، بحار الأنوار: ج 4 ص 121 ح 65.
- 4- في المصدر: «صرفاً»، والتصويب من وسائل الشيعة: ج 7 ص 36 ح 8643. وفي بعض المصادر: «... سئل صرف البلاء صرفاً».
- 5- الكافي: ج 2 ص 470 ح 8، فلاح السائل: ص 74 ح 9 كلاهما عن أبي ولاد، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 12 ح 2007 و ص 237 ح 2572، عدّة الداعي: ص 13، بحار الأنوار: ج 93 ص 298 ح 28.
- 6- الكافي: ج 2 ص 469 ح 2، عدّة الداعي: ص 12، الاختصاص: ص 219 عن عمر بن يزيد عن الإمام الصادق عليه السلام، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص 345 وفيه «الدعاء يدفع من البلاء ما قدر»، فلاح السائل: ص 74 ح 8 وفيه «حتى لا يقدر» بدل «حتى لا يكون»، بحار الأنوار: ج 93 ص 297 ح 27.

753. امام زین العابدین علیه السلام (_ در «مناجات انجیلیه» _) دعائم الاسلام: از امام صادق علیه السلام، از پدرش، از پدرانش برای ما روایت شده است که از ایشان درباره فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله درباره سیاه دانه سؤال شد. فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله آن را فرموده است».

گفته شد: چه فرموده است؟

فرمود: «در آن، شفای هر درد و بیماری ای است، بجز مرگ».

سپس به پرسنده فرمود: «آیا تو را به چیزی رهنمون نشوم که پیامبر خدا، در آن، استثنا نکرده است؟

گفت: چرا.

فرمود: «دعا کردن؛ زیرا دعا، قضای محتوم را هم برمی گرداند» و [برای تفهیم مطلب] تمام انگشتان دو دستش را به هم چسباند و آن دو را بر هم نهاد. 754. امام باقر علیه السلام: تفسیر العیاشی _ به نقل از عمّار بن موسی _: از امام صادق علیه السلام درباره آیه شریف: «خداوند، آنچه را بخواهد، محو می کند یا باقی می گذارد و کتاب اصلی در نزد اوست» سؤال شد، فرمود: آن نبشته [نخست]، نبشته ای است که خداوند در آن آنچه را خواهد، محو می کند و آنچه را خواهد، نگه می دارد. از آن جمله است این که: دعا قضا را برمی گرداند، و بر آن دعا نوشته شده است: این دعایی است که با آن قضا دفع می شود؛ اما چون قضا در کتاب اصلی (مامنامه) نگاشته شود، دیگر دعا در آن هیچ تأثیری ندارد. 755. الإمام الصادق علیه السلام (_ جَوَابًا لِمَنْ قَالَ: إِنَّا نَدْعُو اللَّهَ فَلَا يَ) امام کاظم علیه السلام: تا می توانید دعا کنید؛ زیرا که خواندن خدا و درخواست از خداوند، بلایی را که قلم تقدیر و قضا بر آن رفته، اما هنوز امضا نشده است، برمی گرداند؛ در این صورت، هر گاه به درگاه خداوند عز و جل دعا شود و برگرداندن آن بلا درخواست گردد، آن را برمی گرداند. 756. الإمام کاظم علیه السلام: الکافی _ به نقل از عمر بن یزید _: از امام کاظم علیه السلام شنیدم که می فرماید: «دعا، آنچه

را مقدر شده و آنچه را مقدر نشده است، برمی گرداند».

گفتم: مقدر شده را می فهمم. مقدر نشده را چگونه برمی گرداند؟

فرمود: «تا این که مقدر نشود».

راجع : العنوان الآتي (دفع البلاء).

3 / 8 دفع البلاء 756. امام كاظم عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: الدُّعَاءُ يَنْفَعُ مِنَ الْبَلَاءِ ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : «إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا ءَامَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ» (1) لَمَّا دَعَوْا . (2) 757. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الْحَذَرَ لَا يَرُدُّ الْقَضَاءَ ، وَلَكِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : «إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا ءَامَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ» . (3) 758. الأُمَالِي ، صدوق (_ به نقل از وهب بن منبه _) رسول الله صلى الله عليه وآله: اسْتَقْبِلُوا الْبَلَاءَ بِالْدُّعَاءِ . (4) .

1- . يونس : 98 .

2- . الفردوس : ج 2 ص 225 ح 3090 ، الدر المنثور : ج 4 ص 393 نقلاً عن ابن النجار نحوه وكلاهما عن عائشة .

3- . كنز العمال : ج 2 ص 612 ح 4884 نقلاً عن ابن أبي حاتم واللالكائي .

4- . الاختصاص : ص 335 ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 240 وفيه «استدفعوا» بدل «استقبلوا» ، بحار الأنوار : ج 96 ص 27 ح 57؛

الفردوس : ج 2 ص 129 ح 2658 عن أنس ، كنز العمال : ج 15 ص 831 ح 43305 نقلاً عن العسكري عن الحسن .

3 / 8 دفع بلا

ر. ک : عنوان بعدی (دفع بلا).

3 / 8 دفع بلا 762. الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دعا ، برای دفع بلا ، سودمند است . خداوند عز و جل فرموده است : «بجز قوم یونس که وقتی ایمان آوردند ، بلا را از آنان برطرف نمودیم» ؛ یعنی : وقتی که دعا کردند. 763. عنه علیه السلام (_ فی کتابه إلى أمراء الأجناد _) امام علی علیه السلام : احتیاط ، قضا را بر نمی گرداند ؛ اما دعا ، قضا را برمی گرداند . خداوند متعال فرموده است : «[چرا هیچ شهری نبود که [اهل آن] ایمان بیاورد و ایمانش به حال آن [مردم] سود ببخشد؟ [بجز قوم یونس که وقتی ایمان آوردند ، عذابِ خوارکننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف کردیم و تا چندی برخوردارشان ساختیم]». 759. إرشاد القلوب : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : با دعا ، به استقبال بلا بروید.

760. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: «إدفعوا البلاء بالدعاء». (1) 761. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: «إدفعوا أبواب البلاء بالدعاء». (2) 762. امام على عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: «إدفعوا أمواج البلاء بالدعاء». (3) 763. امام على عليه السلام (_ در نامه اش به امرای لشکر _) عنه صلى الله عليه وآله: «أعدوا للبلاء الدعاء». (4) 764. الإمام الصادق عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: «رُدُّوا نَائِبَةَ الْبَلَاءِ بِالْدُّعَاءِ». (5) 765. عنه عليه السلام: جامع الأخبار: قال النبي صلى الله عليه وآله: «إِذَا ظَهَرَتْ فِي أُمَّتِي عَشْرُ خِصَالٍ عَاقَبَهُمُ اللَّهُ بِعَشْرِ خِصَالٍ. قِيلَ: وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: إِذَا قَلَّلُوا الدُّعَاءَ نَزَلَ الْبَلَاءُ...». (6) 766. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: «إِذَا قَلَّ الدُّعَاءُ نَزَلَ الْبَلَاءُ». (7).

- 1- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 381 ح 5825 و ج 2 ص 66 ح 1730 ، الكافي: ج 4 ص 3 ح 5 ، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 112 ح 331 كلاهما عن عبد الله بن سنان وكلها عن الإمام الصادق عليه السلام ، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص 105 عن الإمام على عليه السلام ، مُهَجَّ الدعوات: ص 266 عن عبد الله بن زيد النهشلي عن الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار: ج 94 ص 318 ح 1 .
- 2- قرب الإسناد: ص 117 ح 410 عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار: ج 93 ص 288 ح 3 .
- 3- نثر الدرّ: ج 1 ص 183 ، نهج البلاغة: الحكمة 146 ، الدعوات: ص 21 ح 23 ، تحف العقول: ص 111 وفيه «أنواع» بدل «أمواج» وكلها عن الإمام على عليه السلام ، بحار الأنوار: ج 93 ص 289 ح 5؛ شُعَبُ الإيمان: ج 3 ص 282 ح 3557 عن أبي أمامة وفيه «استقبلوا» بدل «ادفعوا» ، كنز العمال: ج 15 ص 844 ح 43353 .
- 4- السنن الكبرى: ج 3 ص 536 ح 6593 ، المعجم الكبير: ج 10 ص 128 ح 10196 ، المعجم الأوسط: ج 2 ص 274 ح 1963 ، تاريخ بغداد: ج 6 ص 334 و ج 13 ص 21 ، حلية الأولياء: ج 2 ص 104 كلها عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال: ج 6 ص 293 ح 15759؛ الدعوات: ص 21 ح 22 ، بحار الأنوار: ج 93 ص 300 ح 37 .
- 5- نثر الدرّ: ج 1 ص 167 ، الجعفریات: ص 53 و ص 221 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ؛ شُعَبُ الإيمان: ج 3 ص 283 ح 3558 عن سمرة بن جندب ، كنز العمال: ج 15 ص 844 ح 43354 .
- 6- جامع الأخبار: ص 509 ح 1420 .
- 7- الدعوات: ص 20 ح 19 ، مستدرک الوسائل: ج 8 ص 360 ح 7 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب وفيه «وفى الإنجيل: إذا قلّ الدعاء...» ، بحار الأنوار: ج 93 ص 300 ح 37 .

767. عنه عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بلا را با دعا، پس بزنید. 764. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: درهای بلا را با دعا ببندید. 765. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: موج های بلا را با دعا برگردانید. 766. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای دفع بلا، به دعا مجهّز شوید. 767. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فاجعه بلا را با دعا [از خود] دور کنید. 768. عدّة الداعی: جامع الأخبار: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: و هرگاه در میان امت من، ده خصلت پدیدار گردد، خداوند، آنان را به ده چیز مجازات می کند.

گفته شد: آنها چیست، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «هرگاه کم دعا کنند، بلا نازل می شود...». 769. إحياء علوم الدين عن سفیان الثوری: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه دعا کردن کاستی گیرد، بلا فرود می آید..

770. إحياء علوم الدين عن مالك بن دينار: عنه صلى الله عليه وآله: لا يُغنى حَذْرٌ مِنْ قَدَرٍ، وَالِدُّعَاءُ يَنْفَعُ مِمَّا نَزَلَ وَمِمَّا لَمْ يَنْزِلْ، وَإِنَّ الْبَلَاءَ لَيَنْزِلُ فَيَتَلَقَّاهُ الدُّعَاءُ فَيَعْتَلِجَانِ (1) إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (2) 768. عدّة الداعي: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْبَلَاءَ لَيَتَسَبَّبُ إِلَى الْعَبْدِ، فَيَسْأَلُ رَبَّهُ الْعَافِيَةَ وَيَذْكُرُهُ، فَيُبْقَى (3) الْعَافِيَةَ، وَالِدُّعَاءُ وَالْبَلَاءُ يَتَوَافِقَانِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (4) 769. إحياء علوم الدين (_ به نقل از سفیان ثوری _) الإمام زين العابدين عليه السلام: إِنَّ الدُّعَاءَ وَالْبَلَاءَ لَيَتَرَفَّقَانِ 5 إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، إِنَّ الدُّعَاءَ لَيُرَدُّ الْبَلَاءَ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا (5). (6) 770. إحياء علوم الدين (_ به نقل از مالك بن دينار _) الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ الدُّعَاءَ يَسْتَقْبِلُ الْبَلَاءَ، فَيَتَوَافِقَانِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (7) 771. الإمام الصادق عليه السلام: الإمام عليّ عليه السلام: إِدْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ عَنْكُمْ بِالدُّعَاءِ قَبْلَ وُرُودِ الْبَلَاءِ، فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسْمَةَ (8) لَلْبَلَاءِ أَسْرَعُ إِلَى الْمُؤْمِنِ مِنْ انْحِدَارِ السَّيْلِ مِنْ أَعْلَى التَّلْعَةِ (9) إِلَى أَسْفَلِهَا، وَمِنْ رَكْضِ الْبَرَاذِينِ (10). (11).

- 1- يعتلجان: أى يتصارعان (النهاية: ج 3 ص 286 «علاج»).
- 2- المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 669 ح 1813، المعجم الأوسط: ج 3 ص 66 ح 2498، تاريخ بغداد: ج 8 ص 453، مسند الشهاب: ج 2 ص 49 ح 859 و ح 861 نحوه وكلّها عن عائشة، كنز العمال: ج 1 ص 133 ح 627؛ تنبيه الخواطر: ج 2 ص 118 وفيه «الدعاء ينفع ممّا نزل وممّا لم ينزل» فقط.
- 3- فى المصدر: «سقى العافية... فيتوافقان» والتصويب من مستدرک الوسائل.
- 4- الجعفریات: ص 221 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مستدرک الوسائل: ج 5 ص 179 ح 5616.
- 5- أبرمتُ الشّىء، أى أحكمتُهُ. والمُبرَم: الحبل الذى جمع بين مفتولين ففتلاً حبلاً واحداً (الصحاح: ج 1 ص 1870 «برم»).
- 6- الكافى: ج 2 ص 469 ح 4 عن إسماعيل بن همام عن الإمام الرضا عليه السلام، عدّة الداعي: ص 13 وفيه «ليتوافقان» بدل «ليتوافقان».
- 7- فلاح السائل: ص 78 ح 14 عن الحسن ابن بنت إلياس عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار: ج 93 ص 300 ح 35.
- 8- برأ النَّسْمَةَ: أى خلق ذات الروح، وكثيراً ما كان يقولها إذا اجتهد فى يمينه (النهاية: ج 5 ص 49 «نسم»).
- 9- التَّلْعَةُ: أرضٌ مرتفعةٌ غليظةٌ، يتردّد فيها السيل ثمّ يدفع منها الى تلعة أسفل منها (العين: ص 109 «تلع»).
- 10- البرذون: الدابة، الجمع براذين (القاموس المحيط: ج 4 ص 201 «برذن»).
- 11- الخصال: ص 621 ح 10 عن أبى بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 93 ص 289 ح 5.

772. رسول الله صلى الله عليه وآله: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: احتیاط، هرگز جلوی تقدیر را نمی گیرد، در حالی که دعا، برای دفع آنچه نازل شده و آنچه نازل نشده، سودمند است. (1) بلا- که نازل می شود دعا او را می گیرد و با هم تا روز قیامت، دست به گریبان می شوند. 773. الإمام الباقر علیه السلام: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بلا به بنده می آویزد و بنده، خدا را یاد می کند و از او عافیت درخواست می کند و در نتیجه، خداوند، عافیت را [برایش] ننگه می دارد، و دعا و بلا، تا روز قیامت با یکدیگرند. (2) 771. امام صادق علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام: دعا و بلا- تا روز قیامت، رفیق و همراه اند. دعا، بلا را استوارگشته را نیز برمی گرداند. 772. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام کاظم علیه السلام: دعا، به استقبال بلا- می رود و تا روز قیامت با هم می سازند. 773. امام باقر علیه السلام: امام علی علیه السلام: امواج بلا را، پیش از آن که بلا درآید، با دعا کردن از خود بگردانید؛ زیرا سوگند به آن که دانه را شکافت و جاندار را آفرید، حرکت بلا به سوی مؤمن، شتابنده تر از فرود آمدن سیلاب از فراز تپه به پایین آن و از دویدن اسبان تاتاری است. .

1- .ظاهراً مقصود آن است که نقش دعا، از احتیاط و مراقبت در پیشگیری بلا بیشتر است، نه این که احتیاط، هیچ نقشی در دفع بلا ندارد.

2- . یعنی: خداوند، دعا و بلا را با هم قرار داده است تا بلا، موجب دعا شود و دعا، دور کننده بلا باشد.

774. المعجم الكبير عن القاسم أبي عبدالرحمن: عنه عليه السلام: إِنَّ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ سَطَوَاتٍ وَنَقِمَاتٍ ، فَإِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ فَادْفَعُوهَا بِالذُّعَاءِ ؛ فَإِنَّهُ لَا يَدْفَعُ الْبَلَاءَ إِلَّا الذُّعَاءُ . (1) 775. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: مَنْ سَرَّهَ أَنْ يُكْشَفَ عَنْهُ الْبَلَاءُ ، فَلْيَكْثِرْ مِنَ الذُّعَاءِ . (2) 776. الإمام الباقر عليه السلام: عنه عليه السلام: مَا زَالَتْ نِعْمَةٌ وَلَا نَضَارَةٌ عَيْشٍ إِلَّا بِذُنُوبٍ اجْتَرَحُوا (3) ، إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ ، وَلَوْ أَنَّهُمْ اسْتَقْبَلُوا ذَلِكَ بِالذُّعَاءِ وَالْإِنَابَةِ لَمْ تَزَلْ ، وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذَا نَزَلَتْ بِهِمُ النَّقْمُ وَزَالَتْ عَنْهُمْ النَّعْمُ فَرَعَوْا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِصِدْقٍ مِنْ تِيَابِهِمْ ، وَلَمْ يَهِنُوا وَلَمْ يُسْرِفُوا ، لِأَصْلَحَ اللَّهُ لَهُمْ كُلَّ فَاسِدٍ ، وَلَرَدَّ عَلَيْهِمْ كُلَّ صَالِحٍ . (4) 774. المعجم الكبير (_ به نقل از ابو عبد الرحمان ، قاسم _) عنه عليه السلام: بِالذُّعَاءِ تُصْرَفُ الْبَلِيَّةُ . (5) 775. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: بِالذُّعَاءِ يُسْتَدْفَعُ الْبَلَاءُ . (6) .

-
- 1- غرر الحكم: ح 3512 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 141 ح 3160 وفيه «ونفحات ونفحات» بدل «ونقمت» و «فارفعوها» بدل «فادفعوها» .
 - 2- إرشاد القلوب: ص 149 .
 - 3- الاجترار: الاكتساب (مجمع البحرين: ج 1 ص 282 «جرح») .
 - 4- النخصال: ص 624 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول: ص 114 نحوه ، بحار الأنوار: ج 93 ص 289 ح 5 .
 - 5- كشف الغمّة: ج 3 ص 136 عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج 78 ص 79 ح 56 .
 - 6- غرر الحكم: ح 4240 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 187 ح 3843 .

776. امام باقر علیه السلام: امام علی علیه السلام: برای خداوند سبحان، خشم ها و عذاب هایی است. پس، هرگاه بر شما نازل شدند، آنها را با دعا کردن برگردانید؛ زیرا بلا را چیزی جز دعا، پس نمی زند. 777. الإمام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: هر که خوش دارد بلا از او برطرف شود، بسیار دعا کند. 778. رسول الله صلی الله علیه و آله (_ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ _) امام علی علیه السلام: هیچ نعمت و خرمی زندگی ای به زوال نیامد، مگر به سبب گناهی که صاحبانش مرتکب شدند. خداوند، هرگز به بندگان ستم نمی کند. اگر با دعا و توبه به استقبالش می رفتند، آن نعمت ها و خوشی ها به زوال نمی آمدند، و اگر زمانی که عذاب ها بر ایشان فرود آمد و نعمت هایشان گرفته شد با خلوص نیت به خداوند عز و جل پناه می بُردند و سستی و زیاده روی [و ستم بر خویشان] نمی کردند، بی گمان، خداوند، تباهی های آنان را به سامان می آورد و نعمت ها را به ایشان بازمی گرداند. 779. بحار الأنوار: امام علی علیه السلام: با دعاست که گرفتاری برطرف می شود. 780. الإمام الصادق علیه السلام: امام علی علیه السلام: با دعاست که بلا، دفع می شود. .

777. امام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَدْفَعُ بِالْدُّعَاءِ الْأَمْرَ الَّذِي عَلِمَهُ أَنْ يُدْعَى لَهُ فَيَسْتَجِيبُ، وَلَوْ مَا وُفِّقَ الْعَبْدُ مِنْ ذَلِكَ الدُّعَاءِ لِأَصَابَهُ مِنْهُ مَا يَجُتُّهُ (1) مِنْ جَدِيدِ الْأَرْضِ. (2) 778. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (به فاطمه علیها السلام -) عنه عليه السلام: ما رَدَّ اللَّهُ الْعَذَابَ إِلَّا عَنْ قَوْمِ يُونُسَ... فَلَمَّا كَانَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ نَزَلَ الْعَذَابُ. فَقَالَ الْعَالِمُ لَهُمْ: يَا قَوْمِ افْرَعُوا إِلَى اللَّهِ فَلَعَلَّهُ يَرْحَمُكُمْ وَيُرُدُّ الْعَذَابَ عَنْكُمْ.

فَقَالُوا: كَيْفَ نَصْنَعُ؟ قَالَ: اجْتَمِعُوا وَاخْرُجُوا إِلَى الْمَفَازَةِ (3) وَفَرَّقُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَالْأَوْلَادِ، وَبَيْنَ الْإِبِلِ وَأَوْلَادِهَا، وَبَيْنَ الْبَقَرِ وَأَوْلَادِهَا، وَبَيْنَ الْغَنَمِ وَأَوْلَادِهَا، ثُمَّ ابْكُوا وَادْعُوا، فَذَهَبُوا وَفَعَلُوا ذَلِكَ وَصَدَّجُوا وَبَكَوْا، فَرَحِمَهُمُ اللَّهُ وَصَدَّرَفَ عَنْهُمْ الْعَذَابَ وَفَرَّقَ الْعَذَابَ عَلَى الْجِبَالِ. (4) 779. بحار الأنوار: تفسير العياشي عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا أَظَلَّ قَوْمَ يُونُسَ الْعَذَابُ، دَعَا اللَّهُ فَصَرَفَهُ عَنْهُمْ.

قُلْتُ: كَيْفَ ذَلِكَ؟ قَالَ: كَانَ فِي الْعِلْمِ أَنَّهُ يَصْرِفُهُ عَنْهُمْ. (5) 780. امام صادق عليه السلام: الكافي عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام: هَلْ تَعْرِفُونَ طَوْلَ الْبَلَاءِ مِنْ قِصْرِهِ؟ قُلْنَا: لَا.

قَالَ: إِذَا أُلْهِمَ أَحَدُكُمْ الدُّعَاءَ عِنْدَ الْبَلَاءِ فَاعْلَمُوا أَنَّ الْبَلَاءَ قَصِيرٌ. (6).

1- في القاموس: الجثّ، القطع وانتزاع الشيء من أصله. وقال الجوهري: الجديد: وجه الأرض. وحاصله: أنه سبحانه يدفع البلاء الذي استحقّ العبد نزوله إذا علم أنّ العبد يدعو الله لكشفه بعد ذلك، فلا ينزله لما سيقع منه من الدعاء فيؤثّر الدعاء قبل وقوعه في دفع البلاء (مرآة العقول: ج 12 ص 16).

2- الكافي: ج 2 ص 470 ح 9 عن إسحاق بن عمّار.

3- المفازة: البريّة القفر، سمّيت بذلك لأنّها مهلكة، من فوز: إذا مات. وقيل: سمّيت تفاؤلاً من الفوز: النجاة (النهاية: ج 3 ص 478 «فوز»).

4- تفسير القمّي: ج 1 ص 317 عن جميل، بحار الأنوار: ج 14 ص 380 ح 2.

5- تفسير العياشي: ج 2 ص 136 ح 45.

6- الكافي: ج 2 ص 471 ح 1، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 9 ح 1989، فلاح السائل: ص 107 ح 44 نحوه، عدّة الداعي: ص 34، بحار الأنوار: ج 93 ص 381 ح 7.

781. رسول الله صلى الله عليه وآله: امام صادق عليه السلام: خداوند عز و جل به وسیله دعا، آنچه را که می داند برای آن به درگاهش دعا می شود و او، آن دعا را اجابت می نماید، دفع می کند و اگر بنده به آن دعا موفق نشده بود، هر آینه، به او بلائی می رسد که ریشه اش را از روی زمین برمی کند. (1) 782. تفسیر القمّی عن جمیل عن الإمام الصادق علیه السلام: خداوند، عذاب را تنها از قوم یونس علیه السلام برگرداند...؛ زیرا در آن روز که عذاب بر ایشان فرود آمد، آن مرد دانا به آنان گفت: «ای قوم من! به خدا پناه ببرید، شاید که بر شما رحم آورد و عذاب را از شما بگرداند».

مردم گفتند: چه کنیم؟

گفت: «همگی فراهم آید و به بیابان بروید و زنان و کودکان و اشتران و بچه هایشان، گاوها و گوساله هایشان، گوسپندان و برّه هایشان را از هم جدا سازید. سپس گریه و دعا کنید».

مردم رفتند و چنین کردند و فغان و مویه سر دادند. پس، خداوند بر ایشان رحمت آورد و عذاب را از آنان گرداند و آن را بر کوه ها پراکند. 781. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: تفسیر العیاشی_ به نقل از ابو بصیر_ امام صادق علیه السلام فرمود: «چون عذاب بر سر قوم یونس علیه السلام سایه افکند، به درگاه خدا دعا کردند و او، عذاب را از آنان گرداند».

گفتم: این، چگونه می شود؟

فرمود: «در علم خداوند بود که عذاب را از آنها می گرداند». 782. تفسیر القمّی (به نقل از جمیل_) الکافی_ به نقل از هشام بن سالم_ : امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا بلائی دراز مدّت را از بلائی کوتاه مدّت بازمی شناسید؟»

گفتم: خیر.

فرمود: «هرگاه در هنگام بلا به فردی از شما دعا کردن الهام شد، بدانید که آن بلا، کوتاه است».

1- حاصل سخن آن که: خداوند سبحان، هرگاه بداند بنده ای که مستحقّ نزول بلا گشته است، پس از نزول آن، برای دفع بلا به درگاه او دعا می کند، آن بلا را برطرف می سازد و آن بلا را نازل نمی کند؛ چون می داند که او دعا خواهد کرد. پس دعا پیش از وقوع بلا، در دفع آن، مؤثر است (مرآة العقول: ج 12 ص 16).

783. الاختصاص عن هشام بن سالم: الإمام الكاظم عليه السلام: ما من بلاء ينزل على عبد مؤمن فيلهمه الله عز وجل الدعاء، إلا كان كشف ذلك البلاء وشيكا (1)، وما من بلاء ينزل على عبد مؤمن فيمسك عن الدعاء إلا كان ذلك البلاء طويلاً؛ فإذا نزل البلاء فعليكم بالدعاء والتضرع إلى الله عز وجل. (2) 784. رسول الله صلى الله عليه وآله: داود عليه السلام: إن لله سطوات وقيمات، فإذا رأيتموها فداووا قروحكم بالدعاء، فإن الله تبارك وتعالى يقول: لولا رجال خضع، وصبيان رضع، وبهائم رضع (3)؛ لصبت عليكم العذاب صبا. (4) راجع: ص 74 (رد القضاء).

3 / 9 الشفاء من كل داء 784. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الكافي عن علاء بن كامل: قال لى أبو عبد الله عليه السلام: عليك بالدعاء؛ فإنه شفاء من كل داء. (5) 785. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: فلاح السائل عن محمد بن مسلم: قلت لأبي جعفر عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله في هذه الحبة السوداء: «فيها شفاء من كل داء إلا السم»؟ فقال: نعم.

ثم قال: ألا أخبرك بما فيه شفاء من كل داء وسام؟ قلت: بلى. قال: الدعاء. (6) راجع: موسوعة الأحاديث الطبية: القسم الثاني / الفصل الرابع: واجبات المريض / الدعاء.

-
- 1- الوشيك: السريع والقريب (النهاية: ج 5 ص 189 «وشك»).
 - 2- الكافي: ج 2 ص 471 ح 2، عدة الداعي: ص 34، فلاح السائل: ص 75 ح 9 وليس فيه «والتضرع إلى الله» وكلها عن أبي ولاد، بحار الأنوار: ج 93 ص 298 ح 28.
 - 3- رضع: جمع راع. رتع رتوعا: أكل ما شاء في خصب وسعة، أو هو الأكل والشرب رغدا في الريف، أو بشره (القاموس المحيط: ج 3 ص 27 «رتع»).
 - 4- البيان والتبيين: ج 3 ص 153 عن الحسن.
 - 5- الكافي: ج 2 ص 470 ح 1 و ج 6 ص 413 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 113 ح 489 كلاهما عن علي بن أسباط عن أبيه، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 12 ح 2008، الدعوات: ص 18 ح 3، بحار الأنوار: ج 93 ص 312 ح 17.
 - 6- فلاح السائل: ص 76 ح 11، بحار الأنوار: ج 93 ص 299 ح 32. وانظر ح 88.

3 / 9 شفای هر دردی

787. الإمام علیّ علیه السلام (_ لِنَوْفِ الْبِکَالِیِّ _) امام کاظم علیه السلام: هیچ بلایی نیست که بنده مؤمنی بدان گرفتار آید و خداوند عز و جل ، او را توفیق دعا کردن دهد ، مگر این که آن بلا ، به زودی برطرف شود و هیچ بلایی نیست که بنده ای مؤمن بدان گرفتار آید و از دعا کردن خودداری ورزد ، مگر این که آن بلا- به درازا کشد . پس ، هرگاه بلا- فرود آمد ، به درگاه خداوند عز و جل دعا و التماس کنید. 787. امام علی علیه السلام (_ به نوف بکالی _) داوود علیه السلام: برای خداوند ، خشم ها و عذاب هایی است . پس هرگاه آنها را دیدید ، زخم هایتان را با دعا درمان کنید ؛ زیرا خداوند _ تبارک و تعالی _ می فرماید : «اگر مردان خاشع ، کودکان شیرخوار و حیوانات چرنده نبودند ، سیلاب عذاب را بر شما فرو می ریختم». ر . ک : ص 75 (برگرداندن قضا)

3 / 9 شفای هر دردی 788. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : الکافی _ به نقل از علاء بن کامل _ : امام صادق علیه السلام به من فرمود : «بر تو باد دعا ؛ زیرا که آن ، شفای هر دردی است». 789. الزهد ، ابن المبارک _ به نقل از یزید بن میسره _ : فلاح السائل _ به نقل از محمد بن مسلم _ : به امام باقر علیه السلام گفتم : آیا [درست است که] پیامبر خدا درباره سیاه دانه فرموده است : «در آن ، شفای هر دردی است ، بجز مرگ»؟

فرمود : «آری» .

سپس فرمود : «آیا تو را از چیزی آگاه نسازم که شفای هر دردی و مرگی است؟» .

گفتم : چرا .

فرمود : «دعا». ر . ک : دانش نامه احادیث پزشکی : بخش دوم / فصل چهارم : وظایف بیماران / دعا کردن .

الباب الرابع: الاستكاف عن الدعاء والتواني فيه 4 / 1 التحذير من ترك الدعاء الكتاب «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» . (1)

«قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» . (2)

الحديث 795. عنه عليه السلام (_ مِنْ وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام _) الإمام علي عليه السلام: أَرْبَعٌ لِلْمَرْءِ لَا عَلَيْهِ: الْإِيمَانُ وَالشُّكْرُ ... وَالْإِسْتِغْفَارُ ... وَالِدُعَاءُ؛ فَإِنَّهُ قَالَ [تَعَالَى]: «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» . (3) 796. الإمام زين العابدين عليه السلام: الإمام زين العابدين عليه السلام _ مِنْ دُعَائِهِ لِوَدَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ _ : اللَّهُمَّ ... وَأَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ ... وَقُلْتَ : «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» فَسَمِيَتْ دُعَاءُكَ عِبَادَةً وَتَرَكُهُ اسْتِكْبَارًا ، وَتَوَعَّدْتَ عَلَى تَرْكِهِ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ . (4) .

1- . غافر : 60 .

2- . الفرقان : 77 .

3- . الأمل للطوسي : ص 493 ح 1081 عن عمر بن صبح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 291 ح 13 .

4- . الصحيفة السجادية : ص 173 الدعاء 45 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 190 .

باب چهارم : سر باز زدن از دعا و سستی نمودن در آن

1 / 4 بر حذر داشتن از ترک دعا

باب چهارم : سر باز زدن از دعا و سستی نمودن در آن 1 / 4 بر حذر داشتن از ترک دعاقرآن«و پروردگارتان فرمود : مرا بخوانید تا پاسختان دهم . به راستی کسانی که از عبادت من گردن فرازی می کنند ، به زودی با خواری به دوزخ در می آیند» .

«بگو : اگر دعای شما نباشد ، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی کند» .

حدیث 800. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : چهار چیز است که به سود آدمی است نه به زیان او : ایمان و شکرگزاری ... و استغفار ... و دعا . خداوند متعال فرموده است : «بگو : اگر دعای شما نباشد ، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی کند» . 798. امام صادق علیه السلام : امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در بدرود با ماه رمضان _ : بار خدایا! ... و تو آئی

که راهنمایی شان کردی ... و فرمودی : «مرا بخوانید تا پاسختان دهم . به راستی کسانی که از عبادت من گردن فرازی می کنند ، به زودی با خواری به دوزخ در می آیند» ، و دعا کردن به درگاہت را عبادت نامیدی و ترک آن را کبرورزی ، و بر ترک آن ، وعده در آمدن با خواری به [آتش] جهنم دادی.

799. امام باقر عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: أَدْعُ وَلَا تُقُلْ : قَدْ فُرِعَ مِنَ الْأَمْرِ ؛ فَإِنَّ الدُّعَاءَ هُوَ الْعِبَادَةُ ؛ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ : «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» ، وَقَالَ : «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» . (1) 800. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رسول الله صلی الله علیه و آله : تَرَكَ الدُّعَاءَ مَعْصِيَةً . (2) 801. عنه صلی الله علیه و آله : عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ لَمْ يَدْعُ اللَّهَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ . (3) 802. أَعْلَامُ الدِّينِ : عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : مَنْ لَا يَدْعُونِي أَغْضَبُ عَلَيْهِ . (4) 801. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُمَسِّكُ عَنْ عَبْدِهِ الْخَيْرَ الْكَثِيرَ ، وَيَقُولُ : لَا أُعْطِي عَبْدِي حَتَّى يَسْأَلَنِي . (5) 802. أَعْلَامُ الدِّينِ : عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَخْرُجُ مِنَ النَّارِ رَجُلٌ فَيَقُولُ لَهُ رَبُّهُ تَعَالَى : مَا تُعْطِينِي إِنْ أَخْرَجْتِكَ ؟ فَيَقُولُ : يَا رَبِّ ! أُعْطِيكَ مَا تَسْأَلُنِي .

فَيَقُولُ لَهُ : كَذَبْتَ ، وَعِزَّتِي ! قَدْ سَأَلْتِكَ مَا هُوَ أَهْوَنُ مِنْ ذَلِكَ فَلَمْ تُعْطِنِي ؛ سَأَلْتِكَ أَنْ تَسْأَلَنِي فَأُعْطِيكَ ، وَتَدْعُونِي فَاسْتَجِيبَ لَكَ ، وَتَسْتَغْفِرَنِي فَأَغْفِرَ لَكَ . (6) .

-
- 1- الكافي : ج 2 ص 467 ح 5 عن حماد بن عيسى وح 7 ، عدّة الداعي : ص 33 كلاهما نحوه .
 - 2- تنبيه الخواطر : ج 2 ص 120 ؛ المعجم الصغير : ج 1 ص 251 عن أبي سعيد الخدري ، كنز العمال : ج 6 ص 473 ح 16610 .
 - 3- مسند ابن حنبل : ج 3 ص 448 ح 9725 و ص 518 ح 10182 ، الأدب المفرد : ص 198 ح 658 ، سنن الترمذي : ج 5 ص 456 ح 3373 ، مسند أبي يعلى : ج 6 ص 127 ح 6625 وفيها «يسأل» بدل «يدع» ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 667 ح 1806 و ص 668 ح 1807 كلّها عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 2 ص 63 ح 3126 .
 - 4- كنز العمال : ج 2 ص 63 ح 3127 نقلاً عن العسکری فی المواعظ عن أبي هريرة .
 - 5- الفردوس : ج 1 ص 169 ح 632 عن أبي سعيد الخدري ؛ مستدرک الوسائل : ج 5 ص 175 ح 5603 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب .
 - 6- الفردوس : ج 5 ص 512 ح 8924 ، الدر المنثور : ج 8 ص 337 نقلاً عن ابن مردويه نحوه وكلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج 14 ص 542 ح 39557 .

803. الإمام زين العابدين عليه السلام: امام صادق عليه السلام: دعا کن و مگو که کار از کار گذشته است؛ زیرا دعا، عین عبادت است. خداوند عز و جل می فرماید: «کسانی که از عبادت من، گردن فرازی می کنند، به زودی با خواری به دوزخ در می آیند» و فرموده است: «مرا بخوانید تا پاسختان دهم». 803. امام زين العابدين عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ترک دعا، گناه است. 804. الإمام الصادق عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که خدا را نخواند، خدا بر او خشم می گیرد. 804. امام صادق عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال فرموده است: «هر که مرا نخواند، بر او خشم می گیرم». 805. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «به بنده ام نمی دهم تا از من بخواهد». 806. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مردی از آتش [دوزخ] بیرون می آید (/ آورده می شود) و پروردگار بلندمرتبه اش به او می فرماید: «اگر تو را بیرون آورم، به من چه می دهی؟».

می گوید: پروردگار من! هرچه از من بخواهی، به تو می دهم.

خداوند می فرماید: «به عزّت سوگند که دروغ می گویی! من، کمتر از این را از تو خواستم و تو به من ندادی. از تو خواستم که از من بخواهی تا به تو عطا کنم، مرا بخوانی تا پاسخت دهم و از من آمرزش بطلبی تا تو را بیمارزم [و تو هیچ یک از این خواسته های مرا انجام ندادی]». . .

807. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام عليّ عليه السلام_ في بيان مُحَاوَرَةِ اللَّهِ تَعَالَى الْأَغْنِيَاءَ وَالْفُقَرَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ_ : ثُمَّ يُدْعَى بِالْكَافِرِ الْفَقِيرِ
فَيَقُولُ : يَا بَنَ آدَمَ ، مَا فَعَلْتَ فِيمَا أَمَرْتُكَ ؟

فَيَقُولُ : ابْتَلَيْتَنِي بِبَلَاءِ الدُّنْيَا حَتَّى أَنْسَيْتَنِي ذِكْرَكَ وَشَغَلْتَنِي عَمَّا خَلَقْتَنِي لَهُ .

فَيَقُولُ لَهُ : فَهَلَّا دَعَوْتَنِي فَأَرْزُقَكَ ، وَسَأَلْتَنِي فَأَعْطِيكَ ؟ فَإِنْ قَالَ : يَا رَبِّ نَسَيْتُ ، هَلَكَ ، وَإِنْ قَالَ : لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ ، هَلَكَ . فَيَقُولُ لَهُ : لَوْ تَعَلَّمُ
مَا لَكَ عِنْدِي لَبَكَيْتَ كَثِيرًا . (1) 808. مسند ابن حنبل عن أبي سعيد الخدري عن رسول الله صلا لإمام الصادق عليه السلام : مَنْ لَمْ يَسْأَلِ
اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ افْتَقَرَ . (2) 4 / 2 دَمَّ الْمَلَالِ مِنَ الدُّعَاءِ 807. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : رسول الله صلى الله عليه وآله : لا
تَمَلُّوا مِنَ الدُّعَاءِ ؛ فَإِنَّكُمْ لَا تَدْرُونَ مَتَى يُسْتَجَابُ لَكُمْ . (3) 808. مسند ابن حنبل (_ به نقل از ابو سعيد خدرى _) عدّة الداعى : وَرَدَ فِي
الْوَحْيِ الْقَدِيمِ : وَلَا تَمَلَّ مِنَ الدُّعَاءِ ؛ فَإِنَّي لَا أَمَلُّ مِنَ الْإِجَابَةِ . (4) .

-
- 1- . تفسير القمى : ج 2 ص 288 عن الحارث ، بحار الأنوار : ج 7 ص 174 ح 4 .
 - 2- . الكافى : ج 2 ص 467 ح 4 ، عدّة الداعى : ص 23 كلاهما عن عمرو بن جميع ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 7 ح 1977 ،
الاختصاص : ص 223 ، الدعوات : ص 117 ح 268 عنه عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 95 ص 296 ح 11 .
 - 3- . عوالى اللالى : ج 1 ص 442 ح 161 .
 - 4- . عدّة الداعى : ص 141 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 373 ح 16 .

4 / 2 نکوهش خسته شدن از دعا

809. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام_ در بیان گفتگوی خداوند بزرگ با توانگران و درویشان در روز قیامت _ : سپس ، کافر درویش را صدا می زنند و خداوند به او می فرماید : « ای پسر آدم! با دستورهایم به تو ، چه کردی؟ » .

او می گوید : مرا به بلای دنیا (فقر) گرفتار ساختی ، تا جایی که یاد خودت را از خاطر بردی و مرا از آنچه برای آن آفریده ام بودی ، غافل نمودی.

خداوند به او می فرماید : « چرا مرا نخواندی تا روزی ات دهم و از من درخواست نکردی تا عطايت کنم؟ » اگر بگويد : پروردگارا! فراموش کردم ، به هلاکت درمی افتد و اگر بگويد : تو را نمی شناختم ، باز به هلاکت درمی افتد .

پس خداوند به او می فرماید : « اگر بدانی که برای تو چه دارم ، بسی گریه می کنی. » 810. عنه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : هر که از فضل خداوند عز و جل درخواست نکرد ، به فقر در افتاد. 4 / 2 نکوهش خسته شدن از دعا 809. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از دعا کردن خسته نشوید ؛ زیرا شما نمی دانید که چه وقت ، دعایتان مستجاب می شود . 810. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عدّة الداعی : در وحی قدیم (کتب آسمانی گذشته) آمده است : « از دعا کردن ، خسته مشو ؛ زیرا من از اجابت کردن ، خسته نمی شوم. » .

4 / 3 ذم العجز عن الدعاء 813. رسول الله صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: إن أعجز الناس من عجز عن الدعاء .
(1) 813. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: لا تعجزوا في الدعاء؛ فإنه لا يهلك مع الدعاء أحد . (2) 814. عنه
صلى الله عليه وآله: الإمام علي عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تعجزوا عن الدعاء؛ فإن الله أنزل علي: «ادعوني
أستجب لكم» .

فقال رجل: يا رسول الله، ربنا يسمع الدعاء؟ أم كيف ذلك؟ فأنزل الله: «وإذا سألك عبادي عني فإني قريب». (3) 4 / 4 ذم من لا يدعو
إلا عند نزول البلاء الكتاب «قل أرءيئتم إن أتاكم عذاب الله أو أتتكم الساعة أغير الله تدعون إن كنتم صديقين * بل إياه تدعون
فيكشف ما تدعون إليه إن شاء وتسون ما تشركون». (4)

«قل من ينجيكم من ظلمات البر والبحر تدعونه تضرعاً وخفية لئن أنجانا من هذه لنكونن من الشكرين * قل الله ينجيكم منها ومن
كل كرب ثم أنتم تشركون». (5)

-
- 1- الأمل للمفيد: ص 317 ح 2، الأمل للطوسي: ص 89 ح 136 كلاهما عن أبي هريرة، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 8 ح 1982،
عدة الداعي: ص 34، مشكاة الأنوار: ص 350 ح 1130، بحار الأنوار: ج 93 ص 291 ح 11 .
 - 2- المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 671 ح 1818، الفردوس: ج 5 ص 28 ح 7353 كلاهما عن أنس، كنز العمال: ج 2 ص
66 ح 3147؛ الدعوات: ص 19 ح 12، بحار الأنوار: ج 93 ص 300 ح 37 .
 - 3- كنز العمال: ج 2 ص 612 ح 4883 نقلاً عن الحاكم في المستدرک علی الصحیحین، الدر المنثور: ج 1 ص 469 نقلاً عن ابن
عساكر في تاريخه .
 - 4- الأنعام: 40 و 41 .
 - 5- الأنعام: 63 و 64 .

4 / 3 نکوهش درماندگی در دعا

4 / 4 نکوهش کسانی که فقط هنگام گرفتاری دعا می کنند

4 / 3 نکوهش درماندگی در دعا 819. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: درمانده ترین مردم، کسی است که از دعا کردن، درمانده شود. 817. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در دعا کردن، درمانده نشوید؛ زیرا با وجود دعا کردن، آحدی هلاک نمی شود. 818. الأسماء و الصفات (به نقل از ابن عمر) امام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «از دعا کردن به عجز نیابید؛ زیرا خداوند بر من نازل فرموده است: «مرا بخوانید تا پاسختان دهم».

مردی گفت: ای پیامبر خدا! پروردگار ما دعا را می شنود؟ آن به چه نحو است؟

در این وقت، خداوند، فرو فرستاد: «و هر گاه بندگانم از تو درباره من می پرسند، [بگو که: من نزدیکم...]. 4 / 4 نکوهش کسانی که فقط هنگام گرفتاری دعا می کنند قرآن [بگو: آیا اگر عذاب خدا شما را در رسد یا رستخیز شما را دریابد، اگر راستگوئید، کسی غیر از خدا را می خوانید؟ نه؛] بلکه تنها او را می خوانید و او، اگر بخواهد، آنچه را برایش دعا می کنید، برطرف می کند، و آنچه را شریک او می گردانید، فراموش می کنید».

«بگو: کیست آن که شما را از تاریکی های خشکی و دریا می رهااند، آن گاه که او را به زاری و در نهمان می خوانید [و می گوئید] که: اگر ما را از این [مهلکه] برهاند، از سپاس گزاران خواهیم بود؟ بگو: خداست که شما را از آن [مهلکه] و از هر اندوهی می رهااند، و باز شما شرک می ورزید».

«وَإِذَا مَسَّ الْأَعْنَاسَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ صُورَهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ صُرٍّ مَّسَّهُ كَذَلِكَ زَيْنٌ لِّلْمُتَسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» . (1)

«هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرِينِ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِن أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ * فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ» . (2)

«وَ مَا بِكُمْ مِّن نُّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْرُونَ * ثُمَّ إِذَا كُشِفَ الضُّرُّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ» . (3)

«وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَهُ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْأَعْنَاسُ كُفُورًا» . (4)

«فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ * لِيَكْفُرُوا بِمَا ءَاتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» . (5)

«وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آذَقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ * لِيَكْفُرُوا بِمَا ءَاتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» . (6)

«وَإِذَا غَشِيَ بِهِمْ مَوْجٌ كَالظُّلِّ لَدَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَ مَا يُجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ» . (7)

1- . يونس : 12 .

2- . يونس : 22 و 23 .

3- . النحل : 53 و 54 .

4- . الإسراء : 67 .

5- . العنكبوت : 65 و 66 .

6- . الروم : 33 و 34 .

7- . لقمان : 32 .

«و چون انسان را گزندی برسد، ما را، به پهلو خفته یا نشسته و یا ایستاده، می خواند و چون گزندش را از او دور سازیم، چنان می رود که گویی ما را برای گزندی که به او رسیده، نخوانده است. این گونه، برای زیاده روان، آنچه انجام می دادند، زینت داده شده است.»

«و اوست که شما را در خشکی و دریا، روان می کند، تا وقتی که در کشتی ها باشید و آن کشتی ها با بادی ملایم، آنان را سیر می دهند و ایشان، بدان باد، شاد شوند، [به ناگاه] بادی سخت بر آنها می وزد و موج از هر سو برایشان می تازد و یقین می کنند که در محاصره افتاده اند. در آن حال، خدا را از روی اخلاص می خوانند که: اگر ما را از این [مهلکه] برهانی، قطعا از سپاس گزاران خواهیم بود. پس چون آنان را رهانید، آن گاه در زمین، به ناحق سرکشی می کنند. «و هر نعمتی که شما دارید، از خداست. سپس، چون گزندی به شما برسد، به او متوسل می شوید و چون آن گزند را از شما بزداید، گروهی از شما به پروردگارشان شرک می ورزند.»

«و چون در دریا به شما گزندی برسد، هر که را جز او می خوانید، ناپدید [و فراموش] می گردد. چون [خدا] شما را به سوی خشکی رهانید، روی گردان می شوید، و انسان، بسیار ناسپاس است.»

«و هنگامی که بر کشتی می نشینند، خدا را از روی اخلاص می خوانند، ولی چون به خشکی رسند و نجاتشان داد، به ناگاه شرک می ورزند تا نعمتی را که به ایشان دادیم، کفران کنند، و بگذار تا برخوردار شوند، زودا که بدانند.»

«و هرگاه مردمان را گزندی رسد، پروردگار خود را، توبه کنان، می خوانند و آن گاه که از جانب خود رحمتی به آنان چشانید، باز دسته ای از ایشان به پروردگارشان شرک می آورند. بگذار تا به آنچه عطایشان کرده ایم کفران ورزند. [بگو]: برخوردار شوید، زودا که بدانید.»

«و هر گاه موجی سهمگین آنان را فراگیرد، خدا را می خوانند و اعتقاد [خود] را برای او خالص گردانند؛ ولی چون نجاتشان داد و [آنان را] به خشکی رساند، برخی از ایشان میانه رو هستند، و نشانه های ما را، جز هر پیمان شکن ناسپاسی انکار نمی کند.»

«وَإِذَا مَسَّ الْأَعْيُنُ مِنْ صَدْرٍ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا حَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ» . (1)

«إِذَا مَسَّ الْأَعْيُنُ مِنْ صَدْرٍ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا حَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَئِنْ أَكْثَرْتَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» . (2)

«لَا يَسْتَمُ الْأَعْيُنُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَتَوَسَّوْا قَنُوطًا . . . وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَىٰ الْأَعْيُنِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَادُّوْا دُعَاءَ عَرِيضٍ» . (3)

الحديث 830. عمل اليوم والليلة ، نساي (_ به نقل از آنس بن مالك _) الإمام علي عليه السلام لِرَجُلٍ سَأَلَهُ أَنْ يَعِظَهُ : لا تَكُنْ مِمَّن ... يُعَجَّبُ بِنَفْسِهِ إِذَا عُوْفِيَ ، وَيَقْنَطُ إِذَا ابْتُلِيَ ، إِنْ أَصَابَهُ بَلَاءٌ دَعَا مُضْطَرًّا ، وَإِنْ نَالَهُ رَخَاءٌ أَعْرَضَ مُغْتَرًّا . (4) 831. الإمام علي عليه السلام (_ لابنهِ _) الإمام زين العابدين عليه السلام في مُنَاجَاتِهِ : إلهي ... لا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ يُبْطِرُهُ الرَّخَاءُ ، وَيَصْرَعُهُ الْبَلَاءُ ؛ فَلا يَدْعُوكَ إِلَّا عِنْدَ حُلُولِ نَارِلَةٍ ، وَلا يَتَذَكَّرُ إِلَّا عِنْدَ وَقُوعِ جَانِحَةٍ (5) ، فَيَصْرَعُ لَكَ خَدَّهُ ، وَتُرْفَعُ بِالمَسْأَلَةِ إِلَيْكَ يَدُهُ . (6) 832. الإمام الصادق عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : كَانَ جَدِّي يَقُولُ : تَقَدَّمُوا فِي الدُّعَاءِ ؛ فَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَانَ دَعَاءً فَتَنَزَّلَ بِهِ الْبَلَاءُ فَدَعَا ، قِيلَ : صَوْتُ مَعْرُوفٍ ، وَإِذَا لَمْ يَكُنْ دَعَاءً فَتَنَزَّلَ بِهِ بَلَاءٌ فَدَعَا ، قِيلَ : أَيْنَ كُنْتَ قَبْلَ الْيَوْمِ؟! (7) .

1- الزمر : 8 .

2- الزمر : 49 .

3- فضّلت : 49 و 51 . ذو دعاء عريض أي كثير . استعار العَرَضَ لكثرة الدعاء ودوامه ، كما استعار الغليظ لشدة العذاب (مجمع البحرين : ج 2 ص 1193 «عرض»).

4- نهج البلاغة : الحكمة 150 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 200 ح 30 ؛ تذكرة الخواصّ : ص 134 .

5- الجانحة : هي الآفة التي تهلك الثمار والأموال وتستأصلها ، وكلُّ مصيبة عظيمة وفتنة مبيرة : جانحة (النهاية : ج 1 ص 311 _ 312 «جوح»).

6- بحار الأنوار : ج 94 ص 130 ح 19 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي .

7- الكافي : ج 2 ص 472 ح 5 ، الاختصاص : ص 223 ، عدّة الداعي : ص 121 كلّها عن محمد بن مسلم ، بحار الأنوار : ج 93 ص 381 ح 4 .

«هر گاه انسان را گزندی برسد، پروردگارش را می خواند و به سوی او توبه می کند. سپس، چون از جانب خویش نعمتی به او ببخشد، آنچه را که پیش تر خدا را به خاطر آن می خواند، از یاد می برد و برای خدا انبازانی قرار می دهد تا [خود و دیگران را] از راه او گم راه گرداند. بگو: به [سبب] کفرت، اندکی برخوردار شو که تو از اهل آتشی».

«هر گاه انسان را گزندی برسد، ما را می خواند و چون از جانب خود، نعمتی بدو ببخشیم، می گوید: آن را به دانش خود یافته ام. نه چنان است؛ بلکه آن، آزمایشی است، ولی بیشترشان نمی دانند».

«انسان، از دعای خیر، خسته نمی شود و چون آسیبی به او برسد، نومید می گردد... و چون انسان را نعمت ببخشیم، روی برمی تابد و خود را کنار می کشد و چون گزندی به او برسد، بسیار دعا می کند».

حدیث 831. امام علی علیه السلام (به فرزندش) امام علی علیه السلام به مردی که از ایشان خواست تا او را اندرز بدهد: از آنانی مباش که... هر گاه عافیت داده شود، خودپسند می گردد و هر گاه گرفتار آید، نومید می شود و چون بلایی به او برسد، از سر بیچارگی دعا می کند و هر گاه آسایشی یابد، مغرورانه [از خدا] روی می گرداند. 832. امام صادق علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام در مناجاتش: معبود من!... مرا از آنانی قرار مده که خوشی سرمستش می کند و بلا، به زمینش می زند. چنین کسی، تنها در هنگام گرفتار آمدن تو را می خواند و تنها به وقت مصیبت، به یاد تو می افتد و گونه اش را بر خاک نهاده، دست تقاضایش به درگاه تو بلند می شود. 833. امام صادق علیه السلام: امام صادق علیه السلام: جدم می فرمود: «در دعا کردن، پیش دستی کنید؛ زیرا بنده، چنانچه اهل دعا باشد، وقتی بلایی بر او نازل شود و دعا کند، گفته می شود: «صدایی آشناست» و چنانچه اهل دعای بسیار نباشد، وقتی بلایی بر او نازل شود و دعا کند، گفته می شود: «تا به حال، کجا بودی؟!».

834. الكافي (_ به نقل از محمد بن حمران _) عنه عليه السلام: مَنْ تَقَدَّمَ فِي الدُّعَاءِ اسْتَجِيبَ لَهُ إِذَا نَزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ، وَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: صَوْتُ مَعْرُوفٌ وَلَمْ يُحْجَبْ عَنِ السَّمَاءِ .

وَمَنْ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الدُّعَاءِ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ إِذَا نَزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ، وَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: إِنَّ ذَا الصَّوْتِ لَا نَعْرِفُهُ . (1) 835. امام صادق عليه السلام: عنه عليه السلام: إِذَا دَعَا الْعَبْدُ فِي الْبَلَاءِ وَلَمْ يَدْعُ فِي الرَّخَاءِ حَجَبَتِ الْمَلَائِكَةُ صَوْتَهُ، وَقَالُوا: هَذَا صَوْتُ غَرِيبٍ، أَيْنَ كُنْتَ قَبْلَ الْيَوْمِ؟! (2) 836. امام صادق عليه السلام: الإمام الكاظم عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الدُّعَاءُ بَعْدَمَا يَنْزِلُ الْبَلَاءُ لَا يُنْتَفَعُ بِهِ . (3) .

1- . الكافي : ج 2 ص 472 ح 1 ، عدّة الداعي : ص 127 كلاهما عن هشام بن سالم ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 12 ح 2009 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 296 ح 23 .

2- . فلاح السائل : ص 108 ح 46 عن سلام النخّاس ، بحار الأنوار : ج 93 ص 382 ح 10 .

3- . الكافي : ج 2 ص 472 ح 6 ، عدّة الداعي : ص 169 ، عوالي اللآلي : ج 4 ص 20 ح 58 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 314 ح 19 .

837. عنه عليه السلام: امام صادق عليه السلام: کسی که در دعا کردن، پیش دستی کند (همیشه دعا کند، نه فقط موقع گرفتاری)، وقتی بلا بر او فرود آید [و دست به دعا بردارد] فرشتگان می گویند: «این، صدایی آشناست» و از آسمان [در کار رسیدن آن دعا به درگاه خدا] ممانعتی صورت نمی گیرد؛ اما کسی که در دعا کردن پیش دستی نکند، چون بلا بر او فرود آید، دعایش مستجاب نمی شود و فرشتگان می گویند: «این صدا برای ما آشنا نیست». 838. عنه عليه السلام: امام صادق عليه السلام: هر گاه بنده در گرفتاری دعا کند و در خوشی و آسایش دعا نکند، فرشتگان، مانع [رسیدن] صدای او [به درگاه خداوند] می شوند و می گویند: «این، صدایی ناآشناست. تا کنون کجا بودی؟!». 839. المجتبی عن الیث بن سعد عن الإمام الصادق علیه ال (_ فی دُعاءِ سَریعِ الإِجابَةِ _) امام کاظم علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام می فرمود: «دعا کردن پس از فرود آمدن بلا، سودی نمی بخشد»..

الفصل الثاني : آداب الدعاء الباب الأول : ما ينبغي قبل الدعاء أحاديث هذا الباب تفضل للداعي أن يتوضأ قبل الدعاء ، ويتوجه إلى القبلة ويصلي ركعتين ثم يطلب من الله تعالى حاجته . وكذلك عمل الصالحات قبل الدعاء مؤثر في إجابته . وكأن درجة هذه الأعمال الصالحة قبل الدعاء أوطأ من الوفاء بالعهد الإلهي ، إذ قال سبحانه : (وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ) . (1) وحرى بالقول أن الأحاديث وإن لم تنص على استقبال القبلة أدبا قبل الدعاء لكن الإشارة إلى ذلك وردت في سياق أحاديث كثيرة . (2)

1 / 1 التوضأ 841. الإمام الرضا عليه السلام : الإمام الحسن عليه السلام _ أنه كان يقول _ : يابن آدم ! من مثلك وقد خلى ربك بينه وبينك ، متى شئت أن تدخل إليه توضع يدي بين يديه ، ولم يجعل بينك وبينه حجابا ولا بوابا ، تشكو إليه همومك وفاقتك ، وتطلب منه حوائجك ، وتستعينه على أمورك . (3)

1- البقرة : 40 .

2- راجع : الكافي : ج 2 ص 480 ح 3 و ص 481 ح 5 و ج 4 ص 70 ح 1 ، مصباح المتهجد : ص 329 ؛ مسند ابن حنبل : ج 9 ص 457 ح 25070 ، صحيح البخاري : ج 2 ص 6223 ح 1665 و

3- إرشاد القلوب : ص 77 .

فصل دوم : آداب دعا کردن

باب یکم : بایسته های پیش از دعا

1 / 1 وضو گرفتن

فصل دوم : آداب دعا کردن باب یکم : بایسته های پیش از دعا بر پایه روایات این باب ، شایسته است نیايشگر پیش از دعا وضو بگیرد ، رو به قبله کند و دو رکعت نماز بخواند سپس حاجت خود را از خداوند متعال بخواهد ، همچنین انجام انواع کارهای نیک قبل از دعا در اجابت آن مؤثر است . گویا انجام این اعمال پیش از دعا مرتبه ای نازل از وفای به عهد الهی است که فرموده : «وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ ؛ (1)» به پیمان من وفادار باشید، به پیمان شما وفا می کنم» . گفتنی است که هر چند استقبال قبله به عنوان ادب قبل از دعا در روایات بدان تصریح نشده لیکن ضمن روایات فراوانی بدان اشاره شده است . (2)

1 / 1 وضو گرفتن 845. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام حسن علیه السلام می فرمود : ای پسر آدم! کیست چون تو؟ پروردگارت فاصله میان خود و تو را برداشته است تا هر گاه خواستی به حضورش برسی ، وضو سازی و در برابرش بایستی _ بی آن که میان تو و خود ، هیچ حاجب و دربانی قرار دهد _ و از گرفتاری ها و نیازت به او شکوه کنی و نیازهایت را از او بخواهی و در کارهایت از او کمک بجویی .

1- .البقرة : 40 .

2- . ر . ک : الکافی : ج 2 ص 480 ح 3 و ص 481 ح 5 و ج 4 ص 70 ح 1 ، مصباح المتهجد : ص 329 ؛ مسند ابن حنبل : ج 9 ص 457 ح 25070 ، صحیح البخاری : ج 2 ص 6223 ح 1665 و

1 / 2 استقبال القبلة 844. مهج الدعوات (_ به نقل از معاوية بن عمّار _) سنن النسائي عن أم عبد الرحمن بن طارق بن علقمة: إنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا جَاءَ مَكَانًا فِي دَارِ يَعْلى (1) اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَدَعَا . (2) 845. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : المعجم الأوسط عن يزيد بن عامر: إنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَقْبَلَ وَمَعَهُ نَفْرٌ حَتَّى وَقَفَ عَلَى الْقَرْنِ (3) دُونَ الْمَرِيْطَاءِ ، رَافِعًا يَدَيْهِ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةَ يَدْعُو . (4) 1 / 3 رَكَعَتَانِ مِنَ الصَّلَاةِ 848. مهج الدعوات عن أبي أمامة عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ ، فَدَعَا رَبَّهُ كَانَتْ دَعْوَتُهُ مُسْتَجَابَةً ؛ مُعَجَّلَةً أَوْ مُؤَخَّرَةً . (5) .

- 1- قوله: «مَكَانًا فِي دَارِ يَعْلى الخ» أشار في الترجمة إلى أنَّ وجهه أنَّ البيت كان يُرى من ذلك المكان (حاشية السندی على سنن النسائي: ج 5 ص 213) . لعلَّه الموضوع المعلوم بموضع استجابة الدعاء (عون المعبود: ج 5 ص 340) .
- 2- سنن النسائي: ج 5 ص 213 ، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 575 ح 16587 و ج 9 ص 58 ح 23236 ، سنن أبي داود: ج 2 ص 209 ح 2007 وفيهما « . . . يعلى نسيه عبد الله أو عبید الله استقبل البيت فدعا» .
- 3- القَرْن: جبل مطلق بعرفات ، وأصله الجبل الصغير المستطيل المنقطع عن الجبل الكبير (معجم البلدان: ج 4 ص 332) .
- 4- المعجم الأوسط: ج 8 ص 376 ح 8923 ، مجمع الزوائد: ج 10 ص 265 ح 17339 .
- 5- مجمع الزوائد: ج 2 ص 233 ح 2431 نقلاً عن الطبراني في المعجم الكبير ، كنز العمال: ج 2 ص 109 ح 3377 نقلاً عن مسند ابن حنبل وابن النجّار ، مسند ابن حنبل: ج 10 ص 419 ح 27567 وفيه «يتمهما أعطاه الله ما سأل» بدل «فدعا ربه كانت دعوته مستجابة» وكلها عن أبي الدرداء .

1 / 2 رو کردن به قبله**1 / 3 خواندن دو رکعت نماز**

ر. ک: ص 307 ح 473.

1 / 2 رو کردن به قبله 848. مهج الدعوات (_ به نقل از ابو امامه _) سنن النسائی _ به نقل از مادر عبد الرحمان بن طارق بن علقمه _ : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه به مکانی در خانه یعلی (1) می آمد ، رو به قبله می نمود و دعا می کرد. 849. المستدرک علی الصحیحین (_ به نقل از سعد بن مالک _) المعجم الأوسط _ به نقل از یزید بن عامر _ : پیامبر خدا ، با عده ای آمد تا آن که بالای قَرْن ، (2) نرسیده به مُرِطاء ، توقف کرد و رو به قبله ، دستانش را بلند کرد و به دعا پرداخت. 1 / 3 خواندن دو رکعت نماز 852. الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس وضو بگیرد و درست هم وضو بگیرد و سپس ، دو رکعت نماز بگذارد و آن گاه ، به درگاه پروردگارش دعا کند ، دعایش ، دیر یا زود ، مستجاب می شود.

1- . در توضیح آن ، آمده است که علّت این امر ، آن است که کعبه از آن مکان دیده می شده است (حاشیة السندی علی سنن النسائی : ج 5 ص 213) . شاید این مکان ، جایی بوده که به محلّ استجابت دعا ، معروف است (عون المعبود : ج 5 ص 340) . مراد از یعلی ، یعلی بن امیّه است.

2- . قَرْن ، کوهی است مُشرف به عرفات . قَرْن ، در اصل ، به معنای کوه کوچک مستطیل شکلی است که از کوهی بزرگ ، جدا باشد (معجم البلدان : ج 4 ص 332).

853. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: مَنْ أَحَدَّثَ وَلَمْ يَتَوَضَّأْ فَقَدْ جَفَانِي، وَمَنْ أَحَدَّثَ وَتَوَضَّأَ وَلَمْ يُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَلَمْ يَدْعُنِي فَقَدْ جَفَانِي، وَمَنْ أَحَدَّثَ وَتَوَضَّأَ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَدَعَانِي فَلَمْ أُجِبْهُ فِيمَا يَسْأَلُ عَنْ أَمْرِ دِينِهِ وَدُنْيَاهُ فَقَدْ جَفَوْتُهُ، وَلَسْتُ بِرَبِّ جَافٍ.

(1) 854. سنن الترمذى عن بريدة: الإمام الصادق عليه السلام: لِمَسْمَعٍ: يَا مَسْمَعُ، مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غُمُومِ الدُّنْيَا أَنْ يَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ مَسْجِدَهُ وَيَرْكَعَ رَكَعَتَيْنِ فَيَدْعُو اللَّهَ فِيهِمَا؟ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (2). (3) 852. امام صادق عليه السلام: عنه عليه السلام: مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الوُضُوءَ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ فَأَتَمَّ رُكُوعَهُمَا وَسُجُودَهُمَا، ثُمَّ جَلَسَ فَأَثَى عَلَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ وَصَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ حَاجَتَهُ فَقَدْ دُفِعَ إِلَيْهِ خَيْرٌ فِي مَطْلَبِهِ، وَمَنْ طَلَبَ الْخَيْرَ فِي مَطْلَبِهِ لَمْ يَخِبْ.

(4) 853. امام صادق عليه السلام: عنه عليه السلام: إِذَا كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ فَتَوَضَّأَ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ أَحْمَدِ اللَّهَ وَأَثِرْ عَلَيْهِ وَادْكُرْ مِنْ آيَاتِهِ (5)، ثُمَّ ادْعُ تُجِبْ. (6).

-
- 1- إرشاد القلوب: ص 60 و ص 94 نحوه، بحار الأنوار: ج 80 ص 308 ح 18؛ كشف الخفاء: ج 2 ص 224 ح 2360 نحوه.
 - 2- البقرة: 45.
 - 3- تفسير العياشى: ج 1 ص 43 ح 39 عن مسمع، مجمع البيان: ج 1 ص 217، بحار الأنوار: ج 91 ص 341.
 - 4- الكافي: ج 3 ص 478 ح 5، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 313 ح 969، المحاسن: ج 1 ص 124 ح 138 كلها عن الحسن بن صالح، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 10 ح 1994، بحار الأنوار: ج 93 ص 314 ح 20.
 - 5- فى المصدر: «من الآية» والتصويب من وسائل الشيعة: ج 8 ص 132 ح 9، والوفى: ج 9 ص 1425 ح 8476.
 - 6- الكافي: ج 3 ص 479 ح 9 عن الحارث بن المغيرة.

854. سنن الترمذی (_ به نقل از بریده _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدای متعال می فرماید : « هر کس حَدَثی (آنچه موجب بطلان وضوست) ، از او سر بزند و وضو نگیرد ، به من جفا کرده است و هر کس حَدَثی از او سر بزند و وضو بگیرد ، اما دو رکعت نماز نگذارد و به درگاهم دعا نکند ، باز به من جفا کرده است و هر کس حَدَثی از او سر بزند و وضو بگیرد و دو رکعت نماز بگذارد و به درگاهم دعا کند و من ، خواهش او را در کار دین و دنیایش برآورده نسازم ، من به او جفا کرده ام ، و من ، خداوندی جفاکار نیستم. 855. مسند ابن حنبل عن أنس : امام صادق علیه السلام _ به مَسْمَع _ : ای مَسْمَع ! چرا هر گاه غمی از غم های دنیا به سراغ یکی از شما می آید ، وضو نمی گیرد تا به مسجد برود و دو رکعت نماز بگذارد و در آن ، دو رکعت به درگاه خدا دعا کند؟ مگر نشنیده ای که خداوند می فرماید : « از صبر و نماز ، کمک بجوئید» ؟ 856. الأدب المفرد عن أنس : امام صادق علیه السلام : هر کس وضو سازد و نیکو وضو سازد و دو رکعت ، نماز بگذارد و رکوع و سجود آنها را کامل به جای آورد ، سپس بنشیند و خداوند عز و جل را ثنا گوید و بر پیامبر خدا ، درود بفرستد و آن گاه ، حاجتش را از خداوند بخواهد ، خیر را در جایگاهش جُسته است و هر کس خیر را در جایگاهش بجوئید ، ناکام نمی شود. 857. الإمام الحسين عن الإمام عليّ عليهما السلام : امام صادق علیه السلام : هر گاه حاجتی داشتی ، وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان ، سپس حمد و ثنای خدا را به جای آور و نعمت هایش را یاد کن ، آن گاه ، دعا کن ، دعایت اجابت می شود . .

855. مسند ابن حنبل (_ به نقل از انس _) عنه عليه السلام_ في الرَّجُلِ يَحْزُنُهُ الأَمْرُ أو يُرِيدُ الحَاجَةَ _ : يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ يَقْرَأُ فِي إِحْدَاهُمَا «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» أَلْفَ مَرَّةٍ ، وَفِي الأُخْرَى مَرَّةً ، ثُمَّ يَسْأَلُ حَاجَتَهُ . (1) 856. الأَدبُ المَفْرَدُ (_ به نقل از انس _) عنه عليه السلام : مَنْ جَاعَ فَلْيَتَوَضَّأْ وَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ ، ثُمَّ يَقُولُ : يَا رَبِّ إِنِّي جَائِعٌ فَأَطْعِمْنِي ، فَإِنَّهُ يُطْعَمُ مِنْ سَاعَتِهِ . (2) 1 / 4 تَقْدِيمُ صَلَاةٍ أو صَدَقَةٍ أو خَيْرٍ أو ذِكْرٍ 859. الإمام الرضا عليه السلام : رسول الله صلى الله عليه وآله : إذا أزدت أن تدعو الله (3) فقدم صلاة أو صدقة ، أو خيرا أو ذكرا . (4) .

-
- 1- .الكافي : ج 3 ص 477 ح 2 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 562 ح 1549 .
 - 2- .الكافي : ج 3 ص 475 ح 6 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 313 ح 968 وفيه «ركعتين ويتم ركوعهما وسجودهما» وكلاهما عن الحسن بن عروة _ ابن أخت شعيب العرقوفى _ عن خاله شعيب و ج 2 ص 237 ح 939 عن عروة عن خاله شعيب .
 - 3- .فى المصدر : «لله» بدل «الله» ، والتصويب من مستدرک الوسائل : ج 5 ص 199 ح 2 نقلاً عن المصدر .
 - 4- .عوالى اللالى : ج 1 ص 110 ح 16 عن ابن عمر .

1 / 4 گزاردن نمازی یا دادن صدقه ای یا انجام دادن کار خیری یا گفتن ذکر

858. امام زین العابدین علیه السلام: امام صادق علیه السلام_ درباره مردی که اندوهی به او می رسد یا حاجتی دارد_: دو رکعت نماز می گزارد و در یکی از آن دو، هزار مرتبه و در دیگری یک مرتبه «قل هو الله أحد» را می خواند، سپس، حاجتش را تقاضا می کند. 859. امام رضا علیه السلام: امام صادق علیه السلام: هر کس گرسنه شد [و غذایی نداشت]، وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند و سپس بگوید: «پروردگارا! من گرسنه ام. غذایم ده»، در دم، اطعام می شود. 1 / 4 گزاردن نمازی یا دادن صدقه ای یا انجام دادن کار خیری یا گفتن ذکر 860. مصباح الشریعة (_ در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه خواستی دعا کنی، پیش از آن، نمازی بخوان یا صدقه ای بده یا کار خیری بکن یا ذکر بگو.

الباب الثاني : ما يستفتح به الدعاء 2 / 1 البسملة 864. بصائر الدرجات عن عبد الله بن بكير عن أبي عبد الرسول الله صلى الله عليه وآله : لا يُرَدُّ دُعَاءُ أَوْلَاهُ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» . (1) 865. الإمام الصادق عليه السلام : عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ حَزَنَهُ أَمْرٌ تَعَاظَاهُ فَقَالَ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وَهُوَ مُخْلِصٌ لِلَّهِ يَقْبَلُ بِقَلْبِهِ إِلَيْهِ ، لَمْ يَنْفَكْ مِنْ إِحْدَى اثْنَتَيْنِ : إِمَّا بُلُوغِ حَاجَتِهِ فِي الدُّنْيَا ، وَإِمَّا يُعَدُّ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَيُدْخَرُ لَدَيْهِ ، وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلْمُؤْمِنِينَ . (2) 2 / 2 الْحَمْدُ وَالثَّنَاءُ 863. امام صادق عليه السلام : رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ قَالَ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» - أَرْبَعَ مَرَّاتٍ ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : سَلْ تُعْطَهُ . (3) .

-
- 1- تنبيه الخواطر : ج 1 ص 32 ، الدعوات : ص 52 ح 131 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 313 ح 17 .
 - 2- التوحيد : ص 232 عن الإمام زين العابدين عن أبيه الإمام الحسين عن أخيه الإمام الحسن عن أبيه الإمام علي عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 92 ص 233 ح 14 .
 - 3- الدعاء للطبراني : ص 491 ح 1726 عن أبي أمامة .

باب دوم : آداب آغاز کردن دعا**1 / 2 آغاز کردن به نام خدا****2 / 2 ستایش و ثنا گفتن**

باب دوم : آداب آغاز کردن دعا 1 / 2 آغاز کردن به نام خدا 867. الإمام الرضا عليه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دعایی که با «بسم الله الرحمن الرحيم» ؛ به نام خداوند بخشنده مهربان» آغاز گردد ، رد نمی شود. 867. امام رضا علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس اندوهی بدو برسد و از روی اخلاص و با توجه قلب به خدا بگوید : «بسم الله الرحمن الرحيم» ، از دو حال ، خارج نمی شود : یا در همین دنیا به حاجتش می رسد و یا نزد پروردگارش به حساب می آید و در نزد او ذخیره می گردد ، و البته آنچه نزد خداست ، برای اهل ایمان ، بهتر و ماندگارتر است. 2 / 2 ستایش و ثنا گفتن 869. صحیح البخاری عن إسحاق بن عبد الله عن أنس بن مالك پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس چهار مرتبه بگوید : «الحمد لله رب العالمين ؛ ستایش ، خداوندی را که پروردگار جهانیان است» ، خداوند عز و جل می فرماید : «بخواه ، تا به تو عطا شود».

870. الإمام الكاظم عليه السلام: مكارم الأخلاق عن رسول الله صلى الله عليه وآله: «إِنَّ كُلَّ دُعَاءٍ لَا يَكُونُ قَبْلَهُ تَمْجِيدٌ فَهُوَ أَبْتَرٌ، إِنَّمَا التَّمْجِيدُ ثُمَّ الدُّعَاءُ».

قُلْتُ (1): ما أدنى ما يُجزئُ مِنَ التَّمْجِيدِ؟

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قُلْ: اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. (2) 869. صحيح البخاري (_ به نقل از اسحاق بن عبد الله، از انس بن مالك _) تنبيه الغافلين عن ميمونة بنت سعد خادمة رسول الله صلى الله عليه وآله: مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِسَلْمَانَ وَهُوَ يَدْعُو فِي دُبْرِ الصَّلَاةِ.

فَقَالَ: يَا سَلْمَانُ أَلَاكَ حَاجَةٌ إِلَى رَبِّكَ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ.

قَالَ: فَقَدِّمْ بَيْنَ يَدَيِ دُعَائِكَ ثَنَاءً عَلَى رَبِّكَ، وَصِدْفُهُ كَمَا وَصَفَ نَفْسَهُ، وَسَدِّحُهُ تَسْبِيحًا وَتَحْمِيدًا وَتَهْلِيلًا. فَقَالَ سَلْمَانُ: وَكَيْفَ أَقْدِمُ ثَنَاءً يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ: تَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ ثَلَاثًا، فَإِنَّهَا ثَنَاءُ اللَّهِ تَعَالَى. قَالَ: فَكَيْفَ أَصِفُهُ؟

قَالَ: تَقْرَأُ سُورَةَ الصَّمَدِ ثَلَاثًا فَإِنَّهَا صِفَةُ اللَّهِ، وَصَفَ بِهَا نَفْسَهُ. قَالَ: فَكَيْفَ أُسَبِّحُ؟

قَالَ: قُلْ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» ثُمَّ تَسَاءَلْ حَاجَتَكَ. (3) 870. امام كاظم عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: السُّؤَالُ بَعْدَ الْمَدْحِ، فَأَمْدَحُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ اسْأَلُوا الْحَوَائِجَ، أَثْنُوا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَمْدَحُوا قَبْلَ طَلْبِ الْحَوَائِجِ. (4).

1- كذا في المصدر، من دون ذكرٍ للقائل.

2- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 80 ح 2206، الكافي: ج 2 ص 504 ح 6 عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «تحميد» بدل «تمجيد» في جميع المواضع، بحار الأنوار: ج 93 ص 317 ح 21.

3- تنبيه الغافلين: ص 544 ح 876.

4- النخصال: ص 635 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 93 ص 308 ح 7 وراجع عدّة الداعي: ص 147.

871. المستدرک عن سهل بن حنیف عن عثمان بن حنیف: مکارم الأخلاق: پیامبر خدا فرمود: «هر دعایی که پیش از آن تمجیدی نباشد [در خواستی] ناقص است. نخست تمجید [خداوند] و سپس دعا!»

[راوی گوید:] گفتم: کمترین حدّ تمجید که کفایت می کند، چیست؟

فرمود: «بگو: پروردگارا! تو آغازینی و پیش از تو چیزی نیست. تو واپسینی و پس از تو چیزی نیست. تو پیدایی و پیداتر از تو چیزی نیست. تو نهانی و نهان تر از تو چیزی نیست. تو عزیز و حکیمی». 872. الإمام علیّ علیه السلام: تنبیه الغافلین _ به نقل از میمونه دختر سعد، خدمت گزار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ : پیامبر صلی الله علیه و آله بر سلمان _ که نمازش را خوانده و مشغول دعا کردن بود _ گذشت و فرمود: «ای سلمان! از پروردگارت حاجتی داری؟»

گفت: آری، ای پیامبر خدا!

فرمود: «پس، پیش از دعایت پروردگارت را ثنا گوی و او را چنان که خود، خویشان را وصف کرده است، وصف کن و سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله بگو».

سلمان گفت: ای پیامبر خدا! چگونه ثناش گویم؟

فرمود: «سه مرتبه فاتحه الكتاب (سوره حمد) را بخوان؛ زیرا آن، ثنای خداوند متعال است».

گفت: چگونه وصفش کنم؟

فرمود: «سه مرتبه سوره صَمَد (توحید) را بخوان؛ زیرا آن، وصف خداست که خداوند، خویشان را بدان وصف کرده است».

گفت: چگونه تسبیح او گویم؟

فرمود: «بگو: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، یعنی: پاک است خدا و ستایش، ویژه اوست. معبودی جز خدای یگانه نیست و خدا، بزرگ تر است. سپس، حاجت را از او درخواست کن». 871. المستدرک _ به نقل از سهل بن حنیف، از عثمان بن حنیف _ (امام علی علیه السلام: درخواست، پس از ستایش است. پس خداوند عز و جل را بستابید و آن گاه، حاجت ها را از او بخواهید. پیش از درخواست حاجت ها، ستایش و مدح خداوند عز و جل را به جا آورید. .

872. امام على عليه السلام: عنه عليه السلام: لا قراءة في ركوع ولا سجود، إنما فيهما المدحة لله عز وجل ثم المسألة، فابتدئوا قبل المسألة بالمدحة لله عز وجل ثم اسألوا بعد. (1) 873. دلائل النبوة لإبي نعيم عن عبد الرحمن بن أبي ليلى الإمام الصادق عليه السلام: إن في كتاب علي عليه السلام: إن الثناء على الله والصلاة على رسوله قبل المسألة، وإن أحدكم ليأتي الرجل يطلب الحاجة فيحب أن يقول له خيراً قبل أن يسأله حاجته. (2) 874. الخرائج والجرائح: الكافي عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام: إن في كتاب أمير المؤمنين صلوات الله عليه: «إن المدحة قبل المسألة، فإذا دعوت الله عز وجل فمجده». قلت: كيف أمجده؟

قال: تقول: يا من هو أقرب إلي من حبل الوريد، يا فعلاً لما يريد، يا من يحول بين المرء وقلبه، يا من هو بالمنظر الأعلى، يا من هو ليس كمثله شيء. (3) 875. الخرائج والجرائح: الإمام الصادق عليه السلام: إذا أردت أن تدعو فمجّد الله عز وجل، واحمده، وسبّحه، وهللّه، وأثن عليه، وصل على محمد النبي وآله، ثم سل تعط. (4) 873. دلائل النبوة، ابو نعيم (به نقل از عبد الرحمن بن ابى لیلی _) عنه عليه السلام: إياكم إذا أراد أحدكم أن يسأل من ربه شيئاً من حوائج الدنيا والآخرة حتى يبدأ بالثناء على الله عز وجل والمدح له، والصلاة على النبي صلى الله عليه وآله، ثم يسأل الله حوائجه. (5).

1- قرب الإسناد: ص 142 ح 512 عن أبي البختری عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 85 ص 104 ح 9.

2- الكافي: ج 2 ص 486 ح 7 عن أبي كهمس.

3- الكافي: ج 2 ص 484 ح 2، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 16 ح 2029، فلاح السائل: ص 90 ح 22 وليس فيه «يا فعلاً لما يريد» وكلها عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار: ج 93 ص 315 ح 20.

4- الكافي: ج 2 ص 485 ح 5، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 16 ح 2030 كلاهما عن الحارث بن المغيرة، بحار الأنوار: ج 93 ص 315 ح 21.

5- الكافي: ج 2 ص 484 ح 1، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 16 ح 2028، عدّة الداعي: ص 147 وليس فيه «والآخرة» وكلها عن الحارث بن المغيرة، الدعوات: ص 23 ح 27 وفيه «ثم الاعتراف بالذنب ثم المسألة» بدل «ثم يسأل الله حوائجه»، بحار الأنوار: ج 93 ص 314 ح 19.

874. الخرائج و الجرائح (_ به نقل از جابر _) امام علی علیه السلام: در هیچ رکوع و سجده ای قرائت نیست؛ بلکه در آن دو باید ستایش خداوند عز و جل کرد و سپس، درخواست نمود. پس، پیش از درخواست، ستایش خداوند عز و جل گویند و سپس درخواست کنید. 875. الخرائج و الجرائح: امام صادق علیه السلام: در کتاب علی علیه السلام آمده است: «پیش از درخواست (دعا)، ثنای خدا گویند و بر پیامبرش درود فرستید. وقتی فردی از شما نزد مردی می رود و حاجتی می خواهد، آن مرد، دوست دارد که پیش از درخواست حاجتش از او به نیکی یاد کند. 876. الخرائج و الجرائح: الکافی _ به نقل از محمد بن مسلم _ امام صادق علیه السلام فرمود: «در کتاب امیر مؤمنان _ که درودهای خدا بر او باد _ آمده است: ستایش، پیش از درخواست است. بنا بر این، هر گاه به درگاه خداوند عز و جل دعا می کنی، او را تمجید کن.»

گفتم: چگونه تمجیدش کنم؟

فرمود: «می گویی: ای آن که از شاه رگ گردن، به من نزدیک تر است، ای آن که هر چه بخواهد، انجام دهد، ای آن که میان آدمی و دلش حائل می گردد، ای آن که در چشم انداز برین است، ای آن که چیزی همانند او نیست!». 877. الخرائج و الجرائح عن أسماء بنت عمیس: امام صادق علیه السلام: هر گاه خواستی دعا کنی، نخست خداوند عز و جل را ستایش کن و به پاکی و یگانگی اش بستای (1) و ثنای او بگو و بر محمد پیامبر و خاندان او درود فرست. سپس، درخواست کن تا به تو عطا شود. 878. الدعاء للطبرانی عن الربیع بنت معوذ بن عفراء: امام صادق علیه السلام: زنهار! هر گاه فردی از شما خواست از پروردگارش حاجتی از حاجت های دنیا و آخرت را درخواست کند، پیش از آن، خداوند عز و جل را ثناء و مدح گوید و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود بفرستد و سپس، حاجت هایش را از خدا بخواهد.

1- یعنی: «الحمد لله» و «سبحان الله» و «لا اله الا الله» بگو.

876. الخرائج و الجرائح: الدعاء المأثور وآدابه: إِنَّ رَجُلًا قَالَ لِجَعْفَرِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَّمْنِي دُعَاءَ أَرْجُو إِجَابَتَهُ.

قَالَ: أَكْثَرَ مِنْ حَمْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، وَادْعُهُ بِمَا شِئْتَ.

فَقَالَ الرَّجُلُ: وَمَا الْحَمْدُ مِنَ الدُّعَاءِ؟

فَقَالَ: إِنَّ جَمِيعَ مَنْ فِي الْأَرْضِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَدْعُونَ لِيَلَهُمْ وَنَهَارُهُمْ أَنْ يَسْتَجِيبَ لِلْحَامِدِينَ، فَمَا ظَنُّكَ بِمَنْ يَشْفَعُ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ؟

قَالَ: وَكَيْفَ ذَلِكَ؟

قال: أَلَيْسَ يَقُولُونَ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ يَرْكَعُونَهَا: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ؟ فَعَلَيْكَ بِحَمْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَسْتَجِيبُ اللَّهُ دُعَاءَكَ. (1) 2 / 3 الإقرار بالذنب 879. الإمام الرضا عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّمَا هِيَ الْمِدْحَةُ، ثُمَّ الثَّنَاءُ، ثُمَّ الْإِقْرَارُ بِالذَّنْبِ، ثُمَّ الْمَسْأَلَةُ؛ إِنَّهُ - وَاللَّهِ - مَا خَرَجَ عَبْدٌ مِنْ ذَنْبٍ إِلَّا بِالْإِقْرَارِ. (2) 880. رسول الله صلى الله عليه وآله: الكافي عن عثمان بن عيسى عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قُلْتُ: آيَاتَانِ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَطْلُبُهُمَا فَلَا أَحِدُهُمَا. قَالَ: وَمَا هُمَا؟ قُلْتُ: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» فَادْعُوهُ وَلَا تَرَى إِجَابَةً.

قَالَ: أَفْتَرَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَخْلَفَ وَعَدَهُ؟ قُلْتُ: لَا. قَالَ: فَمِمَّ ذَلِكَ؟ قُلْتُ: لَا أَدْرِي.

قَالَ: لِكَيْتِي أَخْبِرَكَ، مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَا أَمَرَهُ ثُمَّ دَعَا مِنْ جِهَةِ الدُّعَاءِ أَجَابَهُ. قُلْتُ: وَمَا جِهَةُ الدُّعَاءِ؟

قَالَ: تَبْدَأُ فَتَحْمَدُ اللَّهَ، وَتَذْكُرُ نِعَمَهُ عِنْدَكَ، ثُمَّ تَشْكُرُهُ، ثُمَّ تُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ تَذْكُرُ ذُنُوبَكَ فَتَقْرَأُ بِهَا، ثُمَّ تَسْتَعِيدُ مِنْهَا، فَهَذَا جِهَةُ الدُّعَاءِ. (3).

1- الدعاء المأثور وآدابه: ص 48.

2- الكافي: ج 2 ص 484 ح 3، عدّة الداعي: ص 148، فلاح السائل: ص 90 ح 23 كلّها عن معاوية بن عمّار، بحار الأنوار: ج 93 ص 318 ح 23.

3- الكافي: ج 2 ص 486 ح 8، عدّة الداعي: ص 16، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 21 ح 2053 وزاد فيه «وتمجّده» بعد «فتحمد الله» ، إرشاد القلوب: ص 152 وفيهما «ثم تستغفر منها» بدل «تستعيد منها»، بحار الأنوار: ج 93 ص 317 ح 21.

2 / 3 اعتراف به گناه

881. الإمام الصادق عليه السلام: الدعاء المأثور و آدابه: مردی به امام صادق علیه السلام گفت: مرا دعایی بیاموز که به اجابت آن، امیدوار باشم.

فرمود: «خداوند پاک را فراوان حمد کن. سپس، آنچه می خواهی از او تقاضا نما».

مرد گفت: حمد، چه ربطی به دعا دارد؟

فرمود: «همه مسلمانان روی زمین، شب و روز دعا می کنند که خداوند، دعای حمدگویان را اجابت کند. حال، چه گمان می بری درباره کسی که همه مسلمانان، نزد خدا شفاعت او را می کنند؟

گفت: چه طور شب و روز برایش دعا می کنند؟

فرمود: «مگر نه این است که در هر رکعتی که رکوع می کنند، [هنگام بلند شدن] می گویند: خدا، دعای کسی را که حمدش می کند، بپذیرد؟! پس، خداوند عز و جل را حمد کن تا خدا، دعایت را بپذیرد». 2 / 3 اعتراف به گناه 880. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: نخست، ستایش، سپس، ثنا گفتن، بعد، اعتراف کردن به گناه و آن گاه، درخواست کردن؛ زیرا به خدا سوگند، هیچ بنده ای از گناهی بیرون نشد، مگر با اعتراف [به آن]. 881. امام صادق علیه السلام: الکافی. به نقل از عثمان بن عیسی، از کسی که برایش نقل کرد: به امام صادق علیه السلام گفتم: دو آیه در کتاب خدا هست که [در آنها وعده ای داده شده که] آنها را می جویم؛ اما نمی یابم.

فرمود: «کدام دو آیه؟».

گفتم: این سخن خداوند عز و جل که: «مرا بخوانید تا پاسختان دهم». او را می خوانیم؛ اما پاسخی نمی بینیم.

فرمود: «آیا فکر می کنی خداوند عز و جل خُلف وعده کرده است؟».

گفتم: خیر.

فرمود: «پس، علّش چیست؟».

گفتم: نمی دانم.

فرمود: «ولی من، تو را آگاه می سازم: هر کس از دستوره‌های خداوند عز و جل پیروی کند، سپس او را از راه دعا بخواند، خداوند، پاسخش دهد».

گفتم: راه دعا چیست؟

فرمود: «نخست، خدا را می ستایی و نعمت هایی را که به تو داده است، یاد می کنی و سپس، او را سپاس می گذاری و بعد، بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود می فرستی و آن گاه، گناهانت را یادآور می شوی و بدانها اعتراف می کنی و از آنها به خدا پناه میبری. این است راه دعا کردن».

882. الكافي (_ به نقل از كناسى ، از امام صادق عليه السلام) فلاح السائل عن عثمان بن عيسى عن بعض أصحابنا عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : قُلْتُ لَهُ : آيَاتِنِ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَا أُدْرِى مَا تَأْوِيلُهُمَا .

فَقَالَ : وَمَا هُمَا ؟

قَالَ : قُلْتُ : قَوْلُهُ تَعَالَى : « اذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ » ثُمَّ ادْعُوا فَلَا أَرَى الْإِجَابَةَ !

قَالَ : فَقَالَ لِي : أَفْتَرَى اللَّهَ _ تَبَارَكَ وَتَعَالَى _ أَخْلَفَ وَعَدَهُ ؟ قَالَ : قُلْتُ : لَا .

فَقَالَ : الْآيَةُ الْآخَرَى ؟

قَالَ : قَوْلُهُ تَعَالَى : « وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ » فَأُنْفِقُ فَلَا أَرَى خَلْفًا !

قَالَ : أَفْتَرَى اللَّهَ أَخْلَفَ وَعَدَهُ ؟ قَالَ : قُلْتُ : لَا . قَالَ : فَمَهْ ؟ قُلْتُ : لَا أُدْرِى .

قَالَ : لِكَيْتَى أُخْبِرَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى ، أَمَا إِنَّكُمْ لَوْ أَطَعْتُمُوهُ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ ثُمَّ دَعَوْتُمُوهُ لِأَجَابِكُمْ ، وَلَكِنْ تُخَالِفُونَهُ وَتَعْصُونَهُ فَلَا يُجِيبُكُمْ .

وَأَمَّا قَوْلُكَ : تُنْفِقُونَ فَلَا تَرَوْنَ خَلْفًا ، أَمَا إِنَّكُمْ لَوْ كَسَبْتُمْ الْمَالَ مِنْ حِلِّهِ ثُمَّ أَنْفَقْتُمُوهُ فِي حَقِّهِ لَمْ يُنْفِقْ رَجُلٌ دِرْهَمًا إِلَّا أَخْلَفَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ ، وَلَوْ دَعَوْتُمُوهُ مِنْ جِهَةِ الدُّعَاءِ لِأَجَابِكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ عَاصِينَ .

قَالَ : قُلْتُ : وَمَا جِهَةُ الدُّعَاءِ ؟

قَالَ : إِذَا أَدَيْتَ الْفَرِيضَةَ ، مَجَّدْتَ اللَّهَ وَعَظَّمْتَهُ وَتَمَدَّحْتَهُ بِكُلِّ مَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ ، وَتُصَدِّ لِي عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَجْتَهَدُ فِي الصَّلَاةِ عَلَيْهِ ، وَتَشْهَدُ لَهُ بِتَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ ، وَتُصَدِّ لِي عَلَى أُمَّةِ الْهُدَى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، ثُمَّ تَذْكُرُ بَعْدَ التَّحْمِيدِ لِلَّهِ وَالشَّانِ عَلَيْهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا أَبْلَاكَ وَأَوْلَاكَ ، وَتَذْكُرُ نِعْمَهُ عِنْدَكَ وَعَلَيْكَ وَمَا صَنَعَ بِكَ ، فَتَحْمَدُهُ وَتَشْكُرُهُ عَلَى ذَلِكَ ، ثُمَّ تَعْتَرِفُ بِذُنُوبِكَ ذَنْبٍ ذَنْبٍ ، وَتُقَرُّ بِهَا أَوْ بِمَا ذَكَرْتَ مِنْهَا ، وَتُجْمَلُ مَا خَفِيَ عَلَيْكَ مِنْهَا فَتَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ مَعَاصِيكَ ، وَأَنْتَ تَتَوَى أَنْ لَا تَعُودَ ، وَتَسْتَغْفِرُ مِنْهَا بِدَامَةٍ وَصِدْقِ نِيَّةٍ وَخَوْفٍ وَرَجَاءٍ ، وَيَكُونُ مِنْ قَوْلِكَ :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِي ، وَأَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ ، فَأَعِنِّي عَلَى طَاعَتِكَ ، وَوَقِّفْنِي لِمَا أَوْجَبْتَ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ مَا يُرْضِيكَ ، فَإِنِّي لَمْ أَرِ أَحَدًا بَلَغَ شَيْئًا مِنْ طَاعَتِكَ إِلَّا بِنِعْمَتِكَ عَلَيْهِ قَبْلَ طَاعَتِكَ ، فَأَنْعِمْ عَلَيَّ بِنِعْمَةٍ أَنْالَ بِهَا رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ .

ثُمَّ تَسْأَلُ بَعْدَ ذَلِكَ حَاجَتَكَ ، فَإِنِّي أَرْجُو أَنْ لَا يُحْيِيَنَّكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى . (1) .

883. المناقب لابن شهر آشوب عن إسحاق وإسماعيل ويونس بنيفلاح السائل. به نقل از عثمان بن عیسی، از یکی از شیعیان: به امام صادق علیه السلام گفتم: دو آیه در کتاب خدا هست که تأویل [و حقیقت] آنها را نمی دانم.

فرمود: «آن دو آیه چیست؟».

گفتم: این سخن او که: «مرا بخوانید تا پاسختان دهم». دعا می کنم و اجابتی نمی بینم!

به من فرمود: «آیا گمان می کنی که خداوند - تبارک و تعالی - خُلف وعده کرده است؟

گفتم: خیر.

فرمود: «آیه دیگر، کدام است؟».

گفتم: این سخن او که: «هر آنچه انفاق کنید، او جایگزینش می کند و او بهترین روزی دهندگان است». من انفاق می کنم؛ اما جایگزینی نمی بینم!

فرمود: «آیا گمان می کنی که خداوند، خُلف وعده کرده است؟».

گفتم: خیر.

فرمود: «پس چه؟»

گفتم: نمی دانم.

فرمود: «ولی من، به خواست خداوند متعال، سببش را برایت می گویم: بدانید که اگر شما از دستورهایی که او به شما داده است، اطاعت می کردید، سپس او را می خواندید، پاسختان را می داد؛ اما شما دستورهایی او را به کار نمی بندید و نافرمانی اش می کنید، از این رو، پاسختان را نمی دهد.

اما این که گفتم: انفاق می کنید، اما جایگزینی نمی بینید، بدانید که اگر مال را از راه حلالش به دست می آوردید و به جا انفاق می کردید، هیچ کس درهمی انفاق نمی کرد، مگر آن که خداوند، عوضش را به او می داد. و اگر خداوند را از راه دعا می خواندید، پاسختان را می داد، هر چند نافرمان باشید».

گفتم: راه دعا چیست؟

فرمود: «چون نماز واجب را خواندی، خداوند را تا جایی که می توانی، به بزرگی و عظمت یاد کن و او را ستایش کن و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست و در درود فرستادن بر او بکوش و گواهی ده که پیام الهی را رسانده است، و بر امامان هدایتگر، درود بفرست، و پس از به جای آوردن حمد و ثنای الهی و درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله، لطف ها و محبت های او را در حق خودت یاد

کن و نعمت هایی را که به تو داده و نواقت هایی را که در حق تو روا داشته است ، یادآور شو و او را بر آنها حمد و سپاس بگو . آن گاه ، به یکایک گناهانت یا به آنچه از آنها در خاطر داری ، و به آنها که بر تو پوشیده است ، اجمالاً ، اعتراف و اقرار کن و از همه نافرمانی هایت ، به درگاه خدا توبه ببر ، با این نیت که دیگر آنها را تکرار نکنی و از سرِ پشیمانی و نیتِ راستین و بیم و امید ، از همه آنها استغفار کن و از جمله بگو:

بار خدایا! من از گناهانم پوزش می خواهم و از تو آمرزش می طلبم و به درگاهت توبه می کنم . پس ، مرا بر طاعت از خودت ، یاری رسان و در هر آنچه که بر من واجب ساخته ای و مورد رضایت توست ، موقم بدار ، که من ندیدم کسی به طاعت تو دست یابد ، مگر با لطف و نعمت تو ، پیش از طاعت . بنا بر این ، بر من آن نعمتی ارزانی بدار که با آن ، به خشنودی و بهشت تو نایل آیم .

سپس ، حاجتت را بطلب ، که در این صورت ، امیدوارم خداوند _ إن شاء الله تعالی _ ناکامت نگذارد» . .

883. المناقب، ابن شهر آشوب (به نقل از اسحاق و اسماعيل و يونس، پسران عمّار) رسول الله صلى الله عليه وآله كان فيما دعا به في حجة الوداع: أنا البائس الفقير، المستغيث المستجير، الوجل المشفق، المقتر المعترف بذنبيه، أسألك مسألة المستكين، وأبتهل إليك ابتهاال المذنب الدليل، وأدعوك دعاء الخائف الضرير. (1) 884. الكافي عن عبد الله بن المغيرة: الإمام الصادق عليه السلام في زيارة البيت يوم النحر: أسألك مسألة العليل الدليل المعترف بذنبيه، أن تغفر لي ذنوبي. (2).

-
- 1- المعجم الكبير: ج 11 ص 140 ح 11405، المعجم الصغير: ج 1 ص 247 كلاهما عن ابن عباس، كنز العمال: ج 2 ص 175 ح 3614؛ بحار الأنوار: ج 94 ص 225 ح 1 نقلاً عن كتاب الاختيار لابن الباقي عن فاطمة عليها السلام.
- 2- الكافي: ج 4 ص 511 ح 4، تهذيب الأحكام: ج 5 ص 252 ح 853 كلاهما عن معاوية بن عمّار، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 551، بحار الأنوار: ج 99 ص 319 ح 22.

885. الإمام الجواد علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعای ایشان در حجة الوداع: من بینوای درویش یاری خواه پناه جوی ترسانِ بیمناکِ معترف به گناه، از تو بیچاره وار در خواست می کنم و همچون گنهکارِ خوار، به تو التماس می کنم و به سانِ ترسانِ نابینا، تو را می خوانم. 884. الکافی (به نقل از عبد الله بن مغیره) امام صادق علیه السلام در زیارت خانه خدا در عید قربان: از تو ، همچون شخصِ علیلِ خوارِ معترف به گناه، در خواست می کنم که گناهانم را بیامرزی . .

راجع : ميزان الحكمة : الذنب / ما ينبغي للمذنب .

2 / 4 الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ 887. رسول الله صلى الله عليه وآله : رسول الله صلى الله عليه وآله : ما مِنْ دُعَاءٍ إِلَّا بَيَّنَّهُ وَبَيَّنَ السَّمَاءَ حِجَابٌ ، حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ ، فَإِذَا فُعِلَ ذَلِكَ خُرِقَ ذَلِكَ الْحِجَابُ وَدَخَلَ الدُّعَاءُ ، فَإِذَا لَمْ يُفْعَلْ ذَلِكَ رَجَعَ الدُّعَاءُ . (1) 888. عنه صلى الله عليه وآله : عنه صلى الله عليه وآله : لا يَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوبًا حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَيَّ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِي . (2) 889. عنه صلى الله عليه وآله : الإمام الصادق عليه السلام : لا يَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوبًا حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ . (3) 890. الإمام عليّ عليه السلام : عنه عليه السلام : كُلُّ دُعَاءٍ يُدْعَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مَحْجُوبٌ عَنِ السَّمَاءِ حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ . (4) .

- 1- .بشارة المصطفى : ص 236 عن الحارث عن الإمام عليّ عليه السلام ، جامع الأخبار : ص 156 ح 367 وفيه «لم يرفع الدعاء» بدل «رجع الدعاء» ، بحار الأنوار : ج 27 ص 258 ح 7؛ الفردوس : ج 4 ص 47 ح 6148 عن الإمام عليّ عليه السلام وليس فيه «وعلى آل محمد» ، كنز العمال : ج 2 ص 88 ح 3270 .
- 2- .كفاية الأثر : ص 39 عن أبي ذرّ ، بحار الأنوار : ج 94 ص 66 ح 53 .
- 3- .الكافي : ج 2 ص 491 ح 1 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 18 ح 2035 ، الأمل للطوسي : ص 662 ح 1379 كلّها عن هشام بن سالم ، الدعوات : ص 31 ح 67 وزاد فيهما «عن السماء» بعد «محجوبا» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 312 ح 16 .
- 4- .الكافي : ج 2 ص 493 ح 10 عن صفوان الجمال ، المقنع : ص 297 ، ثواب الأعمال : ص 186 ح 3 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 88 ح 2238 كلاهما عن الحارث الأعور ، روضة الواعظين : ص 360 و الثلاثة الأخيرة عن الإمام عليّ عليه السلام وليس فيها «يدعى الله عز و جل» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 311 ح 11؛ المعجم الأوسط : ج 1 ص 220 ح 721 عن الحارث و عاصم بن ضمرة عن الإمام عليّ عليه السلام وفيه «كلّ دعاء محجوب حتّى ...» ، كنز العمال : ج 2 ص 269 ح 3988 .

2 / 4 درود فرستادن بر محمد و خاندان او

ر. ک : گناه / بایسته های گنهکار.

2 / 4 درود فرستادن بر محمد و خاندان او 890. امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ دعایی نیست ، مگر این که میان آن و آسمان ، پرده ای است تا آن گاه که بر پیامبر و بر خاندان محمد ، درود فرستاده شود . چون درود فرستاده شود ، آن پرده می دزد و دعا وارد می شود ، و هرگاه درود فرستاده نشود ، دعا برگردد. 891. الإمام زین العابدین علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دعا ، پیوسته در حجاب است [و به درگاه خدا بالا نمی رود] ، تا آن گاه که بر من و بر خانواده من ، درود فرستاده شود. 892. الإمام الصادق علیه السلام (_ مِنْ وَصِيَّتِهِ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ _) امام صادق علیه السلام : دعا ، پیوسته در حجاب است ، تا آن گاه که بر محمد و خاندان محمد ، درود فرستاده شود . 893. عنه علیه السلام : امام صادق علیه السلام : هر دعایی که به درگاه خداوند عز و جل شود ، پیوسته از [ورود به] آسمان ممنوع است ، مگر آن که بر محمد و خاندان محمد ، درود فرستاده شود.

891. امام زين العابدين عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: صَلَاتُكُمْ عَلَيَّ مُجَوِّزَةٌ لِدُعَائِكُمْ ، وَمَرْضَاةٌ لِرَبِّكُمْ ، وَزَكَاةٌ لِأَبْدَانِكُمْ .
 (1) 892. امام صادق عليه السلام (_ در توصيه هاى ايشان به عبد الله بن جندب _) عنه صلى الله عليه وآله : لا تَجْعَلُونِي كَقَدْحِ الرَّازِبِ
 2 ؛ فَإِنَّ الرَّازِبَ يَمْلَأُ قَدْحَهُ فَيَشْرَبُهُ إِذَا شَاءَ ، اجْعَلُونِي فِي أَوَّلِ الدُّعَاءِ ، وَفِي آخِرِهِ ، وَفِي وَسْطِهِ . (2) 893. امام صادق عليه السلام : الكافي
 عن مرزم عن الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ رَجُلًا أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنِّي جَعَلْتُ ثَلَاثَ صَلَوَاتِي لَكَ .
 فَقَالَ لَهُ خَيْرًا . فَقَالَ لَهُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنِّي جَعَلْتُ نِصْفَ صَلَوَاتِي لَكَ . فَقَالَ لَهُ : ذَاكَ أَفْضَلُ . فَقَالَ : إِنِّي جَعَلْتُ كُلَّ صَلَوَاتِي لَكَ .

فَقَالَ : إِذَا يَكْفِيكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَا أَهَمَّكَ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاكَ وَآخِرَتِكَ .

فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ : أَصْلَحَكَ اللَّهُ ، كَيْفَ يَجْعَلُ صَلَاتَهُ لَهُ ؟

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لا- يَسْأَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ شَيْئًا إِلَّا بَدَأَ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ . (3) 894. رسول الله صلى الله عليه وآله
 : الكافي عن أبي بصير : سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا مَعْنَى أَجْعَلُ صَلَوَاتِي كُلَّهَا لَكَ ؟

فَقَالَ : يُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ كُلِّ حَاجَةٍ ، فَلَا يَسْأَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ شَيْئًا حَتَّى يَبْدَأَ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَيَصَدِّقُنِي عَلَيْهِ ثُمَّ يَسْأَلُ اللَّهُ حَوَائِجَهُ .
 (4) .

1- . الجعفریات : ص 215 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الأمالى للطوسى : ص 215 ح 376 عن محمد بن مروان عن
 الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «صلاتكم على إجابة لدعائكم وزكاة لأعمالكم» ، جمال الأسبوع : ص 159 عن
 السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «لأعمالكم» بدل «لأبدانكم» ، بحار الأنوار : ج 94 ص
 68 ح 56 .

2- . الكافي : ج 2 ص 492 ح 5 عن ابن القداح ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 19 ح 2039 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار
 الأنوار : ج 93 ص 316 ح 21 ؛ المصنّف لعبد الرزّاق : ج 2 ص 216 ح 3117 ، شُعَبُ الإِيمَانِ : ج 2 ص 216 ح 1578 كلاهما عن
 جابر نحوه ، كنز العمال : ج 1 ص 509 ح 2253 .

3- . الكافي : ج 2 ص 493 ح 12 ، ثواب الأعمال : ص 188 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 60 ح 42 .

4- . الكافي : ج 2 ص 492 ح 4 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 18 ح 2038 .

895. عنه صلى الله عليه وآله: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: درود فرستادن شما بر من، پروانه عبورِ دعای شما و موجب خشنودی پروردگارتان و زکات بدن های شماست. 896. عنه صلى الله عليه وآله: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: مرا چون پیاله سوار قرار ندهید که هرگاه می خواهد، پیاله اش را پُر می کند و می آشامد (1)؛ بلکه مرا در آغاز و در آخر و در وسط دعایتان قرار دهید. 897. الإمام الصادق عليه السلام: الكافي_ به نقل از مُرَازِمِ: امام صادق عليه السلام فرمود: مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من، یک سوم درود فرستادن هایم را به تو اختصاص می دهم.

پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: «خوب است».

گفت: ای پیامبر خدا! نصف درود فرستادن هایم را به تو اختصاص می دهم.

فرمود: «این، بهتر است».

گفت: همه درود فرستادن هایم را به تو اختصاص می دهم.

فرمود: «در این صورت، خداوند عز و جل خواست های دنیا و آخرت را برآورده می سازد».

مردی به امام صادق عليه السلام گفت: خداوند، تو را به صلاح بدارد! چگونه درود خود را به او اختصاص می داد؟

فرمود: «چیزی از خداوند عز و جل درخواست نمی کرد، مگر این که با درود فرستادن بر محمد و خاندان او آغاز می کرد». 898. عنه عليه السلام: الكافي_ به نقل از ابو بصیر: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: معنای این که «همه درود

فرستادن هایم را برای تو قرار می دهم» چیست؟

فرمود: «پیشاپیش هر درخواستی، او (پیامبر صلى الله عليه وآله) را بفرستد؛ یعنی هیچ چیزی از خداوند عز و جل درخواست نکند، مگر آن که با پیامبر صلى الله عليه وآله آغاز نماید، پس بر او درود فرستد و سپس، درخواست هایش را از خداوند بخواهد».

1- . یعنی، جایگاه ویژه ای برای یادکردن از من قرار دهید، نه این که با بی اهمیت شمردن یاد من، هرگاه خواستید، یاد من کنید. گفتنی است که در نهاییه ابن اثیر، در معنای این حدیث، چنین توضیح آمده است: یاد مرا به آخر کارتان وامگذارید؛ زیرا سواره، وقتی اثاثیه اش را بست، کاسه اش را در آخر کار به اثاثیه اش آویزان می کند و به پشتش می اندازد.

894. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام علیّ علیه السلام :مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَمِعَهُ النَّبِيُّ ، وَرُفِعَتْ دَعْوَتُهُ . (1) 895. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عنه عليه السلام :صَلُّوا عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقْبَلُ دُعَاءَكُمْ عِنْدَ ذِكْرِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَدُعَائِكُمْ لَهُ وَحِفْظِكُمْ إِيَّاهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (2) 896. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عنه عليه السلام :فِي بَيَانِ فَضَائِلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنْ اللَّهُ تَعَالَى جَعَلَ دُعَاءَ أُمَّتِهِ فِيمَا يَسْأَلُونَ رَبَّهُمْ - جَلَّ ثَنَاؤُهُ - مَرْفُوعًا مِنْ إِبَابَتِهِ حَتَّى يُصَدِّقُوا فِيهِ عَلَيْهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَهَذَا أَكْبَرُ وَأَعْظَمُ مِمَّا أُعْطِيَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لِأَدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (3) 897. امام صادق عليه السلام :عنه عليه السلام :إِذَا كَانَتْ لَكَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ حَاجَةٌ فَابْدَأْ بِمَسْأَلَةِ الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ سَلْ حَاجَتَكَ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ حَاجَتَيْنِ فَيَقْضِيَ إِحْدَاهُمَا وَيَمْنَعُ الْأُخْرَى . (4) 898. امام صادق عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَةٌ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ثُمَّ يَسْأَلْ حَاجَتَهُ ، ثُمَّ يَخْتِمُ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَقْبَلَ الطَّرْفَيْنِ وَيَدَعَ الْوَسْطَ إِذَا كَانَتْ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَا تُحْجَبُ عَنْهُ . (5) .

- 1- .الخصال : ص 630 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، عدّة الداعي : ص 152 وليس فيه «سمعه النبي» ، بحار الأنوار : ج 94 ص 50 ح 14 .
- 2- .الخصال : ص 613 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 309 ح 7 .
- 3- .إرشاد القلوب : ص 408 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 69 ح 59 وفيه «موقوفاً عن الإجابة» بدل «مرفوعاً من إجابته» .
- 4- .نهج البلاغة : الحكمة 361 ، الدعوات : ص 22 ح 26 ، غرر الحكم : ح 4149 ، روضة الواعظين : ص 354 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 312 ح 17 .
- 5- .الكافي : ج 2 ص 494 ح 16 عن ابن جمهور عن أبيه عن رجاله ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 19 ح 2040 ، عدّة الداعي : ص 154 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 316 ح 21 وراجع الأمالي للطوسي : ص 172 ح 290 وجمال الأسبوع : ص 160 .

899. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: هر کس بر پیامبر خدا محمد صلی الله علیه و آله، درود فرستد، پیامبر آن را می شنود و دعایش [به درگاه الهی] فراز می شود. 900. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: بر محمد و خاندان محمد درود بفرستید؛ زیرا با آوردن نام محمد و دعا کردن برای او و حفظ [حرمت] او، خداوند عز و جل دعای شما را می پذیرد. 901. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام_ در بیان فضائل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال، دعای امت او را در آنچه از پروردگارشان می خواهند، از اجابت، منع کرده است تا آن گاه که در دعا، بر او درود بفرستند و این، بزرگ تر و با عظمت از آن چیزی است که خداوند _ تبارک و تعالی _ به آدم علیه السلام عطا فرمود. 902. عنه علیه السلام: امام علی علیه السلام: هر گاه از خداوند سبحان، درخواستی داشتی، ابتدا درود فرستادن بر پیامبر او را درخواست کن و سپس، حاجتت را بخواه؛ زیرا خداوند، بزرگوارتر از آن است که از او دو حاجت خواسته شود و یکی را بر آورد و دیگری را بر آورده نسازد. 903. سعد السعود: امام صادق علیه السلام: هر کس از خداوند عز و جل درخواستی دارد، ابتدا بر محمد و خاندان او درود بفرستد و سپس، حاجتش را بخواهد و در پایان نیز بر محمد و خاندان محمد، درود بفرستد؛ زیرا خداوند عز و جل کریم تر از آن است که اول و آخر [دعا] را بپذیرد، چون درود بر محمد و خاندان محمد از او محجوب نیست، و وسط آن

را رها کند. .

899. امام صادق عليه السلام: عنه عليه السلام: مَنْ دَعَا وَلَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ زَفَرَ الدُّعَاءَ عَلَى رَأْسِهِ ، فَإِذَا ذَكَرَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ زَفَعَ الدُّعَاءَ . (1) 900. امام صادق عليه السلام: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا صَدَّ لِي أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِتَحْمِيدِ رَبِّي - جَلَّ وَعَزَّ - وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ ، ثُمَّ يُصَلِّيْ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، ثُمَّ يَدْعُو بَعْدُ بِمَا شَاءَ . (2) 901. امام صادق عليه السلام: سنن الترمذى عن فضالة بن عبيد: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَاعِدٌ (3) إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ فَصَلَّى ، فَقَالَ : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي .

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : عَجَلْتَ أَيُّهَا الْمُصَلِّي ! إِذَا صَلَّيْتَ فَقَعِدْتَ فَأَحْمَدِ اللَّهَ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ وَصَلِّ عَلَيَّ ثُمَّ ادْعُهُ .

قَالَ : ثُمَّ صَلِّ رَجُلٌ آخَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَيُّهَا الْمُصَلِّي ، أَدْعُ تُجِبْ . (4) 902. امام صادق عليه السلام: الكافي عن أبي كهمس عن الإمام الصادق عليه السلام: دَخَلَ رَجُلٌ الْمَسْجِدَ فَابْتَدَأَ قَبْلَ الثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : عَاجِلَ الْعَبْدِ رَبَّهُ .

ثُمَّ دَخَلَ آخَرَ فَصَلَّى وَأَثْنَى عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَصَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : سَلِّ تَعْطُهُ . (5) .

1- .الكافي : ج 2 ص 491 ح 2 عن السكوني ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 18 ح 2036 ، الجعفریات : ص 216 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام وفيه «إذا دعا العبد» بدل «من دعا» ، جمال الأسبوع : ص 160 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 316 ح 21 .

2- .سنن أبي داود : ج 2 ص 77 ح 1481 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 517 ح 3477 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 245 ح 23992 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 354 ح 840 و ص 401 ح 989 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 211 ح 2854 كلَّها عن فضالة بن عبيد ، كنز العمال : ج 2 ص 73 ح 3187 .

3- .في المصدر : «قاعدا» ، والتصويب من المعجم الكبير وغيره .

4- .سنن الترمذى : ج 5 ص 516 ح 3476 ، سنن النسائي : ج 3 ص 44 نحوه ، المعجم الكبير : ج 18 ص 308 ح 792 و ح 794 وفيهما «سل تعطه» بدل «أيها المصلّي ادع تُجِبْ» ، كنز العمال : ج 2 ص 129 ح 3461؛ مكارم الأخلاق : ج 2 ص 17 ح 2031 ، عدّة الداعي : ص 148 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه .

5- .الكافي : ج 2 ص 485 ح 7 .

903. سعد السعود: امام صادق علیه السلام: هر کس دعا کند و نام پیامبر صلی الله علیه و آله را نبرد، آن دعا [همچنان] بر فراز سر او بال و پر می زند و چون نام پیامبر صلی الله علیه و آله را بُرد، دعا بالا برده می شود. 904. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما نماز خواند، پس ابتدا پروردگارش را حمد و ثنا گوید و سپس بر پیامبر، درود فرستد و آن گاه، هر دعایی خواست، بکند. 905. عنه صلی الله علیه و آله: سنن الترمذی_ به نقل از فضالة بن عبید_: پیامبر خدا نشسته بود که مردی وارد شد و نماز خواند و گفت: بار خدایا! مرا پیامرز و بر من، رحمت آور.

پیامبر خدا فرمود: «عجله کردی، ای مرد نمازگزار! هر گاه نماز خواندی، بنشین و خدا را به آنچه شایسته آن است، بستای و بر من، درود فرست و آن گاه، دعا کن».

پس از او مرد دیگری [آمد و] نماز خواند و حمد خدا کرد و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستاد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «ای مرد نمازگزار! دعا کن که اجابت می شوی». 906. عنه صلی الله علیه و آله: الکافی_ به نقل از ابو کهمس_ امام صادق علیه السلام فرمود: مردی به مسجد درآمد و پیش از آن که ثنای خدا گوید و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستد، شروع به دعا کرد. پیامبر خدا فرمود: «این بنده، در خواهش از پروردگارش شتاب ورزید».

سپس مرد دیگری درآمد و ابتدا، نماز خواند و خداوند عز و جلرا ثنا گفت و بر پیامبر خدا، درود فرستاد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «[اکنون] بخواه تا به تو عطا شود».

907. الإمام الصادق عليه السلام: فلاح السائل عن الحسين بن سعيد: قَالَ الْحَلِيثُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِي جَارِيَةً تُعْجِبُنِي فَلَيْسَ يَكَادُ يَبْقَى لِي مِنْهَا وَلَدٌ، وَلِي مِنْهَا غُلَامٌ، وَهُوَ يَبْكِي وَيَفْزَعُ بِاللَّيْلِ، وَأَتَخَوَّفُ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَبْقَى .

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَأَيْنَ أَنْتَ مِنَ الدُّعَاءِ؟ قُمْ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ وَتَوَضَّأْ وَأَسْبِغِ الوُضُوءَ، وَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ، فَاحْمَدِ اللَّهَ، وَإِيَّاكَ أَنْ تَسْأَلَهُ حَتَّى تَمْدَحَهُ - رَدَّدَ ذَلِكَ عَلَيْهِ مَرَارًا يَأْمُرُهُ بِالمِدْحَةِ - فَاذَا فَرَعْتَ مِنْ مِدْحَةِ رَبِّكَ فَصَلِّ عَلَى نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ سَلِّهُ يُعْطِكَ .

أَمَا بَلَغَكَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَى عَلَى رَجُلٍ وَهُوَ يُصَلِّي، فَلَمَّا قَضَى الرَّجُلُ الصَّلَاةَ أَقْبَلَ يَسْأَلُ رَبَّهُ حَاجَتَهُ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَجَّلَ الْعَبْدُ عَلَى رَبِّهِ .

وَأَتَى عَلَى آخَرَ وَهُوَ يُصَلِّي، فَلَمَّا قَضَى صَلَاتَهُ مَدَحَ رَبَّهُ، فَلَمَّا فَرَعَ مِنْ مِدْحَةِ رَبِّهِ صَلَّى عَلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَلْ تُعْطَ، سَلْ تُعْطَ . (1) 908. المراسيل عن أبي قلابة عن رسول الله صلى الله عليه وآله الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ دَعَا قَبْلَ الثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، كَانَ كَمَنْ رَمَى بِسَهْمٍ بِلا وَتَرٍ . (2) 909. رسول الله صلى الله عليه وآله: عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبي الضحاک: كَانَ [الإمام الرضا] عَلَيْهِ السَّلَامُ يَبْدَأُ فِي دُعَائِهِ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَيُكثِرُ مِنْ ذَلِكَ فِي الصَّلَاةِ وَغَيْرِهَا . (3) راجع: نهج الذكر: القسم العاشر / الصلاة على محمد وآله .

1- فلاح السائل: ص 90 ح 24، بحار الأنوار: ج 93 ص 318 ح 24 .

2- تحف العقول: ص 403، بحار الأنوار: ج 78 ص 326 ح 4 .

3- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 182 ح 5، بحار الأنوار: ج 49 ص 94 ح 7 .

904. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فلاح السائل_ به نقل از حسین بن سعید_ : حلبی به امام صادق علیه السلام گفت : کنیزی دارم که مورد علاقه من است و از او برای من ، تقریباً فرزندی نمانده است و تنها یک پسر از وی دارم که شب ها گریه و بی تابی می کند و می ترسم که او نیز زنده نماند.

امام صادق علیه السلام فرمود : «چرا دعا نمی کنی؟ آخر شب برخیز و وضوی کاملی بگیر و دو رکعت نماز بگزار و خدا را بستای و تا او را نستوده ای ، از او درخواست مکن» .

امام علیه السلام چندین بار این جمله را بازگفت و او را به ستودن خدا توصیه کرد [و افزود :] «و چون از ستایش پروردگارت فراغت یافتی ، بر پیامبرت درود فرست و آن گاه از او بخواه ، که عطایت می کند.

مگر نشنیده ای که پیامبر خدا بر مردی وارد شد که نماز می خواند و چون نمازش را تمام کرد ، شروع به درخواست حاجت خود از پروردگارش نمود و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : این بنده ، زود از پروردگارش تقاضا کرد و مرد دیگری را دید که نماز می خواند و چون نمازش را به پایان بُرد ، پروردگارش را ستود و پس از ستایش پروردگارش بر پیامبر او درود فرستاد و پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود : بخواه که به تو داده می شود ؛ بخواه که به تو داده شود ؟». 905. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام کاظم علیه السلام : هرکس پیش از ستایش خداوند و درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله دعا کند ، همچون کسی است که با کمان بی زه ، تیر می اندازد. 906. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عیون أخبار الرضا علیه السلام_ به نقل از رجاء بن ابی ضحاک_ : امام رضا علیه السلام دعایش را با درود فرستادن بر محمد و خاندان او می آغازید و در نماز و غیر نماز ، درود بسیار می فرستاد. ر. ک : نهج الذکر : بخش دهم / درود فرستادن بر محمد و خاندان محمد .

2 / 15 استشفاع القرآن والأنبياء والأولياء الكتاب (ي- أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجْهٌ هُدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) .
(1)

راجع : الإسراء : 55 و 56 .

الحديث 914. رسول الله صلى الله عليه وآله : رسول الله صلى الله عليه وآله لِعَلِّيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا عَلِيُّ ، إِذَا هَالَكَ أَمْرٌ أَوْ نَزَلَتْ بِكَ شِدَّةٌ فَقُلْ :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُنَجِّنِي مِنْ هَذَا الْغَمِّ . (2) 915. الإمام الباقر عليه السلام : الإمام علي عليه السلام : إعلموا أن هذا القرآن هو النصيح الذي لا يغش ... فاسألوا الله به ، وتوجهوا إليه بحبه ، ولا تسألوا به خلقه ، إنه ما توجه العباد إلى الله تعالى بمثله ، وأعلموا أنه شافع مشفع . (3) 911. ثواب الأعمال (_ به نقل از سهل بن سعد انصاری _) الإمام الباقر عليه السلام : تأخذ المصحف في الثلث الثاني من شهر رمضان فتشره وتضعه بين يديك ، وتقول : «اللهم إني أسألك بكتابك المنزل وما فيه ، وفيه اسمك الأعظم الأكبر وأسمائك الحسنى وما يخاف ويرجى أن تجعلني من عتقائك من النار» وتدعو بما بدا لك من حاجة . (4)

1- المائدة : 35 .

2- مُهَج الدعوات : ص 15 عن موسى بن إبراهيم عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 11 وفيه «يا علي ، إذا هالك أمر فقل : اللهم بحق محمد وآل محمد إلا فرجت عني» ، بحار الأنوار : ج 95 ص 280 ح 3 .

3- نهج البلاغة : الخطبة 176 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 24 ح 24 .

4- الكافي : ج 2 ص 629 ح 9 عن زرارة ، عدّة الداعي : ص 55 ، المقنعة : ص 190 من دون إسناد إلى المعصوم ، الإقبال : ج 1 ص 346 عن حريز بن عبد الله السجستاني ، الدعوات : ص 206 ح 560 عن زرارة عن الإمام الصادق عليه السلام وفي الثلاثة الأخيرة «تأخذ المصحف في ثلاث ليالي ...» .

2 / 5 توسل جستن به قرآن و پیامبران و اولیا

2 / 5 توسل جستن به قرآن و پیامبران و اولیا قرآن «ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی پیشه کنید و به درگاه او وسیله بجوئید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید» .

ر . ک : اسراء : آیه 55 و 56.

حدیث 918. رسول الله صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ به علی علیه السلام_ : ای علی! هر گاه کاری تو را هراساند یا دچار سختی شدی، بگو: بار خدایا! به حق محمد و خاندان محمد، از تو درخواست می کنم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستی و مرا از این غم، برهانی. 916. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : بدانید که این قرآن، خیرخواهی است که خیانت نمی کند... پس به واسطه آن، از خداوند درخواست کنید و با دوستی آن، به او روی آورید و آن را وسیله خواهش از خلق خدا قرار ندهید؛ زیرا بندگان با هیچ وسیله ای به سان قرآن، به خداوند متعال روی نیاوردند، و بدانید که قرآن، شفیع است که شفاعتش پذیرفته می شود. 917. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام باقر علیه السلام : در دهه دوم ماه رمضان، قرآن را برمی داری و آن را می گشایی و در برابر خویش می گذاری و می گویی: «بار خدایا! به حق این کتاب آسمانی ات و به حق آنچه در آن است، و در آن است عظیم ترین و بزرگ ترین نام تو و دیگر نام های نیکویت و آنچه مایه بیم و امید است، از تو درخواست می کنم که مرا در شمار رهیندگان از آتش، قرار دهی» و هر حاجتی که داری، از خدا می خواهی.

918. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: الإقبال عن الإمام الصادق عليه السلام: خُذِ الْمُصْحَفَ فَدَعُهُ عَلَى رَأْسِكَ وَقُلْ :

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ ، وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ ، وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِيهِ ، وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ ، فَلَا أَحَدٌ أَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ ، يَا اللَّهُ -
عَشْرَ مَرَّاتٍ - ثُمَّ تَقُولُ : بِمُحَمَّدٍ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - ، بِعَلِيِّ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - ، بِفَاطِمَةَ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - ، بِالْحَسَنِ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - ، بِالْحُسَيْنِ -
عَشْرَ مَرَّاتٍ - ، بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - ، بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - ، بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - ، بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ -
عَشْرَ مَرَّاتٍ - ، بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى - عَشْرَ مَرَّاتٍ - ، بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - ، بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - ، بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ - عَشْرَ
مَرَّاتٍ - ، بِالْحَبِجَةِ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - وَتَسْأَلُ حَاجَتَكَ .

وَذَكَرَ فِي حَدِيثِهِ إِجَابَةَ الدَّاعِي وَقِضَاءَ حَوَائِجِهِ . (1) 919. رسول الله صلی الله علیه وآله: الإمام الكاظم عليه السلام: خُذِ الْمُصْحَفَ فِي
يَدِكَ وَارْفَعَهُ فَوْقَ رَأْسِكَ وَقُلْ : اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ ، وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ إِلَى خَلْقِكَ ، وَبِكُلِّ آيَةٍ هِيَ فِيهِ ، وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِيهِ ،
وَبِحَقِّهِ عَلَيْكَ وَلَا أَحَدٌ أَعْرَفُ بِحَقِّهِ مِنْكَ .

يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي ، يَا أَلَّهُ يَا أَلَّهُ يَا أَلَّهُ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - وَبِحَقِّ كُلِّ إِمَامٍ - وَتَعَدُّهُمْ حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى
إِمَامِ زَمَانِكَ عَشْرَ مَرَّاتٍ - فَإِنَّكَ لَا تَقُومُ مِنْ مَوْضِعِكَ حَتَّى يُقْضَى لَكَ حَاجَتُكَ ، وَتَيْسَّرَ لَكَ أَمْرُكَ . (2) .

-
- 1- الإقبال: ج 1 ص 346، بحار الأنوار: ج 98 ص 146 وانظر الأمالى للطوسى: ص 292 ح 567 وجمال الأسبوع: ص 81 .
2- الإقبال: ج 1 ص 347 عن علي بن يقطين وراجع مكارم الأخلاق: ج 2 ص 112 ح 2312 وجمال الأسبوع: ص 80 والأمالى
للطوسى: ص 292 ح 567 والدعوات: ص 57 ح 146 .

920. عنه صلى الله عليه وآله: الإقبال_ امام صادق عليه السلام_ فرمود: «قرآن را بردار و آن را بر سر خویش گیر و بگو:

بار خدایا! به حقّ این قرآن و به حقّ کسی که این قرآن را با او فرستادی و به حقّ هر مؤمنی که در این قرآن، او را ستوده ای و به حقّ تو بر آنان، حقّی که تو خود، بهتر از هر کس، بدان آگاهی، به حقّ خودت، ای خدا (ده مرتبه).

سپس می گویی: به حقّ محمّد (ده مرتبه) به حقّ علی (ده مرتبه) به حقّ فاطمه (ده مرتبه)، به حقّ حسن (ده مرتبه)، به حقّ حسین (ده مرتبه)، به حقّ علی بن الحسین (ده مرتبه)، به حقّ محمّد بن علی (ده مرتبه)، به حقّ جعفر بن محمّد (ده مرتبه)، به حقّ موسی بن جعفر (ده مرتبه)، به حقّ علی بن موسی (ده مرتبه)، به حقّ محمّد بن علی (ده مرتبه)، به حقّ علی بن محمّد (ده مرتبه)، به حقّ حسن بن علی (ده مرتبه)، به حقّ حجّت (ده مرتبه) و آن گاه، حاجت را تقاضا می کنی.».

امام علیه السلام در ادامه سخنش از اجابت شدن دعای دعاکننده و برآوردن حاجت هایش یاد کرد. 921. الإمام الحسن علیه السلام: امام کاظم علیه السلام: قرآن را به دست بگیر و آن را بر فراز سرت قرار ده و بگو: خدایا! به حقّ این قرآن و به حقّ کسی که او را به سوی خلقت فرستادی و به آیه های قرآنت و به حقّ هر مؤمنی که در این قرآن، او را ستوده ای و به حقّ او بر تو، حقّی که هیچ کس به آن آگاه تر از خود تو نیست.

سَرَوْرَا، سَرَوْرَا، سَرَوْرَا! ای خدا، ای خدا، ای خدا! (ده مرتبه) و به حقّ محمّد (ده مرتبه) و به حقّ هر امامی و آنان را یکایک برمی شماری تا به امام زمانت برسی و هر یک را ده مرتبه می گویی. در این صورت، هنوز از جای خویش برنخاسته ای که حاجت برآورده و مشکلات حل می شود..

922. رسول الله صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - رُسُلًا مُسْتَعْلِينَ وَرُسُلًا مُسْتَخْفِينَ (1)، فَإِذَا سَأَلْتَهُ بِحَقِّ الْمُسْتَعْلِينَ فَسَلَّهُ بِحَقِّ الْمُسْتَخْفِينَ . (2) 923. عنه صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ -: الْأَيْمَةُ مِنْ وُلْدِكَ بِهِمْ تُسْقَى أُمَّتِي الْغَيْثَ ، وَبِهِمْ يُسْتَجَابُ دُعَاؤُهُمْ ، وَبِهِمْ يَصْرِفُ اللَّهُ عَنْهُمْ الْبَلَاءَ ، وَبِهِمْ تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ مِنَ السَّمَاءِ . (3) 924. الإمام الباقر عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: أَكْثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ ؛ فَإِنَّ صَدَاتِكُمْ عَلَيَّ مَغْفِرَةٌ لَذُنُوبِكُمْ ، وَاطْلُبُوا لِي الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ ؛ فَإِنَّ وَسِيلَتِي عِنْدَ رَبِّي شَفَاعَةٌ لَكُمْ . (4) 919. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: سنن الترمذی عن عثمان بن حنيف: إِنَّ رَجُلًا ضَرِيرَ الْبَصَرِ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : ادْعُ اللَّهَ أَنْ يُعَافِيَنِي .

قَالَ : إِنْ شِئْتَ دَعَوْتُ ، وَإِنْ شِئْتَ صَبَرْتَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ . قَالَ : فَادْعُهُ .

قَالَ : فَأَمْرُهُ أَنْ يَتَوَضَّأَ فَيُحْسِنَ وُضُوءَهُ ، وَيَدْعُوَ بِهَذَا الدُّعَاءِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ ، [يَا مُحَمَّدُ] (5) إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكَ إِلَى رَبِّي فِي حَاجَتِي هَذِهِ لِتَقْضِي لِي ، اللَّهُمَّ فَشَفِّعْهُ فِيَّ . (6) .

1- .الظاهر أن المراد منهم أولئك الرسل الذين لم يشتهروا ولم يعرفوا، وقد جاء في رواية أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر عليه السلام: «وكان من بين آدم ونوح عليهما السلام من الأنبياء مستخفين، ولذلك خفي ذكرهم في القرآن فلم يُسموا كما سُمي من استعلن من الأنبياء صلوات الله عليهم أجمعين، وهو قول الله عز وجل: «وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ» (النساء: 164). يعني لم أسمى المستخفين كما سميت المستعلنين من الأنبياء عليهم السلام» (الكافي: ج 8 ص 115 ح 92، تفسير العياشي: ج 1 ص 285 ح 306).

2- .كمال الدين: ص 344 ح 27 عن عبد الحميد بن أبي الديلم الطائي، بحار الأنوار: ج 93 ص 311 ح 13.

3- .كمال الدين: ص 206 ح 21، علل الشرايع: ص 208 ح 8 كلاهما عن أبي الطفيل عن الإمام الباقر عليه السلام، الأمل للصدوق: ص 485 ح 659، الإمامة والتبصرة: ص 183 ح 38 كلاهما عن أبي الطفيل عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 36 ص 232 ح 14.

4- .تاريخ دمشق: ج 61 ص 381 ح 12661 عن أبي صالح عن الإمام الحسن عليه السلام، كنز العمال: ج 1 ص 489 ح 2143.

5- .ما بين المعقوفين لا يوجد في المصدر، وأثبتناه من المصادر الأخرى.

6- .سنن الترمذی: ج 5 ص 569 ح 3578، سنن ابن ماجة: ج 1 ص 441 ح 1385، عمل اليوم والليل للسنائي: ص 417 ح 659، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 107 ح 17240 و 17241، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 458 ح 1180 وص 707 ح 1929 وكلها نحوه.

920. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: خداوند _ تبارک و تعالی _ را فرستادگانی آشکار و فرستادگانی پنهان است (1) پس ، هر گاه از او به حق آشکاران درخواست کردی ، به حق پنهانان نیز از او درخواست کن. 921. امام حسن علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ به علی علیه السلام _ : به برکت وجود امامان از نسل توست که به اتمم باران داده می شود و دعایشان مستجاب می شود ، خداوند ، بلا را از آنان می گرداند و رحمت ، از آسمان فرود می آید. 922. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بسیار بر من درود بفرستید ؛ زیرا درود فرستادن شما بر من ، موجب آمرزش گناهان شماست .

و برای من [از خداوند] درجه و وسیله طلب کنید ؛ چرا که وسیله من نزد پروردگارم ، شفاعت برای شماست. 923. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سنن الترمذی _ به نقل از عثمان بن حنیف _ : مرد ناینبایی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : دعا کن که خدا ، مرا شفا بخشد.

فرمود : «اگر بخواهی دعا می کنم ؛ اما اگر صبر پیشه کنی ، برایت بهتر است» .

گفت : دعا کن .

به او فرمود که وضویی نیکو بگیرد و این دعا را بخواند : «بار خدایا ! از تو درخواست می کنم و به واسطه پیامبرت محمد ، پیامبر رحمت ، به درگاهت روی می آورم . [ای محمد!] من به واسطه تو به درگاه پروردگارم روی آوردم تا این حاجتم برآورده شود . بار خدایا ! شفاعت او را درباره من بپذیر» . .

1 - ظاهراً مراد از ایشان ، پیامبرانی است که مشهور و معروف نیستند . در روایت ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام آمده است : «در فاصله میان آدم و نوح علیهما السلام برخی از پیامبران گم نام بوده اند . از این رو ، نام آنان در قرآن پوشیده است و از آنان ، آن گونه که از پیامبران آشکار نام برده شده ، نام برده نشده است . خداوند عز و جلمی فرماید : «و فرستادگانی که داستان آنان را پیش تر بر تو گفتیم ، و فرستادگانی که داستان ایشان را برایت نگفتیم» (نساء : آیه 164) ؛ یعنی ، آن گونه که از پیامبران آشکار و نامبردار ، اسم بردم ، از آنان اسمی نبرده ام» (الکافی : ج 8 ص 115 ح 92؛ تفسیر العیاشی : ج 1 ص 285 ح 306).

924. امام باقر عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام: إذا أردت أمراً تسأله ربك فتوضأ وأحسِن الوضوء، ثم صل ركعتين وعظم الله وصلّى على النبي صلى الله عليه وآله، وقل بعد التسليم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِكٌ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مُقْتَدِرٌ، وبِأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي لِيُنْجِحَ لِي طَلِبَتِي، اللَّهُمَّ بِنَبِيِّكَ أَنْجِحْ لِي طَلِبَتِي بِمُحَمَّدٍ. ثُمَّ سَلْ حَاجَتَكَ. (1) 925. الإمام الصادق عليه السلام: الأما لي للطوسي عن يحيى بن العلاء عن الإمام الباقر عليه السلام، قال: قَالَ لِي: أَدْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَأَنَا ضَامِنٌ لَكَ حَاجَتَكَ عَلَى اللَّهِ:

اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي، وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى طَلِبَتِي، قَدْ تَعَلَّمْتُ حَاجَتِي، فَاسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا قَضَيْتَهَا. (2) 926. رسول الله صلى الله عليه وآله: الكافي عن داود الرقي: إِنِّي كُنْتُ أَسْمَعُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَكْثَرَ مَا يُدْعَى بِهِ فِي الدُّعَاءِ عَلَى اللَّهِ بِحَقِّ الْخَمْسَةِ، يَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ. (3).

-
- 1- الكافي: ج 3 ص 478 ح 7، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 313 ح 971 كلاهما عن شرحبيل الكندي، مصباح المتهجد: ص 323 ح 432 عن محمد بن مسلم الثقفي وص 798 ح 858 عن الإمام الجواد عليه السلام وكلاهما نحوه.
- 2- الأما لي للطوسي: ص 676 ح 1430، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 20 ح 2048 عن يحيى بن معاذ، بحار الأنوار: ج 95 ص 162 ح 16.
- 3- الكافي: ج 2 ص 580 ح 11.

927. رسول الله صلى الله عليه وآله: امام باقر عليه السلام: هر گاه خواستی از پروردگارت چیزی تقاضا کنی، وضو ساز، وضویی نیک و آن گاه، دو رکعت نماز بگزار و خدا را به بزرگی یاد کن و بر پیامبر، درود فرست و بعد از سلام دادن [نماز] بگو:

بار خدایا! از تو که پادشاهی و بر هر کاری، توانا و مقتدری، از تو که هر کاری بخواهی انجام شود، می شود، درخواست می کنم.

بار خدایا! پیامبرت محمد، پیامبر رحمت را واسطه خویش به درگاهت قرار می دهم. ای محمد، ای پیامبر خدا! به واسطه تو به خداوند که پروردگارِ تو و پروردگارِ من است، روی می آورم تا خواسته ام را برآورده سازد.

بار خدایا! تو را به حقّ پیامبرت، خواسته ام را برآورده ساز، به حقّ محمد».

سپس حاجتت را بخواه. 928. عنه صلى الله عليه وآله: الأمامی، طوسی. به نقل از یحیی بن علاء: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «این دعا را بخوان، من برایت ضمانت می کنم که خداوند، حاجتت را برآورد:

بار خدایا! تو ولی نعمت منی و تو بر خواسته من، توانایی. نیاز مرا می دانی. پس، به حقّ محمد و خاندان محمد، از تو درخواست می کنم که آن را برآوری. 929. الإمام الصادق علیه السلام: الکافی. به نقل از داوود رقی: بارها از امام صادق علیه السلام می شنیدم که در هنگام دعا، خدا را به حقّ پنج تن، یعنی پیامبر خدا، امیر مؤمنان، فاطمه، حسن و حسین. که درودهای خدا بر آنان باد. بسیار سوگند می داد..

925. امام صادق عليه السلام: تفسير القمى عن شعيب العرقوفى عن الإمام الصادق عليه السلام: إن يوسف أناه جبرئيل فقال له: يا يوسف ، إن رب العالمين يقرئك السلام ، ويقول لك: من جعلك فى أحسن خلقه؟ قال: فصاح ووضع خده على الأرض ، ثم قال: أنت يا رب .

ثم قال له: ويقول لك: من حببك إلى أهلك دون إخوتك؟ قال: فصاح ووضع خده على الأرض وقال: أنت يا رب .

قال: ويقول لك: من أخرجك من الجب بعد أن طرحت فيها وأيقنت بالهلكة؟ قال: فصاح ووضع خده على الأرض ، ثم قال: أنت يا رب .

قال: فإن ربك قد جعل لك عقوبة فى استغاثتك بغيره ، فلبثت فى السجن بضع سنين .

قال: فلما انتضت المدة وأذن الله له فى دعاء الفرج ، وضع خده على الأرض ، ثم قال: اللهم إن كانت ذنوبى قد أخلقت وجهى عندك ، فأنى أتوجه إليك بوجه أبائى الصالحين: إبراهيم وإسماعيل وإسحاق ويعقوب . ففرج الله عنه .

قلت: جعلت فداك ، أندعو نحن بهذا الدعاء؟

فقال: أدع بمثله: اللهم إن كانت ذنوبى قد أخلقت وجهى عندك ، فأنى أتوجه إليك بنبيك نبي الرحمة محمد صلى الله عليه وآله وعلى وفاطمة والحسن والحسين والأئمة عليهم السلام . (1) 926. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله الكافى عن سماعة: قال لى أبو الحسن عليه السلام: إذا كان لك يا سماعة إلى الله عز وجل حاجة ، فقل: «اللهم إنى أسألك بحق محمد وعلى ، فإن لهما عندك شأن من الشأن وقدر من القدر ، فبحق ذلك الشأن وبحق ذلك القدر ، أن تصلى على محمد وآل محمد ، وأن تفعل بى كذا وكذا» فإنه إذا كان يوم القيامة لم يبق ملك مقرب ولا نبي مرسل ولا مؤمن ممتحن ، إلا وهو يحتاج إليهما فى ذلك اليوم . (2) .

1- تفسير القمى: ج 1 ص 344 ، تفسير العياشى: ج 2 ص 178 ح 29 ، بحار الأنوار: ج 12 ص 230 وح 94 ص 19 ح 13 .

2- الكافى: ج 2 ص 562 ح 21 ، عده الداعى: ص 52 وفيه «ولا عبد مؤمن امتحن الله قلبه للإيمان» بدل «ولا مؤمن ممتحن» وليس فيه «أن تصلى على محمد وآل محمد» ، الدعوات: ص 51 ح 127 ، بحار الأنوار: ج 8 ص 59 ح 81 .

927. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تفسیر القمی_ به نقل از شعیب عرقوفی_ امام صادق علیه السلام فرمود: «جبرئیل علیه السلام نزد یوسف علیه السلام آمد و گفت: ای یوسف! خداوندگارِ جهانیان، به تو سلام می رساند و می فرماید: «چه کسی تو را در زیباترین شکل، آفریده است؟».

یوسف، بانگی زد و گونه اش را بر خاک نهاد و گفت: تو ای پروردگار من!

جبرئیل به او گفت: و خدا به تو می فرماید: «چه کسی تو را محبوبِ پدرت ساخت، نه برادرانت را؟».

باز یوسف، بانگی زد و گونه اش را بر خاک نهاد و گفت: تو ای پروردگار من!

جبرئیل گفت: و به تو می فرماید: «چه کسی تو را از چاهی که در آن افکنده شدی و دیگر امیدی به زنده ماندن نداشتی، بیرون آورد؟».

یوسف، دگر باره بانگی زد و گونه بر خاک نهاد و گفت: تو ای پروردگار من!

جبرئیل گفت: پروردگارت برای تو، به جرم کمک خواهی ات از غیر او، کیفری قرار داده است. پس چند سالی در زندان ماندی.

چون آن مدّت گذشت و خداوند به او اجازه داد که برای آزادی اش دعا کند، یوسف، گونه اش را بر خاک نهاد و گفت: بار خدایا! اگر گناهانم، مرا نزد تویی آبرو کرده است، به آبروی پدران نیکم: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب، به درگاه تو روی آورده ام.

پس خداوند، او را از بند رها نمود.

عرقوفی می گوید: که گفتیم: فدایت شوم! آیا ما نیز به این دعا، دعا کنیم؟

فرمود: «به مانند آن، دعا کن: «بار خدایا! اگر گناهانم، مرا نزد تویی آبرو کرده است، به آبروی پیامبرت محمد، پیامبر رحمت، و علی و فاطمه و حسن و حسین و (دیگر) امامان، به درگاه تو روی آورده ام» 928. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: الکافی_ به نقل از سماعه_: امام کاظم علیه السلام به من فرمود: «ای سماعه! هر گاه به درگاه خداوند عز و جل حاجتی داشتی، بگو: بار خدایا! به حق محمد و علی، از تو درخواست می کنم؛ زیرا آن دورا نزد تو، مقام و منزلتی بزرگ است. پس به حق آن مقام و آن منزلت، از تو درخواست می کنم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستی و فلان و بهمان حاجتم را برآوری؛ زیرا در روز رستاخیز، هیچ فرشته مقرب و پیامبر مُرسل و مؤمن مخلصی نباشد، مگر این که به آن دو نیازمند باشد».

929. امام صادق عليه السلام: الإمام الهادي عليه السلام في الزيارة الجامعة الكبيرة - : أشهد الله وأشهدكم أنني مؤمن بكم وبما آمنتُم به ... مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ بِكُمْ ، مُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ ، وَمُقَدِّمٌكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَحَوَائِجِي وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي ...

اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ ، الْأَيْمَةِ الْأَبْرَارِ ، لَجَعَلْتُهُمْ شُفْعَائِي ، فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ ، وَفِي زُمَرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ . (1) راجع : ص 578 ح 891

1- . تهذيب الأحكام : ج 6 ص 98 ح 177 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 614 ح 3213 كلاهما عن موسى بن عبد الله النخعي ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 275 ح 1 عن موسى بن عمران النخعي ، البلد الأمين : ص 301 نحوه ، بحار الأنوار : ج 102 ص 131 ح 4 .

931. عنه صلى الله عليه وآله (_ نَقْلًا عَنْ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ فِي دَعْوَةِ الْمَظْلُومِ) امام هادی علیه السلام_ در زیارت جامعه کبیره_ : خدا را و شما را گواه می گیرم که من ، به شما و به آنچه شما بدان ایمان آوردید ، ایمان دارم شما را واسطه خویش به درگاه پروردگار قرار می دهم و به واسطه شما به او تقرّب می جویم و در همه کارها و امورم ، شما را پیشاپیش تقاضاها و نیازها و خواسته هایم [به درگاه او] قرار می دهم.

بار خدایا! اگر واسطه هایی مقرب تر از محمد و خاندان نیک او ، این پیشوایان پاک ، به درگاه تو می یافتم ، بی گمان ، آنان را واسطه خود قرار می دادم . پس به حقّ آنان که بر خویشتن واجب گردانیده ای ، از تو درخواست می کنم که مرا در شمار شناسندگان ایشان و شناسندگان حقّ ایشان و در زمره کسانی که با شفاعت آنان مورد رحمت تو قرار می گیرند ، درآوری ، که به راستی ، تو مهربان ترین مهربانانی ار . ک : ص 579 ، ح 891 .

الباب الثالث : ما ينبغي للداعي حين الدعاء 3 / 1 الاستكانة والتضرع والخشوع والخضوع الكتاب «إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ يَدْعُونَ رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا حَشِيئِينَ» . (1)

«ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تُقْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» . (2)

«وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ لُوطٍ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِربِّهِمْ وَ مَا يَتَضَرَّعُونَ» . (3)

الحديث 935. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رسول الله صلی الله علیه و آله : رَفَعُ الْأَيْدِي مِنَ الْإِسْتِكَانَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : «فَمَا اسْتَكَانُوا لِربِّهِمْ وَ مَا يَتَضَرَّعُونَ» . (4)

1- . الأنبياء : 90 .

2- . الأعراف : 55 و 56 .

3- . المؤمنون : 76 .

4- . المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 586 ح 3981 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 110 ح 2527 كلاهما عن الأصبع بن نباتة عن الإمام علی عليه السلام ، كنز العمال : ج 2 ص 557 ح 4721 نقلاً عن ابن أبي حاتم نحوه ؛ مجمع البيان : ج 10 ص 837 عن الأصبع بن نباتة عن الإمام علی عليه السلام عنه صلی الله علیه و آله ، عوالی اللالی : ج 2 ص 47 ح 122 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 84 ص 352 ح 1 .

باب سوم : بایسته های دعاکننده به هنگام دعا کردن

1 / 3 خاکساری و خواری و فروتنی و افتادگی نمودن

باب سوم : بایسته های دعاکننده به هنگام دعا کردن 1 / 3 خاکساری و خواری و فروتنی و افتادگی نمودنقرآن «آنان ، در کارهای نیک شتاب می کردند و ما را از سر امید و بیم می خواندند و در برابر ما فروتن بودند» .

«پروردگارتان را به زاری و نهانی بخوانید ، که او از حد گذرندگان را دوست نمی دارد . و در زمین ، پس از اصلاح آن ، فساد نکنید و با بیم و امید ، او را بخوانید که به راستی ، رحمت خدا به نیکوکاران ، نزدیک است» .

«و به راستی ، ایشان را به عذاب ، گرفتار کردیم ؛ ولی نسبت به پروردگارشان خاکساری نکردند و خواری ننمودند» .

حدیث 937. امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بلند کردن دست ها [به دعا] از همان خاکساری ای است که خداوند عز و جل فرموده است : «ولی نسبت به پروردگارشان خاکساری نکردند و خواری ننمودند» .

938. امام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام_ في قوله تعالى: «فَمَا اسْتَكَانُوا لِربِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ»_: أَى لَمْ يَتَوَاضَعُوا فِي الدُّعَاءِ وَلَمْ يَخْضَعُوا، وَلَوْ خَضَعُوا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِاسْتِجَابِ لَهُمْ . (1) 939. امام حسن عليه السلام: الكافي عن محمد بن مسلم: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَمَا اسْتَكَانُوا لِربِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ» قَالَ: الْإِسْتِكَانَةُ هِيَ الْخُضُوعُ، وَالتَّضَرُّعُ رَفْعُ اليَدَيْنِ، وَالتَّضَرُّعُ بِهِمَا . (2) 940. امام صادق عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام_ في قوله تعالى: «فَمَا اسْتَكَانُوا لِربِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ»_: التَّضَرُّعُ رَفْعُ اليَدَيْنِ . (3) 941. الكافي (_ به نقل از علی بن اسباط ، از امامان عليهم السلام) رسول الله صلى الله عليه وآله : خِيَارُ أُمَّتِي _ فِيمَا أَنْبَأَنِي الْمَلَأُ الْأَعْلَى _ قَوْمٌ ... يَدْعُونَهُ بِالسَّيِّئَاتِ نَبْتِهِمْ رَغْبًا وَرَهْبًا ، وَيَسْأَلُونَهُ بِأَيْدِيهِمْ خَفْضًا وَرَفْعًا ، وَيُقْبَلُونَ بِقُلُوبِهِمْ عَوْدًا (4) . وبدءا . (5) 942. جامع الأحاديث ، قمى (_ به نقل از مكحول _) مستدرک الوسائل عن رسول الله صلى الله عليه وآله : ما مِنْ صَوْتٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ صَوْتِ عَبْدٍ لَهْفَانَ . قِيلَ : وما هُوَ ؟

قَالَ : عَبْدٌ يُصِيبُ الدَّنْبَ فَيَمْلَأُ جَوْفَهُ فَرَقًا (6) مِنَ اللَّهِ ، فَيَقُولُ : يَا رَبِّ .

فَيَقُولُ اللَّهُ : أَنَا رَبُّكَ ، أَغْفِرُ لَكَ إِذَا اسْتَغْفَرْتَنِي ، وَأَجِيبُكَ إِذَا دَعَوْتَنِي . (7) .

- 1- .الجعفریات : ص 223 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ؛ كنز العمال : ج 2 ص 473 ح 4534 نقلاً عن العسكري في المواظ .
- 2- .الكافي : ج 2 ص 481 ح 6 وص 480 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 204 ح 21 نقلاً عن أربعين الشهيد .
- 3- .معانى الأخبار : ص 369 ح 1 ، الأربعون حديثاً للشهيد الأول : ص 68 وزاد فيه «بالدعاء» وكلاهما عن محمد بن مسلم ، بحار الأنوار : ج 85 ص 204 ح 21 .
- 4- .عودا وبدءا : أَى أَوَّلًا وَآخِرًا (مجمع البحرين : ج 2 ص 1290 «عود»).
- 5- .المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 19 ح 4294 ، شُعَبُ الْإِيمَانِ : ج 1 ص 478 ح 765 وفيه «يقبلون على الله» بدل «يقبلون» وكلاهما عن عياض بن سليمان ، كنز العمال : ج 2 ص 27 ح 3000 .
- 6- .الْفَرَقُ : الخوف والفرع (النهاية : ج 3 ص 438 «فرق»).
- 7- .مستدرک الوسائل : ج 5 ص 318 ح 5982 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب ؛ حلية الأولياء : ج 8 ص 216 ، الفردوس : ج 4 ص 45 ح 6142 كلاهما عن أنس نحوه ، كنز العمال : ج 4 ص 227 ح 10280 .

943. رسول الله صلى الله عليه وآله (_ لِحَابِرِ بْنِ سَلِيمٍ _) امام علی علیه السلام_ درباره این سخن خداوند متعال که : «نسبت به پروردگارشان خاکساری نکردند و خواری ننمودند» _ یعنی در دعا کردن ، فروتنی و افتادگی ننمودند . اگر در برابر خداوند عز و جل فروتنی می کردند ، حتما دعایشان را می پذیرفت. 944. الإمام الباقر علیه السلام : الكافی_ به نقل از محمد بن مسلم _ : از امام باقر علیه السلام درباره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم که : «نسبت به پروردگارشان خاکساری نکردند و خواری ننمودند» .

فرمود : «خاکساری ، همان فروتنی است و خواری نمودن ، بلند کردن دو دست و زاری کردن با آنهاست» . 943. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله (_ به جابر بن سلیم _) امام صادق علیه السلام_ درباره این سخن خداوند متعال که : «نسبت به پروردگارشان خاکساری نکردند و خواری ننمودند» _ : اظهار خواری کردن ، عبارت است از بلند کردن دست ها [به هنگام دعا] . 944. امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه وآله : بهترین های امت من ، آن طور که آسمانیان (فرشتگان مقرب الهی) به من خبر داده اند ، مردمانی اند که ... با زبان هایشان ، از سر امید و بیم ، او را می خوانند و دست خواهش آنها ، همواره در حال بالا رفتن و پایین آمدن است و با دل هایشان ، یک پارچه ، به او رو می نمایند. 945. الكافی عن علی بن عیسی رفعه : مستدرک الوسائل : پیامبر خدا فرمود : «هیچ صدایی نزد خداوند ، دوست داشتنی تر از صدای بنده اندوهناک نیست» .

گفته شد : مقصود چیست؟

فرمود : «بنده ای گناه می کند و بر اثر آن ، ترس از خداوند ، وجودش را می آکند و می گوید : پروردگارا ! و خدا می فرماید : منم پروردگار تو . تو را می آمرزم ، آن گاه که از من ، آمرزش بطلبی ، و پاسخت می دهم ، آن گاه که مرا بخوانی» . .

946. الكافي عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام إلا ما لا إمام علي عليه السلام: نِعَمَ عَوْنُ الدُّعَاءِ الخُشُوعُ . (1) 947. الإمام زين العابدين عليه السلام: عنه عليه السلام: عَلَيكُمْ بِمَسْأَلَةِ ذُلِّ وَخُضُوعٍ ، وَتَمَلُّقِ وَخُشُوعٍ ، وَتَوْبَةٍ وَتَزُوعٍ . (2) 948. عنه عليه السلام: عنه عليه السلام: وَلَتَكُنَّ مَسْأَلَتُكُمْ وَتَمَلُّقُكُمْ مَسْأَلَةً ذُلًّا وَخُضُوعًا ، وَشُكْرًا وَخُشُوعًا ، بِتَوْبَةٍ وَتَوَرُّعٍ ، وَنَدَمٍ وَرُجُوعٍ . (3) 949. عنه عليه السلام (_ مِنْ دُعَائِهِ عِنْدَ الشَّدَّةِ _) عنه عليه السلام: إِذَا تَمَنَّى [الْمُسْلِمُ] فَلْيَسْأَلِ اللَّهَ عِزًّا وَجَلًّا وَيَتَهَلَّ إِلَيْهِ . (4) 945. الكافي (_ به نقل از علی بن عیسی ، که سند آن را به معصوم ر) الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عِزُّ وَجَلُّ أَوْحَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا وَقَفْتَ بَيْنَ يَدَيَّ ، فَاقِفْ مَوْقِفَ الدَّلِيلِ الْفَقِيرِ . (5) 946. الكافي (_ به نقل از علی بن أسباط ، از امامان عليهم السلام) عنه عليه السلام: كَانَ فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى _ بِهِ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... يَا عَيْسَى ، ارْفُقْ بِالضَّعِيفِ ، وَارْفَعْ طَرْفَكَ الْكَلِيلَ إِلَى السَّمَاءِ ، وَادْعُنِي فَإِنِّي مِنْكَ قَرِيبٌ ، وَلَا تَدْعُنِي إِلَّا مُتَضَرِّعًا إِلَيَّ ، وَهَمُّكَ هَمٌّ وَاحِدٌ ، فَإِنَّكَ مَتَى تَدْعُنِي كَذَلِكَ أُجِيبُكَ . (6) 947. الإمام زين العابدين عليه السلام: الكافي عن علي بن عيسى رفعه ، قال: إِنَّ مُوسَى نَاجَاهُ اللَّهُ _ تَبَارَكَ وَتَعَالَى _ فَقَالَ لَهُ فِي مُنَاجَاةِهِ: ... يَا مُوسَى ، أَلْقِ كَفَيْكَ ذُلًّا بَيْنَ يَدَيَّ ، كَفِعِلِ الْعَبْدِ الْمُسْتَصْرِخِ إِلَى سَيِّدِهِ ؛ فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ رُحِمْتَ ، وَأَنَا أَكْرَمُ الْقَادِرِينَ .

يا موسى ، سَلْنِي مِنْ فَضْلِي وَرَحْمَتِي فَإِنَّهُمَا بِيَدِي لَا يَمْلِكُهُمَا أَحَدٌ غَيْرِي ، وَانظُرْ حِينَ تَسْأَلُنِي ، كَيْفَ رَغَبْتُكَ فِيمَا عِنْدِي ؟

... وَادْعُ دُعَاءَ الطَّامِعِ الرَّغِيبِ فِيمَا عِنْدِي ، التَّادِمِ عَلَى مَا قَدَّمَتْ يَدَاةُ . (7) .

- 1- غرر الحكم : ح 9945 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 493 ح 9102 .
- 2- مطالب السؤل : ص 60 ؛ بحار الأنوار : ج 77 ص 341 ح 28 .
- 3- شرح نهج البلاغة : ج 19 ص 141 ، كفاية الطالب : ص 395 وفيه «ونزوع» بدل «وتورع» ، كنز العمال : ج 16 ص 210 ح 44234 عن أبي صالح؛ المصباح للكفعمي : ص 969 وفيه «ونزوع» بدل «وتورع» .
- 4- النخصال : ص 624 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 10 ص 102 ح 1 .
- 5- الكافي : ج 2 ص 615 ح 6 عن عبد الله بن سنان ، الدعوات : ص 23 ح 30 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 313 ح 17 .
- 6- الأمل للصدوق : ص 606 _ 608 ح 841 عن أبي بصير ، الكافي : ج 8 ص 131 _ 133 ح 103 عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 139 ، أعلام الدين : ص 228 ، عدّة الداعي : ص 122 و ص 168 وفيه من «ولا تدعني إلا متضرعا ...» ، بحار الأنوار : ج 14 ص 290 ح 14 .
- 7- الكافي : ج 8 ص 46 ح 8 و ص 49 ، عدّة الداعي : ص 182 نحوه ، تحف العقول : ص 496 وفيه ذيله فقط ، بحار الأنوار : ج 13 ص 337 ح 13 .

948. امام زین العابدین علیه السلام: امام علی علیه السلام: خاکساری، نیکو یآوری برای دعاست. 949. امام زین العابدین علیه السلام (_ در دعای ایشان به هنگام سختی ها _) امام علی علیه السلام: بر شما باد درخواست کردن [از خداوند] با حالت خواری و افتادگی و چابلوسی و خاکساری و توبه و ترک گناه. 950. عنه علیه السلام (_ مِنْ دُعَائِهِ فِي الظُّلُمَاتِ _) امام علی علیه السلام: باید خواهش و تملُّق گویی تان [از خداوند] با حالت خواری و افتادگی و سپاس گزاری و خاکساری و توبه و خویشتننداری [از گناه] و پشیمانی و بازگشت [به راه درست] باشد. 951. عنه علیه السلام (_ مِنْ دُعَائِهِ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ _) امام علی علیه السلام: هر گاه [مسلمان] آرزویی دارد، باید از خداوند عز و جل بخواهد و به درگاه او دعا کند. 952. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل به موسی بن عمران علیه السلام وحی فرمود که: «هر گاه در پیشگاه من ایستادی، چونان شخص ذلیل و نیازمند پایست». 953. الغیبة للنعمانی عن عبد الله بن سیدان: امام صادق علیه السلام: از جمله اندرزه‌های خداوند _ تبارک و تعالی _ به عیسی بن مریم علیه السلام این بود: «... ای عیسی! با ناتوان، نرمی و مدارا کن و نگاه بی رمقت را به آسمان بردار و مرا بخوان؛ زیرا من، به تو نزدیکم، و مرا جز با حالت زاری و خواری مخوان و یک دل شو، که هرگاه مرا این گونه بخوانی، پاسخت می دهم. 950. امام زین العابدین علیه السلام (_ از دعای ایشان در دادخواهی _) الکافی _ به نقل از علی بن عیسی، که سند حدیث را به معصوم علیه السلام می رساند: خداوند _ تبارک و تعالی _ با موسی علیه السلام به نجوا پرداخت و در مناجاتش به او فرمود: «... ای موسی! دو دستت را به خواری در برابر من بگشای، آن گونه که بنده، هنگام یاری خواستن از سرورش می کند؛ که اگر چنین کنی، مورد رحمت قرار می گیری و من، کریم ترین توانایان ای موسی! از فضل و رحمتم از من درخواست کن؛ زیرا که این دو، در دست من است و جز من، کسی مالک آنها نیست. هنگامی که از من درخواست می کنی، بنگر که رغبتت به آنچه نزد من است، چگونه است؟ ... و مانند کسی که به آنچه نزد من [از ثواب و پاداش] است، چشم دارد و راغب است و از کرده هایش پشیمان، دعا کن. .

951. امام زين العابدين عليه السلام (_ از دعای ایشان درباره خوی های والای انسانی _) الإمام الرضا عليه السلام_ في عِلَّةِ رَفْعِ اليَدَيْنِ فِي التَّكْبِيرِ : أَحَبَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَكُونَ الْعَبْدُ فِي وَقْتِ ذِكْرِهِ لَهُ مُتَبَتِّلاً مُتَضَمِّراً عَابِئاً مُبْتَهَلاً . (1) 952. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رسول الله صلى الله عليه وآله في الدعاء : أَسَأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُسْتَكِينِ ، وَأَبْتَهِلُ إِلَيْكَ ابْتِهَالِ الْمُنْذِبِ الدَّلِيلِ ، وَأَدْعُوكَ دُعَاءَ الْخَائِفِ الضَّرِيرِ ، مَنْ خَصَّعَتْ لَكَ رَقَبَتَهُ ، وَفَاضَتْ لَكَ عَيْنَاهُ ، وَذَلَّ جَسَدُهُ ، وَرَغِمَ أَنْفُهُ لَكَ . (2) 953. الغيبة ، نعماني (_ به نقل از عبد الله بن سنان _) الإمام علي عليه السلام_ في دُعَائِهِ الْمَعْرُوفِ بِدُعَاءِ كَمِيلٍ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسَأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ ، أَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي

اللَّهُمَّ وَأَسَأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ ، وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ ، وَعَظَمَ فِيهَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ . (3) 954. كمال الدين عن عبد الله بن سنان : الإمام زين العابدين عليه السلام : أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ ، وَقَلَّتْ حِيلَتُهُ ، وَضَعُفَتْ قُوَّتُهُ ، دُعَاءَ الْغَرِيقِ الْغَرِيبِ الْمُضْطَّرِّ ، الَّذِي لَا يَجِدُ لِكَشْفِهِ مَا هُوَ فِيهِ إِلَّا أَنْتَ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (4) .

-
- 1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 111 ح 1 ، علل الشرايع : ص 264 ح 9 وفيه «أجب» بدل «أحب» وكلاهما عن الفضل بن شاذان ، بحار الأنوار : ج 84 ص 363 ح 15 .
 - 2- .المعجم الكبير : ج 11 ص 140 ح 11405 ، المعجم الصغير : ج 1 ص 247 وليس فيه «وفاضت لك عيناه» وكلاهما عن ابن عباس ، كنز العمال : ج 2 ص 175 ح 3614؛ بحار الأنوار : ج 94 ص 225 ح 1 نقلاً عن الاختيار لابن الباقي عن عبد الله بن جعفر عن الإمام الصادق عليه السلام .
 - 3- .مصباح المتهجد : ص 845 ح 910 ، الإقبال : ج 3 ص 332 كلاهما عن كميل .
 - 4- .الكافي : ج 2 ص 561 ح 15 عن ابن أبي حمزة ، كشف الغمّة : ج 2 ص 208 وفيه «الفقير» بدل «المضطّر» ، بحار الأنوار : ج 91 ص 374 ح 31 .

955. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام رضا علیه السلام در بیان علت بالا بردن دست ها هنگام تکبیر : چون خداوند عز و جلدوست دارد که بنده اش در هنگام بردن نام او ، حالت بُریدن از دنیا و تضرّع و التماس داشته باشد. 954. کمال الدین (_ به نقل از عبد الله بن سنان _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعا : خاکسارانه از تو می خواهم و چونان گنهگارِ خوار ، به درگاهت التماس می کنم و همچون نابینای هراسان _ که در برابر تو گردن نهاده و چشمانش از اشک می جوشد و فروتنی می کند و در پیشگاهت خوار [و رام] است _ تو را می خوانم . 955. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام در دعای معروف به «دعای کمیل» : بار خدایا! خاضعانه و ذلیلانه و فروتنانه ، از تو درخواست می کنم که مرا ببخشایی و بر من ، رحم آوری

بار خدایا! از تو درخواست می کنم ، به سان خواهش کسی که نیازمندی اش شدت یافته و در سختی ها نیازش را به درگاه تو می آورد و به [لطف و عنایت] تو ، سخت امید بسته است . 956. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام زین العابدین علیه السلام : تو را می خوانم به سان خواندن شخصِ سخت نیازمند و بیچاره و ناتوان ، به سان خواندن شخصِ در حال غرق شدن که تنها و در مانده است و برای نجات خویش از مهلکه ، جز تو کسی را نمی یابد ، ای مهربان ترین مهربانان! .

957. الفردوس: الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمَسْكِينِ الْمُسْتَكِينِ، وَأَبْتَغِي إِلَيْكَ ابْتِغَاءَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ، وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ تَضَرُّعَ الضَّعِيفِ الضَّرِيرِ، وَأَبْتَهَلُ ابْتِهَالِ الْمَذْنِبِ الْخَاطِئِ، مَسْأَلَةَ مَنْ خَصَّ عَتَ لَكَ نَفْسَهُ، وَرَغِمَ لَكَ أَنْفُهُ، وَسَقَطَتْ لَكَ نَاصِيَتُهُ، وَانْهَمَلَتْ لَكَ دُمُوعُهُ، وَفَاضَتْ لَكَ عَبْرَتُهُ، وَاعْتَرَفَ بِخَطِيئَتِهِ، وَقَلَّتْ عَنْهُ حِيلَتُهُ، وَأَسْلَمَتْهُ ذُنُوبُهُ. (1) راجع: ص 392 (تفسير الأحوال المناسبة للدعاء).

3 / 2 البكاء أو التباكي 956. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رسول الله صلی الله علیه و آله: البكاء من خشية الله مفتاح الرحمة، وعلامة القبول، وباب الإجابة. (2) 957. الفردوس: عنه صلی الله علیه و آله: إذا أحسستم من أنفسكم رقةً، فأغتنموا الدعاء. (3) 958. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه صلی الله علیه و آله: اغتنموا الدعاء عند الرقة؛ فإنها رحمة. (4) 959. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (_ به سلمان _) الإمام علي عليه السلام: بكاء العيون وخشية القلوب من رحمة الله تعالى ذكره، فإذا وجدتموها فأغتنموا الدعاء، ولو أن عبدا بكى في أمة، لرحم الله تعالى تلك الأمة لبكاء ذلك العبد. (5).

- 1- . مصباح المتعجب: ص 393 ح 517، جمال الأسبوع: ص 294 عن مهران، البلد الأمين: ص 76، بحار الأنوار: ج 90 ص 87 ح 3.
- 2- . إرشاد القلوب: ص 98.
- 3- . كنز العمال: ج 2 ص 108 ح 3370 نقلاً عن الديلمي عن ابن عمر.
- 4- . مسند الشهاب: ج 1 ص 402 ح 692 عن زيد بن أسلم، كنز العمال: ج 2 ص 102 ح 3341 نقلاً عن الفردوس عن أبي؛ الدعوات: ص 30 ح 60، بحار الأنوار: ج 93 ص 313 ح 17.
- 5- . مكارم الأخلاق: ج 2 ص 96 ح 2271، بحار الأنوار: ج 93 ص 336 ح 30.

3 / 2 گریستن یا حالت گریه به خود گرفتن

960. امام صادق علیه السلام: امام صادق علیه السلام: بار خدایا! از تو درخواست می کنم ، چونان درخواست کردن مستمندِ تنگ دست ، و از تو تقاضا می کنم ، چونان تقاضا نمودنِ بینوای درویش ، و به درگاه تو التماس می کنم ، چونان التماس کردن نابینای ناتوان ، و همچون گنهکارِ خطاکار ، زاری می کنم . درخواست می کنم ، به سانِ کسی که با تمام وجود ، در برابر تو خاضع است و سراپا رام توست و زمام اختیارش در دست توست و اشک هایش برای تو جاری است و سرشک از دیدگانش می جوشد و به خطای خویش ، معترف است و به بیچارگی درافتاده و در بندِ گناهانش اسیر شده است. ر . ک : ص 393 (توضیح حالت های مناسب دعا).

3 / 2 گریستن یا حالت گریه به خود گرفتن: 964. الإمام الباقر والإمام الصادق علیهما السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گریستن از ترس خدا ، کلیدِ رحمت ، نشانه پذیرش و درِ اجابت [دعا] است. 961. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه در خود احساس رقت قلب کردید ، دعا کردن را غنیمت شمردید. 962. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دعا کردن در هنگام رقت قلب را غنیمت شمارید ؛ زیرا که رقت قلب ، رحمت است. 963. السنن الکبری ، نسایی (_ به نقل از ابن عباس _) امام علی علیه السلام: گریه چشم ها و خشیتِ دل ها ، از رحمت خداوند بلند نام است . بنا بر این ، هر گاه اینها را در خود یافتید ، دعا کردن را غنیمت شمارید . اگر در میان یک اُمّت ، یک بنده هم گریه کند ، خداوند متعال به خاطر گریه آن بنده ، بر آن اُمّت . رحم می کند .

964. امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ التَّضَرُّعَ وَالصَّلَاةَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَكَانٍ، إِذَا كَانَ الْعَبْدُ سَاجِدًا لِلَّهِ، فَإِنَّ سَالَتْ دُمُوعُهُ، فَهُنَالِكَ تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ، فَاعْتَمُوا فِي تِلْكَ السَّاعَةِ الْمَسَاءَةَ وَطَلَبَ الْحَاجَةَ. (1) 965. الإمام الكاظم عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا أَقْبَدَ عَرَّ جِلْدَكَ، وَدَمَعَتْ عَيْنَاكَ، فَدُونَكَ دُونَكَ، فَقَدْ قُصِدَ قُصْدُكَ. (2) 966. طَبَّ الْأَنْثَمَةَ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا رَقَّ أَحَدُكُمْ فَلْيَدْعُ؛ فَإِنَّ الْقَلْبَ لَا يَرِقُّ حَتَّى يَخْلُصَ. (3) 967. رسول الله صلى الله عليه وآله: الكافي عن سعيد بن يسار يبيح السابري: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي أَتْبَاكِي فِي الدُّعَاءِ، وَلَيْسَ لِي بُكَاءٌ؟

قَالَ: نَعَمْ، وَلَوْ مِثْلَ رَأْسِ الدُّبَابِ. (4) 968. الإمام علي عليه السلام: الكافي عن إسحاق بن عمار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَكُونُ أَدْعُو فَأَسْتَهِي الْبُكَاءَ وَلَا يَجِئُنِي، وَرُبَّمَا ذَكَرْتُ بَعْضَ مَنْ مَاتَ مِنْ أَهْلِي فَأَرِقُّ وَأَبْكِي، فَهَلْ يَجُوزُ ذَلِكَ؟

فَقَالَ: نَعَمْ، فَتَذَكَّرْهُمْ، فَإِذَا رَقَّتْ فَابْكِي، وَادْعُ رَبَّكَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى. (5).

-
- 1- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 97 ح 2275، بحار الأنوار: ج 93 ص 346 ح 9.
 - 2- الكافي: ج 2 ص 478 ح 8، الخصال: ص 81 ح 6، عدّة الداعي: ص 154، كلاهما بزيادة «ووجل قلبك» بعد «عيناك»، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 14 ح 2021 وفيه «نجح» بدل «قصد»، بحار الأنوار: ج 93 ص 345 ح 9.
 - 3- الكافي: ج 2 ص 477 ح 5، عدّة الداعي: ص 114 كلاهما عن أبي بصير، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 14 ح 2019، عوالي اللآلي: ج 4 ص 21 ح 62، بحار الأنوار: ج 93 ص 345 ح 9.
 - 4- الكافي: ج 2 ص 483 ح 9، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 287 ح 1148 نحوه، عدّة الداعي: ص 160، بحار الأنوار: ج 93 ص 334 ح 25.
 - 5- الكافي: ج 2 ص 483 ح 7، عدّة الداعي: ص 160، بحار الأنوار: ج 93 ص 334 ح 25.

969. الإمام زين العابدين عليه السلام: امام باقر عليه السلام: تضرّع و نماز ، جایگاهی بلند در نزد خداوند متعال دارند . هر گاه بنده در پیشگاه خدا به سجده افتاده باشد ، چنانچه اشک هایش جاری گردد ، رحمت فرود می آید . پس ، درخواست کردن و حاجت طلبی را در آن لحظه ، غنیمت شمردید. 970. عدّة الداعی: امام صادق علیه السلام: هر زمان که پوستِ بدنت لرزیدن گرفت (1) و چشمانت گریان شد ، آن لحظه را دریاب ؛ دریاب که به تو توجه شده است. 971. الإمام زين العابدين عليه السلام: امام صادق علیه السلام: هر گاه به یکی از شما رقت قلب دست داد ، دعا کند ؛ زیرا قلب تا خالص نشود ، رقت نمی یابد. 965. امام کاظم علیه السلام: الکافی_ به نقل از سعید بن یسار بیاع سابری_: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا در هنگام دعا که گریه ام نمی آید ، حالت گریه به خود بگیرم؟

فرمود: «آری ، هر چند به اندازه سرِ مگسی باشد [، اشکی بریز]». 966. طبّ الأئمّة (_ به نقل از وشاء _) الکافی_ به نقل از اسحاق بن عمّار_: به امام صادق علیه السلام گفتم: دعا می کنم و میل دارم گریه کنم ، اما گریه ام نمی آید . گاه به یاد یکی از کسانم که مُرده است ، می افتم و دلم می سوزد و می گریم . آیا این ، جایز است؟

فرمود: «آری . آنها را به یاد آور و دچار رقت قلب که شدی ، گریه کن و به درگاه پروردگارت _ تبارک و تعالی _ ، دعا نما .

1- . به قول معروف : موبر تَنَّت راست شد.

967. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: إرشاد القلوب عن عائشة: قام رسول الله صلى الله عليه وآله يُصَلِّي وَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَبْكِي، ثُمَّ يَجْلِسُ يَقْرَأُ وَيَدْعُو وَيَبْكِي، ثُمَّ جَلَسَ يَقْرَأُ وَيَدْعُو وَيَبْكِي، حَتَّى إِذَا فَرَغَ اضْطَجَعَ وَهُوَ يَقْرَأُ وَيَبْكِي حَتَّى بَلَّتِ الدَّمْعُ خَدَيْهِ وَلِحْيَتَهُ.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلَيْسَ اللَّهُ قَدْ غَفَرَ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ؟

فَقَالَ: بَلَى، أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؟ (1) 968. امام على عليه السلام: حلية الأولياء عن أبي صالح: دَخَلَ ضِرَارُ بْنُ ضَمْرَةَ الْكِنَانِيُّ عَلَى مُعَاوِيَةَ، فَقَالَ لَهُ: صِفْ لِي عَلِيًّا، فَقَالَ: أَوْتَعْفِينِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ: لَا أَعْفِيكَ.

قَالَ: أَمَا إِذْ لَا بُدَّ فَإِنَّهُ كَانَ وَاللَّهِ بَعِيدَ الْمَدَى، شَدِيدَ الْقُوَى... كَانَ وَاللَّهِ غَزِيرَ الْعَبْرَةِ... .

فَأَشْهَدُ بِاللَّهِ، لَقَدْ رَأَيْتُهُ فِي بَعْضِ مَوَاقِفِهِ وَقَدْ أَرَخَى اللَّيْلَ سُدُولَهُ (2)، وَغَارَتْ نُجُومُهُ، يَمِيلُ فِي مِحْرَابِهِ، قَابِضًا عَلَى لِحْيَتِهِ، يَتَمَلَّمُ تَمَلُّمَ السَّلِيمِ (3)، وَيَبْكِي بُكَاءَ الْحَزِينِ، فَكَأَنِّي أَسْمَعُهُ الْآنَ وَهُوَ يَقُولُ: يَا رَبَّنَا يَا رَبَّنَا، يَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ. (4) 969. امام زين العابدين عليه السلام: الأما لي للصدوق عن الأصبغ بن نباتة: دَخَلَ ضِرَارُ بْنُ ضَمْرَةَ النَّهْشَلِيُّ عَلَى مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ فَقَالَ لَهُ: صِفْ لِي عَلِيًّا، قَالَ: أَوْتَعْفِينِي، فَقَالَ: لَا، بَلْ صِفْهُ لِي.

فَقَالَ لَهُ ضِرَارٌ: رَحِمَ اللَّهُ عَلِيًّا... كَانَ وَاللَّهِ طَوِيلَ السُّهَادِ (5)، قَلِيلَ الرُّقَادِ، يَتْلُو كِتَابَ اللَّهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ، وَيَجُودُ لِلَّهِ بِمُهْجَتِهِ، وَيَبُوءُ إِلَيْهِ بِعَبْرَتِهِ، لَا تَعْلُقُ لَهُ السُّتُورُ، وَلَا يَدَّخِرُ عَنَّا الْبُدُورَ (6)، وَلَا يَسْتَلِينُ الْإِنْتِكَاءَ، وَلَا يَسْتَحْشِنُ الْجَفَاءَ، وَلَوْ رَأَيْتَهُ إِذْ مُثَّلَ فِي مِحْرَابِهِ، وَقَدْ أَرَخَى اللَّيْلَ سُدُولَهُ، وَغَارَتْ نُجُومُهُ، وَهُوَ قَابِضٌ عَلَى لِحْيَتِهِ، يَتَمَلَّمُ تَمَلُّمَ السَّلِيمِ، وَيَبْكِي بُكَاءَ الْحَزِينِ. (7).

1- إرشاد القلوب: ص 91.

2- سدَل الشَّعْرَ يَسْدِلُهُ أَرْخَاهُ وَأَرْسَلَهُ، وَالسُّدُلُ - بِالضَّمِّ وَالْكَسْرِ - السُّتْرُ، جَمَعُهُ: سُدُولٌ (القاموس المحيط: ج 3 ص 395 «سدل»).

3- التمللم: التقلقل من الألم. والسليم: الملسوع (مجمع البحرين: ج 3 ص 1722 «مللم»).

4- حلية الأولياء: ج 1 ص 84، تاريخ دمشق: ج 24 ص 401 و 402، المحاسن والمسائ: ص 46 وفيه «عدى بن حاتم» بدل «ضرار»؛ كنز الفوائد: ج 2 ص 160، عدّة الداعي: ص 194، إرشاد القلوب: ص 218 والأربعة الأخيرة نحوه.

5- الشهاد: نقيض الرقاد. قال الجوهري: الشهاد: الأزق. ورجل سُهْدٌ: قليل النوم (لسان العرب: ج 3 ص 224 «سهده»).

6- البُدُور: جمع بَدْرَةٌ؛ وهي كيس فيه ألفٌ أو عشرة آلاف درهم، أو سبعة آلاف دينار (القاموس المحيط: ج 1 ص 369 «بدر»).

7- الأما لي للصدوق: ص 724 ح 990، بحار الأنوار: ج 41 ص 14 ح 6.

970. عده الداعی: إرشاد القلوب_ به نقل از عایشه _: پیامبر خدا به نماز ایستاد و قرآن خواند و گریست . سپس نشست و قرآن خواند و دعا کرد و گریست . باز نشست و قرآن خواند و دعا کرد و گریست و چون تمام کرد و به بستر رفت ، باز قرآن خواند و گریست ، چندان که گونه ها و محاسنش از اشک ، تر شد.

گفتم : ای پیامبر خدا ! آیا نه این است که خداوند ، گناهان گذشته و آینده تو را آمرزیده است؟

فرمود : «چرا ؛ اما آیا بنده ای سپاس گزار نباشم؟». 971. امام زین العابدین علیه السلام : حلیة الأولیاء_ به نقل از ابو صالح _: ضرار بن ضمیره کنانی بر معاویه وارد شد . معاویه به او گفت : علی را برایم وصف کن .

ضرار گفت : مرا معاف بدار ، ای امیر مؤمنان !

معاویه گفت : معاف نمی دارم.

ضرار گفت : حال که ناچارم ، می گویم . به خدا سوگند ، او انسانی بود بلند همّت ، پُر توان و ... به خدا سوگند که او فراوان اشک می ریخت ... خدا را گواه می گیرم که در شبی از شب ها که پرده های تاریکی خویش ، فرو افکنده بود و ستارگانش غروب کرده بودند ، او را دیدم که در محراب خویش ، محاسنش را در دست گرفته است و چونان مار گزیده ، به خود می پیچد و غمگانه می گیرد . گویی هم اینک ، صدای «یا رب ، یا رب» او را که به درگاه خداوند زاری می کند ، می شنوم. 972. رسول الله صلی الله علیه و آله : الأمالی ، صدوق_ به نقل از اصبع بن ثباته _: ضرار بن ضمیره نَهشلی بر معاویه بن ابی سفیان در آمد . معاویه به او گفت : علی را برایم وصف کن . ضرار گفت : مرا معاف بدار .

معاویه گفت : نه ، وصفش کن.

ضرار گفت : رحمت خدا بر علی باد !... به خدا سوگند ، او بسیار بیدار بود و کم می خفت . شب و روز ، کتاب خدا را تلاوت می کرد . جان خویش را برای خداوند ، در طَبَقِ اخلاص نهاده بود و در پیشگاه او اشک می ریخت . هیچ دربانی نداشت و کیسه های زر و سیم را از ما دریغ نمی کرد [تا برای خود بیندوزد] . بر نازبالش تکیه نمی زد و جامه درشت [وزیر] را زُمخت [و خشن] نمی دانست . کاش آن هنگام که شب ، پرده های سیاهش را فرو می آویخت و ستارگانش غروب می کردند و او در محرابش می ایستاد ، می دیدی اش که چگونه محاسنش را در دست گرفته است و چونان مار گزیده ، به خود می پیچد و غمگانه ناله سر می دهد .

3 / 13 أسرار الكتاب «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» . (1)

«ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكْرِيَّا * إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا» . (2)

الحديث 975. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رسول الله صلی الله علیه و آله : خَيْرُ الدُّعَاءِ الْخَفِيُّ ، قَالَ تَعَالَى : «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً» . (3)

1- الأعراف : 55 .

2- مريم : 2 و 3 .

3- إرشاد القلوب : ص 154 ، مجمع البيان : ج 6 ص 776؛ مسند ابن حنبل : ج 1 ص 364 ح 1477 ، مسند أبي يعلى : ج 1 ص 345 ح 727 ، شُعَبُ الْإِيمَانِ : ج 7 ص 296 ح 10369 كلُّهَا عَنْ سَعْدِ بْنِ مَالِكٍ وَفِيهَا «الذِّكْرُ» بَدَلَ «الدُّعَاءِ» وَلَيْسَ فِيهَا الْآيَةُ ، كُنُزُ الْعَمَالِ : ج 1 ص 417 ح 1771 .

3 / 3 نهانی

3 / 3 نهانیقرآن «پروردگارتان را به زاری و نهانی بخوانید ؛ زیرا که او از حد گذرندگان را دوست نمی دارد» .

«[این] یادی از رحمت پروردگار تو درباره بنده اش زکریاست ، آن گاه که [او] پروردگارش را نهانی ندا کرد» .

حدیث 978. امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بهترین دعا ، دعای در نهان است . خداوند متعال می فرماید :

«پروردگارتان را به زاری و نهانی بخوانید» .

979. امام صادق عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: دُعَاءُ السِّرِّ يَزِيدُ عَلَى الْجَهْرِ سَبْعِينَ صِدْعًا، وَأَثَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَلَى زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِقَوْلِهِ: «إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا». (1) 980. الإمام الباقر عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: دَعْوَةٌ فِي السِّرِّ تَعْدِلُ سَبْعِينَ دَعْوَةً فِي الْعَلَانِيَةِ. (2) 981. الإمام زين العابدين عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنِّي لَمَّا أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ ... نُوْدِيْتُ ... يَا مُحَمَّدُ، وَمَنْ كَثُرَتْ هُمُومُهُ مِنْ أُمَّتِكَ، فَلْيَدْعُنِي سِرًّا. (3) 982. الإمام الصادق عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: مَا يَعْلَمُ عِظَمَ ثَوَابِ الدُّعَاءِ وَتَسْبِيحِ الْعَبْدِ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ نَفْسِهِ، إِلَّا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى. (4) 980. امام باقر عليه السلام: عنه عليه السلام: قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ: ... عَلَيْكَ بِقِرَاءَةِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا دُمْتَ رَاكِبًا، وَعَلَيْكَ بِالتَّسْبِيحِ مَا دُمْتَ عَامِلًا، وَعَلَيْكَ بِالدُّعَاءِ مَا دُمْتَ خَالِيًا. (5) 981. امام زين العابدين عليه السلام: الإمام الرضا عليه السلام: دَعْوَةُ الْعَبْدِ سِرًّا دَعْوَةٌ وَاحِدَةٌ تَعْدِلُ سَبْعِينَ دَعْوَةً عَالِيَةً. (6) نكتة: سيأتي في الباب السابع من الفصل الثالث أن أحد العوامل المؤثرة في إجابة الدعاء هو اجتماع المؤمنين في الدعاء، ومع الأخذ بنظر الاعتبار أن الدعاء الجماعي لا يمكن وقوعه سراً ففي مقام الجمع بين روايات هذا الباب والروايات السابقة، يمكن القول بأن طلب الحوائج العامة من الأفضل أن يكون في الأدعية الجماعية، وطلب الحوائج الشخصية والفردية من الأفضل أن يكون في الأدعية الفردية السرية التي هي بين العبد وربّه جلّ وعلا.

- 1- إرشاد القلوب: ص 154.
- 2- الدعوات: ص 18 ح 7، بحار الأنوار: ج 93 ص 312 ح 17؛ الفردوس: ج 2 ص 214 ح 3046، كنز العمال: ج 2 ص 75 ح 3196 نقلاً عن أبي الشيخ في الثواب وكلاهما عن أنس.
- 3- البلد الأمين: ص 506 عن الإمام الباقر عن الإمام عليّ عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 95 ص 309 ح 1.
- 4- فلاح السائل: ص 92 ح 26، بحار الأنوار: ج 93 ص 319 ح 25.
- 5- الكافي: ج 8 ص 349 ح 547، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 298 ح 2505، المحاسن: ج 2 ص 126 ح 1348 كلّها عن حمّاد، بحار الأنوار: ج 13 ص 423 ح 18.
- 6- الكافي: ج 2 ص 476 ح 1، ثواب الأعمال: ص 193 ح 1، فلاح السائل: ص 92 ح 25، عدّة الداعي: ص 143 كلّها عن إسماعيل بن همام، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 11 ح 2000، بحار الأنوار: ج 93 ص 340 ح 11.

984. الإمام الباقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دعای نهانی، هفتاد برابر دعای آشکار، ارزش دارد. خداوند سبحان، زکریا علیه السلام را چنین ستوده است: «آن گاه که پروردگارش را نهانی ندا داد». 985. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یک دعای نهانی، با هفتاد دعای آشکارا، برابری می کند. 986. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن شب که مرا به آسمان بردند... به من ندا آمد که: «... ای محمد! هر گاه کسی از امتت غم هایش بسیار شد، نهانی مرا بخواند». 983. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در توصیه های ایشان به علی علیه السلام) امام صادق علیه السلام: بزرگی ثواب دعا و تسبیحی را که بنده در خلوت خویش می کند، جز خداوند - تبارک و تعالی - کسی نمی داند. 984. امام باقر علیه السلام: امام صادق علیه السلام: لقمان به فرزندش گفت: «... وقتی بر مرکب خویش سواری، به خواندن کتاب خدا پرداز، وقتی سرگرم کار هستی، تسبیح بگو و هر گاه تنها بودی، به دعا مشغول شو». 985. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام رضا علیه السلام: یک دعای نهانی بنده، برابر با هفتاد دعای آشکار است. نکته در باب هفتم از فصل سوم خواهد آمد که یکی از عوامل مؤثر در اجابت دعا، اجتماع اهل ایمان در دعا است و با عنایت به این که دعای جمعی نمی تواند مخفی و سری باشد، در جمع میان روایات گذشته و روایات این باب می توان گفت: درخواست هایی که نیایشگر برای جمع دارد بهتر است در جمع مطرح شود و درخواست هایی که برای خود دارد به ویژه آنچه که مربوط به شؤون خصوصی وی است بهتر است به طور سری از خداوند متعال بخواند.

3 / 4 خَفَضَ الصَّوْتَا لِكِتَابِ «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ». (1)

«وَإِذْكَرَّ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْأَصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ». (2)

«وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا». (3)

الحديث 989. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عوالی اللالی: زوی أن سائلاً سأل رسول الله صلی الله علیه و آله، فقال: أقریب ربنا فنناجیه، أم بعيد فننادیه؟

فَنَزَلَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ» الْآيَةَ (4). (5) 990. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رسول الله صلی الله علیه و آله في قوله تعالى: «وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُتْ بِهَا» (6): _ ذلك في الدعاء، لا ترفع صوتك في الدعاء، فتذكر ذنوبك، فيسمع منك، فتعير بها. (7) 991. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه صلی الله علیه و آله: إن الله كره لكم ثلاثاً: اللغو عند القرآن، ورفع الصوت في الدعاء، والتخصر (8) في الصلاة. (9).

1- البقرة: 186 .

2- الأعراف: 205 .

3- الأسراء: 110 .

4- البقرة: 186 .

5- عوالی اللالی: ج 2 ص 82 ح 218، مجمع البيان: ج 1 ص 500 عن الحسن .

6- الإسراء: 110 .

7- التاريخ الكبير: ج 3 ص 256 ح 882، الدر المنثور: ج 5 ص 351 نقلاً عن سعيد بن منصور وفيه «إتما نزلت» بدل «ذلك» .

8- الاختصار في الصلاة: وضع اليد على الخصرة وهو من فعل اليهود (مجمع البحرين: ج 1 ص 517 «خصر»).

9- الزهد لابن المبارك: ص 544 ح 1560 عن يحيى بن أبي كثير، كنز العمال: ج 16 ص 38 ح 43834 .

3 / 4 با صدای آهسته

3 / 4 با صدای آهسته قرآن «و هر گاه بندگانم از تو درباره من می پرسند ، [بگو : من ، نزدیکم] .

«و پروردگارت را هر صبح و شام ، در دل خود ، به زاری و ترس ، بی آن که صدایت را بلند کنی ، یاد کن و از غافلان مباش» .

«و نمازت را با صدای بلند و یا با صدای بسیار آهسته بخوان ؛ بلکه میان آن دوراهی بجوی» .

حدیث 996. الإمام علیّ علیه السلام: عوالی اللآلی: روایت شده است که پرسنده ای از پیامبر خدا پرسید: آیا پروردگار ما نزدیک است تا آهسته بخوانیمش ، یا دور است تا آوازش دهیم؟

پس ، این آیه نازل شد: «و هر گاه بندگانم از تو درباره من می پرسند ، [بگو: من نزدیکم] تا آخر آیه . 997. الإمام الصادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ درباره این سخن خداوند متعال که: «و نمازت را با صدای بلند و یا با صدای بسیار آهسته بخوان» _: این ، در دعاست . در هنگام دعا کردن ، صدایت را بلند مکن که چون گناهانت را یاد کنی ، دیگران بشنوند و بدانها سرزنشت کنند. 998. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، سه کار را از شما ناخوش می دارد: بیهوده گویی در هنگام [تلاوت قرآن ؛ بلند کردن صدا در دعا ؛ و دست بر کمر نهادن در حال نماز . (1)]

1- . بعضی شارحان حدیث ، واژه «تخصُّر» را در متن روایت ، به معنای تکیه دادن بر عصا و مانند آن دانسته اند .

999. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَرِهَ لَكُمْ ثَلَاثًا: اللَّغْوَ عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ، وَالتَّخَصُّرَ فِي الصَّلَاةِ، وَرَفَعَ الْأَصْوَاتِ بِالدُّعَاءِ وَعِنْدَ الدُّعَاءِ. (1) 996. امام على عليه السلام: إرشاد القلوب: سَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَقْوَامًا يُجَاهِرُونَ بِالدُّعَاءِ، فَقَالَ: لَا تَرْفَعُوا بِأَصْوَاتِكُمْ؛ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَيْسَ بِأَصَمٍّ. (2) 997. امام صادق عليه السلام: صحيح البخارى عن أبى موسى الأشعري: لَمَّا غَزَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَيْبَرَ - أَوْ قَالَ: لَمَّا تَوَجَّهَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - أَشْرَفَ النَّاسُ عَلَى وادٍ، فَرَفَعُوا أَصْوَاتَهُمْ بِالتَّكْبِيرِ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِرْبَعُوا (3) عَلَى أَنْفُسِكُمْ، إِنَّكُمْ لَا تَدْعُونَ أَصَمًّا وَلَا غَائِبًا، إِنَّكُمْ تَدْعُونَ سَمِيعًا قَرِيبًا، وَهُوَ مَعَكُمْ. (4) 998. امام صادق عليه السلام: سنن أبى داوود عن أبى موسى الأشعري: كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي سَفَرٍ، فَلَمَّا دَنَوْنَا مِنَ الْمَدِينَةِ كَبَّرَ النَّاسُ وَرَفَعُوا أَصْوَاتَهُمْ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّكُمْ لَا تَدْعُونَ أَصَمًّا وَلَا غَائِبًا، إِنَّ الَّذِي تَدْعُونَهُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ أَعْنَاقِ رِكَابِكُمْ. (5).

1- كنز العمال: ج 16 ص 46 ح 43870 نقلاً عن الديلمي عن جابر .

2- إرشاد القلوب: ص 154 .

3- اربع على نفسك: أى ارفق بنفسك وكفّ (مجمع البحرين: ج 2 ص 668).

4- صحيح البخارى: ج 4 ص 1541 ح 3968، مسند ابن حنبل: ج 7 ص 144 ح 19616 و ص 175 ح 19766 كلاهما نحوه، السنن الكبرى: ج 2 ص 262 ح 3012، كنز العمال: ج 2 ص 82 ح 3243؛ عدّة الداعى: ص 244 نحوه، بحار الأنوار: ج 93 ص 343 ح 11 .

5- سنن أبى داوود: ج 2 ص 87 ح 1526، سنن الترمذى: ج 5 ص 457 ح 3374 نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 83 ح 3244 .

999. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال، سه چیز را از شما ناخوش می دارد: بیهوده گویی در هنگام قرائت قرآن؛ دست به کمر نهادن در نماز؛ و بلند کردن صدا به دعا، و هنگام دعا کردن. 1000. عنه علیه السلام: إرشاد القلوب: پیامبر خدا شنید که عدّه ای با صدای بلند دعا می کنند. فرمود: «صداهایتان را بلند نکنید. پروردگار شما. گر نیست». 1000. امام صادق علیه السلام: صحیح البخاری. به نقل از ابو موسی اشعری: چون پیامبر خدا به جنگ خیبر رفت (یا گفته شده [به سوی خیبر] حرکت کرد)، مردم به وادی ای رسیدند و فریاد تکبیر، سر دادند: الله اکبر، الله اکبر، لا إله إلا الله!

پیامبر خدا فرمود: «آرام باشید. شما شخص گر یا غایبی را که صدا نمی زنید. شما، کسی را صدا می زنید که شنوا و نزدیک است و در کنار شماست». 1001. رسول الله صلی الله علیه و آله: سنن أبي داود. به نقل از ابو موسی اشعری: در سفری با پیامبر خدا بودم. چون مردم نزدیک مدینه رسیدند، بانگ تکبیر برآوردند. پیامبر خدا فرمود: «ای مردم! شما شخص گر یا غایبی را که نمی خوانید. آن کسی که او را می خوانید، بین شما و گردن مرکب های شماست». (1).

1- . کنایه از این که خداوند از گردن مرکب هایی که بر آن سوارید، به شما نزدیک تر است.

1002. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام_ فى وصيَّته لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ -: يَا بْنَ جُنْدَبٍ ... وَأَخْفِضِ الصَّوْتِ ، إِنَّ رَبَّكَ الَّذِي يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ، قَدْ عَلِمَ مَا تُرِيدُونَ قَبْلَ أَنْ تَسْأَلُوهُ . (1) 3 / 5 رَفَعِ الصَّوْتِ فى مَوَاضِعَ 1005. الإمام الصادق عليه السلام :البلد الأمين عن بشر وبشير_ فى ذِكْرِ دُعَاءِ الإِمَامِ الحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَوْمَ عَرَفَةَ -: ثُمَّ رَفَعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَوْتَهُ وَبَصَرَهُ إِلَى السَّمَاءِ ، وَعَيْنَاهُ قَاطِرَتَانِ كَأَنَّهُمَا مَرَادَتَانِ (2) ، وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَعْلَى صَوْتِهِ : يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ ... ثُمَّ عَلَتْ أَصْوَاتُهُمْ بِالبُكَاءِ مَعَهُ ، وَغَرَبَتِ الشَّمْسُ ، وَأَفَاضَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَفَاضَ النَّاسُ مَعَهُ . (3) 1001. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله :الكافى عن عبد الرحمن بن الحجاج :كان أبو عبد الله عليه السلام إذا قام آخر الليل يرفع صوته حتى يسمع أهل الدار ، ويقول : اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى هَوْلِ المَطَّلَعِ (4) ، وَوَسِّعْ عَلَيَّ ضَيْقَ المَضْجَعِ ، وَارزُقْنِي خَيْرَ مَا قَبَلَ المَوْتِ ، وَارزُقْنِي خَيْرَ مَا بَعَدَ المَوْتِ . (5) راجع : الكافى : ج 6 ص 526 ح 8 . موسوعة ميزان الحكمة : الأذان / الفصل السادس : آداب الأذان / أهم ما ينبغى رعايته للمؤذن / رفع الصوت .

1- . تحف العقول : ص 305 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 284 ح 1 .

2- . المَزَادَةُ : الظرف الذى يحمل فيه الماء ، كالراوية والقربة ، والجمع : المزود . (النهاية : ج 4 ص 324 «مزد»).

3- . البلد الأمين : ص 258 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 214 ح 2 .

4- . المَطَّلَعُ : مكان الاطّلاع من موضع عالٍ ، هَوْلُ المَطَّلَعِ : يريد به الموقف يوم القيامة أو ما يشرف عليه من أمر الآخرة عقيب الموت (النهاية : ج 3 ص 132 «طلع»).

5- . الكافى : ج 2 ص 538 ح 13 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 480 ح 1389 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 192 ح 6 .

3 / 5 بلند کردن صدا در چند مورد

1003. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام_ در سفارش به عبد الله بن جندب_ : ای پسر جندب! ... صدایت را پایین بیاور . پروردگار تو از آنچه در دل دارید یا آشکار می سازی ، آگاه است . پیش از آن که از او درخواست کنید ، می داند که چه می خواهید. 3 / 5 بلند کردن صدا در چند مورد 1006. عنه علیه السلام : (_ فِيمَا يُقَالُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ _) البلد الأمين_ به نقل از بشر و بشیر ، در یاد کرد دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه_ : آن گاه ، امام علیه السلام صدایش را بلند کرد و نگاهش را به آسمان دوخت و در حالی که از چشمانش چون مَشک ، اشک می ریخت ، با بلندترین صدایش فریاد زد : «ای شنواترین شنوندگان! ...» . سپس ، دیگران ، هم صدا با او بانگ گریه سر دادند . خورشید که غروب کرد ، امام علیه السلام کوچید و همراه با او مردم نیز کوچیدند. 1006. امام صادق علیه السلام (_ در دعایی که هر روز از ماه رجب خوانده می شود _) الکافی_ به نقل از عبد الرحمان بن حجّاج_ : امام صادق علیه السلام آخر شب که بر می خاست ، صدایش را بلند می کرد ، به طوری که اهل خانه بشنوند و می گفت : «بار خدایا! مرا در هراس ایستگاه قیامت ، کمک فرما و تنگی گور را بر من ، فراخ گردان و بهترین چیز در پیش از مُردن و بهترین چیز در بعد از مرگ را روزی ام کن.» . ر . ک : دانش نامه میزان الحکمة : اذان / فصل ششم : آداب اذان / مهم ترین نکاتی که مؤذن باید رعایت کند / بلند کردن صدا . الکافی : ج 6 ص 526 ح 8 .

توضیحی پیرامون بلند کردن صدا در دعا

توضیحی درباره بلند کردن صدا در دعاء، سخن گفتن با کسی است که هیچ کس به اندازه او به انسان نزدیک نیست (1) و بلکه از رگ گردن نیز به انسان نزدیک تر است (2) و بدین جهت، بلند کردن صدا در دعا، خلاف ادب شمرده می شود، چنان که پیامبر خدا به این نکته اشاره می فرماید: اِرْبَعُوا عَلٰی اَنْفُسِكُمْ . اِنَّكُمْ لَا تَدْعُونَ اَصَمًّا وَلَا غَائِبًا . اِنَّكُمْ تَدْعُونَ سَمِيعًا قَرِيبًا ، وَهُوَ مَعَكُمْ . (3) صدایتان را پایین بیاورید؛ چرا که شما ناشنوایی یا غایبی را صدا نمی زنید؛ بلکه شنوای نزدیکی را صدا می زنید. که همواره با شماست. بر این اساس، بلند دعا کردن، بخصوص اگر موجب آزار دیگران باشد، عقلاً و نقلاً (4) مذموم و بلکه ممنوع است. در این جا این سؤال پیش می آید که اگر بلند دعا کردن مذموم است، چرا گاهی در سیره پیشوایان اسلام، مواردی - مانند آنچه گذشت - دیده می شود که بلند دعا می کرده اند؟ پاسخ، این است که نکوهیده بودن بلندی صدا در دعا، یک موضوع عرفی است

-
- 1- «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ؛ هرگاه بندگان من، از تو درباره من پرسند، [بگو:] من نزدیکم» (البقرة: 186).
 - 2- «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ؛ و ما از رگ گردن به او نزدیک تریم» (ق: 16).
 - 3- ر. ک: ص 170 ح 256.
 - 4- ر. ک: دانش نامه میزان الحکمة: ج 3 ص 39 (آزار رسانی: عبادت آزار دهنده).

و لذا کیفیت و کمیت بلندی صدا، در داوری عرف، دخالت دارد. بی تردید، فرق است میان کسی که مانند طلبکار با فریاد و بی ادبانه چیزی از خدا می خواهد و کسی که مانند امام حسین علیه السلام در عرفات، در اثنای دعا، حالی به او دست می دهد که با نهایت خاکساری و افتادگی و با ناله و تضرع و اشک ریزان و دل سوزان، اما با صدای بلند، «یا أَسْمَعَ السَّمْعِینَ؛ ای شنواترین شنوندگان» (1) می گوید و یا مانند امام صادق علیه السلام در پایان شب، هنگام قیام در جمع شب زنده داران، ندای «اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَوَسِّعْ عَلَيَّ ضَيْقَ الْمَضْجَعِ؛ خداوندا! مرا به هنگام هراسیدنم در جایگاه و ارسی یاری کن و برایم تنگای قبر را وسیع نما» (2) سر می دهد که نه تنها موجب آزار دیگران نبوده است، بلکه بی تردید، اهل بیت ایشان، علاقه مند به شنیدن مناجات روحبخش آن بزرگوار در دل شب بوده اند. به عبارت دیگر، پایین بودن صدا در هنگام دعا، هم مقتضای تعظیم و تواضع در محضر خداوند است و هم موجب جلب خشنودی او و پیدایش حال توجه و انس بیشتر در دعا کننده. این، نکته ای است که عقل و وجدان انسان، به خوبی آن را درک و تصدیق می کنند. بنا بر این، اقتضای حالات و مقامات مختلف، متفاوت است و عقل و وجدان، در هر حال و مقام، میزان مقبول پنهان و یا آشکار بودن صدا را به خوبی درک می کنند و با حفظ اصل آهستگی و پرهیز از شیون و فریاد، هر یک از حالات و مقامات (درخواست، سوز و گداز، نالش از غم هجران، حال خوش وصل و انس، دعای جمعی و فردی، ضمیمه شدن مسئله تعلیم و تربیت به اصل دعا) را از دیگر مقامات و حالات، تمیز می دهد.

-
- 1- البلد الأمين: ص 258، الإقبال: ج 2 ص 87، بحار الأنوار: ج 98 ص 224 ح 2.
 - 2- الكافی: ج 2 ص 539 ح 13، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج 1 ص 480 ح 1389، بحار الأنوار: ج 87 ص 192 ح 6.

3 / 6 رَفَعِ يَدَيْكَ إِلَى رَبِّكَ 1008. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله لِعَلِّيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْكَ بِرَفْعِ يَدَيْكَ إِلَى رَبِّكَ ، وَكَثْرَةَ تَقَلُّبِهَا . (1) 1009. الكافي: الإمام الحسين عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَرْفَعُ يَدَيْهِ إِذَا ابْتَهَلَ وَدَعَا ، كَمَا يَسْتَطَعُ الْمَسْكِينُ . (2) 1010. امام صادق عليه السلام (_ از جمله جواب های ایشان به صوفیان _) المعجم الأوسط عن ابن عباس: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدْعُو بِعَرَفَةَ ، وَيَدَاهُ إِلَى صَدْرِهِ كَأَسْتَطَعِ الْمَسْكِينِ . (3) 1011. الكافي عن الوليد بن صبيح عن الإمام الصادق عليه المسند إسحاق بن راهويه عن عائشة: فَقَدْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ لَيْلَةٍ ، فَخَرَجْتُ فِي أَثَرِهِ ، فَإِذَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْبَقِيعِ ، رَافِعًا يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ يَدْعُو . (4) 1012. كتاب من لا يحضره الفقيه عن الوليد بن صبيح: صحيح مسلم عن أنس: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي الدُّعَاءِ ، حَتَّى يُرَى بَيَاضَ إِبْطِيئِهِ . (5) .

- 1- .المحاسن : ج 1 ص 82 ح 48 عن محمد بن إسماعيل رفعه إلى الإمام الصادق عليه السلام ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 22 ح 47 عن عثمان بن ثابت عن جعفر عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «يديك في دعائك» ، بحار الأنوار : ج 85 ص 201 ح 12 .
- 2- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 8 ح 1981 ، عدّة الداعي : ص 182 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 74 ، الدعوات : ص 22 ح 24 ، الأمالى للطوسى : ص 585 ح 1211 عن محمد بن زيد عن أبيهما الإمام زين العابدين عليه السلام وفيه «كمن يستطعم» بدل «كما يستطعم المسكين» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 294 ح 23؛ تاريخ بغداد : ج 8 ص 63 عن محمد بن زيد بن عليّ عن أبيهما عن أبيه الإمام الحسين عليه السلام .
- 3- .المعجم الأوسط : ج 3 ص 189 ح 2892 ، السنن الكبرى : ج 5 ص 190 ح 9474 ، مجمع الزوائد : ج 10 ص 264 ح 17334 .
- 4- .مسند إسحاق بن راهويه : ج 2 ص 327 ح 850 ، سنن ابن ماجة : ج 1 ص 444 ح 1389 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 437 ح 1509 وفيهما «رافع رأسه إلى السماء» بدل «رافعا ...» .
- 5- .صحيح مسلم : ج 2 ص 612 ح 5 ، صحيح البخارى : ج 5 ص 2335 عن أبي موسى الأشعري نحوه ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 516 ح 13728 ، مسند أبي يعلى : ج 3 ص 412 ح 3489 وفيهما «كان» بدل «رأيت» ، السنن الكبرى : ج 3 ص 497 ح 6446 وزاد فيه «يعنى فى الاستسقاء» .

3 / 6 بلند کردن دست ها

3 / 6 بلند کردن دست ها 1013. الكافي عن عمر بن يزيد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ به علی علیه السلام_: بر تو باد بلند کردن دست هایت به سوی پروردگارت، و بسیار پشت و رو کردن آنها. 1014. مجمع البیان عن عمرو بن زید عن الإمام الصادق علیهما السلام: حسین علیه السلام: پیامبر خدا، هر گاه درخواست و دعایی می کرد، دستانش را همچون مستمندی که غذا می طلبد، دراز می کرد. 1013. الكافي (_ به نقل از عمر بن زید _) المعجم الأوسط_ به نقل از ابن عباس_: پیامبر خدا را دیدم که در عرفه، دعا می کند و دستانش را تا سینه اش بالا برده است، آن گونه که مستمند، غذا می طلبد. 1014. مجمع البیان (_ به نقل از عمرو بن زید _) مسند اسحاق بن راهویه_ به نقل از عایشه_: شبی متوجه شدم پیامبر خدا [در اتاق] نیست. در جستجوی او بیرون رفتم. دیدم پیامبر خدا در بقیع، دستانش را به سوی آسمان برداشته است و دعا می کند. 1015. رسول الله صلی الله علیه و آله: صحیح مسلم_ به نقل از انس_: من دیدم که پیامبر خدا در هنگام دعا، دستانش را بلند می کند، به طوری که سپیدی زیر بغل هایش دیده می شد.

1016. عنه صلى الله عليه وآله: كنز العمال عن البراء بن عازب: كان [النبي صلى الله عليه وآله] إذا أصابته شدة فذعا، رفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى يُرَى بَيَاضُ إِبْطَيْهِ . (1) 1017. الكافي عن كليب الصيداوى: المصنّف لعبد الرزّاق عن طاووس: دَعَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى قَوْمٍ فَرَفَعَ يَدَيْهِ جِدًّا فِي السَّمَاءِ ، فَجَالَتْ (2) النَّاقَةُ ، فَأَمَسَتْ كَهَا بِأَحَدِي يَدَيْهِ ، وَالْأُخْرَى قَائِمَةً فِي السَّمَاءِ . (3) 1018. الكافي عن أيوب أخى أديم يباع الهروى: سنن النسائي عن أسامة بن زيد: كُنْتُ رَدِيفَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِعَرَفَاتٍ ، فَرَفَعَ يَدَيْهِ يَدْعُو ، فَمَالَتْ بِهِ نَاقَتُهُ فَسَقَطَ خِطَامُهَا (4) ، فَتَنَاوَلَ الْخِطَامَ بِأَحَدِي يَدَيْهِ وَهُوَ رَافِعٌ يَدَهُ الْأُخْرَى . (5) 1015. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: تهذيب الأحكام عن أبى بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا فَرَعَ أَحَدُكُمْ مِنَ الصَّلَاةِ ، فَلْيَرْفَعْ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ ، وَلْيَنْصَبْ فِي الدُّعَاءِ .

فَقَالَ ابْنُ سَبَّأٍ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! أَلَيْسَ اللَّهُ فِي كُلِّ مَكَانٍ؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَلَى . قَالَ: فَلِمَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ؟

قَالَ: أَمَا تَقْرَأُ فِي الْقُرْآنِ: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ» (6)؟ فَمِنْ أَيْنَ يُطَلَّبُ الرِّزْقُ إِلَّا مِنْ مَوْضِعِهِ! وَمَوْضِعُ الرِّزْقِ وَمَا وَعَدَ اللَّهُ السَّمَاءَ . (7) 1016. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا سَأَلَهُ الزَّنَدِيقِيُّ: مَا الْفَرْقُ بَيْنَ أَنْ تَرْفَعُوا أَيْدِيَكُمْ إِلَى السَّمَاءِ وَبَيْنَ أَنْ تَخْفِضُوهَا نَحْوَ الْأَرْضِ؟ -: ذَلِكَ فِي عِلْمِهِ وَإِحَاطَتِهِ وَقُدْرَتِهِ سَوَاءً ، وَلَكِنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ أَوْلِيَاءَهُ وَعِبَادَهُ بِرَفْعِ أَيْدِيهِمْ إِلَى السَّمَاءِ نَحْوَ الْعَرْشِ ؛ لِأَنَّهُ جَعَلَهُ مَعْدِنَ الرِّزْقِ ، فَتَبَّسْنَا مَا تَبَّسَّهُ الْقُرْآنُ وَالْأَخْبَارُ عَنِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، حِينَ قَالَ: اِرْفَعُوا أَيْدِيَكُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . (8) .

1- .كنز العمال: ج 7 ص 71 ح 18008 نقلاً عن أبى يعلى .

2- .يقال: جال يجول جولة: إذا دار (النهاية: ج 1 ص 317 «جول»).

3- .المصنّف لعبد الرزّاق: ج 2 ص 247 ح 3233، كنز العمال: ج 2 ص 622 ح 4916 .

4- .الخطام: الحبل الذى يقاد به البعير (النهاية: ج 2 ص 51 «خطم»).

5- .سنن النسائي: ج 5 ص 254، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 192 ح 21880، كنز العمال: ج 5 ص 186 ح 12548 .

6- .الذاريات: 22 .

7- .تهذيب الأحكام: ج 2 ص 322 ح 1315، علل الشرايع: ص 344 ح 1، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 325 ح 955،

الخصال: ص 628 ح 10 عن محمّد بن مسلم وأبى بصير، تحف العقول: ص 118، بحار الأنوار: ج 93 ص 308 ح 7 .

8- .التوحيد: ص 248 ح 1، الاحتجاج: ج 2 ص 199 ح 213 كلاهما عن هشام بن الحكم، بحار الأنوار: ج 93 ص 309 ح 8 .

1017. الكافي (به نقل از کلیب صیداوی) _ كنز العمال_ به نقل از براء بن عازب: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه مشکلی برایش پیش می آمد و دعا می کرد، دستانش را بالا می برد، چنان که سپیدی زیر بغل هایش دیده می شد. 1018. الكافي (به نقل از ایوب، برادر ادیم زردچوبه فروش) _ المصنّف، عبد الرزّاق_ به نقل از طاووس: پیامبر صلی الله علیه و آله قومی را نفرین کرد و دستانش را کاملاً به آسمان برداشت. در این هنگام، ناچه برگشت. پیامبر صلی الله علیه و آله با یک دستش، آن را نگه داشت و دست دیگرش همچنان به سوی آسمان، بلند بود. 1019. الكافي عن عليّ بن عبدالعزيز: سنن النسائي_ به نقل از أسامة بن زيد: من در عرفات، بر ترک پیامبر صلی الله علیه و آله سوار بودم. ایشان، دستانش را به دعا بلند کرد. ناچه اش به یک سو گشت و مهارش افتاد. با یک دستش مهار را گرفت و دست دیگرش، همچنان بالا بود. 1020. رسول الله صلی الله علیه و آله: تهذیب الأحكام_ به نقل از ابو بصیر: امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل کرد که امیر مؤمنان فرمود: «هر گاه یکی از شما نمازش را تمام کرد، دستانش را به سوی آسمان بردارد و تا می تواند، دعا کند».

ابن سبأ گفت: ای امیر مؤمنان! مگر خدا در همه جا نیست؟

فرمود: «چرا».

گفت: پس، چرا دستانش را به سوی آسمان بلند کند؟

فرمود: «مگر در قرآن نخوانده ای که: «و در آسمان است روزی شما و آنچه وعده داده می شوید»؟ بنا بر این، روزی را جز از جایگاهش، کجا باید طلبید؟ جایگاه روزی و هم آنچه خداوند وعده داده، آسمان است». 1021. عنه صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام_ در پاسخ به این پرسش زندیق که: چه فرقی می کند که دست هایتان را به سوی آسمان بردارید یا به سمت زمین، پایین برید؟: این، برای خدایی که بر همه چیز علم و احاطه و قدرت دارد، یکسان است؛ اما او به اولیا و بندگانش دستور داده است که دستانشان را به آسمان، به سوی عرش، بلند کنند؛ زیرا آن جا را معدن روزی قرار داده است. پس، ما آن چیزی را تأیید می کنیم که قرآن و اخبار رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله تأیید می کند که فرموده است: «دستانتان را به سوی خداوند عز و جل بلند کنید».

1019. الكافي (_ به نقل از علی بن عبد العزیز _) الاحتجاج عن صفوان بن يحيى : . . . قَالَ أَبُو قُرَّةَ : فَمَا بِالْكُفْرِ إِذَا دَعَوْتُمْ رَفَعْتُمْ أَيْدِيَكُمْ إِلَى السَّمَاءِ ؟ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ [الرضا] عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ اسْتَعْبَدَ خَلْقَهُ بِضُرُوبٍ مِنَ الْعِبَادَةِ ، وَلِلَّهِ مَفَارِعُ يَفْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمُسْتَعْبَدٌ ، فَاسْتَعْبَدَ عِبَادَهُ بِالْقَوْلِ وَالْعَمَلِ وَالتَّوَجُّهِ وَنَحْوِ ذَلِكَ ، اسْتَعْبَدَهُمْ بِتَوَجُّهِ الصَّلَاةِ إِلَى الْكَعْبَةِ ، وَوَجَّهَ إِلَيْهَا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ ، وَاسْتَعْبَدَ خَلْقَهُ عِنْدَ الدُّعَاءِ وَالطَّلَبِ وَالتَّصَدُّعِ بِبَسْطِ الْأَيْدِي وَرَفْعِهَا إِلَى السَّمَاءِ لِحَالِ الْإِسْتِكَانَةِ ، وَعَلَامَةِ الْعُبُودِيَّةِ وَالتَّذَلُّلِ لَهُ . (1) راجع : ج 2 ص 234 ح 1347 (من دعا له الإمام الرضا عليه السلام / يزيد بن إسحاق) .

1- الاحتجاج : ج 2 ص 377 ح 285 ، بحار الأنوار : ج 10 ص 346 ح 5 .

1021. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: الاحتجاج_ به نقل از صفوان بن یحیی: ... ابوقره گفت: چرا شما وقتی دعا می کنید، دستانتان را به سوی آسمان برمی دارید؟

امام رضا علیه السلام فرمود: «خداوند، از طریق انواع عبادات، مردم را به بندگی وا داشته است، و برای خدا پناهگاه هایی است که به او پناه می برند و بندگی اش می کنند. مثلاً از بندگانش خواسته است که با گفتار و علم و کردار و توجه و مانند اینها، او را بندگی کنند. با نماز خواندن به سوی کعبه، به بندگی شان کشانده است و حج و عمره را به سوی کعبه قرار داده است. از بندگانش خواسته است که هنگام دعا و خواهش و التماس، با گشودن دست ها و بالا بردن آنها به جانب آسمان، اظهار بندگی کنند؛ زیرا این حالات، نشانگر خاکساری و علامت عبودیت و خواری در برابر اوست». ر. ک: ج 2 ص 235 ح 1347 (کسانی که امام رضا علیه السلام برایشان دعا کرد / یزید بن اسحاق).

تحلیلی درباره بلند کردن دست به سوی آسمان هنگام دعا

تحلیلی درباره بلند کردن دست به سوی آسمان در هنگام دعایکی از آداب دعا، بلند کردن دست ها به سوی آسمان است . سیره پیامبر خدا چنین بود که گاه به هنگام دعا، دست های خود را آن قدر بلند می کرد که سپیدی زیر بغل ایشان دیده می شد 1 و مانند بیچاره ای که با بلند کردن و حرکت دادن دست از کسی چیزی می خواهد، درخواست خود را با خداوند متعال در میان می گذاشت . در این جا، این سؤال پیش می آید که با توجه به این که خداوند متعال همه جا هست، چرا نیایشگر باید به هنگام دعا، دست خود را به سوی آسمان، بالا ببرد؟ برخی تصور کرده اند که بلند کردن دست به سوی آسمان، نشانه اعتقاد به

تجسیم و مکان داشتن حضرت حق است در صورتی که جسم و مکان، از اوصاف سلویه خداوند متعال است. او جسم نیست و در همه جا هست. بنا بر این، در دعا، تفاوتی میان بلند کردن دست یا بلند نکردن آن، وجود ندارد. اینان، بدین سان، منکر ادب بودن این رفتار شده اند. احادیث این باب، نشان می دهند که این سؤال، در صدر اسلام، به طور جدی مطرح بوده است و امامان به آن، پاسخ گفته اند. در مجموع، چهار پاسخ به این پرسش داده شده است: 1. بلند کردن دست به هنگام دعا، خود، نوعی عبادت است که خداوند متعال، مردم را مکلف به آن نموده است، مانند: توجه کردن در نماز به سوی کعبه، رکوع و سجود و امثال اینها. (1) 2. بلند کردن دست به هنگام دعا، سنت نبوی است و پیامبر خدا از پیروان خود، خواسته است که چنین عمل کنند. (2) 3. حکمت بلند کردن دست به سوی آسمان در هنگام دعا، این است که آسمان، جایگاه انواع روزی هایی است که مورد نیاز و درخواست انسان اند. بدین جهت، خداوند به اولیای خود دستور داده که هنگام دعا، دست های خود را به سوی آسمان و عرش الهی دراز کنند. (3) 4. علامه سید محمدحسین طباطبایی در پاسخ این شبهه، اشاره می کند که حقیقت همه عبادات بدنی (از جمله دعا)، تنزیل و تمثیل معانی و مفاهیم و

1- ر. ک: ح 271.

2- ر. ک: ح 261 و 262.

3- ر. ک: ح 269 و 270.

حقایق متعالی در قالب جسمانی است و بلند کردن دست در دعا از این باب است. متن سخن ایشان چنین است: مخالفت برخی با بالا بردن دست به سوی آسمان به هنگام دعا، با استناد به این که این کار، نوعی جسم دانستن خداوند و اشاره به اوست، بیهوده و نادرست است؛ چرا که حقیقت همه عبادت های بدنی، فرو کاستن معنای قلبی و توجه درونی، به صورت و شکل ظاهر و نیز اظهار حقایق فراتر از ماده، در قالب جسم است، همان گونه که در نماز و روزه و حج و... و اجزا و شرایطشان هست و اگر چنین نبود، اصلاً عبادت های بدنی تحقق نمی یافتند و از جمله عبادت ها، دعاست که توجه قلبی و درخواست درونی موجود در دعا را - که در میان ما متداول و معهود است - می توان شبیه کرد به درخواست نادار بینوای فرودست، از توانگر عزتمند و الا - آن جا که دستانش را باز می کند و نیازش را با شکستگی و زاری طلب می نماید. (1) نکته قابل توجه، این است که بلند کردن دست به سوی آسمان، در صورتی ادب و ارزش شمرده می شود که نیایشگر، با معرفت، دست خود را بالا ببرد و بداند که خدا همه جا هست. تنها در این صورت است که دست به آسمان بلند کردن، ادب شمرده می شود، وگرنه کسی که می پندارد خدا در آسمان است و دست به سوی او دراز می کند، دست بلند کردن او ارزشی ندارد. همچنین است چشم دوختن به آسمان در هنگام دعا، و لذا امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوار خود، نقل کرده است: مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى رَجُلٍ وَهُوَ رَافِعٌ بَصَرَهُ إِلَى السَّمَاءِ يَدْعُو، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : غَضَّ بَصَرَكَ ؛ فَإِنَّكَ لَنْ تَرَاهُ . وَقَالَ : وَمَرَّ النَّبِيُّ عَلَى رَجُلٍ رَافِعٍ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَهُوَ يَدْعُو ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَقْصَرُ مِنْ يَدَيْكَ ؛ فَإِنَّكَ لَنْ تَنَالَهُ . (1) گذر پیامبر صلی الله علیه و آله بر مردی افتاد که هنگام دعا چشمش را به سوی آسمان دوخته بود. پیامبر خدا به وی فرمود : «چشمت را فرو بند که تو هرگز او را نمی بینی» . و فرمود : گذر پیامبر بر مردی افتاد که در حال دعا ، دستانش را به سوی آسمان بلند کرده بود. پیامبر خدا فرمود : «دستانت را پایین بیاور که تو هرگز به او نمی رسی» . البته ممکن است این دو حدیث ، ناظر به خروج شخص از حال اعتدال در چشم دوختن به آسمان (رفع البصر) یا بلند کردن دست ها (رفع الیدین) باشند .

1- التوحید : ص 107 ح 1 ، الجعفریات : ص 38 از امام کاظم از پدرانش از امام علی علیهم السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 307 ح

3 / 7 عُلُوُّ الْهِمَّةِ وَعِظْمُ الْمَسْأَلَةِ 1022. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا دعا أحدكم فليعظم الرغبة؛ فإنه لا يتعاطم (1) على الله شيء. (2) 1023. امام باقر عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إسألوا الله وأجزلوا؛ فإنه لا يتعاطم شيء. (3) 1024. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: إن الآلة عز وجل يعجب من سائل غير الجنة. (4) 1025. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: سألوا الله الفردوس؛ فإنها سريرة (5) الجنة. (6) 1026. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: صحیح مسلم عن ربيعة بن كعب الأسلمي: كنتُ أبيتُ مع رسولِ الله صلى الله عليه وآله، فأتيته بوضوئه وحاجته. فقال لي: سل. فقلتُ: أسألُك مُرافقتك في الجنة.

قال: أو غير ذلك؟ قلتُ: هو ذاك.

قال: فأعيتني على نفسك بكثرة السجود. (7) 1027. الإمام الصادق عليه السلام: مسند ابن حنبل عن ربيعة بن كعب: قال لي رسول الله صلى الله عليه وآله: سلني أعطك. قلتُ: يا رسول الله، أنظرنى أنظر في أمري. قال: فانظر في أمرِك.

قال: فنظرتُ، فقلتُ: إنَّ أمرَ الدنيا يتقطعُ، فلا أرى شيئاً خيراً من شيءٍ أخذهُ لنفسى لآخرتى! فدخلتُ على النبي صلى الله عليه وآله، فقال: ما حاجتُك؟ فقلتُ: يا رسول الله، اشفع لي إلى ربك عز وجل فليعتقني من النار.

فقال: من أمرِك بهذا؟ فقلتُ: لا والله يا رسول الله، ما أمرنى به أحدٌ، ولكنى نظرتُ في أمري، فرأيتُ أنَّ الدنيا زائلةٌ من أهلها، فأحببتُ أن أخذَ لآخرتى.

قال: فأعيتني على نفسك بكثرة السجود. (8).

1- لا يتعاطمني: أى لا يعظم علىّ (النهاية: ج 3 ص 260 «عظم»).

2- صحیح ابن حبان: ج 3 ص 177 ح 896، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 478 ح 9907 نحوه وزاد فيه بعد «أحدكم»: «فلا يقولنَّ: اللهم إن شئت ولكن»، الدعوات الكبير: ج 2 ص 93 ح 330 كلها عن أبي هريرة، الدعاء المأثور وآدابه: ص 53، كنز العمال: ج 2 ص 84 ح 3250.

3- عدّة الداعي: ص 36، بحار الأنوار: ج 93 ص 302 ح 39.

4- تاريخ بغداد: ج 9 ص 267 عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه، كنز العمال: ج 2 ص 85 ح 3260.

5- أى وسطها وجوفها، من سرّة الإنسان؛ فإنّها فى وسطه (النهاية: ج 2 ص 360 «سر»).

6- المستدرک على الصحيحين: ج 2 ص 402 ح 3402، المعجم الكبير: ج 8 ص 246 ح 7966 كلاهما عن أبى أمامة وج 18 ص 254 ح 635 عن العرباض بن سارية، الجامع الصغير: ج 1 ص 102 ح 663 نقلاً عن البيهقى فى الدعوات عن أبى هريرة وكلاهما نحوه.

7- صحیح مسلم: ج 1 ص 353 ح 226، سنن أبى داود: ج 2 ص 35 ح 1320، سنن النسائى: ج 2 ص 227، السنن الكبرى: ج 2 ص 684 ح 4568 نحوه، كنز العمال: ج 8 ص 13 ح 21653 وراجع مسند ابن حنبل: ج 5 ص 439 ح 16076 والدعوات: ص 39 ح 95 وبحار الأنوار: ج 93 ص 326 ح 10.

8- مسند ابن حنبل: ج 5 ص 571 ح 16578.

3 / 7 بلند همتی و بزرگی درخواست

3 / 7 بلند همتی و بزرگی درخواست 1027. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه فردی از شما دعا می کند ، تقاضاهای بزرگ بنماید ؛ زیرا بر خداوند ، هیچ چیزی بزرگ (سنگین) نمی آید. 1028. الکافی (_ به نقل از اسحاق بن عمّار _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از خدا بخواهید و فراوان بخواهید ؛ زیرا هیچ چیز برای او سنگین نیست. 1029. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل از درخواست کننده ای که چیزی جز بهشت درخواست کند ، تعجب می کند. 1030. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از خداوند ، فردوس را تقاضا کنید که آن جا ، ناف (وسط) بهشت است. 1031. عنه صلی الله علیه و آله: صحیح مسلم _ به نقل از ربیعة بن کعب أسلمی _: من شب را با پیامبر خدا می گذراندم . یک شب که برایش آب وضو و حاجتش را آوردم ، به من فرمود : «چیزی بخواه» .

گفتم : از تو می خواهم که در بهشت با تو باشم.

فرمود : «غیر از این نمی خواهی؟».

گفتم : فقط همین!

فرمود : «پس ، با سجده فراوان ، مرا در این خواهشت کمک کن» . 1032. أسد الغابة عن محمد بن المنکدر عن رجل من الأنصار مسند ابن حنبل _ به نقل از ربیعة بن کعب _: پیامبر خدا به من فرمود : «از من چیزی بخواه تا به تو بدهم» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! فرصت بده تا در این باره بیندیشم .

فرمود : «بیندیش» .

من اندیشیدم و با خود گفتم : امور دنیوی به سر می آیند . پس چیزی بهتر از آن

نیست که برای آخرتم بگیرم . پس ، خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم . فرمود : «چه می خواهی؟» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! نزد پروردگارت شفاعتم کن که مرا از آتش دوزخ ، آزاد کند .

فرمود : «چه کسی این را به تو گفت [که از من ، چنین درخواستی کنی]؟» .

گفتم : نه به خدا ، ای پیامبر خدا ! هیچ کس این را به من نگفت ؛ بلکه خودم در کارم اندیشیدم و دیدم که دنیا از کف دنیا داران می رود . پس ترجیح دادم که برای آخرتم چیزی بستانم .

فرمود : «پس ، با سجده فراوان ، مرا در این درخواستت یاری رسان» .

1030. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : الإمام علی علیه السلام : كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا سُئِلَ شَيْئًا فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَقَعْلَهُ ، قَالَ : نَعَمْ ، وَإِذَا أَرَادَ أَنْ لَا يَقَعَلَ سَكَتَ ، وَكَانَ لَا يَقُولُ لِشَيْءٍ لَا .

فَأَنَاءَ أَعْرَابِيٍّ فَسَأَلَهُ ، فَسَكَتَ ، ثُمَّ سَأَلَهُ فَسَكَتَ ، ثُمَّ سَأَلَهُ ، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَهَيْئَةِ الْمُنتَهَرِ : سَلْ مَا شِئْتَ يَا أَعْرَابِيٍّ ، فَعَبَطْنَا ، فَقُلْنَا : الْآنَ يَسْأَلُ الْجَنَّةَ .

فَقَالَ الْأَعْرَابِيُّ : أَسَأَلُكَ رَاحِلَةً ، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَكَ ذَاكَ ، ثُمَّ قَالَ : سَلْ ، قَالَ : أَسَأَلُكَ زَادًا ، قَالَ : وَلَكَ ذَاكَ ، فَتَعَجَّبْنَا مِنْ ذَلِكَ . فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : كَمْ بَيْنَ مَسْأَلَةِ الْأَعْرَابِيِّ وَعَجُوزِ بَنِي إِسْرَائِيلَ !

ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أَمَرَ أَنْ يَقَطَعَ الْبَحْرَ فَانْتَهَى إِلَيْهِ ، فَضْرِبَتْ وُجُوهُ الدَّوَابِّ ، فَرَجَعَتْ ، فَقَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا لِي يَا رَبُّ ؟ قَالَ لَهُ : إِنَّكَ عِنْدَ قَبْرِ يَوْسُفَ ، فَاحْتَمِلْ عِظَامَهُ مَعَكَ ، وَقَدِّ اسْتَوَى الْقَبْرُ بِالْأَرْضِ ، فَجَعَلَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَدْرِي أَيْنَ هُوَ ، قَالُوا : إِنْ كَانَ أَحَدٌ مِنْكُمْ يَعْلَمُ أَيْنَ هُوَ فَعَجُوزُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ، لَعَلَّهَا تَعْلَمُ أَيْنَ هُوَ .

فَأَرْسَلَ إِلَيْهَا مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ : هَلْ تَعْلَمِينَ أَيْنَ قَبْرُ يَوْسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ؟ قَالَتْ : نَعَمْ . قَالَ : فِدْلَيْنِي عَلَيْهِ . قَالَتْ : لَا وَاللَّهِ حَتَّى تُعْطِيَنِي مَا أَسَأَلُكَ . قَالَ : ذَاكَ لَكَ ، قَالَتْ : فَإِنِّي أَسَأَلُكَ أَنْ أَكُونَ مَعَكَ فِي الدَّرَجَةِ الَّتِي تَكُونُ فِيهَا فِي الْجَنَّةِ .

قَالَ : سَلِي الْجَنَّةَ ، قَالَتْ : لَا وَاللَّهِ ، [إِلَّا] (1) أَنْ أَكُونَ مَعَكَ ، فَجَعَلَ مُوسَى يُرَادُّهَا ، فَأَوْحَى اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - إِلَيْهِ : أَنْ أُعْطِيَهَا ذَلِكَ ؛ فَإِنَّهُ لَا يُنْقِضُكَ شَيْئًا ، فَأَعْطَاهَا وَدَلَّتْهُ عَلَى الْقَبْرِ ، فَأَخْرَجَ الْعِظَامَ وَجَاوَزَ الْبَحْرَ . (2) .

1- ما بين المعقوفين أثبتناه من كنز العمال .

2- المعجم الأوسط : ج 7 ص 374 ح 7767 عن حبة العرنى ، كنز العمال : ج 2 ص 616 ح 4895؛ الدعوات : ص 40 ح 100 نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 327 ح 10 . وراجع : المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 624 ح 4088 ، و مسند أبی یعلی : ج 6 ص 391 ح 7218 و قرب الإسناد : ص 58 ح 188 .

1031. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام علی علیه السلام : شیوه پیامبر صلی الله علیه و آله چنین بود که هر گاه چیزی از او خواسته می شد ، اگر می خواست انجامش دهد ، می فرمود : «باشد» و اگر نمی خواست انجامش دهد ، سکوت می کرد و هرگز ، پاسخ «نه» نمی داد.

روزی بادیه نشینی نزد ایشان آمد و چیزی خواست . پیامبر صلی الله علیه و آله سکوت کرد . دوباره خواست . باز هم سکوت کرد . بار سوم خواست . پیامبر صلی الله علیه و آله با حالت تشر به او فرمود : «ای اعرابی ! هر چه می خواهی ، تقاضا کن» .

ما به حال او غبطه خوردیم و گفتیم : الآن ، بهشت را تقاضا می کند.

بادیه نشین گفت : مرکبی از تو می خواهم .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «باشد» .

سپس فرمود : «باز هم بخواه» .

گفت : توشه هم می خواهم .

فرمود : «باشد» .

ما از این درخواست ها تعجب کردیم . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : چه قدر فرق است میان درخواست این بادیه نشین و درخواست آن پیر زن بنی اسرائیل!

آن گاه فرمود : «موسی علیه السلام چون فرمان یافت که از دریا بگذرد و به آن رسید ، مرکب ها را می زدند ؛ اما آنها بازگشتند و به دریا نزدند . موسی علیه السلام گفت : مرا چه شده است ، ای پروردگارم؟

بدو فرمود : تو نزدیک قبر یوسف هستی . استخوان های او را هم با خودت ببر . اما قبر با زمین ، یکسان شده بود و موسی علیه السلام نمی دانست کجاست . گفتند : اگر از شما کسی باشد که جای قبر را بداند ، آن کس ، پیر زنی از بنی اسرائیل است . شاید او بداند که قبر کجاست.

موسی علیه السلام او را احضار کرد و فرمود : تو می دانی قبر یوسف علیه السلام کجاست؟ .

گفت : آری .

فرمود : آن را نشانم بده .

گفت : نه به خدا ، مگر آن که آنچه از تو می خواهم ، به من بدهی .

فرمود : باشد .

گفت : از تو می خواهم که در بهشت ، با تو در یک درجه باشم .

فرمود : [فقط] بهشت را بخواه .

گفت : نمی شود . فقط با تو باشم .

موسی علیه السلام سعی داشت او را از نظرش منصرف کند که خداوند _ تبارک و تعالی _ به او وحی فرمود که : هر چه می خواهد ، به او عطا کن ؛ زیرا از [درجه] تو چیزی کم نمی کند . موسی علیه السلام به آن پیرزن ، قول داد و او جای قبر را نشان داد و موسی علیه السلام استخوان ها را بیرون آورد و از دریا گذشت . . .

1032. أسد الغابة (_ به نقل از محمد بن منکدر ، از مردی انصاری ، از) الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ _ تَبَارَكَ وَتَعَالَى _ أَوْحَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ : أَخْرَجَ عِظَامَ يَوْسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ مِصْرَ ، وَوَعَدَهُ طُلُوعَ الْقَمَرِ ، فَأَبْطَأَ طُلُوعَ الْقَمَرِ عَلَيْهِ ، فَسَأَلَ عَمَّنْ يَعْلَمُ مَوْضِعَهُ ، فَقِيلَ لَهُ : هَاهُنَا عَجُوزٌ تَعْلَمُ عِلْمَهُ ، فَبَعَثَ إِلَيْهَا ، فَأَتَتْ بِعَجُوزٍ مُقْعَدَةٍ عَمِيَاءَ .

فَقَالَ : تَعْرِفِينَ قَبْرَ يَوْسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ؟ قَالَتْ : نَعَمْ . قَالَ : فَأَخْبِرِينِي بِمَوْضِعِهِ ، قَالَتْ : لَا أَفْعَلُ حَتَّى تُعْطِيَنِي خِصَالًا : تُطَلِّقَ رِجْلَيَّ ، وَتُعِيدَ إِلَيَّ بَصْرِي ، وَتُرُدَّ إِلَيَّ شَبَابِي ، وَتَجْعَلَنِي مَعَكَ فِي الْجَنَّةِ .

فَكَبَّرَ ذَلِكَ عَلَى مُوسَى ، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ : إِنَّمَا تُعْطَى عَلَيَّ فَأَعْطِهَا مَا سَأَلْتَ ، فَفَعَلَ ، فَدَلَّتْهُ عَلَى قَبْرِ يَوْسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَاسْتَخْرَجَهُ مِنْ شَاطِئِ النَّيْلِ فِي صُنْدُوقٍ مَرْمَرٍ ، فَلَمَّا أَخْرَجَهُ طَلَعَ الْقَمَرُ ، فَحَمَلَهُ إِلَى السَّمَاءِ ، فَلِذَلِكَ يَحْمِلُ أَهْلُ الْكِتَابِ مَوْتَاهُمْ إِلَى السَّمَاءِ . (1)

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 193 ح 594 ، الخصال : ص 205 ح 21 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 259 ح 18 ، علل الشرايع : ص 296 ح 1 وفي صدرها «احتبس القمر عن بني إسرائيل فأوحى الله...» ، قصص الأنبياء : ص 135 ح 139 وفي صدره «احتبس المطر عن بني إسرائيل فأوحى الله...» وكلها عن الحسن بن علي بن فضال عن الإمام أبي الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 58 ص 171 ح 31 وراجع الكافي : ج 8 ص 155 ح 144 .

1033. الإمام الصادق عليه السلام: امام صادق عليه السلام: خداوند _ تبارک و تعالی _ به موسی بن عمران علیه السلام وحی فرمود که: «استخوان های یوسف را از مصر، بیرون ببر» و فرمود که هنگام طلوع ماه، چنین کند؛ اما ماه، دیر طلوع کرد و موسی علیه السلام در جستجوی کسی برآمد که جایگاه قبر را بداند. به او گفته شد: پیرزنی هست که جای آن را می داند.

موسی علیه السلام در پی او فرستاد و پیرزنی زمینگیر و نابینا را آوردند. موسی علیه السلام فرمود: «تو قبر یوسف علیه السلام را بلدی؟». گفت: آری.

فرمود: «پس جایش را به من نشان بده».

گفت: نمی گویم، مگر چند چیز به من بدهی: پاهایم را شفا دهی، بینایی ام را به من بازگردانی، جوانی ام را به من برگردانی و مرا در بهشت، [هم درجه] با خودت قرار دهی.

این خواست ها بر موسی علیه السلام گران آمد. خداوند عز و جل به او وحی فرمود که: «تو به حساب من می دهی. پس آنچه می خواهی، به او عطا کن».

موسی علیه السلام چنین کرد، و آن پیر زن، قبر یوسف علیه السلام را به او نشان داد. موسی علیه السلام [جسد] او را از تابوتی مرمین در کرانه نیل، بیرون آورد و آن گاه که بیرونش آورد، ماه طلوع کرد و آن را با خود به شام بُرد. به همین سبب، اهل کتاب، مردگان خویش را به شام می برند.

1034. عدّة الداعي عن كعب الأحبار: الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ أَبَادِرَ بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ حَتَّى اشْتَكَى عَيْنَيْهِ ، فَخَافُوا عَلَيْهِمَا ، فَقِيلَ لَهُ : يَا أَبَادِرَ لَوْ دَعَوْتَ اللَّهَ فِي عَيْنَيْكَ . فَقَالَ : إِنِّي عَنْهُمَا لَمَشْغُولٌ ، وَمَا عَنَانِي أَكْبَرُ .

فَقِيلَ لَهُ : وَمَا شَغَلَكَ عَنْهُمَا ؟ قَالَ : الْعَظِيمَتَانِ : الْجَنَّةُ وَالنَّارُ . (1) 3 / 8 السُّؤَالُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ الْكِتَابِ «وَسَلُّوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» . (2)

الحديث 1036. امام صادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: سَلُّوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ أَنْ يُسَأَلَ .
 (3) 1037. عنه عليه السلام: الإمام عليّ عليه السلام: فِي خُطْبَتِهِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ -: وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ رَحْمَتِهِ وَفَضْلِهِ ؛ فَإِنَّهُ لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ دَاعٍ دَعَاهُ . (4) .

1- رجال الكشي: ج 1 ص 121 ح 54 النخصال: ص 40 ح 25 ، الأمالى للطوسى: ص 702 ح 1500 كلاهما نحوه وكلها عن موسى بن بكر ، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 19 من دون إسنادٍ إلى المعصوم وفيه «أكثر» بدل «أكبر» ، روضة الواعظين: ص 312 .
 2- النساء: 32 .

3- سنن الترمذى: ج 5 ص 565 ح 3571 ، المعجم الكبير: ج 10 ص 101 ح 10088 كلاهما عن عبد الله بن مسعود ، تفسير الطبرى: المجلد 4 الجزء 5 ص 49 ، كنز العمال: ج 2 ص 79 ح 3225؛ الدعوات: ص 19 ح 12 ، بحار الأنوار: ج 93 ص 300 ح 37 .

4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 432 ح 1263 ، مصباح المتهجد: ص 384 ح 509 عن زيد بن وهب نحوه ، بحار الأنوار: ج 93 ص 301 ح 37 .

3 / 8 خواستن از فضل خداوند

1038. رسول الله صلی الله علیه و آله: امام کاظم علیه السلام: ابو ذر از ترس خداوند، چندان گریست که چشمانش آزرده گشت. مردم، نگران از دست رفتن چشمانش شدند. به او گفته شد: ای ابو ذر! کاش برای [بهبود] چشمانت دعا کنی.

گفت: از آنها باز مانده ام و آنچه مرا رنج می دهد، بزرگ تر است.

گفته شد: چه چیز تو را از [توجه به] چشمانت باز داشته است؟

گفت: دو امر بزرگ: بهشت و دوزخ. 3 / 8 خواستن از فضل خداوند قرآن (و خدا را از فضلش درخواست کنید، که خدا به هر چیزی داناست).

حدیث 1040. الکافی (_ به نقل از منصور صیقل _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند را از فضلش درخواست کنید؛ زیرا خدای عز و جل دوست می دارد که از او درخواست شود. 1041. المؤمن عن الصباح بن سیابة: امام علی علیه السلام _ در خطبه اش در روز جمعه _: از رحمت و فضل خداوند، درخواست کنید؛ زیرا هیچ دعاکننده ای که به درگاهش دعا کند، محروم برنمی گردد.

1042. الكافي عن أحمد بن محمد بن أبي نصر: رسول الله صلى الله عليه وآله: لَتَسَلَّمَنَّ اللَّهُ أَوْ لَيَقْضِيَنَّ عَلَيْكُمْ ، إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَعْمَلُونَ فَيُعْطِيهِمْ ، وَآخَرِينَ يَسْأَلُونَهُ صَادِقِينَ فَيُعْطِيهِمْ ، ثُمَّ يَجْمَعُهُمْ فِي الْجَنَّةِ ، فَيَقُولُ الَّذِينَ عَمِلُوا : رَبَّنَا ! عَمِلْنَا فَأَعْطَيْتَنَا ، فَمَا أَعْطَيْتَ هَؤُلَاءِ ؟

فَيَقُولُ : عِبَادِي (1) ! أَعْطَيْتُكُمْ أَجُورَكُمْ وَآمَ الْتِكُمْ (2) مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا ، وَسَدَّ أَلْنِي هَؤُلَاءِ فَأَعْطَيْتُهُمْ ، وَهُوَ فَضْلِي أَوْ تَبِيهِ مِنْ أَشَاءِ . (3) 1041. المؤمن (_ به نقل از صباح بن سيابه _) عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ الرِّزْقَ لَيَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ، عَلَى عَدَدِ فَطْرِ الْمَطَرِ ، إِلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّرَ لَهَا ، وَلَكِنَّ لِلَّهِ فَضُولٌ ، فَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ . (4) 1042. الكافي (_ به نقل از احمد بن محمد بن ابى نصر _) الإمام زين العابدين عليه السلام : اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ صِدْقٌ : « وَاسْتَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ » (5) « إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا » (6) ، وَلَيْسَ مِنْ صِدْفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ ، وَأَنْتَ الْمَتَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ ، وَالْعَارِضُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنٍ رَأْفَتِكَ . (7) .

1- فى المصدر: «هؤلاء عبادى»، وحذفنا كلمة «هؤلاء» طبقاً لما فى بحار الأنوار؛ إذ هو الأنسب للسياق.

2- يقال : أَلْتَهُ يَأْلَتُهُ ، إِذَا نَقَصَهُ (النهاية : ج 1 ص 59 «ألت»).

3- عِدَّة الداعى : ص 36 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 302 ح 39 .

4- قرب الإسناد : ص 117 ح 411 عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 288 ح 4 .

5- النساء : 32 .

6- النساء : 29 .

7- مصباح المتهجد : ص 583 ح 691 ، الإقبال : ج 1 ص 158 كلاهما عن أبى حمزة الثمالى ، بحار الأنوار : ج 98 ص 83 ح 2 .

1043. الإمام علیّ علیه السلام (_ فِی وَصِیَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : یا از خدا درخواست می کنید یا این که شما را نابود می کند . خداوند را بندگانی است که عمل می کنند و او [مزد عملشان را] به ایشان می دهد ، و دیگرانی هستند که صادقانه از او درخواست می کنند و به آنها نیز عطا می کند . سپس ، همه آنان را در بهشت ، گرد می آورد . آنان که عمل کرده اند ، می گویند : پروردگارا ! ما عمل کردیم و به پاداش ، آن را به ما عطا فرمودی . اینان را به چه سبب ، عطا کردی ؟

خداوند می فرماید : «بندگان من! مزد شما را دادم و چیزی از مزد کارتان نکاستم ، و اینان ، از من درخواست کردند و من هم به آنها عطا کردم و این ، فضل من است که به هر که بخواهم ، می دهم» . 1044. عنه علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روزی از آسمان ، به شمار قطرات باران ، به زمین می ریزد ، برای هر کس به اندازه ای که برایش مقدّر شده است ؛ اما خداوند ، زیاده هایی هم دارد . پس ، از زیاده های خدا از او درخواست کنید . 1045. الدرّ المنثور عن الدیلمی : امام زین العابدین علیه السلام : بار خدایا! تو خود فرموده ای و فرموده ات ، درست و وعده ات ، راست است که : «خدا را از فضلش بخواهید» «خدا نسبت به شما مهربان است» . سرورم! از صفات تو نیست که به خواهش کردن ، فرمان دهی ؛ اما دَهِش نکنی . تو اهل مملکت را با داد و دَهِش ها می نوازی و با مهر و رأفت خویش ، به آنان سود می رسانی . .

1043. امام على عليه السلام (_ در وصيتش به فرزندش حسن عليه السلام _) الإمام علىّ عليه السلام _ في الدعاء _ : وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبَادِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ ، وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ ، وَأَخْصِهِمْ رُزْفَةً (1) لَدَيْكَ ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ . (2) 1044. امام على عليه السلام : عنه عليه السلام _ في الحِجَمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ _ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَرَى لَدَيَّ مِنْ فَضْلِكَ مَا لَمْ أَسْأَلْكَ ، فَعَلِمْتُ أَنَّ لَدَيْكَ مِنَ الرَّحْمَةِ مَا لَا أَعْلَمُ ، فَصَغُرَتْ قِيَمَةُ مَطْلَبِي فِيْمَا عَايَنْتُ ، وَقَصُرَتْ غَايَةُ أَمَلِي عِنْدَمَا رَجَوْتُ ، فَإِنِ الْحَفْتُ (3) فِي سُؤَالِي فَلِفَاقَتِي إِلَى مَا عِنْدَكَ ، وَإِنِ قَصُرْتُ فِي دُعَائِي فِيمَا عَوَّدْتِ مِنْ ابْتِدَائِكَ . (4) 3 / 9 بَثُّ الْحَاجَةِ 1046. امام صادق عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ _ تَبَارَكَ وَتَعَالَى _ يَعْلَمُ مَا يُرِيدُ الْعَبْدُ إِذَا دَعَاهُ ، وَلَكِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ تُبَثَّ (5) إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ ، فَإِذَا دَعَوْتَ فَسَمِّ حَاجَتَكَ . (6) 1047. رسول الله صلى الله عليه وآله : رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ اللَّهَ لِيُمَسِّكُ الْخَيْرَ الْكَثِيرَ عَنْ عَبْدِهِ ، فَيَقُولُ : لَا أُعْطِيهِ حَتَّى يَسْأَلَنِي . (7) .

1- الرُّزْفَةُ وَالرُّزْفِيُّ : القُرْبَةُ وَالْمَنْزِلَةُ (الصحاح : ج 4 ص 1370 «رُزْف»).

2- مصباح المتهجد : ص 850 ح 910 ، الإقبال : ج 3 ص 337 كلاهما عن كميل .

3- أى بالغت ، يقال : ألحف فى المسألة يلحف إلحافاً : إذا ألح فيها ولزمها (النهاية : ج 4 ص 237 «لحف»).

4- شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 319 ح 663 .

5- بثّ الخبر وأبثّه : نشره ، يقال : أبثتكَ سرّي ، أى أظهرته لك ، والبثّ : الحال والحزن ، يقال : أبثتكَ ، أى أظهرت لك بثّي . (الصحاح

: ج 1 ص 273 «بث»).

6- الكافي : ج 2 ص 476 ح 1 عن أبى عبد الله الفراء ، الدعوات : ص 17 ح 2 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 11 ح 2001 ، عدّة الداعى

: ص 143 عن ابن عبد الله الفراء ، عوالى اللالى : ج 4 ص 20 ح 56 نحوه وليس فى الثلاثة الأخيرة ذيله ، بحار الأنوار : ج 93 ص 312

ح 17 .

7- مستدرک الوسائل : ج 5 ص 175 ح 5603 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

3 / 9 اظهار کردن نیاز

1047. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام_ در دعا_: مرا از آن بندگان قرار ده که نزد تو، بهترین نصیب و نزدیکترین جایگاه و خصوصی ترین منزلت را دارند، و به این همه، جز با فضل تو نمی توان رسید. 1048. الإمام الصادق علیه السلام: امام علی علیه السلام_ در حکمت های منسوب به ایشان_: بار خدایا! من از فضل تو در خویشتن چیزها می بینم که از تو درخواست نکرده ام. پس دانستم که تو را چنان مهر و رحمتی است که من، نمی دانم. از این رو، ارزشِ درخواست من در برابر آنچه دیده ام، ناچیز است و غایتِ آرزویم در هنگامی که امید می بندم، کوتاه است. بنا بر این، اگر در خواشتم پای می فشارم، به سبب آن است که به آنچه نزد توست، نیازمندم و اگر در دعا کردن تقصیر می کنم، بدان سبب است که مرا به دَهِشِ بی درخواست، عادت داده ای. 3 / 9 اظهار کردن نیاز 1051. عنه علیه السلام: امام صادق علیه السلام: خداوند_ تبارک و تعالی_ هر گاه بنده او را می خواند، می داند که او چه می خواهد؛ اما دوست می دارد که نیازها به او اظهار شود. بنا بر این، هر گاه دعا کردی، نیازت را نام ببر. 1048. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، بسیاری از خوبی ها را از بنده اش دریغ می دارد و می فرماید: «به او نمی دهم تا از من بخواهد».

3 / 10 العزم 1051. امام صادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا دعا أحدكم فليعزم في الدعاء، ولا يقل: اللهم، إن شئت فأعطني؛ فإن الله لا مستكبر له. (1) 1052. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: إذا دعا أحدكم فلا يقل: اللهم اغفر لي إن شئت، ولكن ليعزم المسألة، وليعظم الرغبة، فإن الله لا يتعاظمه شيء أعطاه. (2) 1053. تفسير العياشي عن أبي بكر الحضرمي عن الإمام الصادق عليه السلام: لا يقولن أحدكم: اللهم اغفر لي إن شئت، اللهم ارحمني إن شئت، ليعزم المسألة؛ فإنه لا مكره له. (3) 3 / 11 التعميم 1056. عنه عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا دعا أحدكم فليعزم؛ فإنه أوجب للدعاء. (4).

-
- 1- صحيح مسلم: ج 4 ص 2063 ح 7، صحيح البخاري: ج 5 ص 2334 ح 5979 وفيه «المسألة» بدل «في الدعاء» وج 6 ص 2715 ح 7026 نحوه، الأدب المفرد: ص 184 ح 608، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 202 ح 11980 كلها عن أنس، كنز العمال: ج 2 ص 72 ح 3179.
- 2- صحيح مسلم: ج 4 ص 2063 ح 8، الأدب المفرد: ص 184 ح 607، مسند أبي يعلى: ج 6 ص 73 ح 6465 وليس فيهما «اغفر لي» وكلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 2 ص 94 ح 3297 وراجع مسند ابن حنبل: ج 3 ص 490 ح 9986.
- 3- صحيح البخاري: ج 5 ص 2334 ح 5980، سنن أبي داود: ج 2 ص 77 ح 1483، سنن الترمذي: ج 5 ص 526 ح 3497، الموطأ: ج 1 ص 213 ح 28، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 489 ح 9975 وص 37 ح 7318، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1267 ح 3854 وليس فيهما «اللهم ارحمني إن شئت» وكلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 2 ص 84 ح 3253.
- 4- الكافي: ج 2 ص 487 ح 1، ثواب الأعمال: ص 194 ح 5، عدة الداعي: ص 144 كلها عن ابن القداح عن الإمام الصادق عليه السلام، الدعوات: ص 26 ح 40، بحار الأنوار: ج 93 ص 386 ح 16.

3 / 10 قاطعیت**3 / 11 همگانی کردن دعا**

3 / 10 قاطعیت 1053. تفسیر العیاشی (_ به نقل از ابو بکر حضرمی _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه یکی از شما دعا کرد ، در دعا قاطع باشد و نگوید : خدایا ! اگر می خواهی ، بده ؛ چرا که خداوند ، وادار کننده ای ندارد. 1054. امام باقر علیه السلام (_ ضمن حدیثی _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه فردی از شما دعا می کند ، نگوید : بار خدایا ! اگر خواستی ، مرا بیامرزد ؛ بلکه در خواهش کردن ، قاطع باشد و درخواستِ بزرگ نماید ؛ زیرا عطای هیچ چیز برای خداوند ، گران نیست. 1055. امام صادق علیه السلام (_ درباره مردی که اندوهی به او رسیده است یا حاجتی) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگز کسی از شما نگوید : خدایا ! اگر خواستی ، مرا بیامرزد . خدایا ! اگر خواستی ، به من رحم کن ؛ بلکه قاطعانه بخواهد ؛ زیرا خداوند ، وادار کننده ای ندارد. 3 / 11 همگانی کردن دعا 1058. الإمام الباقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه یکی از شما دعا کرد ، برای همه دعا کند ؛ زیرا این ، دعا را به اجابت ، نزدیک تر می سازد.

1059. الإمام الصادق عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: ما من دُعاءٍ أَحَبُّ إلى الله من أن يقول العبدُ: اللَّهُمَّ ارحم أُمَّةً مُحَمَّدٍ رَحْمَةً عَامَّةً. (1) 1060. عنه عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ عَمَّ بِدُعَائِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، اسْتَجِيبَ لَهُ. (2) 1058. امام باقر عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: أَعْمِمَ؛ [يعنى فى الدعاء] فَفَضَّلُ مَا بَيْنَ الْعُمُومِ وَالْخُصُوصِ، كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ. (3) 1059. امام صادق عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثٌ لَا يَغْلُ عَلَيَّ قَلْبُ مُؤْمِنٍ: إِخْلَاصُ الدَّعْوَةِ لِلَّهِ تَعَالَى، وَالنَّصِيحَةُ لِوَلَاةِ الْأَمْرِ فِي الْحَقِّ حَيْثُ كَانَ، وَأَنْ يَعْزَمَ بِدَعْوَتِهِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ، فَإِنَّ الدَّعْوَةَ تُحِيطُ مِنْ وَرَائِهِمْ. (4) 1060. امام صادق عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: لَا يُؤْمَرُ رَجُلٌ قَوْمًا فَيُخَصَّ نَفْسَهُ بِالْإِعْتِزَالِ عَنْهُمْ؛ فَإِنْ فَعَلَ فَقَدْ خَانَهُمْ. (5) 1061. الكافى عن مقاتل بن مقاتل: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ صَلَّى بِقَوْمٍ فَأَخْتَصَّ نَفْسَهُ بِالْإِعْتِزَالِ عَنْهُمْ، فَقَدْ خَانَهُمْ. (6) 1062. الإمام الباقر عليه السلام: الأدب المفرد عن عبد الله بن عمرو: قَالَ رَجُلٌ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِمُحَمَّدٍ وَحَدَنَّا.

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَقَدْ حَجَبْتَهَا عَنْ نَاسٍ كَثِيرٍ! (7).

- 1- تاريخ بغداد: ج 6 ص 157، الفردوس: ج 4 ص 46 ح 6146 وفيه «اغفر» بدل «ارحم» وكلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 2 ص 77 ح 3212.
- 2- كنز العمال: ج 5 ص 32 ح 11916 نقلاً عن الديلمى عن ابن عباس.
- 3- السنن الكبرى: ج 3 ص 185 ح 5351، المراسيل: ص 101 ح 1، الفردوس: ج 2 ص 26 ح 2163، كنز العمال: ج 2 ص 85 ح 3259.
- 4- الجعفریات: ص 223 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.
- 5- سنن أبي داود: ج 1 ص 23 ح 90، سنن الترمذى: ج 2 ص 189 ح 357، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 298 ح 923 وفيه «عبد» بدل «رجل»، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 330 ح 22478 كلها عن ثوبان، السنن الكبرى: ج 3 ص 185 ح 5348، المعجم الكبير: ج 8 ص 105 ح 7507 كلاهما عن أبي أمامة نحوه، كنز العمال: ج 16 ص 55 ح 43914.
- 6- تهذيب الأحكام: ج 3 ص 281 ح 831 عن سليمان بن سماعة عن عمه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 400 ح 1187.
- 7- الأدب المفرد: ص 189 ح 626، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 633 ح 6864 وص 685 ح 7079، موارد الظمآن: ص 603 ح 2432.

1061. الكافي (_ به نقل از مُقاتل بن مُقاتل _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ دعایی نزد خداوند ، محبوب تر از این نیست که بنده بگوید : بار خدایا ! اَمّت محمد را مشمول رحمتِ عام خود گردان. 1062. امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس دعایش را به همه مردان و زنان مؤمن تعمیم دهد ، دعایش مستجاب می شود. 1063. الإمام الصادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : [در دعا] عمومیت ببخش ؛ زیرا میان دعای عمومی و خصوصی ، از زمین تا آسمان فرق است. 1063. امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه چیز است که با وجود آنها ، دل هیچ مؤمنی را خیانت و ناخالصی نیست : دعوت خالصانه برای خداوند متعال ، تذکر خیرخواهانه دادن به فرمان روایان درباره حق ، هر جا که باشد ؛ و این که در دعایش همه مسلمانان را داخل گرداند _ چرا که دعا از هر سو آنان را در میان می گیرد _ . 1064. الكافي عن ابن الوليد بن صبيح ، عن أبيه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ مردی نباید امامت [جماعت] عدّه ای را برعهده گیرد و برای خودش دعا کند و آنها را دعا نکند ، که اگر چنین کند ، به آنان خیانت ورزیده است. 1065. الكافي عن ابن طيار : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس پیش نماز عدّه ای شود و فقط برای خودش دعا کند ، به آنان خیانت کرده است . 1066. الكافي عن محمد بن الحسن العطار عن رجل من أصحابنا لأدب المفرد _ به نقل از عبد الله بن عمرو _ : مردی گفت : خدایا! تنها من و محمد را پیامرز . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «مردم بسیاری را از دعایت محروم ساختی» . .

1064. الكافي (_ به نقل از فرزند ولید بن صبیح ، از پدرش _) صحیح البخاری عن أبي هريرة: قام رسولُ الله صلى الله عليه وآله في صلاةٍ وقمنا معه ، فقال أعرابيٌّ وهو في الصلاة: اللهم ارحمني ومحمداً ، ولا ترحم معنا أحداً .

فَلَمَّا سَلَّمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، قَالَ لِأَعْرَابِيِّ : لَقَدْ حَجَّرْتَ وَإِسْعَا (1) ! (2) 1065. الكافي (_ به نقل از ابن طيار _) الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام: كانت فاطمةُ عليها السلام إذا دَعَت تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، وَلَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا ، فَقِيلَ لَهَا : يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، إِنَّكِ تَدْعِينَ (3) لِلنَّاسِ وَلَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ ! فَقَالَتْ : الْجَاؤُ ثُمَّ الدَّارُ . (4) 3 / 12 الإكثارُ الكتاب «وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ» . (5)

1- .يقال : حجرتُ الأرضَ ، إذا ضربت عليها منارا تمنعها به عن غيرك . و«تجرت وإسعا» أي : ضيقت ما وسعه الله . وخصصت به نفسك دون غيرك (النهاية : ج 1 ص 241 _ 242 «حجر»).

2- .صحیح البخاری : ج 5 ص 2238 ح 5664 ، سنن أبي داود : ج 1 ص 103 ح 380 ، سنن الترمذی : ج 1 ص 276 ح 147 ، سنن النسائي : ج 3 ص 14 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 601 ح 4240 كلها نحوه وفي صدرها «دخل أعرابيٌّ في المسجد ورسول الله صلى الله عليه وآله جالس فصلّى ركعتين ثم قال : اللهم ...» ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 125 ح 7807 ، كنز العمّال : ج 2 ص 628 ح 4936 .

3- .في المصدر : «تدعون» في كلا الموضعين ، وما أثبتناه من المصادر الأخرى .

4- .علل الشرايع : ص 182 ح 2 عن أبي زيد الكحلّ عن أبيه ، روضة الواعظين : ص 361 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 388 ح 20 نقلاً عن مصباح الأنوار عن الإمام الصادق عليه السلام .

5- .الكهف : 28 .

3 / 12 بسیار خواستن

1067. امام صادق علیه السلام: صحیح البخاری_ به نقل از ابو هریره _: پیامبر خدا به نماز ایستاد و ما به او اقتدا کردیم . بادیه نشینی در نمازش گفت : بار خدایا! من و محمد را رحمت فرما و کس دیگری را با ما مورد رحمتت ، قرار مده .

چون پیامبر صلی الله علیه و آله نمازش را سلام داد ، به آن بادیه نشین فرمود : «امر گسترده ای را محدود ساختی» . (1) 1068. الکافی (_ به نقل از محمد بن علی حلبی _) امام کاظم علیه السلام_ از پدرانش علیهم السلام _: فاطمه علیها السلام هر گاه دعا می کرد ، برای مردان و زنان مؤمن ، دعا می کرد و برای خودش دعا نمی کرد . به او گفته شد : ای دختر پیامبر خدا ! برای مردم دعا می کنی و برای خودت دعا نمی کنی!

فرمود : «نخست همسایه، آن گاه ، خانه» . 3 / 12 بسیار خواستن قرآن «و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می خوانند و خشنودی او را می خواهند ، شکیبایی پیشه کن» .

1- . یعنی ، آنچه را که خداوند گسترده ساخته است (رحمتش را) ، تو محدود ساختی و آن را به خودت اختصاص دادی (النهاية : ج 1 ص 241 _ 242 «حجر») .

الحديث 1072. رسول الله صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا سأل أحدكم فليكثر؛ فإنه يسأل ربه. (1) 1073. عنه صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: لقد بارك الله لرجل في حاجة أكثر الدعاء فيها، أعطيتها أو منعها. (2) 1074. مصباح المتهجد: الإمام الكاظم عليه السلام من دعاء له: يا من لا يزيدك كثرة الدعاء إلا جوداً وكرماً. (3) راجع: ص 60 (فضل الدعاء / سلاح المؤمن).

3 / 13 الإلحاح 1074. مصباح المتهجد: رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الله يحب السائل اللحوح. (4) 1075. الكافي (به نقل از ابو على خزّاز) عنه صلى الله عليه وآله: إن الله يحب الملحين في الدعاء. (5) 1076. تهذيب الأحكام عن صفوان بن يحيى ومحمد بن سهيل عن النبي صلى الله عليه وآله في دعاء الجوشن الكبير: يا من لا يبرمه (6) الإلحاح الملحين. (7).

1- صحيح ابن حبان: ج 3 ص 172 ح 889، المعجم الأوسط: ج 2 ص 301 ح 2040 وفيه «تمنى» بدل «سأل» وكلاهما عن عائشة، كنز العمال: ج 2 ص 72 ح 3177؛ نثر الدر: ج 1 ص 206 وفيه «تمنى» بدل «سأل».

2- شذّعب الإيمان: ج 2 ص 50 ح 1135، تاريخ بغداد: ج 3 ص 299 كلاهما عن جابر بن عبد الله، كنز العمال: ج 2 ص 65 ح 3138.

3- الكافي: ج 3 ص 328 ح 25 عن زياد القندي، الغيبة للطوسي: ص 261 ح 227 عن الإمام عليّ عليه السلام وفيه «سعة وعطاء» بدل «جوداً وكرماً»، بحار الأنوار: ج 52 ص 7 ح 5.

4- عدّة الداعي: ص 143، بحار الأنوار: ج 93 ص 374 ح 16.

5- نوادر الأصول: ج 2 ص 19، مسند الشهاب: ج 2 ص 145 ح 1069، معجم السفر: ص 414 ح 1403 كلّها عن عائشة؛ الدعوات: ص 20 ح 15، جامع الأخبار: ص 363 ح 1009، بحار الأنوار: ج 93 ص 378 ح 22 وراجع قرب الإسناد: ص 6 ح 17.

6- برّم به: إذا سئمه ومثله (النهاية: ج 1 ص 121 «برم»).

7- المصباح للكفعمي: ص 348، البلد الأمين: ص 411، الكافي: ج 2 ص 594 ح 33 عن أبي بصير، قرب الإسناد: ص 6 ح 18 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيهما «يا من»، بحار الأنوار: ج 95 ص 155 ح 2.

3 / 13 پافشاری

حدیث 1077. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما می خواهد ، بسیار بخواهد ؛ چرا که از پروردگار خویش درخواست می کند. 1077. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند ، به کسی که برای حاجتی بسیار دعا کند ، برکت می دهد ، خواه حاجتش داده شود یا داده نشود. 1078. مُهَج الدعوات عن الإمام الحسين علیه السلام: امام کاظم علیه السلام_ از دعای ایشان_: ای کسی که بسیاری دعا ، جز بر جود و بخشندگی اش نمی افزاید! . ک : ص 61 (ارزش دعا / سلاح مؤمن).

3 / 13 پافشاری 1080. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند ، درخواست کننده مُصِیر را دوست دارد. 1080. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند ، سماجت کنندگان در دعا را دوست می دارد. 1081. الإمام زين العابدين علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در دعای «جوشن کبیر»_: ای کسی که پافشاری پای افشاران ، او را به ستوه نمی آورد!

1081. امام زين العابدين عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا طَلَبَ مِنَ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ حَاجَةً فَالْتَجَّ فِي الدُّعَاءِ، اسْتَجِيبَ لَهُ أَوْ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ، وَتَلَا- هَذِهِ الْآيَةَ: «وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا» (1) .

(2) 1082. الإمام الباقر عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ فَيَعْرِضُ عَنْهُ، ثُمَّ يَدْعُوهُ فَيَعْرِضُ عَنْهُ، فَيَقُولُ لِمَلَائِكَتِهِ: أَبِي عَبْدِ أَنْ يَدْعُو غَيْرِي فَقَدْ اسْتَحْيَيْتُ مِنْهُ، يَدْعُونِي وَأَعْرِضُ عَنْهُ، أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ اسْتَجَبْتُ لَهُ .

(3) 1082. امام باقر عليه السلام: الإمام علي عليه السلام: مَنْ اسْتَدَامَ قَرَعَ الْبَابَ وَلَجَّ وَلَجَّ . (4) 1083. إثبات الوصية عن سعيد بن المسيب عنه عليه السلام- فِي دُعَاءِ يَوْمِ الْأَرْبَعَاءِ_-: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَرَّضَاتُهُ فِي الطَّلَبِ إِلَيْهِ وَالتَّمَسُّ بِمَا لَدَيْهِ، وَسَخَطُهُ فِي تَرْكِ الْإِلْحَاحِ فِي الْمَسْأَلَةِ عَلَيْهِ . (5) 1083. إثبات الوصية (_ به نقل از سعيد بن مسيب _) الإمام زين العابدين عليه السلام: يَا مَنْ لَا يَحْتَقِرُ أَهْلَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ، وَيَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ الْمُلْحِقِينَ عَلَيْهِ، وَيَا مَنْ لَا يَجِبُهُ بِالرَّدِّ أَهْلَ الدَّالَّةِ (6) عَلَيْهِ . (7) 1084. الخرائج والجرائح: عنه عليه السلام- فِي الْمُنَاجَاةِ الْإِنْجِيلِيَّةِ_-: سَيِّدِي إِنَّ آمَالِي فِيكَ يَتَجَاوَزُ آمَالَ الْأَمَلِينَ، وَسُؤَالِي إِيَّاكَ لَا يُشْبِهُ سُؤَالَ السَّائِلِينَ؛ لِأَنَّ السَّائِلَ إِذَا مُنِعَ امْتَنَعَ عَنِ السُّؤَالِ، وَأَنَا فَلَا غَنَاءَ بِي عَنْكَ فِي كُلِّ حَالٍ . (8) .

- 1- .مریم : 48 .
- 2- .الكافي : ج 2 ص 475 ح 6 عن ابن القداح ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 13 ح 2013 ، عدّة الداعي : ص 188 ، عوالي اللآلي : ج 4 ص 20 ح 55 نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 370 ح 8 .
- 3- .حلية الأولياء : ج 6 ص 208 عن جابر بن عبد الله وراجع تنبيه الخواطر : ج 1 ص 7 وإرشاد القلوب : ص 184 وبحار الأنوار : ج 93 ص 375 ح 16 .
- 4- .غرر الحكم : ح 9160 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 456 ح 8248 .
- 5- .البلد الأمين : ص 127 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 193 ح 29 .
- 6- .في الدعاء : «مُدِّلاً عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ» : هُوَ مِنَ الْإِدْلَالِ عَلَى مَنْ لَكَ عِنْدَهُ مَنْزِلَةٌ وَقَرَبٌ ، وَهُوَ مِنْ: دَلَّتِ الْمَرْأَةُ وَتَدَلَّتْ (مجمع البحرين : ج 1 ص 606 «دليل»).
- 7- .الصحيفة السجادية : ص 181 الدعاء 46 ، مصباح المتهجد : ص 369 ح 500 .
- 8- .بحار الأنوار : ج 94 ص 169 ح 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .

1084. الخرائج و الجرائح: امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «خداوند، رحمت کند بنده ای را که از خداوند عز و جلال حاجتی بخواهد و در دعایش پافشاری ورزد، خواه دعایش مستجاب شود، خواه نشود» و این آیه را تلاوت کرد: «پروردگرم را می خوانم. امیدوارم که در خواندن پروردگرم محروم نباشم». 1085. الکافی عن جمیل: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آن که جانم در دست اوست، [گاه] بنده خدا را می خواند، در حالی که خداوند از او در خشم است. پس از او روی می گرداند و دوباره می خواندش و باز، خدا از او روی می گرداند؛ اما به فرشتگانش می گوید: «بنده ام از خواندن غیر من، یا ورزید و من، از او شرم کردم. مرا می خواند و من، از او روی می گردانم. گواه باشید که اجابتش کردم». 1086. الکافی عن إسماعیل بن الأرقط (_ ابنِ أمِّ سلمةَ أختِ الإمامِ الصادقِ علی) امام علی علیه السلام: هر که پیوسته دری را بکوبد و پای بفشارد، وارد می شود. 11085. الکافی (_ به نقل از جمیل _) امام علی علیه السلام_ در دعای روز چهارشنبه _ ستایش، خداوندی را که خشنودی اش در خواهش از اوست و درخواست آنچه نزد اوست. و ناخشنودی اش، در پای نفشردن بر درخواست از اوست. 1086. الکافی (_ به نقل از اسماعیل بن ارقط، پسر أم سلمه (خواه) امام زین العابدین علیه السلام: ای کسی که نیازمندانش را تحقیر نمی کند، ای کسی که اصرار کنندگان به درگاهش را نومید نمی گرداند و ای کسی که آنان را که بر او ناز [و دلیری] می کنند، رد نمی کند! 1087. المجتبی عن أحمد بن داوود النعمانی: امام زین العابدین علیه السلام_ در «مناجات انجیلیه» _ سرورم! امیدهای من به تو، فراتر از امیدهای آرزومندان است و درخواست من از تو مانند درخواست سائلین نیست زیرا درخواست کننده، هر گاه درخواستش برآورده نشود، دیگر از درخواست کردن، خودداری می کند؛ اما من در هیچ حالی از تویی نیازی نمی جویم. .

1088. كتاب من لا يحضره الفقيه عن يونس بن عمّار: الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ أَبِي يُلِحُّ فِي الدُّعَاءِ ، يَقُولُ : يَا رَبِّ يَا رَبِّ ، حَتَّى يَنْقَطِعَ النَّفْسُ ، ثُمَّ يَعُودُ ، ثُمَّ يَعُودُ . (1) 1087. المُجْتَنَى (_ به نقل از احمد بن داوود نعماني _) عنه عليه السلام : وَاللَّهِ لَا يُلِحُّ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي حَاجَتِهِ ، إِلَّا قَضَاهَا لَهُ . (2) 1088. كتاب من لا يحضره الفقيه (_ به نقل از يونس بن عمّار _) الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِهَ إِحْرَاقَ النَّاسِ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْمَسْأَلَةِ ، وَأَحَبَّ ذَلِكَ لِنَفْسِهِ ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ أَنْ يُسْأَلَ وَيُطْلَبَ مَا عِنْدَهُ . (3) 1089. الكافي عن يونس بن عمّار : عنه عليه السلام : لَوْلَا إِحْرَاقُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى اللَّهِ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ ، لَتَقَلَّهْمُ مِنَ الْحَالِ الَّتِي هُمْ فِيهَا إِلَى حَالٍ أَضْيَقَ مِنْهَا . (4) 1089. الكافي (_ به نقل از يونس بن عمّار _) قرب الإسناد عن مسعدة بن صدقة : قَالَ لَجَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَائِلٌ : عَلَّمَنِي دُعَاءً ، فَقَالَ لَهُ : أَيْنَ أَنْتَ عَنْ دُعَاءِ الْإِلْحَاحِ ... وَأَلِحَّ فِي الطَّلَبِ ؛ فَإِنَّهُ يُحِبُّ إِحْرَاقَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ . (5) 1090. الكافي عن إسحاق بن عمّار : الإمام الصادق عليه السلام : الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ بَعْدَمَا أُبْرِمَ إِبْرَامًا ، فَأَكْثَرَ مِنَ الدُّعَاءِ ؛ فَإِنَّهُ مِفْتَاحُ كُلِّ رَحْمَةٍ ، وَنَجَاحُ كُلِّ حَاجَةٍ ، وَلَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا بِالدُّعَاءِ ، وَإِنَّهُ لَيْسَ بِأَبْ يُكْتَرُ قَرَعُهُ إِلَّا يَوْشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ . (6) .

- 1- . محاسبة النفس لابن طاووس : ص 38 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 235 ح 7 .
- 2- . الكافي : ج 2 ص 475 ح 3 ، عدّة الداعي : ص 143 ، فلاح السائل : ص 109 ح 47 كلّها عن الوليد بن عقبة الهجري ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 13 ح 2012 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 375 ح 16 .
- 3- . الكافي : ج 2 ص 475 ح 4 ، عدّة الداعي : ص 143 كلاهما عن أبي الصباح ، تحف العقول : ص 293 عن الإمام الباقر عليه السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 11 ح 2003 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 370 ح 8 .
- 4- . الكافي : ج 2 ص 261 ح 5 و ص 264 ح 16 ، التمهيص : ص 49 ح 84 كلاهما نحوه وكلّهما عن المفضّل ، بحار الأنوار : ج 72 ص 9 ح 7 .
- 5- . قرب الإسناد : ص 6 ح 17 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 154 ح 2 .
- 6- . الكافي : ج 2 ص 470 ح 7 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 9 ح 1986 كلاهما عن عبد الله بن سنان ، فلاح السائل : ص 76 ح 12 عن عليّ بن عقبة ، بحار الأنوار : ج 93 ص 299 ح 33 .

1091. کتاب من لا يحضره الفقيه عن شيخ من آل سعد: امام باقر عليه السلام: پدرم در دعا کردن، پای می فشرد و چندان «پروردگارا، پروردگارا!» می گفت که نفس قطع می شد و باز از سر می گرفت و مرتّب، تکرار می کرد. 1090. الكافي (_ به نقل از اسحاق بن عمّار _) امام باقر عليه السلام: به خدا سوگند، هیچ بنده مؤمنی در حاجتش بر خداوند عز و جلاپافشاری نمی کند، مگر آن که حاجتش را برمی آورد. 1091. کتاب من لا يحضره الفقيه (_ به نقل از پیرمردی از خاندان سعد _) امام صادق عليه السلام: خداوند عز و جل پافشاریِ مردمان در خواهش از یکدیگر را ناخوش می دارد؛ اما آن را نسبت به خودش دوست می دارد. خداوند عز و جل، دوست دارد از آنچه که در نزدش هست، درخواست و مطالبه شود. 1092. تهذيب الأحكام عن علي بن مهزيار: امام صادق عليه السلام: اگر پافشاری مؤمنان به خداوند در طلبِ روزی نبود، بی گمان، آنان را از آن وضعی که دارند، به تنگ دستی بیشتری می کشاند. 1092. تهذيب الأحكام (_ به نقل از علی بن مهزيار _) قرب الإسناد _ به نقل از مسعدة بن صدقة _ : گوینده ای به امام صادق عليه السلام گفت: مرا دعایی بیاموز. امام عليه السلام به او فرمود: «چرا دعای الحاح را نمی خوانی؟ ... در خواهش، پافشاری کن؛ زیرا او اصرار بندگان مؤمنش را دوست دارد. 1093. عدّة الداعي: امام صادق عليه السلام: دعا، قضا را حتّی پس از آن که محکم [وقطعی] شده باشد، برمی گرداند. پس بسیار دعا کن، که دعا، کلید هر رحمت و برآورده شدن هر حاجتی است و به آنچه نزد خداوند عز و جل است، جز با دعا نمی توان رسید. هیچ دری نیست که بسیار کوبیده شود، مگر آن که به زودی آن در به روی کوبنده، باز شود. .

1094. رسول الله صلى الله عليه وآله: عدّة الداعي عن كعب الأحبار: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ: يَا مُوسَى، مَنْ أَحَبَّنِي لَمْ يَنْسَنِي، وَمَنْ رَجَا مَعْرُوفِي أَلَحَّ فِي مَسْأَلَتِي. (1) 1095. رسول الله صلى الله عليه وآله: عدّة الداعي عن كعب الأحبار: فِي التَّوْرَةِ: ... أَلْحُوا فِي الدُّعَاءِ؛ تَشْمَلُكُمْ الرَّحْمَةُ بِالْإِجَابَةِ، وَتَهْنِكُمْ الْعَافِيَةُ. (2) 14/3 التَّثْلِيثُ 1095. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: صحيح مسلم عن ابن مسعود: كَانَ [النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] إِذَا دَعَا دَعَا ثَلَاثًا، وَإِذَا سَأَلَ سَأَلَ ثَلَاثًا. (3) 1096. الإمام الصادق عليه السلام: سَنَّ أَبِي دَاوُودَ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يُعْجِبُهُ أَنْ يَدْعُوَ ثَلَاثًا، وَيَسْتَغْفِرَ ثَلَاثًا. (4) 1097. الإمام الكاظم عليه السلام: رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، قَالَتْ الْجَنَّةُ: اللَّهُمَّ ادْخِلْهُ الْجَنَّةَ، وَمَنْ اسْتَجَارَ مِنَ النَّارِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، قَالَتْ النَّارُ: اللَّهُمَّ اجْرِهِ مِنَ النَّارِ. (5).

- 1- عدّة الداعي: ص 143 و ص 189، أعلام الدين: ص 328، بحار الأنوار: ج 93 ص 340 ح 11.
- 2- عدّة الداعي: ص 189، أعلام الدين: ص 328، إرشاد القلوب: ص 61 نحوه، بحار الأنوار: ج 93 ص 375 ح 16.
- 3- صحيح مسلم: ج 3 ص 1418 ح 107؛ المواعظ العددية: ص 394، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 62 ح 55 وليس فيه ذيله، بحار الأنوار: ج 16 ص 237 ح 35.
- 4- سنن أبي داوود: ج 2 ص 86 ح 1524، عمل اليوم والليلة للنسائي: ص 331 ح 457، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 48 ح 3744 و ص 53 ح 3769، صحيح ابن حبان: ج 3 ص 203 ح 923، الدعاء للطبراني: ص 36 ح 51، كنز العمال: ج 7 ص 80 ح 18050.
- 5- سنن الترمذي: ج 4 ص 700 ح 2572، سنن النسائي: ج 8 ص 279، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1453 ح 4340، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 312 ح 12586 و ص 521 ح 13757 كلاهما نحوه، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 717 ح 1960 نحوه وفيه «تعوذ» و «أعذه» بدل «استجار» و «أجره»، تاريخ بغداد: ج 11 ص 378 ح 6241 كلّها عن أنس، كنز العمال: ج 2 ص 78 ح 3219.

1098. محاسبة النفس عن طلحة: عدّة الداعي_ به نقل از كعب الأحبار_: در تورات نوشته است: «ای موسی! کسی که مرا دوست دارد، فراموشم نمی کند و کسی که به نیکی من امیدوار است، در خواهش از من، پافشاری می کند». 1096. امام صادق علیه السلام: عدّة الداعي_ به نقل از كعب الأحبار_ در تورات آمده است: «... در دعا، پافشاری کنید تا با اجابت [آن]، رحمت شما را فراگیرد و عافیت، گوارایتان شود». 3 / 14 سه بار گفتن 1099. الأمالی للصدوق عن لیث بن أبی سلیم: صحیح مسلم_ به نقل از ابن مسعود_: [پیامبر صلی الله علیه و آله] هر گاه دعا می کرد، سه بار دعا می کرد و هر گاه درخواست می کرد، سه بار درخواستش را تکرار می نمود. 1099. الأمالی، صدوق (_ به نقل از لیث بن ابی سلیم _) سنن أبی داوود_ به نقل از ابن مسعود_: پیامبر خدا، خوش داشت که سه بار دعایش را تکرار کند و سه بار، آمرزش بطلبد. 1100. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس، سه بار از خداوند بهشت را درخواست کند، بهشت می گوید: «بار خدایا! او را وارد بهشت گردان» و هر کس سه بار از دوزخ به خدا پناه ببرد، دوزخ می گوید: «بار خدایا! او را از دوزخ، پناه ده».

3 / 15 السُّجُودُ 1101. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا سَجَدْتُمْ فَاجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ، فَإِنَّهُ قَمِينٌ (1) أَنْ يُسْتَجَابَ لَكُمْ. (2) 1102. عنه صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: اقْرَبْ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ؛ فَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ. (3) 1103. الإمام عليّ عليه السلام: الأصول الستة عشر عن سعيد بن يسار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَدْعُو وَأَنَا رَاكِعٌ أَوْ سَاجِدٌ؟

فَقَالَ: نَعَمْ، أَدْعُ وَأَنْتَ سَاجِدٌ؛ فَإِنَّ اقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ، أَدْعُ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ لِذُنْيَاكَ وَأَخْرَجَكَ. (4) 1104. الإمام زين العابدين عليه السلام (_ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبِيهِ عَلَيْهِمُ) الكافي عن عبد الله بن هلال: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَفَرُّقَ أَمْوَالِنَا، وَمَا دَخَلَ عَلَيْنَا، فَقَالَ: عَلَيْكَ بِالدُّعَاءِ وَأَنْتَ سَاجِدٌ؛ فَإِنَّ اقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ. (5).

1- فَمَنْ وَقَمِينٌ وَقَمِينٌ: أى خَلِيقٌ وَجَدِيرٌ (النهاية: ج 4 ص 111 «قمن»).

2- سنن النسائي: ج 2 ص 218، صحيح مسلم: ج 1 ص 348 ح 207، سنن أبي داود: ج 1 ص 232 ح 176، سنن الدارمي: ج 1 ص 324 ح 1300 كلها عن ابن عباس وفيها «أما السجود» بدل «إذا سجدتم»، الدعاء للطبراني: ص 196 ح 610 عن النعمان بن سعد عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، كنز العمال: ج 15 ص 377 ح 41460؛ معاني الأخبار: ص 279.

3- صحيح مسلم: ج 1 ص 350 ح 215، سنن أبي داود: ج 1 ص 231 ح 875، سنن النسائي: ج 2 ص 226، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 403 ح 9452، السنن الكبرى: ج 2 ص 159 ح 2686، الدعاء للطبراني: ص 196 ح 612 كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 2 ص 100 ح 3328؛ بحار الأنوار: ج 86 ص 216 ح 31 نقلاً عن جامع البزنطي عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «فادع الله واسأله الرزق».

4- الأصول الستة عشر: ص 41، بحار الأنوار: ج 85 ص 131 ح 6.

5- الكافي: ج 3 ص 324 ح 11 وراجع مستطرفات السرائر: ص 98 ح 20.

3 / 15 سجده کردن

3 / 15 سجده کردن 1104. امام زین العابدین علیه السلام (_ از دعای ایشان برای پدر و مادرش _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه به سجده رفتید ، در دعا پافشاری ورزید ؛ زیرا سزاوار است که [در این حال] دعائتان مستجاب شود. 1105. الأُمالی للصدوق عن أبي بصير : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نزدیک ترین حالت بنده به پروردگارش زمانی است که در سجده است . پس [در این حالت ،] بسیار دعا کنید. 1106. مهج الدعوات (_ فيما ذَكَرَهُ مِنْ دُعَاءِ يَوْسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي) الأُصول السُّنَّةِ عَشْرَ _ به نقل از سعید بن یسار _ : به امام صادق علیه السلام گفتم : در حال رکوع ، دعا کنم یا در حال سجده؟

فرمود : «البته در حال سجده ، دعا کن ؛ زیرا نزدیک ترین زمان بنده به خداوند ، زمانی است که او در سجده است . [در آن حالت] برای دنیا و آخرت دعا کن». 1105. الأُمالی ، صدوق (_ به نقل از ابو بصیر _) الكافی _ به نقل از عبد الله بن هلال _ : به امام صادق علیه السلام از پراکنده شدن اموالمان و بلایی که بر سرمان آمده بود ، شکوه کردم . فرمود : «زمانی که در سجده هستی ، دعا کن ؛ زیرا نزدیک ترین زمان بنده به خداوند ، وقتی است که در سجده است».

1106. مهج الدعوات (- در بیان دعای یوسف علیه السلام در وقتی از اوقات) الکافی عن عبد الرحمن بن سیابة: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَدْعُو أَنَا سَاجِدًا؟ فَقَالَ: نَعَمْ؛ فَادْعُ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ فَإِنَّهُ رَبُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (1) 1107. رسول الله صلى الله عليه وآله: الکافی عن جميل بن درّاج عن الإمام الصادق عليه السلام: اقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ، إِذَا دَعَا رَبَّهُ وَهُوَ سَاجِدٌ، فَأَيُّ شَيْءٍ تَقُولُ إِذَا سَجَدْتَ؟ قُلْتُ: عَلَّمَنِي جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا أَقُولُ.

قَالَ: قُلْ: يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ، وَيَا مَلِكَ الْمُلُوكِ، وَيَا سَيِّدَ السَّادَاتِ، وَيَا جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ، وَيَا إِلَهَ الْإِلَهَةِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا. ثُمَّ قُلْ: فَإِنِّي عَبْدُكَ، نَاصِيَتِي فِي قَبْضَتِكَ. ثُمَّ ادْعُ بِمَا شِئْتَ، وَاسْأَلْهُ فَإِنَّهُ جَوَادٌ وَلَا يَتَعَاظَمُهُ شَيْءٌ. (2) 1107. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا نَزَلَتْ بِرَجُلٍ نَازِلَةٌ أَوْ شَدِيدَةٌ، أَوْ كَرِيهَةٌ أَمْرٌ، فَلْيَكْشِفْ عَنْ رُكْبَتَيْهِ وَذِرَاعَيْهِ وَلْيَلْصِقْهُمَا بِالْأَرْضِ، وَلْيَلْزِقْ جُوجُوهَهُ (3) بِالْأَرْضِ. ثُمَّ لِيَدْعُ بِحَاجَتِهِ وَهُوَ سَاجِدٌ. (4) 1108. عنه صلى الله عليه وآله: عنه عليه السلام: إِذَا أَصَابَكَ أَمْرٌ فَبَلِّغْ مِنْكَ مَجْهُودَكَ، فَاسْجُدْ عَلَى الْأَرْضِ، وَقُلْ: يَا مُدَبِّلَ كُلِّ جَبَّارٍ، يَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ، قَدْ وَحَقَّكَ بَلَّغَ بِي مَجْهُودِي، فَصَلِّ (5) عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ عَنِّي. (6).

- 1- الکافی: ج 3 ص 323 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 299 ح 1207.
- 2- الکافی: ج 3 ص 323 ح 7، بحار الأنوار: ج 86 ص 233 ح 58.
- 3- جُوجُو الطائر والسفينة: صدرهما، والجمع الجاجي (الصحاح: ج 1 ص 39 «جأجا»).
- 4- الکافی: ج 2 ص 556 ح 3، عدّة الداعی: ص 260 كلاهما عن هشام بن سالم، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 146 ح 2360 نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 218 ح 35.
- 5- فی المصدر: «وصلّ»، والصواب ما أثبتناه كما فی بحار الأنوار.
- 6- الدعوات: ص 51 ح 128، بحار الأنوار: ج 86 ص 218 ح 34.

1109. عنه صلى الله عليه وآله: الكافي_ به نقل از عبد الرحمان بن سَيَّابَه_: به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا در سجده دعا کنم؟

فرمود: «البته، برای دنیا و آخرت، دعا کن؛ زیرا او پروردگار دنیا و آخرت است». 1110. الإمام عليّ عليه السلام: الكافي_ به نقل از جمیل بن دَرَّاج_: امام صادق عليه السلام فرمود: «بنده، آن گاه به پروردگارش نزدیک تر است که در سجده است و دعا می کند. پس، وقتی به سجده می روی، چه می گویی؟».

گفتم: قربانت شوم! به من بیاموز که چه بگویم.

فرمود: «بگو: ای پروردگار پروردگاران، ای شاه شاهان، ای مهتر مهتران، ای سلطان سلاطین، و ای إله إلهان (/ ای معبود معبودان)! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و با من، چنین و چنان کن.

سپس بگو: زیرا من، بنده تو هستم. عنان اختیارم در مُشت توست.

آن گاه، هر دعایی که خواستی، بکن و از او درخواست نما؛ زیرا او بسی بخشنده است و هیچ چیز برایش سنگین نیست». 1111. الإمام زين العابدين عليه السلام (_ وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْلِيَهُ عَلَيْهِم) امام صادق عليه السلام: هر گاه گرفتاری یا بلایی به کسی رسید یا امری اندوهگینش ساخت، زانوان و آرنج هایش را بالا بزند و آنها را به زمین بچسباند و سینه اش را بر خاک بگذارد و آن گاه، همچنان که به سجده افتاده است، حاجتش را بخواهد. 1108. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امام صادق عليه السلام: هر گاه گرفتاری ای برایت پیش آمد که تو را به ستوه آورد، پیشانی بر خاک بگذار و بگو: «ای خوار کننده هر گردن فرازی، ای عزّت دهنده هر خواری! به حق [و حقانیت] تو سوگند که طاقتم طاق گشته است، بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و گره از کارم بگشای. .

1109. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عنه علیه السلام: إذا قال العبد وهو ساجدٌ: يا الله، يا رباه، يا سيّده - ثلاث مرّاتٍ - أجابه تبارك وتعالى: لبيك عبدي، سل حاجتك. (1) 1110. امام علي عليه السلام: عنه عليه السلام: إنّ العبد إذا سجّد فقال: يا ربّ يا ربّ، حتّى ينقطع نفسه، قال له الرّبُّ تبارك وتعالى: لبيك، ما حاجتك؟ (2) 1111. امام زين العابدين عليه السلام (- از دعای ایشان برای فرزندان او علیه السلام) الكافي عن جعفر بن عليّ: رأيتُ أبا الحسن عليه السلام وقد سجّد بعد الصلّة، فبسط ذراعيه على الأرض، وأصق جوجوه بالأرض، في دعائه. (3) 3/ 16 حُسْنُ الظَّنِّ بِالْإِجَابَةِ 1112. امام صادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله يقولُ الله عز وجل: عبدي عند ظنّ بي، وأنا معه إذا دعاني. (4) 1113. امام باقر عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: أدعوا الله وأنتم موقنون بالإجابة، وأعلموا أنّ الله لا يستجيب دعاء من قلب غافلٍ لاهٍ. (5).

- 1- الأمالى للصدوق: ص 496 ح 677 عن أبي بصير، روضة الواعظين: ص 359، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 40 ح 2089، عدّة الداعي: ص 52 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 227 ح 47.
- 2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 333 ح 976، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 38 ح 2085، بحار الأنوار: ج 86 ص 239 ح 62.
- 3- الكافي: ج 3 ص 324 ح 14، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 85 ح 311 وفيه «في ثيابه» بدل «في دعائه».
- 4- مسند ابن حنبل: ج 3 ص 525 ح 10228 وص 646 ح 10961، حلية الأولياء: ج 4 ص 98 كلّها عن أبي هريرة، الدعاء للطبراني: ص 27 ح 17، مسند أبي يعلى: ج 3 ص 314 ح 3220 كلاهما عن أنس.
- 5- سنن الترمذی: ج 5 ص 517 ح 3479، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 671 ح 1817 كلاهما عن أبي هريرة، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 592 ح 6667 عن عبد الله بن عمر، الزهد لابن المبارك (الملحقات): ص 21 ح 85 عن صفوان بن سليم وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 72 ح 3176؛ فلاح السائل: ص 99 ح 36، الدعوات: ص 30 ح 61 وليس فيه «غافل»، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 237 نحوه، عدّة الداعي: ص 132 وفيه صدره إلى «بالإجابة»، بحار الأنوار: ج 93 ص 321 ح 31.

3 / 16 خوشبین بودن به اجابت

1114. الإمام الصادق عليه السلام: امام صادق عليه السلام: هر گاه بنده در حال سجده ، سه بار بگوید : «خدایا ، پروردگارا ، سرورا!» ، خدای _ تبارک و تعالی _ پاسخش می دهد : «بله ، ای بنده من ! حاجتت را بخواه». 1115. الإمام الحسن عليه السلام : امام صادق عليه السلام : بنده ، هر گاه به سجده رود و بگوید : «پروردگارا ، پروردگارا!» ، آن قدر که نفسش قطع شود ، خداوند _ تبارک و تعالی _ به او می فرماید : «بله ، حاجتت چیست؟». 1114. امام صادق عليه السلام : الكافي _ به نقل از جعفر بن علی _ : ابوالحسن عليه السلام (1) را دیدم که بعد از نماز ، به سجده رفت و دو ساعدش را بر زمین نهاد و سینه اش را به زمین چسبانید و دعا کرد. 3 / 16 خوشبین بودن به اجابت 1117. عنه صلى الله عليه و آله : پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : خداوند عز و جل می فرماید : «بنده ام در نزد من ، آن گونه است که به من گمان می برد ، و من با او هستم ، هرگاه مرا بخواند». 1118. عنه صلى الله عليه و آله : پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : خدا را با یقین داشتن به اجابت ، دعا کنید و بدانید که خداوند ، دعایی را که از دلی غافل و بی توجه برآید ، مستجاب نمی کند.

1- منظور از ابو الحسن ، امام کاظم یا امام رضا علیهما السلام است .

1119. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ، وَظَنَّ حَاجَتَكَ بِالْبَابِ . (1) 1120. الإمام الباقر عليه السلام: عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهِرِ قَلْبٍ سَاهٍ ؛ فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ، ثُمَّ اسْتَيْقِنِ بِالْإِجَابَةِ . (2) 1121. تفسير القمى عن حماد: الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْجُبُنِي عَنْ مَسْأَلَتِكَ خِلَالَ ثَلَاثٍ ، وَتَحْدُونِي عَلَيْهَا خَلَّةٌ وَاحِدَةٌ ، يَحْجُبُنِي أَمْرٌ أَمَرْتُ بِهِ فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ ، وَنَهَى نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ ، وَنِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَتَقَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا . وَيَحْدُونِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ تَفْضُلُكَ عَلَى مَنْ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ ، وَوَفَدَ بِحُسْنِ ظَنِّهِ إِلَيْكَ ، إِذْ جَمِيعُ إِحْسَانِكَ تَفْضُلٌ ، وَإِذْ كُلُّ نِعْمِكَ ابْتِدَاءٌ . (3) .

-
- 1- الكافي: ج 2 ص 473 ح 3 ، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 12 ح 2011 ، عدّة الداعي: ص 132 ، الدعوات: ص 18 ح 3 وليس فيه «فأقبل بقلبك» ، بحار الأنوار: ج 93 ص 305 ح 1 .
- 2- الكافي: ج 2 ص 473 ح 1 ، عدّة الداعي: ص 126 كلاهما عن سليمان بن عمرو ، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 11 ح 2002 ، بحار الأنوار: ج 93 ص 305 ح 1 .
- 3- الصحيفة السجّادية: ص 53 الدعاء 12 .

1116. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : هر گاه دعا کردی ، با دلت رو کن و حاجتت را بر درِ خانه (حاضر و آماده) بپندار. 1117. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جل دعایی را که از دل غافل باشد ، اجابت نمی کند . پس هر گاه دعا کردی با توجه قلب باشد ، یقین داشته باش که اجابت می شود. 1118. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام زین العابدین علیه السلام : بار خدایا! سه چیز ، مرا باز می دارد تا از تو درخواست کنم و تنها یک چیز مرا بر آن می دارد . آنچه مرا باز می دارد ، یکی آن است که تو مرا فرمان دادی و من ، در انجام دادن آن ، کُندی کردم ؛ دیگر آن که مرا از کاری نهی فرمودی ، امّا من به انجام دادن آن شتافتم ؛ سوم آن که مرا نعمت ارزانی داشتی ، ولی من در گزاردن شکر آن ، کوتاهی ورزیدم .

امّا آنچه مرا به درخواست کردن از تو می کشاند ، تفضّل تو بر کسی است که به درگاهت روی کند و با خوش گمانی به سوی تو آید ؛ که هر احسانی که تو می کنی ، تفضّل است و هر نعمتی که می دهی ، آغازگرش تو هستی . .

الباب الرابع: ما يختتم به الدعاء 4 / 1 آمين 1122. الإمام الصادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا دعا أحدكم فليؤمن على دعائه (1) 1123. الإمام الباقر عليه السلام (_ في قوله تبارك وتعالى : { Q } «وَيَسْتَجِى») عنه صلى الله عليه وآله: «آمين» خاتم رب العالمين على عباده المؤمنين . (2) 1124. رسول الله صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: إذا دعا أحدكم فليختم بآمين؛ فإن آمين في الدعاء، مثل الطابع على الصحيفة . (3) 1122. امام صادق عليه السلام: تفسير القرطبي عن ابن عباس: سألت رسول الله صلى الله عليه وآله ما معنى آمين؟ قال: ربّ افعل . (4) 1123. امام باقر عليه السلام (_ دربارہ این سخن خداوند _) سنن أبي داود عن أبي مصبح المقراني: كُنَّا نَجْلِسُ إِلَى أَبِي زُهَيْرِ النَّمَيْرِيِّ _ وَكَانَ مِنَ الصَّحَابَةِ _ فَيَتَحَدَّثُ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ، فَإِذَا دَعَا الرَّجُلُ مِنَّا بِدُعَاءٍ قَالَ: إِخْتِمُهُ بِآمِينَ؛ فَإِنَّ آمِينَ مِثْلُ الطَّابِعِ عَلَى الصَّحِيفَةِ .

قال أبو زهير: أخبركم عن ذلك؟ خرّجنا مع رسول الله صلى الله عليه وآله ذات ليلة فأتينا على رجل قد ألحّ في المسألة، فوقف النبي صلى الله عليه وآله وأله يستمع منه، فقال النبي صلى الله عليه وآله: «أوجب إن ختم». فقال رجل من القوم: بأي شيء يختم؟ قال: «بآمين، فإنه إن ختم بآمين فقد أوجب» .

فانصرف الرجل الذي سأل النبي صلى الله عليه وآله، فأتى الرجل فقال: إختم يا فلان بآمين، وأبشّر . (5) .

- 1- الفردوس: ج 1 ص 316 ح 1250 عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 2 ص 72 ح 3180 .
- 2- الدعاء للطبراني: ص 89 ح 219، تفسير ابن كثير: ج 1 ص 49 كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 1 ص 559 ح 2512 وفيه «على لسان عباده المؤمنين» .
- 3- أسد الغابة: ج 6 ص 120 ح 5919 عن أبي زهير الأنماري .
- 4- تفسير القرطبي: ج 1 ص 128، الدرّ المنثور: ج 1 ص 45؛ معاني الأخبار: ص 349 ح 1 عن الحسين بن قارن رفعه إلى الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 93 ص 393 ح 2 .
- 5- سنن أبي داود: ج 1 ص 247 ح 938، الدعاء للطبراني: ص 89 ح 218، الإصابة: ج 7 ص 131 ح 9947، كنز العمال: ج 2 ص 80 ح 3233؛ بحار الأنوار: ج 93 ص 394 ح 5 نقلاً من خطّ الشهيد عن أبي زهير .

باب چهارم : پایان بخش دعا**4 / 1 آمین گفتن**

باب چهارم : پایان بخش دعا 4 / 1 آمین گفتن 1127. رسول الله صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه یکی از شما دعا کرد ، آن را به « آمین » ختم کند. 1128. الإمام زین العابدین علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : « آمین » ، مَهر پروردگارِ جهانیان بر بندگان مؤمنش است. 1125. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه یکی از شما دعا کرد ، در پایان « آمین » بگوید ؛ زیرا آمین در دعا ، مانند مَهر بر نامه است. 1126. صحیح مسلم (_ به نقل از صفوان بن عبد الله بن صفوان (شوهر دَر) تفسیر القُرطبی _ به نقل از ابن عبّاس _ : از پیامبر خدا پرسیدم : معنای آمین چیست؟

فرمود : « [یعنی] پروردگارا ! انجام بده ». 1127. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سنن ابی داوود _ به نقل از ابو مصیح مقرابی : ما نزد ابو زهیر نُمیری _ که از صحابیان بود _ می نشستیم و بهترین حدیث ها (/ سخنان) را نقل می کرد و هر گاه یکی از ما دعا می کرد ، او می گفت : در پایانش « آمین » بگو ؛ زیرا آمین ، به منزله مَهر در نامه است.

ابو زهیر گفت : آیا در این باره ، برایتان خبری بگویم ؟ شبی با پیامبر خدا بیرون شدیم و بر مردی گذشتیم که با اصرار [به درگاه خدا [مسئلت می کرد . پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد و گوش کرد . سپس فرمود : « اگر ختم کند ، [اجابت آن را] واجب گردانیده است » .

مردی از میان ما پرسید : به چه ختم کند؟

فرمود : « به آمین . اگر به آمین ختم کند ، آن را واجب گردانیده است » .

آن مرد که از پیامبر صلی الله علیه و آله آن سؤال را کرد ، نزد آن دعاکننده رفت و گفت : ای فلان ! به آمین ، ختم کن و خوش باش [که دعایت اجابت می شود] .

1128. امام زين العابدين عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: الداعي والمؤمن في الأجر شريكان. (1) 1129. الإمام الصادق عليه السلام: الدرّ المنشور عن عطاء: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَاتُ: «رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا» (2) فَكُلَّمَا قَالَهَا جِبْرِيلُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. (3) 1130. الإمام الباقر عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: يَا سَلْمَانَ، إِنَّ الْمُبْتَلَى مُسْتَجَابُ الدَّعْوَةِ؛ فَادْعُ وَتَخَيَّرْ مِنَ الدُّعَاءِ، وَادْعُ أَنْتَ وَأُوْمِّنْ أَنَا. (4) 1131. أبو الحسن عليه السلام (_ إِنَّهُ كَانَ يَقُولُ _) عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: دَعَا مُوسَى وَأَمَّنَ هَارُونَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ وَأَمَّتِ الْمَلَائِكَةُ، فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا» (5). (6).

-
- 1- .الجعفریات: ص 31 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الكافي: ج 2 ص 487 ح 4 عن السكوني، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 18 ح 2034 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 93 ص 316 ح 21؛ الفردوس: ج 2 ص 225 ح 3093 عن ابن عباس، كنز العمال: ج 2 ص 75 ح 3197.
 - 2- .البقرة: 286.
 - 3- .الدرّ المنشور: ج 2 ص 286 نقلاً عن عبد بن حميد.
 - 4- .الفردوس: ج 5 ص 387 ح 8510 عن سلمان، كنز العمال: ج 2 ص 107 ح 3368.
 - 5- .يونس: 89.
 - 6- .الكافي: ج 2 ص 510 ح 8 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، الجعفریات: ص 76، النوادر للراوندي: ص 137 ح 181 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 100 ص 15 ح 35.

1132. رسول الله صلى الله عليه وآله: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: دعا کننده و آمین گوینده، در مُزد، شریک هم اند. 1129. امام صادق علیه السلام: الدُّرُّ المنثورُ به نقل از عطا: هنگامی که این آیات نازل شد: «پروردگارا! اگر ما فراموش کردیم و یا خطا نمودیم، ما را مؤاخذه نکن»، جبرئیل علیه السلام آنها را به پیامبر صلى الله عليه وآله گفت پیامبر صلى الله عليه وآله گفت: «آمین، ای پروردگار جهانیا!» 1130. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به سلمان: ای سلمان! بلازده (گرفتار)، دعایش مستجاب است. پس، دعا کن و از دعا، خویش را برگزین. تو دعا کن و من، آمین می گویم. 1131. ابوالحسن {-1-} علیه السلام: پیامبر صلى الله عليه وآله: موسی علیه السلام دعا کرد و هارون و فرشتگان، آمین گفتند. پس خداوند - تبارک و تعالی - فرمود: «دعای شما دو تن اجابت شد. پس استقامت کنید» . .

1132. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : صحیح ابن خزیمه عن أنس : كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جُلُوسًا ، فَقَالَ : إِنَّ اللَّهَ أَعْطَانِي خِصَالًا ثَلَاثَةً . فَقَالَ رَجُلٌ مِّنْ جُلَسَائِهِ : وَمَا هَذِهِ الْخِصَالُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟

قال : أعطاني صلاة في الصُّفوفِ ، وأعطاني التَّحِيَّةَ ؛ إِنَّهَا لَتَحِيَّةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، وأعطاني التَّأْمِينَ ، وَلَمْ يُعْطِهِ أَحَدًا مِنَ النَّبِيِّينَ قَبْلُ ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ اللَّهُ أَعْطَى هَارُونَ ؛ يَدْعُو مُوسَى وَيُؤَمِّنُ هَارُونَ . (1) 1133. الإمام الصادق عليه السلام : مسائل علي بن جعفر : سَأَلْتُهُ [أَيِ الْإِمَامِ الْكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَام] عَنِ الرَّجُلِ يَدْعُو وَحَوْلَهُ إِخْوَانُهُ ، أَيَجِبُ عَلَيْهِمْ أَنْ يُؤْمِنُوا ؟ قَالَ : إِنْ شَاؤُوا فَعَلُوا ، وَإِنْ شَاؤُوا سَكَتُوا ، فَإِنْ دَعَا بِحَقِّ وَقَالَ لَهُمْ : آمَنُوا ، وَجَبَ عَلَيْهِمْ أَنْ يَفْعَلُوا . (2) .

1- . صحیح ابن خزیمه : ج 3 ص 39 ح 1586 ، كنز العمال : ج 7 ص 625 ح 20585 نقلاً عن الحارث وابن مردويه و ج 11 ص 414 ح 31945 نقلاً عن شُعْبِ الْإِيمَانِ وَكِلَاهِمَا نَحْوَهُ .

2- . مسائل علي بن جعفر : ص 155 ح 218 ، قرب الإسناد : ص 298 ح 1173 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 393 ح 1 .

1134. عنه عليه السلام: صحیح ابن خزیمه_ به نقل از انس_: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که فرمود: «خداوند، سه چیز به من عطا فرمود».

مردی از مجلسیانش گفت: آن سه چیز چیست، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «نماز گزاردن در صفوف [جماعت] را به من عطا کرد؛ سلام کردن را به من عطا کرد که تحیتِ بهشتیان است؛ و آمین گفتن را به من عطا فرمود و این را به هیچ یک از پیامبران پیشین نداد، بجز هارون علیه السلام که خداوند، آن را به او نیز عطا فرمود. موسی علیه السلام دعا می کرد و هارون علیه السلام آمین می گفت».

1135. رسول الله صلی الله علیه و آله: مسائل علی بن جعفر: از ایشان (امام کاظم علیه السلام) پرسیدم: مردی دعا می کند و برادرانش پیرامون او هستند. آیا بر آنان واجب است که «آمین» بگویند؟

فرمود: «اگر خواستند، بگویند و اگر خواستند، سکوت کنند. اما اگر دعای حقی کرد و به آنان گفت: آمین بگویید، بر ایشان واجب است که آمین بگویند».

توضیحی درباره گفتن «آمین» در پایان دعا

توضیحی درباره گفتن «آمین» در پایان دعا کلمه «آمین»، چنان که در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است، به معنای «پروردگارا! برآورده ساز» است و از این رو، گفتن این کلمه در پایان دعای خود و دیگران، در روایات اسلامی توصیه شده است. گفتنی است که در سیره پیشوایان دینی، مکرر گزارش شده است که آن بزرگواران، پس از دعای خود و یا دیگران، آمین گفته اند و گاه، سه بار این کلمه را تکرار کرده اند. از پیامبر خدا، در دعای تعقیب نماز ظهر، نقل شده است که فرمود: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَوْجِبَاتِ رَحْمَتِكَ** . . . **اللَّهُمَّ لَا تَدْعَ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ . . . وَلَا حَاجَةَ هِيَ لَكَ رِضًا وَلِي فِيهَا صَدَاحٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا**، یا **أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ**، آمین رَبَّ الْعَالَمِينَ. (1)

خداوندا! از تو، وسایل جلب رحمت را درخواست می کنم . . . خداوندا! هیچ گناهی را برایم مگذار، جز این که آن را بخشیده باشی و هیچ نیازی که خشنودی تو و صلاح من در آن است، به درگاه خویش مگذار، مگر این که آن را برآورده کرده باشی، ای مهربانترین مهربانان! برآورده کن، ای

1- .فلاح السائل : ص 310 ح 210 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 63 ح 2 .

پروردگار جهانیان! همچنین در صحیفه سجادیه در دعای امام زین العابدین علیه السلام برای همسایگان و دوستان آمده است: . . .
 وَزِدْهُمْ بَصِيرَةً فِي حَقِّي وَ مَعْرِفَةً بِفَضْلِي ، حَتَّى يَسْعَدُوا بِي وَأَسْعَدَ بِهِمْ ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ . (1) بر بینش آنان در حق من و بر آگاهی آنان
 از فضیلتم بیفزای، تا به وسیله من خوش بخت شوند و من با آنان خوش بخت گردم . بر آورده کن ، ای پروردگار جهانیان! و نیز از امام صادق
 علیه السلام در دعای وداع ماه رمضان آمده است: . . . وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ كَتَبَتْهُ فِي هَذَا الشَّهْرِ مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ ، الْمَبْرُورِ حُجَّتِهِمْ ،
 الْمَغْفُورِ لَهُمْ ذُنُوبُهُمْ ، الْمُتَقَبَّلِ عَمَلُهُمْ ، آمِينَ آمِينَ آمِينَ ، رَبَّ الْعَالَمِينَ . (2) و مرا از آنانی قرار بده که نامشان را در این ماه ، در شمار
 حاجیان بیت الله الحرام نوشته ای ؛ آنان که حجشان پذیرفته و گناهشان آمرزیده و عملشان مقبول است . آمین ، آمین ، آمین ، ای پروردگار
 جهانیان . البته باید توجه داشت که حکم حال نماز با سایر حالات ، متفاوت است ، چنان که از نظر فقه امامیه ، گفتن «آمین» بعد از فاتحه
 الكتاب ، در نماز ، جایز نیست .

1- .الصحيفة السجادية : الدعاء 26 .

2- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 124 ح 268 ، الإقبال : ج 1 ص 432 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 180 ح 2 .

4 / 2 ما شاء الله لا حول ولا قوة إلا بالله 1134. امام صادق عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: إذا دعَا الرَّجُلُ ، فَقَالَ بَعْدَمَا دَعَا : ما شاء الله ، لا حول ولا قوة إلا بالله ، قَالَ اللهُ عز و جل : اسْتَبْسَلَ (1) عَبْدِي وَاسْتَسَلَمَ لِأَمْرِي ، اقضوا حاجتَهُ . (2) 1135. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه عليه السلام : ما من رَجُلٍ دَعَا فَحَتَمَ بِقَوْلِ : ما شاء الله ، لا حول ولا قوة إلا بالله ، إلا أُجِيبَتْ حاجتُهُ . (3) 1136. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه عليه السلام : إذا قال العبدُ : لا حول ولا قوة إلا بالله ، قال الله عز وجل للملائكة : استسلم عبدی ، اقضوا حاجتَهُ . (4) 3 / 4 مَسْحُ الْوَجْهِ بِالْيَدَيْنِ 1139. عنه صلی الله علیه و آله : رسول الله صلی الله علیه و آله : إذا سَأَلْتُمُ اللهَ ، فَاسْأَلُوهُ بِبُطُونِ أَكْفُكُمْ ، ثُمَّ لَا تَرُدُّوْهَا حَتَّى تَمَسَّحُوا بِهَا وَجُوهَكُمْ ؛ فَإِنَّ اللهَ جَاعِلٌ فِيهَا بَرَكََةً . (5) 1140. الإمام الصادق عليه السلام : عنه صلی الله علیه و آله : سَلُوا اللهَ بِبُطُونِ أَكْفُكُمْ وَلَا تَسْأَلُوهُ بِظُهُورِهَا ، فَإِذَا فَرَّغْتُمْ فَامَسَّحُوا بِهَا وَجُوهَكُمْ . (6) .

- 1- في القاموس : استبسَل : طرح نفسه للحرب يريد أن يقتل أو يقتل . وبالجملة هو كناية عن غاية التسليم والانتقياد وإظهار العجز في كل ما أراد بدون تقدير رب العباد (مرآة العقول : ج 12 ص 214) .
- 2- الكافي : ج 2 ص 521 ح 1 عن هشام بن سالم ، عدّة الداعي : ص 197 وفيه «استبتل» بدل «استبسَل» .
- 3- ثواب الأعمال : ص 24 ح 1 ، الأمالى للصدوق : ص 266 ح 287 وفيه «أجيب صاحبه» بدل «أجيب حاجته» وكلاهما عن عمران الزعفراني ، روضة الواعظين : ص 357 وليس فيهما «لا حول» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 308 ح 6 .
- 4- المحاسن : ج 1 ص 113 ح 109 عن هشام بن سالم ، بحار الأنوار : ج 93 ص 189 ح 23 .
- 5- كنز العمال : ج 2 ص 84 ح 3254 نقلاً عن ابن نصر عن الوليد بن عبد الله ، وراجع الدعاء للطبراني : ص 87 ح 212 .
- 6- سنن أبي داوود : ج 2 ص 78 ح 1485 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 301 ح 3151 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1272 ح 3866 نحوه ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 720 ح 1968 ، المعجم الكبير : ج 10 ص 320 ح 10779 كلّها عن ابن عباس ، كنز العمال : ج 2 ص 80 ح 3230؛ عوالی اللآلی : ج 1 ص 181 ح 241 .

4 / 2 گفتن «ما شاء الله ، لا حول و لا قوة إلا بالله»

4 / 3 کشیدن دست ها به صورت

4 / 2 گفتن «ما شاء الله ، لا حول و لا قوة إلا بالله» 1143. الإمام الصادق عليه السلام: امام صادق عليه السلام: هر گاه آدمی دعا کند و بعد از دعا بگوید: «ما شاء الله ، لا حول و لا قوة إلا بالله»؛ هر آنچه خدا بخواهد . هیچ توش و توانی نیست ، مگر به واسطه خداوند»، خدای عز و جلمی فرماید: «بنده ام در نهایت فروتنی (1) تسلیم فرمان من شد . حاجتش را برآورد». 1139. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق عليه السلام: هر کس دعا کند و در پایان بگوید: «ما شاء الله ، لا حول و لا قوة إلا بالله» ، قطعاً حاجتش برآورده می شود. 1140. امام صادق عليه السلام: امام صادق عليه السلام: هر گاه بنده بگوید: «لا حول و لا قوة إلا بالله» ، خداوند عز و جل به فرشتگان می فرماید: «بنده ام تسلیم شد . حاجتش را برآورده سازید». 4 / 3 کشیدن دست ها به صورت 1143. امام صادق عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه از خداوند درخواست می کنید ، با کف دست هایتان از او بخواهید و پیش از آن که دست هایتان را بیندازید ، آنها را به صورت هایتان بکشید ؛ زیرا خداوند ، در کف دست هایتان برکت نهاده است. 1144. عنه عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از خداوند با کف دست هایتان درخواست کنید و با پشت آنها از او درخواست نکنید و چون درخواستتان تمام شد ، دست هایتان را به صورت خود بکشید.

1- استبسل که در متن عربی حدیث آمده ، یعنی به قصد کشته شدن و یا کشتن ، خود را وارد جنگ کرد . این عبارت ، کنایه از نهایت تسلیم و فرمانبری و اظهار ناتوانی در همه تصمیمات ، بدون تقدیر پروردگار عالم است .

1145. عنه عليه السلام: سنن الترمذى عن عمر بن الخطاب: كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا رفع يديه في الدعاء، لم يحطهما حتى يمسح بهما وجهه. (1) 1146. رسول الله صلى الله عليه وآله (من دعائه صلى الله عليه وآله في شهر رمضان) رسول الله صلى الله عليه وآله: إن ربكم حيي كريم، يستحي أن يرفع العبد يديه فيردّهما صفرًا لا خير فيهما، فإذا رفع أحدكم يديه فليقل: يا حي، لا إله إلا أنت، يا أرحم الراحمين - ثلاث مرات - ثم إذا ردّ يديه فليفرغ ذلك الخير إلى وجهه. (2) 1147. دلائل الإمامة عن علي بن محمد (في خبر عبد الحميد -) الإمام الصادق عليه السلام: ما أبرز عبد يده إلى الله العزيز الجبار، إلا استحيا الله عز وجل أن يردّها صفرًا حتى يجعل فيها من فضل رحمته ما يشاء، فإذا دعا أحدكم فلا يردّ يده حتى يمسح على وجهه ورأسه. (3).

-
- 1- سنن الترمذى: ج 5 ص 464 ح 3386، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 278 ح 17965 عن السائب بن يزيد عن أبيه نحوه، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 719 ح 1967، مسند البزار: ج 1 ص 243 ح 129، معجم السفر: ص 212 ح 680، كنز العمال: ج 2 ص 614 ح 4888.
- 2- المعجم الكبير: ج 12 ص 323 ح 13557، الفردوس: ج 1 ص 221 ح 847 كلاهما عن ابن عمر، كنز العمال: ج 2 ص 87 ح 3268.
- 3- الكافي: ج 2 ص 471 ح 2، فلاح السائل: ص 78 ح 15 كلاهما عن ابن القدّاح، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 325 ح 953 عن الإمام الباقر عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 9 ح 1988، عدّة الداعي: ص 196، بحار الأنوار: ج 93 ص 365 ح 12.

1144. امام صادق علیه السلام: سنن الترمذی_ به نقل از عمر بن خطاب_: پیامبر خدا، هر گاه دستانش را به دعا برمی داشت، آنها را فرود نمی آورد تا آن که به صورتش می کشید. 1145. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پروردگار شما با حیا و بزرگواری است، شرم می کند از این که بنده، دست هایش را بالا ببرد و او آنها را خالی برگرداند. پس، هر گاه یکی از شما دستانش را [به درگاه او] بالا می برد، سه مرتبه بگوید: «یا حَىُّ، لا إله إلا أنت، یا أرحم الراحمین؛ ای زنده ای که معبودی جز تو نیست. ای مهربان ترین مهربانان» و چون خواست دستانش را بیندازد، آن خیر را [که خداوند در کف او نهاده است] به صورت خود، خالی کند. 1146. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (_ از دعای ایشان در ماه رمضان، بعد از هر نماز واج) امام صادق علیه السلام: هیچ بنده ای دستش را به درگاه خدای عزیز جبار دراز نکند، مگر آن که خداوند عز و جل شرم کند آن را خالی برگرداند تا این که از فزونی رحمت خویش، هر اندازه که بخواهد، در آن بنهد. بنا بر این، هر گاه یکی از شما دعا کرد، پیش از آن که دستش را بیندازد، آن را به سر و روی خود بکشد. .

الباب الخامس: ما ينبغي بعد الدعاء 5 / 1 التَّحْمِيدُ بَعْدَ الإِجَابَةِ الْكُتَابُ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَ عَيْلٍ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ». (1)

الحديث 1150. قصص الأنبياء، ثعلبي (_ در بيان داستان يوسف عليه السلام _) رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا سأل أحدكم ربّه مسألة فتعرّف الاستجابة، فليقل: الحمد لله الذي بعزّته وجلاله تيمّم الصّالحات. ومن أبطأ عنه من ذلك شيء فليقل: الحمد لله على كلِّ حال. (2) 1151. الكافي عن إبراهيم بن أبي البلاد أو عبد الله بن جعنه صلى الله عليه وآله: ما يمنع أحدكم إذا عرف الإجابة من نفسه، فشفي من مرضٍ أو قدم من سفرٍ، يقول (3): الحمد لله الذي بعزّته وجلاله تيمّم الصّالحات؟ (4).

1- إبراهيم: 39.

2- الأسماء والصفات: ج 1 ص 342 ح 274، الدعوات الكبير: ج 2 ص 86 ح 324 وفيه «الإجابة» بدل «الاستجابة» وكلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 2 ص 72 ح 3182، وراجع مكارم الأخلاق: ج 2 ص 158 ح 2390.

3- في كنز العمال: «أن يقول».

4- المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 730 ح 1999 عن عائشة، كنز العمال: ج 6 ص 719 ح 17560.

باب پنجم : بایسته های پس از دعا**5 / 1 سپاس گفتن بعد از اجابت دعا**

باب پنجم : بایسته های پس از دعا 5 / 1 سپاس گفتن بعد از اجابت دعا قرآن «سپاس ، خداوندی را که به من با وجود سالخوردگی ، اسماعیل و اسحاق را بخشید . راستی که پروردگار من ، شنونده دعاست» .

حدیث 1154. الأُصول الستّة عشر (_ به نقل از زید نرسی _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه یکی از شما از پروردگارش خواهشی کرد و اجابت دید ، بگوید : «سپاس ، خداوندی را که با عزّت و جلالش کارهای نیک انجام می گیرد» و هر کس در اجابت دعایش تأخیری دید ، بگوید : «خداوند را در همه حال ، سپاس» . 1155. الإمام علیّ علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چرا هر گاه فردی از شما جواب می گیرد ، مثلاً از بیماری ای شفا می یابد یا از سفری باز می گردد ، نمی گوید : «سپاس ، خداوندی را که با عزّت و جلالش کارهای نیک انجام می گیرد» ؟

2 / 5 دُعَاءُ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عِنْدَ اسْتِجَابَةِ دُعَائِهِ 1155. امام علي عليه السلام: الدعوات: كان زين العابدين عليه السلام يدعو عند استجابة دعائه بهذا الدعاء: اللَّهُمَّ قَدْ أَكْدَى (1) الظُّلْبَ، وَأَعْيَتِ الحَيْلُ إِلَّا عِنْدَكَ، وَضَاقَتِ المَدَاهِبُ، وَامْتَنَعَتِ المَطَالِبُ، وَعَسِيْرَتِ الرَّغَائِبُ، وَانْقَطَعَتِ الطُّرُقُ إِلَّا إِلَيْكَ، وَتَصَدَّرَمَتِ الآمَالُ، وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ، وَخَابَتِ الثَّقَّةُ، وَأخْلَفَ الظَّنُّ إِلَّا بِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أجدُ سُبُلَ المَطَالِبِ إِلَيْكَ مِنْهَجَةً (2)، وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ مُفْتَحَةً، وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِمَنْ دَعَاكَ بِمَوْضِعِ إِبَابَةٍ، وَلِلصَّارِخِ إِلَيْكَ بِمَرَصِدِ إِغَاثَةٍ، وَأَنَّ القَاصِدَ إِِلَيْكَ لَقَرِيبُ المَسَافَةِ مِنْكَ، وَمُنَاجَاةَ العَبْدِ إِيَّاكَ غَيْرُ مَحجُوبَةٍ عَنِ اسْتِمَاعِكَ، وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ، وَالرِّضَا بِعِدَّتِكَ، وَالإِسْتِرَاحَةِ إِلَى ضَمَانِكَ، عِوَضًا مِنْ مَنَعِ البَاخِلِينَ، وَمَنْدُوحَةً (3) عَمَّا قَبِلَ المُسْتَأَثْرِينَ، وَدَرَكَ مِنَ خَيْرِ الوَارِثِينَ، فَأَغْفِرْ بِلَا إِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ مَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِي، وَاعصِيْ مَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَجُودِكَ الَّتِي لَا تُغْلِقُهَا عَنِ أَحِبَّائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (4).

-
- 1- أكدى الرَّجْلُ إِذَا قَلَّ خَيْرُهُ، وقوله تعالى: «وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى» (النجم: 34) أى قطع القليل، وأكدى الحافر إذا بلغ الكُدْيَةَ فلا يمكنه أن يحفر (الصحيح: ج 6 ص 2471 _ 2472 «كدى»).
 - 2- نَهَجَ الأَمْرُ وَأَنْهَجَ، إِذَا وَضَّحَ (النهاية: ج 5 ص 134 «نهج»).
 - 3- مندوحة: لى عن هذا الأمر مندوحة ومُتَدَح، أى سعة (الصحيح: ج 1 ص 409 «ندح»).
 - 4- الدعوات: ص 72 ح 171، بحار الأنوار: ج 95 ص 450 ح 3.

5 / 2 دعای امام زین العابدین ، هنگام مستجاب شدن دعایش

2/5 دعای امام زین العابدین ، هنگام مستجاب شدن دعایش 1158. تفسیر القمّی :الدعوات :امام زین العابدین علیه السلام هر گاه دعایش مستجاب می شد ، این دعا را می خواند :

«خداوندا! درخواست ، باز مآند و چاره ها در ماندند ، جز در پیشگاه تو ، و عرصه ها تنگ و خواسته ها ناشدنی و اشتیاق ها سخت و راه ها جز به سوی تو بسته شدند . آرزوها به پایان رسید و امیدها جز از تو بُریده شد . اعتمادم به هر کسی بی نتیجه مآند و گمان ، به بدگمانی بدل شد ، جز [گمان] به تو .

خداوندا! من ، راه های درخواست ها را به سوی تو آشکار یافتم و سرچشمه های امید به تو را باز . می دانم که هر کس از تو درخواست کند ، در معرض اجابت است و فریادخواهان را تو فریادرسی و آن که قصد تو کند ، بسی به تو نزدیک است و برای شنیدن رازگویی بنده با تو ، حجابی در میان نیست . در شیفگی به بخشش تو ، خشنودی به وعده ات و آسودگی به تضمینی که داده ای ، عوضی است از خودداری بخیلان و گشایشی است در برابر انحصارطلبان . به مطلوب رسیدن از بهترین وارثان است . پس همه گناهان گذشته ام را به [حقّ] [لا اله الاّ انت؛ هیچ معبودی جز تو نیست] پیامرز و مرا در بازمانده عمرم حفظ کن و درهای رحمت و بذل و بخشش را که بر دوستان و برگزیدگانتم نمی بندی ، به رویم باز کن ، ای مهربان ترین مهربانان!».

البَابُ السَّادِسُ : ما لا ينبغي للداعي 6 / 1 طلب ما لا يعلم أنه خير لها الكتاب «وَيَدْعُ الْأَنْسَنُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْأَنْسَنُ عَجُولًا» . (1)

«قَالَ يَ نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْخَالِفِينَ» . (2)

«وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» . (3)

الحديث 1163. الإمام الرضا عليه السلام : تنبيه الخواطر : في الوحي القديم : مسكين عبيد ، يسرته ما يضرة . (4) 1162. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رسول الله صلی الله علیه و آله : لا تسخطوا نعم الله ، ولا تقتربوا على الله ، وإذا ابتلي أحدكم في رزقه ومعيشته فلا يحدثن شيئا يسأله ، لعل في ذلك حنقه وهلاكه ، ولكن ليقل : اللهم بجاه محمد وآله الطيبين إن كان ما كرهته من أمرى هذا خيرا لي وأفضل في ديني فصبرني عليه ، وقوتني على احتماليه ، ونشطني بتفلي ، وإن كان خلاف ذلك خيرا لي فجد علي به ، ورضني بقضائك على كل حال ، فللك الحمد . (5)

1- الإسراء : 11 .

2- هود : 46 .

3- البقرة : 216 .

4- تنبيه الخواطر : ج 2 ص 112 و ص 115 وفيه «ابن آدم» بدل «عبيد» ، غرر الحكم : ح 10687 نحوه .

5- عدّة الداعي : ص 30 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 102 نحوه وزاد في آخره «فإنك إذا قلت ذلك قدر الله لك ذلك ويسر لك ما هو خير» ، بحار الأنوار : ج 71 ص 149 ح 46 .

باب ششم: آنچه برای دعاکننده ناشایست است

6 / 1 درخواست آنچه را که نمی داند، به صلاح اوست

باب ششم: آنچه برای دعاکننده ناشایست است 6 / 1 درخواست آنچه را که نمی داند، به صلاح اوستقرآن«و انسان، [همان گونه که] خیر را می خواند، [پیشامد] بد را می خواند، و انسان، شتابکار است».

«فرمود: ای نوح! او در حقیقت، از خانواده تو نیست. او کرداری ناشایست است. پس چیزی را که بدان علم نداری، از من مخواه. من به تو اندرز می دهم که مبادا از نادانان باشی».

«بسا چیزی را خوش نمی دارید، در حالی که آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می دارید، در حالی که آن برای شما بد است، و خدا می داند و شما نمی دانید».

حدیث 1168. عنه علیه السلام: تنبيه الخواطر: در وحی گذشته (تورات و انجیل) آمده است: «بینوا بنده ام، از چیزی شاد می شود که برایش زیان دارد». 1169. عنه علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نعمت های خدا را ناخوش مدارید و آمرانه از خدا نطلبید (به خدا پیشنهاد ندهید)، و هر گاه یکی از شما در روزی و معیشتش تنگی افتاد، مبادا کاری بکند که می خواهد، که شاید مرگ و نابودی او در آن باشد؛ بلکه بگوید: «بار خدایا! به آبروی محمد و خاندان پاک او، اگر این وضع من که آن را ناخوش می دارم، برای من بهتر و بیشتر به صلاح دین من است، مرا بر آن، شکیبا گردان و قدرت تحمل آن را به من عطا فرما و در به دوش کشیدن بار آن، پُرتوانم ساز و اگر خلاف آن برایم بهتر است، آن را به من ببخش و مرا در هر حال، به قضایت راضی گردان، و تو را سپاس».

1170. تاريخ دمشق عن عبد الله بن الحارث: مسند ابن حنبل عن أبي هريرة: جاءت امرأة إلى النبي صلى الله عليه وآله بها لَمَمٌ (1). فقالت: يا رسول الله ادع الله أن يشفيني .

قال صلى الله عليه وآله: إن شئت دعوت الله أن يشفيك، وإن شئت فاصبري ولا حساب عليك. قالت: بل أصبر ولا حساب عليّ. (2) 1167. امام على عليه السلام: صحيح البخارى عن عطاء بن أبي رباح: قال لى ابن عباس: ألا أريك امرأة من أهل الجنة؟ قلت: بلى. قال: هذه المرأة السوداء، أتت النبي صلى الله عليه وآله، فقالت: إنى أصرع وإنى أتكشفت فادع الله لى .

قال: إن شئت صبرت ولك الجنة، وإن شئت دعوت الله أن يعافيك .

فقالت: أصبر. فقالت: إنى أتكشفت فادع الله أن لا أتكشفت، فدعا لها. (3) 1168. امام على عليه السلام: بصائر الدرجات عن أبي عوف عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: دخلت عليه فألطفنى، وقال: إن رجلاً مكفوف البصر أتى النبي صلى الله عليه وآله، فقال:

يا رسول الله صلى الله عليه وآله، ادع الله أن يرده عليّ بصرى، وقال: فدعا الله له فردّ عليه بصره. ثم أتاه آخر فقال: يا رسول الله صلى الله عليه وآله ادع الله لى أن يرده عليّ بصرى .

قال: فقال: الجنة أحب إليك أن (4) يرده عليك بصرك. قال: يا رسول الله وإن ثوابها الجنة؟

فقال: إن الله أكرم من أن يبتلى عبده المؤمن بذهاب بصره ثم لا يثيبه الجنة. (5).

1- اللمم: طرف من الجنون يُلمم بالإنسان: أى يقرب منه ويعتريه (النهاية: ج 4 ص 272 «لمم»).

2- مسند ابن حنبل: ج 3 ص 444 ح 9695، صحيح ابن حبان: ج 7 ص 170 ح 2909، المستدرک على الصحيحين: ج 4 ص 243 ح 7511 نحوه، كنز العمال: ج 3 ص 313 ح 6716 .

3- صحيح البخارى: ج 5 ص 2140 ح 5328، صحيح مسلم: ج 4 ص 1994 ح 54، الأدب المفرد: ص 154 ح 505، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 742 ح 3240 .

4- فى بحار الأنوار: «أو» .

5- بصائر الدرجات: ص 272 ح 8، بحار الأنوار: ج 18 ص 5 ح 4 .

1169. امام علی علیه السلام: مسند ابن حنبل_ به نقل از ابو هریره: زنی که [گاه] نوعی اختلال حواس بر او عارض می شد، (1) نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! دعا کن که خداوند مرا شفا بخشد.

فرمود: «اگر بخواهی، دعا می کنم که خدا شفایت دهد. اگر هم بخواهی، می توانی صبر کنی و حسابی [و تکلیفی] بر تو نباشد».

زن گفت: حاضرم تحمل کنم و حسابی بر من نباشد. 1170. تاریخ دمشق (به نقل از عبد الله بن حارث) صحیح البخاری_ به نقل از عطاء بن ابی رباح: ابن عباس به من گفت: آیا زنی از اهل بهشت به تو نشان ندهم؟

گفتم: چرا.

گفت: این زن سیاه.

او نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: من غش می کنم و [در آن هنگام] برهنه می شوم. برایم دعا کن.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر می خواهی، صبر کن و بهشت برایت خواهد بود، و اگر می خواهی، دعا می کنم خدا بهبودت بخشد».

زن گفت: صبر می کنم؛ اما حجابم کنار می رود. دعا کن که [هنگام غش کردن] حجابم کنار نرود. و پیامبر صلی الله علیه و آله برایش دعا کرد. 1171. رسول الله صلی الله علیه و آله (فی علی علیه السلام) بصائر الدرجات_ به نقل از ابو عوف: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. مرا مورد لطف قرار داد و فرمود: «مرد ناینایی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! دعا کن خدا بینایی ام را به من برگرداند. پیامبر صلی الله علیه و آله برایش دعا کرد و خداوند بینایی اش را به او باز گرداند».

ناینای دیگری آمد و گفت: ای پیامبر خدا! دعا کن خدا بینایی ام را به من برگرداند. [پیامبر صلی الله علیه و آله] فرمود: بهشت را دوست تر داری از (2) این که بینایی ات را به تو باز گرداند؟

گفت: ای پیامبر خدا! پاداشش بهشت است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خدا بزرگوارتر از آن است که بنده مؤمنش را به ناینایی مبتلا سازد و سپس بهشت را به او پاداش ندهد».

1- لَمَّم در متن عربی حدیث: نوعی جنون خفیف است که انسان را می گیرد (النهاية: ج 4 ص 272). به قرینه حدیث بعدی، ممکن است به معنای صرع (غش کردن) باشد.

2- در بحار الأنوار، «یا» آمده است.

1172. عنه صلى الله عليه وآله (_ أيضا _) الإمام على عليه السلام: رُبَّ أَمْرٍ حَرَّصَ الْإِنْسَانُ عَلَيْهِ ، فَلَمَّا أَدْرَكَهُ وَدَّ أَنْ لَمْ يَكُنْ أَدْرَكَهُ .
 (1) 1173. عنه صلى الله عليه وآله: الإمام الصادق عليه السلام: كَمَ مِنْ نِعْمَةٍ لِلَّهِ عَلَى عَبْدِهِ فِي غَيْرِ أَمَلِهِ ، وَكَمَ مِنْ مُؤَمَّلٍ أَمَلًا الْخِيَارُ فِي غَيْرِهِ ، وَكَمَ مِنْ سَاعٍ إِلَى حَتْفِهِ وَهُوَ مُبْطِئٌ عَنِ حَظِّهِ . (2) 1171. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله (_ درباره على عليه السلام _) عنه عليه السلام: إِنَّ قَوْمًا فِيمَا مَضَى قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ : ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يَرْفَعَنَّ عَنَّا الْمَوْتَ . فَدَعَا لَهُمْ فَرَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ الْمَوْتَ ، فَكَثُرُوا حَتَّى ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْمَنَازِلُ وَكَثُرَ النَّسْلُ ، وَيُصْبِحُ الرَّجُلُ يُطْعِمُ أَبَاهُ وَجَدَّةَ وَأُمَّهُ وَجَدَّةً جَدُّهُ وَيُوضِيهِمْ وَيَتَعَاهَدُهُمْ ، فَشَغَلُوا عَنِ طَلَبِ الْمَعَاشِ .
 فقالوا : سَلْ لَنَا رَبَّكَ أَنْ يَرُدَّنَا إِلَى حَالِنَا الَّتِي كُنَّا عَلَيْهَا . فَسَأَلَ نَبِيُّهُمْ رَبَّهُ فَرَدَّهُمْ إِلَى حَالِهِمْ . (3) .

1- .عدّة الداعى : ص 17 .

2- .الأمالى للطوسى : ص 132 ح 210 ، قرب الإسناد : ص 40 ح 128 كلاهما عن بكر بن محمد ، تحف العقول : ص 361 ، التمهيد : ص 58 ح 117 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 243 ح 45 .
 3- .الكافى : ج 3 ص 260 ح 36 ، التوحيد : ص 401 ح 4 ، الأمالى للصدوق : ص 600 ح 831 وفيه «ويرضيه» بدل «ويوضيه» وكلها عن هشام بن سالم ، روضة الواعظين : ص 536 وفيها «آجالنا» بدل «حالنا» ، بحار الأنوار : ج 6 ص 116 ح 1 .

1172. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (_ درباره علی علیه السلام _) امام علی علیه السلام : بسا چیزی که انسان ، خواهان آن است و چون بدان می رسد ، آرزو می کند که کاش به آن نمی رسید. 1173. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : بسا نعمت خداوند به بنده اش که در غیر آرزوی اوست و بسا آرزومند آرزویی که خیر [و مصلحت] در غیر آن است و بسا کسی که به سوی مرگ خویش می شتابد و از بهره اش وامی ماند. 1174. کفایة الطالب عن أنس (_ فی خَبَرِ تَزْوِیجِ فَاطِمَةَ بَعْلِیِّ عَلَیْهِمَا السَّلَامِ) امام صادق علیه السلام : یکی از اقوام گذشته به پیامبری که داشتند ، گفتند : دعا کن پروردگارت مرگ را از ما بردارد . او دعا کرد و خداوند ، مرگ را از آنها برداشت . پس ، جمعیت آنان فزونی گرفت ، چندان که منزل هایشان دیگر گنجایش آنها را نداشت و نسل زیاد شد و هر مردی ناچار بود خرج پدرش و جدّش و مادرش و جدّ جدّش را بدهد و به نظافت و امور دیگر آنها رسیدگی کند ، و بدین ترتیب ، از طلب معاش باز ماندند .

دوباره آمدند و گفتند : دعا کن پروردگارت ما را به همان حال که بودیم باز گرداند پیامبرشان به درگاه پروردگارشان دعا کرد و آنها را به حال اولشان باز گرداند .

1175. الإمام عليّ عليه السلام: عنه عليه السلام: إن بني إسرائيل أتوا موسى عليه السلام فسألوه أن يسأل الله عز وجل أن يمطر السماء عليهم إذا أرادوا ويحسبها إذا أرادوا، فسأل الله عز وجل ذلك لهم، فقال الله عز وجل: ذلك لهم يا موسى، فأخبرهم موسى، فحزبوا ولم يتزكوا شيئا إلا زرعوه، ثم استنزّلوا المطر على إرادتهم وحسبوه على إرادتهم، فصارت زروعهم كأنها الجبال والآجام (1)، ثم حصّدوا وداسوا وذروا فلم يجدوا شيئا، فضدّجوا إلى موسى عليه السلام وقالوا: إننا سألناك أن تسأل الله أن يمطر السماء علينا إذا أردنا فأجابنا، ثم صيرها علينا ضررا.

فقال: يا ربّ، إن بني إسرائيل صدّجوا مما صدّعت بهم، فقال: وممّ ذاك يا موسى؟ قال: سألتني أن أسألك أن تمطر السماء إذا أرادوا، وتحسبها إذا أرادوا فأجبتهم، ثم صيرتها عليهم ضررا.

فقال: يا موسى، أنا كنت المقدّر ليني إسرائيل فلم يرضوا بتقديرى، فأجبتهم إلى إرادتهم فكان ما رأيت. (2) 1176. المعجم الكبير عن ابن عباس (_ في حديث زواج فاطمة عليها السلام) الدعوات: روى أن الله تعالى أوحى إلى نبي من الأنبياء في الرمن الأول، أن لرجل من أمته ثلاث دعوات مستجابات، فأخبر ذلك الرجل به، فأنصرف من عنده إلى بيته، وأخبر زوجته بذلك، فألحت عليه أن يجعل دعوة لها فرضى، فقالت: سل الله أن يجعلني أجمل نساء ذاك الزمان، فدعا الرجل فصارت كذلك.

ثم إنهما لما رأت رغبة الملوك والشبان المتتعمين فيها متوفرة، زهدت في زوجها الشيخ الفقير، وجعلت تغالطه وتخاشيه وهو يداريها، ولا يكاد يطيق شوزها، فدعا الله أن يجعلها كلبه، فصارت كذلك.

ثم اجتمع أولادهما يقولون: يا أبت، إن الناس يعيرون بنا أن أمنا كلبه نابحة، وجعلوا يبيكون ويسألونه أن يدعو الله أن يجعلها كما كانت، فدعا الله تعالى فصيرها مثل الذي كانت في الحالة الأولى، فذهبت الدعوات الثلاث ضياعا. (3).

1- الآجام: جمع الأجم؛ الحصن (لسان العرب: ج 12 ص 8 «أجم»).

2- الكافي: ج 5 ص 262 ح 2 عن سدير، بحار الأنوار: ج 13 ص 340 ح 17. وراجع: قصص الأنبياء: ص 181 ح 216.

3- الدعوات: ص 38 ح 93، بحار الأنوار: ج 93 ص 326 ح 10. وراجع: الدر المنثور: ج 3 ص 608.

1174. کفایة الطالب (_ به نقل از آنس _) امام صادق علیه السلام: بنی اسرائیل ، نزد موسی علیه السلام آمدند و از او خواستند که از خداوند عز و جل تقاضا کند تا هر گاه آنان خواستند ، باران ببارد و هر گاه خواستند ، نبارد . موسی علیه السلام این را برای آنان از خداوند عز و جلدرخواست کرد . خداوند عز و جل فرمود : «خواستہ شان برآورده شد ، ای موسی !» .

موسی علیه السلام خبر آن را به ایشان داد . بنی اسرائیل ، زمین ها را شخم زدند و هر چه بود ، زیر کِشت بُردند . سپس ، هر گاه خواستند ، باران بارانند و هر گاه خواستند ، آن را بند آوردند . پس زراعت هایشان به بلندی کوه ها و دژها شد و آنها را درویدند و خرمن کردند و کوبیدند و باد دادند ؛ اما چیزی (دانه ای) نیافتند . پس ، ضجّه کنان نزد موسی علیه السلام رفتند و گفتند : ما از تو خواستیم که از خداوند تقاضا کنی هر گاه خواستیم ، باران ببارد و او درخواستمان را پذیرفت و سپس ، آن را موجب زیان ما گردانید .

موسی علیه السلام گفت : پروردگارا! بنی اسرائیل از کاری که با ایشان کردی ، نالان اند .

فرمود : «چرا ای موسی؟» .

گفت : از من خواستند تا از تو تقاضا کنم که هر گاه خواستند ، باران ببارد و هر گاه خواستند ، بند بیاید و تو تقاضایشان را پذیرفتی و سپس ، آن را مایه زیان ایشان ساختی .

فرمود : «ای موسی ! من برای بنی اسرائیل تقدیر می کردم ، ولی آنان به تقدیر من ، رضایت ندادند . به خواست ایشان پاسخ دادم و در نتیجه ، آن شد که دیدی» . 1175. امام علی علیه السلام : الدعوات : روایت شده است که خداوند متعال به پیامبری از پیامبران پیشین وحی کرد که برای مردی از امتش سه دعا مستجاب می شود . آن پیامبر ، این خبر را به آن مرد داد . مرد از نزد پیامبر به خانه اش رفت و خبر را به همسرش داد . همسرش اصرار کرد که یکی از آن سه دعا را برای او قرار دهد و آن مرد ، پذیرفت . همسرش گفت : از خدا بخواه که مرا زیباترین زنِ زمانم قرار دهد .

مرد ، دعا کرد و همسرش چنان شد . پس از آن ، شاهان و جوانان ثروتمند فراوانی به او علاقه مند شدند . زن ، چون چنین دید ، به شوهرش که پیر و نادار بود ، بی علاقه گشت و تندی و بدخویی با او در پیش گرفت . شوهرش با او مدارا می کرد ؛ ولی از نافرمانی های وی ، طاقتش به سر آمد و دعا کرد که خداوند ، همسرش را تبدیل به سگ کند و چنان شد .

فرزندانشان ، جمع شدند و گفتند : ای پدر ! مردم ، ما را سرزنش می کنند و می گویند مادرمان سگ شده و پارس می کند ، و می گریستند و از او خواهش می کردند که دعا کند خداوند ، مادرشان را به حال اوّل بازگرداند .

او به درگاه خدای متعال دعا کرد و خداوند ، زن را به حالت اوّلش بازگرداند و بدین ترتیب ، هر سه دعا ، ضایع شد .

6 / 12 الاعتداء الكتاب «ادْعُوا رَبِّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» . (1)

الحديث 1178. تاريخ دمشق (_ به نقل از ابن عباس _) الإمام علي عليه السلام : إِيَّاكُمْ وَالِدُعَاءِ بِاللَّعْنِ وَالْخِزْيِ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ أَحْكَمَ فِي كِتَابِهِ ، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ : «ادْعُوا رَبِّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» ؛ فَمَنْ تَعَدَّى بِدُعَائِهِ بِالْعَنِّ أَوْ خِزْيٍ فَهُوَ مِنَ الْمُعْتَدِينَ . (2) 1179. السنن الكبرى (_ به نقل از بریده _) الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ مَظْلُومًا ، فَمَا يَزَالُ يَدْعُو حَتَّى يَكُونَ ظَالِمًا (3) . (4) 1180. رسول الله صلى الله عليه وآله (_ لِعَلِّيْ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لَيْلَةَ الرَّفِّ) سنن أبي داود عن عطاء عن عائشة ، قالت : سُرِقَتْ مِلْحَفَةٌ لَهَا ، فَجَعَلَتْ تَدْعُو عَلِيَّ مِنْ سَرَقَتِهَا ، فَجَعَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : لَا تُسَبِّحِي (5) عَنْهُ . (6) .

1- الأعراف : 55 .

2- الجعفریات : ص 226 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام .

3- ذكر العلامة المجلسي (قدس سره) ستة أوجه في معنى هذا الحديث : منها أن العبد يفرط في الدعاء على من ظلمه بظلم يسير فيدعو عليه بالموت وغيره ، ومنها أنه يدعو على العدو المؤمن بالابتلاء ، وهذا مما لا يرضى به الله عز وجل (راجع مرآة العقول : ج 12 ص 305 و 306) .

4- الكافي : ج 2 ص 333 ح 17 ، ثواب الأعمال : ص 323 ح 13 كلاهما عن هشام بن سالم ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 121 ح 2327 نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 325 ح 4 .

5- أي لا تُخَفِّفِي عَنْهُ الْإِثْمَ الَّذِي اسْتَحَقَّهُ بِالسَّرِقَةِ (النهاية : ج 2 ص 332 «سبخ») .

6- سنن أبي داود : ج 2 ص 80 ح 1497 و ج 4 ص 278 ح 4909 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 297 ح 24238 ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج 7 ص 93 ح 2 كلّها نحوه ، كنز العمال : ج 2 ص 95 ح 3302 .

6 / 2 زیاده رویقرآن «پروردگارتان را به التماس و نهانی بخوانید ، که او زیاده روان را دوست نمی دارد» .

حدیث 1183. المناقب لابن شهر آشوب عن أبي هريرة: امام علي عليه السلام: از لعن و نفرین کردن بپرهیزید ؛ زیرا خداوند عز و جل در کتابش حکم کرده و فرموده است : «پروردگارتان را به التماس و نهانی بخوانید ، که او زیاده روان را دوست نمی دارد» . پس ، هر که دعایش را به نفرین کردن (لعن) و با خواری خواستن [بر ضد کسی] بکشاند ، از زیاده روان است. 1184. تاریخ دمشق عن أبي هريرة: امام صادق عليه السلام: به بنده ای ستم می شود و او آن قدر نفرین می کند که خود ، به ستمکار تبدیل می شود . (1) 1185. كفاية الطالب عن أبي هريرة: سنن أبي داود_ به نقل از عطاء_ : عایشه گفت که مَلحفه ای داشته که به سرقت رفته و وی ، شروع به نفرین کردن به رباینده اش کرد . پیامبر صلی الله علیه و آله به وی فرمود : «بارِ گناهش را سبک مکن».

1- . علاّمه مجلسی ، در معنای این حدیث ، شش وجه ذکر کرده است ، از جمله این که انسان ، در نفرین کردن شخصی که به او ستمی کوچک کرده است ، افراط کند و مرگ او و مانند او را از خدا بخواهد . وجه دیگر این که دشمنِ مؤمن خود را نفرین کند که به بلا گرفتار آید و این ، چیزی است که خداوند عز و جل بدان راضی نیست (ر . ک : مرآة العقول : ج 12 ص 305 و 306).

1183. المناقب، ابن شهر آشوب (_ به نقل از ابو هريره _) مسند ابن حنبل عن مولى لسعد: إِنَّ سَعْدًا سَمِعَ ابْنَ لَهْ يَدْعُو وَهُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَنَعِيمَهَا وَإِسْتَبْرَقَهَا، وَنَحْوًا مِنْ هَذَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ وَسَلْسِلِهَا وَأَغْلَالِهَا .

فَقَالَ: لَقَدْ سَأَلْتَ اللَّهَ خَيْرًا كَثِيرًا، وَتَعَوَّذْتَ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ كَثِيرٍ! وَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: إِنَّهُ سَيَكُونُ قَوْمٌ يَعْتَدُونَ فِي الدُّعَاءِ، وَقَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»، وَإِنَّ حَسْبَكَ أَنْ تَقُولَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ. (1) 1184. تاريخ دمشق (_ به نقل از ابو هريره _) مسند ابن حنبل عن أبي نعام: إِنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ مُغَفَّلٍ [قَالَ لِابْنِهِ]: ... يَا بُنَيَّ سَلِ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَتَعَوَّذْهُ مِنَ النَّارِ؛ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: سَيَكُونُ بَعْدِي قَوْمٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَعْتَدُونَ فِي الدُّعَاءِ وَالطَّهْوَرِ. (2) .

1- .مسند ابن حنبل: ج 1 ص 365 ح 1483 وراجع سنن أبي داوود: ج 2 ص 77 ح 1480 .

2- .مسند ابن حنبل: ج 5 ص 629 ح 16801، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1271 ح 3864 وليس فيه «والطهور»، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 724 ح 979 كلاهما نحوه .

1185. کفایة الطالب (_ به نقل از ابو هریره _) مسند ابن حنبل _ به نقل از مولای سعد _ : سعد شنید که یکی از پسرانش دعا می کند و می گوید : «بار خدایا ! من از تو بهشت و نعمت هایش ، دیبای بهشتی و مانند اینها را از تو درخواست می کنم و از دوزخ و گُند و زنجیرهای آن به تو پناه می برم.

سعد گفت : از خداوند ، خیر فراوان خواستی و از شرّ فراوان به خدا پناه بردی . من از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید : «به زودی مردمانی خواهند آمد که در دعا از حدّ می گذرند» و این آیه را خواند : «پروردگارتان را به التماس و نهانی بخوانید ، که او زیاده روان را دوست نمی دارد» . کافی است بگویی : بار خدایا ! بهشت و هر گفتار و کرداری را که موجب نزدیک شدن به آن می شود ، از تو درخواست می کنم و از دوزخ و هر آن گفتار و کرداری که سبب نزدیک شدن به آن می شود ، به تو پناه می برم . «1186. المناقب لابن المغازلی عن البراء بن عازب : مسند ابن حنبل _ به نقل از ابو نعامه _ : عبد الله بن مُغفَل [به فرزندش گفت :] . . . فرزندم ! از خداوند ، بهشت بخواه و از دوزخ به او پناه ببر [همین و بس] ؛ زیرا از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید : «به زودی پس از من ، مردمانی از این امت می آیند که در دعا و وضو (آب ریختن برای وضو و غسل) زیاده روی می کنند . .

سخنی درباره زیاده روی در دعا

سخنی درباره زیاده روی در دعایکی از کارهایی که انجام دادن آنها برای نیایشگر شایسته نیست، تجاوز از حد (اعتدا) در دعاست. قرآن، تصریح می کند که: «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (1). پروردگارتان را با زاری و در حال پنهانی بخوانید؛ زیرا که خدا، تجاوزکاران را دوست ندارد». این آیه به مؤمنان، توصیه می فرماید که پروردگار خود را در آشکار و نهان بخوانند و خواسته های خود را از او بخواهند؛ اما در دعا و خواستن از خداوند متعال، از حد، تجاوز نکنند. در این جا این پرسش مطرح می شود که حدّ دعا چیست که تجاوز از آن، نکوهیده است و متجاوز از آن، محبوب خدا نیست؟ اکتفا به خواسته های منطقی و مشروع و رعایت ادب در بیان آنها در محضر خداوند متعال، حدّ دعاست، از این رو، طرح خواسته های نامعقول یا نامشروع و بی ادبی در گفتار و هر عملی که از نیایشگر نکوهیده است، زیاده روی و تجاوز

از حدّ دعا شمرده می شود. بنا براین، کسی که در محضر خداوند متعال، گستاخانه با فریاد، چیزی را می خواهد یا کسی را نفرین می کند که مستحقّ نفرین نیست یا بیش از استحقاقِ کسی، وی نفرین می نماید یا انجام گرفتن کاری نامشروع (مانند قطع رحم) را از خدا می خواهد یا درخواستی غیر منطقی دارد (مانند این که از خدا نابودی خود و یا نیستی آسمان و زمین را طلب نماید)، در واقع، از حدود دعا تجاوز نموده است. اما باید توجه داشت که تجاوز از حدّ دعا، به معنای نفی بلند همّتی در دعا و داشتن درخواست های بزرگ معقول نیست. بلند همّتی در دعا، نه تنها نکوهیده نیست، بلکه ممدوح نیز هست. (1) از این رو، تفسیر سعد و عبدالله بن مغفل از «اعتدا» در حدیث 377 و 378 به «درخواست خیر کثیر» و «پناه جویی از شرّ کثیر»، صحیح به نظر نمی رسد.

1- ر. ک: ص 187 (بلند همّتی و بزرگی درخواست).

6 / 13 الاستعجال 1187. كفاية الأثر (_ به نقل از ابن عباس _) رسول الله صلى الله عليه وآله : يُسْتَجَابُ لِأَحَدِكُمْ مَا لَمْ يَعْجَلْ ؛ يَقُولُ : دَعَوْتُ فَلَمْ يُسْتَجَبْ لِي . (1) 1188. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله (_ درباره حسن و حسين عليهما السلام _) سنن الترمذى عن أبى هريرة عن رسول الله صلى الله عليه وآله : ما مِنْ عَبْدٍ يَرْفَعُ يَدَيْهِ حَتَّى يَبْدُوَ ابْطُهُ ، يَسْأَلُ اللَّهَ مَسْأَلَةً ، إِلَّا آتَاهَا إِيَّاهُ مَا لَمْ يَعْجَلْ .

قالوا : يا رسول الله ، وكيف عَجَلْتُهُ ؟

قال : يَقُولُ : قَدْ سَأَلْتُ وَسَأَلْتُ وَلَمْ أُعْطَ شَيْئًا . (2) 1189. خصائص أمير المؤمنين ، نسائي (_ به نقل از أسامة بن زيد _) مسند ابن حنبل عن أنس عن رسول الله صلى الله عليه وآله : لا يَزَالُ الْعَبْدُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَسْتَعْجَلْ ، قالوا : يا رسول الله كيف يَسْتَعْجَلُ ؟

قال : يَقُولُ : دَعَوْتُ رَبِّي فَلَمْ يُسْتَجَبْ لِي . (3) 1190. المستدرک على الصحيحين عن ابن عباس : صحيح مسلم عن أبى هريرة عن رسول الله صلى الله عليه وآله : لا يَزَالُ يُسْتَجَابُ لِلْعَبْدِ مَا لَمْ يَدْعُ بِإِثْمٍ أَوْ قَطِيعَةٍ رَجِمَ مَا لَمْ يَسْتَعْجَلْ .

قيل : يا رسول الله ، ما الاستعجال ؟

قال : يَقُولُ : قَدْ دَعَوْتُ ، وَقَدْ دَعَوْتُ ، فَلَمْ أَرْسَلْ لِي ، فَيَسْتَحْسِرُ (4) عِنْدَ ذَلِكَ وَيَدْعُ الدُّعَاءَ . (5) .

1- . صحيح البخارى : ج 5 ص 2335 ح 5981 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2095 ح 2735 ، سنن أبى داود : ج 2 ص 78 ح 1484 ، سنن الترمذى : ج 5 ص 464 ح 3387 ، الموطأ : ج 1 ص 213 ح 29 كلها عن أبى هريرة ، كنز العمال : ج 2 ص 79 ح 3222 ؛ مكارم الأخلاق : ج 2 ص 158 ح 2390 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 371 ح 9 .

2- . سنن الترمذى (طبعة دار الفكر) : ج 5 ص 348 ح 3619 ، كنز العمال : ج 2 ص 82 ح 3241 .

3- . مسند ابن حنبل : ج 4 ص 385 ح 13007 و ص 420 ح 13197 ، المعجم الأوسط : ج 3 ص 65 ح 2497 و ج 6 ص 100 ح 5922 ، مسند أبى يعلى : ج 3 ص 212 ح 2858 ، حلية الأولياء : ج 6 ص 309 كلاهما نحوه ، كنز العمال : ج 2 ص 85 ح 3257 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 6 ، إرشاد القلوب : ص 184 كلاهما نحوه .

4- . أى يملّ ؛ وهو استفعال فى حسر إذا أعيا وتعب (النهاية : ج 1 ص 384 «حسر») .

5- . صحيح مسلم : ج 4 ص 2096 ح 92 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 492 ح 6429 ، الأدب المفرد : ص 197 ح 655 ، حلية الأولياء : ج 7 ص 249 كلاهما نحوه ، كنز العمال : ج 2 ص 82 ح 3240 .

6 / 3 شتاب کردن

6 / 3 شتاب کردن 1190. المستدرک علی الصحیحین (_ به نقل از ابن عباس _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دعای هر یک از شما ، مادام که عجله نکند و نگوید : دعا کردم و مستجاب نشد ، به اجابت می رسد. 1191. تاریخ دمشق (_ به نقل از ابو اسحاق سبئی _) سنن ترمذی _ به نقل از ابو هریره _ : پیامبر خدا فرمود : «هیچ بنده ای نیست که دو دستش را به دعا بلند کند ، چندان که زیر بغلش پیدا شود و از خدا درخواستی کند ، مگر آن که خداوند ، خواسته اش را به او می دهد ، به شرط آن که شتاب نکند».

گفتند : ای پیامبر خدا ! شتاب کردنش چگونه است؟

فرمود : «بگوید : بارها خواستم و به من داده نشد». 1192. تاریخ دمشق (_ به نقل از امّ سلمه _) مسند ابن حنبل _ به نقل از انس _ پیامبر خدا فرمود : «بنده ، همواره در خیر است ، تا زمانی که شتاب نوزد».

گفتند : ای پیامبر خدا ! چگونه شتاب می ورزد؟

فرمود : «بگوید : پروردگارم را خواندم ؛ اما پاسخ داده نشدم». 1193. مسند ابن حنبل عن أم سلمة : صحیح مسلم _ به نقل از ابو هریره _ : پیامبر خدا فرمود : «دعای بنده ، همیشه مستجاب می شود تا زمانی که برای گناهی یا بُریدن پیوند خویشاوندی دعا نکند و تا زمانی که شتاب به خرج ندهد».

گفته شد : ای پیامبر خدا ! شتاب کردن چیست؟

فرمود : «بگوید : بارها دعا کردم و اجابتی ندیدم ، و خسته شود و دعا کردن را وانهد».

1194. مسند ابن حنبل عن شهر بن حوشب عن أم سلمة: مسند إسحاق بن راهويه عن أبي هريرة عن رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من أحد يدعو الله بشيء إلا استجاب له؛ إما أن يعجله وإما أن يكفر عنه من خطاياهم بمثل ما دعا، ما لم يدع يائماً أو قطيعاً رحيم، أو يستعجل.

قيل: يا رسول الله! وكيف يستعجل؟

قال: يقول: دعوت ربّي فلم يستجب لي، أو ما أغنيت شيئاً. (1) 1195. تاريخ دمشق عن شهر بن حوشب: الأدب المفرد عن أبي هريرة عن رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من مؤمن ينصب وجهه إلى الله يسأل مسألة، إلا أعطاه إياها، إما عجلها له في الدنيا، وإما ذخرها له في الآخرة، ما لم يعجل.

قالوا: يا رسول الله، وما عجلته؟

قال: يقول: دعوت ودعوت، ولا أراه يستجاب لي. (2) 1193. مسند ابن حنبل (به نقل از ام سلمه) رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يقول أحدكم: قد دعوت فلم يستجب لي. (3) 1194. مسند ابن حنبل (به نقل از شهر بن حوشب، از ام سلمه) الإمام الصادق عليه السلام: إن العبد إذا دعا، لم يزل الله تبارك وتعالى في حاجته ما لم يستعجل. (4) 1195. تاريخ دمشق (به نقل از شهر بن حوشب) الكافي عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام: لا يزال المؤمن بخير ورجاء رحمة من الله عز وجل ما لم يستعجل، فيقنط ويترك الدعاء.

قلت له: كيف يستعجل؟

قال: يقول: قد دعوت منذ كذا وكذا، وما أرى الإجابة. (5).

1- مسند إسحاق بن راهويه: ج 1 ص 321 ح 306.

2- الأدب المفرد: ص 213 ح 711، شعب الإيمان: ج 2 ص 47 ح 1126 نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 70 ح 3170.

3- حلية الأولياء: ج 7 ص 260 عن أنس.

4- الكافي: ج 2 ص 474 ح 1، عده الداعي: ص 141 كلاهما عن عبد العزيز الطويل، بحار الأنوار: ج 93 ص 373 ح 16.

5- الكافي: ج 2 ص 490 ح 8، عده الداعي: ص 188، مشكاة الأنوار: ص 144 ح 346 عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار:

ج 93 ص 374 ح 16.

1196. تاریخ دمشق عن عبد الله بن معین مولى أم سلمة عن (_ أنها قالت _) مسند اسحاق بن راهویه _ به نقل از ابو هریره _ : پیامبر خدا فرمود : «هیچ کس نیست که از خدا چیزی بخواهد ، مگر آن که خواسته اش را اجابت کند . یا در همین دنیا به او می دهد یا گناهانش را به مانند آنچه دعا کرده است ، از او می زداید ، به شرط آن که برای گناهی یا قطع رَحِم ، دعا نکرده باشد و یا [برای برآورده شدن دعایش] شتاب نوردد» .

گفته شد : ای پیامبر خدا ! چگونه شتاب می ورزد؟

فرمود : «بگوید : پروردگارم را خواندم ؛ اما اجابت نکرد ، یا نیازم برآورده نشد» . 1196. تاریخ دمشق (_ به نقل از عبد الله بن معین (غلام أم سلمه)) الأدب المفرد _ به نقل از ابو هریره _ : پیامبر خدا فرمود : «هیچ مؤمنی نیست که رو به درگاه خدا کند و چیزی بخواهد ، جز آن که خداوند ، عطایش می کند . یا در همین دنیا به او می دهد و یا آن را برای آخرتش ذخیره می کند ، به شرط آن که عجله نکند» .

گفتند : ای پیامبر خدا ! عجله کردنش چگونه است؟

فرمود : «بگوید : بارها دعا کردم ؛ اما گمان نمی کنم دعایم مستجاب شود» . 1197. المعجم الکبیر عن ابن لهیعة عن عمرو بن شعیب : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ یک از شما نگوید : دعا کردم و دعایم مستجاب نشد . 1198. رسول الله صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : هر گاه بنده دعا کند ، خداوند _ تبارک و تعالی _ پیوسته در کار حاجت او باشد ، به شرط آن که شتاب به خرج ندهد . 1199. الأملی للصدوق عن ابن عباس : الکافی _ به نقل از ابو بصیر _ : امام صادق علیه السلام فرمود : «مؤمن ، به لطف و رحمت خداوند عز و جل ، همواره در خیر و امید است تا زمانی که عجله نشان ندهد و نومید شود و دست از دعا بکشد» .

گفتم : چگونه عجله نشان می دهد؟

فرمود : «بگوید : مدت ها دعا کردم و اجابتی نمی بینم» . .

1197. المعجم الكبير (_ به نقل از ابن لُهيعة _) الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا عَجَلَ فِقَامَ لِحَاجَتِهِ ، يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى :
 أما يَعْلَمُ عَبْدِي أَنِّي أَنَا اللَّهُ الَّذِي أَقْضَى الْحَوَائِجَ . (1) 6 / 4 التَّكْلُفُ فِي السَّجْعِ 1200. رسول الله صلى الله عليه وآله : رسول الله صلى الله
 عليه وآله : إِيَّاكُمْ وَالسَّجْعَ فِي الدُّعَاءِ ، حَسْبُ أَحَدِكُمْ أَنْ يَقُولَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ وَعَمَلٍ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ
 وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ [أَوْ عَمَلٍ] (2) . (3) 1201. عنه صلى الله عليه وآله : صحيح البخارى عن ابن عباس : فَأَنْظِرِ السَّجْعَ مِنَ الدُّعَاءِ
 فَاجْتَنِبْهُ ؛ فَإِنِّي عَاهَدْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَصْحَابَهُ لَا يَفْعَلُونَ إِلَّا ذَلِكَ (4) . (5) 1202. عنه صلى الله عليه وآله (_ فِي الدُّعَاءِ
 لِأَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ _) مسند ابن حنبل عن عائشة _ لِابْنِ السَّائِبِ قَاصِّ أَهْلِ مَكَّةَ _ : اجْتَنِبِ السَّجْعَ مِنَ الدُّعَاءِ ؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَصْحَابَهُ كَانُوا لَا يَفْعَلُونَ ذَلِكَ . (6) .

- 1- .الكافي : ج 2 ص 474 ح 2 عن هشام بن سالم وحفص بن البختري وغيرهما ، عدّة الداعي : ص 141 ، الأمالى للطوسى : ص 664
 ح 1391 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 79 كلاهما عن هشام وليس فيهما «اللّه الذى» ، بحار الأنوار : ج 84 ص 249 ح 42 .
- 2- .سقط ما بين المعقوفين من المصدر وأثبتناه من شرح نهج البلاغة .
- 3- .ربيع الأبرار : ج 2 ص 229 ، شرح نهج البلاغة : ج 6 ص 196 وراجع إحياء علوم الدين : ج 1 ص 55 .
- 4- .قال البخارى بعد نقل الخبر : «يعنى : لا يفعلون إلا ذلك الاجتناب» .
- 5- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2334 ح 5978 .
- 6- .مسند ابن حنبل : ج 10 ص 39 ح 25878 ، المصنّف لابن أبى شيبة : ج 7 ص 23 ح 3 ، مسند أبى يعلى : ج 4 ص 285 ح 4458
 نحوه ، مسند إسحاق ابن راهويه : ج 3 ص 933 ح 1634 ، كنز العمال : ج 2 ص 628 ح 4938 .

6 / 4 تکلف در سجع پردازی

1203. عنه صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : بنده ، هر گاه عجله کند و از حاجت خواهی خود دست بکشد ، خداوند _ تبارک و تعالی _ می فرماید : « مگر بنده ام نمی داند من ، همان خدایی هستم که نیازها را برآورده می سازم؟! ». 6 / 4 تکلف در سجع پردازی 1201. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از سجع گویی در دعا پرهیزید . کافی است که هر یک از شما بگوید : « بار خدایا ! بهشت را و هر آن گفتار و کرداری را که بدان نزدیک می گردانند ، از تو درخواست می کنم و از آتش و هر آن گفتار و کرداری که موجب نزدیک شدن به آن می شود ، به تو پناه می برم » . 1202. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (_ در دعا برای اهل بیت علیهم السلام _) صحیح البخاری _ به نقل از ابن عباس _ : مراقب سجع گویی در دعا باش و از آن ، دوری کن ؛ زیرا من به یاد دارم که پیامبر خدا و یارانش جز این نمی کردند . (1) 1203. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مسند ابن حنبل _ به نقل از عایشه ، به ابن سائب (نقل گوی اهل مکّه) _ : از دعای مسجّع ، دوری کن ؛ زیرا پیامبر خدا و یارانش ، این کار را نمی کردند .

1- .بخاری ، بعد از نقل خبر می گوید : یعنی از مسجّع گویی دوری کردن .

سخنی درباره به کارگیری صنایع ادبی در دعا

سخنی درباره به کارگیری صنایع ادبی در دعا بررسی دعاهایی که از پیامبر خدا و اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده اند، (1) نشان می دهد که این دعاها نه تنها از نظر محتوا، سرشار از بلندترین مفاهیم معرفتی هستند، بلکه از نظر زیبایی و جذابیت الفاظ نیز منزلتی والا دارند و بسیاری از آنها از شاهکارهای ادبی صدر اسلام محسوب می شوند. اصولاً به کارگیری فنون و صنایع ادبی در ساختن الفاظ دعا، بر جاذبه آن می افزاید و موجب تقویت ارتباط بیشتر نیایشگر با خداوند متعال می گردد. از این رو، مقصود از نهی از به کارگیری سجع در دعا در احادیثی که ملاحظه شد - خود را به زحمت انداختن در بافتن الفاظ زیبا و تکلف در زیباسازی الفاظ، خصوصاً هنگام خواندن دعاست؛ چرا که خشوع را از نیایشگر سلب می کند و با روح دعا منافات دارد. محدث بزرگوار، فقیه و عالم ربّانی، ملا محسن فیض کاشانی در این باره می گوید: مقصود از سجع، کلام متکلفانه است؛ چرا که به کار بردن سجع، با

1- در بخش های بعدی کتاب، به این موضوع خواهیم پرداخت، إن شاء الله.

فروتنی و افتادگی سازگار نیست ، وگرنه در دعاهای نقل شده از پیامبر خدا، سخنان متوازن و آهنگین هست ؛ اما تکلف در آنها نیست ، مانند این دعا : «از تو درخواست امنیّت می کنم در روز وعده داده شده ، و بهشت می خواهم در روز جاویدان، به همراه مقربان و گواهان و رکوع و سجده کنندگان و وفاداران به پیمان ها ، که تو مهربان و دلسوزی و هر چه بخواهی می کنی» و امثال این سخنان . پس در دعا باید بر دعاهای مأثور ، اکتفا شود و یا با ناله و زاری و بدون سجع و تکلف ، درخواست شود . مهم ، این است که : در پیشگاه خداوند، زاری و ناله دوست داشتنی است . (1)

1- .المحجّة البيضاء : ج 2 ص 293 .

6 / 5 استيكتاؤ المطلوب 1206. صحيح ابن حبان (_ به نقل از ابو نهيك _) الإمام الباقر عليه السلام : لا تستكثروا شيئاً مما تطلبون ؛ فما عند الله أكثر مما تُقدرون . (1) 1207. دلائل النبوة لأبي نعيم عن أبي قرصافة صاحب رسول رسول الله صلى الله عليه وآله : يقول الله تعالى : يا عبادى كلُّكم ضالٌّ إلا من هديته ؛ فسَلوني الهدى أهدىكم ، وكلُّكم فقيرٌ إلا من أغنيته ؛ فسَلوني أرزقكم ، وكلُّكم مُذنبٌ إلا من عافيت ؛ فَمَنْ عَلِمَ مِنْكُمْ أَنِّي ذُو قُدْرَةٍ عَلَى الْمَغْفِرَةِ فَاسْتَغْفِرْنِي غَفَرْتُ لَهُ وَلَا أَبَالِي .

وَلَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ ، وَحَيِّكُمْ وَمَيِّتَكُمْ ، وَرَطْبَكُمْ وَيَابِسَكُمْ ، اجْتَمَعُوا عَلَى اتَّقَى قَلْبِ عَبْدٍ مِنْ عِبَادِي ، مَا زَادَ ذَلِكَ فِي مُلْكِي جَنَاحِ بَعُوضَةٍ !

وَلَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ ، وَحَيِّكُمْ وَمَيِّتَكُمْ ، وَرَطْبَكُمْ وَيَابِسَكُمْ ، اجْتَمَعُوا عَلَى أَشَقَى قَلْبِ عَبْدٍ مِنْ عِبَادِي ، مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِنْ مُلْكِي جَنَاحِ بَعُوضَةٍ !

وَلَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ ، وَحَيِّكُمْ وَمَيِّتَكُمْ ، وَرَطْبَكُمْ وَيَابِسَكُمْ ، اجْتَمَعُوا فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ ، فَسَأَلَ كُلُّ إِنْسَانٍ مِنْكُمْ مَا بَلَغَتْ أُمْنِيَّتُهُ ، فَأَعْطِيْتُ كُلَّ سَائِلٍ مِنْكُمْ ، مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِنْ مُلْكِي إِلَّا كَمَا لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ مَرَّ بِالْبَحْرِ فَعَمَسَ فِيهِ إِبْرَةً ثُمَّ رَفَعَهَا إِلَيْهِ ؛ ذَلِكَ بِأَنِّي جَوَادٌ مَا حِدُّ ، أَفَعَلُ مَا أُرِيدُ ، عَطَائِي كَلَامٌ ، وَعَذَابِي كَلَامٌ ، إِنَّمَا أَمْرِي لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْتُهُ أَنْ أَقُولَ لَهُ : كُنْ ، فَيَكُونُ . (2) 1207. دلائل النبوة ، ابو نعيم (_ به نقل از ابو قرصافه ، صحابي پیامبر خدا _) عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ : ... وَلَوْ أَنَّ قُلُوبَ عِبَادِي اجْتَمَعَتْ عَلَى قَلْبِ أَسْعَدِ عَبْدٍ لِي ، مَا زَادَ ذَلِكَ [فِي سُلْطَانِي جَنَاحِ بَعُوضَةٍ ، وَلَوْ أَنِّي أَعْطَيْتُ كُلَّ عَبْدٍ مَا سَأَلَنِي مَا كَانَ ذَلِكَ] (3) إِلَّا مِثْلَ إِبْرَةٍ جَاءَ بِهَا عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي فَعَمَسَ بِهَا فِي بَحْرِ ، وَذَلِكَ أَنَّ عَطَائِي كَلَامٌ ، وَعِدَّتِي كَلَامٌ ، وَإِنَّمَا أَقُولُ لِلشَّيْءِ : كُنْ فَيَكُونُ . (4) .

1- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 97 ح 2275 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 346 ح 9 .

2- .سنن الترمذی : ج 4 ص 656 ح 2495 ، سنن ابن ماجة : ج 2 ص 1422 ح 4257 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 85 ح 21425 كلها عن أبي ذرّ ، المعجم الأوسط : ج 7 ص 165 ح 7169 عن أبي موسى الأشعري وكلها نحوه ، كنز العمال : ج 15 ص 925 ح 43591 ؛ التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص 42 ح 19 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 293 ح 20 .

3- . ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار ، والظاهر أنه سقط من طبعة الأمالى المعتمدة لدينا .

4- .الأمالى للطوسى : ص 675 ح 1424 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 82 كلاهما عن الفضيل بن يسار عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 136 ح 48 .

6 / 5 بسیار شمردن خواسته

5 / 6 بسیار شمردن خواسته 1210. المعجم الكبير عن ابن عباس (_ في خبر زفاف فاطمة عليها السلام _) امام باقر عليه السلام: آنچه را می طلبد ، هرگز بسیار مپندارید ؛ زیرا آنچه نزد خداست ، بیش از آن است که شما می پندارید. 1208. المعجم الكبير (_ به نقل از ابو مریم غسانی _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدای متعال می فرماید : «ای بندگان من! همه شما در گم راهی هستید ، مگر آن کس که من هدایتش کنم . پس ، از من هدایت بخواهید تا هدایتتان کنم . و همه شما نیازمندید ، مگر آن کسی که من ، بی نیازش سازم . پس ، از من بخواهید تا روزی تان دهم . و همه شما گنهکارید ، مگر آن کس که من ، او را به سلامت دارم . پس هر آن کس از شما که دانست من بر آمرزیدن ، توانایم و از من آمرزش خواست ، او را می آمرزم و باکی ندارم .

اگر اولین و آخرین شما ، وزنده و مُرده تان ، و تر و خشکتان ، باتقواترین دل بنده ای از بندگان من شوند ، این ، به اندازه بال پشه ای بر مُلک من نمی افزاید .

و اگر اولین و آخرین شما ، وزنده و مُرده تان ، و تر و خشکتان ، شقی ترین دل بنده ای از بندگان من شوند ، این ، به اندازه بال پشه ای از مُلک من نمی کاهد. (1)

و اگر اولین و آخرین شما ، وزنده و مُرده تان ، و تر و خشکتان در یک بیابان گرد آیند و هر فردی از شما هر آرزویی دارد ، بخواهد و من ، آرزوهای هر یک از شما را برآورم ، این ، از مُلک من نمی کاهد ، مگر آن اندازه که اگر یکی از شما به دریایی رسد و سوزنی در آن فرود برد و بیرونش کشد . این ، از آن روست که من ، بخشنده ای بزرگوام . آنچه بخواهم ، انجام می دهم . دَهش من به گفتاری است و عذابم نیز به گفتاری . هر گاه چیزی را اراده کنم ، کافی است که به آن بگویم : «باش!» ، پس هست می شود. 1209. مسند ابن حنبل (_ به نقل از احنف _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند می فرماید : « ... اگر دل های بندگانم ، همه در دل خوش بخت ترین بنده ام جمع شوند (همه خلاق در توحید و تقوا یک دل شوند) ، این [به مقدار بال پشه ای بر سلطنت من نمی افزاید و اگر به هر بنده ای آنچه بخواهد ، عطا کنم ، این نباشد ،] مگر به مانند سوزنی که بنده ای از بندگانم بردارد و در دریایی فرود برد ؛ زیرا دَهش من ، به گفتاری است و وعده ام به گفتاری . به شیء می گویم : «باش!» ، پس هست می شود .

1210. المعجم الكبير (_ به نقل از ابن عباس ، در خبر زفاف فاطمه عليهاال) عنه صلى الله عليه وآله : أوحى الله إلى بعض أنبيائه : ... لو أن أهل سبع سماواتٍ وأرضين سألوني جميعاً فأعطيْتُ كُلَّ واحدٍ مِنْهُم مَسْأَلَتَهُ ، ما نَقَصَ ذلكَ مِنْ مُلْكِي مِثْلَ جناحِ بعوضةٍ ، وكيفَ ينقصُ ملكٌ أنا قِيَمُهُ؟! (1) 1211. الطبقات الكبرى عن أنس : عنه صلى الله عليه وآله : قالَ اللهُ تَبَارَكَ وتعالى : يا عبادى ، كُلُّكُمْ جائِعٌ إلا مَنْ أطعمتهُ ، فاستطعمونى أطعمكم . يا عبادى ، كُلُّكُمْ عارٍ إلا مَنْ كَسوتُهُ ، فاستكسونى أكسكم . يا عبادى ، إنَّكُمْ تُخطنونَ بالليلِ والنَّهارِ وأنا أغفرُ الذُّنوبَ جميعاً ، فاستغفرونى أغفر لَكُمْ . يا عبادى ، إنَّكُمْ لَنْ تَبْلُغوا صِدْرِي فَتَصُدُّرونى ، وَلَنْ تَبْلُغوا نَفْعِي فَتَنفَعونى . يا عبادى ، لو أنَّ أوَّلَكُمْ وآخرُكُمْ ، وإنَّسَكُمْ وجنَّتكم كانوا على أتقى قلبٍ رجُلٍ واحدٍ مِنْكُمْ ، ما زادَ ذلكَ فى مُلْكِي شَيْئاً . يا عبادى ، لو أنَّ أوَّلَكُمْ وآخرُكُمْ ، وإنَّسَكُمْ وجنَّتكم ، كانوا على أفجرِ قلبٍ رجُلٍ واحدٍ ، ما نَقَصَ ذلكَ مِنْ مُلْكِي شَيْئاً . يا عبادى ، لو أنَّ أوَّلَكُمْ وآخرُكُمْ ، وإنَّسَكُمْ وجنَّتكم قاموا فى صِدْعِي واحدٍ ، فسألونى فأعطيْتُ كُلَّ إنسانٍ مَسْأَلَتَهُ ، ما نَقَصَ ذلكَ مِمَّا عندى إلاَّ كما ينقصُ المِخيطُ إذا أُدخلَ البَحْرَ . يا عبادى ، إنَّما هى أعمالُكُمْ أحصيتها لَكُمْ ثُمَّ أوقِيكُمْ إياها ، فَمَنْ وَجَدَ خيراً فليحمدِ اللهَ ، وَمَنْ وَجَدَ غيرَ ذلكَ فلا يَلومَنَّ إلاَّ نَفْسَهُ . (2) .

-
- 1- . الأمالى للطوسى : ص 584 ح 1208 ، عدّة الداعى : ص 124 كلاهما عن محمد بن عبد الله بن علي بن الحسين عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 303 ح 39؛ كنز العمال : ج 6 ص 629 ح 17145 نقلاً عن ابن النجار نحوه .
- 2- . صحيح مسلم : ج 4 ص 1994 ح 55 ، الأدب المفرد : ص 149 ح 490 ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 269 ح 7606 ، السنن الكبرى : ج 6 ص 154 ح 11503 ، حلية الأولياء : ج 5 ص 125 ، تاريخ دمشق : ج 26 ص 138 ح 5511 كلّها عن أبى ذر نحوه ، كنز العمال : ج 15 ص 924 ح 43590 .

1212. الاستيعاب عن أم سليم: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند به یکی از پیامبرانش وحی فرمود: «... اگر اهل هفت آسمان و زمین، همگی، از من درخواست کنند و خواسته یکایک آنان را برآورم، این، به اندازه بال پشه ای از مُلک من نمی کاهد. چگونه مُلکی که من، مُلکدار آنم، کاهش می یابد؟!». 1213. الطبقات الكبرى عن عبایة بن رفاعة: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند _ تبارک و تعالی _ فرمود: «ای بندگان من! همه شما گرسنه اید، مگر آن کس که من سیرش کنم. پس، از من خوراک بخواهید تا شما را خوراک دهم.

ای بندگان من! همه شما برهنه اید، مگر آن کس که من بپوشانمش. پس از من پوشاک بخواهید تا شما را بپوشانم.

ای بندگان من! شما شب و روز گناه می کنید و من، همه گناهان را می آمرزم. پس، از من آمرزش بخواهید تا شما را بیامرزم.

ای بندگان من! شما را هرگز نرسد که به من زبانی برسانید و هرگز نرسد تا به من سودی برسانید.

ای بندگان من! اگر همه شما از آغاز تا انجامتان، و انس و جنّ شما، یکسره بانقواترین دل شوید، ذرّه ای این بر مُلک من نمی افزاید.

ای بندگان من! اگر همه شما از آغاز تا انجامتان، و انس و جنّ شما یکسره گنہکارترین دل شوید، این از مُلک من، ذرّه ای نمی کاهد.

ای بندگان من! اگر همه شما از اولین تا آخرینتان، و انس و جنّ شما همگی در یک بیابان گرد آید و از من، درخواست کنید و خواسته های یکایک افراد را عطا کنم، این از آنچه نزد من است، نمی کاهد مگر آن اندازه که سوزنی هر گاه در دریا فرو بُرده شود، از دریا می کاهد.

ای بندگان من! جز این نیست که من، از اعمال شما آمار می گیرم و سپس، پاداش آنها را کامل به شما می دهم. پس، هر که خیری یافت، باید خدا را سپاس گوید و هر که جز آن یافت، جز خویشتن را سرزنش نکند.

راجع: ص 186 (علو الهمة وعظم المسألة).

6 / 6 استصغار الحاجة 1214. الطبقات الكبرى عن عبد الله بن زيد بن عاصم: رسول الله صلى الله عليه وآله: لَيْسَ أَلْ أَحَدُكُمْ رَبُّهُ حَاجَتُهُ كُلُّهَا، حَتَّى يَسْأَلَ شَيْءَ نَعْلِهِ إِذَا انْقَطَعَ . (1) 1215. سنن النسائي عن أبي الحسن مولى أم قيس بنت محصن عن النبي صلى الله عليه وآله: لَيْسَ أَلْ أَحَدُكُمْ رَبُّهُ حَاجَتُهُ، حَتَّى يَسْأَلَ الْمَلْحَ، وَحَتَّى يَسْأَلَ شَيْءَ نَعْلِهِ إِذَا انْقَطَعَ . (2) 1214. الطبقات الكبرى (_ به نقل از عبد الله بن زيد بن عاصم _) عنه صلى الله عليه وآله: سَلُّوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مَا بَدَأَ لَكُمْ مِنْ حَوَائِجِكُمْ، حَتَّى شِئْتُمْ نَعْلَ أَحَدِكُمْ؛ فَإِنَّهُ إِنْ لَمْ يُسِّرْهُ لَمْ يَتَّيَسَّرْ . (3) 1215. سنن النسائي (_ به نقل از ابو الحسن (وابسته أم قيس، دختر محصن) عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ _ تَبَارَكَ وَتَعَالَى _ أَحَبُّ شَيْئًا لِنَفْسِهِ وَأَبْغَضُهُ لِخَلْقِهِ؛ أَبْغَضَ لِخَلْقِهِ الْمَسْأَلَةَ، وَأَحَبُّ لِنَفْسِهِ أَنْ يُسْأَلَ. وَلَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ، فَلَا يَسْتَحْيِي أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْأَلَ اللَّهَ وَلَوْ بِشَيْءٍ نَعْلٍ . (4) .

1- . سنن الترمذی (طبعة دار الفكر): ج 5 ص 349 ح 3623، صحيح ابن حبان: ج 3 ص 177 ح 894 و 895، مسند أبي يعلى: ج 3 ص 371 ح 3390، عمل اليوم والليلة لابن السني: ص 128 ح 354، كلها عن أنس، كنز العمال: ج 2 ص 65 ح 3139؛ مكارم الأخلاق: ج 2 ص 10 ح 1997، إرشاد القلوب: ص 148 وزاد في صدره «إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ وَتَعَالَى يَغْضَبُ إِذَا تَرَكَ سُؤَالَ»، بحار الأنوار: ج 93 ص 295 ح 23.

2- . سنن الترمذی (طبعة دار الفكر): ج 5 ص 349 ح 3624 عن ثابت البناني، كنز العمال: ج 2 ص 65 ح 3140.

3- . الفردوس: ج 2 ص 305 ح 3378 عن ابن عباس، مسند أبي يعلى: ج 4 ص 312 ح 4542 عن عائشة من دون إسناد إليه صلى الله عليه وآله، كنز العمال: ج 2 ص 66 ح 3142؛ مكارم الأخلاق: ج 2 ص 10 ح 1996، بحار الأنوار: ج 93 ص 295 ح 23.

4- . الكافي: ج 4 ص 20 ح 4 عن إبراهيم بن عثمان عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 70 ح 1755

6 / 6 کوچک شمردن حاجت

ر. ک: ص 187 (بلندی همت و بزرگی درخواست).

6 / 6 کوچک شمردن حاجت 1218. المعجم الكبير عن ملقاه بن التلب: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر یک از شما باید تمام حاجت هایش را از پروردگارش بخواهد، حتی بند کفشش را، هر گاه پاره شد، از او بخواهد. 1217. صحیح البخاری (به نقل از انس) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر یک از شما حاجتش را از پروردگارش بخواهد. حتی نمک از او بخواهد و حتی بند کفشش را، هر گاه پاره شد، از او درخواست کند. 1218. المعجم الكبير (به نقل از ملقاه بن تلب) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر حاجتی دارید، از خداوند عز و جل بخواهید، حتی بند کفش خود را؛ چرا که اگر خداوند برایش فراهم نکند، فراهم نمی شود. 1219. المعجم الكبير عن جریر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند - تبارک و تعالی - یک چیز را برای خودش دوست دارد و همان را برای خلقتش دشمن می دارد: درخواست شدن از خلقتش را دشمن می دارد و درخواست شدن از خودش را دوست می دارد. هیچ چیز نزد خداوند عز و جل محبوب تر از آن نیست که از او درخواست شود. پس، هیچ یک از شما شرم نکند از این که از خداوند، درخواست کند، حتی بند کفشی را.

1220. المعجم الكبير عن جعيل الأشجعي: عدّة الداعي: في الحديث القدسي: يا موسى، سلني كل ما تحتاج إليه، حتى علف شاتك، وملح عجنيك. (1) 1219. المعجم الكبير (به نقل از جرير) الإمام علي عليه السلام: إن الله - تبارك وتعالى - أخفى أربعة في أربعة: أخفى رضاه في طاعته؛ فلا تستصغرَنَّ شيئاً من طاعته؛ فربّما وافق رضاه وأنت لا تعلم، وأخفى سخطه في معصيته؛ فلا تستصغرَنَّ شيئاً من معصيته؛ فربّما وافق سخطه معصيته وأنت لا تعلم، وأخفى إجابته في دعوته؛ فلا تستصغرَنَّ شيئاً من دعائه؛ فربّما وافق إجابته وأنت لا تعلم، وأخفى وليه في عباده؛ فلا تستصغرَنَّ عبداً من عبيد الله؛ فربّما يكون وليه وأنت لا تعلم. (2) 1220. المعجم الكبير (به نقل از جعيل اشجعي) الإمام الباقر عليه السلام: لا تحقروا صغيراً من حوائجكم؛ فإنَّ أحبَّ المؤمنين إلى الله تعالى أسألهم. (3) 1221. الإمام الصادق عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: عليكم بالدعاء؛ فإنكم لا تقرّبون بمثله، ولا تتركوا صغيرة لصغرها أن تدعوا بها، إنَّ صاحب الصغار هو صاحب الكبار. (4).

-
- 1- عدّة الداعي: ص 123، المجتبي: ص 6، بحار الأنوار: ج 93 ص 303 ح 39.
 - 2- الخصال: ص 209 ح 31، كمال الدين: ص 296 ح 4، معاني الأخبار: ص 112 ح 1 كلّها عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 93 ص 363 ح 4.
 - 3- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 97 ح 2275، بحار الأنوار: ج 93 ص 346 ح 9.
 - 4- الكافي: ج 2 ص 467 ح 6، الأمالي للمفيد: ص 20 ح 9 وفيه «تسلوها» بدل «تدعو بها» وكلاهما عن سيف التمار، عدّة الداعي: ص 123 وفيه «إلى الله بمثله» بدل «بمثله»، بحار الأنوار: ج 93 ص 303 ح 39.

1222. تاریخ دمشق عن حذيفة: عدّة الداعي: در حدیث قدسی آمده است: «ای موسی! هر آنچه را که بدان نیاز داری، از من بخواه، حتی علوفه گوسفند و نمک خمیرت را». 1221. امام صادق علیه السلام: امام علی علیه السلام: خداوند _ تبارک و تعالی _ چهار چیز را در دلِ چهار چیز، نهان ساخته است: خشنودی اش را در طاعتش نهان ساخته است. پس، زنهار که چیزی از طاعت او را کوچک بشمارید؛ زیرا چه بسا خشنودی او در همان باشد و تو نمی دانی.

ناخشنودی اش را در معصیتش نهان ساخته است. پس، زنهار که چیزی از معصیت او را کوچک بشمارید؛ زیرا ای بسا ناخشنودی او در همان باشد و تو نمی دانی.

اجابتش را در دعای از خود، نهان ساخته است. پس، زنهار که چیزی از دعا به درگاهش را کوچک بشمارید؛ زیرا ای بسا اجابت او در همان باشد و تو نمی دانی.

و ولیّ اش را در میان بندگانش نهان ساخته است. پس، زنهار که هیچ بنده ای از بندگان خدا را کوچک بشمارید؛ زیرا ای بسا همو ولیّ او باشد و تو نمی دانی. 1222. تاریخ دمشق (_ به نقل از حذیفه _) امام باقر علیه السلام: حاجت های خُرد خویش را هم حقیر بشمارید؛ چرا که محبوب ترین مؤمنان نزد خداوند متعال، پُرخواهش ترین آنهاست. 1223. أسد الغابة عن نهشل بن حسان بن شدّاد عن أبيه: امام صادق علیه السلام: تا می توانید دعا کنید؛ چرا که شما با هیچ چیز مانند دعا به خدا نزدیک نمی شوید. هیچ دعای کوچکی را به خاطر کوچک بودنش، ترک نکنید؛ زیرا آن که حاجت های کوچک به دست اوست، همان است که حاجت های

بزرگ در دستش است. .

6 / 7 تَعْلِيمُ اللَّهِ مَصْلَحَتَهُ 1226. أسد الغابة (_ فِي ذِكْرِ حُلَيْسِ بْنِ زَيْدٍ _) رسول الله صلى الله عليه وآله : قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : يَا بَنَ آدَمَ ، أَطِيعْنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ ، وَلَا تُعَلِّمْنِي مَا يُصْلِحُكَ . (1) 1223. أسد الغابة (_ بِهِ نَقَلَ مِنْ نَهْشَلِ بْنِ حَسَّانِ بْنِ شَدَّادٍ ، مِنْ إِسْنَادِ أَبِي إِسْمَاعِيلَ) قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : يَا عِبَادِي ، أَطِيعُونِي فِيمَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ ، وَلَا تُعَلِّمُونِي بِمَا يُصْلِحُكُمْ ؛ فَإِنِّي أَعْلَمُ بِهِ ، وَلَا أَبْخُلُ عَلَيْكُمْ بِمَصَالِحِكُمْ . (2) 1224. السنن الكبرى (_ بِهِ نَقَلَ مِنْ زِيَادِ بْنِ حُصَيْنٍ _) الإمام الصادق عليه السلام : فَضَاءَ الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ وَأَسْبَابُهَا _ بَعْدَ اللَّهِ _ الْعِبَادُ تَجْرِي عَلَى أَيْدِيهِمْ ؛ فَمَا قَضَى اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ فَاقْبَلُوا مِنَ اللَّهِ بِالشُّكْرِ ، وَمَا زَوَى عَنْكُمْ مِنْهَا فَاقْبَلُوهُ عَنِ اللَّهِ بِالرِّضَا وَالتَّسْلِيمِ وَالصَّبْرِ ، فَعَسَى أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ خَيْرًا لَكُمْ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ أَعْلَمُ بِمَا يُصْلِحُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ . (3) 6 / 8 طَلَبُ الْمَوْتِ 1227. مسند ابن حنبل عن ذِيَالِ بْنِ عَتَبَةَ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ جَدِّهِ حِرْسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا يَتَمَنَّيَنَّ أَحَدُكُمْ الْمَوْتَ لِضُرِّ نَزَلَ بِهِ ، فَإِنْ كَانَ لِأَبَدٍ مُتَمَنَّيًّا لِلْمَوْتِ فَلْيَقُلْ : اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مَا كَانَتْ الْحَيَاةُ خَيْرًا لِي ، وَتَوَقَّئِي إِذَا كَانَتْ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِي . (4) .

- 1- .الخصال : ص 4 ح 8 ، الأمالى للصدوق : ص 398 ح 513 عن وهب بن وهب عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 85 ص 319 ح 3؛ ربيع الأبرار : ج 4 ص 373 من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه وآله وفيه «في التوراة : يا بن آدم ...» . وراجع : قرب الإسناد : ص 118 ح 413 .
- 2- .عدّة الداعى : ص 31 ، إرشاد القلوب : ص 152 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 108 ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص 327 ح 176 وفيهما «اعبدوني» بدل «أطيعوني» ، بحار الأنوار : ج 71 ص 184 ح 44 .
- 3- .تحف العقول : ص 365 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 248 ح 82 .
- 4- .صحيح البخارى : ج 5 ص 2337 ح 5990 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2064 ح 10 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1425 ح 4265 ، سنن النسائي : ج 4 ص 3 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 529 ح 6565 نحوه وكلها عن أنس ، كنز العمال : ج 2 ص 93 ح 3296؛ بحار الأنوار : ج 82 ص 176 ح 16 نقلاً عن منتهى المطلب .

6 / 7 مصلحتِ آموختن به خدا

6 / 8 درخواست مرگ

6 / 7 مصلحتِ آموختن به خدا 1228. الثقات: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند _ تبارک و تعالی _ فرموده است : «ای فرزند آدم! مرا در فرمانی که به تو داده ام ، اطاعت کن و صلاحِ کار خود را به من نیاموز.» 1229. دلائل النبوة للبيهقي عن عطاء مولى السائب: امام علی علیه السلام : خداوند عز و جل از فرازِ عرش خود فرمود : «بندگان من! مرا در آنچه به شما فرمانش داده ام ، اطاعت کنید و به من نیاموزید که چه چیز به صلاحِ شماست ؛ زیرا من به آن داناترم و آنچه را به صلاحِ شماست ، از شما دریغ نمی ورزم.» 1230. صحیح البخاری عن السائب بن یزید : امام صادق علیه السلام : برآورده شدن حاجت ها در اختیار خداست و اسباب آن ، بعد از خداوند ، بندگان هستند که به دست آنها اجرا می شود . پس ، هر حاجتی را که خداوند برآورد ، سپاس گزارانه از خداوند بپذیرید و آنچه برآورده نساخت ، آن را نیز با رضایت و تسلیم و صبر ، از او بپذیرید ؛ زیرا بسا این برای شما بهتر است ؛ چرا که خداوند ، به صلاحِ کار شما داناتر است و شما نمی دانید. 6 / 8 درخواست مرگ 1230. صحیح البخاری (_ به نقل از سائب بن یزید _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مبادا کسی از شما به خاطر گرفتاری ای که به او رسیده است ، تمتّای مرگ کند ، و اگر ناچار شد تمتّای مرگ کند ، بگوید : «بار خدایا ! تا زمانی که زندگی برای من خیر است ، مرا زنده بدار و هر گاه خیرِ من در مرگ بود ، مرا بمیران» .

1231. امام باقر عليه السلام: عنه صلى الله عليه وآله: لا يَتَمَنَّيَنَّ أَحَدُكُمْ الْمَوْتَ؛ إِمَّا مُحْسِنًا فَلَعَلَّهُ أَنْ يَزِدَادَ خَيْرًا، وَإِمَّا مُسِينًا فَلَعَلَّهُ أَنْ يَسْتَعْتَبَ (1). (2) 1232. الأماليل للصدوق عن ابن عباس (_ في حَدِيثٍ طَوِيلٍ يَذْكُرُ فِيهِ وَفَاةَ النَّبِيِّ) عنه صلى الله عليه وآله: لا تَمَنَّوْا الْمَوْتَ؛ فَإِنَّهُ يَقَطِّعُ الْعَمَلَ، وَلَا يُرِدُّ الرَّجُلُ فَيَسْتَعْتَبَ. (3) 1232. الأمالى، صدوق (_ به نقل از ابن عباس، در حدیثی طولانی در یاد کر) عنه صلى الله عليه وآله: لا يَتَمَنَّي أَحَدُكُمْ الْمَوْتَ، وَلَا يَدْعُو بِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُ؛ إِنَّهُ إِذَا مَاتَ أَحَدُكُمْ انْقَطَعَ عَمَلُهُ عَنْهُ، وَإِنَّهُ لَا يَزِيدُ الْمُؤْمِنَ عُمُرَهُ إِلَّا خَيْرًا. (4) 1233. المناقب لابن شهر آشوب: عنه صلى الله عليه وآله: لا تَمَنَّوْا الْمَوْتَ؛ فَإِنَّ هَوْلَ الْمُطَّلَعِ شَدِيدٌ، وَإِنَّ مِنَ السَّعَادَةِ أَنْ يَطُولَ عُمُرُ الْعَبْدِ، وَيَرْزُقَهُ اللَّهُ الْإِنَابَةَ. (5) 1234. سنن الترمذى عن ابن عباس: عنه صلى الله عليه وآله: لا يَتَمَنَّي أَحَدُكُمْ الْمَوْتَ؛ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَا قَدَّمَ لِنَفْسِهِ. (6) 1233. المناقب، ابن شهر آشوب: عنه صلى الله عليه وآله: لا تَمَنَّي الْمَوْتَ؛ فَإِنَّ كُنْتَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَالْبَقَاءُ خَيْرٌ لَكَ، وَإِنْ كُنْتَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَمَا يُعْجِلُكَ إِلَيْهَا. (7) 1234. سنن الترمذى (_ به نقل از ابن عباس _) صحيح البخارى عن قيس: أَتَيْتُ خَبَابًا _ وَقَدْ اكْتَوَى سَبْعًا فِي بَطْنِهِ _ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: لَوْلَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، نَهَانَا أَنْ نَدْعُو بِالْمَوْتِ لَدَعَوْتُ بِهِ. (8).

- 1- أى يرجع عن الإساءة ويطلب الرضا. واستعتب: طلب أن يرضى عنه (النهاية: ج 3 ص 175 «عتب»).
- 2- صحيح البخارى: ج 5 ص 2147 ح 5349، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 83 ح 7581، سنن النسائى: ج 4 ص 2 كلها عن أبى هريرة، كنز العمال: ج 15 ص 553 ح 42146.
- 3- المعجم الكبير: ج 18 ص 34 ح 57 عن عابس الغفارى، كنز العمال: ج 15 ص 553 ح 42147.
- 4- السنن الكبرى: ج 3 ص 529 ح 6564، صحيح مسلم: ج 4 ص 2065 ح 2682، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 263 ح 8615 كلها عن أبى هريرة، كنز العمال: ج 2 ص 93 ح 3294.
- 5- مسند ابن حنبل: ج 5 ص 87 ح 14570، الزهد لابن حنبل: ص 29، شُعب الإيمان: ج 7 ص 362 ح 10589 كلها عن جابر بن عبد الله، كنز العمال: ج 15 ص 554 ح 42149؛ الدعوات: ص 122 ح 297 وزاد فى آخره «إلى دار الخلود»، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 7، بحار الأنوار: ج 6 ص 138 ح 45.
- 6- تاريخ بغداد: ج 6 ص 125 عن ابن عباس، كنز العمال: ج 15 ص 555 ح 42154.
- 7- كنز العمال: ج 15 ص 553 ح 42148 نقلاً عن المروزى فى الجنائز عن القاسم مولى معاوية.
- 8- صحيح البخارى: ج 5 ص 2337 ح 5989 و ص 2362 ح 6066 و ج 6 ص 2643 ح 6807، صحيح مسلم ج 4 ص 2064 ح 12 وفيه «سبع كيات»، مسند ابن حنبل: ج 7 ص 451 ح 21116 و ص 456 ح 21136 و ج 10 ص 347 ح 27285، السنن الكبرى: ج 3 ص 528 ح 6562 نحوه.

1235. الإصابة عن ابن عمر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ یک از شما نباید تمنای مرگ کند؛ زیرا اگر نیکوکار است، شاید که بیشتر نیکی کند و اگر بدکار است، شاید که از بدی دست بشوید». 1236. المعجم الأوسط عن ابن عباس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آرزوی مرگ نکنید؛ زیرا با مُردن، عمل به پایان می رسد و انسان [به دنیا] بازگردانده نمی شود تا توبه کند و رضایت خداوند را به دست آورد. 1237. المعجم الكبير عن عبد الله بن مسعود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ یک از شما آرزوی مرگ نکند و پیش از آمدنش آن را نخواند؛ زیرا با مُردن هر یک از شما، رشته عملش قطع می شود، و عمر مؤمن، برای او جز خیر نمی افزاید. 1238. مسند ابن حنبل عن ابن مسعود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مرگ را تمنا نکنید؛ چرا که صحنه قیامت، سخت و وحشتناک است. این از سعادت است که عمر بنده طولانی شود و خداوند، توبه را روزی او کند. 1235. الإصابة (_ به نقل از ابن عمر _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ یک از شما درخواست مرگ نکند؛ زیرا نمی داند چه برای [آخرت] خود فرستاده است. 1236. المعجم الأوسط (_ به نقل از ابن عباس _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آرزوی مرگ نکن؛ چرا که اگر اهل بهشت باشی، زنده ماندن برایت بهتر است و اگر از اهل دوزخ باشی، چرا برای آن شتاب می کنی؟ 1237. المعجم الكبير (_ به نقل از عبد الله بن مسعود _) صحیح البخاری _ به نقل از قیس _: به دیدن خَبَاب _ که هفت مرتبه شکمش را داغ نهاده بود (1) _ رفتم. شنیدم که می گوید: اگر نبود که پیامبر صلی الله علیه و آله ما را از تمنای مرگ نهی فرمود، هر آینه از خدا مرگم را می خواستم.

1- در گذشته برای درمان برخی امراض و یا جلوگیری از خون ریزی، نقطه ای از بدن داغ زده می شد. در کتاب شرح معانی الآثار، احمد بن سلمه، بابتی زیر عنوان باب (الکئی) وهل هو مکروه أم لا؟ باز کرده و روایات مربوط به درمان با داغ کردن را آورده است (شرح معانی الآثار: 4 / 320).

1238. مسند ابن حنبل (_ به نقل از ابن مسعود _) مسند ابن حنبل عن أم الفضل: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَخَلَ عَلَى الْعَبَّاسِ وَهُوَ يَشْتَكِي، فَتَمَنَّى الْمَوْتَ، فَقَالَ [النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ]: يَا عَبَّاسُ، يَا عَمَّ رَسُولَ اللَّهِ، لَا تَتَمَنَّ الْمَوْتَ، إِنْ كُنْتَ مُحْسِنًا تَزِدَادُ إِحْسَانًا إِلَى إِحْسَانِكَ خَيْرٌ لَكَ، وَإِنْ كُنْتَ مُسِيئًا فَأَنْ تُؤَخَّرَ تَسْتَعْتَبُ خَيْرٌ لَكَ، فَلَا تَتَمَنَّ الْمَوْتَ. (1) 1239. أسد الغابة عن زيد بن أسلم عن رجل حدّثه: مسند ابن حنبل عن أبي أمامة: جَلَسْنَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَذَكَّرْنَا وَرَفَّقْنَا، فَبَكَى سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ فَأَكْثَرَ الْبُكَاءَ، فَقَالَ: يَا لَيْتَنِي مِتُّ.

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا سَعْدُ، أَعِنْدِي تَتَمَنَّى الْمَوْتَ؟! فَرَدَّدَ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ قَالَ: يَا سَعْدُ، إِنْ كُنْتَ خُلِقْتَ لِلْجَنَّةِ، فَمَا طَالَ عَمْرُكَ أَوْ حَسَنَ مِنْ عَمَلِكَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ. (2) 1240. رسول الله صلى الله عليه وآله: المستدرک عن الحسن: قَالَ الْحَكَمُ بْنُ عَمْرٍو الْغِفَارِيُّ: يَا طَاعُونَ خُذْنِي إِلَيْكَ! فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: لِمَ تَقُولُ هَذَا، وَقَدْ سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: لَا يَتَمَنَّيَنَّ أَحَدُكُمْ الْمَوْتَ لِيُصْرَّ نَزَلَ بِهِ؟

قَالَ: قَدْ سَمِعْتُ مَا سَمِعْتُمْ، وَلَكِنِّي أَبَادِرُ سَيِّئًا: بَيْعُ الْحُكْمِ (3)، وَكَثْرَةُ الشَّرْطِ (4)، وَإِمَارَةُ الصَّبِيَّانِ، وَسَفْكَ الدِّمَاءِ، وَقَطِيعَةُ الرَّجِمِ، وَنَشْوَا (5) يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يَتَّخِذُونَ الْقُرْآنَ مَزَامِيرَ. (6).

- 1- مسند ابن حنبل: ج 10 ص 256 ح 26938، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 489 ح 1254، مسند أبي يعلى: ج 6 ص 310 ح 7040 نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 555 ح 42156؛ الأمالى للطوسى: ص 385 ح 837 ولم يذكر فيه اسم العباس عم النبي صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 6 ص 128 ح 16.
- 2- مسند ابن حنبل: ج 8 ص 304 ح 22356، المعجم الكبير: ج 8 ص 217 ح 7870، تاريخ دمشق: ج 20 ص 337 ح 4690، كنز العمال: ج 15 ص 555 ح 42155.
- 3- قال المناوى: بَيْعُ الْحُكْمِ بأخذ الرشوة عليه، فالمراد به هنا معناه اللغوى، وهو مقابلة شىء بشىء (فيض القدير: ج 3 ص 253).
- 4- جمع شرطى.
- 5- جمع ناشئ كخادم وخدم. يريد جماعة أحداثا (النهاية: ج 5 ص 51 «نشأ»).
- 6- المستدرک على الصحيحين: ج 3 ص 501 ح 5871، كنز العمال: ج 11 ص 234 ح 31356 وراجع مسند ابن حنبل: ج 9 ص 252 ح 24025 والمعجم الكبير: ج 18 ص 36 ح 60 و 61.

1241. سنن الترمذی عن أبي ليبيد عن عروة البارقي، قال: مسند ابن حنبل_ به نقل از أم فضل_: پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدن عبّاس _ که بیمار بود _ رفت . او آرزوی مرگ کرد . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای عبّاس، ای عموی پیامبر خدا! آرزوی مرگ مکن . اگر نیکوکار باشی، بر نیکوکاری خویش می افزایی و این، برای تو بهتر است، و اگر گنهکار باشی، چنانچه بیشتر زنده بمانی تا توبه کنی و گناهانت را جبران کنی، باز برایت بهتر است . پس، آرزوی مرگ نکن.» 1239. أسد الغابة: مسند ابن حنبل_ به نقل از ابو أمامه _: خدمت پیامبر خدا نشستیم . ایشان، ما را اندرز داد [و از خدا و آخرت یاد کرد] و ما منقلب شدیم . سعد بن ابی وقاص به گریه افتاد و بسیار گریست و گفت: کاش مُرده بودم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای سعد! در حضور من، تمنّای مرگ می کنی؟!» و این جمله را سه بار تکرار کرد . سپس فرمود: «ای سعد! اگر برای بهشت آفریده شده باشی، پس چنانچه عمرت طولانی باشد و کردار نیک کنی، این برایت بهتر است.» 1240. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: المستدرک_ به نقل از حسن (1) _: حکم بن عمرو غفاری گفت: الهی طاعون بگیرم!

مردی از میان جمع گفت: چرا این را می گویی، در حالی که من از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید: «هیچ یک از شما به خاطر گزندی که به او رسیده نباید آرزوی مرگ کند».

حکم گفت: من هم آنچه را شما شنیده اید، شنیدم؛ لیکن می خواهم شش چیز را نبینم: فروختن حکم (2) [الهی]، فراوانی گز مه ها، فرمان روایی کودکان، ریختن خون ها، بُریدن پیوندهای خویشاوندی، و نوجوانانی که در آخر زمان می آیند و قرآن را به آواز می خوانند.

1- مقصود، امام حسن علیه السلام یا حسن بصری است .

2- مناوی می گوید: مقصود، فروختن حکم با رشوه (رشوه گرفتن در قضاوت) است.

1241. سنن الترمذی (به نقل از ابو لبيد _) الإمام الكاظم عليه السلام : جاء رجل إلى الصادق عليه السلام فقال : قد سميت الدنيا ، فَأَتَمَّنِي عَلَى اللَّهِ الْمَوْتَ ؟

فَقَالَ : تَمَمَّ الْحَيَاةَ لِتُطِيعَ لَا لِتَعْصِيَ ، فَلَأَنْ تَعِيشَ فَتُطِيعَ خَيْرٌ لَكَ مِنْ أَنْ تَمُوتَ فَلَا تَعْصِيَ وَلَا تُطِيعَ . (1) 1242. التوكّل على الله لابن أبي الدنيا عن عمران بن حصيعة عليه السلام : سَمِعَ موسى عليه السلام رجلاً يَتَمَنَّي الْمَوْتَ ، فَقَالَ : هَلْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ قَرَابَةٌ يُحَايِيكَ (2) بِهَا ؟ قَالَ : لَا . قَالَ : فَهَلْ لَكَ حَسَنَاتٌ قَدَّمْتَهَا تَزِيدُ عَلَى سَيِّئَاتِكَ ؟ قَالَ : لَا . قَالَ : فَأَنْتَ إِذَا تَمَمَّتْ هَلَكَ الْأَبَدُ . (3) 6 / 9 الدُّعَاءُ لِمَا لَا يَكُونُ وَلَا يَحِلُّ 1243. المصنّف ، ابن أبي شيبه (به نقل از يونس بن سلمان ، از جدّش _) الإمام على عليه السلام : يا صاحب الدعاء ، لا تَسْأَلْ عَمَّا لَا يَكُونُ وَلَا يَحِلُّ . (4) 1244. المعجم الكبير عن سعيد بن عثمان البلوي عن جدّته : الإمام الحسين عليه السلام : بينا أمير المؤمنين عليه السلام ذات يوم جالس مع أصحابه... فَقَالَ لَهُ زَيْدُ بْنُ صُوحَانَ الْعَبْدِيُّ : ... أَيُّ دَعْوَةٍ أَضَلُّ ؟ قَالَ : الدَّاعِي بِمَا لَا يَكُونُ . (5) .

- 1- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 3 ح 3 عن أحمد بن الحسن الحسيني عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 6 ص 128 ح 15 .
- 2- حبابه محابة : نصره واختصّه ومال إليه (القاموس المحيط : ج 4 ص 315 «حبا»).
- 3- نثر الدرّ : ج 1 ص 360 ، كشف الغمّة : ج 3 ص 42 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 327 ح 5 .
- 4- الخصال : ص 635 ح 10 عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 123 ، عدّة الداعي : ص 140 وفيهما «ما لا يكون» بدل «عمّا لا يكون» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 324 ح 1 .
- 5- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 381 ح 5833 ، معاني الأخبار : ص 198 ح 4 ، الأمل لللطوسي : ص 435 ح 974 ، الأمل للصديق : ص 478 ح 644 كلّها عن عبد الله بن بكر المرادي عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عن الإمام زين العابدين عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 324 ح 2 ؛ دستور معالم الحكم : ص 84 من دون إسنادٍ إلى الإمام الحسين عليه السلام .

6 / 9 دعا برای چیزهای ناشدنی و ناروا

1245. الخرائج والجرائح: امام کاظم علیه السلام: مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: از دنیا بیزار شده ام. آیا می توانم از خداوند، مرگم را آرزو کنم؟

فرمود: «زندگی را آرزو کن تا طاعت کنی، نه برای این که معصیت کنی؛ زیرا زنده باشی و طاعت کنی، برایت بهتر از آن است که بمیری و نه معصیت کنی و نه طاعت». 1244. المعجم الکبیر: امام کاظم علیه السلام: موسی علیه السلام شنید که مردی تمنای مرگ می کند. فرمود: «آیا میان تو و خداوند، خویشی ای هست که از تو پشتیبانی کند؟».

گفت: نه.

فرمود: «آیا کارهای خوبی برای آخرت پیش فرستاده ای که از بدی هایت بیشتر باشد؟».

گفت: نه.

فرمود: «پس، با این حساب، تو هلاکت ابدی را تمنا می کنی». 6 / 9 دعا برای چیزهای ناشدنی و ناروا 1247. المعجم الکبیر عن عمر عن أبيه قتادة بن النعمان، قامام علی علیه السلام: ای کسی که دعا می کنی! آنچه را ناشدنی و نارواست، درخواست مکن. 1246. التاريخ الکبیر (_ به نقل از قتاده _) امام حسین علیه السلام: روزی امیر مؤمنان با یارانش نشسته بود... که زید بن صوحان عبدی از ایشان پرسید: ... کدام دعا، بی اثرتر است؟

فرمود: «کسی که برای آنچه ناشدنی است، دعا کند».

6 / 10 الدُّعَاءُ عَلَى النَّفْسِ 1249. الغيبة للطوسي عن أبي حاتم السجستاني (_ فِي ذِكْرِ التَّابِعَةِ الْجَعْدِيِّ _) رسول الله صلى الله عليه وآله
: لا تدعوا على أنفسكم إلا بخير؛ فإن الملائكة يؤمنون على ما تقولون . (1).

1- . صحيح مسلم : ج 2 ص 634 ح 7 ، سنن أبي داود : ج 3 ص 191 ح 3118 ، مسند ابن حنبل : ج 10 ص 185 ح 26605 كلَّها
عن أم سلمة ، كنز العمال : ج 2 ص 93 ح 3291 .

6 / 10 نفرین به خود

6 / 10 نفرین به خود 1250. الطبقات الكبرى عن خالد بن يزيد بن عبدالرحمن بن أ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای خود، جز دعای خیر نکنید؛ چرا که فرشتگان، بر آنچه بگویید، «آمین» می گویند.

الباب السابع: أفضل الأوقات للدعاء 7 / 1 ليلة القدر 1253. رسول الله صلى الله عليه وآله: رسول الله صلى الله عليه وآله: يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاوَاتِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ. (1) 1251. قصص الأنبياء (به نقل از وائل بن حجر _) الكافي عن الفضيل بن يسار: كان أبو جعفر عليه السلام إذا كانت ليلة إحدى وعشرين وليلة ثلاث وعشرين [من شهر رمضان] ، أخذ في الدعاء حتى يزول الليل ، فإذا زال الليل صلى . (2) راجع : شهر الله في الكتاب والسنة : القسم الرابع / الفصل الثالث : آداب ليلة القدر المشتركة / الدعاء .

7 / 2 ليلة النصف من شعبان 1255. صحيح مسلم عن عبد الله بن عمرو بن العاص: الإمام الصادق عليه السلام: سئل الباقر عليه السلام عن فضل ليلة النصف من شعبان ، فقال : هي أفضل ليلة بعد ليلة القدر ، فيها يمنح الله تعالى العباد فضله ، ويغفر لهم بمنه ، فاجتهدوا في القربة إلى الله تعالى فيها ؛ فإنها ليلة آلى الله على نفسه أن لا يرّد سائلاً له فيها ، ما لم يسأل معصيةً ، وإنها الليلة التي جعلها الله لنا أهل البيت ، بإزاء ما جعل ليلة القدر لنبينا صلى الله عليه وآله .

فاجتهدوا في الدعاء والثناء على الله عز وجل ؛ فإنه من سبّح الله تعالى فيها مئة مرة ، وحمده مئة مرة ، وكبره مئة مرة غفر الله تعالى له ما سلف من معاصيه ، وقضى له حوائج الدنيا والآخرة ؛ ما تمسسه منه ، وما علم حاجته إليه وإن لم يلتسه منه ، كرماً منه تعالى وتفضلاً على عباده . (3) .

1- الإقبال : ج 1 ص 345 .

2- الكافي : ج 4 ص 155 ح 5 ، الخصال : ص 519 ح 5 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 16 ح 29 .

3- الأمالى للطوسى : ص 297 ح 583 ، مصباح المتهجد : ص 831 ، الإقبال : ج 3 ص 315 كلها عن أبي يحيى ، بحار الأنوار : ج 97 ص 85 ح 5 .

باب هفتم : بهترین اوقات برای دعا**1 / 7 شب قدر****2 / 7 شب نیمه شعبان**

باب هفتم : بهترین اوقات برای دعا 1 / 7 شب قدر 1256. امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در شب قدر ، درهای آسمان ها گشوده می شود . 1257. رسول الله صلی الله علیه و آله : الکافی_ به نقل از فضیل بن یسار_ : چون شب بیستم و یکم و بیست و سوم [ماه رمضان] می شد ، امام باقر علیه السلام تا زوال شب ، دعا می خواند و شب که به نیمه می رسید ، نماز می خواند. ر . ک : ماه خدا : بخش چهارم / فصل سوم : آداب مشترک شب قدر / دعا .

2 / 7 شب نیمه شعبان 1261. رسول الله صلی الله علیه و آله (_ لَمَّا كَانَ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ ، وَهُ) امام صادق علیه السلام : از امام باقر علیه السلام درباره فضیلت شب نیمه شعبان سؤال شد . فرمود : «آن شب ، بافضیلت ترین شب بعد از شب قدر است . در این شب ، خداوند متعال ، فضل خویش را به بندگان می بخشد و به لطف خود ، آنان را می آمرزد . پس ، در این شب برای نزدیک شدن به خدای متعال بکوشید ؛ زیرا خداوند با خود عهد کرده است که در این شب ، هیچ درخواست کننده ای را رد نکند ، به شرط آن که معصیتی را درخواست نکند .

این شب را خداوند ، به ازای شب قدر که برای پیامبران قرار داده ، برای ما اهل بیت قرار داده است . پس ، در دعا و ثنای خداوند عز و جل بکوشید ؛ چرا که هر کس در این شب ، صد مرتبه تسبیح ، صد مرتبه حمد و صد مرتبه تکبیر خداوند متعال را بگوید ، خدای متعال ، گناهان گذشته اش را می آمرزد و آنچه از حوایج دنیا و آخرت از او بطلبد ، و آن حاجت هایش را هم که خدا می داند ، اگرچه از او درخواست نکرده باشد ، از سرِ کرم و تفضل بر بندگانش ، برآورده می سازد» .

1262. الخرائج والجرائح: رسول الله صلى الله عليه وآله: كُنْتُ نَائِمًا لَيْلَةَ النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ، فَأَتَانِي جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، أَتَنَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ؟! فَقُلْتُ: يَا جِبْرِئِيلُ، وَمَا هَذِهِ اللَّيْلَةُ؟ قَالَ: هِيَ لَيْلَةُ النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ، فَمَا يَا مُحَمَّدُ.

فَأَقَامَنِي ثُمَّ ذَهَبَ بِي إِلَى الْبَقِيعِ، ثُمَّ قَالَ لِي: اِرْفَعْ رَأْسَكَ؛ فَإِنَّ هَذِهِ لَيْلَةٌ تُفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ، فَيُفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ الرَّحْمَةِ، وَبَابُ الرِّضْوَانِ، وَبَابُ الْمَغْفِرَةِ، وَبَابُ الْفَضْلِ، وَبَابُ التَّوْبَةِ، وَبَابُ النِّعْمَةِ، وَبَابُ الْجُودِ، وَبَابُ الْإِحْسَانِ، يُعْتَقُ اللَّهُ فِيهَا بِعَدَدِ شَعْرِ النَّعَمِ وَأَصْوَابِهَا، وَيُثَبِّتُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَالَ، وَيَقْسِمُ فِيهَا الْأَرْزَاقَ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ، وَيُنزِلُ مَا يَحْدُثُ فِي السَّنَةِ كُلِّهَا.

يَا مُحَمَّدُ، مَنْ أَحْيَاهَا بِتَسْبِيحٍ وَتَهْلِيلٍ وَتَكْبِيرٍ وَدُعَاءٍ وَصَلَاةٍ وَقِرَاءَةٍ وَتَطَوُّعٍ وَاسْتِغْفَارٍ كَانَتْ الْجَنَّةُ لَهُ مَنْزِلًا وَمَقِيلًا، وَغَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ.

يَا مُحَمَّدُ، مَنْ صَلَّى فِيهَا مِنْهُ رُكْعَةً، يقرأ في كُلِّ رُكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً، وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ عَشْرَ مَرَّاتٍ، فَإِذَا فَرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَفَاتِحَةَ الْكِتَابِ عَشْرًا، وَسَبَّحَ اللَّهَ مِنْهُ مَرَّةً، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مِنْهُ كَبِيرَةً مُوَبَّقَةً مُوجِبَةً لِلنَّارِ، وَأَعْطِيَ بِكُلِّ سُورَةٍ وَتَسْبِيحَةٍ قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ، وَشَفَعَهُ اللَّهُ فِي مَدَّةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَشَرَكَهُ فِي ثَوَابِ الشُّهَدَاءِ، وَأَعْطَاهُ اللَّهُ مَا يُعْطَى صَائِمِي هَذَا الشَّهْرِ، وَقَائِمِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ، مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْئًا، فَأَحْيَاهَا يَا مُحَمَّدُ، وَأْمُرْ أُمَّتَكَ بِأَحْيَائِهَا، وَالتَّقَرُّبِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِالْعَمَلِ فِيهَا؛ فَإِنَّهَا لَيْلَةٌ شَرِيفَةٌ.

لَقَدْ أَتَيْتَكَ يَا مُحَمَّدُ، وَمَا فِي السَّمَاءِ مَلَكٌ إِلَّا وَقَدْ صَفَّ قَدَمَيْهِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَعَالَى _ قَالَ: _ فَهُمْ بَيْنَ رَاكِعٍ وَسَاجِدٍ، وَدَاعٍ وَمُكَبِّرٍ وَمُسْتَغْفِرٍ وَمُسَبِّحٍ.

يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ اللَّهَ يَطَّلِعُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ، فَيَغْفِرُ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ قَائِمٍ يُصَلِّي، وَقَاعِدٍ يُسَبِّحُ، وَرَاكِعٍ وَسَاجِدٍ وَذَاكِرٍ، وَهِيَ لَيْلَةٌ لَا يَدْعُو فِيهَا دَاعٍ إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ، وَلَا سَائِلٌ إِلَّا أُعْطِيَ، وَلَا مُسْتَغْفِرٌ إِلَّا غُفِرَ لَهُ، وَلَا تَائِبٌ إِلَّا يُتُوبُ عَلَيْهِ، مَنْ حُرِّمَ خَيْرُهَا _ يَا مُحَمَّدُ _ فَقَدْ حُرِّمَ. (1).

1257. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شب نیمه شعبان ، خواب بودم که جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و گفت : «ای محمد! در چنین شبی می خوابی؟!»

گفتم : ای جبرئیل ! مگر این شب چه شبی است؟

گفت : «شب نیمه شعبان است . برخیز ، ای محمد!».

مرا برخیزاند و به بقیع بُرد . سپس به من گفت : «سرت را [به سوی آسمان] بالا بگیر ؛ زیرا امشب ، شبی است که در آن ، درهای آسمان باز می شود و در این شب ، درهای رحمت و درِ رضوان و درِ آمرزش و درِ فضل و درِ توبه و درِ نعمت و درِ بخشش و درِ احسان ، گشوده می گردند . در این شب ، خداوند به شمارِ تارهای مو و پشم چارپایان [از آتش دوزخ] آزاد می کند و در همین شب ، خداوند ، اجل ها را رقم می زند و باز در همین شب ، روزی ها را از سال تا سال ، تقسیم می کند و آنچه را در سرتاسر سال رُخ خواهد نمود ، نازل می نماید.

ای محمد! هرکس این شب را با تسبیح و تهلیل و تکبیر و نماز و تلاوت قرآن و نافله و استغفار ، زنده بدارد ، بهشت ، منزلگاه و سرای او باشد و خداوند ، گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

ای محمد! هر کس در این شب ، صد رکعت ، نماز گزارد و در هر رکعت ، یک مرتبه ، «فاتحة الكتاب» و ده مرتبه «قل هو الله احد» بخواند و پس از پایان نماز ، ده مرتبه «آية الكرسي» و ده مرتبه سوره فاتحه را بخواند و صد مرتبه تسبیح بگوید ، خداوند ، صد گناه کبیره مُهلک را که موجب آتش دوزخ می شود ، از او می آمرزد ، و به تعداد هر سوره و تسبیحی ، قصری در بهشت عطایش می شود و خداوند شفاعت او را در حق صد نفر از اعضای خانواده اش می پذیرد و در ثواب شهدا شریکش می گرداند ، و خداوند به او آن می دهد که به هر کس این ماه را روزه بگیرد و در این شب به عبادت پردازد ، عطا می کند ، بدون آن که از مزد ایشان ، چیزی بکاهد.

پس ، ای محمد! این شب را زنده بدار و امتت را نیز به احیای آن و تقرّب جُستن به خداوند متعال با عمل در این شب ، فرمان بده ، که این شب ، شبی ارجمند است .

ای محمد! هنگامی که نزد تو می آمدم ، در آسمان ، هیچ فرشته ای نبود ، مگر آن که امشب در پیشگاه خداوند متعال به صف ایستاده بود . برخی در رکوع بودند ، برخی در حال قیام و برخی در سجده . شماری دعا می کردند ، شماری تکبیر می گفتند ، عدّه ای آمرزش می طلبیدند و دیگران ، تسبیح می گفتند.

ای محمد! در این شب ، خداوند ، نظر می کند و هر مؤمنی را که به نماز ایستاده یا به تسبیح گویی نشسته و یا در حال رکوع و سجده و ذکر است ، می آمرزد . امشب ، شبی است که هر کس در آن دعا کند ، دعایش مستجاب می شود و هر کس درخواست کند ، به او عطا می شود و هر کس آمرزش بخواهد ، آمرزیده می شود و هر کس توبه کند ، خداوند توبه اش را می پذیرد و هر کس ، ای محمد ، از خیر و برکات این شب محروم شود ، به راستی محروم است» .

1258. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : تاریخ دمشق عن عائشة : كان رسول الله صلى الله عليه وآله يدعو وهو ساجد ليلة النصف من شعبان ، يقول : أعوذ بعفوك من عقابك ، وأعوذ برضاك من سخطك ، وأعوذ بك منك ، جل وجهك .

وقال : أمرني جبريل أن أرددهن في سجودي ، فتعلمتهن وعلمتهن . (1) 1259. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مصباح المتهدد عن زيد بن علی : كان علي بن الحسين عليه السلام يجمعنا جميعا ليلة النصف من شعبان ، ثم يجزئ الليل أجزاء ثلاثة ، فيصلينا بنا جزءا ، ثم يدعو ونؤمن على دعائه ، ثم يستغفر الله ونستغفره ونسأله الجنة حتى ينفجر الصبح . (2) .

-
- 1- .تاریخ دمشق : ج 36 ص 195 ح 7297 و ج 51 ص 72 ح 10756 عن أبي بن كعب نحوه ، كنز العمال : ج 14 ص 176 ح 38290 ، وراجع شعب الإيمان : ج 3 ص 384 ح 3837 ومصباح المتهدد : ص 840 ح 903 .
- 2- .مصباح المتهدد : ص 853 ، بحار الأنوار : ج 83 ص 115 ح 32 .

1260. المناقب، ابن شهر آشوب (_ در یادکرد غزوه أحد _) تاریخ دمشق _ به نقل از عایشه _ : پیامبر خدا، در شب نیمه شعبان، در سجده دعا می کرد و می گفت : «از کیفرِ تو به عفو تو پناه می برم و از ناخشنودی ات به خشنودی ات پناه می برم و از تو به تو پناه می برم، ای ذات پُرشکوه!».

و فرمود : «جبرئیل علیه السلام به من گفت که اینها را در سجده ام تکرار کنم و من، آنها را آموختم و تعلیمشان دادم» . 1261. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (_ آن گاه که مردم را به یکتاپرستی می خواند و مردم) مصباح المتهجد _ به نقل از زید بن علی بن الحسین علیه السلام : [پدرم] زین العابدین علیه السلام در شب نیمه شعبان، همه ما را جمع می کرد و شب را به سه بخش، تقسیم می نمود و بخشی از آن را با ما نماز می خواند و بعد، دعا می کرد و ما به دعایش «آمین» می گفتیم . سپس از خدا آمرزش می طلبید و ما نیز آمرزش می طلبیدیم و بهشت را از او مسئلت می کردیم تا آن که صبح می دمید . .

1262. الخرائج و الجرائح :عيون أخبار الرضا عليه السلام عن الحسن بن علي بن فضال :سألت علي بن موسى الرضا عليه السلام ، عن ليلة النصف من شعبان ، قال : هي ليلة يعتق الله فيها الرقاب من النار ، ويعفر فيها الذنوب الكبار .

قلت : فهل فيها صلاة زيادة على صلاة سائر الليالي ؟

فقال : ليس فيها شيء مؤظف ، ولكن إن أحببت أن تتطوع فيها بشيء ، فعليك بصلاة جعفر بن أبي طالب عليه السلام ، وأكثر فيها من ذكر الله عز وجل ومن الاستغفار والدعاء ؛ فإن أبي عليه السلام كان يقول : الدعاء فيها مستجاب .

قلت له : إن الناس يقولون : إنها ليلة الصكاك ؟ (1)

فقال عليه السلام : تلك ليلة القدر في شهر رمضان . (2) 1263. الشفا بتعريف حقوق المصطفى :الإمام علي عليه السلام :إن استطعت أن تحافظ على ليلة الفطر ، وليلة النحر ، وأول ليلة من المحرم ، وليلة عاشوراء ، وأول ليلة من رجب ، وليلة النصف من شعبان فافعل ، وأكثر فيهن من الدعاء والصلاة وتلاوة القرآن . (3)

1- الصك بتشديد الكاف : كتاب كالسجل يكتب في المعاملات ، وجمع الصك : صكاك (مجمع البحرين : ج 2 ص 1040 «صك»).

2- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 293 ح 45 ، فضائل الأشهر الثلاثة : ص 45 ح 22 ، الأمل للصدوق : ص 79 ح 46 ، مصباح المتهجد : ص 838 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 84 ح 2 .

3- مصباح المتهجد : ص 852 عن الحارث بن عبد الله ، بحار الأنوار : ج 91 ص 123 ح 13 .

1264. المعجم الكبير عن سهل بن سعد: عيون أخبار الرضا عليه السلام_ به نقل از حسن بن علی بن فضال_: از امام رضا علیه السلام درباره شب نیمه شعبان پرسیدم. فرمود: «آن، شبی است که خداوند، در آن بندگان را از آتش دوزخ می رهاند و در آن شب، گناهان بزرگ را می آمرزد».

گفتم: آیا در این شب، نمازی افزون بر نماز دیگر شب ها هست؟

فرمود: «نماز خاصی ندارد؛ اما اگر دوست داری در این شب، عمل مستحبی به جای آوری، نماز جعفر بن علی بن ابی طالب علیه السلام (نماز جعفر طیّار) را بخوان و ذکر خدای عز و جل و استغفار و دعا بسیار گوی؛ زیرا پدرم می فرمود: دعا در این شب، مستجاب است».

گفتم: مردم می گویند که این شب، شبِ دیوان (ثبت اعمال) است؟

فرمود: «شب دیوان (ثبت اعمال)، شب قدر در ماه رمضان است» 1265. صحیح البخاری عن أبي هريرة: امام علی علیه السلام: اگر توانستی شب عید فطر و شب عید قربان و شب اول محرم و شب عاشورا و شب اول ماه رجب و شب نیمه شعبان را پاس (احیا) بداری، چنین کن و در این شب ها دعا و نماز و تلاوت قرآن، فراوان به جای آور. .

7 / 3 لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ 1265. صحيح البخارى (_ به نقل از ابو هريره _) رسول الله صلى الله عليه وآله لِعَلِّيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا أَبَا الْحَسَنِ ، أَفَلَا أَعَلَّمَكَا كَلِمَاتٍ يَنْفَعُكَ اللَّهُ بِهِنَّ ، وَيَنْفَعُ بِهِنَّ مَنْ عَلَّمْتَهُ ، وَيُثَبِّتُ مَا تَعَلَّمْتَ فِي صَدْرِكَ ؟ ... إِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَقُومَ فِي ثُلُثِ اللَّيْلِ الْآخِرِ ؛ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ مَشْهُودَةٌ ، وَالِدُعَاءُ فِيهَا مُسْتَجَابٌ ، وَقَدْ قَالَ أَخِي يَعْقُوبُ لِبَنِيهِ : «سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي» (1) يَقُولُ : حَتَّى تَأْتِيَ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ ... (2) 1266. دلائل النبوة لأبي نعيم عن بلال : عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - يُنَزِّلُ مَلَكًا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا كُلَّ لَيْلَةٍ فِي الثُّلُثِ الْآخِرِ ، وَلَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ ، فَيَأْمُرُهُ فَيُنَادِي : هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيهِ ؟ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ ؟ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ ؟ يَا طَالِبَ الْخَيْرِ أَقْبِلْ ، وَيَا طَالِبَ الشَّرِّ أَقْصِرْ . فَلَا يَزَالُ يُنَادِي بِهَذَا حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ ، فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ عَادَ إِلَى مَحَلِّهِ مِنْ مَلَكُوتِ السَّمَاءِ . (3) 1267. مسند ابن حنبل عن كعب بن مرة أو مرة بن كعب : تهذيب الأحكام عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيُنَادِي كُلَّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ ، مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ إِلَى آخِرِهِ : أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ يَدْعُونِي لِأَخْرَجْتَهُ وَدُنِيَاهُ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ لِأَجِبِيهِ ؟ أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ يَتُوبُ إِلَيَّ مِنْ ذُنُوبِهِ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ ؟ أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ قَدْ قَتَرْتُ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَسَأَلُنِي الزِّيَادَةَ فِي رِزْقِهِ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأَزِيدُهُ وَأَوْسَعُ عَلَيْهِ ؟ أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ سَأَلُنِي أَنْ أَشْفِيَهُ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأَعَافِيهِ ؟ أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ مَحْبُوسٌ مَغْمُومٌ يَسَأَلُنِي أَنْ أُطْلِقَهُ مِنْ حَبْسِهِ وَأُخَلِّيَ سَرِبَهُ (4) ؟ أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ مَظْلُومٌ يَسَأَلُنِي أَنْ أَخْذِلَهُ بِظُلَامَتِهِ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأَنْتَصِرَ لَهُ ، وَأَخْذِلَهُ بِظُلَامَتِهِ ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَلَا يَزَالُ يُنَادِي بِهَذَا حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ . (5) .

1- .يوسف : 98 .

2- .سنن الترمذى : ج 5 ص 564 ح 3570 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 461 ح 1190 كلاهما عن ابن عباس ، كنز العمال : ج 2 ص 59 ح 3112 .

3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 421 ح 1240 ، التوحيد : ص 176 ح 7 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 126 ح 21 ، الأموال للصدوق : ص 496 ح 676 ، الاحتجاج : ج 2 ص 386 ح 293 كلها عن إبراهيم بن أبي محمود عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 87 ص 163 ح 1 وراجع دعائم الإسلام : ج 1 ص 180 .

4- .السَّرْبُ : المسلك والطريق (النهاية : ج 2 ص 356 «سرب»).

5- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 5 ح 11 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 420 ح 1239 ، جامع الأحاديث للقمي : ص 152 ، المقنعة : ص 154 ، عدة الداعي : ص 37 ، بحار الأنوار : ج 89 ص 282 ح 27 .

3/7 شب جمعه 1268. مسند ابن حنبل عن عبد الله بن مسعود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام: ای ابو الحسن! آیا مطالبی به تو نیاموزم که خداوند، بدانها تورا و هر کس را که این مطالب را به او بیاموزی، سود می بخشد و آنچه را آموخته ای، در سینه ات استوار می گرداند؟ ... چون شب جمعه شد، اگر توانستی، در ثلث آخر شب برخیز؛ زیرا که آن زمان، زمان حضور [فرشتگان رحمت] است و دعا در آن، پذیرفته می شود. برادرم یعقوب به فرزندانش گفت: «به زودی برای شما از پروردگارم آمرزش خواهم طلبید» و مقصودش فرارسیدن شب جمعه بود ... 1269. صحیح البخاری عن عبد الله بن مسعود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند - تبارک و تعالی - هر شب در ثلث آخر آن و شب جمعه، در همان آغاز شب، فرشته ای به آسمان پایین می فرستد و به او دستور می دهد تا ندا دهد که: «آیا درخواست کننده ای هست که عطایش کنم؟ آیا توبه کننده ای هست تا توبه اش را بپذیرم؟ آیا آمرزش خواهی هست تا او را بیاموزم؟ ای طالب خوبی ها! بیا. ای طالب بدی ها! [از بدی] دست بردار» و آن فرشته، تا سپیده دم، پیوسته چنین ندا می دهد و چون سپیده دمید، به جایگاه خود در ملکوت آسمان، باز می گردد. 1270. مسند ابن حنبل عن خفاف بن ایماء بن رحضة الغفاری: امام باقر علیه السلام: خداوند متعال، هر شب جمعه، از آغاز شب تا پایان آن، از فراز عرش خویش ندا می دهد: «آیا بنده مؤمنی نیست که تا پیش از سپیده دم، مرا برای آخرت و دنیایش بخواند و من، پاسخش دهم؟ آیا بنده مؤمنی نیست که تا پیش از سپیده دم از گناهانش به درگاه من، توبه کند و من هم به سوی او بازگردم [و توبه اش را بپذیرم]؟ آیا بنده مؤمنی نیست که من، روزی اش را بر او تنگ کرده باشم و او تا پیش از سپیده دم، افزایش در روزی اش را از من بخواهد و من، بر روزی او بیفزایم و به آن گشایش دهم؟ آیا بنده مؤمنی بیماری نیست که تا پیش از سپیده دم از من شفا بخواهد و شفایش دهم؟ آیا بنده مؤمن زندانی و غم زده ای نیست که از من بخواهد از زندان آزاد کرده، رهایش کنم؟ آیا بنده مؤمن ستم دیده ای نیست که تا پیش از سپیده دم از من بخواهد که دادش را بستانم و من، انتقام او را بگیرم و داد وی بستانم؟» و تا سپیده دم، به این ندا ادامه می دهد.

7 / 4 يَوْمَ الْجُمُعَةِ 1270. مسند ابن حنبل (_ به نقل از خفاف بن ايماء بن رخصه غفارى _) رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ سَيِّدُ الْأَيَّامِ ، يُضَاعِفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ ، وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ ، وَيَرْفَعُ فِيهِ الدَّرَجَاتِ ، وَيَسْتَجِيبُ فِيهِ الدَّعَوَاتِ ، وَيَكْشِفُ فِيهِ الْكُرْبَاتِ ، وَيَقْضَى فِيهِ الْحَوَائِجَ الْعِظَامَ ، وَهُوَ يَوْمُ الْمَزِيدِ ، لِلَّهِ فِيهِ عِتْقَاءٌ وَطُلُقَاءٌ مِنَ النَّارِ ، مَا دَعَا بِهِ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ _ وَقَدْ عَرَفَ حَقَّهُ وَحُرْمَتَهُ _ إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّهُ أَنْ يَجْعَلَهُ مِنْ عِتْقَائِهِ وَطُلُقَائِهِ مِنَ النَّارِ . (1) 1271. صحيح مسلم عن أبي ذر: الإمام علي عليه السلام _ مِنْ خُطْبَتِهِ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ _ : إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ يَوْمٌ جَعَلَهُ اللَّهُ لَكُمْ عِيدًا ، وَهُوَ سَيِّدُ أَيَّامِكُمْ ، وَأَفْضَلُ أعيَادِكُمْ ، وَقَدْ أَمَرَكُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِالسَّعْيِ فِيهِ إِلَى ذِكْرِهِ ، فَلْتَعْظُمِ رَغَبَتُكُمْ فِيهِ ، وَلْتَخْلُصْ نِيَّتُكُمْ فِيهِ ، وَأَكْثِرُوا فِيهِ التَّضَرُّعَ وَالِدُّعَاءَ وَمَسْأَلَةَ الرَّحْمَةِ وَالْغُفْرَانِ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عِزُّهُ وَجَلُّهُ يَسْتَجِيبُ لِكُلِّ مَنْ دَعَا ، وَيُورِدُ النَّارَ مَنْ عَصَاهُ ، وَكُلُّ مُسْتَكْبِرٍ عَنِ عِبَادَتِهِ . قَالَ اللَّهُ عِزُّهُ وَجَلُّهُ : « ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ » . (2)

وفيه ساعة مباركة لا يسأل الله عبد مؤمن فيها شيئاً إلا أعطاه . (3) .

1- .الكافي : ج 3 ص 414 ح 5 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 2 ح 2 ، جمال الأسبوع : ص 147 كلها عن ابن أبي نصر عن الإمام الرضا عليه السلام ، مصباح المتهجد : ص 261 عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن الإمام الرضا عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، المقنعة : ص 153 كلاهما نحوه ، روضة الواعظين : ص 364 ، بحار الأنوار : ج 89 ص 274 ح 20 .

2- .غافر : 60 .

3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 431 ح 1263 ، مصباح المتهجد : ص 382 ح 508 عن زيد بن وهب نحوه ، الدعوات : ص 36 ح 85 ، بحار الأنوار : ج 89 ص 238 ح 68 .

4/7 روز جمعه 1271. صحیح مسلم (_ به نقل از ابو ذر _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روز جمعه، سرور روزهاست. در این روز، خداوند، خوبی‌ها را دوچندان می‌کند و بدی‌ها و گناهان را می‌زداید و درجات را بالا می‌برد و دعاها را مستجاب می‌کند و رنج و اندوه‌ها را برطرف می‌سازد و حاجت‌های بزرگ را برآورده می‌سازد. این روز، روز افزونی و فراوانی است. در این روز، خداوند، بسیاری را از آتش می‌رهاند و آزاد می‌کند. اَحَدی از مردم در این روز دعا نکند، به شرط آن که حق و حرمت آن را بشناسد، مگر آن که بر عهده خداوند عز و جل است که او را از رَهیدگان و آزاد شدگان از آتش، قرار دهد. 1272. الطبقات الکبری (_ به نقل از ابو خیره صباحی _) امام علی علیه السلام از خطبه اش در روز جمعه _: این روز، روزی است که خداوند، آن را برای شما عید قرار داده است و آن، مهترِ روزهای شما و برترین اعیاد شماست. خداوند، در کتاب خود به شما دستور داده است که در این روز، به ذکر و یاد او بکوشید. پس، تا می‌توانید به این روز رغبت نشان دهید و تبت خویش را در آن، خالص گردانید و التماس و دعا و درخواست رحمت و آمرزش بسیار کنید؛ زیرا خداوند عز و جل دعای هر که را به درگاهش دعا کند، می‌پذیرد و هر که را معصیت و نافرمانی او کند و هر آن کس را که از عبادت او کبر ورزد، به آتش درمی‌افکند. خداوند عز و جل فرموده است: «مرا بخوانید تا پاسختان دهم. همانا کسانی که از عبادت من سرپیچی می‌ورزند، زودا که با خواری به دوزخ درآیند!».

و در این روز، ساعت خجسته ای است که هیچ بنده مؤمنی در آن ساعت از خدا چیزی نخواهد، مگر آن که به او عطا فرماید.

1273. صحيح البخارى (_ به نقل از ابو هريره _) عنه عليه السلام _ كان يقولُ _ : أَكْثَرُوا الْمَسْأَلَةَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَالْدُعَاءِ ؛ فَإِنَّ فِيهِ سَاعَاتٍ يُسْتَجَابُ فِيهَا الدُّعَاءُ وَالْمَسْأَلَةُ ، مَا لَمْ تَدْعُوا بِقَطِيعَةٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ أَوْ عُتُوقٍ ، وَعَلِمُوا أَنَّ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ يُضَاعَفَانِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ . (1) 1274. تهذيب الأحكام عن محمد بن مسلم أو زرارة : رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ فِي الْجُمُعَةِ سَاعَةً ، لَا يُوَفِّقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ فِيهَا شَيْئًا إِلَّا أُعْطَاهُ إِيَّاهُ . (2) 1275. رسول الله صلى الله عليه وآله (_ فِي دُعَائِهِ لِيُخَلِّفَ شُهَدَاءَ أَحَدٍ _) عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ فِي الْجُمُعَةِ لَسَاعَةً ، مَا دَعَا اللَّهَ فِيهَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ بِشَيْءٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ . (3) 1276. المعجم الصغير عن أنس : عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ فِي الْجُمُعَةِ لَسَاعَةً ، لَا يُوَفِّقُهَا مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ فِيهَا خَيْرًا إِلَّا أُعْطَاهُ إِيَّاهُ ... وَهِيَ سَاعَةٌ خَفِيفَةٌ . (4) .

- 1- .المحاسن : ج 1 ص 131 ح 158 عن جابر ، بحار الأنوار : ج 89 ص 349 ح 25 .
- 2- .سنن النسائي : ج 3 ص 115 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 128 ح 7828 كلاهما عن أبي هريرة وج 4 ص 79 ح 11347 عن أبي سعيد الخدري وفيه «رجل مؤمن» بدل «عبد مسلم» ، السنن الكبرى : ج 9 ص 5 ح 17706 ، المعجم الأوسط : ج 8 ص 7 ح 7788 ، حلية الأولياء : ج 9 ص 221 كلُّها عن أبي هريرة نحوه ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج 7 ص 27 ح 9 عن هلال بن يساف ، كنز العمال : ج 7 ص 766 ح 21315 .
- 3- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 364 ح 9217 ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج 2 ص 57 ح 3 وفيه «مسلم» بدل «مؤمن بشيء» وكلاهما عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 7 ص 766 ح 21317 نقلاً عن الحاكم في الكنى .
- 4- .صحيح مسلم : ج 2 ص 584 ح 15 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 476 ح 9899 وج 9 ص 207 ح 23852 ، المعجم الأوسط : ج 3 ص 104 ح 2627 كلُّها عن أبي هريرة وج 6 ص 289 ح 6440 عن فاطمة عليها السلام عنه صلى الله عليه وآله ، حلية الأولياء : ج 6 ص 177 وليس فيها ذيله ، الدعاء للطبراني : ص 65 ح 155 وفيه «هكذا بيده يصغرها» بدل «وهي ساعة خفيفة» وكلاهما عن أبي هريرة .

1274. تهذیب الأحكام (_ به نقل از محمد بن مسلم یا زراره _) امام علی علیه السلام _ می فرمود _ : در روز جمعه ، فراوان درخواست و دعا نمایید ؛ زیرا در این روز ، ساعات و لحظاتی است که در آنها دعا و درخواست ، مستجاب می شود ، به شرط آن که برای قطع صله رَحِم یا معصیت و یا نافرمانی و آزردن والدین دعا نکنید . بدانید که در روز جمعه ، خوبی و بدی ، دو چندان به شمار می آید. 1275. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (_ در دعای ایشان برای بازماندگان شهیدان أحد _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در روز جمعه ، ساعتی است که هر بنده مؤمنی ، آن را دریابد و در آن ساعت از خداوند چیزی بخواهد ، به او عطا می فرماید. 1276. المعجم الصغیر (_ به نقل از انس _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در جمعه ، ساعتی است که هر بنده مؤمنی در آن ساعت به درگاه خدا دعایی کند ، حتماً خداوند ، دعایش را مستجاب می کند. 1277. الخرائج والجرائح عن الفضل بن عباس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در جمعه ، وقتی است که هر مسلمانی آن وقت را دریابد و در آن از خداوند خیری بخواهد ، آن را به او عطا می فرماید ... این وقت ، وقتِ اندکی است .

1278. المصنّف لابن أبي شيبة عن قتادة: صحيح البخارى عن أبي هريرة: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَكَرَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقَالَ: فِيهِ سَاعَةٌ لَا يُؤَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي، يَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى شَيْئًا، إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ. (1) 1279. الخرائج والجرائح: الإمام الباقر عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ جَبْرَيْلَ أَنَانِي بِمِرْآةٍ فِي وَسْطِهَا كَالنُّكْتَةِ السَّوْدَاءِ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا جَبْرَيْلُ مَا هَذِهِ؟ قَالَ: هَذِهِ الْجُمُعَةُ. قَالَ: قُلْتُ: وَمَا الْجُمُعَةُ؟ قَالَ: لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ كَثِيرٌ. قَالَ: قُلْتُ: وَمَا الْخَيْرُ الْكَثِيرُ؟ فَقَالَ: تَكُونُ لَكَ عِيدًا وَلَا مَمْتَنَكَ مِنْ بَعْدِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. قُلْتُ: وَمَا لَنَا فِيهَا؟ قَالَ: لَكُمْ فِيهَا سَاعَةٌ لَا يُؤَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ مَسْأَلَةً فِيهَا - وَهِيَ لَهُ قِسْمٌ فِي الدُّنْيَا - إِلَّا أَعْطَاهَا، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ قِسْمٌ فِي الدُّنْيَا، ذُخِرَتْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ أَفْضَلُ مِنْهَا. (2) 1277. الخرائج والجرائح (به نقل از فضل بن عباس) الإمام الباقر عليه السلام: أَوَّلُ وَقْتِ الْجُمُعَةِ، سَاعَةٌ تَزُولُ الشَّمْسُ إِلَى أَنْ تَمُضِيَ سَاعَةٌ. فَحَافِظُ عَلَيْهَا؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: لَا يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَبْدٌ فِيهَا خَيْرًا إِلَّا أَعْطَاهُ. (3) 1278. المصنّف، ابن أبي شيبة (به نقل از قتاده) عنه عليه السلام: فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ سَاعَةٌ لَا يَسْأَلُ اللَّهَ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ فِيهَا حَاجَةً إِلَّا أَعْطَاهُ، وَهِيَ مِنْ حِينِ تَزُولُ الشَّمْسُ إِلَى حِينِ يُنَادَى بِالصَّلَاةِ. (4) 1279. الخرائج والجرائح: الكافي عن معاوية بن عمار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السَّاعَةُ الَّتِي فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ، الَّتِي لَا يَدْعُو فِيهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَجِيبَ لَهُ؟

قَالَ: نَعَمْ إِذَا خَرَجَ الْإِمَامُ. قُلْتُ: إِنَّ الْإِمَامَ يُعَجَّلُ وَيُؤَخَّرُ! قَالَ: إِذَا زَاغَتِ (5) الشَّمْسُ. (6).

1- صحيح البخارى: ج 1 ص 316 ح 893 وج 5 ص 2029 ح 4988، صحيح مسلم: ج 2 ص 584 ح 14، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 360 ح 1137 وفيها «خيرًا» بدل «شيئًا»، سنن الترمذى: ج 2 ص 362 ح 491، سنن النسائى: ج 3 ص 116، الموطأ: ج 1 ص 108 ح 15، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 68 ح 7491، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 414 ح 1031 وفيه «مؤمن» بدل «عبد مسلم»، المصنّف لعبد الرزاق: ج 3 ص 267 ح 5587، الدعاء للطبرانى: ص 64 ح 149 كلاهما نحوه.

2- جامع الأحاديث للقمي: ص 146 عن جابر، بحار الأنوار: ج 89 ص 280 ح 27 وراجع المصنّف لابن أبي شيبة: ج 2 ص 58 ح 10.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 414 ح 1225، مصباح المتهجد: ص 364 عن زرارة، عدّة الداعي: ص 38، بحار الأنوار: ج 89 ص 200 ح 50.

4- دعائم الإسلام: ج 1 ص 181، بحار الأنوار: ج 89 ص 279 ح 25.

5- زاغت الشمس: مالت (المصباح المنير: ص 261 «زاغ»).

6- الكافي: ج 3 ص 416 ح 12، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 4 ح 8، جامع الأحاديث للقمي: ص 166 وفيه «زالت» بدل «زاغت»، بحار الأنوار: ج 89 ص 283 ح 28.

1280. دلائل النبوة لأبي نعيم عن جابر: صحيح البخاری_ به نقل از ابو هريره: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، از روز جمعه سخن گفت و فرمود: «در این روز ، وقتی است که هر بنده مسلمانی در آن وقت به نماز پایستد و از خداوند متعال چیزی بخواهد ، حتما خداوند ، آن را به او می دهد». 1280. دلائل النبوة ، ابو نعيم (_ به نقل از جابر _) امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «جبرئیل آینه ای برایم آورد که در وسط آن ، چیزی همانند نقطه ای سیاه بود . به او گفتم : ای جبرئیل ! این [آینه] چیست؟ گفت : «این ، جمعه است» .

گفتم : جمعه چیست؟

گفت : «در آن ، برای شما خیر فراوان است» .

گفتم : خیر فراوان چیست؟

گفت : «این روز برای تو و برای امتت تا روز قیامت ، عید است» .

گفتم : برای ما در این روز ، چه خواهد بود؟

گفت : «برای شما در این روز ، ساعتی است که هر بنده مسلمانی آن ساعت را دریابد و در آن از خداوند ، درخواستی کند و آن درخواست ، برایش در دنیا قسمت (تقدیر) شده باشد ، خداوند ، درخواستش را برمی آورد و اگر قسمت او در دنیا نباشد ، بهتر از آن برای آخرتش ذخیره می شود». 1281. صحيح البخاری عن أنس : امام باقر علیه السلام : آغاز وقت جمعه ، لحظه ای است که خورشید ، زوال می کند تا آن که ساعتی بگذرد . پس ، این زمان را پاس مدار ؛ زیرا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هیچ بنده ای در این ساعت از خداوند عز و جل خیری نمی خواهد ، مگر آن که به او عطا می فرماید». 1282. صحيح البخاری عن أنس : امام باقر علیه السلام : در روز جمعه ، ساعتی است که هیچ بنده مؤمنی در آن ساعت از خداوند ، حاجتی نخواهد ، مگر آن که حاجتش را برآورد . آن ساعت ، از زوال خورشید است تا زمانی که بانگ نماز می دهند. 1283. صحيح البخاری عن أنس : الكافي_ به نقل از معاوية بن عمّار : به امام صادق علیه السلام گفتم : آن ساعت از روز جمعه که هر مؤمنی در آن دعا کند ، دعایش مستجاب می شود ، چه وقت است؟

فرمود : «بله ، زمانی که امام [جمعه] بیرون بیاید» .

گفتم : امام ، دیر و زود می آید!

فرمود : «زمانی که خورشید ، زوال یابد» . .

1281. صحيح البخارى (_ به نقل از انس _) سنن الترمذى عن عمرو بن عوف المزنى عن رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ فِي الْجُمُعَةِ سَاعَةً لَا يَسْأَلُ اللَّهُ الْعَبْدَ فِيهَا شَيْئًا إِلَّا آتَاهُ اللَّهُ إِيَّاهُ .

قالوا: يا رسول الله، أَيَّةُ سَاعَةٍ هِيَ؟ قَالَ: حِينَ تُقَامُ الصَّلَاةُ إِلَى الْإِنْصِرَافِ مِنْهَا. (1) 1282. صحيح البخارى (_ به نقل از انس _) صحيح مسلم عن أبي بردة بن أبي موسى الأشعري: قَالَ لِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ: أَسَمِعْتَ أَبَاكَ يُحَدِّثُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي شَأْنِ سَاعَةِ الْجُمُعَةِ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، سَمِعْتُهُ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: هِيَ مَا بَيْنَ أَنْ يَجْلِسَ الْإِمَامُ إِلَى أَنْ تُقْضَى الصَّلَاةُ. (2) 1283. صحيح البخارى (_ به نقل از انس _) الإمام الصادق عليه السلام: السَّاعَةُ الَّتِي يُسْتَجَابُ فِيهَا الدُّعَاءُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مَا بَيْنَ فَرَاغِ الْإِمَامِ مِنَ الْخُطْبَةِ إِلَى أَنْ يَسْتَوِيَ النَّاسُ فِي الصُّفُوفِ، وَسَاعَةٌ أُخْرَى مِنْ آخِرِ النَّهَارِ إِلَى غُرُوبِ الشَّمْسِ. (3).

-
- 1- سنن الترمذى: ج 2 ص 361 ح 490، سنن ابن ماجة: ج 1 ص 360 ح 1138، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 2 ص 57 ح 8، الدعاء للطبرانى: ص 72 ح 182 وفيها «إِلَّا أُعْطِيَ سَوْلُهُ» بدل «إِلَّا آتَاهُ اللَّهُ إِيَّاهُ»، المعجم الكبير: ج 17 ص 14 ح 7 نحوه.
 - 2- صحيح مسلم: ج 2 ص 584 ح 16، سنن أبي داود: ج 1 ص 276 ح 1049، السنن الكبرى: ج 3 ص 354 ح 5999، الدعاء للطبرانى: ص 71 ح 181 عن عبد الله بن عمر عن أبيه وفيه «تقام» بدل «تقضى»، كنز العمال: ج 7 ص 765 ح 21310.
 - 3- الكافى: ج 3 ص 414 ح 4، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 235 ح 619، مصباح المتهدّج: ص 363، الدعوات: ص 36 ح 86 كلّها عن عبد الله بن سنان، جامع الأحاديث للقمي: ص 166، بحار الأنوار: ج 93 ص 348 ح 14.

1284. الإمام الباقر عليه السلام: سنن الترمذی_ به نقل از عمرو بن عوف مَزَنِي_: پیامبر خدا فرمود: «در جمعه، وقتی است که در آن وقت، بنده هر چه از خدا بخواهد، خداوند، آن را به او عطا می کند» .

گفتند: ای پیامبر خدا! آن چه وقتی است؟

فرمود: «از زمان اقامه نماز تا پایان آن». 1285. الإمام علیّ علیه السلام (_عِنْدَ تَغْسِيلِهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَام_) صحیح مسلم_ به نقل از ابو بردة بن ابی موسی اشعری_: عبد الله بن عمر به من گفت: آیا از قدرت حدیثی از پیامبر خدا، درباره ساعتی [خاص] از جمعه شنیده ای؟

گفتم: آری. از او شنیدم که می گوید: از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید: «آن وقت، از زمان نشستنِ امام تا پایان یافتن نماز است» 1286. الإمام علیّ علیه السلام (_الدُّعَاءُ الْمَنْسُوبُ إِلَيْهِ_) امام صادق علیه السلام: آن ساعت از روز جمعه که دعا در آن مستجاب می شود، یکی بین فارغ شدن امام از خطبه تا به صف ایستادن مردم است، و دیگری از پایان ظهر تا غروب آفتاب ..

1284. امام باقر عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: اَلْتَمِسُوا السَّاعَةَ الَّتِي تُرْجَى فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ بَعْدَ الْعَصْرِ إِلَى غَيْبِوَةِ الشَّمْسِ .
 (1) 1285. امام علي عليه السلام (_ هَنَكَا مِ غَسَلِ دَا دِنِ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ _) عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ صَلَّى الْجُمُعَةَ كَتَبَتْ لَهُ حَاجَةً مُتَقَبَّلَةً؛ فَإِنْ صَلَّى الْعَصْرَ كَانَتْ لَهُ عُمْرَةٌ؛ فَإِنْ يُمَسِّي فِي مَكَانِهِ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أُعْطَاهُ إِيَّاهُ . (2) 1286. امام علي عليه السلام (_ در دعای منسوب به ايشان _) عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَوْمَ الْجُمُعَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ سَاعَةً، لَا يُوْجَدُ فِيهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ عِزًّا وَجَلْشَيْنَا إِلَّا آتَاهُ عِزٌّ وَجَلٌّ إِيَّاهُ، فَالْتَمِسُوهَا آخِرَ سَاعَةٍ بَعْدَ الْعَصْرِ . (3) 1287. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ (_ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ _) مَعَانِي الْأَخْبَارِ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا، قَالَتْ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ فِي الْجُمُعَةِ لِسَاعَةً، لَا يُرَاقِبُهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ عِزًّا وَجَلْفِيهَا خَيْرًا إِلَّا أُعْطَاهُ إِيَّاهُ .

قَالَتْ: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ سَاعَةٍ هِيَ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا تَدَلَّى نِصْفُ عَيْنِ الشَّمْسِ لِلْغُرُوبِ .

قَالَ: وَكَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَقُولُ لِغُلَامِهَا: إِصْعَدْ إِلَى الظَّرَابِ (4)، فَإِذَا رَأَيْتَ نِصْفَ عَيْنِ الشَّمْسِ قَدْ تَدَلَّى لِلْغُرُوبِ فَأَعْلِمْنِي حَتَّى أَدْعُوَ . (5) .

-
- 1- .سنن الترمذی: ج 2 ص 360 ح 489، المعجم الكبير: ج 1 ص 258 ح 747، المعجم الأوسط: ج 1 ص 49 ح 136، الدعاء للطبرانی: ص 73 ح 185 كلها عن أنس نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 764 ح 21303 وص 765 ح 21311 .
 - 2- .كنز العمال: ج 7 ص 720 ح 21086 نقلاً عن الديلمي عن أبي الدرداء .
 - 3- .سنن النسائي: ج 3 ص 99، سنن أبي داود: ج 1 ص 275 ح 1048، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 415 ح 1032، السنن الكبرى: ج 3 ص 355 ح 6001 وليس فيه «اثنتا عشرة»، كنز العمال: ج 7 ص 764 ح 21307 .
 - 4- .الظَّراب: الروابي الصغار ويقال على الجبال المنبسطة على الأرض (مجمع البحرين: ج 2 ص 1135 «ظرب»).
 - 5- .معاني الأخبار: ص 399 ح 59، دلائل الإمامة: ص 71 ح 10 وفيه «يوافقها» بدل «يراقبها» و«السطح» بدل «الظراب»، بحار الأنوار: ج 89 ص 269 ح 8؛ كنز العمال: ج 7 ص 766 ح 21313 نقلاً عن شعب الإيمان نحوه وليس فيه من «وكانت فاطمة عليها السلام...» .

1288. عنه عليه السلام (_ لِإِنَّهُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ساعت امید [به استجابت دعا] در روز جمعه را در بعد از [نماز] عصر تا غروب آفتاب بجوید. 1289. الخرائج والجرائع عن سعد الخفاف عن زاذان أبي عمرو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس نماز جمعه را بخواند ، برایش [ثواب] یک حجّ پذیرفته نوشته می شود و چون نماز عصر را بخواند ، برایش یک عمره محسوب می شود ، و اگر تا شب در جای خود بماند ، هر چه از خداوند بخواهد ، به او عطا می فرماید. 1287. امام علی علیه السلام (_ به فرزندش حسن علیه السلام _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روز جمعه ، دوازده ساعت است . در این دوازده ساعت ، هر بنده مسلمانی از خداوند عز و جل چیزی بخواهد ، حتماً خداوند ، آن را به او عطا می کند . پس آن [لحظه استجابت دعا] را در آخرین ساعت بعد از عصر بجوید. 1288. امام علی علیه السلام (_ به فرزندش حسین علیه السلام _) معانی الأخبار _ به نقل از زید بن علی از پدرانش علیهم السلام : فاطمه علیها السلام ، دختر پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید : «از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم : در جمعه ، ساعتی است که هر مرد مسلمانی آن را دریابد و در آن ساعت از خداوند عز و جل خیری بخواهد ، حتماً به او می دهد .

گفتم : ای پیامبر خدا ! آن کدام ساعت است؟

فرمود : هر گاه نصف خورشید ، غروب کرده باشد .» .

فاطمه علیها السلام به غلامش می فرمود : «بر بلندی (/ بام) برو و هر گاه دیدی نصف قرص خورشید غروب کرده است ، مرا آگاه کن تا دعا کنم» . .

1289. الخرائج و الجرائح (_ به نقل از سعد خفاف ، از ابو عمرو زادن _) رسول الله صلى الله عليه و آله _ فى فضل يوم الجمعة _ : فى آخر ثلاث ساعاتٍ منها ساعةٌ من دعا الله عز و جل فيها استجيب له . (1) 7 / 5 جوف الليل 1292 . المناقب لابن شهر آشوب : رسول الله صلى الله عليه و آله : إني لما أُسرى بى إلى السماء ... نوديت ... : «يا مُحَمَّدُ ، ومن كانت له حاجةٌ سرًّا _ بالغةً ما بلغت ، إني أو إلى غيرى _ فليدعنى فى جوف الليل خاليا ، وليقل وهو على طهرٍ : ...» [و ذكر صلى الله عليه و آله الدعاء] . (2) 1290 . امام على عليه السلام (_ از دعای ایشان برای امام مهدى عليه السلام) عنه صلى الله عليه و آله : إنَّ العبدَ إذا تخلى بسَيِّدهِ فى جوفِ الليلِ المُظلمِ وناجَاهُ أثبتَ اللهُ التَّورَ فى قلبِهِ ، فإذا قالَ : يا رَبِّ يا رَبِّ ، ناداهُ الجليلُ جَلَّ جلالُهُ : لبيكَ عبدى ، سَدَّ لنى أعطِكَ ، وتَوَكَّلَ علىَّ أكفِكَ . (3) 1291 . امام على عليه السلام : عنه صلى الله عليه و آله : ما من مُسلمٍ يبيتُ على ذِكْرِ طاهِرٍ فيتَعارَّ (4) من الليلِ ، فيَسألُ اللهُ خيراً منَ الدُّنيا والآخِرَةِ ، إلا أعطاهُ إياهُ . (5) .

-
- 1- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 184 ح 8108 ، الدر المنثور : ج 8 ص 155 نقلاً عن سعيد بن منصور وكلاهما عن أبى هريرة ، كنز العمال : ج 7 ص 717 ح 21072 .
 - 2- .البلد الأمين : ص 511 عن الإمام الباقر عن الإمام على عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 95 ص 317 ح 1 .
 - 3- .الأمالى للصدوق : ص 354 ح 432 عن المفضل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مشكاة الأنوار : ص 450 ح 1509 ، روضة الواعظين : ص 488 ، بحار الأنوار : ج 38 ص 99 ح 18 .
 - 4- .«تعار من الليل» أى هب من نومته واستيقظ (النهاية : ج 1 ص 190 «تعر»).
 - 5- .سنن أبى داوود : ج 4 ص 310 ح 5042 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 242 ح 22109 و ص 255 ح 22153 كلها عن معاذ بن جبل ، حلية الأولياء : ج 9 ص 319 عن عمرو بن عتبة ، كنز العمال : ج 15 ص 337 ح 41289 .

1292. المناقب، ابن شهر آشوب: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در فضیلت روز جمعه_: در سه ساعت آخر آن، ساعتی است که هر کس در آن ساعت به درگاه خداوند عز و جل دعا کند، دعایش مستجاب می شود. 7 / 5 دل شب 1294. الإمام علیّ علیه السلام (_ فی العباس بن ربیعَة وَقد حَرَجَ لِلبِرّاز) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شبی که به آسمان برده شدم ... به من ندا آمد که: « ... ای محمّد! هر کس به من یا غیر من حاجتی محرمانه داشته باشد، هر حاجتی که باشد، در خلوت دل شب، با حالِ طهارت، مرا بخواند و بگوید: «...» 1295. وقعة صفین: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده هر گاه در دلِ شبِ تار با سرورش خلوت کند و به راز و نیاز با او پردازد، خداوند، نور را در دلش استوار می گرداند و هر گاه بگوید: «خدای من، خدای من!»، خداوند جلیل می فرماید: «بله، بنده من! از من بخواه تا عطایت کنم؛ به من توکل کن، تا کارسازی کنم». 1294. امام علی علیه السلام (_ درباره عبّاس بن ربیعَة که بدون اجازه ایشان برای) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مسلمانی نیست که شب را با طهارت و ذکر بخوابد و پاسی از شب برخیزد و از خداوند، خیری از دنیا و آخرت بخواهد، مگر این که آن را به او عطا فرماید.

1295. وقعة صفين: عنه صلى الله عليه وآله: إذا مَضَى شَطْرُ اللَّيْلِ أو ثُلُثُ اللَّيْلِ، أَمَرَ [اللَّهُ عز و جل] مُنَادِيًا فَنَادَى: هَلْ مِنْ دَاعٍ يُسْتَجَابُ لَهُ؟ هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَيُعْطَى سُؤْلُهُ؟ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ؟ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَيُتَابَ عَلَيْهِ؟ (1) 1296. العلل ومعرفة الرجال عن عطاء أبي محمّد: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُمَهِّلُ، حَتَّى إِذَا ذَهَبَ مِنَ اللَّيْلِ نِصْفُهُ أو ثُلُثَا، قَالَ: لَا يَسْأَلَنَّ عِبَادِي غَيْرِي، مَنْ يَدْعُنِي أُسْتَجِبْ لَهُ، مَنْ يَسْأَلُنِي أُعْطِهِ، مَنْ يَسْتَغْفِرُنِي أُغْفِرْ لَهُ، حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ. (2) 1297. تهذيب التهذيب عن عطاء مولى إسحاق بن يحيى بن طلحة عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً لَا يُوَفِّقُهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ خَيْرًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِلَّا أَعْطَاهُ إِثَاءً، وَذَلِكَ كُلَّ لَيْلَةٍ. (3) 1298. العلل ومعرفة الرجال عن الوليد بن القاسم: عنه صلى الله عليه وآله: كَانَ لِدَاوُودَ نَبِيٌّ اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ اللَّيْلِ سَاعَةً يُوقِظُ فِيهَا أَهْلَهُ فَيَقُولُ: يَا آلَ دَاوُودَ، قَوْمُوا فَصَلُّوا؛ فَإِنَّ هَذِهِ سَاعَةٌ يُسْتَجِيبُ اللَّهُ فِيهَا الدُّعَاءَ، إِلَّا لِسَاحِرٍ أو عَشَّارٍ. (4).

- 1- .مسند أبي يعلى: ج 5 ص 354 ح 5910 عن أبي هريرة وأبي سعيد الخدري، صحيح مسلم: ج 1 ص 522 ح 170 عن أبي هريرة نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 111 ح 3389.
- 2- .سنن ابن ماجه: ج 1 ص 435 ح 1367، سنن الدارمي: ج 1 ص 370 ح 1453 نحوه وكلاهما عن رفاة الجهني، كنز العمال: ج 2 ص 104 ح 3352.
- 3- .صحيح مسلم: ج 1 ص 521 ح 166، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 48 ح 14361 و ص 84 ح 14550 وفيه «شيئا» بدل «خيرا»، المعجم الصغير: ج 2 ص 29 نحوه وكلها عن جابر بن عبد الله، كنز العمال: ج 7 ص 785 ح 21402؛ الدعوات: ص 35 ح 81.
- 4- .مسند ابن حنبل: ج 5 ص 492 ح 16281، المعجم الكبير: ج 9 ص 55 ح 8374 وليس فيه «ساعة يوقظ فيها أهله» وكلاهما عن عثمان بن أبي العاص، كنز العمال: ج 2 ص 112 ح 3396.

1296. العلل ومعرفة الرجال (_ به نقل از ابو محمد ، عطاء _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه نیمی از شب یا یک سوم شب گذشت ، خداوند عز و جل به منادی ای می فرماید که ندا دهد : « آیا کسی هست که دعا کند تا دعایش مستجاب شود؟ آیا کسی هست که درخواست کند تا درخواستش برآورده شود؟ آیا کسی هست که آمرزش طلبد تا او را بیمارزم؟ آیا کسی هست که توبه کند تا توبه اش پذیرفته گردد؟ » . 1297. تهذیب التهذیب (_ به نقل از عطاء ، وابسته اسحاق بن یحیی بن طلحه _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، مهلت می دهد تا آن گاه که چون نیمی از شب یا دو سوم آن گذشت ، می فرماید : زنهار! بندگانم از غیر من نخواهند . هر کس مرا بخواند ، پاسخش می دهم . هر کس از من بخواهد ، به او دهم . هر کس از من آمرزش بطلبد ، او را می آمرزم ، تا آن گاه که سپیده بدمد . 1298. العلل ومعرفة الرجال (_ به نقل از ولید بن قاسم _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در شب ، ساعتی است که هیچ مرد مسلمانی در آن ساعت ، خیری از امور دنیا و آخرت از خداوند نخواهد ، مگر این که آن را به او عطا می فرماید . این ساعت ، در هر شبی هست . 1299. الإمام علیّ علیه السلام (_ فی تأیید عمّار بن یاسر _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیامبر خدا داوود علیه السلام را پاسی از شب بود که در آن ، خانواده اش را بیدار می کرد و می فرمود : « ای خانواده داوود ! برخیزید و نماز بخوانید ؛ زیرا این ، پاسی است که خداوند در آن ، دعا را مستجاب می کند ، مگر دعای جادوگر یا باجگیر را » . .

1300. وقعة صَفِين: الإمام على عليه السلام - لِتَوْفِ الْبِكَالِيِّ - : يَا نَوْفُ ، إِنَّ دَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَامَ فِي مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَةِ مِنَ اللَّيْلِ فَقَالَ : إِنَّهَا لَسَاعَةٌ لَا يَدْعُو فِيهَا عَبْدٌ إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَشْرًا أَوْ عَرِيفًا أَوْ شَرْطِيًّا ، أَوْ صَاحِبَ عَرِطَبَةٍ (1) أَوْ صَاحِبَ كَوْبَةٍ (2) .

(3) 1299. امام على عليه السلام (_ در سوگ عمار بن ياسر _) الإمام الباقر عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لِجَابِرِ الْجَعْفِيِّ - : تَعَرَّضَ لِلرَّحْمَةِ وَعَفَوِ اللَّهِ بِحُسْنِ الْمُرَاجَعَةِ ، وَاسْتَعْنَى عَلَى حُسْنِ الْمُرَاجَعَةِ بِخَالِصِ الدُّعَاءِ وَالْمُنَاجَاةِ فِي الظُّلَمِ . (4) 1300. وقعة صَفِين: عنه عليه السلام : يُنَادِي مُنَادٍ حِينَ يَمْضَى ثُلُثُ اللَّيْلِ : يَا بَاغِيَ الْخَيْرِ أَقْبِلْ ، يَا طَالِبَ الشَّرِّ أَقْصِرْ ، هَلْ مِنْ تَائِبٍ يُتَابُ عَلَيْهِ ؟ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ يُغْفَرُ لَهُ ؟ هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَيُعْطَى ؟ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ . (5) 1301. الإمام على عليه السلام (_ لَقَيْسِ بْنِ سَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ _) الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ بَاتَ عَلَى وُضوءٍ بَاتَ وَفِرَاشُهُ مَسْجِدُهُ ، فَإِنْ تَخَفَّفَ (6) وَصَلَّى ثُمَّ ذَكَرَ اللَّهَ ، لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ . (7) 1302. الغارات عن صعصعة بن صوحان : الكافي عن عمر بن أُذينة عن الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً ، مَا يُؤَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ يُصَلِّي وَيَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا ، إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ .

قُلْتُ : أَصْلَحَكَ اللَّهُ ، فَأَيُّ سَاعَةٍ هِيَ مِنَ اللَّيْلِ ؟

قَالَ : إِذَا مَضَى نِصْفُ اللَّيْلِ ، فِي السُّدُسِ الْأَوَّلِ مِنَ النِّصْفِ الْبَاقِي . (8) .

- 1- قال الشريف الرضي قدس سره : وهي الطنبور .
- 2- قال الشريف الرضي قدس سره : وهي الطبل . وقد قيل أيضا : إنَّ العرطبة الطبل ، والكوبة الطنبور .
- 3- نهج البلاغة : الحكمة 104 ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ص 97 ، الأمل للمفيد : ص 134 ح 1 وفيه «شاعرا» بدل «عشارا و شرطيا» ، الخصال : ص 338 ح 40 ، إرشاد القلوب : ص 20 كلاهما نحوه وفيهما «رسول الله صلى الله عليه وآله» بدل «داوود عليه السلام» وكلها عن نوف البكالي ، بحار الأنوار : ج 70 ص 316 ح 22؛ حلية الأولياء : ج 1 ص 79 عن نوف البكالي وزاد فيه «جائبا» بعد «شرطيا» .
- 4- تحف العقول : ص 285 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 164 ح 1 .
- 5- دعائم الإسلام : ج 1 ص 210 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 167 ح 10 .
- 6- كذا في المصدر ، وهو من الاعتناء بالشيء كما في القاموس المحيط : ج 3 ص 128 . وفي بحار الأنوار : «تخفف» ، والتخفف : ضدّ التثقل كما في مجمع البحرين : ج 1 ص 531 .
- 7- المحاسن : ج 1 ص 118 ح 122 عن محمد بن كردوس ، بحار الأنوار : ج 76 ص 182 ح 4 .
- 8- الكافي : ج 3 ص 447 ح 19 وج 2 ص 478 ح 10 نحوه ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 117 ح 441 وفيه «إلى الثلث الباقي» بدل «في السدس الأول...» وكلاهما عن عمر بن يزيد ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 14 ح 2023 ، عدّة الداعي : ص 39 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 345 ح 9 .

1303. الإمام علی علیه السلام (_ فی تَآبِینِ مَالِکِ الْأَشْتَرِ _) امام علی علیه السلام _ به نَوْفِ بَکَالِی _ : ای نوف! داوود علیه السلام در چنین لحظه ای از شب برخاست و گفت : «این ، لحظه ای است که هر بنده ای در آن دعا کند ، دعایش مستجاب می شود ، مگر آن که باجگیر یا نماینده حاکم (1) یا پاسبان (2) یا تَبُورِنَواز و یا تُنُبک زن باشد». 1304. الإمام علی علیه السلام (_ فی کِتَابِهِ إلی مَالِکِ الْأَشْتَرِ _) امام باقر علیه السلام _ در سفارش به جابر جُعیفی _ : با بازگشتِ (/ توبه) نیکو ، خویشتن را در معرض رحمت و عفو خدا قرار ده ، و برای بازگشت نیکو از دعای خالصانه و مناجات در دلِ شب ، کمک بگیر. 1301. امام علی علیه السلام (_ به قیس بن سعد بن عباده _) امام باقر علیه السلام : هنگامی که یک سوم شب می گذرد ، منادی ای ندا می دهد : ای جوای خیر! بیا ؛ ای طالب شر! بس کن . آیا کسی هست که توبه کند تا توبه اش پذیرفته گردد؟ آیا کسی هست که آمرزش بطلبد تا آمرزیده شود؟ آیا کسی هست که درخواست کند تا عطا شود؟ تا آن گاه که خورشید سر بزند [پیوسته ، این ندا را در می دهد]. 1302. الغارات (_ به نقل از صعصعة بن صوحان _) امام صادق علیه السلام : هر که شب را با وضو بخوابد ، آن شب ، بسترش مسجد اوست و اگر برخیزد و نماز بخواند و سپس به ذکر خدا پردازد ، هر چه از خدا بخواهد ، به او عطا می فرماید . 1303. امام علی علیه السلام (_ در سوگ مالک اشتر _) الکافی _ به نقل از عمر بن اذینه _ امام صادق علیه السلام فرمود : «در شب ، ساعتی است که هر بنده مسلمانی در آن نماز بخواند و به درگاه خداوند عز و جل دعا کند ، هر شب ، دعایش مستجاب می شود» .

گفتم : خداوند ، تو را نیکو بدارد! آن ، چه ساعتی از شب است؟

فرمود : «هر گاه نیمی از شب سپری شد ، در یک ششم اول نیمه باقی مانده» . .

- 1- .عَریف _ که در متن عربی حدیث آمده _ ، به معنای خبرچین ، پیش خدمت ، سرجوخه و نیز نماینده حکومت در یک منطقه و یا قبیله است . به قرینه سیاق ، در این جا مراد باید کسی باشد که از مسئولیتش سوء استفاده می کند و چون در گذشته ، حاکم یک منطقه و یا قبیله نوعاً رفتار ظالمانه داشت ، در این روایت هم با توجّه به آن واقعیت ، به صورت مطلق یاد شده است .
- 2- .پاسبان هم از آن جهت که در گذشته ، رفتارِ خودسر و ظالمانه ای داشته ، ذکر شده است .

1304. امام على عليه السلام (_ در نامه اش به مالک اشتر _) تهذيب الأحكام عن عبدة السابورى : قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، إِنَّ النَّاسَ يَرَوْنَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً لَا يَدْعُو فِيهَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ بِدَعْوَةٍ إِلَّا اسْتَجِيبَ لَهُ ؟ قَالَ : نَعَمْ . قُلْتُ : مَتَى هِيَ ؟ قَالَ : مَا بَيْنَ نِصْفِ اللَّيْلِ إِلَى الثُّلُثِ الْبَاقِي .

قُلْتُ : لَيْدَةٌ مِنَ اللَّيَالِي أَوْ كُلُّ لَيْدَةٍ ؟ فَقَالَ : كُلُّ لَيْلَةٍ . (1) 1305. الإمام على عليه السلام (_ لِمُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ _) الإمام المهدي عليه السلام _ في دُعَاءِ الْعَلَوِيِّ الْمِصْرِيِّ _ : إلهي أنت الذي تُنادي في أنصافِ كُلِّ لَيْلَةٍ : هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيَهُ ؟ أَمْ هَلْ مِنْ دَاعٍ فَأَجِيبَهُ ؟ أَمْ هَلْ مِنْ مُسْتَعْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ ؟ أَمْ هَلْ مِنْ رَاجٍ فَأُبَلِّغَهُ رَجَاهُ ؟ أَمْ هَلْ مِنْ مُؤَمِّلٍ فَأُبَلِّغَهُ أَمَلَهُ ؟ هَا أَنَا سَائِلُكَ بِفِنَائِكَ ، وَمِسْكِينُكَ بِبَابِكَ ، وَضَعِيفُكَ بِبَابِكَ ، وَفَقِيرُكَ بِبَابِكَ ، وَمُؤَمِّلُكَ بِفِنَائِكَ ، أَسَأَلُكَ نَائِلَكَ (2) ، وَأَرْجُو رَحْمَتَكَ ، وَأُوَمِّلُ عَفْوَكَ ، وَالتَّمَسُّ غُفْرَانَكَ . (3) 7 / 6 التُّلُثُ الْأَخِيرُ مِنَ اللَّيْلِ 1305. امام على عليه السلام (_ به محمد بن حنفيه _) رسول الله صلى الله عليه وآله : إِذَا بَقِيَ ثُلُثُ اللَّيْلِ قَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : مَنْ ذَا الَّذِي يَسْتَكْشِفُ الضُّرَّ أَكْشِفُ عَنْهُ ؟ مَنْ ذَا الَّذِي يَسْتَرْزُقُنِي أَرْزُقُهُ ؟ مَنْ ذَا الَّذِي يَسْأَلُنِي أُعْطِيهِ (4) . (5) .

-
- 1- تهذيب الأحكام : ج 2 ص 118 ح 444 ، الأمالى للطوسى : ص 149 ح 245 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 165 ح 5 .
 - 2- النائل : العطاء (مجمع البحرين : ج 3 ص 1850 «نول») .
 - 3- مُهَجَّ الدَّعَوَاتِ : ص 345 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 274 ح 34 .
 - 4- فى المصدر : «أعطيه» ، والصواب ما أثبتناه كما فى كنز العمال .
 - 5- مسند الطيالسى : ص 329 ح 2516 ، كنز العمال : ج 2 ص 113 ح 3400 نقلاً عن الطبرانى فى الكبير وشعب الإيمان وكلها عن أبى هريرة .

7 / 6 ثلثِ آخر شب

1306. امام علی علیه السلام (_ به مَعْقِل بن قیس ، پس از پیروزی اش بر بنی ناصیه) تهذیب الأحكام _ به نقل از عبده سابوری _ : به امام صادق علیه السلام گفتم : قربانت گردم ! مردم از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کنند که پاسی از شب هست که هر بنده مؤمنی در آن دعایی بکند ، دعایش مستجاب می شود؟

فرمود : «درست است» .

گفتم : آن ، چه ساعتی است؟

فرمود : «از نیمه شب تا یک سوم باقی مانده».

گفتم : فقط یک شب ، چنین است یا هر شب؟

فرمود : «هر شب» . 1307. امام علی علیه السلام (_ در دعای ایشان برای هاشم مرقال _) امام مهدی علیه السلام _ در دعای علوی مصری _ : بار خدایا ! تو آنی که در نیمه های هر شب ، ندا می دهی : «آیا کسی هست که درخواستی کند تا عطايش کنم؟ آیا کسی هست که دعایی کند تا اجابتش کنم؟ آیا کسی هست که آمرزش بطلبد تا او را بیامرزم؟ آیا کسی هست که امیدی داشته باشد تا او را به امیدش برسانم؟ آیا کسی هست که آرزویی داشته باشد تا او را به آرزویش برسانم؟ اینک من ، گدایی بر آستان توأم ، مستمندی بر درگاه توأم ، ناتوانی بر در توأم ، درویشی بر درگاه توأم ، آرزومندی در آستان توأم ، عطای تو را می طلبم و به رحمت تو امید بسته ام ، آرزومندِ عفو توأم ، و آمرزش تو را می جویم . 6/7 ثلثِ آخر شب 1310 . تاریخ الطبری عن أبي ثمامة (_ أَنَّهُ قَالَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه یک سوم از شب مانده باشد ، خداوند _ تبارک و تعالی _ می فرماید : «کیست که از من ، رفع گرفتاری ای بخواهد تا گرفتاری اش را برطرف کنم؟ کیست که از من ، روزی بخواهد تا روزی اش بدهم؟ کیست که از من درخواست کند تا عطايش کنم؟

1308. امام حسين عليه السلام: سنن أبي داوود عن عمرو بن عبسة السلمى: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ اللَّيْلِ أَسْمَعُ؟ قَالَ: جَوْفَ اللَّيْلِ الْآخِرِ. (1) 1309. امام حسين عليه السلام (به فرزندش علي أكبر عليه السلام) سنن الترمذى عن أبي أمامة: قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّ الدُّعَاءِ أَسْمَعُ؟ قَالَ: جَوْفَ اللَّيْلِ الْآخِرِ، وَدُبُرِ الصَّلَوَاتِ الْمَكْتُوبَاتِ. (2) 1310. تاريخ الطبرى (به نقل از ابو ثمامه كه در روز عاشورا گفت: دوست) سنن النسائى عن عمرو بن عبسة: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَلْ مِنْ سَاعَةٍ أَقْرَبُ مِنَ الْآخِرَى أَوْ هَلْ مِنْ سَاعَةٍ يُبْتَغَى ذِكْرُهَا؟ قَالَ: نَعَمْ، إِنَّ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الرَّبُّ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعَبْدِ جَوْفُ اللَّيْلِ الْآخِرِ؛ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَذْكُرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ فَكُنْ. (3) 1311. الإمام الحسين عليه السلام (به فى أبى الشعثاء الكندى، وكان رامياً) رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا كَانَ آخِرُ اللَّيْلِ يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى: هَلْ مِنْ دَاعٍ فَأَجِيبُهُ؟ هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيَهُ سُؤْلَهُ؟ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ؟ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ؟ (4).

-
- 1- سنن أبي داوود: ج 2 ص 25 ح 1277، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 483 ح 18919 عن كعب بن مرة البهزى، كنز العمال: ج 8 ص 183 ح 22481 نقلاً عن الضياء المقدسى فى المختار وفيه «ثلث» بدل «جوف» وراجع سنن النسائى: ج 1 ص 283.
 - 2- سنن الترمذى: ج 5 ص 526 ح 3499، المصنّف لعبد الرزّاق: ج 2 ص 424 ح 3948 نحوه وفيه «شطر الليل»، كنز العمال: ج 2 ص 114 ح 3402.
 - 3- سنن النسائى: ج 1 ص 279، سنن الترمذى: ج 5 ص 570 ح 3579 وفيه من «أقرب ما يكون...»، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 453 ح 1162، السنن الكبرى: ج 3 ص 6 ح 4663 كلاهما نحوه، الدعاء للطبرانى: ص 57 ح 128 وفيها «عبسة» بدل «عنيسة»، كنز العمال: ج 1 ص 416 ح 1766.
 - 4- عدّة الداعى: ص 40، الأصول الستّة عشر: ص 69 عن جابر الجعفى عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 87 ص 167 ح 9 وص 168 ح 12.

1312. الإمام الحسين عليه السلام (_ لَأُمَّ وَهَبٍ _) سنن أبي داود_ به نقل از عمرو بن عبسه سُلمی_ : گفتم : ای پیامبر خدا ! چه هنگام از شب ، شنواتر است (دعا در آن ، زودتر مستجاب می شود)؟

فرمود : « پاسِ آخرِ شب » . 1313. الإمام الحسين عليه السلام (_ لِحَوْنِ مَوْلَى أَبِي ذَرِّ الْغِفَارِيِّ _) سنن الترمذی_ به نقل از ابو امامه _ : به پیامبر خدا گفته شد : کدام دعا زودتر شنیده [و مستجاب] می شود؟

فرمود : « [دعای] پاسِ آخرِ شب و دعای پس از نمازهای واجب » . 1311. امام حسین علیه السلام (_ درباره ابوشعثای کندی که تیرانداز بود _) سنن النسائی_ به نقل از عمرو بن عبسه _ : گفتم : ای پیامبر خدا ، آیا وقتی هست که در آن به خدا نزدیک تر است تا وقتی دیگر ، یا ساعتی که ذکر در آن ، مطلوب تر باشد؟

فرمود : « آری . پاسِ آخرِ شب ، وقتی است که پروردگار عز و جلیبه بنده نزدیک تر [از هر زمان دیگری] است . پس اگر می توانی از کسانی باشی که در این ساعت به ذکر خداوند عز و جلی می پردازند ، باش » . 1312. امام حسین علیه السلام (_ به اُمّ وَهَبٍ _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چون آخرِ شب فرا برسد ، خداوند پاک و بلندمرتبه می فرماید : « آیا هیچ دعاکننده ای هست تا دعایش را مستجاب گردانم؟ آیا هیچ درخواست کننده ای هست تا خواسته اش را برآورم؟ آیا هیچ آمرزش خواهی هست تا او را بیامرزم؟ آیا هیچ توبه کننده ای هست تا توبه اش را بپذیرم؟ » . .

1313. امام حسين عليه السلام (_ در حقّ جون ، غلام آزاد شده ابو ذر غفارى _) الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ تَطَهَّرَ ثُمَّ أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ بَاتَ وَفِرَاشُهُ كَمَسَجِدِهِ ، فَإِنْ قَامَ مِنَ اللَّيْلِ فَذَكَرَ اللَّهَ تَنَاءَتْ عَنْهُ خَطَايَاهُ ، فَإِنْ قَامَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ فَتَطَهَّرَ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ ، وَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ ، إِمَّا أَنْ يُعْطِيَهُ الَّذِي يَسْأَلُهُ بِعَيْنِهِ ، وَإِمَّا أَنْ يَدَّخِرَ لَهُ مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ مِنْهُ . (1) 7 / 7 الأسحار الكتاب «كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» . (2)

«وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» . (3)

الحديث 1318. الإمام الحسين عليه السلام (_ لَمَّا بَلَغَهُ خَيْرُ شَيْءٍ هَادَةٍ مُسْلِمٍ _) رسول الله صلى الله عليه وآله _ لِعَلِّيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي وَصِيَّتِهِ _ : يَا عَلِيُّ ، صَلِّ مِنَ اللَّيْلِ وَلَوْ قَدَرَ حَلْبُ شَاةٍ ، وَبِالْأَسْحَارِ فَادْعُ ، لَا تُرَدُّ لَكَ دَعْوَةٌ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ _ تَبَارَكَ وَتَعَالَى _ يَقُولُ : «وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» . (4) 1319. الإمام الحسين عليه السلام (_ فِي مُسْلِمٍ بْنِ عَوَسَةَ جَعَةَ _) الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ أَفْضَلَ مَا دَعَوْتُمُ اللَّهَ بِالْأَسْحَارِ ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : «وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» . (5) 1316. امام حسين عليه السلام (_ چون خبر شهادت قيس بن مسهر به ايشان رسيد ، چش) عنه عليه السلام : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : خَيْرٌ وَقْتٍ دَعَوْتُمُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ الْأَسْحَارُ ، وَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ فِي قَوْلِ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي» (6) وَقَالَ : أَخْرَجَهُمْ إِلَى السَّحْرِ . (7) .

1- .الكافي : ج 3 ص 468 ح 5 عن محمد بن كردوس .

2- .الذاريات : 17 و 18 .

3- .آل عمران : 17 .

4- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 54 ح 2134 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 167 ح 11 .

5- .قصص الأنبياء : ص 188 ح 235 عن الفضل بن أبي قرّة ، بحار الأنوار : ج 87 ص 165 ح 7 .

6- .يوسف : 98 .

7- .الكافي : ج 2 ص 477 ح 6 عن الفضل بن أبي قرّة ، بحار الأنوار : ج 12 ص 266 ح 34 .

1317. امام حسین علیه السلام (_ چون خبر شهادت قیس بن مُسهر به ایشان رسید _) امام صادق علیه السلام : هر که وضو بگیرد و به بسترش برود ، آن شب ، بستر او مانند مسجدش باشد و اگر وقتی از شب را بر خیزد و به ذکر خدا پردازد ، گناهانش همه فرو می ریزد و چنانچه آخر شب برخیزد و وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند و حمد و ثنای الهی به جای آورد و بر پیامبر ، درود بفرستد ، هر چه از خدا بخواهد ، به او عطا می فرماید : یا همانی را که از او می خواهد ، عطایش کند و یا آنچه را که برایش بهتر از آن است ، برای او می اندوزد . 7 / سحرگاهانقرآن «و از شب ، اندکی را می غنودند و در سحرگاهان ، طلبِ آمرزش می کردند» .

«و آمرزش خواهان در سحرگاهان» .

حدیث 1321. امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ در سفارش به علی علیه السلام _ : ای علی ! پاسی از شب ، نماز بخوان ، اگر چه به اندازه مدّت دوشیدن گوسفندی باشد ، و در سحرگاهان دعا کن ، که دعایت رد نمی شود ؛ زیرا خداوند _ تبارک و تعالی _ می فرماید : «و آمرزش خواهان در سحرگاهان» . 1322. المجتبی : امام صادق علیه السلام : بهترین زمانی که در آن به درگاه خدا دعا می کنید ، سحرگاهان است . خداوند متعال فرموده است : «و در سحرگاهان ، طلبِ آمرزش می کردند» . 1323. الخرائج والجرائح : امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا فرمود : «بهترین وقتی که در آن به درگاه خداوند عز و جلدعا می کنید ، سحرهاست» .

سپس ، این آیه را که سخن یعقوب علیه السلام است ، تلاوت کرد : « (به زودی از پروردگام برای شما طلب آمرزش خواهم کرد) » و فرمود : « [یعقوب] به وقت سحر ، موکول کرد» .

1323. الخرائج والجرائح: إتحاف السادة المتقين عن ابن عباس: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لِمَ أَخَّرَ يَعْقُوبُ بَنِيهِ فِي الْإِسْتِغْفَارِ؟ قَالَ: أَخَّرَهُمْ إِلَى السَّحْرِ؛ لِأَنَّ دُعَاءَ السَّحْرِ مُسْتَجَابٌ. (1) 1324. تاريخ دمشق عن ابن عائشة عن أبيه: تفسير القمى: ثُمَّ رَحَلَ يَعْقُوبُ وَأَهْلُهُ مِنَ الْبَادِيَةِ، بَعْدَمَا رَجَعَ إِلَيْهِ بَنُوهُ بِالْقَمِيصِ فَأَلْقَوْهُ عَلَى وَجْهِهِ، فَارْتَدَّ بَصِيرًا.

فَقَالَ لَهُمْ: أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ؟

قالوا له: يا أبانا استغفر لنا ذنوبنا إنا كنا خاطئين.

قال لهم: سوف أستغفر لكم ربى، إنه هو الغفور الرحيم.

قَالَ: أَخَّرَهُ إِلَى السَّحْرِ؛ لِأَنَّ الدُّعَاءَ وَالْإِسْتِغْفَارَ فِيهِ مُسْتَجَابٌ. (2) 1324. تاريخ دمشق (_ به نقل از ابن عایشه ، از پدرش _) رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ فِي آخِرِ سَاعَةٍ تَبْقَى مِنْ سَاعَاتِ اللَّيْلِ، يَأْمُرُ مَلَكًا يُنَادِي، فَيَسْمَعُ مَا بَيْنَ الْخَافِقِينَ مَا خَلَا الْجِنَّ وَالْإِنْسَ: أَلَا هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ يُغْفَرُ لَهُ؟ أَلَا هَلْ مِنْ تَائِبٍ يُتَابُ عَلَيْهِ؟ أَلَا هَلْ مِنْ دَاعٍ بِخَيْرٍ يُسْتَجَابُ لَهُ؟ أَلَا هَلْ مِنْ سَائِلٍ يُعْطَى سُؤَالُهُ؟ أَلَا هَلْ مِنْ رَاغِبٍ يُعْطَى رَغْبَتَهُ؟ يَا بَاغِيَ الْخَيْرِ أَقْبِلْ، يَا صَاحِبَ الشَّرِّ أَقْصِرْ، اللَّهُمَّ أَعْطِ كُلَّ مُنْفِقٍ مَالًا خَلْفًا، وَأَعْطِ كُلَّ مُمَسِكٍ مَالًا تَلْفًا. (3) 1325. رجال الكشي عن زرارة: الأمايلى للطوسى عن رزيق عن الإمام الصادق عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْدُّعَاءِ وَالْإِلْحَاحِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي السَّاعَةِ الَّتِي لَا يُخَيَّبُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا بَرًّا وَلَا فَاجِرًا.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! وَأَيُّ سَاعَةٍ هِيَ؟

قَالَ: هِيَ السَّاعَةُ الَّتِي دَعَا فِيهَا أَيُّوبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَشَدَّ كَأْسَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَجَلْبَلَيْتُهُ، فَكَشَفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ، وَدَعَا فِيهَا يَعْقُوبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَدَّ اللَّهُ يَوْسُفَ وَكَشَفَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ، وَدَعَا فِيهَا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَشَفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ، وَدَعَا فِيهَا الْمُشْرِكِينَ بَعْدَ الْيَأْسِ، أَنَا ضَامِنٌ أَنْ لَا يُخَيَّبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ بَرًّا وَلَا فَاجِرًا، الْبَرُّ يُسْتَجَابُ لَهُ فِي نَفْسِهِ وَغَيْرِهِ، وَالْفَاجِرُ يُسْتَجَابُ لَهُ فِي غَيْرِهِ، وَيَصْرِفُ اللَّهُ إِجَابَتَهُ إِلَى وَلِيِّ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، فَاعْتَنِمُوا الدُّعَاءَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ. (4).

1- إتحاف السادة المتقين: ج 5 ص 32، الدر المنثور: ج 4 ص 584 كلاهما نقلًا عن أبي الشيخ وابن مردويه وراجع تفسير القمى: ج 1 ص 355.

2- تفسير القمى: ج 1 ص 355، بحار الأنوار: ج 12 ص 250 ح 16.

3- درر الأحاديث النبوية: ص 33.

4- الأمايلى للطوسى: ص 699 ح 1493، بحار الأنوار: ج 93 ص 346 ح 12.

1326. دعائم الإسلام عن أبي جعفر عليه السلام: إتحاف السادة المتقين. به نقل از ابن عباس: از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: چرا یعقوب، آموزش خواهی برای فرزندانش را به تأخیر انداخت؟

فرمود: «به سحر موکولشان کرد به این خاطر که دعای سحرگهان، مستجاب می شود». 1325. رجال الکشی (به نقل از زراره) تفسیر القمی: پس از آن که پسران یعقوب علیه السلام پیراهن [یوسف علیه السلام] را آوردند و بر صورت او افکندند و او بینایی اش را بازیافت، یعقوب و خانواده اش از بادیه کوچیدند، یعقوب به آنان گفت: «به شما نگفتم که من از [لطف] خدا، آن می دانم که شما نمی دانید؟».

پسرانش گفتند: پدر جان! گناهان ما طلب آموزش کن. ما خطاکار بودیم.

یعقوب به ایشان گفت: به زودی از پروردگارم برایتان طلب آموزش خواهم کرد، که او آموزگار و مهربان است».

و این کار را تا سحر، به تأخیر افکند؛ چرا که دعا و استغفار، در سحرگاه مستجاب می شود. 1326. دعائم الإسلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل در واپسین ساعتِ باقی مانده از ساعات شب، به فرشته ای می فرماید تا ندا در دهد، آن سان که از شرق تا غرب عالم، به استثنای جنّ و انس، ندایش را می شنوند که: «هان! آیا کسی هست که آموزش بطلبد تا آمرزیده شود؟ آیا کسی هست که توبه کند تا توبه اش پذیرفته شود؟ آیا کسی هست که دعای خیری کند تا دعایش مستجاب شود؟ آیا کسی هست که درخواست کند تا خواسته اش برآورده شود؟ آیا کسی هست که چیزی بخواهد و مطلوبش داده شود؟ ای جوایبِ خیر! بیا. ای بدی کننده! بس کن. بار خدایا! به هر انفاق کننده مالی، عوض عطا کن و به هر آن کس که از انفاق مالی خودداری می ورزد، زیان ده (مالش را تلف کن)».

1327. الإمام الباقر علیه السلام: الأملی، طوسی. به نقل از رزق: امام صادق علیه السلام فرمود: «بر شما باد دعا و التماس به درگاه خداوند عز و جل در آن ساعتی که خدای عز و جلدر آن ساعت، هیچ نیکوکار و بدکاری را نومید نمی سازد».

گفتم: فدایت شوم! آن، چه ساعتی است؟

فرمود: «ساعتی که ایوب علیه السلام در آن، دعا کرد و از رنجوری خویش به درگاه خداوند عز و جل شکایت بُرد و خداوند عز و جل رنج را از او زدود. یعقوب علیه السلام در آن دعا کرد و خداوند، یوسف علیه السلام را بازگرداند و اندوه او را بُرد. محمد صلی الله علیه و آله در آن، دعا کرد و خداوند عز و جل گرفتاری اش را برطرف ساخت و او را که مأیوس شده بود، بر مشرکان، چیره گردانید. من ضمانت می کنم که خداوند عز و جل در آن ساعت، هیچ نیکوکار و بدکاری را نومید برنگرداند. دعای نیکوکار درباره خودش و دیگران، مستجاب می شود و دعای بدکار درباره دیگران و خداوند، اجابتش را متوجه دوستی از دوستان خویش می کند. پس دعا کردن در این وقت را غنیمت بشمارید».

7 / 8 بَيْنَ الطُّلُوعَيْنِ 1328. الدعوات: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا صَدَّ لَيْثُكُمْ الصُّبْحَ فَافْرَعُوا إِلَى الدُّعَاءِ، وَبَاكِرُوا فِي طَلَبِ الحَوَائِجِ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا. (1) 1329. رجال الكشي عن أبي جعفر الأحول عن الإمام الصادق عنه صلى الله عليه وآله: وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لَدُعَاءِ الرَّجُلِ بَعْدَ طُلُوعِ الفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ أَنْجَحُ فِي الحَاجَاتِ مِنَ الصَّارِبِ بِمَالِهِ فِي الأَرْضِ. (2) 1330. رجال الكشي عن الأرقط عن الإمام الصادق عليه السلاالإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ كُلَّ عَبْدٍ دَعَا: فَعَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ فِي السَّحْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ؛ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ تُفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ، وَتُقَسَّمُ فِيهَا الأَرْزَاقُ، وَتُقْضَى فِيهَا الحَوَائِجُ العِظَامُ. (3).

-
- 1- تاريخ بغداد: ج 12 ص 155 ح 6628، تاريخ دمشق: ج 26 ص 266 ح 5565 كلاهما عن جعفر العلوي عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، كنز العمال: ج 2 ص 100 ح 3329.
 - 2- دعائم الإسلام: ج 1 ص 167، بحار الأنوار: ج 86 ص 133 ح 11.
 - 3- الكافي: ج 2 ص 478 ح 9، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 14 ح 2022، عدّة الداعي: ص 46، ثواب الأعمال: ص 193 ح 1 كلها عن أبي الصباح الكناني، الدعوات: ص 34 ح 78، عوالي اللآلي: ج 4 ص 21 ح 63 كلاهما بزيادة «وتهبّ الرياح» بعد «السماء»، بحار الأنوار: ج 87 ص 165 ح 6.

7 / 8 از سپیده دم تا دمیدن خورشید

7 / 8 از سپیده دم تا دمیدن خورشید 1331. الإمام الصادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون، نماز صبح را خواندید، به دعا خواندن پردازید و صبح زود، در پی کسب و کار بروید. بار خدایا! برای امتم در صبح های زود آنان، برکت قرار ده. 1332. الکافی عن طرخان النخاس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آن که جان محمد در دست اوست، هر آینه، دعای مرد بعد از طلوع فجر تا طلوع خورشید، در رفع حوایج [و تأمین معاش] مؤثرتر از تجارت کردن با مال است. 1331. امام صادق علیه السلام: امام باقر علیه السلام: خداوند عز و جل از میان بندگان مؤمنش، بنده ای را که بسیار دعا کند، دوست می دارد. پس، بر شما باد دعا کردن در سحرگاهان تا طلوع خورشید؛ زیرا این، وقتی است که در آن، درهای آسمان باز می شود، و روزی ها تقسیم می شود و حاجت های بزرگ، برآورده می شود.

1332. الكافي (_ به نقل از طرخان نخاس _) الإمام الصادق عليه السلام: التَّعْقِيبُ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ _ يَعْنِي بِالِدُّعَاءِ _ أْبْلَغُ فِي طَلَبِ الرَّزْقِ مِنَ الصَّدَارِبِ فِي الْبِلَادِ . (1) 1333. رجال الكشي عن زرارة: الإمام الصادق عليه السلام: الْجُلُوسُ بَعْدَ صَلَاةِ الْغَدَاةِ فِي التَّعْقِيبِ وَالِدُّعَاءِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ أْبْلَغُ فِي طَلَبِ الرَّزْقِ مِنَ الصَّرْبِ فِي الْأَرْضِ . (2) 1334. رجال الكشي عن زرارة: الإمام الجواد عليه السلام: ذَكَرَ اللَّهُ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أْبْلَغُ فِي طَلَبِ الرَّزْقِ مِنَ الصَّرْبِ فِي الْأَرْضِ . (3) 7 / 9 قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا الْكِتَابُ «وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظَلَّ لَهُمُ الْبُغْضُ وَالْأَصَالُ» . (4)

الحديث 1336. الدعوات: الإمام الصادق عليه السلام في قول الله تَبَارَكَ وَتَعَالَى : « وَظَلَّ لَهُمُ الْبُغْضُ وَالْأَصَالُ » _ : هُوَ الدُّعَاءُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا ، وَهِيَ سَاعَةٌ إِبَاجِيَّةٌ . (5) 1337. رجال الكشي عن إسماعيل بن موسى : رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنِّي لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ ... نُوذِيتُ ... يَا مُحَمَّدُ ، وَمَنْ كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ مِنْ أُمَّتِكَ فِيمَا دُونَ الْكِبَائِرِ حَتَّى يُشْهَرَ بِكَثْرَتِهَا ، وَيُمَقَّتَ عَلَى اتِّبَاعِهَا ، فَلْيَعْتَمِدْنِي عِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أَوْ قَبْلَ أَفْوَلِ الشَّفَقِ ، وَلْيَنْصِبْ وَجْهَهُ إِلَيَّ وَلْيَقُلْ : [وَذَكَرَ الدُّعَاءَ] . (6) .

- 1- دعائم الإسلام : ج 1 ص 170 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 133 ح 11 .
- 2- تهذيب الأحكام : ج 2 ص 138 ح 539 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 329 ح 966 .
- 3- تفسير العياشي : ج 1 ص 240 ح 119 عن الحسين بن مسلم ، بحار الأنوار : ج 85 ص 323 ح 11 .
- 4- الرعد : 15 .
- 5- الكافي : ج 2 ص 522 ح 1 عن غالب بن عبد الله ، عدّة الداعي : ص 243 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 297 ح 58 .
- 6- البلد الأمين : ص 505 عن الإمام الباقر عن الإمام عليّ عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 95 ص 308 ح 1 .

7 / 9 پیش از طلوع و غروب خورشید

1338. رجال الکشی عن عبدالرحمن بن الحجاج: امام صادق علیه السلام: تعقیبات (یعنی دعا) بعد از نماز صبح، در به دست آوردن روزی، مؤثرتر از سفر تجارت در شهرهاست. 1339. الأملی للمفید عن حماد بن عیسی: امام صادق علیه السلام: نشستن بعد از نماز صبح و خواندن تعقیبات و دعا تا طلوع خورشید، در کسب روزی مؤثرتر از سفر تجارت است. 1337. رجال الکشی (_ به نقل از اسماعیل بن موسی _) امام جواد علیه السلام: پرداختن به ذکر خدا بعد از سپیده دم، در کسب روزی، مؤثرتر از سفر تجارت است. 7 / 9 پیش از طلوع و غروب خورشید قرآن «و هر آن کس که در آسمان ها و زمین است، خواه ناخواه، و سایه هایشان، بامدادان و شامگاهان، برای خدا سجده می کنند» .

حدیث 1341. المناقب، ابن شهر آشوب: امام صادق علیه السلام _ درباره این سخن خداوند _ تبارک و تعالی _ که: «و سایه هایشان، بامدادان و شامگاهان» _ : مقصود، دعا کردن پیش از طلوع و غروب آفتاب است و آن، ساعت اجابت است. 1342. عیون أخبار الرضا علیه السلام عن محمد بن إسحاق عن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شبی که به آسمان برده شدم (شب معراج) ... ندایی شنیدم که: «... ای محمد! هر که از امت تو گناهانش، نه گناه کبیره، چندان بسیار شود که به بسیاری آنها شهره گردد و به واسطه پیروی از آنها منفور گردد، در هنگام طلوع فجر یا پیش از فرونشستن شفق، به من اعتماد کند و روی به جانب من نماید و بگوید: [و دعا را ذکر کرد]» .

1343. الإمام الرضا عليه السلام (_ فيما كتبه إليه _) الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الدُّعَاءَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا، سُنَّةٌ وَاجِبَةٌ مَعَ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَالْمَغْرَبِ . (1) 1342. عيون أخبار الرضا عليه السلام (_ به نقل از محمد بن اسحاق ، از عمويش احمد بن عبد) عنه عليه السلام: إِذَا كَانَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ فَعَلَيْكَ بِالدُّعَاءِ ، وَاجْتِهَدِ وَلَا تَمْتَنِعْ بِشَيْءٍ تَطْلُبُهُ مِنْ رَبِّكَ ، وَلَا تُقَلِّ : هَذَا مَا لَا أُعْطَاهُ ، وَادْعُ فَإِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ . (2) راجع : ص 294 ح 452 .

10 / 7 عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ 1344. قرب الإسناد (_ به نقل از حسين بن يسار _) رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ ، فَتَحَتِ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَأَبْوَابُ الْجَنَانِ ، وَاسْتُجِيبَ الدُّعَاءُ ، فَطُوبَى لِمَنْ رَفَعَ لَهُ عِنْدَ ذَلِكَ عَمَلٌ صَالِحٌ . (3) 1345. كمال الدين (_ به نقل از عبد السلام بن صالح هروي _) سنن الترمذی عن عبد الله بن السائب: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يُصَلِّي أَرْبَعًا بَعْدَ أَنْ تَزُولَ الشَّمْسُ قَبْلَ الظُّهْرِ ، وَقَالَ : إِنَّهَا سَاعَةٌ تَفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ ، وَأُحِبُّ أَنْ يَصْعَدَ لِي فِيهَا عَمَلٌ صَالِحٌ . (4) .

1- الكافي : ج 2 ص 532 ح 31 ، فلاح السائل : ص 385 ح 260 وفيه «بين طلوع» بدل «مع طلوع» وكلاهما عن أبي خديجة ، بحار الأنوار : ج 86 ص 268 ح 38 .

2- الزهد للحسين بن سعيد : ص 19 ح 42 عن فضيل بن عثمان ، بحار الأنوار : ج 78 ص 227 ح 98 .

3- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 209 ح 633 ، الأمالي للصدوق : ص 671 ح 899 ، فلاح السائل : ص 192 ح 104 كلاهما عن زرارة عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، روضة الواعظين : ص 348 و ص 360 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 55 ح 8 .

4- سنن الترمذی : ج 2 ص 343 ح 478 ، كنز العمال : ج 8 ص 39 ح 21758 نقلاً عن ابن جرير والديلمي؛ مستدرک الوسائل : ج 3 ص 67 ح 3042 نقلاً عن درر اللآلي نحوه وراجع مسند ابن حنبل : ج 9 ص 144 ح 23624 والسنن الكبرى : ج 2 ص 687 ح 4579 .

1346. عیون أخبار الرضا علیه السلام عن موسى بن عمر بن بزمام صادق علیه السلام: دعا کردن پیش از طلوع و غروب خورشید، سنتی واجب (مؤکد) است، با دمیدن سپیده و مغرب. 1347. رجال الکشی عن یزید بن إسحاق: امام صادق علیه السلام: پیش از طلوع خورشید و قبل از غروب، دعا کن و بکوش و از درخواست از پروردگارت، خودداری موز و مگو: این، چیزی است که به من داده نمی شود. دعا کن؛ زیرا خداوند، هر کاری بخواهد، انجام می دهد. ر. ک: ص 295 ح 452

7 / 10 هنگام نیم روز 1348. امام رضا علیه السلام (_ هنگامی که برادران ایشان با ایشان درباره ارث و و) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هنگام زوال خورشید، درهای آسمان و در بهشت ها باز می شود و دعا، مستجاب می گردد. پس، خوشا به حال کسی که در این هنگام، کردار نیکی از او فراز برده شود. 1349. الغیة للطوسی عن الحسن بن شَمون: سنن الترمذی_ به نقل از عبد الله بن سائب _: پیامبر خدا، پس از زوال خورشید، پیش از [نماز] ظهر، چهار رکعت می خواند و می فرمود: «این، ساعتی است که در آن، درهای آسمان گشوده می شود و من، دوست دارم که در این ساعت، کردار نیکی از من به سوی آسمان، بالا رود».

1350. رجال الكشي عن علي بن مهزيار (_ في ذكر كُتُب الإمام الجواد عليه السلام !) رسول الله صلى الله عليه وآله : تَحَرُّوا الدُّعَاءَ عِنْدَ فَيْءِ الْأَفْيَاءِ . (1) 1349. الغيبة ، طوسی (_ به نقل از حسن بن شَمون _) عنه صلى الله عليه وآله : إِذَا فَاءَتِ الْأَفْيَاءُ ، وَهَبَّتِ الْأَرْوَاحُ (2) ، فَادْكُرُوا حَوَائِجَكُمْ ؛ فَإِنَّهَا سَاعَةُ الْأَوَّابِينَ (3) . (4) 1350. رجال الكشي (_ به نقل از علي بن مهزيار ، در یادکرد از نامه های) الإمام علي عليه السلام : إِذَا مَالَتِ الْأَفْيَاءُ وَرَاجَتِ الْأَرْوَاحُ ، فَاطْلُبُوا الْحَوَائِجَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ؛ فَإِنَّهَا سَاعَةُ الْأَوَّابِينَ ، ثُمَّ قَرَأْ : «فَإِنَّهُ كَانَ لِلأَوَّابِينَ غُفُورًا» (5) . (6) 1351. رجال الكشي عن علي بن مهزيار (_ في كِتَابِ لِإِمَامِ الْجَوَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَيْهِ) الكافي عن عبد الله بن عطاء عن الإمام الباقر عليه السلام : كَانَ أَبِي إِذَا كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ طَلَبَهَا فِي هَذِهِ السَّاعَةِ ، يَعْنِي زَوَالَ الشَّمْسِ . (7) 1351. رجال الكشي (_ درباره علي بن مهزيار _) الإمام الباقر عليه السلام في وقت الزوال _ : تُفْتَحُ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ أَبْوَابُ السَّمَاءِ ، وَيُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ ، وَتَهْبُ الرِّيَّاحُ ، وَيَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى خَلْقِهِ . (8) 1352. الغيبة للطوسي عن علي بن الحسين بن داود : عنه عليه السلام : إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَتُحْتِ أَبْوَابُ السَّمَاءِ ، وَهَبَّتِ الرِّيَّاحُ ، وَقُضِيَ فِيهَا الْحَوَائِجُ الْكِبَارُ . (9) .

- 1- .كنز العمال : ج 2 ص 103 ح 3350 نقلاً عن حلية الأولياء عن سهل بن سعد .
- 2- .الأرواح : جمع ريح ، وتجمع على أرياح قليلاً وعلى رياح كثيراً (النهاية : ج 2 ص 272 «روح»).
- 3- .الأوابين : جمع أواب؛ وهو الكثير الرجوع إلى الله تعالى بالتوبة . وقيل : هو المطيع . وقيل : المسبِّح (النهاية : ج 1 ص 79 «أوب»).
- 4- .المصنّف لعبد الرزّاق : ج 3 ص 67 ح 4818 ، حلية الأولياء : ج 7 ص 227 عن ابن أبي أوفى ، كنز العمال : ج 2 ص 103 ح 3349؛ الجعفریات : ص 241 ، النوادر للراوندي : ص 193 ح 353 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الدعوات : ص 34 ح 77 والثلاثة الأخيرة عن الإمام علي عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 346 ح 11 .
- 5- .الإسراء : 25 .
- 6- .الزهد لهناد : ج 2 ص 457 ح 908 نقلاً عن الأوزاعي .
- 7- .الكافي : ج 2 ص 477 ح 4 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 14 ح 2018 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 345 ح 9 .
- 8- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 227 ح 679 .
- 9- .فلاح السائل : ص 193 ح 105 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 55 ح 9 .

1353. رجال الكشّی عن محمد بن مرزبان عن محمد بن سنان: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دعا را در هنگام برگشتن سایه ها (1) بجوید. 1352. الغیبة، طوسی (_ به نقل از علی بن حسین بن داوود _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه سایه ها برگشت و بادهای وزیدن گرفت، حوایجتان را [برای خدا] بگوئید؛ زیرا این لحظه، لحظه بازگشت کنندگان [به درگاه الهی] است. 1353. رجال الكشّی (_ به نقل از محمد بن مرزبان، از محمد بن سنان _) امام علی علیه السلام: «هر گاه سایه ها برگشت و بادهای برخاست، حوایج را از خداوند عز و جل بطلبید؛ زیرا این ساعت، ساعت بازگشت کنندگان است» .

سپس این آیه را تلاوت فرمود: «قطعاً او آمرزنده بازگشت کنندگان است» . 1354. الخرائج والجرائح عن محمد بن عمیر بن واقد الرازی الکافی: به نقل از عبد الله بن عطاء _ امام باقر علیه السلام فرمود: «پدرم هر گاه نزد خداوند، حاجتی داشت، آن را در این ساعت می طلبید؛ یعنی هنگام زوال خورشید. 1355. رجال الكشّی عن أبي هاشم الجعفری: امام باقر علیه السلام _ درباره وقت زوال _: در این ساعت، درهای آسمان گشوده و دعا، مستجاب می شود و بادهای وزیدن می گیرند و خداوند، به خلقش نظر می کند. 1354. الخرائج و الجرائح (_ به نقل از محمد بن عمیر بن واقد رازی _) امام باقر علیه السلام: چون خورشید زوال یابد، درهای آسمان باز شود و بادهای وزیدن می گیرد و در این لحظه، حاجت های بزرگ، برآورده می شوند. .

1- .فی در متن حدیث، به معنای برگشتن است و به سایه شرقی یا بعد از ظهر، «فی» گویند.

1355. رجال الكشي (_ به نقل از ابو هاشم جعفری _) الإمام الصادق عليه السلام: كان أبي إذا طلب الحاجة طلبها عند زوال الشمس ، فإذا أراد ذلك قدم شئنا فتصدق به ، وشم شئنا من طيب ، وراح إلى المسجد ودعا في حاجته بما شاء الله . (1) 1356. الغيبة للطوسي عن أبي طالب القمي: فلاح السائل عن عبد الله بن حماد الأنصاري عن الإمام الصادق عليه السلام: إذا زالت الشمس فتحت أبواب السماء وأبواب الجنان ، وقضيت الحوائج العظام ، فقلت: إلى أي وقت؟ فقال: مقدار ما يصلي الرجل أربع ركعات مترسلاً . (2) 1356. الغيبة ، طوسي (_ به نقل از ابو طالب قمي _) الإمام الصادق عليه السلام: إذا نقص الظل حتى يبلغ غايته ثم زاد فقد زالت الشمس ، وتفتح أبواب السماء ، وتهب الرياح ، وتقضى الحوائج العظام . (3) 1357. الخرائج والجرائح: عنه عليه السلام: إنّه إذا زالت الشمس فتحت أبواب السماء ، وهبت الرياح ، ونظر الله عز وجل خلقه ، وإنّي لأحِبُّ أن يصعد لي عند ذلك إلى السماء عمل صالح . (4) 1357. الخرائج والجرائح: عنه عليه السلام: إذا كانت لك إلى الله حاجة ، فأطلبها عند زوال الشمس . (5) 1358. مكارم الأخلاق عن حمران: عنه عليه السلام: الوقت الذي لا يُردُّ فيه الدعاء هو ما بين وقتكم في الظهر إلى وقتكم في العصر . (6) .

-
- 1- الكافي: ج 2 ص 477 ح 7 ، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 14 ح 2020 ، عدّة الداعي: ص 48 كلّها عن معاوية بن عمّار ، بحار الأنوار: ج 93 ص 345 ح 9 .
 - 2- فلاح السائل: ص 191 ح 102 ، عدّة الداعي: ص 46 ، بحار الأنوار: ج 87 ص 54 ح 7 .
 - 3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 224 ح 674 ، دعائم الإسلام: ج 1 ص 209 نحوه .
 - 4- النخصال: ص 488 ح 65 عن أبان ، روضة الواعظين: ص 431 ، بحار الأنوار: ج 83 ص 26 ح 2 .
 - 5- فلاح السائل: ص 193 ح 106 عن محمّد بن مروان ، بحار الأنوار: ج 87 ص 55 ح 9 .
 - 6- الدعوات: ص 34 ح 76 ، بحار الأنوار: ج 93 ص 347 ح 14 .

1359. رجال الکشی عن محمد بن الفرّج: امام صادق علیه السلام: پدرم هر گاه حاجتی طلب می کرد، آن را در هنگام زوال خورشید می طلبید، و هر گاه می خواست چنین کند، ابتدا چیزی صدقه می داد و عطری می زد و به مسجد می رفت و آنچه می خواست، از خدا می طلبید. 1358. مکارم الأخلاق (به نقل از حران) _ فلاح السائل _ به نقل از عبد الله بن حماد انصاری: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر گاه خورشید زوال یابد، درهای آسمان و درهای بهشت، باز می شود و حوایج بزرگ، برآورده می گردد».

گفتم: تا چه هنگام؟

فرمود: «به مقداری که انسان، چهار رکعت نماز با تائنی بخواند». 1359. رجال الکشی (به نقل از محمد بن فرج) _ امام صادق علیه السلام: هر گاه سایه کوتاه شود تا جایی که به کمترین حدش برسد و سپس افزایش یابد، خورشید، زوال یافته است و درهای آسمان، باز می شوند و بادهای (نسیم رحمت الهی) وزیدن می گیرند و حاجت های بزرگ، برآورده می شوند. 1360. الخرائج والجرائح عن جعفر بن الشریف الجرجانی: امام صادق علیه السلام: هر گاه نیم روز شود، درهای آسمان باز می شوند و بادهای (نسیم رحمت الهی) وزیدن می گیرند و خداوند عز و جل به خلقتش نظر می افکند و من، دوست دارم که در این هنگام، کردار نیکی از من به آسمان بالا رود. 1361. الإمام العسکری علیه السلام (من کتابه إلى إسحاق بن إسماعیل) _ امام صادق علیه السلام: هر گاه تو را به خداوند، حاجتی بود، آن را به هنگام زوال خورشید، موکول کن. 1360. الخرائج والجرائح (به نقل از جعفر بن شریف جرجانی) _ امام صادق علیه السلام: آن ساعتی که در آن دعا رد نمی شود، از وقت ظهر شما تا وقت عصرتان است. .

11 / 7 يَوْمَ الْفِطْرِ 1363. عنه عليه السلام (_ مِنْ كِتَابِهِ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمْدَوَيْهِ) الإمام عليّ عليه السلام _ فِي خُطْبَتِهِ يَوْمَ الْفِطْرِ _ : أَلَا وَإِنَّ هَذَا الْيَوْمَ ، يَوْمٌ جَعَلَهُ اللَّهُ لَكُمْ عِيدًا ، وَجَعَلَ لَكُمْ لَهُ أَهْلًا ، فَادْكُرُوا اللَّهَ يَذْكُرْكُمْ ، وَادْعُوهُ يَسْتَجِبْ لَكُمْ . (1) راجع : شهر الله في الكتاب والسنة : القسم الخامس / الفصل الثالث : آداب يوم العيد .

12 / 7 يَوْمَ عَرَفَةَ 1364. رجال الكشي : رسول الله صلى الله عليه وآله : أَفْضَلُ الدُّعَاءِ ، دُعَاءُ يَوْمِ عَرَفَةَ . (2) 1365. الخرائج والجرائح عن عيسى بن صبيح : السنن الكبرى عن ابن عباس : رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدْعُو بِعَرَفَةَ ، يَدَاهُ إِلَى صَدْرِهِ كَأَسْتِطْعَامِ الْمَسْكِينِ . (3) 1365. الخرائج والجرائح (_ به نقل از عيسى بن صبيح _) المصنّف لابن أبي شيبة عن أبي سعيد الخدري : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَدْعُو بِعَرَفَةَ ، وَيَرْفَعُ يَدَيْهِ هَكَذَا ، يَجْعَلُ ظَاهِرَهُمَا مِمَّا يَلِي وَجْهَهُ ، وَبَاطِنَهُمَا مِمَّا يَلِي الْأَرْضَ . (4) 1366. رجال الكشي عن محمد بن إبراهيم السمرقندي عن بورقالإمام عليّ عليه السلام : لَا عَرَفَةَ إِلَّا بِمَكَّةَ ، وَلَا بَأْسَ بَأَنَّ يَجْتَمِعُوا فِي الْأَمْصَارِ يَوْمَ عَرَفَةَ ، يَدْعُونَ اللَّهَ . (5) .

- 1- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 517 ح 1482 ، مصباح المتهجد : ص 661 ح 728 عن عبد الله الأزدي وزاد فيه «وكبروه وعظّموه وسبّحوه ومجّدوه» بعد «يذكركم» ، بحار الأنوار : ج 91 ص 31 ح 5 .
- 2- . الموطأ : ج 1 ص 215 ح 32 ، السنن الكبرى : ج 4 ص 470 ح 8391 و ج 5 ص 190 ح 9473 ، المصنّف لعبد الرزاق : ج 4 ص 378 ح 8125 كلّها عن طلحة بن عبيدالله ، سنن الترمذی : ج 5 ص 572 ح 3585 عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه وفيه «خير» بدل «أفضل» ، شُعب الإيمان : ج 3 ص 462 ح 4072 عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 5 ص 66 ح 12079 و ص 67 ح 12080 .
- 3- . السنن الكبرى : ج 5 ص 190 ح 9474 ، المعجم الأوسط : ج 3 ص 189 ح 2892 وفيه «ويده . . .» .
- 4- . المصنّف لابن أبي شيبة : ج 7 ص 65 ح 3 ، كنز العمال : ج 5 ص 187 ح 12553 .
- 5- . تهذيب الأحكام : ج 5 ص 479 ح 1699 عن طلحة بن زيد عن أبيه .

7 / 11 روز عید فطر

7 / 12 روز عرفه

7 / 11 روز عید فطر 1367. الکافی (_ به نقل از محمد بن حسن بن شَمون _) امام علی علیه السلام _ از خطبه اش در روز عید فطر _ : هان! امروز، روزی است که خداوند، آن را عید شما و شما را اهل آن قرار داده است. پس خدا را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را بخوانید تا اجابتان نماید. ر. ک: ماه خدا در قرآن و حدیث: بخش پنجم / فصل سوم: آداب روز عید.

7 / 12 روز عرفه 1369. کشف الغمّة (_ به نقل از محمد بن علی بن ابراهیم هَمَدانی _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برترین دعا، دعا در روز عرفه است. 1370. کمال الدین عن ابراهیم بن مهزیار (_ فی خَبرِ تَشَرُّفِهِ بِلِقَاءِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ السَّنَنِ الْكُبْرَى _ به نقل از ابن عبّاس _ : پیامبر خدا را در عرفه دیدم که دستانش را مانند وقتی که فقیر، نانی می طلبد، تا سینه اش بالا برده و دعا می کند. 1370. کمال الدین (_ به نقل از ابراهیم بن مهزیار (در خبر تشرّفش به د) المصنّف، ابن ابی شیبّه _ به نقل از ابو سعید خُدری _ : پیامبر خدا، در عرفه دعا می کرد و دستانش را این گونه بالا می برد: پشت آنها را به طرف صورتش قرار می داد و کفشان را به طرف زمین. 1371. الکافی عن ابي عبد الله بن صالح: امام علی علیه السلام: عرفه، فقط در مکه است؛ اما ایرادی ندارد که [مردم] روز عرفه، در شهرها اجتماع کنند و به درگاه خدا، دعا نمایند.

1371. الكافي (_ به نقل از ابو عبدالله بن صالح _) الإمام الباقر عليه السلام _ في ذكر الإمام زين العابدين عليه السلام _ : لقد نظر عليه السلام يوم عرفة إلى قوم يسألون الناس ، فقال : ويحكم ! أغير الله تسألون في مثل هذا اليوم؟! إنه ليرجى في هذا اليوم لهما في بطون الحبالى أن يكونوا ساءلوا . (1) 1372. الغيبة للطوسي عن أبي جعفر محمد بن علي الأسود : عنه عليه السلام : إن يوم عرفة يوم دعاء ومسألة . (2) 1373. رجال النجاشي : الأمامي للطوسي عن أبي غندر عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : سألتُهُ عن صوم يوم عرفة ؟ فقال : عيد من أعياد المسلمين ، ويوم دعاء ومسألة . (3) 1372. الغيبة ، طوسي (_ به نقل از ابو جعفر محمد بن علي اسود _) الإمام الصادق عليه السلام : يقف الناس بعرفة يدعون ، ويرغبون ، ويسألون الله من فضله بما قدروا عليه ، حتى تغرب الشمس . (4) 1373. رجال النجاشي : كتاب من لا يحضره الفقيه : قال الصادق عليه السلام : ما يمنع أحدكم من أن يحج كل سنة ؟ فقيل له : لا يبلغ ذلك أموالنا !

فقال : أما يقدر أحدكم إذا خرج أخوه أن يبعث معه بثمن أضحية ، ويأمره أن يطوف عنه أسبوعاً بالبيت ويدبح عنه ، فإذا كان يوم عرفة ، لبس ثيابه وتهياً وأتى المسجد ، فلا يزال في الدعاء حتى تغرب الشمس . (5) .

- 1- .الخصال : ص 517 ح 4 عن حمزان بن أعين ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 211 ح 2182 نحوه ، بحار الأنوار : ج 99 ص 252 ح 9 .
- 2- .تهذيب الأحكام : ج 4 ص 299 ح 903 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 88 ح 1811 ، علل الشرايع : ص 386 ح 1 كلها عن سدير ، الإقبال : ج 2 ص 60 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 124 ح 4 .
- 3- .الأمامي للطوسي : ص 667 ح 1397 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 267 ح 17 .
- 4- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 320 ، بحار الأنوار : ج 99 ص 248 ح 9 .
- 5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 518 ح 3110 ، عوالي اللآلي : ج 3 ص 171 ح 80 .

1374. الإرشاد عن القاسم بن العلاء: امام باقر عليه السلام_ در یاد کرد امام زین العابدین علیه السلام_: ایشان، روز عرفة افرادی را دید که از مردم، گدایی می کنند. فرمود: «ای بیچاره ها! آیا در چنین روزی از غیر خدا درخواست می کنید؟! در این روز، حتی برای جنین های [سیاه بخت] مادران باردار، امید آن است که خوش بخت شوند». 1375. دلائل الإمامة عن القاسم بن العلاء: امام باقر علیه السلام: روز عرفة، روز دعا و درخواست است. 1374. الإرشاد (به نقل از قاسم بن علاء_) الأملی، طوسی_ به نقل از ابو غنندر_: از امام [صادق علیه السلام] درباره روزه روز عرفة پرسیدم. فرمود: «عیدی از اعیاد مسلمانان، و روز دعا و درخواست است». 1375. دلائل الإمامة (به نقل از قاسم بن علاء_) امام صادق علیه السلام: مردم، در عرفة وقوف می کنند و به دعا و درخواست می پردازند و تا جایی که می توانند، از فضل خدا مسئلت می کنند، تا آن که خورشید، غروب کند. 1376. الغيبة للطوسی عن محمد بن عبد الله بن جعفر الحمی (_ فی ذیل کتابه إلی الإمام المهدی علیه) کتاب من لا یحضره الفقیه: امام صادق علیه السلام فرمود: «چه مانعی دارد که هر یک از شما هر سال حج بگذارد؟».

گفته شد: پولمان به این کار نمی رسد.

فرمود: «آیا نمی تواند وقتی برادرش به حج می رود، پول یک قربانی به او بدهد و از وی بخواهد که به نیابت او هفت بار، خانه [ی کعبه] را طواف کند و از طرف او قربانی کند و چون روز عرفة شد، لباس بپوشد و خود را آماده [و آراسته] سازد و به مسجد برود و تا غروب آفتاب، به دعا و نیایش پردازد؟».

1377. الاحتجاج: الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ صَلَّى يَوْمَ عَرَفَةَ - قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى الدُّعَاءِ فِي ذَلِكَ وَيَكُونَ بَارِزًا تَحْتَ السَّمَاءِ - رَكَعَتَيْنِ ، وَاعْتَرَفَ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلِيلًا ذُنُوبِهِ ، وَأَقْرَبَ لَهُ بِخَطَايَاهُ ، نَالَ مَا نَالَ الْوَاقِفُونَ بِعَرَفَةَ مِنَ الْفَوْزِ ، وَغُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ . (1) 1378. كمال الدين عن عبد الله بن جعفر الحميري: عنه عليه السلام: فِي يَوْمِ عَرَفَةَ يَجْتَمِعُونَ بِغَيْرِ إِمَامٍ فِي الْأَمْصَارِ ، يَدْعُونَ اللَّهَ تَعَالَى عِزًّا وَجَلًّا . (2) 1376. الغيبة ، طوسی (- به نقل از محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری (د) المناقب لابن شهر آشوب عن حنّان: حَبَسَ أَبُو جَعْفَرٍ [الْمَنْصُورُ] عَبْدَ الْحَمِيدِ فِي الْمَضِيقِ زَمَانًا ، وَكَانَ صَدِيقًا لِمُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، ثُمَّ إِنَّهُ وَافَى الْمَوْسِمَ ، فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ عَرَفَةَ لَقِيَهِ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَوْقِفِ ، فَقَالَ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ :

يَا مُحَمَّدُ ، مَا فَعَلَ صَدِيقُكَ عَبْدَ الْحَمِيدِ ؟ قَالَ : أَخَذَهُ أَبُو جَعْفَرٍ فَحَبَسَ فِي الْمَضِيقِ زَمَانًا .

قَالَ : فَرَفَعَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدَهُ سَاعَةً ، ثُمَّ النَّقَتْ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَقَالَ :

يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ، قَدْ وَاللَّهِ خُلِّيَ سَبِيلُ خَلِيلِكَ .

قَالَ مُحَمَّدٌ : فَسَأَلْتُ عَبْدَ الْحَمِيدِ : أَيَّ سَاعَةٍ خَلَكَ أَبُو جَعْفَرٍ ؟

قَالَ : يَوْمَ عَرَفَةَ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ . (3) 1377. الاحتجاج: عيون أخبار الرضا عليه السلام عن محمد بن الفضيل: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاقِفًا بِعَرَفَةَ يَدْعُو ، ثُمَّ طَاطَأَ رَأْسَهُ ، فَسُئِلَ عَنْ ذَلِكَ ، فَقَالَ : إِنِّي كُنْتُ أَدْعُو اللَّهَ تَعَالَى عَلَى الْبَرَامِكَةِ بِمَا فَعَلُوا بِأَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَاسْتَجَابَ اللَّهُ لِي الْيَوْمَ فِيهِمْ .

فَلَمَّا انصَرَفَ لَمْ يَلْبَثْ إِلَّا يَسِيرًا ، حَتَّى بَطِشَ بِجَعْفَرٍ وَيَحْيَى وَتَغَيَّرَتْ أحوالُهُمْ . (4) .

1- الإقبال: ج 2 ص 67 .

2- تهذيب الأحكام: ج 3 ص 136 ح 298 عن ابن سنان .

3- المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 234 ، كشف الغمّة: ج 2 ص 402 نحوه ، بحار الأنوار: ج 47 ص 143 ح 197 .

4- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 225 ح 1 ، دلائل الإمامة: ص 373 ح 334 ، الدعوات: ص 70 ح 168 ، كشف الغمّة: ج 3 ص 93 كلاهما عن محمد بن الفضل وكلّهما نحوه ، بحار الأنوار: ج 49 ص 85 ح 4 .

1378. کمال الدین (_ به نقل از عبد الله بن جعفر حمیری _) امام صادق علیه السلام: هر کس در روز عرفه _ پیش از آن که برای دعا خارج شود و زیر آسمان قرار گیرد _ دو رکعت نماز بگزارد و در برابر خداوند عز و جل به گناهایش اعتراف کند و به خطاهایش اقرار نماید ، به همان کامیابی ای می رسد که وقوف کنندگان در عرفه دست می یابند و گناهان پیشین و پسین او آمرزیده می شوند. 1379. الاحتجاج : امام صادق علیه السلام: در روز عرفه ، بدون امام ، در شهرها جمع شوند و به درگاه خداوند عز و جلدعا کنند. 1379. الاحتجاج : المناقب ، ابن شهر آشوب _ به نقل از حنّان _ : ابو جعفر [منصور] مدّتی عبد الحمید را که دوست محمّد بن عبد الله بود ، زندانی کرد . محمّد بن عبد الله به حج رفت . در روز عرفه ، امام صادق علیه السلام در عرفه او را دید و فرمود : «ای محمّد ! از دوستت عبد الحمید ، چه خبر؟»

گفت : ابو جعفر ، او را گرفته و مدّتی است زندانی اش کرده است.

امام صادق علیه السلام ساعتی دست به آسمان برداشت ، سپس رو به محمّد بن عبد الله کرد و فرمود : «ای محمّد بن عبد الله ! به خدا سوگند ، دوستت آزاد شد».

محمّد می گوید : بعد از عبد الحمید پرسیدم : چه وقت ابو جعفر ، تو را آزاد کرد؟

گفت : روز عرفه ، بعد از نماز عصر. 1380. الاحتجاج (_ فی ذکر کتاب الإمام المهدیّ علیه السلام) عیون أخبار الرضا علیه السلام _ به نقل از محمّد بن فضّیل _ : امام رضا علیه السلام در عرفه ایستاده بود و دعا می کرد . سپس ، سرش را پایین انداخت . علّتش را از ایشان جويا شدند . فرمود : «برمکیان را به خاطر آنچه با پدرم کردند ، نفرین می کردم و امروز ، خداوند ، نفرینم را در حقّ آنان ، مستجاب کرد» .

چون رفت ، دیری نگذشت که جعفر و یحیی ، مغضوب واقع شدند و روزگارشان ، دگرگون شد . .

1381. الكافي عن محمد بن يوسف الشاشي: السنن الكبرى عن عباس بن مرداس: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَعَا عَشِيَّةَ عَرَفَةَ لِأُمَّتِهِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ فَأَكْثَرَ الدُّعَاءَ، فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: إِنِّي قَدْ فَعَلْتُ إِلَّا ظَلَمْتُ بَعْضَهُمْ بَعْضًا، وَأَمَّا ذُنُوبُهُمْ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَقَدْ غَفَرْتُهَا.

(1) 1380. الاحتجاج (_ در یادکرد از نامه امام مهدی علیه السلام به شیخ) رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ لَيْلَةَ عَرَفَةَ يُسْتَجَابُ فِيهَا مَا دَعَا مِنْ خَيْرٍ، وَلِلْعَامِلِ فِيهَا بِطَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى أَجْرٌ سَبْعِينَ وَمِئَةَ سَنَةٍ، وَهِيَ لَيْلَةُ الْمُنَاجَاةِ، وَفِيهَا يَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ تَابَ. (2) 7 / 13 يَوْمُ الْأَضْحَى 1383. عنه صلى الله عليه وآله: الإِمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَخْطُبُ يَوْمَ النَّحْرِ، وَهُوَ يَقُولُ: هَذَا يَوْمُ النَّجِّ وَالْعَجِّ. وَالنَّجُّ: مَا تُهْرِقُونَ فِيهِ مِنَ الدَّمِ، فَمَنْ صَدَقَتْ نَيْتُهُ كَانَتْ أَوَّلَ قَطْرَةٍ لَهُ كَفَّارَةً لِكُلِّ ذَنْبٍ، وَالْعَجُّ: الدُّعَاءُ، فَعِجُّوا إِلَى اللَّهِ، فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لَا يَنْصَرِفُ مِنْ هَذَا الْمَوْضِعِ أَحَدٌ إِلَّا مَغْفُورًا لَهُ، إِلَّا صَاحِبُ كَبِيرَةٍ مُصِيراً عَلَيْهَا، لَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِالْإِقْلَاعِ عَنْهَا. (3).

-
- 1- .السنن الكبرى: ج 5 ص 192 ح 9481، نوادر الأصول: ج 1 ص 428، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 476 ح 16207 وليس فيه «وأما ذنوبهم...»، أخبار مكة للفاكهي: ج 5 ص 16 ح 2735؛ عوالي اللآلي: ج 1 ص 124 ح 58 عن مرداس.
- 2- .الإقبال: ج 2 ص 49.
- 3- .دعائم الإسلام: ج 1 ص 184 و ج 2 ص 181 ح 658، بحار الأنوار: ج 99 ص 301 ح 39.

1384. عنه صلی الله علیه و آله: السنن الکبریٰ۔ به نقل از عبّاس بن مرداس: پیامبر خدا، در شامگاه عرفه برای آمرزش و رحمت امتش دعا کرد و بسیار دعا کرد. پس خداوند متعال به او وحی فرمود: «بجز ستمی که به یکدیگر کرده اند، گناهانی را که میان من و آنهاست، آمرزیدم» 1382. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در شب عرفه، هر دعای خیری که شود، مستجاب می گردد و برای کسی که در این شب به طاعت خداوند متعال پردازد، پاداش یکصد و هفتاد سال باشد. این شب، شبِ مناجات است و در این شب، خداوند، توبه توبه کننده را می پذیرد. 7 / 13 روز عید قربان 1385. عنه صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: شنیدم که پیامبر خدا در روز عید قربان، خطبه می خواند و می فرماید: «امروز، روزِ تَجَّ و عَجَّ است. تَجَّ، (1) خونی است که در این روز [از قربانی] می ریزد. پس هر که تیتش خالص باشد، نخستین قطره خونی که می ریزد، برایش کفّاره هر گناهی است و عَجَّ، (2) دعاست. پس، به درگاه خدا دعا کنید؛ زیرا سوگند به آن که جان محمّد در دست اوست، هر کس چون از این مکان برود، آمرزیده می رود، بجز کسی که بر ارتکاب گناه کبیره، اصرار ورزیده باشد و تصمیم به ترک آن نگیرد.

1- تَجَّ، به معنای جاری شدن آب یا هر مایعی با شدّت است.

2- عَجَّ، به معنای فغان و شیون و ناله است.

14 / 7 اليوم الأول من المحرم 1388. الإمام الباقر عليه السلام: عيون أخبار الرضا عليه السلام عن الريان بن شبيب: دخلت على الرضا عليه السلام في أول يوم من المحرم، فقال: يابن شبيب أصائم أنت؟ قلت: لا، فقال: إن هذا اليوم هو اليوم الذي دعا فيه زكريا عليه السلام ربه عز وجل، فقال: «رب هب لي من لدنك ذرية طيبة إنك سميع الدعاء» (1) فاستجاب الله له، وأمر الملائكة فنادت زكريا وهو قائم يصلي في المحراب: «أن الله يبشرك بيحيى» (2) فمن صام هذا اليوم ثم دعا الله عز وجل استجاب الله له، كما استجاب الله لزكريا عليه السلام (3) 15 / 7 اليوم السابع والعشرون من رجب 1386. امام صادق عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: يوم سبعة وعشرين من رجب نبي فيه رسول الله صلى الله عليه وآله، من صام في أي وقت شاء اثنتي عشرة ركعة... ثم يقول: «اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا» أربع مرّات، ثم يدعو، فلا يدعو بشيء إلا استجيب له في كل حاجة، إلا أن يدعو في جائحة قوم، أو فطيرة رجم. (4).

1- آل عمران: 38.

2- آل عمران: 39.

3- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 299 ح 58، الأمل للصدوق: ص 192 ح 202، الإقبال: ج 3 ص 29، بحار الأنوار: ج 44 ص 285 ح 23 وراجع كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 91 ح 1818.

4- الكافي: ج 3 ص 469 ح 7، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 185 ح 419 وراجع مصباح المتهجد: ص 813.

7 / 14 روز اول محرم**7 / 15 روز بیست و هفتم رجب**

7 / 14 روز اول محرم 1389. امام صادق علیه السلام: عیون أخبار الرضا علیه السلام_ به نقل از ریّان بن شیبب _: در نخستین روز محرم، خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. فرمود: «روزه ای، ابن شیبب؟»

گفتم: خیر.

فرمود: «این روز، روزی است که در آن، زکریا علیه السلام به درگاه پروردگارش دعا کرد و گفت: «ای پروردگار من! از جانب خود، فرزندی پاک و پاکیزه به من عطا فرما، که تو شنونده دعایی» و خدا، دعایش را مستجاب کرد و به فرشتگان فرمود تا به زکریا علیه السلام که در محراب به نماز ایستاده بود، ندا دهند: «خدا، تو را به [ولادت] یحیی مژده می دهد». بنا بر این، هر که امروز را روزه بدارد و سپس دعا کند، خداوند عز و جلدعایش را می پذیرد، همچنان که دعای زکریا علیه السلام را پذیرفت». 7 / 15 روز بیست و هفتم رجب 1391. الإمام الصادق علیه السلام: امام صادق علیه السلام: روز بیست و هفتم رجب، روزی است که پیامبر خدا، در آن به پیامبری مبعوث شد. هر کس در هر وقت از این روز که خواست، دوازده رکعت نماز بخواند. سپس، چهار مرتبه بگوید: «خدا، خدا، پروردگار من است و هیچ چیز را شریک او نمی داند» و آن گاه، دعا کند، هر دعایی که بکند، برای هر حاجتی که باشد، مستجاب می شود، مگر آن که برای نابودی قومی یا قطع صله رجم، دعا کند.

7 / 16 شهر رمضان 1392. علل الشرائع (_ به نقل از حنّان بن سدير ، از پدرش _) رسول الله صلى الله عليه وآله : يقول الله تبارك وتعالى في كُـلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ : هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيَهُ سُؤْلَهُ ! هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ ! هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ ! (1) 1393. تفسير القمى (_ فى تفسير قوله تعالى : { Q } « وَ قَالُوا لَا) عنه صلى الله عليه وآله : أتاكم رمضان ، شهر مبارك ، فرض الله عز وجل عليكم صيامه ، تفتح فيه أبواب السماء . (2) 1393. تفسير القمى (_ در تفسير این سخن خدای متعال كه : { Q } « وگفتند :) الإمام الباقر عليه السلام : كان رسول الله صلى الله عليه وآله يقبل بوجهه إلى الناس فيقول : يا معشر الناس ، إذا طلع هلال شهر رمضان غلّت مردة الشياطين ، وفتحت أبواب السماء ، وأبواب الجنان ، وأبواب الرحمة ، وغلقت أبواب النار ، واستجيب الدعاء ، وكان لله فيه عند كل فطر عتقاء يعتقهم الله من النار ، وينادى مناد كل ليلة : هل من سائل ! هل من مستغفر ! اللهم أعط كل منفق خلفاً ، وأعط كل ممسك تلفاً . (3) 1394. الإمام الكاظم عليه السلام : رسول الله صلى الله عليه وآله فى فضل شهر رمضان _ : وهو شهر أوله رحمة ، وأوسطه مغفرة ، وآخره إجابة العتق من النار ، ولا غنى بكم عن أربع خصال ؛ خصلتين ترضون الله بهما ، وخصلتين لا غنى بكم عنهما ؛ فأما اللتان ترضون الله عز وجل بهما : فشهادة أن لا إله إلا الله ، وأن محمداً رسول الله . وأما اللتان لا غنى بكم عنهما : فتسألون الله فيه حوائجكم والجنة ، وتسألون العافية ، وتعودون به من النار . (4) .

- 1- الأمالى للمفيد : ص 230 ح 3 عن ابن عباس ، روضة الواعظين : ص 380 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 338 ح 1؛ شعب الإيمان : ج 3 ص 335 ح 3695 عن عبد الله بن عباس وفيه «لمناد ينادى ثلاث ...» ، كنز العمال : ج 8 ص 586 ح 24281 .
- 2- سنن النسائي : ج 4 ص 129 عن أبي هريرة و ص 130 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 464 ح 18817 وفيهما «فى رمضان تفتح أبواب السماء» فقط .
- 3- الكافى : ج 4 ص 67 ح 6 ، تهذيب الأحكام : ج 4 ص 193 ح 550 وليس فيه «أبواب الجنان» ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 97 ح 1833 وزاد فيه «هل من تائب ؟» بعد «كل ليلة» ، ثواب الأعمال : ص 89 ح 2 ، الأمالى للصديق : ص 102 ح 78 كلها عن جابر ، روضة الواعظين : ص 371 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 360 ح 27 .
- 4- الكافى : ج 4 ص 67 ح 4 ، تهذيب الأحكام : ج 4 ص 153 ح 423 و ج 3 ص 58 ح 198 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 95 ح 1831 ، فضائل الأشهر الثلاثة : ص 72 ح 51 كلها عن أبي الورد عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 96 ص 359 ح 26 .

7 / 16 ماه رمضان 1396. قصص الأنبياء عن ابن عباس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند _ تبارک و تعالی _ در هر شب ماه رمضان، سه بار می فرماید: «آیا درخواست کننده ای هست تا درخواستش را برآورم؟ آیا توبه کننده ای هست تا توبه اش را بپذیرم؟ آیا آمرزش خواهی هست تا او را بیامرزم؟». 1395. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رمضان بر شما درآمد. ماه پُر برکتی است. خداوند عز و جل روزه این ماه را بر شما واجب ساخته است. در این ماه، درهای آسمان باز می شود. 1396. قصص الأنبياء (_ به نقل از ابن عباس _) امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا، روبرو مردم می کرد و می فرمود: «ای گروه مردمان! هر گاه هلال ماه رمضان طلوع کند، شیاطین پلید به بند کشیده می شوند و درهای آسمان و درهای بهشت ها و درهای رحمت گشوده می گردند و درهای آتش، بسته می شوند و دعا به اجابت می رسد و در هنگام هر افطار، خداوند، شماری را از آتش آزاد می کند و هر شب منادی ای ندا می دهد: آیا هیچ درخواست کننده ای نیست؟ آیا هیچ آمرزش خواهی نیست؟ بار خدایا! به هر کس انفاقی کند، عوض عطا فرما و به هر کس از انفاق خودداری ورزد، زیان برسان». 1397. الإمام الصادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ در فضیلت ماه رمضان _: این ماهی است که آغازش رحمت است، میانه اش آمرزش و پایانش اجابت دعا و آزادی از آتش؛ و شما از چهار چیز، بی نیاز نیستید: دو چیز که با آن، خداوند را خشنود می سازید و دو چیز که برای خودتان ضروری است. اما آن دو چیز که به وسیله آنها خداوند عز و جل را خشنود می سازید: گواهی دادن به وجود خدای یگانه و معبود یکتاست، و این که محمد، فرستاده خداست؛ و اما آن دو که برای خودتان ضرور است، این است که در این ماه، حوایجتان و بهشت و عافیت و تن درستی را از خدا بخواهید و از آتش دوزخ، به او پناه ببرید.

1397. امام صادق عليه السلام: الإمام عليّ عليه السلام: لَمَّا حَضَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ، قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ، ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، كَفَاكُمْ اللَّهُ عَدُوَّكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَقَالَ: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (1)، وَوَعَدَكُمْ الْإِجَابَةَ، أَلَا وَقَدْ وَكَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِكُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ سَبْعِينَ مِنْ مَلَائِكَتِهِ، فَلَيْسَ بِمَحْلُولٍ حَتَّى يَنْقُضِيَ شَهْرَكُمْ هَذَا، أَلَا وَأَبْوَابُ السَّمَاءِ مُفْتَحَةٌ مِنْ أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْهُ، أَلَا وَالِدُعَاءُ فِيهِ مَقْبُولٌ. (2) 1398. دلائل النبوة لأبي نعيم عن عبد الملك بن هارون بن عرسول الله صلى الله عليه وآله: ذَاكِرُ اللَّهِ فِي رَمَضَانَ مَغْفُورٌ لَهُ، وَسَائِلُ اللَّهِ فِيهِ لَا يُحَيَّبُ. (3) 1398. ابو نعيم (_ به نقل از عبد الملك بن هارون بن عنتره، از پدرش) الإمام عليّ عليه السلام: عَلَيَّكُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِكَثْرَةِ الْإِسْتِغْفَارِ وَالِدُعَاءِ، فَأَمَّا الدُّعَاءُ فَيُدْفَعُ بِهِ عَنْكُمْ الْبَلَاءُ، وَأَمَّا الْإِسْتِغْفَارُ فَيَمْحَى ذُنُوبَكُمْ. (4)

1- غافر: 60 .

2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 98 ح 1837، ثواب الأعمال: ص 90 ح 5 عن زيد بن عليّ عن أبيه عن جدّه عنه عليهم السلام موليس فيه «والإنس» وفيه «سبعة» بدل «سبعين»، دعائم الإسلام: ج 1 ص 286 نحوه، بحار الأنوار: ج 96 ص 372 ح 56 .

3- المعجم الأوسط: ج 7 ص 226 ح 7341، شُعب الإيمان: ج 3 ص 311 ح 3627 كلاهما عن عمر، كنز العمال: ج 8 ص 464 ح 23676 .

4- الكافي: ج 4 ص 88 ح 7 عن حصين عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 108 ح 1858، فضائل الأشهر الثلاثة: ص 76 ح 59، الأمالي للصدوق: ص 118 ح 103 كلاهما عن حصين عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، روضة الواعظين: ص 373، بحار الأنوار: ج 96 ص 378 ح 2 .

1399. الأمالی للطوسی عن أبي تحیی: امام علی علیه السلام: چون ماه رمضان فرارسید، پیامبر خدا برخواست و حمد و ثنای خدا گفت و سپس فرمود: «ای مردم! خداوند، شرّ دشمنان را، از جنّ و انس، از شما بگرداند، و فرمود: «مرا بخوانید تا پاسختان دهم» و وعده اجابت داد. بدانید که خداوند عز و جل بر هر شیطان پلیدی، هفتاد تن از فرشتگانش را گماشت و تا پایان این ماه، همچنان بر آنان گماشته هستند. بدانید که از نخستین شب این ماه، درهای آسمان باز می شود. بدانید که در این ماه، دعا پذیرفته است. 1400. الکافی عن سدید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یاد کننده خدا در این ماه، آمرزیده است و درخواست کننده از خدا در این ماه، محروم نمی شود. 1399. الأمالی، طوسی (_ به نقل از ابو تحیی _) امام علی علیه السلام: در ماه رمضان، بسیار استغفار و دعا کنید؛ زیرا با دعا از شما دفع بلا می شود و با استغفار، گناهانتان پاک می گردد. .

1400. الكافي (_ به نقل از سدير _) الإمام الصادق عليه السلام: كان علي بن الحسين عليه السلام إذا كان شهر رمضان لم يتكلم إلا بالدعاء والتسبيح والاستغفار والتكبير، فإذا أظفر قال: اللهم إن شئت أن تفعل فعلت. (1) 1401. الخرائج والجرائح عن جابر: عنه عليه السلام: إن أبواب السماء تفتح في رمضان. (2) 17 / 7 شهر رجب 1402. الاستيعاب (_ به نقل از عايشه _) رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الله تعالى نصب في السماء السابعة ملكاً يقال له: الداعي، فإذا دخل شهر رجب ينادي ذلك الملك كل ليلة منه إلى الصباح: «طوبى للذاكرين، طوبى للطائعين»، ويقول الله تعالى: أنا جليس من جالسي، ومطيع من أطاعني، وغافر من استغفرني، الشهر شهرى، والعبد عبدى، والرحمة رحمتى، فمن دعاني في هذا الشهر أجبتُهُ، ومن سألني أعطيتُهُ، ومن استهداني هديتُهُ، وجعلتُ هذا الشهر حبلاً بيني وبين عبادى، فمن اعتصم به وصل إلى. (3) 18 / 7 عند الأذان 1403. امام صادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا أذن بالأذان، فتحت أبواب السماء، واستجيب الدعاء. (4).

-
- 1- الكافي: ج 4 ص 88 ح 8 عن حصين، بحار الأنوار: ج 46 ص 65 ح 35.
 - 2- الكافي: ج 4 ص 157 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 59 ح 201، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 160 ح 2029، ثواب الأعمال: ص 92 ح 9، الأمالى للطوسى: ص 690 ح 1467 كلها عن علي بن أبي حمزة، بحار الأنوار: ج 96 ص 372 ح 57.
 - 3- الإقبال: ج 3 ص 174، بحار الأنوار: ج 98 ص 377 ح 1.
 - 4- حلية الأولياء: ج 6 ص 308 عن أنس.

1404. الطبقات الكبرى: امام صادق عليه السلام: امام زين العابدين عليه السلام ماه رمضان كه مي شد، جز به دعا و تسبيح و استغفار و تكبير، سخني نمي گفت و چون افطار [عيد فطر مي شد] مي كرد، مي گفت: «بار خدايا! اگر بخواهي [به اقتضاي اذكار و دعاها] كاري بكني، مي كني [مانعي براي لطف و احسان تو نيست]». 1405. تاريخ المدينة عن عكرمة: امام صادق عليه السلام: در رمضان، درهاي آسمان، گشوده مي شود. 17 / 7 ماه رجب 1406. دلائل النبوة، ابو نعيم (_ به نقل از ابن طاووس، از پدرش _) پيامبر خدا صلي الله عليه و آله: خداوند متعال، در آسمان هفتم، فرشته اي را منصوب کرده است كه به او «داعي (دعوت كننده، جارچي)» مي گویند. چون ماه رجب فرا رسد، آن فرشته، هر شب تا صبح بانگ مي زند: «خوشا به حال ذكرگويان، خوشا به حال فرمان برداران!» و خداوند متعال مي فرمايد: «من، همنشين آنم كه با من همنشيني كند و فرمان بردار آنم كه از من، فرمان ببرد و آمرزنده آنم كه از من، آمرزش طلبد. اين ماه، ماه من است و بنده، بنده من و رحمت، رحمت من. پس، هر كه در اين ماه مرا بخواند، پاسخش مي دهم و هر كه از من بخواهد، عطايش مي كنم و هر كه از من هدايت بطلبد، هدايتش مي كنم. اين ماه را ريسمانِ ميان خودم و بندگانم قرار دادم. پس، هر كه به آن چنگ در زند، به من وصل مي شود». 18 / 7 هنگام اذان 1409. المناقب لابن شهر آشوب عن ابن المهدي المامطيري في پيامبر خدا صلي الله عليه و آله: هر گاه اذان گفته شود، درهاي آسمان گشوده مي شود و دعا، مستجاب مي گردد.

1407. المستدرک علی الصحیحین (_ به نقل از ابو عقرب _) عنه صلى الله عليه وآله : إذا نودى بالصلاة أدبر الشيطان فيما بينه وبين الرّوحاء (1) حتى لا يسمع صوت التّأذین ، وفُتِحَت أبوابُ السّماءِ وأبوابُ الجنانِ ، واستُجِيبَ الدّعاءُ . (2) 1408. صحیح البخاری (_ به نقل از ابن عبّاس _) عنه صلى الله عليه وآله : إذا كان عند الأذانِ ، فُتِحَت أبوابُ السّماءِ واستُجِيبَ الدّعاءُ ، وإذا كان عند الإقامةِ ، لم تُردَّ دَعْوَةٌ . (3) 1409. المناقب ، ابن شهر آشوب (_ به نقل از ابن مهدی مامطیری در المجالس _) عنه صلى الله عليه وآله : إذا نادى المُنَادى فُتِحَت أبوابُ السّماءِ ، واستُجِيبَ الدّعاءُ ؛ فَمَنْ نَزَلَ بِهِ كَرَبٌ أَوْ شِدَّةٌ فَلْيَتَحَيَّنِ المُنَادِیَ ، فَإِذَا كَبَّرَ كَبَّرَ وَإِذَا تَشَّهَدَ تَشَّهَدَ (4) ، وإذا قال : حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ ، قال : حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ ، وإذا قال : حَيَّ عَلَى الفَلاحِ ، قال : حَيَّ عَلَى الفَلاحِ ، ثُمَّ يَقُولُ : اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ الصَّادِقَةِ المُسْتَجَابَةِ ، المُسْتَجَابِ لَهَا ، دَعْوَةَ الحَقِّ وَكَلِمَةَ التَّقْوَى ، أَحِينَا عَلَيَّهَا وَأَمْتِنَا عَلَيَّهَا ، وَابْعَثْنَا عَلَيَّهَا ، وَاجْعَلْنَا مِنْ خِيَارِ أَهْلِهَا أَحْيَاءَ وَأَمْواتا ، ثُمَّ يَسْأَلُ اللَّهَ حاجَتَهُ . (5) 1410. تفسير الطبري عن ابن عمر : سنن أبي داوود عن عبد الله بن عمرو : إن رجلاً قال : يا رسول الله ، إن المؤذنين يفضلوننا .

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : قُلْ كَمَا يَقُولُونَ ، فَإِذَا انْتَهَيْتَ فَسَلْ تُعْطَهُ . (6) .

- 1- الرّوحاء : موضع بين الحرمين على ثلاثين أو أربعين ميلاً من المدينة (القاموس المحيط : ج 1 ص 225 «روح»).
- 2- المعجم الأوسط : ج 9 ص 83 ح 9195 عن أنس ، كنز العمال : ج 7 ص 692 ح 20949 .
- 3- المصنّف لابن أبي شيبة : ج 7 ص 35 ح 7 ، تاريخ بغداد : ج 8 ص 208 ح 4327 نحوه وكلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج 2 ص 108 ح 3372 وص 103 ح 3347 .
- 4- في المصدر : «فإذا كَبَّرَ كَبَّرُوا ، وإذا تَشَّهَدَ تَشَّهَدُوا» ، وما أثبتناه من المصادر الأخرى .
- 5- المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 731 ح 2004 ، حلية الأولياء : ج 10 ص 213 كلاهما عن أبي أمامة ، عمل اليوم والليلة لابن السنّي : ص 39 ح 98 عن أمامة ، كنز العمال : ج 7 ص 686 ح 20920 .
- 6- سنن أبي داوود : ج 1 ص 144 ح 524 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 580 ح 6612 وفيه «يفضلونا بأذانه» بدل «يفضلوننا» ، صحیح ابن حبان : ج 4 ص 593 ح 1695 ، السنن الكبرى : ج 1 ص 604 ح 1936 ، كنز العمال : ج 7 ص 699 ح 20992 .

1410. تفسیر الطبری (_ به نقل از ابن عمر _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه بانگ نماز سر داده ، شود شیطان تا زوحاء (1) می گریزد که صدای اذان را نشنود و درهای آسمان و درهای بهشت ها باز می شود و دعا ، مستجاب می گردد . 1411. مسند اَبی یعلی عن اَبی یحیی النخعی : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در هنگام اذان ، درهای آسمان گشوده می گردد و دعا به اجابت می رسد و در هنگام اقامه ، هیچ دعایی رد نمی شود . 1412. المستدرک علی الصحیحین عن عمرو بن مَرّة الجهنی (_ وَكَانَتْ لَهُ صَحْبَةً _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه مؤذّن بانگ برآورد ، درهای آسمان گشوده می شود و دعا به اجابت می رسد . پس ، هر که اندوه یا گرفتاری ای داشت ، منتظر اذان شود و هر گاه مؤذّن تکبیر گفت ، او هم تکبیر بگوید و هر گاه شهادت گفت ، او هم شهادت بگوید و هر گاه گفت : «بشتاب به سوی نماز!» ، او هم بگوید : «بشتاب به سوی نماز!» . هر گاه گفت : «بشتاب به سوی رستگاری!» . او هم بگوید : «بشتاب به سوی رستگاری!» .

سپس بگوید : «بارالها ، ای خداوند! این دعوت راستین پذیرفته ای که به برکت آن [دعا] پذیرفته می شود و دعوت حق و کلمه تقواست . ما را بر این دعوت ، زنده بدار و بر آن ، بمیران و بر آن ، برانگیزان و ما را از بهترین زندگان و مُردگان اهل این دعوت ، قرار بده» . سپس ، حاجتش را از خداوند بخواهد . 1411. مسند اَبی یعلی (_ به نقل از ابو یحیی نَخَعی _) سنن اَبی داوود _ به نقل از عبد الله بن عمرو _ : مردی گفت : ای پیامبر خدا ! مؤذّنان بر ما فضیلتی دارند ؟

پیامبر خدا فرمود : «آنچه آنها می گویند ، تو نیز بگو و چون تمام کردی ، درخواست کن که به تو عطا می شود» . .

1- . جایی است میان دو حرم شریف مکه و مدینه که با مدینه ، سی یا چهل میل ، فاصله دارد .

1412. المستدرک علی الصحیحین (_ به نقل از عمرو بن مرّه جُهَنی (که از صحابیان بو) رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ : لا یُرَدُّ الدُّعَاءُ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ . (1) 1413. المعجم الكبير عن أبي يحيى : عنه صلى الله عليه وآله : الدُّعَاءُ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ مُسْتَجَابٌ ؛ فَادْعُوا . (2) 19/ 7 عِنْدَ الصَّلَاةِ 1416. المستدرک علی الصحیحین عن عبدالرحمن بن عوف : رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ : اِرْفَعُوا إِلَيْهِ أَيْدِيَكُمْ بِالدُّعَاءِ فِي أَوْقَاتِ صَلَوَاتِكُمْ ؛ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ السَّاعَاتِ ، يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا بِالرَّحْمَةِ إِلَى عِبَادِهِ ، يُجِيبُهُمْ إِذَا نَادَوْهُ ، وَيُلَبِّبُهُمْ إِذَا نَادَوْهُ ، وَيَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِذَا دَعَوْهُ . (3) 1417. الكافي عن زرارة عن الإمام الباقر عليه السلام : الإمام الباقر عليه السلام : الْمَسْأَلَةُ قَبْلَ الصَّلَاةِ وَبَعْدَهَا . (4) 1413. المعجم الكبير (_ به نقل از ابو يحيى) الإمام الصادق عليه السلام : عَلَيْكُمْ بِالِدُّعَاءِ فِي أَدْبَارِ الصَّلَاةِ ؛ فَإِنَّهُ مُسْتَجَابٌ . (5) 1414. مسند ابن حنبل (_ به نقل از شعبي) عنه عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ عَلَيْكُمْ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ فِي أَفْضَلِ السَّاعَاتِ ؛ فَعَلَيْكُمْ بِالِدُّعَاءِ فِي أَدْبَارِ الصَّلَوَاتِ . (6) .

- 1- .سنن أبي داوود : ج 1 ص 144 ح 521 ، سنن الترمذی : ج 1 ص 416 ح 212 و ج 5 ص 577 ح 3595 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 240 ح 12201 ، السنن الكبرى : ج 1 ص 604 ح 1937 كلّها عن أنس ، كنز العمال : ج 2 ص 103 ح 3344؛ الدعوات : ص 36 ح 87 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 348 ح 14 .
- 2- .مسند أبي يعلى : ج 4 ص 15 ح 3668 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 312 ح 12585 و ص 506 ح 13669 ، صحيح ابن خزيمة : ج 1 ص 222 ح 427 ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج 7 ص 35 ح 6 ، عمل اليوم والليلة لابن السّبي : ص 41 ح 102 وفيها «لا يردّ» بدل «مستجاب» وكلّها عن أنس ، كنز العمال : ج 2 ص 103 ح 3345 .
- 3- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 295 ح 53 ، فضائل الأشهر الثلاثة : ص 78 ح 61 ، الأمالى للصدوق : ص 154 ح 149 كلّها عن الحسن بن عليّ بن فضّال عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، روضة الواعظين : ص 378 وزاد فيهما «ويعطيهما إذا سأله» ، بحار الأنوار : ج 96 ص 357 ح 25 .
- 4- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 166 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 325 ح 20 وزاد في آخره «مستجاب» .
- 5- .الخصال : ص 488 ح 65 عن أبان ، روضة الواعظين : ص 431 ، بحار الأنوار : ج 83 ص 26 ح 2 .
- 6- .الخصال : ص 278 ح 23 ، تفسير القمّي : ج 1 ص 67 كلاهما عن حمّاد بن عيسى ، بحار الأنوار : ج 85 ص 320 ح 6 .

1415. المستدرک علی الصحیحین (_ به نقل از عبد اللہ بن زبیر _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در فاصله میان اذان و اقامه ، دعا رد نمی شود. 1416. المستدرک علی الصحیحین (_ به نقل از عبد الرحمان بن عوف _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دعا در بین اذان و اقامه ، مستجاب است . پس دعا کنید. 7 / 19 هنگام نماز 1419. صحیح مسلم عن ابن عباس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در اوقات نمازتان ، دست دعا به سوی خدا بلند کنید ؛ زیرا این اوقات ، بهترین لحظات است . در این اوقات ، خداوند عز و جل با نظر لطف و رحمت به بندگانش می نگرد . هر گاه او را آهسته بخوانند ، پاسخشان را دهد و اگر با صدای بلند او را بخوانند ، پاسخ می گوید و هر گاه دعا کنند ، دعایشان را مستجاب می کند. 1418. معانی الأخبار (_ به نقل از عدی بن ثابت ، از براء بن عازب _) امام باقر علیه السلام: پیش از نماز و پس از آن ، درخواست کنید. 1419. صحیح مسلم (_ به نقل از ابن عباس _) امام صادق علیه السلام: بر شما باد دعا کردن در پی نماز ؛ زیرا که مستجاب می شود. 1420. وقعة صفین عن علی بن الأقرم: امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل نمازهای پنجگانه را در بهترین اوقات ، بر شما واجب ساخته است . پس در پی نمازها ، دعا کنید.

1421. الإمام الحسن عليه السلام (_ فِي احْتِجَاجِهِ عَلَى مُعَاوِيَةَ _) عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ فِي أَحَبِّ الْأَوْقَاتِ إِلَيْهِ؛ فَاسْأَلُوا اللَّهَ حَوَائِجَكُمُ عَقِيبَ فَرَائِضِكُمْ . (1) 1420. وقعة صفين (_ به نقل از علی بن اقرم _) رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَدَّى فَرِيضَةً فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ . (2) 1421. امام حسن عليه السلام (_ در احتجاجش با معاويه _) عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَدَّى لِلَّهِ مَكْتُوبَةً فَلَهُ فِي أَثَرِهَا دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ . (3) 1422. عنه عليه السلام (_ فِي احْتِجَاجِهِ عَلَى مُعَاوِيَةَ _) الإمام الصادق عليه السلام: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُؤَدِّي فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ إِلَّا كَانَ لَهُ عِنْدَ أَدَائِهَا دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ . (4) 1422. امام حسن عليه السلام (_ در احتجاج با معاويه _) سنن الترمذی عن أبي أمامة: قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّ الدُّعَاءِ أَسْمَعُ؟ قَالَ: جَوْفَ اللَّيْلِ الْآخِرِ، وَدُبُرِ الصَّلَوَاتِ الْمَكْتُوبَاتِ . (5) 1423. المعجم الكبير عن ابن عباس: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا فَرَعَ الْعَبْدُ مِنَ الصَّلَاةِ، وَلَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ تَعَالَى حَاجَتَهُ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ: أَنْظِرُوا إِلَى عَبْدِي، فَقَدْ أَدَّى فَرِيضَتِي وَلَمْ يَسْأَلِ حَاجَتَهُ مِنِّي، كَأَنَّهُ قَدْ اسْتَغْنَى عَنِّي، خُذُوا صَدْلَاتَهُ فَاضْرِبُوا بِهَا وَجْهَهُ . (6) .

1- عِدَّة الداعی: ص 58، بحار الأنوار: ج 85 ص 324 ح 15 .

2- الأُمالي للمفيد: ص 118 ح 1 عن محمد بن عبد الله بن علي العلوي، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 28 ح 22، الأُمالي للطوسي: ص 597 ح 1238 كلاهما عن أحمد بن عامر الطائي وكلها عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 76، بحار الأنوار: ج 93 ص 344 ح 8؛ المعجم الكبير: ج 18 ص 259 ح 647 عن العرياض بن سارية، كنز العمال: ج 7 ص 313 ح 19040 .

3- الأُمالي للطوسي: ص 289 ح 560، الدعوات: ص 27 ح 47 كلاهما عن المنصوري عن عم أبيه عن الإمام الهادي عن آبائه عليهم السلام، عِدَّة الداعی: ص 58 عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 168 عن الإمام الهادي عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 38 ح 2082 عن الإمام الهادي عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 93 ص 347 ح 14 .

4- المحاسن: ج 1 ص 122 ح 133 عن علي بن جعفر عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار: ج 85 ص 322 ح 10 .

5- سنن الترمذی: ج 5 ص 526 ح 3499، كنز العمال: ج 2 ص 114 ح 3402 .

6- بحار الأنوار: ج 85 ص 325 ح 18 نقلاً عن الاختيار لابن الباقي .

1424. وقعة صفین عن ابي برزة الأسلمی: امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل نماز را در محبوب ترین اوقات نزدش بر شما واجب ساخته است. پس درخواست های خود را در پی نمازهای فریضه تان از خدا درخواست کنید. 1423. المعجم الكبير (_ به نقل از ابن عباس _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس یک فریضه به جا آورد، برایش نزد خداوند، یک دعای اجابت شونده باشد. 1424. وقعة صفین (_ به نقل از ابو برزه أسلمی: اصحاب، با پیامبر) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به خاطر خدا یک فریضه به جا آورد، در پی آن، یک دعای اجابت شونده خواهد داشت. 1425. تفسیر القمّی: امام صادق صلی الله علیه و آله: هیچ مؤمنی نیست که یک فریضه (نماز واجب) از فرایض خدا را به جای آورد، مگر آن که در همان هنگام به جا آوردنش، یک دعای اجابت شونده خواهد داشت. 1426. رسول الله صلی الله علیه و آله: سنن الترمذی _ به نقل از ابو امامه _: به پیامبر خدا گفته شد: کدام دعا، زودتر اجابت می شود؟ فرمود: «دعای پاس آخر شب و دعای پس از نمازهای واجب». 1425. تفسیر القمّی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بنده، نمازش را به پایان برَد و از خداوند متعال، حاجتش را نخواهد، خداوند متعال به فرشتگانش می فرماید: «به بنده ام بنگرید. واجب مرا به جا آورد و حاجتش را از من درخواست نکرد! گویا از من، بی نیاز است. نمازش را بگیرید و به صورتش بزنید».

1426. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: الإمام الصادق علیه السلام: كان أبي - رضي الله عنه - يقول في قول الله تبارك وتعالى: «فإذا فرغت فانصب» * وإلى ربك فارغب» (1): إذا قصدت الصلاة بعد أن تسلمت وأنت جالس فانصب في الدعاء من أمر الدنيا والآخرة، وإذا فرغت من الدعاء فارغب إلى الله - تبارك وتعالى - أن يتقبلها منك. (2) 1427. البداية والنهاية عن محمد بن إسحاق: دعائم الإسلام عن الإمام الصادق عليه السلام - في قول الله عز وجل: «فإذا فرغت فانصب» * وإلى ربك فارغب» -: الدعاء بعد الفريضة، إياك أن تدعه؛ فإن فضله بعد الفريضة كفضل الفريضة على التأفلة، ثم قال: إن الله عز وجل يقول: «ادعوني أستجب لكم إن الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين» (3) وأفضل العبادة الدعاء، وإيائه عنى. (4) 1428. الإرشاد عن الزهري: رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الله عز وجل يستحي من عبده إذا صلى في جماعة، ثم يسأله حاجة أن يصيرف حتى يقضى بها. (5) 1427. البداية والنهاية (- به نقل از محمد بن اسحاق) عنه صلى الله عليه وآله: كُتِلُ صَلَاةٍ لَا يُدْعَى فِيهَا لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، فَصَلَاةٌ خِدَاجٌ (6). (7) 1428. الإرشاد (- به نقل از زهري) الإمام الباقر عليه السلام: الدعاء بعد الفريضة أفضل من الصلاة تنقلاً. (8).

1- الانشراح: 7 و 8.

2- قرب الإسناد: ص 7 ح 22 عن مسعدة بن صدقة، بحار الأنوار: ج 85 ص 325 ح 19.

3- غافر: 60.

4- دعائم الإسلام: ج 1 ص 166، بحار الأنوار: ج 85 ص 325 ح 20.

5- حلية الأولياء: ج 7 ص 254، كنز العمال: ج 7 ص 558 ح 20243 نقلاً عن ابن النجار؛ تنبيه الخواطر: ج 1 ص 4 كلها عن أبي سعيد الخدرى، إرشاد القلوب: ص 183، بحار الأنوار: ج 88 ص 4 ح 3.

6- الخداج: النقصان. يقال: خدجت الناقة: إذا ألت ولدها قبل أوانه وإن كان تام الخلق (النهاية: ج 2 ص 12 «خدج»).

7- جامع الأحاديث للقمي: ص 110؛ الفردوس: ج 3 ص 259 ح 4767 عن أنس، كنز العمال: ج 2 ص 109 ح 3381.

8- الكافي: ج 3 ص 342 ح 5، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 103 ح 389، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 328 ح 963 كلها عن زرارة، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 37 ح 2081، دعائم الإسلام: ج 1 ص 166، بحار الأنوار: ج 85 ص 324 ح 17.

1429. الإمام علیّ علیه السلام: امام صادق علیه السلام: پدرم [امام باقر] _ که خدا از او خشنود باد _ درباره این سخن خداوند _ تبارک و تعالی _ که: «پس هر گاه فراغت یافتی، در کوش و با اشتیاق، از پروردگارت درخواست کن»، می فرمود: «یعنی هر گاه نمازت را سلام دادی، در حالی که همچنان نشسته ای، در دعا برای امور دنیا و آخرت بکوش و هر گاه از دعا کردن فارغ گشتی، از خداوند _ تبارک و تعالی _ ملتمسانه بخواه که آن را از تو بپذیرد». 1429. امام علی علیه السلام: دعائم الاسلام: امام صادق علیه السلام _ درباره این سخن خداوند عز و جل که: «پس هر گاه فراغت یافتی، بکوش و از پروردگارت، ملتمسانه درخواست کن»، فرمود: «مقصود، دعا کردن بعد از نماز فریضه است. زنهار! آن را فرو مگذار؛ زیرا فضیلت دعا کردن بعد از نماز واجب، مانند فضیلت نماز واجب بر نافله است».

سپس فرمود: «خداوند عز و جل می فرماید: «مرا بخوانید تا پاسختان دهم. همانا کسانی که از عبادت من گردن فرازی کنند، به زودی با خواری به دوزخ درآیند» و برترین عبادت، دعاست و مقصود خداوند [از عبادت در این آیه] دعاست. 1430. صحیح البخاری عن عبد الله بن مسعود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل شرم می کند از بنده اش که با جماعت، نماز بخواند و سپس، حاجتش را از او بخواهد و برود و حاجتش را برآورده نسازد. 1430. صحیح البخاری (_ به نقل از عبد الله بن مسعود _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر نمازی که در آن، برای مردان و زنان مؤمن دعا نشود، آن نماز نارس (1) است. 1431. مسند ابن حنبل عن عبد الله بن مسعود: امام باقر علیه السلام: دعای بعد از نماز واجب، فضیلتش بیشتر از خواندن نماز نافله است. .

1- . خداج که در متن عربی حدیث آمده، یعنی: نقصان و کاستی؛ به دنیا آمدن فرزند پیش از وقت؛ جنین سقط شده.

1432. صحيح البخارى عن عبد الله بن مسعود: بحار الأنوار: فى الخبر: الدعاء بين الصلاتين لا يُردُّ. (1) 1431. مسند ابن حنبل (_ به نقل از عبد الله بن مسعود _) الإمام الصادق عليه السلام: من قال: «سبحان الله، والحمد لله، ولا إله إلا الله، والله أكبر»، أربعين مرةً فى دبر كل صلاة فريضة قبل أن يثنى عليه، ثم سأل الله أعطى ما سأل. (2) 1432. صحيح البخارى (_ به نقل از عبد الله بن مسعود _) الإمام الباقر عليه السلام: لما كلم الله عز وجل موسى بن عمران عليه السلام قال موسى...: إلهى، فما جزاء من صلى الصلاة لوقتها، لم يشغله عن وقتها دنيا؟

قال: يا موسى، أعطيه سؤله وأبيحُه جنتي. (3) 1433. تفسير القمى (_ فى ذكر معركة بدر _) رسول الله صلى الله عليه وآله: صلوا صلاة الصبح، ثم سلوا الله حوائجكم البتة. (4) 1434. شرح الأخبار: عنه صلى الله عليه وآله: أما صلاة المغرب، فهى الساعة التى تاب الله عز وجل فيها على آدم... وهى الساعة التى يستجاب فيها الدعاء، فوعدنى ربي عز وجل أن يستجاب لمن دعا فيها. (5).

-
- 1- بحار الأنوار: ج 93 ص 349 ح 15 .
 - 2- الأمالى للصدوق: ص 249 ح 273 عن الحارث بن المغيرة، فلاح السائل: ص 299 ح 198، بحار الأنوار: ج 86 ص 21 ح 19 .
 - 3- فضائل الأشهر الثلاثة: ص 89 ح 68 عن زياد بن المنذر، الأمالى للصدوق: ص 277 ح 307 عن عبدالعظيم بن عبد الله الحسنى عن الإمام الهادى عليه السلام وليس فيه «لم يشغله عن وقتها دنيا»، بحار الأنوار: ج 69 ص 413 ح 131 .
 - 4- تاريخ دمشق: ج 65 ص 205 ح 13240 عن أنس، الدر المنثور: ج 1 ص 734، كنز العمال: ج 2 ص 101 ح 3332 كلاهما نقلاً عن أبى يعلى عن أبى رافع .
 - 5- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 213 ح 643 عن الإمام الحسن عليه السلام، علل الشرايع: ص 338 ح 1، الأمالى للصدوق: ص 257 ح 279، فلاح السائل: ص 233 ح 131 كلها عن الحسن بن عبد الله عن أبيه عن جدّه الإمام الحسن عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، المحاسن: ج 2 ص 43 ح 1134 عن الحسين بن أبى العلاء عن الإمام الصادق عن الإمام الحسن عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 9 ص 296 ح 5 .

1433. تفسیر القمّی (_ در یاد کرد از نبرد بدر _) بحار الأنوار: در خبر آمده است که: «دعای بین دو نماز، رد نمی شود». 1434. شرح الأخبار: امام صادق علیه السلام: هر کس بعد از هر نماز واجبی، پیش از آن که از حالت دوزانو و تشهّد خارج شود، چهل مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ؛ منزّه است خدا، و سپاس، از آن خداست و معبودی جز خدای یکتا نیست و خدا، بزرگ تر است»، سپس از خداوند درخواست کند، آنچه بخواهد، به او داده می شود. 1435. مسند ابن حنبل عن أنس: امام باقر علیه السلام: آن گاه که خداوند عز و جل با موسی بن عمران علیه السلام سخن گفت، موسی علیه السلام گفت: ... بار الها! پاداش کسی که نماز را در وقتش بخواند و امر دنیوی او را از به وقت خواندنش باز ندارد، چیست؟

فرمود: «ای موسی! درخواستش را برمی آورم و بهشتم را بر او روا می سازم». 1436. مجمع البیان: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز صبح را بخوانید، سپس حوایجتان را حتما از خدا بخواهید. 1437. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اما نماز مغرب، آن ساعتی است که خداوند عز و جل در آن ساعت، توبه آدم را پذیرفت؛ ساعتی است که دعا در آن ساعت، مستجاب می شود. پروردگرم عز و جل به من وعده داده است که هر کس در این ساعت دعایش کند، دعای او را مستجاب فرماید. .

1438. عنه صلى الله عليه وآله: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ مِنَ الدُّعَاءِ الْمُسْتَجَابِ الَّذِي لَا يُرَدُّ، الدُّعَاءُ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ .
(1) 1435. مسند ابن حنبل (_ به نقل از انس _) تهذيب الأحكام عن جهم بن أبي جهم: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ سَجَدَ بَعْدَ الثَّلَاثِ الرَّكَعَاتِ مِنَ الْمَغْرِبِ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! رَأَيْتَكَ سَجَدْتَ بَعْدَ الثَّلَاثِ؟

فَقَالَ: وَرَأَيْتَنِي؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: فَلَا تَدْعُهَا؛ فَإِنَّ الدُّعَاءَ فِيهَا مُسْتَجَابٌ. (2) 1436. مجمع البيان: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَ طَالِبًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَةً فِي أَمْرِ دُنْيَاةٍ وَأَخْرَجَتْهُ، فَلْيَطْلُبْهَا فِي الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ؛ فَإِنَّهَا صَدَاقَةٌ لَمْ يُصَدِّ لَهَا أَحَدٌ مِنَ الْأُمَّمِ قَبْلَكُمْ .
(3) 1437. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: المجتبی عن رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَتْ لَهُ حَاجَةٌ فَلْيَطْلُبْهَا فِي الْعِشَاءِ؛ فَإِنَّهُ لَمْ يُعْطَهَا أَحَدٌ مِنَ الْأُمَّمِ قَبْلَكُمْ، يَعْنِي الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ. (4) 7 / 20 عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَخْتَمِهِ 1440. المصنّف لابن أبي شيبة عن سعيد بن زيد: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ عِنْدَ كُلِّ خَتْمَةٍ دَعْوَةً مُسْتَجَابَةً. (5) 1441. مسند ابن حنبل عن ابن عباس: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فَلَهُ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ. (6) .

- 1- تاريخ جرجان: ص 42 ح 21 عن ابن عمر، كنز العمال: ج 2 ص 110 ح 3382 نقلاً عن أبي الشيخ عن أنس و ج 7 ص 392 ح 19450 نقلاً عن ابن مردويه .
- 2- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 114 ح 427، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 331 ح 968، الاستبصار: ج 1 ص 347 ح 1309، بحار الأنوار: ج 86 ص 195 .
- 3- الفردوس: ج 3 ص 516 ح 5608 عن الإمام عليّ عليه السلام، كنز العمال: ج 2 ص 109 ح 3378 .
- 4- المجتبی: ص 48، عدّة الداعي: ص 39، بحار الأنوار: ج 87 ص 167 ح 9 .
- 5- تاريخ بغداد: ج 9 ص 390 ح 4984، شُعَبُ الْإِيمَانِ: ج 2 ص 374 ح 2086، حلية الأولياء: ج 7 ص 260 وليس فيهما «إِنَّ لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ» وكلّهما عن أنس، كنز العمال: ج 2 ص 102 ح 3340 .
- 6- المعجم الكبير: ج 18 ص 259 ح 647 عن العرياض بن سارية، شُعَبُ الْإِيمَانِ: ج 2 ص 374 ح 2087 عن أنس نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 100 ح 3327 .

7 / 20 هنگام قرائت و ختم قرآن

1442. صحیح البخاری عن أنس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از جمله دعاهایی که ردخور ندارد و مستجاب می شود دعای میان [نماز] مغرب و عشاء است. 1439. سنن النسائی (به نقل از آنس) تهذیب الأحکام - به نقل از جهم بن ابی جهم: ابو الحسن امام کاظم علیه السلام را دیدم که پس از سه رکعت نماز مغرب، سجده کرد. گفتم: فدایت شوم! دیدم که بعد از سه رکعت [مغرب] به سجده رفتی.

فرمود: «خودت مرا دیدی؟».

گفتم: آری.

فرمود: «پس تو نیز آن را فرو مگذار؛ زیرا دعا در آن، مستجاب می شود». 1440. المصنّف، ابن ابی شیبّة - به نقل از سعید بن زید - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به خداوند عز و جل حاجتی برای امور دنیا و آخرتش داشت، آن را در نماز عشاء بطلبد؛ زیرا این نماز، نمازی است که هیچ یک از ائمت های پیش از شما آن را نخوانده است. 1441. مسند ابن حنبل (به نقل از ابن عبّاس) - المجتبی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس حاجتی داشت، آن را در نماز عشاء بطلبد؛ زیرا این نماز به هیچ یک از ائمت های پیش از شما عطا نشده است. 7 / 20 هنگام قرائت و ختم قرآن 1444. صحیح البخاری عن ابی هريرة: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای کسی که قرآن تلاوت می کند، در هنگام هر ختمی یک دعای مستجاب شونده است. 1443. الطبقات الکبری: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس قرآن را ختم کند، یک دعای اجابت شدنی دارد.

1444. صحيح البخارى (_ به نقل از ابو هريره _) عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ لِقَارِيَّ الْقُرْآنِ دَعْوَةً مُسْتَجَابَةً ؛ فَإِنْ شَاءَ صَاحِبُهَا عَجَّلَهَا فِي الدُّنْيَا ، وَإِنْ شَاءَ أَخَّرَهَا إِلَى الْآخِرَةِ . (1) 1445. الإمام عليّ عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَيُّ الرَّجَالِ خَيْرٌ ؟ قَالَ : الْحَالُ الْمُرْتَحِلُ . قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَا الْحَالُ الْمُرْتَحِلُ ؟

قَالَ : الْفَاتِحُ الْخَاتِمُ ، الَّذِي يَفْتَحُ الْقُرْآنَ وَيَخْتِمُهُ ، فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ . (2) 1446. صحيح البخارى عن عبد الله بن أبي أوفى : حلية الأولياء عن زر بن حبيش : كَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ فَإِنَّمَا يُصَلِّي ، فَلَمَّا بَلَغَ الْمِئَةَ مِنَ النِّسَاءِ ، قَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : سَلْ تُعْطَهُ .

فَقَالَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا لَا يَرْتَدُّ ، وَنَعِيمًا لَا يَنْفَدُ ، وَمُرَافَقَةً نَبِيَّكَ فِي أَعْلَى جَنَّةِ الْخُلْدِ . (3) 1447. المجتني عن جابر بن عبد الله : الإمام عليّ عليه السلام : مَنْ قَرَأَ مِئَةَ آيَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ _ مِنْ أَيِّ الْقُرْآنِ شَاءَ _ ثُمَّ قَالَ : يَا اللَّهُ _ سَبْعَ مَرَّاتٍ _ فَلَوْ دَعَا عَلَى الصَّخْرَةِ لَقَلَعَهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ . (4) 7 / 21 هذه الأوقات 1446. صحيح البخارى (_ به نقل از عبد الله بن أبي أوفى _) رسول الله صلى الله عليه وآله : خَمْسُ لِيَالٍ لَا تَرُدُّ فِيهِنَّ الدَّعْوَةُ : أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ رَجَبٍ ، وَلَيْلَةُ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ ، وَلَيْلَةُ الْجُمُعَةِ ، وَلَيْلَةُ الْفِطْرِ ، وَلَيْلَةُ النَّحْرِ . (5) .

1- . كنز العمال : ج 1 ص 513 ح 2281 نقلاً عن ابن مردويه عن جابر .

2- . ثواب الأعمال : ص 127 ح 1 عن السكوني ، جامع الأحاديث للقمي : ص 216 نحوه ، بحار الأنوار : ج 92 ص 205 ح 4 .

3- . حلية الأولياء : ج 6 ص 257 وراجع مسند ابن حنبل : ج 2 ص 173 ح 4340 .

4- . ثواب الأعمال : ص 130 ح 1 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 141 ح 2353 و ص 182 ح 2476 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، الدعوات : ص 45 ح 110 وفيها «فلقها» بدل «لقلعها» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 310 ح 10 .

5- . تاريخ دمشق : ج 10 ص 408 ح 2604 عن أبي أمامة الباهلي .

1447.المجتبی (_ به نقل از جابر بن عبد الله _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برای قاری قرآن ، یک دعای مستجاب شونده است . حال اگر خواست ، در همین دنیا به او داده می شود و اگر خواست ، به آخرت موکول می کند. 1448. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام صادق علیه السلام : گفته شد : ای پیامبر خدا! کدام انسان بهتر است؟

فرمود : «بارافکنِ کوچ کن».

گفته شد : ای پیامبر خدا! بارافکنِ کوچ کن کیست؟

فرمود : «آغاز کننده پایان برنده . کسی که قرآن را می آغازد و به پایانش می برد . چنین کسی نزد خداوند ، یک دعای پذیرفتنی دارد». 1449. عنه صلی الله علیه و آله (_ لِعَلِّيَّ عَلَيْهِ السَّلَام _) حلیة الأولیاء _ به نقل از زرّ بن حبیش _ : عبد الله بن مسعود ، به نماز ایستاده بود . چون به آیه صدم سوره نساء رسید ، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود : «بخواه که عطا می شوی».

عبد الله گفت : بار خدایا! ایمانی بی برگشت ، نعمتی بی پایان و همراهی با پیامبرت در بالاترین درجه بهشت جاویدان را از تو درخواست می کنم. 1450. الإصابة عن ابن الزبیر : امام علی علیه السلام : هر کس صد آیه از قرآن _ از هر جای قرآن که خواست _ قرائت کند ، سپس هفت مرتبه «یا الله (ای خدا)» بگوید ، اگر به کوه نقرین کند ، به خواست خدا ، آن را از جای برمی کند. 7 / 21 این وقت ها 1449. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (_ به علی علیه السلام _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پنج شب است که دعا در آنها رد نمی شود : نخستین شب از ماه رجب ، شب نیمه شعبان ، شب جمعه ، شب عید فطر و شب عید قربان.

1450. الإصابة (_ به نقل از ابن زبير _) الإمام الكاظم عليه السلام : كان عليُّ بنُ أبي طالبٍ عليه السلام يقولُ : يُعجِبُنِي أن يُفرِّغَ الرَّجُلُ نَفْسَهُ فِي السَّنَةِ أَرْبَعَ لَيَالٍ : لَيْلَةَ الْفِطْرِ ، وَلَيْلَةَ الْأَضْحَى ، وَلَيْلَةَ النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ ، وَأَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ رَجَبٍ . (1) 1451. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (_ دربارہ علی علیه السلام _) الإمام الباقر عليه السلام : أُطْلِبُ الْإِجَابَةَ عِنْدَ اقْتِشَاعِ عِرَارِ الْجِلْدِ ، وَعِنْدَ إِفَاضَةِ الْعَبْرَةِ ، وَعِنْدَ قَطْرِ الْمَطَرِ ، وَإِذَا كَانَتِ الشَّمْسُ فِي كِبِدِ السَّمَاءِ أَوْ قَدْ زَاغَتْ ؛ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ تُفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ ، وَيُرْجَى فِيهَا الْعَوْنُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ ، وَالْإِجَابَةُ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى . (2) 1452. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (_ دربارہ علی علیه السلام _) رسول الله صلی الله علیه و آله : ثَلَاثَةٌ مَوَاطِنَ لَا تَرُدُّ فِيهَا دَعْوَةٌ : رَجُلٌ يَكُونُ فِي بَرِّيَّةٍ حَيْثُ لَا يَرَاهُ أَحَدٌ ، فَيَقُومُ فَيُصَلِّي ، فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمَلَائِكَةِ : أَرَى عَبْدِي هَذَا يَعْلَمُ أَنَّ لَهُ رَبًّا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ ، فَاَنْظُرُوا مَاذَا يَطْلُبُ . فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ : أَيُّ رَبِّ ، رِضَاكَ وَمَغْفِرَتِكَ . فَيَقُولُ : إِشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ .

وَرَجُلٌ يَكُونُ مَعَهُ فِئَةٌ فَيَمُرُّ عَنْهُ أَصْحَابُهُ ، وَيَتَّبِعُ هُوَ فِي مَكَانِهِ ، فَيَقُولُ اللَّهُ لِلْمَلَائِكَةِ : أَنْظُرُوا مَا يَطْلُبُ عَبْدِي . فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ : يَا رَبِّ ، بَدَلْ مُهْجَتَهُ لَكَ يَطْلُبُ رِضَاكَ . فَيَقُولُ : إِشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ .

وَرَجُلٌ يَقُومُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ ، فَيَقُولُ اللَّهُ لِلْمَلَائِكَةِ : إِشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ . (3) .

1- . مصباح المتهجد : ص 852 عن إسماعيل بن موسى بن جعفر ، الجعفریات : ص 46 ، فضائل الأشهر الثلاثة : ص 46 ح 23 ، قرب الإسناد : ص 54 ح 177 كلاهما عن وهب بن وهب وكلها عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهما السلام ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 184 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام وزاد في آخره «يعنى عليه السلام للصلاة وذكر الله جل ذكره» ، بحار الأنوار : ج 91 ص 123 ح 12 .

2- . مكارم الأخلاق : ج 2 ص 96 ح 2275 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 346 ح 9 .

3- . أسد الغابة : ج 2 ص 270 ح 1666 ، معرفة الصحابة لأبي نعيم : ج 2 ص 1102 ح 2779 نحوه وكلاهما عن ربيعة بن وقاص ، كنز العمال : ج 2 ص 102 ح 3336 نقلاً عن ابن مندة .

1453. عنه صلى الله عليه وآله (_ يَوْمَ غَدِيرِ خُمِّ _) امام كاظم عليه السلام: على بن ابي طالب عليه السلام مي فرمود: «خوش دارم كه مرد، در سال، چهار شبِ خودش را وقف عبادت كند: شب عيد فطر، شب عيد قربان، شب نيمه شعبان و شب اول ماه رجب». 1454. عنه صلى الله عليه وآله: امام باقر عليه السلام: اجابت [دعا] را در هنگام افروختن پوست (راست شدن مو بر تن)، هنگام سرازير شدن اشك، هنگام بارش باران و هنگامى كه خورشيد در وسط آسمان است يا زوال كرده، بجوى؛ زيرا در اين اوقات، درهاى آسمان گشوده مي شود و اميد كمك از فرشتگان و اجابت از خداوند _ تبارك و تعالى _ مي رود. 1455. الأمالى للصدوق عن ابن عباس: پيامبر خدا صلى الله عليه وآله: سه جاست كه دعا در آنها رد نمى شود: يكي آن گاه كه انسان، در بيابانى تنهاست، به طوري كه احدى او را نمى بيند و برمي خيزد و نماز مي خواند. پس، خداوند عز و جل به فرشتگانش مي فرمايد: «مي بينم (/ به گمانم) اين بنده ام مي داند كه او را پروردگارى است كه گناهان را مي آموزد. ببينيد چه مي خواهد».

پس، فرشتگان گويند: پروردگارا! خشنودى و آموزش تو را [مي خواهد]. خداوند مي فرمايد: «گواه باشيد كه او را آموزيدم».

دوم، آن گاه كه مردى با عده اى [در ميدان جنگ] است و يارانش از او مي گريزند؛ ولي او در جاي خود، استوار مي ماند. پس، خداوند به فرشتگان مي فرمايد: «ببينيد بنده ام چه مي خواهد». پس، فرشتگان مي گويند: پروردگارا! نثار شدن خونس را در راه تو براى جلب رضاي تو [مي خواهد]. خداوند مي فرمايد: «گواه باشيد كه او را آموزيدم».

سوم، آن گاه كه مردى در آخر شب [به نماز] برمي خيزد. پس، خداوند به فرشتگان مي فرمايد: «گواه باشيد كه او را آموزيدم».

1456. رسول الله صلى الله عليه وآله (_ في حَجَّةِ الْوُدَاعِ وَهُوَ عَلَى نَاقَتِهِ ، وَيُدُّ) عنه صلى الله عليه وآله : سَاعَتَانِ لَا تُرَدُّ عَلَى دَعْوَتِهِ : حِينَ تُقَامُ الصَّلَاةُ ، وَفِي الصَّفِّ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . (1) 1453. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله (_ در روز غدیر خم _) عنه صلى الله عليه وآله : ثِنْتَانِ لَا تُرَدَّانِ ، أَوْ قَلَّمَا تُرَدَّانِ : الدُّعَاءُ عِنْدَ النَّدَاءِ ، وَعِنْدَ الْبَأْسِ حِينَ يُلْحِمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا . (2) 1454. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : عنه صلى الله عليه وآله : سَاعَتَانِ تُفْتَحُ فِيهِمَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ ، فَلَمْ تُرَدَّ فِيهِمَا دَعْوَةٌ : حُضُورُ الصَّلَاةِ ، وَعِنْدَ الزَّحْفِ لِلْقِتَالِ . (3) 1455. الأمامي ، صدوق (_ به نقل از ابن عباس _) عنه صلى الله عليه وآله : تَحَرَّوْا الدُّعَاءَ فِي الْفِيَايِ (4) ، وَثَلَاثَةٌ لَا يُرَدُّ دَعَاؤُهُمْ : عِنْدَ النَّدَاءِ ، وَعِنْدَ الصَّفِّ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَعِنْدَ نُزُولِ الْقَطْرِ . (5) 1456. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله (_ در حجة الوداع ، در حالی که بر ناقه خویش سوار و) حلیة الأولیاء عن عائشة عن رسول الله صلى الله عليه وآله : ثَلَاثُ سَاعَاتٍ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ ، مَا دَعَا فِيهِنَّ إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ ، مَا لَمْ يَسْأَلْ قَطِيعَةً رَحِمَ أَوْ مَاتَمًا . فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَيَّةُ سَاعَةٍ ؟

قال : حِينَ يُؤَدَّنُ الْمُؤَدَّنُ بِالصَّلَاةِ حَتَّى يَسْكُتَ ، وَحِينَ يَلْتَقِي الصَّفَّانِ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا ، وَحِينَ يَنْزِلُ الْمَطَرُ حَتَّى يَسْكُنَ . (6) .

- 1- .صحيح ابن حبان : ج 5 ص 61 ح 1764 ، المعجم الكبير : ج 6 ص 140 ح 5774 وفيه «يقام الليل صلاة» بدل «تقام الصلاة» وص 159 ح 5847 نحوه وكلها عن سهل بن سعد ، كنز العمال : ج 2 ص 101 ح 3331؛ مكارم الأخلاق : ج 2 ص 64 ح 2158 ، الأمامي للشجري : ج 1 ص 235 عن سهل بن سعد وكلاهما نحوه .
- 2- .سنن أبي داود : ج 3 ص 21 ح 2540 ، سنن الدارمي : ج 1 ص 288 ح 1182 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 313 ح 712 ، السنن الكبرى : ج 1 ص 605 ح 1938 و ج 3 ص 502 ح 6459 ، صحيح ابن خزيمة : ج 1 ص 219 ح 419 ، المعجم الكبير : ج 6 ص 135 ح 5756 كلها عن سهل بن سعد ، كنز العمال : ج 2 ص 102 ح 3337 .
- 3- .حلیة الأولیاء : ج 6 ص 343 ، صحيح ابن حبان : ج 5 ص 5 ح 1720 وفيه «عند الصف في سبيل الله» بدل «عند الزحف للقتال» وكلاهما عن سهل بن سعد .
- 4- .الفيافي : البرارى الواسعة ، جمع فيفاء (النهاية : ج 3 ص 485 «فيف»).
- 5- .حلیة الأولیاء : ج 6 ص 343 عن سهل بن سعد .
- 6- .حلیة الأولیاء : ج 9 ص 320 ، كنز العمال : ج 2 ص 101 ح 3335 .

1457. الإمام الحسن عليه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو وقت است که دعای هیچ دعاکننده ای رد نمی شود: یکی هنگام اقامه نماز، و دیگر، هنگام صف کشیدن [برای رزم و جهاد] در راه خدا. 1458. رسول الله صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو دعاست که رد نمی شوند یا کمتر رد می شوند: دعا کردن در هنگام اذان، و دعا کردن در میدان جهاد، آن گاه که گلاویز می شوند. 1459. عنه صلی الله علیه و آله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو وقت است که در آنها درهای آسمان گشوده می شود و هیچ دعایی رد نمی شود: فرارسیدن وقت نماز، و هنگام پیشروی برای جهاد. 1460. عنه صلی الله علیه و آله (_ فِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بیابان ها به دعا پردازید. سه کس اند که دعایشان رد نمی شود: دعا کنندگان هنگام اذان و هنگام صف کشیدن در راه خدا، و هنگام بارش باران. 1457. امام حسن علیه السلام: حلیة الأولیاء _ به نقل از عایشه _ پیامبر خدا فرمود: «سه هنگام است که انسان مسلمان، در آنها دعا نمی کند، مگر آن که دعایش مستجاب می شود، به شرط آن که دعایش برای قطع صله رَحِم یا گناهی نباشد».

گفتم: ای پیامبر خدا! کدام هنگام؟

فرمود: «هنگامی که مؤذن، بانگ اذان سر می دهد تا آن گاه که خاموش شود؛ هنگامی که دو صف [مسلمانان و دشمن] رویاروی می شوند تا آن گاه که خداوند، میان آنها داوری کند [و یکی پیروز شود]؛ و هنگامی که باران می بارد تا آن گاه که بند آید».

1458. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رسول الله صلی الله علیه و آله : تُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ ، وَيُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ : عِنْدَ التَّقَاءِ الصُّفُوفِ ، وَعِنْدَ نُزُولِ الْغَيْثِ ، وَعِنْدَ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ ، وَعِنْدَ رُؤْيَةِ الْكَعْبَةِ . (1) 1459. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عنه صلی الله علیه و آله : تُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ لِخَمْسٍ : لِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ ، وَلِلْقَاءِ الرَّحْمَنِ ، وَلِنُزُولِ الْقَطْرِ ، وَلِدَعْوَةِ الْمَظْلُومِ ، وَلِلأَذَانِ . (2) 1460. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : (_ درباره علی علیه السلام _) الإمام علی علیه السلام : تُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ فِي خَمْسَةٍ (3) مَوَاقِيتَ : عِنْدَ نُزُولِ الْغَيْثِ ، وَعِنْدَ الرَّحْفِ ، وَعِنْدَ الأَذَانِ ، وَعِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ ، وَمَعَ زَوَالِ الشَّمْسِ ، وَعِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ . (4) 1461. عنه صلی الله علیه و آله : عنه علیه السلام : اغْتَنِمُوا الدُّعَاءَ عِنْدَ خَمْسَةِ مَوَاطِنَ : عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ ، وَعِنْدَ الأَذَانِ ، وَعِنْدَ نُزُولِ الْغَيْثِ ، وَعِنْدَ التَّقَاءِ الصَّكِّينَ لِلشَّهَادَةِ ، وَعِنْدَ دَعْوَةِ الْمَظْلُومِ ؛ فَإِنَّهَا لَيْسَ لَهَا حِجَابٌ دُونَ الْعَرْشِ . (5) 1462. الإمام الصادق علیه السلام : عنه علیه السلام : مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى رَبِّهِ عِزٌّ وَجَلُّ حَاجَةٌ ، فَلْيَطْلُبْهَا فِي ثَلَاثِ سَاعَاتٍ : سَاعَةٍ فِي الْجُمُعَةِ . وَسَاعَةٍ تَزُولُ الشَّمْسُ (6) حِينَ تَهْبُ الرِّيَّاحُ ، وَتُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ ، وَتَنْزِلُ الرَّحْمَةُ ، وَيُصَوِّتُ الطَّيْرُ . وَسَاعَةٍ فِي آخِرِ اللَّيْلِ عِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ ؛ فَإِنَّ مَلَكَ ينادِيانِ : هَلْ مِنْ تَائِبٍ يُتَابُ عَلَيْهِ ! هَلْ مِنْ سَائِلٍ يُعْطَى ! هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ يُغْفَرُ لَهُ ! هَلْ مِنْ طَالِبٍ حَاجَةٌ فَتُقْضَى لَهُ ! فَأَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ ، وَاطْلُبُوا الرِّزْقَ فِيمَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّهُ أَسْرَعُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الأَرْضِ وَهِيَ السَّاعَةُ الَّتِي يُقَسِّمُ اللَّهُ فِيهَا الرِّزْقَ بَيْنَ عِبَادِهِ . (7) .

- 1- .السنن الكبرى : ج 3 ص 502 ح 6460 ، المعجم الكبير : ج 8 ص 169 ح 7713 كلاهما عن أبي أمامة ، كنز العمال : ج 2 ص 101 ح 3334 ؛ الأملی للشجرى : ج 1 ص 224 عن أبي أمامة .
- 2- .المعجم الأوسط : ج 4 ص 64 ح 3621 ، المعجم الصغير : ج 1 ص 169 كلاهما عن عبد الله بن عمر ، كنز العمال : ج 2 ص 101 ح 3333 .
- 3- .في تحف العقول وجامع الأخبار : «سنة» وهو الصواب .
- 4- .الخصال : ص 303 ح 79 و ص 618 ح 10 كلاهما عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 108 ، جامع الأخبار : ص 367 ح 1016 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 344 ح 4 .
- 5- .الأملی للصدوق : ص 171 ح 171 عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ص 337 ح 393 عن السكوني عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهما السلام ، الجعفریات : ص 235 عن الإمام الكاظم عن آبائه عنه عليهم السلام ، روضة الواعظين : ص 357 ، الكافي : ج 2 ص 477 ح 3 عن السكوني عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 13 ح 2017 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 343 ح 1 .
- 6- .في تحف العقول : «ساعة الزوال» بدل «وساعة تزول الشمس» .
- 7- .الخصال : ص 615 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 106 ، جامع الأخبار : ص 367 ح 1017 نحوه وليس فيه من «فإن ملكين...» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 343 ح 4 .

1463. مثير الأحزان: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در چهار هنگام، درهای آسمان باز و دعا مستجاب می شود: هنگام رویارو شدن صف ها، هنگام بارش باران، هنگام برپا شدن نماز، و هنگام دیدن کعبه. 1464. مثير الأحزان عن عبد الله بن یحیی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: درهای آسمان، در پنج هنگام، گشوده می شود: برای قرائت قرآن، برای رویارویی دو سپاه، برای بارش باران، برای دعای ستم دیده، و برای اذان. 1461. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام: درهای آسمان، در پنج موقع باز می شود: هنگام بارش باران، هنگام جهاد، هنگام اذان، هنگام قرائت قرآن، هنگام زوال خورشید، و موقع دمیدن سپیده. 1462. امام صادق علیه السلام: امام علی علیه السلام: دعا کردن را در پنج هنگام، مغتنم شمارید: هنگام خواندن قرآن، هنگام اذان، هنگام بارش باران، هنگام برخورد دو صف برای شهادت، و هنگام دعای ستم دیده؛ زیرا هیچ مانعی میان آن و عرش نیست. 1463. مثير الاحزان: امام علی علیه السلام: هر کس به پروردگارش حاجتی داشت، آن را در سه هنگام بطلبد: هنگام جمعه؛ هنگام زوال خورشید که بادهای وزیدن می گیرند و درهای آسمان باز می شود و رحمت فرود می آید و مرغان، آواز می دهند؛ و هنگام آخر شب، نزدیک دمیدن سپیده؛ چرا که دو فرشته بانگ می زنند: آیا توبه کننده ای هست تا توبه اش پذیرفته شود؟ آیا درخواست کننده ای هست تا به او عطا شود؟ آیا آمرزش خواهی هست تا آمرزیده شود؟ آیا متقاضی حاجتی هست تا حاجتش برآورده شود؟

پس، دعوت کننده خدا را اجابت کنید و روزی را در فاصله طلوع فجر تا طلوع آفتاب بجوید؛ زیرا این در جلب روزی، از تلاش و تکاپو مؤثرتر است، و آن وقتی است که خداوند، در آن، روزی را میان بندگانش قسمت می کند. .

1464. مثير الأحران (_ به نقل از عبد الله بن يحيى _) الإمام الصادق عليه السلام: أُطْلِبُوا الدُّعَاءَ فِي أَرْبَعِ سَاعَاتٍ : عِنْدَ هُبُوبِ الرِّيحِ ، وَزَوَالِ الْأَفْيَاءِ ، وَنُزُولِ الْقَطْرِ ، وَأَوَّلِ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِ الْقَتِيلِ الْمُؤْمِنِ ؛ فَإِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تَفْتَحُ عِنْدَ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ . (1) 1465. رسول الله صلى الله عليه وآله : عنه عليه السلام : ثَلَاثَةُ أَوْقَاتٍ لَا يُحْجَبُ فِيهَا الدُّعَاءُ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى : فِي أَثَرِ الْمَكْتُوبَةِ ، وَعِنْدَ نُزُولِ الْمَطْرِ ، وَظُهُورِ آيَةِ مُعْجَزَةِ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ . (2) 1466. مسند الشاميين عن عبدالرحمن بن شبل عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم : يُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ : فِي الْوَتْرِ ، وَبَعْدَ الْفَجْرِ ، وَبَعْدَ الظُّهْرِ وَبَعْدَ الْمَغْرِبِ . (3) .

-
- 1- .الكافي : ج 2 ص 476 ح 1 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 13 ح 2015 ، عدّة الداعي : ص 46 كلّها عن زيد الشحام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 344 ح 9 .
- 2- .الأمالى للطوسى : ص 280 ح 542 عن المنصورى عن عمّ أبيه عن الإمام الهادى عن آبائه عليهم السلام ، الدعوات : ص 35 ح 82 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 347 ح 14 .
- 3- .الكافي : ج 2 ص 477 ح 2 و ج 3 ص 343 ح 17 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 114 ح 428 ، عدّة الداعي : ص 58 كلّها عن الفضل بن عبدالملك البقباق ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 13 ح 2016 ، الاختصاص : ص 223 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 346 ح 10 .

1467. الإمام الصادق عليه السلام: امام صادق عليه السلام: دعا را در چهار هنگام طلب کنید: هنگام ورزش بادهای و زوال خورشید و بارش باران، و نخستین قطره ای که از خون مجاهد مؤمن به زمین می ریزد؛ زیرا هنگام این چیزها، درهای آسمان، گشوده می شود. 1465. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امام صادق علیه السلام: سه هنگام است که در آنها، دعا از درگاه خداوند متعال، محجوب نمی ماند: در پسِ نماز واجب و هنگام بارش باران، و هنگام پدیدار شدن نشانه ای از اعجاز خداوند در زمین. 1466. مُسْنَدُ الشَّامِيِّينَ (_ به نقل از عبد الرحمان بن شبل _) امام صادق علیه السلام: دعا، در چهار جا مستجاب می شود: در نماز وَتْرٌ و بعد از فجر بعد از ظهر، و بعد از مغرب. (1).

1- .ظاهراً مراد از سه مورد اخیر، نماز بعد از این اوقات است؛ یعنی نماز صبح و ظهر و مغرب (م).

1467. امام صادق عليه السلام: رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من صباح إلا ومَلَكَانِ يُنَادِيَانِ، يَقُولَانِ: يَا بَاغِيَ الْخَيْرِ هَلُمَّ، وَيَا بَاغِيَ الشَّرِّ انْتَه، هَلْ مِنْ دَاعٍ فَيَسْتَجَابُ لَهُ! هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَيُغْفَرُ لَهُ! هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَيَتَابُ عَلَيْهِ! هَلْ مِنْ مَغْمُومٍ فَيَنْفَسُ عَنْهُ عَمُّهُ!

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لِلْمُنْفِقِ مَالَهُ خَلْفًا، وَلِلْمُمْسِكِ تَلْفًا. فَبِهَذَا دُعَاؤُهُمَا حَتَّى تَغْرُبَ الشَّمْسُ. (1).

1- الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ: ص 701 ح 958 عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، روضة الواعظين: ص 360 وليس فيه «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لِلْمُنْفِقِ مَالَهُ خَلْفًا وَلِلْمُمْسِكِ تَلْفًا»، بحار الأنوار: ج 93 ص 380 ح 3.

1468. نهج البلاغة: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بامدادی نیست، مگر آن که دو فرشته بانگ برمی آورند و می گویند: «ای جویای خوبی! بجنب؛ ای جویای بدی! باز ایست. آیا کسی هست که دعا کند تا دعایش مستجاب شود؟ آیا کسی هست که آمرزش بطلبد تا آمرزیده شود؟ آیا کسی هست که توبه کند تا توبه اش پذیرفته شود؟ آیا اندوهگینی هست تا اندوهش زدوده شود؟

بار خدایا! به آن که مال خود را انفاق می کند، به سرعت عطا فرما و به آن که بخل می ورزد، زیان رسان». و تا غروب آفتاب، دعای آن دو همین است.

البَابُ الثَّامِنُ : أفضل الأمكنة للدعاء 8 / 1 مَكَّةُ وَالْمَسْجِدُ الْحَرَامُ 1470. شرح الأخبار عن الأصْبَغِ بن نباتة: رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ أدركَ شَهْرَ رَمَضَانَ بِمَكَّةَ ، مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ ، صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي غَيْرِهَا ... وَلَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ . (1) 1470. شرح الأخبار (_ به نقل از اصْبَغِ بن نباتة _) عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ أرادَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ فَلْيُؤَمِّمْ (2) هَذَا الْبَيْتَ ؛ فَمَا أتاهُ عَبْدٌ يَسْأَلُ اللَّهَ دُنْيَا إِلَّا أعطاهُ اللَّهُ مِنْهَا ، وَلَا يَسْأَلُهُ آخِرَةً إِلَّا أَدَّخَرَ لَهُ مِنْهَا . (3) 1471. الإمام عليّ عليه السلام (_ فى مَصَقَلَةَ بنِ هُبَيْرَةَ الشَّيبَانِيِّ لَمَّا) عنه صلى الله عليه وآله : لَا تُرْفَعُ الأَيْدِي إِلاَّ فى سَبْعِ مَواظِنَ : حِينَ يَفْتَتِحُ الصَّلَاةَ ، وَحِينَ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ ، فَيَنْظُرُ إِلَى الْبَيْتِ ، وَحِينَ يَقُومُ عَلَى الصَّفَا ، وَحِينَ يَقُومُ عَلَى الْمَرْوَةِ ، وَحِينَ يَقِفُ مَعَ النَّاسِ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ ، وَبِجَمْعِ (4) ، وَالْمَقَامَيْنِ ، حِينَ (5) يرمى الْجَمْرَةَ . (6) .

-
- 1- .شعب الإيمان : ج 3 ص 487 ح 4149 و ص 347 ح 3729 ؛ بحار الأنوار : ج 96 ص 349 ح 16 نقلًا عن القطب الراوندى فى النوادر عن أبي عيَّاش .
 - 2- .أمه يؤمُّه : إذا قصدته (لسان العرب : ج 12 ص 22 «أمم»).
 - 3- .مسند زيد : ص 220 عن زيد بن عليّ عن أبيه عن جدّه ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 295 كلاهما عن الإمام عليّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 99 ص 50 ح 49 .
 - 4- .جَمْعٌ : عَلِمَ للمزدلفة (النهاية : ج 1 ص 296 «جمع»).
 - 5- .فى كنز العمال نقلًا عن المصدر : «وحيين» .
 - 6- .المعجم الكبير : ج 11 ص 305 ح 12072 عن ابن عبّاس ، كنز العمال : ج 2 ص 107 ح 3369 .

باب هشتم : بافضیلت ترین مکان ها برای دعا**8 / 1 مکه و مسجد الحرام**

باب هشتم : بافضیلت ترین مکان ها برای دعا 8 / 1 مکه و مسجد الحرام 1473. الغارات (_ فی خَبرِ یزیدِ بنِ حُجَّیَّةَ _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس روزه و عبادت ماه رمضان را ، از آغاز تا انجامش ، در مکه باشد ، خداوند بر این ، [ثواب] صد هزار ماه رمضان در غیر مکه می نویسد . . . و برای هر روز ، یک دعای پذیرفتنی داشته باشد. 1474. أسد الغابة عن أبي إسحاق : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که دنیا و آخرت را می خواهد ، رهسپار این خانه (کعبه) شود ؛ زیرا هیچ بنده ای به آن جا نرود و حاجتی دنیوی از خدا نخواهد ، مگر آن که خداوند ، آن را به او می دهد و هیچ امر اخروی نخواهد ، مگر آن که برایش ذخیره می سازد. 1473. الغارات (_ درباره یزید بن حُجَّیَّةَ _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دست ها را جز در هفت جا نباید بلند کرد : هنگام آغازیدن نماز ، هنگام داخل شدن به مسجد الحرام و دیدن خانه ، هنگام ایستادن بر صفا ، هنگام ایستادن بر مروه ، هنگام وقوف با مردم در شامگاه عرفه ، و در جمع (1) و مقامین ، و هنگام رمی جمره.

1- . همان ، مُردَلَفَه است.

1474. أسد الغابه (_ به نقل از ابو اسحاق _) عنه صلى الله عليه وآله _ فى ذِكْرِ مَظَانِّ الدُّعَاءِ _ : تُرْفَعُ الأَيْدِي : فى الصَّلَاةِ ، وَإِذَا رَأَى البَيْتَ ، وَعَلَى الصَّنْفَا وَالْمَرَوَّةِ ، وَعَشِيَّةَ عَرَفَةَ ، وَبِجَمْعٍ ، وَعِنْدَ الجَمْرَتَيْنِ ، وَعَلَى المَيْتِ . (1) 1475. أنساب الأشراف عن أبي وائل شقيق بن سلمة : المزار الكبير : سُئِلَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَقَامِ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ : تَحْتَ المِيزَابِ الَّذِي إِذَا خَرَجْتَ مِنَ البَابِ _ الَّذِي يُقَالُ لَهُ بَابُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ _ بِحِيَالِ البَابِ ، وَالمِيزَابِ فَوْقَكَ ، وَالبَابِ مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِكَ .

فَإِنْ قَدَرْتَ أَنْ تُصَلِّىَ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ مَنَدُوبًا فَافْعَلْ ؛ فَإِنَّهُ لَا يَدْعُو أَحَدٌ هُنَاكَ إِلَّا اسْتَجِيبَ لَهُ . (2) 1476. الخصال عن جابر الأنصارى : الكافى عن العلاء بن المقعد عن الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ مَلَكًا مُوَكَّلًا بِالرُّكْنِ اليمَانِيِّ ، مُنذُ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ لَيْسَ لَهُ هِجِيرٌ إِلَّا التَّأْمِينُ عَلَى دُعَائِكُمْ ، فَلْيَنْظُرْ عَبْدٌ بِمَا يَدْعُو . فَقُلْتُ لَهُ : مَا الهِجِيرُ ؟ فَقَالَ : كَلَامٌ مِنْ كَلَامِ العَرَبِ ، أَى لَيْسَ لَهُ عَمَلٌ . (3) 1475. أنساب الأشراف (_ به نقل از ابو وائل شقيق بن سلمه _) الإمام الصادق عليه السلام _ فى الدُّعَاءِ عِنْدَ الرُّكْنِ اليمَانِيِّ _ : مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَدْعُو بِدُعَائِهِ عِنْدَهُ ، إِلَّا صَعِدَ دُعَاؤُهُ حَتَّى يَلْصِقَ بِالعَرْشِ ، مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ . (4) .

- 1- .السنن الكبرى : ج 5 ص 117 ح 9210 ، كنز العمال : ج 2 ص 105 ح 3358 ، الدر المنثور : ج 1 ص 389 نقلًا عن الشافعى فى الأم وكلها عن ابن عباس وفيه «وعلى عرفات» بدل «وعشية عرفة...» .
- 2- .المزار الكبير : ص 83 ، بحار الأنوار : ج 100 ص 180 ح 45 .
- 3- .الكافى : ج 4 ص 408 ح 12 .
- 4- .الكافى : ج 4 ص 409 ح 15 ، تهذيب الأحكام : ج 5 ص 106 ح 344 كلاهما عن أبي الفرج السندى .

1476. الخصال (به نقل از جابر انصاری) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان محلّهای [استجابت] دعا: دست ها در چند جا [به دعا] بلند می شوند: در نماز، در هنگام دیدن کعبه، در بالای صفا و مروه، در شامگاه عرفه، در جمع، در دو جمره، (1) و برای [نماز] میّت. 1477. الإرشاد عن طلحة بن عميرة: المزار الكبير: از امام صادق علیه السلام درباره مقام جبرئیل علیه السلام سؤال شد. فرمود: «زیرِ ناودان قرار دارد؛ یعنی وقتی از باب معروف به باب فاطمه علیها السلام خارج می شوی، ناودان، بالای سرت و باب، پشت سرت قرار می گیرد.

اگر توانستی در آن مقام، دو رکعت نماز مستحبی بخوانی، این کار را بکن؛ زیرا هر کس در آن جا دعا کند، حتما دعایش مستجاب می شود. 1477. الإرشاد (به نقل از طلحة بن عمیره) (الكافی) به نقل از علاء بن مقعد - امام صادق علیه السلام فرمود: «از زمانی که خداوند، آسمان ها و زمین ها را آفرید، یک فرشته بر رکن یمانی گماشته شد که هجّیری جز آمین گفتن به دعای شما ندارد. پس، بنده باید مواظب باشد که چه دعایی می کند».

گفتم: هجّیر، یعنی چه؟

فرمود: «لفظی از الفاظ عرب است؛ یعنی: کاری جز این ندارد». 1478. حلیة الأولیاء عن عميرة بن سعد: امام صادق علیه السلام - درباره دعا کردن در محل رُکن یمانی: هیچ مؤمنی نیست که در آن جا دعایی بکند، مگر آن که دعایش بالا رود تا به عرش بچسبد، به طوری که میان آن و خداوند، هیچ مانعی نیست. .

1479. المعارف لابن قتيبة (_ في تَرْجَمَةِ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ _) رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ يَتَوَضَّأُ ، ثُمَّ يَسْتَلِمُ الْحَجَرَ ، ثُمَّ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ ، ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَضَعُ يَدَهُ عَلَى بَابِ الْكَعْبَةِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ ، ثُمَّ لَا يَسْأَلُ اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا - أَعْطَاهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ . (1) 1478. حلية الأولياء (_ به نقل از عميرة بن سعد _) عنه صلى الله عليه وآله : ما دَعَا أَحَدٌ بِشَيْءٍ فِي هَذَا الْمَلْتَرَمِ ، إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ . (2) 1479. المعارف ، ابن قتيبة (_ در شرح حال أنس بن مالك _) قرب الإسناد عن علي بن جعفر : رَأَيْتُ أَخِي يَطُوفُ السَّبُوعَيْنِ ، وَالثَّلَاثَةَ يَقْرُنُهَا ، غَيْرَ أَنَّهُ يَقِفُ فِي الْمُسْتَجَارِ (3) ، فَيَدْعُو فِي كُلِّ أُسْبُوعٍ ، وَيَأْتِي الْحَجَرَ فَيَسْتَلِمُهُ ، ثُمَّ يَطُوفُ . (4) 8 / 2 عَرَفَاتٌ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ 1482. شرح نهج البلاغة عن أبي سليمان المؤدّن : رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى تَطَوَّلَ عَلَيْكُمْ فِي جَمْعِكُمْ هَذَا فَوَهَبَ مُسَيِّئِكُمْ لِمُحْسِنِكُمْ ، وَأَعْطَى مُحْسِنِكُمْ مَا سَأَلَ ، ادْفَعُوا بِاسْمِ اللَّهِ . (5) .

- 1- النوادير للأشعري : ص 140 ح 360 ، المقنعة : ص 389 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام والأخير من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 99 ص 14 ح 42 .
- 2- الفردوس : ج 4 ص 94 ح 6292 عن ابن عباس ، كنز العمال : ج 12 ص 220 ح 34758 .
- 3- المستجار : هو الحائط المقابل للباب دون الركن اليماني ، لأنه كان قبل تجديد البيت هو الباب ، سمى بذلك لأنه يستجار عنده بالله من النار (مجمع البحرين : ج 1 ص 338 «جور») .
- 4- قرب الإسناد : ص 241 ح 950 ، بحار الأنوار : ج 99 ص 207 ح 6 .
- 5- سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1006 ح 3024 عن بلال بن رباح ، تاريخ دمشق : ج 44 ص 118 ح 6573 عن ابن عمر ، أسد الغابة : ج 2 ص 367 وفيهما «على بركة الله» بدل «بسم الله» ، الإصابة : ج 2 ص 516 وفيه «وغير لكم ما كان منكم» بدل «ادفعوا بسم الله» وكلاهما عن عبد الرحمن بن عبد الله بن زيد عن أبيه عن جدّه زيد ، كنز العمال : ج 5 ص 63 ح 12062 .

8 / 2 عرفات در روز عرفه

1483. الإرشاد عن أبي سلمان المؤذن عن زيد بن أرقم: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر بنده ای وضو سازد و سپس، حجر [الأسود] را استلام کند و بعد، دو رکعت نماز در مقام ابراهیم بخواند، آن گاه، برگردد و دستش را بر در کعبه بگذارد و حمد خدا را بگوید، هر چه از خدا بخواهد، به او عطا می کند، إن شاء الله! 1480. الأمالی، صدوق (به نقل از ابو هُدبَه) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس در این ملتزم، دعایی نکرد، مگر آن که دعایش مستجاب شد. 1481. نهج البلاغة: قرب الإسناد به نقل از علی بن جعفر: برادرم را دیدم که دو سه هفت بار، پشت سر هم، (1) طواف می کند، منتها هر هفت بار که طواف می کرد، در مُسْتَجَار (2) توقّف می نمود و دعا می کرد و نزد حجر می رفت و استلام می کرد و سپس، طواف می کرد. 8 / 2 عرفات در روز عرفه 1484. المعجم الأوسط عن زاذان: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال، در این جمع شما به شما لطف کرده است. گنهکارتان را به خاطر نیکوکارتان می بخشد و به نیکوکارتان، آنچه درخواست کند، عطا می فرماید. به نام خدا، حرکت کنید.

-
- 1- طواف قرآن یا پیوسته و پشت سر هم، آن است که شخص، هفت بار طواف کند و بدون آن که دو رکعت نماز طواف به جا آورده شود، به هفت بار طواف دوم و سوم، ادامه دهد.
 - 2- در پشت کعبه، دیوار رو به روی در کعبه و پایین تر از رُکن یمانی است. پیش از تجدید بنای کعبه، این جا در کعبه بوده است. «مُسْتَجَار» نامیده شدن آن، از این روست که در آن جا به پیشگاه خداوند از آتش جهنّم، پناه برده می شود.

1485. فضائل الصحابة لابن حنبل عن زاذان أبي عمر عن رجل حالٍ امام عليّ عليه السلام: لَمَّا كَانَ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَبْلَ أَقْبَلِ عَلَى النَّاسِ بِوَجْهِهِ فَقَالَ: مَرَحَبًا بِوَفْدِ اللَّهِ - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - الَّذِينَ إِذَا سَأَلُوا اللَّهَ أَعْطَاهُمْ . (1) 1484. المعجم الأوسط (_ به نقل از زاذان _) الإمام زين العابدين عليه السلام: إِذَا كَانَ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ، يُنَزِّلُ اللَّهُ مَلَائِكَةً إِلَى سَمَاءِ الدُّنْيَا، ثُمَّ يَقُولُ: أَنْظِرُوا إِلَى عِبَادِي أَتُونِي شُعْثًا غُبْرًا، أُرْسَلْتُ إِلَيْهِمْ رَسُولًا فَصَدَّقُوهُ، ثُمَّ قَصَدُونِي فَسَأَلُونِي وَدَعَوْنِي، إِشْهَدُوا أَنَّ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أُجِيبَهُمْ الْيَوْمَ، قَدْ شَفَعْتُ مُحْسِنَهُمْ فِي مُسِيئِهِمْ، وَتَقَبَّلْتُ مِنْ مُحْسِنِهِمْ، فَلْيُفِيضُوا مَغْفُورًا لَهُمْ .

ثُمَّ يَأْمُرُ مَلَائِكِينَ بِالْمَأْزَمِينَ (2)، فَيَقِفُ هَذَا مِنْ هَذَا الْجَانِبِ، وَهَذَا مِنْ هَذَا الْجَانِبِ، يَقُولَانِ: اللَّهُمَّ سَلِّمْ سَلِّمْ، فَمَا يَكَادُ يُرَى صَرِيحًا وَلَا كَسِيرًا . (3) 1485. فضائل الصحابة، ابن حنبل (_ به نقل از زاذان ابو عمر، از مردی كه برايش نقل) الإمام الباقر عليه السلام: مَا أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ يَجِيءُ، يَقُودُ بِأَهْلِهِ وَالنَّاسُ وَقُوفٌ بِعَرَفَاتٍ يَمِينًا وَشِمَالًا، يَأْتِي بِهِمُ الْحَرَجَ فَيَسْأَلُ بِهِمُ اللَّهَ تَعَالَى . (4) 1486. الإمام عليّ عليه السلام: عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا يَقِفُ أَحَدٌ عَلَى تِلْكَ الْجِبَالِ - بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ - إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ؛ فَأَمَّا الْبَرُّ فَيُسْتَجَابُ لَهُ فِي آخِرَتِهِ وَدُنْيَاهُ، وَأَمَّا الْفَاجِرُ فَيُسْتَجَابُ لَهُ فِي دُنْيَاهُ . (5) .

-
- 1- .مسند زيد : ص 221 عن زيد بن عليّ عن أبيه عن جدّه، دعائم الإسلام: ج 1 ص 293 نحوه، بحار الأنوار: ج 99 ص 49 ح 42 وراجع الفردوس: ج 4 ص 161 ح 6502 وكنز العمال: ج 5 ص 141 ح 12391 .
 - 2- .هو موضع بين عرفة والمشعر (مجمع البحرين: ج 1 ص 45 «أزم»).
 - 3- .المقنعة: ص 386، روضة الواعظين: ص 394، المحاسن: ج 1 ص 140 ح 184 عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، النوادر للأشعري: ص 139 ح 358 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 99 ص 254 ح 23 .
 - 4- .علل الشرايع: ص 457 ح 1 عن سيف التمار عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 99 ص 19 ح 67 .
 - 5- .الكافي: ج 4 ص 262 ح 38 عن الحسن بن الجهم عن الإمام الرضا عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 210 ح 2180، قرب الإسناد: ص 376 ح 1330 عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن الإمام الرضا عنه عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 99 ص 251 ح 7 . وراجع: الكافي: ج 4 ص 256 ح 19 وعدّة الداعي: ص 47 .

1487. عنه عليه السلام: امام علی علیه السلام: شامگاه عرفه که شد، پیامبر خدا ایستاد و رو به مردم کرد و فرمود: «درود بر میهمانان خدا (این جمله را سه مرتبه فرمود)؛ آنان که هر گاه از خدا درخواست کنند، خداوند، عطایشان فرماید!». 1488. عنه عليه السلام: امام زین العابدین علیه السلام: چون شامگاه عرفه شود، خداوند، فرشتگانی به آسمان دنیا فرو می فرستد و می فرماید: «بنگرید که این بندگانم ژولیده و غبارآلود، نزد من آمده اند. پیامبری به سویشان فرستادم و او را تصدیق کردند. سپس به سوی من آمدند و از من، درخواست می کنند و مرا می خوانند. گواه باشید که بر من است تا امروز، اجابتشان کنم. گناهکارشان را به واسطه نیکوکارشان بخشیدم و از نیکوکارشان پذیرفتم. پس، بگوچند که آمرزیده شدند».

سپس به دو فرشته در مآزمین (1) دستور دهد و یکی در یک سوی باشد و دیگری در سوی دیگر، و می گویند: «بار خدایا! سلامت بدار، سلامت بدار. پس هیچ زمین خورده و دست و پا شکسته ای دیده نمی شود. (2) 1486. امام علی علیه السلام: امام باقر علیه السلام: هیچ کس برتر از مردی نیست که خانواده اش را بر مرکب می نشاند و در حالی که مردم از چپ و راست در عرفات وقوف کرده اند، آنها را به حج می آورد و با آنها از خداوند متعال مسئلت می کند. 1487. امام علی علیه السلام: امام باقر علیه السلام: هیچ کس، نیک یا بد، در این کوه ها وقوف نکند، مگر آن که خداوند، دعایش را اجابت فرماید. دعای شخص نیک برای دنیا و آخرتش، اجابت می شود و دعای شخص بد برای دنیایش، مستجاب می شود. .

1- مآزمین، مکانی است بین عرفه و مشعر .

2- یعنی: کسی صدمه جانی و بدنی نبیند.

8 / 3 روضة النبي 1490. عنه عليه السلام: الإمام الباقر عليه السلام: كان أبي علي بن الحسين عليه السلام يقف على قبر النبي صلى الله عليه وآله، فيسأل الله عليه، ويشهد له بالبلاغ، ويدعو بما حصّره، ثم يسند ظهره إلى المروة (1) الحضراء الدقيقة العرض مما يلي القبر، ويلتزم بالقبر، ويسند ظهره إلى القبر، ويستقبل القبلة فيقول:

اللهم إليك أوجأت أمري (2)، وإلى قبر محمد عبدك ورسولك أسندت ظهري، والقبلة التي رزيت لمحمد صلى الله عليه وآله استقبلت، اللهم إني أصبحت لا أملك لنفسي خيراً ما أرجو، ولا أدفع عنها شراً ما أهدر عليها، وأصبحت الأموال بيدك، فلا فقير أفقر مني، إني لما أنزلت إلي من خير فقير، اللهم ارددني منك بخير، فإنه لا راد لفضلك، اللهم إني أعوذ بك من أن تبدل اسمي، أو تغير جسمي، أو تزيل نعمتك عني، اللهم كرمني بالتقوى، وجملني بالنعيم، وأغنمني بالعافية، وارزقني شكر العافية (3). 1491. عنه عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: إذا فرغت من الدعاء عند قبر النبي صلى الله عليه وآله فأت المنبر، فامسح به بيدك وحذ برؤسك وهما السفلاوان، وامسح عينيك ووجهك به، فإنه يقال: إنه شفاء العين، وقم عنده فاحمد الله وأثن عليه، وسل حاجتك؛ فإن رسول الله صلى الله عليه وآله قال:

ما بين منبري وبيتي روضة من رياض الجنة، ومنبري على ترعة من ترع الجنة - والترعة هي الباب الصغير - (4).

- 1- المروة: حجر أبيض براق، ومروة المسعى التي تذكر مع الصفا: أحد رأسيه اللذين ينتهي السعى إليهما، سميت بذلك (النهاية: ج 4 ص 323 «مرو»).
- 2- في المصدر: «ظهري»، وما أثبتناه من كامل الزيارات وبحار الأنوار.
- 3- الكافي: ج 4 ص 551 ح 2، كامل الزيارات: ص 52 ح 29 و ص 56 ح 34 كلها عن علي بن جعفر عن أخيه الإمام الكاظم عن أبيه عليهما السلام، المزار للمفيد: ص 175 ح 1 عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 100 ص 153 ح 20.
- 4- الكافي: ج 4 ص 553 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 7 ح 12، كامل الزيارات: ص 50 ح 28 كلها عن معاوية بن عمار، مصباح المتعبد: ص 710 ح 790 من دون إسناد إلى المعصوم وفيهما «منبري وقبري» بدل «منبري وبيتي»، بحار الأنوار: ج 100 ص 151 ح 19.

8 / 3 آرامگاه پیامبر 1489. امام علی علیه السلام (_ در دعا منسوب به ایشان _) امام باقر علیه السلام: پدرم علی بن الحسین علیه السلام کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می ایستاد و بر او سلام می کرد و گواهی می داد که رسالتش را ابلاغ کرد و آنچه به خاطرش می رسید ، دعا می کرد سپس ، پشتش را به تخته سنگ سبزِ نازکی که پایین قبر و چسبیده به آن بود ، تکیه می داد و در حالی که پشت به قبر و رو به قبله بود ، می گفت:

بار خدایا! امور خود را به تو سپردم و به قبر محمد ، بنده ات و فرستاده ات ، تکیه داده ام و به قبله ای که برای محمد صلی الله علیه و آله پسندیدی ، رو کرده ام . بار خدایا! من ، نه می توانم خیری را که بدان امید بسته ام ، به دست آورم و نه توان دفع شرّی را دارم که از آن بیمناکم ؛ بلکه همه امور در دست توست . پس ، هیچ فقیری فقیرتر از من نیست . من نیازمند هر خیری هستم که به سویم فرو فرستی . بار خدایا! مرا از درگاهت با خیر بازگردان ؛ زیرا هیچ چیز نمی تواند مانع فضل تو شود .

بار خدایا! به تو پناه می برم از این که نامم را دگرگون سازی ، یا جسمم را تغییر دهی ، یا نعمت را از من زوال آوری .

بار خدایا! مرا به [خلعت] تقوا ، مفتخر گردان و به نعمت ها آراسته ام بدار و در عافیت و سلامت ، غرقه ام ساز و شکرگزاری از عافیت را روزی ام کن. 1490. امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام: هر گاه از دعا کردن در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله فارغ شدی ، به محلّ منبر برو و آن را مسح کن و دو انارک آن را بگیر که دو دستگیره زیرین اند و چشم ها و صورتت را بر منبر بکش ؛ زیرا گفته می شود که شفافبخش چشم است و کنار منبر بایست و حمد و ثنای خداوند به جا بیاور ، و حاجتت را بخواه ؛ چرا که پیامبر خدا فرمود : «بین منبرم و اتاقم ، باغی از باغ های بهشت است و منبرم بر روی تُرعه ای از تُرعه های بهشت قرار دارد» و تُرعه به معنای دریچه است .

1491. امام على عليه السلام: عنه عليه السلام: إن كانت لك حاجة، فأجعل قبر النبي صلى الله عليه وآله خلف كتفيك، واستقبل القبلة وارفع يديك، وأسأل حاجتك؛ فإنك أحرى أن تقضى إن شاء الله. (1) 1492. امام على عليه السلام: عنه عليه السلام: إذا دخلت المسجد، فإن استطعت أن تقيم ثلاثة أيام، الأربعاء والخميس والجمعة، فصل ما بين القبر والمنبر يوم الأربعاء عند الأستوانة التي تلي القبر، فتدعو الله عندها وتساله كل حاجة تريدها في آخرة أو دنيا.

واليوم الثاني عند أستوانة التوبة، ويوم الجمعة عند مقام النبي صلى الله عليه وآله، مقابل الأستوانة الكثيرة الخلق (2)، فتدعو الله عندهن لكل حاجة، وتصوم تلك الثلاثة الأيام. (3) 1493. امام على عليه السلام: عنه عليه السلام: صم الأربعاء والخميس والجمعة، وصل ليلة الأربعاء ويوم الأربعاء عند الأستوانة التي تلي رأس النبي صلى الله عليه وآله، وليلة الخميس ويوم الخميس عند أستوانة أبي لُبابة، وليلة الجمعة ويوم الجمعة عند الأستوانة التي تلي مقام النبي صلى الله عليه وآله، وادع بهذا الدعاء لحاجتك وهو:

اللهم إني أسألك بعزتك وقوتك وقدرتك، وجميع ما أحاط به علمك، أن تصلي علي محمد وآل محمد، وأن تفعل بي كذا وكذا. (4).

1- الكافي: ج 4 ص 551 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 6 ح 8 وفيه «فإنها أحرى» بدل «فإنك أحرى»، كامل الزيارات: ص 50 ح 27 كلها عن معاوية بن عمّار، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 567 من دون إسناد إلى المعصوم وفيه «فإنك حرى أن تقضى لك»، بحار الأنوار: ج 100 ص 151 ح 17.

2- الخلق: هو طيب معروف مرگب، يتخذ من الزعفران وغيره من أنواع الطيب، وتغلب عليه الحمرة والصفرة (النهاية: ج 2 ص 71 «خلق»).

3- الكافي: ج 4 ص 558 ح 4 عن الحلبي، بحار الأنوار: ج 100 ص 147 ح 6.

4- الكافي: ج 4 ص 558 ح 5 عن معاوية بن عمّار، بحار الأنوار: ج 100 ص 147 ح 7.

1494. عنه عليه السلام: امام صادق عليه السلام: اگر حاجتی داشتی، پشت به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و رو به قبله بایست و دو دستت را به آسمان بردار و حاجتت را بخواه، که در این صورت، سزاوارتری تا به خواست خدا، حاجتت برآورده گردد. 1495. عنه عليه السلام: امام صادق عليه السلام: هر گاه به مسجد [پیامبر صلی الله علیه و آله] در آمدی، اگر توانستی سه روز: چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را بمان و روز چهارشنبه، کنار ستون نزدیک قبر، نماز بخوان در آن جا به درگاه خدا دعا کن و هر حاجتی که برای آخرت یا دنیایت می خواهی، از او مسئلت نما.

روز دوم، کنار ستون توبه، و روز جمعه در مقام پیامبر صلی الله علیه و آله مقابل ستونِ عطر آگین، نماز بخوان و در کنار هر یک از آنها، برای هر حاجتی دعا کن، و هر سه روز را روزه بگیر. 1496. الإمام علیّ علیه السلام (_ مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ يَوْمَ الْجَمَلِ ، بَعْدَ أَنْ حَمَّ) امام صادق عليه السلام: چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بدار و شبِ چهارشنبه و روز چهارشنبه، کنار ستون بالا سرِ پیامبر صلی الله علیه و آله ، و شبِ پنجشنبه و روز پنجشنبه، کنار ستون ابولبابه، و شبِ جمعه و روز جمعه، کنار ستون نزدیک مقام پیامبر صلی الله علیه و آله نماز بخوان و برای حاجت این دعا را بخوان:

بار خدایا! به عزّت و نیرو و توانایی ات و به هر آنچه علم تو بدان احاطه دارد، از تو درخواست می کنم که بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستی و فلان و بهمان حاجت مرا برآوری. .

راجع: ص 724 (استجابة دعاء شيخ من آل سعد ليرد مظلمته).

8 / 4 مشاهد الأئمة من أهل البيت عليهم السلام 1497. عنه عليه السلام: تهذيب الأحكام عن عثمان بن سعيد عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام: إن إلى جانب كوفان قبرا، ما أتاها مكروب قط فصلى عنده ركعتين أو أربع ركعات، إلا نفس الله عنه كربتة، وقضى حاجته. قال: قلت: قبر الحسين بن عليّ عليهما السلام؟

فقال لي برأسه: لا. فقلت: فقبر أمير المؤمنين عليه السلام؟

قال برأسه: نعم. (1) 1497. امام علي عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: إذا زرت جانب النجف، فزر عظام آدم، ويبدن نوح، وجسم عليّ بن أبي طالب عليه السلام؛ فإنك زائر الآباء الأولين، ومحمدا خاتم النبيين، وعليها بيد الوصيين، وإن زائرته تفتح له أبواب السماء عند دعوته؛ فلا تكن عن الخير نؤاما. (2).

-
- 1- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 35 ح 73، فرحة الغرى: ص 69 عن داوود بن فرقد، بحار الأنوار: ج 100 ص 259 ح 8.
 - 2- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 23 ح 51، المزار للمفيد: ص 22 ح 3، كامل الزيارات: ص 91 ح 91، مصباح الزائر: ص 118 كلها عن المفضل بن عمر الجعفي، بحار الأنوار: ج 100 ص 258 ح 4.

8 / 4 آرامگاه های امامان از اهل بیت

ر. ک: ص 725 (مستجاب شدن دعای پیری از خاندان سعد برای بازگرفتن حَقِّش).

8 / 4 آرامگاه های امامان از اهل بیت 1499. الفتوح (_ در یادکرد از علی علیه السلام پس از آن که بارها) تهذیب الأحكام_ به نقل از عثمان بن سعید ، از مردی ، از امام صادق علیه السلام _: در کنار کوفه ، قبری است که هیچ دردمندی به نزد آن نرفت و دو یا چهار رکعت نماز نخواند مگر آن که خداوند از او رفع گرفتاری کرد و حاجتش را برآورد . راوی گوید : عرض کردم : قبر حسین بن علی علیه السلام ؟ حضرت با سرش به من اشاره کرد که : نه . عرض کردم : پس ، قبر امیر المؤمنین علیه السلام ؟ حضرت با سرش اشاره کرد که : آری . 1500. الإمام علیّ علیه السلام : امام صادق علیه السلام : هر گاه کنار نجف را زیارت کردی ، استخوانهای آدم و بدن نوح و پیکر علی بن ابی طالب علیه السلام را زیارت کن ، که با این کار پدران نخستین ، و محمد خاتم پیامبران و علی سرور اوصیاء را زیارت کرده ای ، و برای زائر او ، در هنگام دعا ، درهای آسمان گشوده می شود . پس ، از خیر غافل مباش .

1501. عنه عليه السلام (_ فِي طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرِ _) عنه عليه السلام : إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لَتُفْتَحُ عِنْدَ دُعَاءِ الزَّائِرِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ؛ فَلَا تَكُنْ عَنِ الْخَيْرِ نَوَامًا . (1) 1502. عنه عليه السلام : المزار عن شعيب العقرقوفى عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : قُلْتُ لَهُ : مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ _ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ _ مَا لَهُ مِنَ الثَّوَابِ وَالْأَجْرِ جُعِلَتْ فِدَاكَ ؟

قال : يَا شُعَيْبُ ، مَا صَلَّى عِنْدَهُ أَحَدٌ صَدَّ لَهْ إِلَّا قَبِلَهَا اللَّهُ مِنْهُ ، وَلَا دَعَا عِنْدَهُ أَحَدٌ دَعْوَةً إِلَّا اسْتُجِيبَتْ لَهُ عَاجِلَةً وَآجِلَةً . (2) 1503. عنه عليه السلام (_ فِي طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرِ _) ثواب الأعمال عن بشير الدهان عن الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ الرَّجُلَ لَيَخْرُجُ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَلَهُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ بِأَوَّلِ خُطْوَةٍ مَغْفِرَةٌ لِذُنُوبِهِ ، ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَقْدَسُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَتَّى يَأْتِيَهُ ، فَإِذَا أَتَاهُ نَاجَاهُ اللَّهُ ، فَقَالَ :

عَبْدِي سَلَنِي أُعْطِكَ ، ادْعُنِي أُجِبَكَ ، اطْلُبْ مِنِّي أُعْطِكَ ، سَلَنِي حَاجَتَكَ أَقْضِيهَا لَكَ .

قال أبو عبد الله عليه السلام : وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعْطِيَ مَا بَدَلَ . (3) 1500. امام على عليه السلام : الإمام الباقر عليه السلام : إِنَّ وِلَايَتَنَا عُرِضَتْ عَلَى أَهْلِ الْأَمْصَارِ فَلَمْ يَقْبَلْهَا قَبُولَ أَهْلِ الْكُوفَةِ بِشَيْءٍ ، وَذَلِكَ أَنَّ قَبْرَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهِ ، وَأَنَّ إِلَى لِزْقِهِ لَقَبْرًا آخَرَ _ يَعْنِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ _ وَمَا مِنْ آتٍ يَأْتِيهِ فَيَصَدِّ لِي عِنْدَهُ رَكَعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعًا ، ثُمَّ يَسْأَلُ اللَّهَ حَاجَتَهُ إِلَّا قَضَاهَا لَهُ ، وَأَنَّهُ لَتَحْفُهُ كُلَّ يَوْمٍ أَلْفَ مَلَكٍ . (4) .

1- المقنعة : ص 462 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 3 ص 317 ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ص 40 وليس فيه «فلا تكن عن الخير نوامًا» .

2- المزار للمفيد : ص 135 ح 4 ، كامل الزيارات : ص 435 ح 668 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 83 ح 9 .

3- ثواب الأعمال : ص 117 ح 32 ، المزار للمفيد : ص 31 ح 2 ، كامل الزيارات : ص 253 ح 379 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 24 ح 21 .

4- ثواب الأعمال : ص 114 ح 20 عن أبي النمير ، كامل الزيارات : ص 313 ح 530 عن محمد بن علي الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 101 ص 140 ح 1 .

1501. امام علی علیه السلام (_ درباره طلحه و زبیر _) امام صادق علیه السلام: درهای آسمان در هنگام دعای زائر امیر المؤمنین علیه السلام گشوده می شود . پس ، از خیر غافل مباش. 1502. امام علی علیه السلام: المزار _ به نقل از شعیب عقرقوفی _ شعیب گفت : به امام [صادق] علیه السلام گفتم : فدایت شوم ! برای کسی که به زیارت قبر حسین _ که دروهای خداوند بر او باد _ برود ، چه پاداش و مزدی است؟

فرمود : «ای شعیب ! هیچ کس نزد آن نمازی نخواستد ، مگر آن که خداوند ، آن را از او بپذیرد و هیچ کس نزد آن دعایی نکرد ، مگر آن که دیر یا زود (/ در دنیا و آخرت) دعایش مستجاب شود. 1503. امام علی علیه السلام (_ درباره طلحه و زبیر _) ثواب الأعمال _ به نقل از بشیر دهان _ : امام [صادق] علیه السلام فرمود : «هر کس برای زیارت قبر حسین علیه السلام خارج شود ، هنگامی که از خانه اش بیرون شد ، برای هر گامی یک گناهِش آمرزیده می شود و پیوسته با هر گامی که برمی دارد ، پاک تر می شود تا به آن جا برسد و چون به آرامگاه رسید ، خداوند ، نجواکنان به او می گوید: بنده من! از من بخواه تا عطایت کنم ، مرا بخوان تا اجابت کنم ، از من بطلب تا به تو بدهم ، حاجتت را از من بخواه تا برایت برآورم .

و بر خداست که آنچه را بخشیده است ، عطا کند». 1504. مجابو الدعوة لابن ابي الدنيا عن ابي بشير الشيبان امام باقر علیه السلام: ولایت ما بر مردمان شهرها عرضه شد ؛ اما هیچ یک از آنها به مانند مردم کوفه ، آن را نپذیرفتند . دلیلش هم آن است که قبر علی علیه السلام در آن است و در کنار آن ، قبر دیگری (یعنی قبر حسین علیه السلام) است و هیچ کس نیست که به نزد این قبر برود و دو یا چهار رکعت نماز بخواند ، سپس حاجتش را از خدا بخواهد ، مگر آن که حاجتش را برآورده سازد . هر روز ، هزار فرشته این قبر را در میان می گیرند . .

1505. الجمل (_ فى خروج عثمان بن حنيف من حبس البصر) الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عَوَّضَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامَ مِنْ قَتْلِهِ أَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ ، وَالشِّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ ، وَإِجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ ، وَلَا تُعَدُّ أَيَّامُ زَائِرِيهِ جَانِبًا وَرَاجِعًا مِنْ عُمْرِهِ .
 (1) 1506. شرح الأخبار عن رجل من أهل البصرة : تهذيب الأحكام عن عبد الله بن الفضل الهاشمي : كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ ، فَدَخَلَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ طُوسٍ ، فَقَالَ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ؟

فَقَالَ لَهُ : يَا طُوسِيُّ ، مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ مِنْ قَبْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ عَلَى الْعِبَادِ ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ ، وَقَبِلَ شَفَاعَتَهُ فِي خَمْسِينَ مِائَةً ، وَلَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَةً عِنْدَ قَبْرِهِ إِلَّا قَضَاهَا لَهُ .
 (2) 1504. مجابو الدعوة ، ابن ابى دنيا (_ به نقل از ابو بشير شيبانى _) الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلَّهِ وَفِي اللَّهِ ، أَعْتَمَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ ، وَأَمَنَهُ يَوْمَ الْفَرَجِ الْأَكْبَرِ ، وَلَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ تَعَالَى حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا أَعْطَاهُ . (3) 1505. الجمل (_ دربارہ خارج شدن عثمان بن حنيف از زندان بصرہ _) عدّة الداعي : زُوِيَ أَنَّ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامَ أَصَابَهُ وَجَعٌ ، فَأَمَرَ مَنْ عِنْدَهُ أَنْ يَسْتَأْجِرُوا لَهُ أَجِيرًا يَدْعُو لَهُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامَ ، فَخَرَجَ رَجُلٌ مِنْ مَوَالِيهِ فَوَجَدَ آخَرَ عَلَى الْبَابِ ، فَحَكَى لَهُ مَا أَمَرَ بِهِ ، فَقَالَ الرَّجُلُ : أَنَا أَمْضِي ، لَكِنَّ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامَ إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ ، وَهُوَ أَيْضًا إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ ، فَكَيْفَ ذَلِكَ ؟ فَرَجَعَ إِلَى مَوْلَاهُ وَعَرَفَهُ قَوْلَهُ ، فَقَالَ :

هُوَ كَمَا قَالَ ، لَكِنَّ مَا عَرَفَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى بِقَاعًا يُسْتَجَابُ فِيهَا الدُّعَاءُ ، فَتِلْكَ الْبُقْعَةُ مِنْ تِلْكَ الْبِقَاعِ . (4) .

-
- 1- .الأمالى للطوسى : ص 317 ح 644 ، بشارة المصطفى : ص 211 ، إعلام الورى : ج 1 ص 431 كلها عن محمد بن مسلم ، عدّة الداعي : ص 48 نحوه ، بحار الأنوار : ج 101 ص 69 ح 2 .
 - 2- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 108 ح 191 ، الأمالى للصدوق : ص 684 ح 938 وفيه «سبعين» بدل «خمسين» ، بحار الأنوار : ج 101 ص 23 ح 15 .
 - 3- .كامل الزيارات : ص 276 ح 430 عن حذيفة بن منصور ، بحار الأنوار : ج 101 ص 20 ح 9 .
 - 4- .عدّة الداعي : ص 48 .

1506. شرح الأخبار (_ به نقل از مردی از اهالی بصره _) امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام : خداوند متعال ، عوض کشته شدن حسین علیه السلام را این برایش قرار داد که امامت را در نسل او نهاد و شفا را در تربتش و مستجاب شدن دعا را در کنار قبرش . روزهای رفت و برگشت زائران او ، از عمر آنان به شمار نمی آید. 1507. شرح الأخبار عن الأصبع بن نباتة : تهذیب الأحكام _ به نقل از عبد الله بن فضل هاشمی _ : نزد ابو عبدالله امام صادق علیه السلام بودم که مردی از اهالی توس وارد شد و گفت : ای پسر پیامبر خدا! برای کسی که قبر ابا عبد الله حسین بن علی علیه السلام را زیارت کند ، چه پاداشی است؟

به او فرمود : «ای مرد طوسی ! هر کس قبر ابا عبد الله حسین بن علی علیه السلام را زیارت کند ، در حالی که بداند او امام منصوب از جانب خداوند عز و جل است و اطاعت از او بر بندگان واجب است ، خداوند ، گناهان قبل و بعد او را می آمرزد ، و شفاعتش را در حق پنجاه گنهکار می پذیرد و هیچ حاجتی در نزد قبر او از خداوند عز و جل نخواهد ، مگر آن که حاجتش را برآورده می سازد. 1508. الإمام علی علیه السلام : امام صادق علیه السلام : هر کس به خاطر خدا و در راه خدا ، قبر حسین علیه السلام را زیارت کند ، خداوند ، او را از آتش دوزخ می رهاآند و در آن هولناک ترین روز (قیامت) او را در امن و امان می دارد و هر حاجتی از حوایج دنیا و آخرت که از خدا بخواهد ، به او عطا می کند. 1507. شرح الأخبار (_ به نقل از اصبع بن نباتة _) (عده الداعی : روایت شده است که امام صادق علیه السلام به دردی مبتلا شد . پس دستور داد که از مال او شخصی را اجیر کنند تا نزد قبر حسین علیه السلام برایش دعا کند . مردی از غلامان ایشان بیرون رفت . دم در ، مرد دیگری را دید و برایش گفت که امام علیه السلام به او چه دستور داده است . آن مرد گفت : من می روم ؛ اما حسین علیه السلام امام مفترض الطاعه است و خود ایشان نیز امام مفترض الطاعه است . این ، چگونه است؟

غلام ، نزد آقایش بازگشت و سخن آن مرد را برای امام علیه السلام بازگفت . ایشان فرمود : «درست است ؛ اما او نمی داند که خداوند متعال را مکان هایی است که در

آن جاها ، دعا مستجاب می شود و آن مکان (قبر حسین علیه السلام) یکی از این مکان هاست . .

1508. امام على عليه السلام: الإمام الهادي عليه السلام: إِنَّ لِلَّهِ مَوَاطِنَ يُحِبُّ أَنْ يُدْعَى فِيهَا فَيَجِيبَ ، وَإِنَّ حَائِرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ تِلْكَ الْمَوَاطِنِ . (1) 1509. عنه عليه السلام: كامل الزيارات عن أبي هاشم الجعفرى: بَعَثَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ [الهادى] عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَرَضِهِ ، وَإِلَى مُحَمَّدِ بْنِ حَمَزَةَ ، فَسَبَقَنِي إِلَيْهِ مُحَمَّدُ بْنُ حَمَزَةَ ، فَأَخْبَرَنِي أَنَّهُ مَا زَالَ يَقُولُ: اِبْعَثُوا إِلَى الْحَائِرِ . فَقُلْتُ لِمُحَمَّدٍ: أَلَا قُلْتَ لَهُ: أَنَا أَذْهَبُ إِلَى الْحَائِرِ! ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَيْهِ ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَنَا أَذْهَبُ إِلَى الْحَائِرِ . فَقَالَ: أَنْظِرُوا فِي ذَلِكَ ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ مُحَمَّدًا لَيْسَ لَهُ سِدْرٌ مِنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَأَنَا أَكْرَهُ أَنْ يَسْمَعَ ذَلِكَ ، قَالَ: فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِعَلِيِّ بْنِ بِلَالٍ ، فَقَالَ: مَا كَانَ يَصْنَعُ بِالْحَائِرِ وَهُوَ الْحَائِرُ؟

فَقَدِمْتُ الْعَسْكَرَ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ ، فَقَالَ لِي: اِجْلِسْ - حِينَ أَرَدْتُ الْقِيَامَ - فَلَمَّا رَأَيْتُهُ أَنَسَ بِي ، ذَكَرْتُ قَوْلَ عَلِيِّ بْنِ بِلَالٍ ، فَقَالَ لِي:

أَلَا- قُلْتَ لَهُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَيُقَبِّلُ الْحَجَرَ ، وَحُرْمَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْمُؤْمِنِ اعْظَمُ مِنْ حُرْمَةِ الْبَيْتِ! وَأَمْرَهُ اللَّهُ أَنْ يَقِفَ بِعَرْقَةِ ، إِنَّمَا هِيَ مَوَاطِنٌ يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا ، فَأَنَا أَحِبُّ أَنْ يُدْعَى لِي حَيْثُ يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُدْعَى فِيهَا ، وَالْحَائِرُ مِنْ تِلْكَ الْمَوَاطِنِ . (2) 1510. عنه عليه السلام: الإمام الهادي عليه السلام: مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ ، فَلْيَزُرْ قَبْرَ جَدِّي الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِطُوسٍ وَهُوَ عَلَى غُسْلِ ، وَلْيُصَلِّ عِنْدَ رَأْسِهِ رَكَعَتَيْنِ ، وَلْيَسْأَلِ اللَّهَ حَاجَتَهُ فِي قُنُوتِهِ ؛ فَإِنَّهُ يَسْتَجِيبُ لَهُ مَا لَمْ يَسْأَلْ فِي مَاثِمٍ أَوْ قَطِيعَةٍ رَحِمَ ، وَإِنَّ مَوْضِعَ قَبْرِهِ لَبُقْعَةٌ مِنْ بَقَاعِ الْجَنَّةِ ، لَا يَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أَعْتَقَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ وَأَحَلَّهُ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ . (3) .

- 1- المزار للمفيد: ص 209 ح 2 ، المزار الكبير: ص 595 ح 2 ، تحف العقول: ص 482 نحوه ، بحار الأنوار: ج 102 ص 257 ح 4 .
- 2- كامل الزيارات: ص 458 ح 697 ، الكافي: ج 4 ص 567 ح 3 نحوه ، بحار الأنوار: ج 101 ص 112 ح 32 .
- 3- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 262 ح 32 ، الأمالي للصدوق: ص 684 ح 939 كلاهما عن الصقر بن دلف ، بحار الأنوار: ج 102 ص 49 ح 4 .

1511. شرح الأخبار: امام هادی علیه السلام: اماکنی هست که خدا دوست دارد در آنها به درگاهش دعا شود تا اجابت کند و حائر حسین علیه السلام یکی از این اماکن است. 1512. الإمام علیّ علیه السلام: کامل الزیارات: ابو هاشم جعفری می گوید: امام هادی علیه السلام در بیماری اش در پی من و محمد بن حمزه فرستاد. محمد بن حمزه، زودتر از من، نزد امام علیه السلام رسیده بود. او به من گفت که امام علیه السلام پیوسته می فرمود: «به حائر (کربلا) بفرستید».

من به محمد گفتم: به ایشان نگفتی که خودم به حائر می روم؟

سپس نزد امام علیه السلام رفتم و گفتم: فدایت شوم! من به حائر می روم. فرمود: «مراقب باشید [و در رفتن، احتیاط کنید]». سپس فرمود: «محمد، با زید بن علی، رابطه پنهانی ندارد. البته دوست ندارم این را بشنود».

محمد بن حمزه می گوید: من، این موضوع را [که امام علیه السلام خواست تا برای طلب شفای ایشان به حائر بروم] به علی بن بلال گفتم

او گفت: چه نیازی به حائر دارد؟ او خودش حائر است.

پس، به عسکر (سامرا) بازگشتم و نزد امام علیه السلام رفتم. چون خواستم برخیزم، فرمود: «بنشین».

وقتی انس امام علیه السلام را به خودم دیدم، سخن علی بن بلال را بازگو کردم. «فرمود: مگر به او نگفتی که پیامبر خدا هم کعبه را طواف می کرد و حجر را می بوسید، در حالی که حرمت پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمن، بالاتر از حرمت کعبه است و نیز خدا به او دستور داد که در عرفة وقوف کند؟ اینها جاهایی هستند که خدا دوست دارد نامش در آنها برده شود. من هم دوست دارم در جایی که خدا دوست می دارد به درگاهش دعا شود، برایم دعا شود و حائر، یکی از آن جاهاست». 1513. وقعة صفین: امام هادی علیه السلام: هر کس به خداوند حاجتی داشت، غسل کند و به زیارت جدم رضا علیه السلام در توس برود و بالاسر آن حضرت دو رکعت نماز بگذارد و در قنوتش حاجت خود را از خداوند بخواهد، حاجتش را، در صورتی که درخواست گناه یا بُریدن پیوند خویشاوندی نباشد، برآورده خواهد ساخت. محل قبر آن امام، قطعه ای از خاک بهشت است و هیچ مؤمنی آن را زیارت نمی کند، جز آن که خداوند، او را از آتش دوزخ آزاد می سازد و در سرای جاودانی جایش می دهد.

1509. امام على عليه السلام: الإمام الرضا عليه السلام: لا تُشدُّ الرَّحَالُ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْقُبُورِ إِلَّا إِلَى قُبُورِنَا، أَلَا وَإِنِّي لَمَقْتُولٌ بِالسَّمِّ ظُلْمًا، وَمَدْفُونٌ فِي مَوْضِعٍ غُرْبَةٍ؛ فَمَنْ شَدَّ رَحْلَهُ إِلَى زِيَارَتِي، اسْتَجِيبَ دُعَاؤُهُ، وَغُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ. (1) 8 / 5 مَسْجِدُ الْكُوفَةِ 1512. امام على عليه السلام: الإمام على عليه السلام_ في فَضْلِ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ_ : ما دَعَا فِيهِ مَكْرُوبٌ بِمَسْأَلَةٍ فِي حَاجَةٍ مِنَ الْحَوَائِجِ، إِلَّا أَجَابَهُ اللَّهُ، وَفَرَّجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ. (2) راجع : الكافي : ج 3 ص 490 (باب فضل المسجد الأعظم بالكوفة) .

8 / 6 مَسْجِدُ السَّهْلَةِ 1516. الإمام على عليه السلام (_ في دُعَائِهِ عَلَى عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ _) الإمام الصادق عليه السلام_ في فَضْلِ مَسْجِدِ السَّهْلَةِ_ : ما أَتَاهُ مَكْرُوبٌ قَطُّ فَصَلَّى فِيهِ بَيْنَ الْعِشَاءِ يَنْوِذُ اللَّهُ، إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ. (3) .

-
- 1- الخصال : ص 144 ح 167 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 255 ح 1 كلاهما عن ياسر الخادم ، بحار الأنوار : ج 102 ص 36 ح 21 .
 - 2- الكافي : ج 3 ص 492 ح 2 ، كامل الزيارات : ص 81 ح 76 كلاهما عن إسماعيل بن زيد مولى عبد الله بن يحيى الكاهلي ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 251 ح 689 عن عبد الله بن يحيى الكاهلي وكلها عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 100 ص 404 ح 59 .
 - 3- الكافي : ج 3 ص 495 ح 3، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 252 ح 693 كلاهما عن عبد الرحمن بن سعيد الخزاز ، المزار للمفيد : ص 14 ح 3 نحوه ، قصص الأنبياء : ص 80 ح 62 عن عمّار اليقظان ، بحار الأنوار : ج 46 ص 182 ح 45 .

8 / 5 مسجد کوفه**8 / 6 مسجد سهله**

1517. الاستيعاب: امام رضا عليه السلام: بار سفر به سوی هیچ قبوری نباید بست ، جز برای زیارت قبور ما . بدانید که من با زهر ستم ، کشته خواهم شد و در خاک غربت ، دفن خواهم شد . پس ، هر که برای زیارت من بار سفر بریندد ، دعایش مستجاب و گناهایش آمرزیده می شود. 8 / 5 مسجد کوفه 1514. المصنّف ، ابن ابی شیبۀ (_ به نقل از عبدالرحمان بن مغفل _) امام علی علیه السلام _ در فضیلت مسجد کوفه _ : هیچ دردمندی در آن برای حاجتی از حوایج دعا نکرد ، مگر آن که خداوند ، اجابتش کرد و غم و دردش را زدود. ر . ک : الکافی : ج 3 ص 490 (باب فضیلت مسجد أعظم کوفه) .

8 / 6 مسجد سهله 1518. امام علی علیه السلام (_ به مروان بن حکم _) امام صادق علیه السلام _ در فضیلت مسجد سهله _ : هیچ غمزده ای به این مسجد نرفت و بین نماز مغرب و عشا در آن نماز نخواند و دعا نکرد ، مگر آن که خداوند ، غمش را از بین بُرد.

1519. الغارات: المزار الكبير عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: قال لى: يا أبا مُحَمَّدٍ، كَأَنى أرى نُزولَ القائمِ عليه السلام فى مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَعِيَالِهِ... وما صَدَّ لى فىهِ أَحَدٌ فَدَعَا اللهُ بِنَيْتِهِ صَادِقَةً إِلَّا صَرَفَهُ اللهُ بِقَضَاءِ حَاجَتِهِ، وما مِن أَحَدٍ اسْتَجَارَهُ إِلَّا أَجَارَهُ اللهُ مِمَّا يَخَافُ، قُلْتُ: هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ.

قال: أَنْزَيْدُكَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قال: هُوَ مِنَ الْبِقَاعِ الَّتى أَحَبَّ اللهُ أَنْ يَدْعى فىها. (1) 1520. الإمام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: إذا دَخَلْتَ الكوفةَ فَاتِ مَسْجِدَ السَّهْلَةِ، فَصَلِّ فىهِ وَاسأَلِ اللهُ حَاجَتَكَ لِديْنِكَ وَدُنْيَاكَ؛ فَإِنَّ مَسْجِدَ السَّهْلَةِ بَيْتُ إِدْرِيسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذى كانَ يَخِيطُ فىهِ وَيُصَدِّ لى فىهِ، وَمَنْ دَعَا اللهُ فىهِ بِما أَحَبَّ، قَضَى لَهُ حَوائِجَهُ، وَرَفَعَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ مَكَاناً عَلِيًّا إلى دَرَجَةِ إِدْرِيسَ، وَأَجِيرَ مِنْ مَكْرُوهِ الدُّنْيا وَمَكائِدِ أَعْدائِهِ. (2) راجع: الكافي: ج 3 ص 494 (باب مسجد السهلة).

8 / 7 قُبُورُ الوالِدَيْنِ 1521. الإرشاد (_ به نقل از وليد بن حارث و جز او، از رجالشان _) الإمام على عليه السلام: زوروا مَوْتائِكُمْ؛ فَإِنَّهُمْ يَفْرَحُونَ بِزِيارتِكُمْ، وَلَيَطْلُبُ أَحَدُكُمْ حَاجَتَهُ عِنْدَ قَبْرِ أَبِيهِ وَعِنْدَ قَبْرِ أُمِّهِ، بِما (3) يَدْعُو لَهُما. (4).

1- المزار الكبير: ص 134 ح 7، بحار الأنوار: ج 100 ص 436 ح 7.

2- قصص الأنبياء: ص 80 ح 64 عن إسماعيل بن مهران، بحار الأنوار: ج 100 ص 434 ح 1.

3- كذا، وفى الخصال: «بعدهما» بدل «بما».

4- الكافي: ج 3 ص 230 ح 10 عن المفضل بن عمر ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال: ص 618 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آباءه عنه عليهم السلام، تحف العقول: ص 106 نحوه.

8 / 7 قبور پدر و مادر

1522. مروج الذهب: المزار الكبير_ به نقل از ابو بصیر_ امام [صادق] علیه السلام به من فرمود: «ای ابا محمد! گویا قائم علیه السلام را می بینم که با اهل و عیالش در مسجد سهله فرود آمده اند... هیچ کس در این مسجد نماز نخواند و با یت خالص دعا نکرد، مگر آن که خداوند، او را با برآورده شدن حاجتش برگرداند و هیچ کس به آن پناه نبرد، مگر آن که خداوند، او را از آنچه می ترسد، پناهش داد».

من گفتم: چه فضیلتی!

فرمود: «باز هم برایت بگویم؟».

گفتم: آری.

فرمود: «این مسجد، از آن جاهایی است که خدا دوست دارد در آنها به درگاهش دعا شود». 1523. الإمام الباقر علیه السلام: امام صادق علیه السلام: هر گاه وارد کوفه شدی، به مسجد سهله برو و در آن، نماز بخوان و برای دین و دنیایت از خداوند، طلب حاجت کن؛ زیرا مسجد سهله، خانه ادریس علیه السلام بوده که در آن، خیطاطی می کرده و نماز می خوانده است. هر کس در آن جا آنچه دوست دارد از خدا درخواست کند، خداوند، حاجت هایش را برآورده می سازد و در روز قیامت، او را جایگاهی بلند تا درجه ادریس، عطا می فرماید و از ناخوشایندهای دنیا و دسیسه های دشمنانش در امان می ماند. ر. ک: الکافی: ج 3 ص 494 (باب مسجد سهله).

8 / 7 قبور پدر و مادر 1524. امام علی علیه السلام (_ از سخنان ایشان به بُرج بن مُسهر طایی که از خوا) امام علی علیه السلام: به زیارت مردگانتان بروید؛ چرا که آنها از دیدار شما شاد می شوند. هر یک از شما نزد قبر پدرش و مادرش برای آنها دعا کند و حاجت خویش را [از خداوند] بطلبد.

البَابُ التَّاسِعُ : إرشادات في تصحيح الأدعية 9 / 1 اللهم أرني الدنيا كما تراها 1528. المصنّف لعبد الرزّاق عن عبيدة : الدعاء عن أبي الغصين الطائي : إنّ النّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَمَا هُوَ يُصَلِّي فَسَمِعَ رَجُلًا مِنْ خَلْفِهِ وَهُوَ يُصَلِّي ، وَهُوَ يَقُولُ : اللَّهُمَّ أَرِنِي الدُّنْيَا كَمَا تَرَاهَا . فَلَمَّا انصَدَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : مَنْ صَاحِبُ الدَّعْوَةِ ؟ قَالَ الرَّجُلُ : أَنَا . قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ اللَّهَ لَا يَرَى الدُّنْيَا كَالَّذِي تَرَاهَا ، فَإِذَا كُنْتَ سَائِلًا فَتَقَلَّ ل : اللَّهُمَّ أَرِنِي الدُّنْيَا كَالَّذِي يَرَاهَا صَالِحُو عِبَادِكَ . (1) 9 / 2 اللهم لا تحوجني إلى أحدٍ من خلقك 1528. المصنّف ، عبد الرزاق (_ به نقل از عبیده _) الإمام عليّ عليه السلام : قُلْتُ : اللَّهُمَّ لَا تُحَوِّجْنِي إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

يَا عَلِيُّ لَا تَقُولَنَّ هَكَذَا ، فَلَيْسَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَهُوَ مُحْتَاجٌ إِلَى النَّاسِ .

فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَمَا أَقُولُ ؟ قَالَ : قُلْ : اللَّهُمَّ لَا تُحَوِّجْنِي إِلَى شِرَارِ خَلْقِكَ .

قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَمَنْ شِرَارُ خَلْقِهِ ؟ قَالَ : الَّذِينَ إِذَا أُعْطُوا مَنّوا (2) ، وَإِذَا مَنَعُوا عَابُوا . (3) .

1- الدعاء لمحمد بن فضيل الضبي : ص 18 ح 2 ، إحياء علوم الدين : ج 4 ص 317 نحوه .

2- في بحار الأنوار : «إذا أعطوا منعوا» .

3- تنبيه الخواطر : ج 1 ص 39 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 325 ح 6 وراجع تحف العقول : ص 293 ومشكاة الأنوار : ص 233 ح 665 .

باب نهم : رهنمودهایی درباره درست خواندن دعاها

9 / 1 بار خدایا! دنیا را چنان که خود می بینی ، به من بنمایان

9 / 2 بار خدایا! مرا نیازمند احدی از خَلقت مگردان

باب نهم : رهنمودهایی درباره درست خواندن دعاها 9 / 1 بار خدایا! دنیا را چنان که خود می بینی ، به من بنمایان 1532. الإمام الحسین علیه السلام: الدعاء به نقل از أبو الغصین طایی: _ پیامبر صلی الله علیه و آله نماز می خواند که شنید مردی پشت سرش نماز می خواند و می گوید : بار خدایا ! دنیا را چنان که خود می بینی ، به من بنمایان . چون پیامبر صلی الله علیه و آله نمازش را تمام کرد ، فرمود : «چه کسی بود دعا می کرد؟» . مرد گفت : من .

فرمود : «خداوند ، دنیا را آن گونه نمی بیند که تو آن را می بینی . پس ، هر گاه خواستی درخواست کنی ، بگو : بار خدایا ! دنیا را آن گونه که بندگان شایسته ات می بینند ، به من بنمایان» . 9 / 2 بار خدایا! مرا نیازمند احدی از خَلقت مگردان 1530. امام علی علیه السلام: امام علی علیه السلام: «من گفتم : بار خدایا ! مرا محتاج احدی از خَلقت مگردان .

پیامبر خدا فرمود : «ای علی ! چنین مگو ؛ زیرا هیچ کس نیست ، مگر آن که به مردم نیازمند است» .

گفتم : پس چه بگویم ، ای پیامبر خدا؟

فرمود : «بگو : بار خدایا ! مرا نیازمند بدان از خلقت ، قرار مده» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! بدان خلق او چه کسانی هستند؟

فرمود : «کسانی که هر گاه دهند ، منت نهند و هر گاه ندهند ، بد گویند» .

1531. امام على عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام لِرَجُلٍ قَالَ: أَدْعُ اللَّهَ لِي أَنْ يُغْنِيَنِي عَن خَلْقِهِ -: إِنَّ اللَّهَ قَسَمَ رِزْقَ مَنْ شَاءَ عَلَى يَدِي مَنْ شَاءَ، وَلَكِنْ سَلِ اللَّهَ أَنْ يُغْنِيَكَ عَنِ الْحَاجَةِ الَّتِي تَضْطَرُّكَ إِلَى لِنَامِ خَلْقِهِ . (1) 9 / 3 اللهم اجعل عقوبتي في الدنيا 1534. عنه عليه السلام: الإمام على عليه السلام في بيان فضائل رسول الله صلى الله عليه وآله -: مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ... أَبْرَأُ ذَا الْعَاهَةِ مِنَ عَاهَتِهِ ، بَيْنَمَا هُوَ جَالِسٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذْ سَأَلَ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ ، فَقَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنَّهُ قَدْ صَارَ مِنَ الْبَلَاءِ كَهَيْئَةِ الْفَرَخِ الَّذِي لَا رِيْسَ عَلَيْهِ .

فَأَتَاهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِذَا هُوَ كَهَيْئَةِ الْفَرَخِ مِنْ شِدَّةِ الْبَلَاءِ ، فَقَالَ لَهُ : قَدْ كُنْتَ تَدْعُو فِي صِدْحَتِكَ دُعَاءً ؟ قَالَ : نَعَمْ ، كُنْتُ أَقُولُ : يَا رَبِّ ، أَيُّمَا عُقُوبَةٍ أَنْتَ مُعَاقِبِي بِهَا فِي الْآخِرَةِ ، فَاجْعَلْهَا لِي فِي الدُّنْيَا .

فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلَا قُلْتَ : اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً ، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ .

فَقَالَهَا الرَّجُلُ ، فَكَأَنَّمَا نَسَطَ مِنْ عِقَالٍ ، وَقَامَ صَاحِحًا ، وَخَرَجَ مَعَنَا . (2) .

1- .الكافي : ج 2 ص 266 ح 1 عن بكر الأرقط أو شعيب ، بحار الأنوار : ج 72 ص 4 ح 2 .

2- .الاحتجاج : ج 1 ص 529 ح 127 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الثاقب في المناقب : ص 64 ح 39 نحوه ، بحار الأنوار : ج 17 ص 293 ح 7 .

9 / 3 بار خدایا! کیفر مرا در همین دنیا قرار ده

1535. عنه علیه السلام (_ مِنْ كَلَامٍ لَهُ فِي تَوْبِيخِ بَعْضِ أَصْحَابِهِ _) امام صادق علیه السلام_ به مردی که گفت : برایم دعا کنید که خداوند ، مرا از خلقش بی نیاز کند _ : خداوند ، روزی هر که را بخواهد ، به دست هر کس که بخواهد ، تقسیم می کند ؛ اما از خدا بخواه تو را از حاجتی که ناچار شوی به فرومایگان خلقش رو بیندازی ، بی نیاز گرداند. 9 / 3 بار خدایا! کیفر مرا در همین دنیا قرار ده. امام علی علیه السلام : امام علی علیه السلام در بیان فضایل پیامبر خدا _ : محمد صلی الله علیه و آله نیز .. رنجور را شفا بخشید . روزی نشسته بود و از مردی از یارانش جو یا شد . گفتند : ای پیامبر خدا ! او از رنجوری ، مانند جوجه بی پر شده است .

پیامبر صلی الله علیه و آله نزد او رفت و دید که از شدت بیماری ، چون جوجه شده است . فرمود : « زمانی که تن درست بودی ، دعایی می کردی ؟ » .

مرد گفت : آری . می گفتم : پروردگارا ! هر کیفری که می خواهی در آخرت با آن مرا مجازات کنی ، در همین دنیا برایم قرار ده .

پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود : « چرا نگفتی : بار خدایا ! در دنیا و آخرت ، به ما نیکی عطا فرما و از عذاب آتش ، نگاهمان بدار ؟ » .

مرد ، این را گفت و در دم ، بهبود یافت و تن درست ، از جا برخاست و با ما بیرون آمد .

1535. امام على عليه السلام (_ از سخنان ایشان در نکوهش برخی یارانِش _) صحیح مسلم عن أنس: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَادَ رَجُلًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ قَدْ خَفَتَ فَصَارَ مِثْلَ الْفَرِّخِ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: هَلْ كُنْتَ تَدْعُو بِشَيْءٍ أَوْ تَسْأَلُ لَهُ إِتَاءَهُ؟ قَالَ: نَعَمْ، كُنْتُ أَقُولُ: اللَّهُمَّ مَا كُنْتُ مُعَاقِبِي بِهِ فِي الْآخِرَةِ، فَعَجَّلْهُ لِي فِي الدُّنْيَا.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سُبْحَانَ اللَّهِ لَا تُطِئُهُ، _ أَوْ لَا تَسْتَطِئُهُ _! أَفَلَا قُلْتَ: اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؟

قَالَ: فَدَعَا اللَّهَ لَهُ، فَشَفَاهُ. (1) 9 / 4 اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ 1538. الإمام الحسن عليه السلام: الإمام الصادق عليه السلام: سَمِعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَرَاكَ تَتَعَوَّذُ مِنْ مَالِكَ وَوَلَدِكَ! يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (2) وَلَكِنْ قُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُضِيبَاتِ الْفِتَنِ. (3) 9 / 5 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رِزْقًا طَيِّبًا 1539. امام على عليه السلام: الأماي للوطوسى عن على بن معمر عن رجل من جعفى: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ رَجُلٌ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رِزْقًا طَيِّبًا، قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ! هَذَا قَوْلُ الْأَنْبِيَاءِ، وَلَكِنْ سَلْ رَبَّكَ رِزْقًا لَا يُعَذِّبُكَ عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، هَيْهَاتَ! إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «يَأَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صِرًا لِحًا» (4). (5).

-
- 1- صحیح مسلم: ج 4 ص 2068 ح 23، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 215 ح 12049، سنن الترمذی: ج 5 ص 521 ح 3487 نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 75 ح 3199.
 - 2- التنغابن: 15.
 - 3- الأماي للوطوسى: ص 580 ح 1201 عن عبد الله بن محمد بن عبيد عن الإمام الهادى عن أبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 93 ص 325 ح 7 وراجع نهج البلاغة: الحكمة 93.
 - 4- المؤمنون: 51.
 - 5- الأماي للوطوسى: ص 678 ح 1438، بحار الأنوار: ج 93 ص 326 ح 8.

9 / 4 بار خدایا! از فتنه به تو پناه می برم**9 / 5 بار خدایا! روزی پاک از تو می طلبم**

1540. المناقب لابن شهر آشوب: صحیح مسلم_ به نقل از انس_: پیامبر خدا، به عیادت مردی از مسلمانان رفت که مانند جوجه، زار و نزار شده بود. به او فرمود: «آیا قبلاً دعایی می کرده ای یا از خدا چیزی می خواسته ای؟». گفت: آری. می گفتم: بار خدایا! هر کیفری که در آخرت می خواهی به من برسانی، در همین دنیا برسان.

پیامبر خدا فرمود: «سبحان الله! تو طاقت_ (/ تحمل) آن را نداری. چرا نگفتی: بار خدایا! در دنیا و آخرت، به ما نیکی عطا فرما و از عذاب آتش، نگاهمان بدار؟».

آن مرد، این دعا را خواند و خداوند، شفایش بخشید. 9 / 4 بار خدایا! از فتنه به تو پناه می برم 1540. المناقب، ابن شهر آشوب: امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان، شنید که مردی می گوید: بار خدایا! از فتنه به تو پناه می برم. فرمود: «می بینم که از مال و فرزندت به خدا پناه می بری. خداوند متعال می فرماید: «جز این نیست که دارایی ها و فرزندانان فتنه اند»؛ بلکه بگو: بار خدایا! از فتنه های گم راه کننده، به تو پناه می برم». 9 / 5 بار خدایا! روزی پاک از تو می طلبم 1543. الإمام الحسین علیه السلام (_ مِنْ دُعَائِهِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ _) الأُمَالِي، طوسی_ به نقل از علی بن معمر، از مردی، از جعفری_: خدمت امام صادق علیه السلام بودیم که مردی گفت: بار خدایا! روزی پاک از تو درخواست می کنم.

امام علیه السلام فرمود: «هیئات، هیئات! این، خوراک پیامبران است؛ بلکه از پروردگارت روزی ای بخواه که در روز قیامت، تو را به خاطر آن، عذاب نکند. هیئات! خداوند می فرماید: «ای فرستادگان! از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام دهید»».

9 / 6 لا أراك الله مكروها 1544. ينابيع المودة: شرح نهج البلاغة عن الإمام عليّ عليه السلام في الحكيم المنسوبة إليه: سَمِعَ رَجُلًا يَدْعُو لِصَاحِبِهِ ، فَقَالَ : لا أراك الله مكروها !

فَقَالَ : إِنَّمَا دَعَوْتَ لَهُ بِالْمَوْتِ ؛ لِأَنَّ مَنْ عَاشَ فِي الدُّنْيَا لا بُدَّ أَنْ يَرَى الْمَكْرُوهَ . (1) 9 / 7 الْحَمْدُ لِلَّهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ 1545. الكامل في التاريخ : الكافي عن الكاهليّ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ [الكاظم] عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دُعَاءٍ : الْحَمْدُ لِلَّهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ . فَكَتَبَ إِلَيَّ : لا تَقُولَنَّ مُنْتَهَى عِلْمِهِ ؛ فَلَيْسَ لِعِلْمِهِ مُنْتَهَى ، وَلَكِنْ قُلْ : مُنْتَهَى رِضَاهُ . (2) .

1- . شرح نهج البلاغة : ج 20 ص 289 ح 301 .

2- . الكافي : ج 1 ص 107 ح 3 ، التوحيد : ص 134 ح 2 ، تحف العقول : ص 408 ، الأصول الستة عشر : ص 125 عن أبي عليّ القَطَّان عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 4 ص 83 ح 12 .

9 / 6 الهی غم نبینی!

9 / 7 ستایش خدا تا نهایت علمش

9 / 6 الهی غم نبینی! 1548. مجابو الدعوة عن محمد الكوفي: شرح نهج البلاغه: از امام علی علیه السلام شنید که مردی برای دوستش دعا می کند و می گوید: الهی غم و گرفتاری نبینی!

امام علیه السلام فرمود: «تو، در واقع، برای مرگش دعا کردی؛ زیرا هر که در دنیا زندگی می کند، ناچار، غم و گرفتاری می بیند». 9 / 7 ستایش خدا تا نهایت علمش 1549. الملهوف: الکافی_ به نقل از کاهلی_: در نامه ای به امام کاظم علیه السلام درباره دعای «الْحَمْدُ لِلَّهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ؛ ستایش، خدا را تا نهایت علمش» پرسیدم. به من نوشت: «هرگز مگو: نهایت علمش؛ زیرا علم او را نهایتی نیست؛ بلکه بگو: نهایت رضایتش».

الباب العاشر: تفسير الأحوال المناسبة للدعاء الكتاب «و اذكر اسم ربك و تبتل إليه تبتلاً» . (1)

«ادعوا ربكم تضرعاً وخفية إنه لا يحب المعتدين* ولا تقسداً في الأرض بعد إصلحها وادعوه خوفاً وطمعاً إن رحمت الله قريب من المحسنين» . (2)

«واذكر ربك في نفسك تضرعاً وخيفة ودون الجهر من القول بالغدو والأصل ولا تكن من الغافلين» . (3)

«قل من ينجيكم من ظلمات البر والبحر تدعونه تضرعاً وخفية لئن أنجانا من هذه لنكونن من الشكرين* قل الله ينجيكم منها ومن كل كرب ثم أنتم تشركون» . (4)

«إنهم كانوا يسرعون في الخيرات ويدعوننا رغباً ورهباً وكانوا لنا شعين» . (5)

«تتجافى جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفاً وطمعاً ومما رزقنهم ينفقون* فلا تعلم نفس ما أخفى لهم من قرة أعين جزاء بما كانوا يعملون» . (6)

1- المزمّل: 8 .

2- الأعراف: 55 و 56 .

3- الأعراف: 205 .

4- الأنعام: 63 و 64 .

5- الأنبياء: 90 .

6- السجدة: 16 و 17 .

باب دهم : توضیح حالت های مناسب دعا

اشاره

باب دهم : توضیح حالت های مناسب دعاقرآن «و نام پروردگارت را یاد کن و به درگاه او تبتّل کن» .

«پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید ، که او ، از حد گذرندگان را دوست نمی دارد . و در زمین ، پس از اصلاح آن ، فساد مکنید ، و او را با بیم و امید بخوانید ، که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است» .

«و در دل خویش ، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان ، با زاری و ترس ، بی صدای بلند ، یاد کن و از غافلان مباش» .

«بگو : چه کسی شما را از تاریک های خشکی و دریا می رهاند ، در حالی که او را به زاری و در نهان می خوانید که : «اگر ما را از این [مهلکه] برهاند ، البته از سپاس گزاران خواهیم بود» ؟ بگو : خداست که شما را از آن [تاریکی ها] و از هر اندوهی می رهاند ، و باز ، شما شرک می ورزید؟» .

«آنان در کارهای نیک ، شتاب می ورزیدند و ما را از روی امید و بیم ، می خواندند و در برابر ما خاکسار بودند» .

«پهلوهایشان از خوابگاه ها جدا می گردد . [و] پروردگارشان را از روی بیم و امید ، می خوانند و از آنچه روزی شان داده ایم ، انفاق می کنند . هیچ کس نمی داند که از آنچه روشنی بخش دیدگان است ، در پاداش آنچه انجام می دادند ، چه چیزی برای آنان پنهان داشته شده است» .

الحديث 1558. الأماي للطوسي عن المنهال بن عمرو: الإمام الباقر عليه السلام في قوله تعالى: «وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا»_: أخلص إليه إخلاصا . (1) 1558. الأماي ، طوسي (_ به نقل از منهال بن عمرو _) الإمام الصادق عليه السلام: الرَّغْبَةُ أَنْ تَسْتَقْبَلَ بِبَطْنِ كَفَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ ، وَالرَّهْبَةُ أَنْ تَجْعَلَ ظَهَرَ كَفَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ .

وقوله: «وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا» الدعاء بِاصْبِعٍ وَاحِدَةٍ تُشِيرُ بِهَا ، وَالتَّصْرُوحُ تُشِيرُ بِاصْبِعَيْكَ وَتُحَرِّكُهُمَا ، وَالإِبْتِهَالُ رَفْعُ اليَدَيْنِ وَتَمُدُّهُمَا وَذَلِكَ عِنْدَ الدَّمْعَةِ ، ثُمَّ ادْعُ . (2) 1559. المناقب لابن شهر آشوب: تفسير القمّي في قوله تعالى: «وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا»_: قَالَ: رَفَعُ اليَدَيْنِ ، وَتَحْرِيكُ السَّبَابِئِينَ . (3) 1559. المناقب ، ابن شهر آشوب: سنن أبي داوود عن عبد الله بن الزبير: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يُشِيرُ بِاصْبِعِهِ إِذَا دَعَا وَلَا يُحَرِّكُهَا . (4) 1560. الكافي عن جابر: سنن أبي داوود عن سعد بن أبي وقاص: مَرَّ عَلَيَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَا أَدْعُو بِاصْبِعِي فَقَالَ: «أَحَدٌ أَحَدٌ» (5) وَأَشَارَ بِالسَّبَابَةِ . (6) 1560. الكافي (_ به نقل از جابر _) رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا دَعَا الْعَبْدُ ، فَأَشَارَ بِاصْبِعِهِ ، قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَخْلَصَ عَبْدِي . (7) .

- 1- تفسير القمّي: ج 2 ص 392 عن أبي الجارود؛ الدعاء لمحمد بن فضيل الضبي: ص 17 ح 17 .
- 2- الكافي: ج 2 ص 479 ح 1 ، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 15 ح 2024 و ح 2025 كلها عن أبي إسحاق ، بحار الأنوار: ج 93 ص 338 ح 6 .
- 3- تفسير القمّي: ج 2 ص 392 ، بحار الأنوار: ج 93 ص 337 ح 1 .
- 4- سنن أبي داوود: ج 1 ص 260 ح 989 ، سنن النسائي: ج 3 ص 37 ، السنن الكبرى: ج 2 ص 189 ح 2786 .
- 5- أى أُشِرَ بِاصْبِعٍ وَاحِدَةٍ؛ لِأَنَّ الَّذِي تَدْعُو إِلَيْهِ وَاحِدٌ ، وَهُوَ اللَّهُ تَعَالَى (النهاية: ج 1 ص 27 «أحد»).
- 6- سنن أبي داوود: ج 2 ص 80 ح 1499 ، سنن النسائي: ج 3 ص 38 وفيه «بأصابعي» بدل «باصبعي» ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 719 ح 1966 ، سنن الترمذی: ج 5 ص 557 ح 3557 ، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 606 ح 10744 كلاهما عن أبي هريرة نحوه ، كنز العمال: ج 2 ص 73 ح 3186 .
- 7- الدعاء للطبراني: ص 89 ح 217 عن أنس ، كنز العمال: ج 2 ص 84 ح 3251 نقلاً عن الديلمي .

حدیث 1562. الإمام الباقر علیه السلام: امام باقر علیه السلام۔ درباره این سخن خداوند متعال: «و به درگاه او تَبْتُلُ کن»۔ یعنی با تمام اخلاص به او رو کن. 1563. الإمام الباقر علیه السلام: امام صادق علیه السلام: رَغَبْتُ، آن است که کفِ دستانت را به سوی آسمان برداری و رَهَبْتُ، آن است که پشتِ دستانت را به طرف آسمان، قرار دهی.

و فرموده او که: «و به درگاه او تَبْتُلُ کن»، [تَبْتُلُ] به این معناست که با یک انگشت، اشاره نمایی و دعا کنی. و تَضَرَّعَ، آن است که با دو انگشت خود، اشاره کنی و آنها را تکان دهی و ابتهال، آن است که دو دستت را به طرف آسمان برداری و اشک بریزی و دعا کنی. 1561. امام باقر علیه السلام: تفسیر القمی۔ درباره این سخن خداوند متعال: «و به درگاه او تَبْتُلُ کن»۔ [امام علیه السلام] فرمود: «به این صورت که دست ها را بلند کنی و دو انگشت نشانه را تکان دهی». 1562. امام باقر علیه السلام: سنن أبی داوود۔ به نقل از عبد الله بن زبیر۔ پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه دعا می کرد، با انگشتش اشاره می کرد؛ ولی آن را تکان نمی داد. 1563. امام باقر علیه السلام: سنن أبی داوود۔ به نقل از سعد بن ابی وقاص۔ من مشغول دعا کردن با دو انگشتم بودم که پیامبر صلی الله علیه و آله بر من گذشت و انگشت سبابه اش را نشان داد و فرمود: «یکی کُنْ . یکی کن». (1) 1564. رجال الکشی عن حنّان بن سدید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه بنده دعا کند و با انگشتش اشاره نماید، خداوند ـ تبارک و تعالی ـ می فرماید: «بنده ام اخلاص ورزید».

1- یعنی با یک انگشت، اشاره کن؛ زیرا آن که به درگاهش دعا می کنی، یعنی خداوند متعال، یکی است (النهاية: ج 1 ص 27 «أحد»).

1565. الإمام الصادق عليه السلام: المستدرک عن ابن عباس: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: هَكَذَا الْإِخْلَاصُ؛ يُشِيرُ بِإِصْبَعِهِ الَّتِي تَلِي الْإِبْهَامَ. وَهَذَا الدُّعَاءُ؛ فَرَفَعَ يَدَيْهِ حَذْوَ مَنْكَبَيْهِ. وَهَذَا الْإِبْتِهَالُ؛ فَرَفَعَ يَدَيْهِ مَدًّا. (1) 1564. رجال الكشي (_ به نقل از جنان بن سدير _) السنن الكبرى عن الزهري: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا خَطَبَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ دَعَا، فَأَشَارَ بِإِصْبَعِهِ وَأَمَّنَ النَّاسَ. (2) 1565. امام صادق عليه السلام: المصنّف لعبد الرزّاق عن عكرمة عن ابن عباس: الْإِبْتِهَالُ هَكَذَا؛ وَبَسَطَ يَدَيْهِ وَظَهَرُوهُمَا إِلَى وَجْهِهِ. وَالدُّعَاءُ هَكَذَا؛ وَوَضَعَ يَدَيْهِ حَتَّى (3) لِحَيْتَيْهِ. وَالْإِخْلَاصُ هَكَذَا؛ يُشِيرُ بِإِصْبَعِهِ. (4) 1566. رجال الكشي عن يونس بن عبد الرحمن: الدُّعَاءُ عَنْ عَكْرَمَةَ يَرْفَعُ الْحَدِيثَ، قَالَ: الْإِبْتِهَالُ هَكَذَا؛ وَقَلَبَ كَفَّيْهِ إِلَى الْأَرْضِ وَالْمَسْأَلَةُ هَكَذَا؛ وَبَسَطَ كَفَّيْهِ وَالْإِخْلَاصُ أَنْ تُشِيرَ بِإِصْبَعٍ وَاحِدَةٍ تَدْعُو بِهَا. (5) 1567. الكافي عن مالك بن عطية عن بعض أصحاب أبي عبد اللّٰه الدعوات الكبير عن ابن عباس: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: الْإِخْلَاصُ هَكَذَا؛ وَرَفَعَ إِصْبَعًا وَاحِدَةً مِنَ الْيَمِينِ. وَالدُّعَاءُ هَكَذَا؛ وَرَفَعَ يَدَيْهِ، وَجَعَلَ بَطُونَهُمَا مِمَّا يَلِي السَّمَاءَ. وَالْإِبْتِهَالُ هَكَذَا؛ وَمَدَّ يَدَهُ شَيْئًا، وَجَعَلَ ظُهُورَ الْكَفِّ مِمَّا يَلِي السَّمَاءَ. (6) 1566. رجال الكشي (_ به نقل از يونس بن عبد الرحمان _) رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَاسْأَلُوهُ بِبَاطِنِ الْكَفِّينِ، وَإِذَا اسْتَعْدْتُمُوهُ فَاسْتَعِيدُوهُ بِظَاهِرِهِمَا. (7).

- 1- .المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 356 ح 7903، السنن الكبرى: ج 2 ص 192 ح 2796، الدعاء للطبرانی: ص 86 ح 208.
- 2- .السنن الكبرى: ج 3 ص 298 ذیل ح 5776.
- 3- .فی کنز العمال: «تحت».
- 4- .المصنّف لعبد الرزّاق: ج 2 ص 250 ح 3247، کنز العمال: ج 2 ص 620 ح 4908.
- 5- .الدعاء لمحمد بن فضیل الضبی: ص 31 ح 16.
- 6- .الدعوات الكبير: ج 2 ص 34 ح 263.
- 7- .الجعفریات: ص 226 عن الإمام الكاظم عن آباءه عليهم السلام.

1567. الکافی (_ به نقل از مالک بن عطیّه ، از یکی از یاران امام) المستدرک _ به نقل از ابن عبّاس _ : پیامبر خدا ، با انگشت کنار شست خود (انگشت ابهام یا نشانه اش) اشاره کرد و فرمود : « چنین است اخلاص » و دو دستش را تا برابر شانه هایش بلند کرد و فرمود : « این [نحوه] دعا کردن است » و دستانش را کشید و فرمود : « این ، ابتهاج است » . 1568. رجال الکشی عن حفص بن عمرو النخعی : السنن الکبری _ به نقل از زُهری _ : پیامبر خدا ، هر گاه در روز جمعه خطبه می خواند ، دعا می کرد و با انگشتش اشاره می نمود و مردم ، آمین می گفتند . 1569. رجال الکشی عن إسحاق بن عمّار : المصنّف ، عبد الرزّاق _ به نقل از عکرمه ، از ابن عبّاس _ : [امام علیه السلام] فرمود : « ابتهاج ، این گونه است » و دو دستش را گشود و پشت آنها را به طرف صورتش قرار داد و [فرمود :] « دعا ، این گونه است » و دو دستش را تا (1) محاسنش قرار می داد و [فرمود :] « اخلاص ، این گونه است » و با انگشتش اشاره می کرد . 1568. رجال الکشی (_ به نقل از حفص بن عمرو نخعی _) الدعاء _ به نقل از عکرمه ، در حدیثی که سندش را به معصوم علیه السلام می رساند _ : [امام علیه السلام] فرمود : « ابتهاج ، این گونه است » و کف دستانش را به طرف زمین می گرفت ، و « مسئلت ، این گونه است » و دو دستش را می گشود و « اخلاص ، آن است که با یک انگشت ، اشاره نمایی و دعا کنی » . 1569. رجال الکشی (_ به نقل از اسحاق بن عمّار _) الدعوات الکبیر _ به نقل از ابن عبّاس _ : پیامبر خدا فرمود : « اخلاص ، این گونه است » و یک انگشت از دست راست را بالا برد و [فرمود :] « دعا ، این گونه است » و هر دو دستش را بالا برد و کف آنها را به طرف آسمان کرد و [فرمود :] « ابتهاج ، این گونه است » و دستش را اندکی کشید و پشت آن را به طرف آسمان قرار داد . 1570. دلائل الإمامة عن محمد بن راشد عن أبيه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه از خداوند عز و جل درخواست کردید ، با کف دستانتان از او درخواست کنید و هر گاه از او پناه جُستید ، با پشت دستانتان از او پناه جوید .

1570. دلائل الإمامة (_ به نقل از محمد بن راشد، از پدرش _) الإمام علي عليه السلام: إذا سألت الله فاسأله ببطن كفيك، وإذا تعوذت فإظهر كفيك، وإذا دعوت فأصبعيك (1). (2) 1571. الكافي عن حماد بن عثمان عن المسمعي: الإمام الصادق عليه السلام: الرغبة تبسط يديك وتظهر باطنهما، والرهبنة تبسط يديك وتظهر ظهرهما، والتضرع تحرك السبابة اليمنى يمينا وشمالاً، والتبطل تحرك السبابة اليسرى، ترفعها في السماء رسلاً (3) وتضعها، والابتهاال تبسط يديك وذراعيك إلى السماء، والابتهاال حين ترى أسباب البكاء. (4) 1572. الإرشاد: الكافي عن مروك يباع اللؤلؤ عمّن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: ذكر الرغبة؛ وأبرز باطن راحته إلى السماء. وهكذا الرهبنة؛ وجعل ظهر كفيه إلى السماء. وهكذا التضرع؛ وحرك أصابعه يمينا وشمالاً. وهكذا التبطل؛ ويرفع أصابعه مرة ويضعها مرة. وهكذا الابتهاال؛ ومدّ يده تلقاء وجهه إلى القبلة، ولا يبتهل حتى تجرى الدمعة. (5) 1571. الكافي (_ به نقل از حماد بن عثمان، از مسمعي _) سنن أبي داوود عن ابن عباس: المسألة أن ترفع يديك حدو منكبيك أو نحوهما، والاستغفار أن تُشير بإصبع واحدة، والابتهاال أن تمدّ يديك جميعاً. (6).

- 1- في بحار الأنوار: «فياصبعيك».
- 2- قرب الإسناد: ص 145 ح 521 عن أبي البختري عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 93 ص 337 ح 2.
- 3- الرُّسُل: بالكسر: الهيئة والتأني. قال الجوهري: افعَل كذا وكذا على رِسْلِكَ بالكسر: أي اتَّند (النهاية: ج 2 ص 222 «رسل»).
- 4- الكافي: ج 2 ص 480 ح 4، عدّة الداعي: ص 184 كلاهما عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار: ج 93 ص 307 ح 3.
- 5- الكافي: ج 2 ص 480 ح 3، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 15 ح 2026، فلاح السائل: ص 87 ح 19 عن سعيد بن يسار، بحار الأنوار: ج 93 ص 338 ح 6.
- 6- سنن أبي داوود: ج 2 ص 79 ح 1489، الدعوات الكبير: ج 1 ص 141 ح 187، كنز العمال: ج 2 ص 82 ح 3242.

1572. الإرشاد: امام علی علیه السلام: هر گاه از خدا درخواست کردی، با کف دستانت از او درخواست کن و هر گاه پناه بُردی، با پشتِ دستانت پناه ببر و هر گاه دعا کردی، با دو انگشتت دعا کن. 1573. دلائل الإمامة عن أبي بصير وداوود الرقي و معاوية بامام صادق عليه السلام: رغبت، این است که دو دستت را بگشایی و کف آنها را به طرف بالا قرار دهی و رَهبت، این است که دو دستت را بگشایی و پشت آنها را به طرف بالا قرار دهی و تَضَرَّع، این است که انگشت سبّابه راست را به راست و چپ حرکت دهی و تَبْتُل، این است که انگشت سبّابه چپ را حرکت دهی و آن را به آرامی، بالا و پایین کنی و ابتهاال، این است که دو دستت و ساعدهایت را به سوی آسمان بگشایی و ابتهاال، در هنگامی است که اسباب گریه را فراهم بینی. 1573. دلائل الإمامة (_ به نقل از ابو بصیر و داوود رقی و معاوية بن عم) الكافي _ به نقل از مَرُوك مروارید فروش، از کسی که نامش را بُرد _ : امام [صادق] علیه السلام از رغبت یاد کرد و کف دو دستش را به طرف آسمان باز کرد و پشت دو دستش را به طرف آسمان کرد و فرمود: «رَهبت، این گونه است». انگشتانش را به راست و چپ حرکت داد و فرمود: «این، تَضَرَّع است». انگشتانش را بالا و پایین برد و فرمود: «این، تَبْتُل است». دستش را تا برابر صورتش بالا بُرد و به طرف قبله کشید و فرمود: «این، ابتهاال است و تا اشک جاری نشود، ابتهاال نباشد». 1574. الإمام الصادق علیه السلام: سنن أبي داوود _ به نقل از ابن عباس _ : مسئلت، چنین است که دو دستت را تا مقابل شانه هایت یا حدود آنها بالا ببری و استغفار، چنین است که با یک انگشت، اشاره کنی و ابتهاال، این گونه است که هر دو دستت را با هم بکشی» . .

1575. عنه عليه السلام: الكافي عن محمد بن مسلم و زرارة: قُلْنَا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ الْمَسْأَلَةُ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؟

قَالَ: تَبْسُطُ كَفَيْكَ. قُلْنَا: كَيْفَ الْإِسْتِعَاذَةُ؟

قَالَ: تُفْضِي بِكَفَيْكَ. (1) وَالتَّبْتُلُ الْإِيْمَاءُ بِالْإِصْبَعِ. وَالتَّضْرُجُ تَحْرِيكُ الْإِصْبَعِ. وَالْإِبْتِهَالُ أَنْ تَمُدَّ يَدَيْكَ جَمِيعًا. (2) 1576. الخرائج والجرائج عن زياد بن أبي الحلال: الكافي عن أبي بصير: سَأَلْتُهُ [أَيَّ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامِ]: عَنِ الدُّعَاءِ وَرَفْعِ الْيَدَيْنِ.

فَقَالَ: عَلَى أَرْبَعَةِ أَوْجِهٍ: أَمَّا التَّعَوُّذُ فَتَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ بِبَاطِنِ كَفَيْكَ، وَأَمَّا الدُّعَاءُ فِي الرَّزْقِ فَتَبْسُطُ كَفَيْكَ وَتُفْضِي بِبَاطِنِهِمَا إِلَى السَّمَاءِ، وَأَمَّا التَّبْتُلُ فَاِيْمَاءٌ بِإِصْبَعِكَ السَّبَّابَةِ، وَأَمَّا الْإِبْتِهَالُ فَرَفْعُ يَدَيْكَ تَجَاوِزُ بِهِمَا رَأْسَكَ، وَدُعَاءُ التَّضْرُجِ أَنْ تُحَرِّكَ إِصْبَعَكَ السَّبَّابَةَ مِمَّا يَلِي وَجْهَكَ، وَهُوَ دُعَاءُ الْخَيْفَةِ. (3) 1574. امام صادق عليه السلام: الإمام الكاظم عليه السلام: التَّبْتُلُ: أَنْ تُقَلِّبَ كَفَيْكَ فِي الدُّعَاءِ إِذَا دَعَوْتَ. وَالْإِبْتِهَالُ: أَنْ تَبْسُطَ طَهُمَا وَتُقَدِّمَهُمَا. وَالرَّغْبَةُ: أَنْ تَسْتَقْبِلَ بِرَاحَتَيْكَ السَّمَاءَ، وَتَسْتَقْبِلَ بِهِمَا وَجْهَكَ. وَالرَّهْبَةُ: أَنْ تُكْفِي كَفَيْكَ فَتَرْفَعَهُمَا إِلَى الْوَجْهِ. وَالتَّضْرُجُ: أَنْ تُحَرِّكَ إِصْبَعَيْكَ وَتُشِيرَ بِهِمَا. (4) 1575. امام صادق عليه السلام: الإمام عليّ عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَنَا: دُعَاءُ الرَّغْبَةِ هَكَذَا؛ وَبَسَطَ يَدَيْهِ. وَدُعَاءُ الرَّهْبَةِ هَكَذَا؛ وَقَلَّبَ يَدَيْهِ. وَدُعَاءُ التَّضْرُجِ هَكَذَا؛ وَقَالَ: بَسَطَهَا وَقَلَّبَهَا. وَدُعَاءُ الْإِسْتِكَانَةِ هَكَذَا؛ وَقَبَضَ يَدَيْهِ إِلَى مَنْكِبَيْهِ، وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَكُونُ ذَلِكَ إِلَّا فِي الْخَلَاءِ. (5).

- 1- أي تجعل باطنهما نحو الفضاء ، كما يفضي الرجل باطن كفيه إلى الجدار ، والحاصل تجعل باطن كفيك مقابل القبلة (مرآة العقول: ج 12 ص 48).
- 2- الكافي: ج 2 ص 481 ح 7.
- 3- الكافي: ج 2 ص 481 ح 5، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 15 ح 2027 وفيه «في دعائك مع التضرع» بدل «ودعاء التضرع...»، عدّة الداعي: ص 183 نحوه، بحار الأنوار: ج 93 ص 339 ح 8.
- 4- معاني الأخبار: ص 370 ح 2، مسائل عليّ بن جعفر: ص 337 ح 829 كلاهما عن عليّ بن جعفر، بحار الأنوار: ج 93 ص 337 ح 3.
- 5- الجعفریات: ص 226 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.

1576. الخرائج و الجرائح (_ به نقل از زیاد بن ابی حلال _) الکافی _ به نقل از محمد بن مسلم و زراره _ : به امام صادق علیه السلام گفتیم : مسئلت کردن از درگاه خداوند _ تبارک و تعالی _ به چه نحو است؟

فرمود : «دو دست را می گشایی».

گفتیم : استعاذه (پناه بردن) چگونه است؟

فرمود : «کف دو دست را به طرف فضا قرار می دهی. (1) تبّتل هم اشاره کردن با انگشت است و تضرّع ، تکان دادن انگشت است و ابتهاج ، این است که هر دو دست را با هم بکشی. 1577. رجال الکشی عن ابن سنان عن الإمام الصادق علیه السلام _ به نقل از ابو بصیر _ : از امام صادق علیه السلام درباره دعا و بالا بردن دست ها پرسیدم . فرمود : «چهار صورت دارد : در پناه جستن [به خدا] ، کف دستانت را رو به قبله می کنی ؛ در دعا کردن برای روزی ، کف دستانت را می گشایی و به طرف آسمان می گیری ؛ در تبّتل ، با انگشت سبّابه ات اشاره می کنی ؛ در ابتهاج ، دستانت را تا بالاتر از سرت بلند می کنی ، و دعای تضرّع ، آن است که انگشت سبّابه ات در برابر صورتت تکان دهی ، و این ، دعای ترس است». 1578. الکافی عن صفوان الجمّال : امام کاظم علیه السلام : تبّتل ، آن است که کف دستانت را در دعا ، آن گاه که دعا می کنی ، وارونه سازی و ابتهاج ، آن است که آنها را بگشایی و جلو ببری ، و رغبت ، آن است که کف دستانت را رو به آسمان بگیری و در برابر صورتت قرار دهی و زهبت ، آن است که کف دستانت را به طرف زمین کنی و آنها را تا صورت ، بالا آوری ، و تضرّع ، آن است که دو انگشتت را تکان دهی و با آنها اشاره کنی. 1577. رجال الکشی (_ به نقل از ابن سنان _) امام علی علیه السلام : پیامبر خدا به ما فرمود : «دعای رغبت ، این گونه است» و دو دستش را گشود و [فرمود :] «دعای رهبت ، این گونه است» و دو دستش را وارونه ساخت و [فرمود :] «دعای تضرّع ، این گونه است» و آنها را گشود و برگرداند و [فرمود :] «دعای استکانت ، این گونه است» و دو دستش را به طرف شانه اش جمع کرد و فرمود : «این حالت ، فقط در وقت خلوت است» . .

1- . مانند کسی که کف دستانش را به دیوار قرار می دهد و پشتش به سمت فضاست . خلاصه آن که کف دستانت را به طرف قبله می گیری (مرآة العقول : ج 12 ص 48).

1578. الكافي (_ به نقل از صفوان شتردار (جمال) _) بصائر الدرجات عن ابن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام _ أَنَّهُ لَمَّا دَعَا عَلِيَّ دَاوُدَ بْنَ عَلِيٍّ _ : رَفَعَ يَدَيْهِ فَوَضَعَهُمَا عَلَى مَنْكِبَيْهِ ، ثُمَّ بَسَطَهُمَا ، ثُمَّ دَعَا بِسَبَابَتِهِ

فَقُلْتُ لَهُ : فَرَفَعُ الْيَدَيْنِ مَا هُوَ ؟ قَالَ : الْإِبْتِهَالُ . فَقُلْتُ : فَوَضَعُ يَدَيْكَ وَجَمَعَهُمَا ؟ قَالَ : التَّضَرُّعُ . قُلْتُ : وَرَفَعُ الْإِصْبِعِ ؟ قَالَ : الْبَصْبِصَةُ (1) .
 (2) 1579. التدوين في أخبار قزوين عن موسى بن عبيدة العسكري : الإمام الصادق عليه السلام : كَانَ فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ _ تَبَارَكَ وَتَعَالَى _ بِهِ عَيْسَى بْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ... يَا عَيْسَى ، أَطِبَّ بِي قَلْبِكَ ، وَأَكْثَرَ ذِكْرِي فِي الْخَلَوَاتِ ، وَاعْلَمْ أَنَّ سُرُورِي أَنْ تُبْصِبَصَ إِلَيَّ ، وَكُنْ فِي ذَلِكَ حَيًّا وَلَا تَكُنْ مَيِّتًا . (3) 1579. التدوين في أخبار قزوين (_ به نقل از موسى بن عبيدة العسكري _) معاني الأخبار : إِنَّ الْبَصْبِصَةَ أَنْ تَرَفَعَ سَبَابَتَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ ، وَتُحَرِّكُهَا وَتَدْعُو . (4) 1580. الإمام الكاظم عليه السلام : الإمام الصادق عليه السلام : قَالَ لِقِمَانٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا بُنَيَّ ... ارْغَبْ إِلَى اللَّهِ وَسَلِّمْهُ ، وَحَرِّكْ أَصَابِعَكَ إِلَيْهِ . (5) 1580. امام كاظم عليه السلام : عنه عليه السلام : إِنَّ الْإِسْتِكَانَةَ فِي الدُّعَاءِ أَنْ يَضَعَ (6) يَدَيْهِ عَلَى مَنْكِبَيْهِ حِينَ دُعَائِهِ . (7) .

- 1- .تُبْصِبَصُ إِلَيَّ : أَي تَقْبَلُ إِلَيَّ بِخَوْفٍ وَطَمَعٍ ... وَالْبَصْبِصَةُ : هِيَ أَنْ تَرَفَعَ سَبَابَتَكَ إِلَى السَّمَاءِ وَتُحَرِّكُهَا وَتَدْعُو (مجمع البحرين : ج 1 ص 155 «بصبص»).
- 2- بصائر الدرجات : ص 218 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 338 ح 5 وراجع دلائل الإمامة : ص 251 ح 175 .
- 3- الأمالى للصدوق : ص 613 ح 841 عن أبي بصير ، الكافي : ج 8 ص 141 ح 103 عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام ، تحف العقول : ص 500 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 145 ، عدّة الداعي : ص 24 و ص 146 وفيهما «أذلّ لي» بدل «أطب بي» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 341 ح 11 .
- 4- معاني الأخبار : ص 370 ح 2 ، دلائل الإمامة : ص 252 ح 175 عن أبي بصير وداوود الرقي عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «البصبصة : رفع الإصبع وتحريكها يعني السبابة» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 337 ح 3 .
- 5- قصص الأنبياء : ج 195 ص 245 ، بحار الأنوار : ج 13 ص 420 ح 14 .
- 6- يُحْتَمَلُ أَنَّ الْمُرَادَ هُوَ الْوَضْعُ بِحِذَاءِ الْمَنْكَبِ بِقَرِينَةِ الرِّوَايَاتِ الَّتِي وَرَدَتْ فِي آدَابِ رَفْعِ الْيَدَيْنِ فِي تَفْسِيرِ الدُّعَاءِ ، وَبِقَرِينَةِ الرِّوَايَةِ التَّالِيَةِ .
- 7- فلاح السائل : ص 88 ح 20 ، عدّة الداعي : ص 184 وليس فيه «حين دعائه» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 339 ح 7 .

1581. الكافي عن أحمد بن عمر: بصائر الدرجات_ به نقل از ابن سنان_ : امام صادق عليه السلام ، هنگامی که داوود بن علی را نفرین کرد ، هر دو دستش را بلند کرد و روی شانه اش قرار داد . سپس ، آنها را گشود و آن گاه با انگشت اشاره اش دعا کرد من گفتم : بالا بردن دست ها [برای] چیست؟

فرمود : « [برای] ابتهال » .

گفتم : قرار دادن دست ها و جمع کردن آنها چه معنا دارد؟

فرمود : « تضرع است » .

گفتم : بلند کردن انگشت [، چه]؟

فرمود : « بَصْبِصَه (1) است » . 1582. الغيبة للطوسی عن زیاد القندی وابن مسكان : امام صادق عليه السلام : از جمله پندهای خداوند _ تبارک و تعالی _ به عیسی بن مریم علیه السلام این بود : « ... ای عیسی ! دلت را به من خوش کن و در تنهایی ، بیشتر مرا یاد کن و بدان که شادی من ، در آن است که برای من تملق کنی . در این کار ، زنده [دل] باش و مُرده [دل] مباش » . 1581. الكافي (_ به نقل از احمد بن عمر _) معانی الأخبار : بصبصه ، آن است که دو انگشت نشانه ات را به سوی آسمان برداری و تکانشان دهی و دعا کنی . 1582. الغيبة ، طوسی (_ به نقل از زیاد قندی و ابن مسكان _) امام صادق عليه السلام : لقمان عليه السلام گفت : پسرم ! ... به درگاه خدا التماس کن و از او درخواست کن و انگشتانت را به سوی او تکان بده . 1583. رجال الکشی عن علی بن ابي حمزة البطائنی : امام صادق عليه السلام : استکانت در دعا ، آن است که شخص ، وقتی خداوند را می خواند ، دو دستش را روی شانه هایش قرار دهد . (2) .

1- « تَبْصِصُ إِلَيَّ » ، یعنی : با بیم و امید ، به من رو کنی ... بصبصه ، آن است که انگشت سبابه ات را به طرف آسمان برداری و تکانش دهی و دعا کنی (مجمع البحرين : ج 1 ص 155 «بصبص»).

2- احتمالاً مراد ، به قرینه روایاتی که در : «تفسیر دعا/ آداب بالا بردن دستها» آمده است و نیز روایت بعدی ، قرار دادن دست ها موازی شانه هاست .

1583. رجال الكشّى (_ به نقل از علی بن ابی حمزه بطائنی _) المستدرک عن سهل بن سعد _ فی النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ _ : كَانَ يَجْعَلُ إِصْبَعِيهِ بِحِذَاءِ مَنْكَبِيهِ وَيَدْعُو . (1) 1584. رجال الكشّى عن عثمان بن عيسى الكلابي : صحيح مسلم عن أبي مالك عن أبيه _ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، كَيْفَ أَقُولُ حِينَ أَسْأَلُ رَبِّي ؟ قَالَ _ : قُلْ : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَعَافِنِي وَارزُقْنِي _ وَيَجْمَعُ أَصَابِعُهُ إِلَّا الْإِبْهَامَ _ فَإِنَّ هَؤُلَاءِ تَجْمَعُ لَكَ دُنْيَاكَ وَآخِرَتَكَ . (2) .

1- .المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 718 ح 1964 ، الدعوات الكبير : ج 1 ص 140 ح 185 .

2- .صحيح مسلم : ج 4 ص 2073 ح 36 ، سنن ابن ماجة : ج 2 ص 1264 ح 3845 ، مسند ابن حنبل : ج 10 ص 346 ح 27281 ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج 7 ص 27 ح 7 وفي آخره «دينك ودنياك» ، كنز العمال : ج 2 ص 698 ح 5117 .

1585. الأُمالي للصدوق عن عليّ بن يقطين: المستدرک_ به نقل از سهل بن سعد (درباره پیامبر صلی الله علیه و آله) _ : دو انگشتش را نزدیک شانه هایش [رو به آسمان] می گرفت و دعا می کرد. 1584. رجال الکشی (_ به نقل از عثمان بن عیسی کلابی _) صحیح مسلم_ به نقل از ابو مالک ، از پدرش (که شنید پیامبر صلی الله علیه و آله به مردی که نزد ایشان آمد و گفت : ای پیامبر خدا! وقتی پروردگارم را می خوانم ، چگونه بگویم؟ فرمود) _ : بگو : «بار خدایا! مرا بیا مرز و به من رحم کن و عافیتم بخش و روزی ام ده» و بجز انگشت شست ، بقیه انگشتانش را جمع کند ؛ زیرا اینها دنیا و آخرت را برای تو جمع می کنند. .

توضیحی درباره حالت های متناسب با نیایش

توضیحی درباره حالت های متناسب با نیایش در احادیثی که گذشت، حالت های گوناگونی برای نیایشگر با نام های: تَبَتُّل، تَعُوذ، تَضَرُّع، اخلاص، ابتهال، استکانت، رَغَبت، رَهَبت، مسئلت و بصبصه، ترسیم گردیده است. نکته قابل توجه در تبیین احادیث یاد شده و بهره گیری از آنها این است که حالت و هیئت انسان در عبادت های بدنی، در واقع، تمثّل و تجسّم حقایق و حالات درونی اوست (1) و در صورتی که دین، هیئت خاصی را برای عبادتی تعیین و تکلیف کرده باشد (مانند هیئت طواف وسعی)، مکلف، موظف به ایجاد آن هیئت در خویش، در تبعیت فرمان خداوند متعال است، چه حال متناسب با آن را داشته باشد و چه نداشته باشد. البته بی تردید، تحقق حال مطلوب، در کمال عبادت، مؤثر است. اما حالات و هیئت هایی در احادیث یاد شده که برای نیایش مطرح شده اند، ظاهراً تکلیفی یا تعبّدی محض نیستند؛ زیرا مطلوبیت تام آنها در صورتی است که نیایشگر، حال متناسب با آنها را داشته باشد. در غیر این صورت، از تأثیر

1- ر. ک: تحلیلی درباره بلند کردن دست به سوی آسمان در هنگام دعا.

حال و هیئت مورد اشاره، به همان اندازه پوسته و صورت ظاهری اش بهره مند خواهد شد؛ بلکه حتی ممکن است حال درونی نیایشگر، چنان با وضع و حال ظاهرش در تعارض باشد که عمل وی بازی و استهزا به نظر برسد؛ چیزی که قطعاً مذموم است، و لذا امام صادق علیه السلام می فرماید: ... وَلَا يَبْتَهَلُ حَتَّى تَجْرِيَ الدَّمْعَةُ (1)... واستغاثه نکند، تا این که اشک جاری شود. از این رو، احتمال تعبّدی بودن این هیئت ها - چنان که ابن فهد رحمه الله در آغاز تبیین این دسته احادیث اشاره نموده - بعید به نظر می رسد. وی در این باره می گوید: «این گونه هیئت ها، یا به جهت علّتی است که ما نمی دانیم و یا شاید مراد از باز کردن دست ها در دعا، در حالت رغبت و انتظار، این باشد که چنین هیئتی، نزدیک ترین حالت برای درخواست کننده در گسترش آرزوها، و خوش گمانی به برخوردار شدن از نعمت های خدا، و امیدش به نیل به فضل خدا باشد. پس درخواست کننده، با آرزو طلب می کند و دستانش را باز می کند تا احسان در آن قرار بگیرد. اما مراد از قرار دادن پشت دست ها به سوی آسمان در حال ترس و نگرانی در دعا، این است که بنده با زبان خواری و کوچکی، به دانای نهان ها و رازها می گوید: من کف دستانم را به سوی تو ننگشودم و آنها را به سمت زمین قرار دادم به خاطر خواری و خجالت در برابر تو. مراد از ناله و زاری با تکان دادن انگشتان به چپ و راست، تأسی کردن به مصیبت زده در حوادث بس ناگوار است. مصیبت زده، دستان خود را به سمت بالا و پایین و چپ و راست، تکان می دهد و با آن، ناله سر می دهد.

مراد از تَبُّل با بالا و پایین بردن انگشتان، با توجه به این که تَبُّل به معنای بریدن از همه چیز و پیوستن به خداوند است، به این معناست که گویا دعا کننده، با زبان حال به خداوند برآورنده امیدها و آرزوها می گوید: به سوی تو و تنها به سوی تو، از همه چیز بریدم؛ چرا که تو شایسته خداوندگاری هستی. پس دعا کننده، تنها با یک انگشت، و نه بیشتر، اشاره به یگانگی خداوند می کند. مراد از زاری و نیایش، با بالا آوردن دست ها به مقابل صورت و رو به قبله، یا بالا آوردن دست ها و بازوها به سوی آسمان، یا بالاتر از سر بردن دست ها (به حسب روایات)، در واقع، نوعی بندگی و کوچکی کردن و اظهار حقارت و ناچیزی است، همانند کسی که در حال غرق شدن است و دستانش را دراز می کند و بازوانش را می گشاید و به دامن رحمت خداوند، چنگ می زند و به ذیل عنایت و رأفت او می آویزد؛ رأفتی که هلاک شدگان را می رها کند و ماتم زدگان را فردیارس است و جهانیان را فرا می گیرد و این، مقام ارجمندی است که نباید بنده در پی آن باشد، جز هنگام اشک ریختن و فراهم آمدن آه و ناله و قرار گرفتن در جایگاه بنده ای ذلیل و مشغول شدن به آفریدگار ارجمندش برای برآوردن آمال و روی آوردن به درخواست و خواهش. مراد از استکانت، با بالا بردن دست ها تا شانه ها، به این معناست که دعا کننده، گویا جنایتکاری است که به سمت مولایش برده می شود و هوسش او را به بند کشیده و اشیای سنگین به پای او بسته است و با زبان حال، نجوا می کند که: اینها دستان من اند که در پیشگاه تو، به خاطر ستم و جسارتی که بر تو روا داشته ام، آنها را بسته ام». (1)

الفصل الثالث: إجابة الدعاء الباب الأول: تأكيد الوعد بالإجابة 1 / 1 الدعاء باب الإجابة الكتاب «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (1). (2)

1- البقرة: 186 .

2- قال العلامة الطباطبائي قدس سره: أحسن بيان لما اشتمل عليه من المضمون وأرق أسلوب وأجمله؛ فقد وضع أساسه على التكلم وحده دون الغيبة ونحوها، وفيه دلالة على كمال العناية بالأمر، ثم قوله: «عِبَادِي» - ولم يقل: الناس وما أشبهه - يزيد في هذه العناية، ثم حذف الوسطة في الجواب حيث قال: «فَأِنِّي قَرِيبٌ» ولم يقل: فقل إنه قريب، ثم التأكيد بإن، ثم الإتيان بالصفة دون الفعل الدال على القرب ليدل على ثبوت القرب ودوامه، ثم الدلالة على تجدد الإجابة واستمرارها حيث أتى بالفعل المضارع الدال عليهما، ثم تقييده الجواب أعنى قوله: «أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ» بقوله: «إِذَا دَعَانِ»، وهذا القيد لا يزيد على قوله: «دَعْوَةَ الدَّاعِ» المقيد به شيئا بل هو عينه، وفيه دلالة على أن دعوة الداع مجابة من غير شرط وقيد كقوله تعالى: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر: 60) فهذه سبع نكات في الآية تنبئ بالاهتمام في أمر استجابة الدعاء والعناية بها، مع كون الآية قد كرر فيها - على إيجازها - ضمير المتكلم سبع مرّات، وهي الآية الوحيدة في القرآن على هذا الوصف (الميزان في تفسير القرآن: ج 2 ص 30).

فصل سوم : اجابت دعا

باب یکم : تأکید بر وعده «اجابت»

1 / 1 دعا ، در اجابت است

فصل سوم : اجابت دعاباب یکم : تأکید بر وعده «اجابت» 1 / 1 دعا ، در اجابت استقرآن «و هر گاه بندگانم درباره من از تو می پرسند ، [بگو :] من نزدیکم و دعای دعوت کننده را ، آن گاه که مرا بخواند ، اجابت می کنم . پس ، آنان [نیز] باید مرا اجابت [و فرمان برداری] کنند و به من ایمان آورند . باشد که راه یابند» . (1)

1- .. علامه طباطبایی می گوید : آیه ، بهترین و لطیف ترین سبک و کوتاه ترین بیان برای مضمونش دارد و تنها بر گوینده متمرکز شده است ، بی آن که از شخص غایب و امثال آن ، سخنی به میان آورد . همین بر کمال توجه خداوند به اجابت دعا دلالت دارد . اما این که به جای «الناس (مردم)» و امثال آن ، از «عبادی (بندگانم)» استفاده کرده ، برای تأکید بر چنان توجهی است . و واسطه اجابت دعا را هم حذف کرده و فرموده است : «من نزدیکم» و فرموده : بگو او نزدیک است ، و با کلمه «ان» نیز بر آن تأکید کرده است . همچنین نزدیک بودن خود را با صفت و نه با فعل ، بیان کرده تا بر ثبوت و تداوم نزدیکی اش اشاره نماید و با آوردن فعل مضارع بر تجدید اجابت و تداوم آن تأکید ورزیده است . مقید کردن اجابت دعا در «أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ ؛ دعای دعاکننده را اجابت می کنم» با «إِذَا دَعَانِ ؛ هر گاه مرا بخواند» ، بیش از «دَعْوَةَ الدَّاعِ» نکته ای ندارد و این دو ، عین هم اند و بر این دلالت می کند که دعای دعا کننده ، بی هیچ قید و شرطی به اجابت می رسد ؛ مانند این آیه : «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ؛ مرا بخوانید تا پاسختان دهم» . این ، هفت نکته در آیه که حکایت از اهتمام و توجه ویژه به اجابت دعا می کند ، با در نظر داشتن این که آیه به رغم کوتاهی اش ، هفت ضمیر متکلم دارد و تنها آیه قرآن با این ویژگی است (المیزان فی تفسیر القرآن : ج 2 ص 30) .

«وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» . (1)

«وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلْمٌ كَفَّارٌ» . (2)

«لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبْسٌ سَطَّ كَفَيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِلِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ» (3) . (4)

الحديث 1594. الخرائج و الجرائح (_ به نقل از ابن أرومه _) رسول الله صلى الله عليه وآله ... ما كان الله ليفتح باب الدعاء ويُغلق باب الإجابة ؛ لِأَنَّهُ يَقُولُ : «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» . (5) 1595. الإمام الهادي عليه السلام (_ من كتابه في أمر فارس بن حاتم _) عنه صلى الله عليه وآله : ... مَنْ أَعْطَى الدُّعَاءَ لَمْ يُحْرَمِ الإِجَابَةَ ؛ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ : «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» . (6) .

1- .غافر : 60 وراجع : البغض / أبغض الناس إلى الله / من يستكبر عن الدعاء .

2- .إبراهيم : 34 .

3- .الرعد : 14 .

4- .ولمّا كانت الآية الكريمة قرّر فيها التقابل بين قوله : «لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ» وبين قوله : «وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ» الخ الذى يذكر أنّ دعاء غيره خال عن الاستجابة ، ثمّ يصف دعاء الكافرين بأنّه «فِي ضَلَالٍ» علمنا بذلك أنّ المراد بقوله : «دَعْوَةُ الْحَقِّ» الدعوة الحقّة غير الباطلة وهى الدعوة التى يسمعها المدعوّ ، ثمّ يستجيبها البتّة ، وهذا من صفاته تعالى وتقدّس ؛ فإنّه سميع الدعاء قريب مجيب ، وهو الغنىّ ذو الرحمة (الميزان فى تفسير القرآن : ج 11 ص 317) .

5- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 237 ، نهج البلاغة : الحكمة 435 ، عدّة الداعى : ص 23 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام ، الجعفرىّات : ص 222 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وكلّهما نحوه إلى «الإجابة» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 366 ح 15؛ الفردوس : ج 4 ص 88 ح 6273 عن أنس وفيه إلى «الإجابة» ، كنز العمال : ج 3 ص 737 ح 8618 نقلاً عن ابن ماجه والعسكرى عن محمّد بن كعب القرظى عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه .

6- .شعب الإيمان : ج 4 ص 125 ح 4528 و ص 126 ح 4529 كلاهما عن عبد الله بن مسعود ، نواذر الأصول : ج 1 ص 417؛ الكافى : ج 2 ص 65 ح 6 ، الخصال : ص 101 ح 56 كلاهما عن معاوية بن وهب عن الإمام الصادق عليه السلام ، خصائص الأئمّة عليهم السلام : ص 103 وكلّهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 278 ح 8 وراجع معانى الأخبار : ص 324 .

«و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانید تا پاسختان دهم. همانا کسانی که از عبادت من سرکشی می کنند، زودا که با خواری به دوزخ درآیند»

«و از هر آنچه از او خواسته اید، به شما داده است، و اگر نعمت های خدا را بشمارید، نمی توانید آمار آنها را بگیرید. راستی که انسان، ستمکار و ناسپاس است.»

«دعوت حق، برای اوست. و کسانی (مشرکان) که جز او را می خوانند، هیچ جوابی به آنان نمی دهند، مگر مانند کسی که دو دستش را به سوی آب بگشاید تا [آب] به دهانش برسد، در حالی که [آب] به [دهان] او نخواهد رسید و دعای کافران، جز هدر نخواهد بود». (1)

حدیث 1598. الإمام الهادی علیه السلام (_ مِمَّا كَتَبَهُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ عَمْرٍو الْقَزْوِينِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چنین نیست که خداوند، در دعا را بگشاید و در اجابت را ببندد؛ چرا که خود می فرماید: «مرا بخوانید تا پاسختان دهم». 1599. الإمام الهادی علیه السلام (_ فِي كِتَابِهِ إِلَى الْعَبِيدِيِّ _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ... به هر که [توفیق] دعا داده شود، از اجابت محروم نمی شود؛ چرا که خداوند عز و جل می فرماید: «مرا بخوانید تا پاسختان دهم» . .

1- در آیه شریف، از این که میان دعا به درگاه خداوند («لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ») و دعا به غیر خدا («وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ») تقابل ایجاد کرده و درباره دومی گفته که دعا به غیر خدا، به اجابت نمی رسد و آن گاه کافران را توصیف کرده که دعایشان هدر است، به دست می آید که مراد از «دَعْوَةُ الْحَقِّ»، دعای حقی است که باطلی در آن راه ندارد و دعا شونده آن را می شنود و البته اجابت هم می کند و این، از صفات خداوند والای پاک است؛ چرا که او شنونده دعاست و نزدیک و اجابت کننده است و توانگر است و اهل رحمت (المیزان فی تفسیر القرآن: ج 11 ص 317).

1597. رجال الكشي (_ به نقل از ابو محمد رازی _) عنه صلى الله عليه وآله : مِمَّا أُعْطِيَ اللَّهُ أُمَّتِي وَفَضَّلَهُمْ بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَّمِ ، أَعْطَاهُمْ ثَلَاثَ خِصَالٍ لَمْ يُعْطَهَا إِلَّا نَبِيٌّ ، وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ _ تَبَارَكَ وَتَعَالَى _ كَانَ إِذَا بَعَثَ نَبِيًّا قَالَ لَهُ : . . . إِذَا أَحْزَنَكَ أَمْرٌ تَكْرَهُهُ فَادْعُنِي أَسْتَجِبْ لَكَ ، وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أُعْطِيَ أُمَّتِي ذَلِكَ حَيْثُ يَقُولُ : «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» . (1) 1598. امام هادی علیه السلام (_ از نامه ای به دست خط ایشان به علی بن عمرو قزوی) عنه صلى الله عليه وآله في وصيته لعلِّي عليه السلام لَمَّا بَعَثَهُ إِلَى الْيَمَنِ _ : يَا عَلِيُّ ، أَوْصِيكَ بِالْدُّعَاءِ ؛ فَإِنَّ مَعَهُ الْإِجَابَةَ ، وَبِالشُّكْرِ ؛ فَإِنَّ مَعَهُ الْمَزِيدَ . (2) 1599. امام هادی علیه السلام (_ در نامه ایشان به عبيدي _) عنه صلى الله عليه وآله : إِذَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ الدُّعَاءَ فَلْيَدْعُ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَسْتَجِيبُ لَهُ . (3) 1600. رجال الكشي عن سهيل بن محمد (_ فيما كتبه إلى الإمام الهادي عليه السلام) عنه صلى الله عليه وآله : مَا فَتِحَ لِأَحَدٍ بَابٌ دُعَاءٍ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ لَهُ فِيهِ بَابَ إِجَابَةٍ ، فَإِذَا فَتِحَ لِأَحَدِكُمْ بَابٌ دُعَاءٍ فَلْيَجْهَدْ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَمَلُّ حَتَّى تَمَلُّوا . (4) 1601. رجال الكشي عن محمد بن عيسى : عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَسْتَجِيبَ لِعَبْدٍ ، أذِنَ لَهُ فِي الدُّعَاءِ . (5) .

-
- 1- .قرب الإسناد: ص 84 ح 277 عن مسعدة بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 290 ح 10 .
 - 2- .الأمالي للطوسي : ص 597 ح 1239 عن الفضل بن المفضل الأشعري عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 21 ص 361 ح 4 .
 - 3- .نوادير الأصول : ج 1 ص 419 ، الفردوس : ج 1 ص 336 ح 1340 عن أنس ، كنز العمال : ج 2 ص 64 ح 3131 .
 - 4- .الأمالي للطوسي : ص 6 ح 5 عن أنس وراجع سنن الترمذي : ج 5 ص 552 ح 3548 والمستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 675 ح 1833 .
 - 5- .الدر المنثور : ج 1 ص 473 نقلاً عن ابن مردويه ، كنز العمال : ج 2 ص 68 ح 3156 نقلاً عن الديلمي وكلاهما عن ابن عمر .

1602. رجال الکشی عن سهل بن زیاد الآدمی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از جمله چیزهایی که خداوند به امت من عطا فرمود و بدان وسیله آنها را بر سایر امت ها برتری داد، سه چیز است که این سه چیز جز به پیامبر داده نمی شود. دلیل [آن هم] این است که خداوند - تبارک و تعالی - هر گاه پیامبری می فرستاد، به او می فرمود: «... هر گاه امری ناخوشایند اندوهگینت ساخت، مرا بخوان تا پاسخت دهم» و خداوند متعال این را به امت من نیز عطا کرد، آن جا که می فرماید: «مرا بخوانید تا پاسختان دهم». 1600. رجال الکشی (به نقل از سهیل بن محمّد، درباره نامه اش به اما) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در سفارش های خویش به علی علیه السلام، آن گاه که او را به یمن فرستاد - ای علی! تو را به دعا کردن سفارش می کنم؛ چرا که با اجابت همراه است، و به شکرگزاری؛ چرا که با آن، افزونی [نعمت] است. 1601. رجال الکشی (به نقل از محمّد بن عیسی -) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه خداوند در دعا را بر بنده ای گشود، (1) دعا کند؛ چرا که خداوند دعایش را مستجاب می کند. 1602. رجال الکشی (به نقل از سهل بن زیاد آدمی -) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای هیچ کس در دعایی گشوده نشد، مگر آن که خداوند در اجابتی را در آن دعا برایش گشود. پس هر گاه برای یکی از شما در دعایی باز شد، در دعا کردن بکوشد؛ چرا که خداوند عز و جل خسته نمی شود تا آن که شما خسته شوید. 1603. إعلام الوری عن الحسین بن محمّد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند هر گاه بخواهد حاجت بنده ای را برآورد، به او اجازه (توفیق) دعا کردن می دهد. .

1- یعنی زمینه برای دعا کردن فراهم شد و حال دعا برای دعاکننده پدید آمد.

1603. إعلام الوري (_ به نقل از حسين بن محمد _) عنه صلى الله عليه وآله : ما أذن الله عز وجل لعبد في الدعاء حتى أذن له في الإجابة . (1) 1604. مهج الدعوات عن زرافة حاجب المتوكل وكان شيعيًا : عنه صلى الله عليه وآله : أفضل العبادات الدعاء ، وإذا أذن الله للعبد في الدعاء فتح له باب الرحمة ، إنه لن يهلك مع الدعاء أحد . (2) 1604. مهج الدعوات (_ به نقل از زرافه ، حاجب متوكل كه شيعه بود _) الإمام الصادق عليه السلام : أكثروا من أن تدعوا الله ؛ فإن الله يحب من عباده المؤمنين أن يدعوه ، وقد وعد الله عبادة المؤمنين بالإستجابة ، والله مصير دعاء المؤمنين يوم القيامة لهم عملاً يزيدهم به في الجنة . (3) 1605. إثبات الوصية : عنه عليه السلام : الدعاء كهف الإجابة ، كما أن السحاب كهف المطر . (4) 1605. إثبات الوصية : عنه عليه السلام : كان فيما ناجى الله عز وجل به موسى بن عمران عليه السلام أن قال له : ... يابن عمران ، هب لي من قلبك الخشوع ، ومن بدنك الخضوع ، ومن عينيك الدموع في ظلم الليل ، وادعني ؛ فإنك تجدني قريباً مجيباً . (5) 1606. رجال الكشي عن محمد بن موسى الهمداني : الكافي عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام : فيما وعظ الله عز وجل به عيسى عليه السلام : يا عيسى ... ايعني عند سادك تجدني ، وادعني وأنت لي محب ؛ فإني أسمع السامعين ، أستجيب للداعين إذا دعوني . (6) .

- 1- .حلية الأولياء : ج 3 ص 263 ، الفردوس : ج 4 ص 86 ح 6269 كلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج 2 ص 66 ح 3144 .
- 2- .عدة الداعي : ص 35 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 237 ، إرشاد القلوب : ص 148 نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 302 ح 39 .
- 3- .الكافي : ج 8 ص 7 ح 1 عن إسماعيل بن مخلد السراج وإسماعيل بن جابر ، تحف العقول : ص 314 نحوه ، بحار الأنوار : ج 78 ص 215 ح 93 .
- 4- .الكافي : ج 2 ص 471 ح 1 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 9 ح 1987 ، عدة الداعي : ص 33 كلها عن عبد الله بن ميمون القداح ، بحار الأنوار : ج 93 ص 295 ح 23 .
- 5- .الأمالي للصدوق : ص 438 ح 577 عن المفصل بن عمر ، عدة الداعي : ص 193 عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهما السلام ، روضة الواعظين : ص 361 ، بحار الأنوار : ج 13 ص 330 ح 7 .
- 6- .الكافي : ج 8 ص 131 ح 103 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 143 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 14 ص 294 ح 14 .

1606. رجال الکشی (_ به نقل از محمد بن موسی همدانی _) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل به هیچ بنده ای اجازه دعا کردن نمی دهد ، مگر آن که اجازه اجابت [آن] را داده است . 1607. الغیبة للطوسی عن علی بن محمد بن زیاد الصیمری : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برترین عبادت ها دعاست ، و هر گاه خداوند به بنده ای اجازه (توفیق) دعا کردن دهد ، در رحمت را به رویش می گشاید . با وجود دعا هرگز کسی به هلاکت نمی رسد . 1607. الغیبة ، طوسی (_ به نقل از علی بن محمد بن زیاد صیمری _) امام صادق علیه السلام : به درگاه خداوند زیاد دعا کنید ؛ زیرا خدا دوست دارد که بندگان مؤمنش او را بخوانند . و خدا به بندگان مؤمنش وعده اجابت داده است ، و خدا دعای مؤمنان را در روز قیامت برایشان تبدیل به عمل می کند و به واسطه آن ، بر درجانشان در بهشت می افزاید . 1608. رجال الکشی عن ابي حامد أحمد بن إبراهيم المرأغی : امام صادق علیه السلام : دعا مخزن اجابت است ، چنان که ابر مخزن باران است . 1608. رجال الکشی (_ به نقل از ابو حامد احمد بن ابراهیم مرأغی _) امام صادق علیه السلام : از جمله سخنانی که خداوند در نجواهایش با موسی بن عمران علیه السلام به او فرمود ، این بود که : « ... ای پور عمران ! از دلت به من کرنش ببخش ، و از بدنت فروتنی ، و از چشمانت اشک ها در تاریکی شب ها را ، و مرا بخوان ، که حتما مرا نزدیک و اجابت کننده خواهی یافت » . 1609. الاحتجاج (_ فی ذکر توفیق خراج من التاجیة الموق) الکافی _ به نقل از علی بن اسباط ، از معصومان علیهم السلام : از جمله اندرزهای خداوند عز و جل به عیسی علیه السلام این بود که : « ای عیسی ! ... مرا نزد بالینت بجوی ، می یابی ام ، و مرا عاشقانه بخوان ، که من شنواترین شنوایانم ، و دعاکنندگان را ، هر گاه مرا بخوانند ، اجابت می کنم » . .

1609. الاحتجاج (_ در یادکرد از توقیعی { -1- } که از ناحیه مقدسه ،) تحف العقول _ من مُنَاجَاةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا مُوسَى ، مُرَّ عِبَادِي يَدْعُونِي عَلَى مَا كَانُوا بَعْدَ أَنْ يُقَرِّوْا بِي أَنْتِي أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ، أُجِيبُ الْمُضْطَرِّينَ وَأَكْشِفُ السُّوءَ ... فَمَنْ لَجَأَ إِلَيْكَ وَانْضَوَى (1) إِلَيْكَ مِنَ الْخَاطِئِينَ فَقُلْ : أَهْلًا وَسَهْلًا بِأَرْحَبِ الْفِنَاءِ ، نَزَلَتْ بِفِنَاءِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ ، وَكُنْ لَهُمْ كَأَخَدِهِمْ ، وَلَا تَسْتَطِلْ عَلَيْهِمْ بِمَا أَنَا أَعْطَيْتَكَ فَضْلَهُ ، وَقُلْ لَهُمْ فَيَسْأَلُونِي مِنْ فَضْلِي وَرَحْمَتِي ، فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا أَحَدٌ غَيْرِي وَأَنَا ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ، كَهْفُ الْخَاطِئِينَ ، وَجَلِيسُ الْمُضْطَرِّينَ ، وَمُسْتَغْفِرُ لِلْمُذْنِبِينَ ، إِنَّكَ مِنِّي بِالْمَكَانِ الرَّضِيِّ ، فَادْعُنِي بِالْقَلْبِ النَّقِيِّ وَاللِّسَانِ الصَّادِقِ ، وَكُنْ كَمَا أَمَرْتُكَ ، أَطِعْ أَمْرِي وَلَا تَسْتَطِلْ عَلَى عِبَادِي بِمَا لَيْسَ مِنْكَ مُبْتَدِئُهُ ، وَتَقَرَّبْ إِلَيَّ فَإِنِّي مِنْكَ قَرِيبٌ ، فَإِنِّي لَمْ أَسْأَلْكَ مَا يُؤْذِيكَ ثِقَلُهُ وَلَا حَمَلُهُ ، إِنَّمَا سَأَلْتُكَ أَنْ تَدْعُونِي فَأُجِيبَكَ ، وَأَنْ تَسْأَلَنِي فَأَعْطِيكَ ، وَأَنْ تَتَقَرَّبَ إِلَيَّ بِمَا مِنِّي أَخَذْتَ تَأْوِيلَهُ ، وَعَلَيَّ تَمَامٌ تَنْزِيلِهِ . (2) 1 / 2 مَنْ قَرَعَ بَابَ اللَّهِ فَتَرَحَّ لِهَرَسِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : مَنْ أَعْظَمَ مِنِّي جُودًا؟! أَكَلَوْهُمْ (3) فِي مَضَاجِعِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَمْ يَعْصُونِي ، وَمَنْ كَرَمَى أَتَى أَقْبَلَ تَوْبَةَ التَّائِبِ حَتَّى كَأَنَّهُ لَمْ يَزَلْ تَائِبًا . مَنْ ذَا الَّذِي قَرَعَ بَابِي فَلَمْ أَفْتَحْ لَهُ؟! مَنْ ذَا الَّذِي سَأَلَنِي فَلَمْ أُعْطِهِ؟! أَبْخِيلُ أَنَا فَيُبْخِلُنِي عَبْدِي؟! (4)

1- انضوى إليه : ضوى ، أى مالَ وانضمَّ إليه (المعجم الوسيط : ج 1 ص 547 «ضوى»).

2- تحف العقول : ص 495 ، الكافي : ج 8 ص 48 ح 8 نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 39 ح 7 .

3- الكِلااة : الحفظ والحراسة (النهاية : ج 4 ص 194 «كلا»).

4- الفردوس : ج 5 ص 247 ح 8092 عن أنس ، كنز العمال : ج 4 ص 229 ح 10296 .

1 / 2 هر که در [خانه] خدا را بگوید ، برایش باز می شود

تحف العقول_ در مناجات خداوند عز و جل با موسی علیه السلام_: ای موسی! به بندگانم فرمان بده تا پس از اقرار به [یگانگی] من ، مرا بخوانند که من مهربان ترین مهربانانم ، دعای بینوایان را اجابت و بدی را برطرف می کنم پس ، هر خطاکاری که به تو پناه آورد و به تو چسبید ، بگو : «خوش آمدی به بهترین آستانه . تو به آستانه پروردگار عالمیان وارد شده ای» . برایشان آمرزش بخواه و با آنان همانند یکی از خودشان باش و به خاطر آنچه به تو داده ام ، و بر آنها به واسطه آنچه فضلش را من به تو بخشیده ام فخر مفروش و به آنان بگو تا فضل و رحمت مرا از من بخواهند که جز خودم ، هیچ کس اختیاردار رحمت من نیست و من اهل فضل بزرگم ، پناهگاه خطاکارانم ، همنشین درماندگانم ، و آن که گنهکاران از او آمرزش می طلبند . تو در نزد من جایگاه پسندیده ای داری . پس با دل پاک و زبان راست مرا بخوان ، و چنان باش که به تو دستور داده ام : از فرمانم اطاعت کن ، و بر بندگانم به واسطه چیزی که ابتدایش از تو نیست [و من آن را به تو داده ام] فخر مکن ، و خود را به من نزدیک گردان که من به تو نزدیکم . من چیزی را که گران است و بار آن آزارت می دهد ، از تو نخواستم ؛ بلکه از تو خواسته ام که مرا بخوانی تا اجابت کنم ، و از من بخواهی تا عطایت کنم ، و با چیزی که تأویلش (باطنش) را از من گرفته ای و کامل کردن تنزیلش بر عهده من است ، خود را به من نزدیک گردانی.

1 / 2 هر که در خانه خدا را بگوید ، برایش باز می شود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل می فرماید : کیست بخشنده تر از من؟ آنان را در بسترهایشان چنان محافظت می کنم که گویی اصلاً مرا نافرمانی نکرده اند . از بزرگواری من است که توبه توبه کننده را چنان می پذیرم که گویی همواره توبه گر بوده [و اصلاً گناهی نکرده] است . کیست که در خانه مرا کوید و برایش نگشودم؟ کیست که از من درخواست کرد و به او ندادم؟ آیا من بخیلیم که بنده ام مرا بخیل می شمارد؟

عدّة الداعي: فيما أوحى الله تعالى إلى داود عليه السلام: مَنْ انْقَطَعَ إِلَيَّ كَفَيْتُهُ، وَمَنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ، وَمَنْ دَعَانِي أَجَبْتُهُ . (1)

الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ قَرَعَ بَابَ اللَّهِ فَتَحَ لَهُ . (2)

عنه عليه السلام: مَنْ اسْتَأْذَنَ عَلَيَّ اللَّهُ أَذِنَ لَهُ . (3)

عنه عليه السلام: مَنْ دَعَا اللَّهَ أَجَابَهُ . (4)

عنه عليه السلام: مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ، وَمَنْ سَأَلَهُ أَعْطَاهُ . (5)

بحار الأنوار: في صحيفَةِ إدریس النَّبِيِّ عليه السلام: مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيَّ اللَّهُ كَفَاهُ، وَمَنْ اسْتَرَعَاهُ رَعَاهُ، وَمَنْ قَرَعَ بَابَهُ افْتَتَحَ، وَمَنْ سَأَلَهُ أَنْجَحَ . (6)

الإمام زين العابدين عليه السلام: في مُنَاجَاةِ الرَّاجِينَ -: إلهي مِنَ الَّذِي نَزَلَ بِكَ مُلْتَمِسًا قِرَاكَ فَمَا قَرَيْتَهُ؟! وَمَنِ الَّذِي أَنَاخَ بِبَابِكَ مُرْتَجِيًا نَدَاكَ فَمَا أَوْلَيْتَهُ؟! أَيَحْسُنُ أَنْ أَرْجِعَ عَنْ بَابِكَ بِالْخَيْبَةِ مَصْرُوفًا وَلَسْتُ أَعْرِفُ سِوَاكَ مَوْلَى بِالْإِحْسَانِ مَوْصُوفًا؟! (7)

عنه عليه السلام: في زِيَارَةِ أَمِينِ اللَّهِ -: اللَّهُمَّ إِنَّ... أَصْوَاتَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ، وَأَبْوَابَ الإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَتِحَةٌ، وَدَعْوَةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ . (8)

1- عدّة الداعي: ص 31، إرشاد القلوب: ص 153، بحار الأنوار: ج 14 ص 42 ح 34.

2- غرر الحكم: ح 8292، عيون الحكم والمواعظ: ص 447 ح 7884.

3- غرر الحكم: ح 8291، عيون الحكم والمواعظ: ص 447 ح 7883.

4- غرر الحكم: ح 9100، عيون الحكم والمواعظ: ص 425 ح 7197.

5- نهج البلاغة: الخطبة 90، غرر الحكم: ح 8073 وفيه ذيله، بحار الأنوار: ج 77 ص 306 ح 10.

6- بحار الأنوار: ج 95 ص 462.

7- بحار الأنوار: ج 94 ص 144 ح 21 نقلاً عن بعض الكتب.

8- كامل الزيارات: ص 93 ح 93 عن مهدي بن صدقة الرقي عن الإمام الرضا عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، مصباح المتهجّد: ص

739 ح 829، فرحة الغرى: ص 41 كلاهما عن جابر الجعفي عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 100 ص 264 ح 2.

عَدَّة الداعی: از جمله سخنانی که خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی فرمود، این بود که: «هر که تنها به من تکیه کند، او را کفایت می‌کنم، و هر که از من درخواست کند، به او عطا می‌کنم، و هر که مرا بخواند، پاسخش می‌دهم».

امام علی علیه السلام: هر که در خدا را بکوبد، به رویش باز می‌شود.

امام علی علیه السلام: هر که از خدا [برای ورود] اجازه بطلبد، اجازه اش می‌دهد.

امام علی علیه السلام: هر که خدا را بخواند، پاسخش می‌دهد.

امام علی علیه السلام: هر که به خدا توکل کند، خداوند او را از دیگران بی‌نیاز می‌کند، و هر که از او درخواست کند، به او عطا می‌نماید.

بحار الأنوار: در کتاب ادریس پیامبر علیه السلام آمده است: «هر که به خدا توکل کند، خداوند امورش را کفایت می‌کند، و هر که از او نگهداری طلبد، خداوند نگهدارش خواهد بود، و هر که در او را بکوبد، برایش می‌گشاید، و هر که از او درخواست کند، کامیاب می‌شود».

امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات امیدواران»:- معبود من! کیست که بر تو وارد شده و درخواست پذیرایی تو را کرده باشد و پذیرایی اش نکرده باشی؟ کیست که به امید بخشش تو به درگاہت بار افکنده باشد و تو به او احسان نکرده باشی؟ آیا خوب است که نومید از درگاہت بازگردم، در حالی که جز تو، آقای موصوف به نیکوکاری و بزرگواری نمی‌شناسم؟!

امام زین العابدین علیه السلام در زیارت «امین الله»:- بار خدایا! ... صدای دعاکنندگان به درگاه تو فراز می‌آید، و درهای اجابت برایشان باز است، و دعای کسی که با تو مناجات کند، مستجاب است.

الإمام الصادق عليه السلام: يا مُيسِّرُ، ادعُ ولا تُقل: إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ فُرِغَ مِنْهُ، إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ عِزَّ وَجَلْمَنْزِلَةً لَا تُنَالُ إِلَّا بِمَسْأَلَةٍ، وَلَوْ أَنَّ عَبْدًا سَدَّ فَاةً وَلَمْ يَسْأَلْ لَمْ يُعْطَ شَيْئًا، فَسَلْ تُعْطَ . يا مُيسِّرُ، إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ بَابٍ يُفْرَعُ إِلَّا يُوْشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ . (1)

عنه عليه السلام: يا مَنْ لَا يَخِيْبُ سَائِلُهُ، وَلَا يَنْقُصُ نَائِلُهُ . (2)

كنزالفوائد: مِمَّا رُوِيَ عَنِ لُقْمَانَ مِنْ حِكْمَتِهِ وَوَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ: يَا بَنِيَّ ... سَلْ فِي النَّاسِ: هَلْ مِنْ أَحَدٍ دَعَا اللَّهَ فَلَمْ يُجِبْهُ؟ أَوْ سَأَلَهُ فَلَمْ يُعْطِهِ؟ (3)

تفسير القمى_ في خَبَرِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَارُونَ_-: ... فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: قَدْ أَمَرْتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تُطِيعَكَ فَمُرَّهَا بِمَا شِئْتَ . وَقَدْ كَانَ قَارُونَ قَدْ أَمَرَ أَنْ يُغْلَقَ بَابُ الْقَصْرِ، فَأَقْبَلَ مُوسَى فَأَوْمَأَ إِلَى الْأَبْوَابِ فَانْفَرَجَتْ، وَدَخَلَ عَلَيْهِ، فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ قَارُونَ عَلِمَ أَنَّهُ قَدْ أُوتِيَ [بِالْعَذَابِ] (4)، فَقَالَ: يَا مُوسَى أَسَأَلُكَ بِالرَّحِمِ الَّذِي بَيْنِي وَبَيْنَكَ . فَقَالَ لَهُ مُوسَى: يَا بَنَ لَاوِي، لَا تَزِدْنِي مِنْ كَلَامِكَ! يَا أَرْضُ خُذِيهِ، فَدَخَلَ الْقَصْرُ بِمَا فِيهِ فِي الْأَرْضِ، وَدَخَلَ قَارُونَ فِي الْأَرْضِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ، فَبَكَى وَحَلَفَهُ بِالرَّحِمِ، فَقَالَ لَهُ مُوسَى: يَا بَنَ لَاوِي، لَا تَزِدْنِي مِنْ كَلَامِكَ، يَا أَرْضُ خُذِيهِ وَابْتَلِعِيهِ بِقَصْرِهِ وَخَزَائِنِهِ . وَهَذَا مَا قَالَ مُوسَى لِقَارُونَ يَوْمَ أَهْلَكَهُ اللَّهُ، فَعَيَّرَهُ اللَّهُ بِمَا قَالَهُ لِقَارُونَ، فَعَلِمَ مُوسَى أَنَّ اللَّهَ قَدْ عَيَّرَهُ بِذَلِكَ، فَقَالَ: يَا رَبِّ، إِنَّ قَارُونَ دَعَانِي بِغَيْرِكَ وَلَوْ دَعَانِي بِكَ لَأَجَبْتُهُ . فَقَالَ اللَّهُ: مَا قُلْتَ يَا بَنَ لَاوِي، لَا تَزِدْنِي مِنْ كَلَامِكَ؟ فَقَالَ مُوسَى: يَا رَبِّ، لَوْ عَلِمْتُ أَنَّ ذَلِكَ لَكَ رِضَى لَأَجَبْتُهُ . فَقَالَ اللَّهُ: يَا مُوسَى، وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَجُودِي وَمَجْدِي وَعُلُوُّ مَكَانِي، لَوْ أَنَّ قَارُونَ كَمَا دَعَاكَ دَعَانِي لَأَجَبْتُهُ، وَلَكِنَّهُ لَمَّا دَعَاكَ وَكَلَّمْتَهُ إِلَيْكَ . (5)

- 1- الكافي: ج 2 ص 466 ح 3، عدّة الداعي: ص 23 كلاهما عن ميسر بن عبدالعزيز .
- 2- تهذيب الأحكام: ج 5 ص 276 ح 945 عن معاوية بن عمّار وج 3 ص 97 ح 258 عن إبراهيم بن عمر عنهم عليهم السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 535 وفيهما «لا ينفد» بدل «لا ينقص»، بحار الأنوار: ج 100 ص 416 ح 69 .
- 3- كنزالفوائد: ج 2 ص 66، بحار الأنوار: ج 13 ص 432 ح 24 وفي صدره «يا بني ادع الله ثم سل...» .
- 4- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .
- 5- تفسير القمى: ج 2 ص 145، بحار الأنوار: ج 13 ص 251 ح 1 .

امام صادق علیه السلام: ای میسر! دعا کن و مگو که کار تمام شده است. نزد خداوند عز و جل منزلتی است که جز با درخواست، به دست نمی آید. اگر بنده دهانش را ببندد و درخواست نکند، چیزی به او داده نمی شود. پس بخواه تا به تو داده شود. ای میسر! هیچ دری نیست که کوبیده شود، مگر آن که سرانجام به روی کوبنده اش باز می شود.

امام صادق علیه السلام: ای کسی که درخواست کننده اش نوید نمی گردد و عطایش را کاستی نیست!

کنز الفوائد: از جمله حکمت ها و توصیه هایی که از لقمان به فرزندش روایت شده، این است که: «پسرم! ... در میان مردم جستجو کن، ببین: آیا کسی یافت می شود که به درگاه خدا دعا کرده باشد و اجابتش نکرده باشد؟ یا از او درخواستی کرده باشد و به وی نداده باشد؟».

تفسیر القمّی_ در داستان موسی علیه السلام و قارون: ... پس خداوند به او (موسی علیه السلام) وحی فرمود که: «من به آسمان ها و زمین دستور داده ام تا از تو فرمان برند. پس هر فرمانی که می خواهی، به آنها بده». قارون دستور داده بود که درهای کاخ را ببندد. موسی آمد و به درها اشاره کرد و درها باز شدند، و بر قارون وارد شد. چشم قارون که به او افتاد، فهمید که [عذاب] (1) فرارسیده است. پس گفت: ای موسی! به حقّ خویشاوندی ای که میان من و توست، از تو خواهش می کنم. موسی به او گفت: پسر لاوی! زیاده سخن مگو. ای زمین! او را فرو گیر. پس، کاخ و هر چه در آن بود، به کام زمین فرو شد و قارون تا زانوانش به زمین رفت. او گریست و موسی را به حقّ خویشاوندی سوگند داد. موسی به او گفت: پسر لاوی! زیاده سخن مگو. ای زمین! او را فرو گیر و با کاخ و گنج هایش ببلع. این، چیزی بود که موسی به قارون در آن روزی که خداوند او را هلاک کرد، گفت. پس خداوند موسی را به سبب آنچه به قارون گفته بود، سرزنش کرد و موسی دانست که خداوند بدین سبب او را سرزنش کرده است. پس، عرض کرد: پروردگارا! قارون، مرا به غیر تو سوگند داد و اگر به تو سوگند می داد، می پذیرفتم. خداوند فرمود: «تو نگفتی: پسر لاوی! زیاده سخن مگو؟». موسی عرض کرد: پروردگارا! اگر می دانستم که این مورد رضایت توست، همین را می پذیرفتم. خداوند فرمود: «ای موسی! به عزّت و جلالم و به بخشندگی و بزرگی ام و به بلندی مقامم، سوگند، اگر قارون آن طور که از تو خواهش کرد، از من خواهش می کرد، می پذیرفتم؛ اما چون از تو خواهش کرد، او را به تو وا گذاشتم».

1 / 3 الإجابة حَقُّ كَتَبَ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَالَ رَبُّكُمْ عَزَّ وَجَلَّ: ثَلَاثَةٌ، وَاحِدَةٌ لِي، وَوَاحِدَةٌ لَكَ يَا بَنَ آدَمَ، وَوَاحِدَةٌ بَيْنِي وَبَيْنَكَ. فَأَمَّا الَّتِي لِي فَتُخْلِصُ لِي لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا. وَأَمَّا الَّتِي لَكَ فَأَحْوَجُ مَا تَكُونُ إِلَى عَمَلِكَ أَوْفِيكَهُ. وَأَمَّا الَّتِي بَيْنِي وَبَيْنَكَ فَمِنْكَ الدُّعَاءُ وَعَلَى الإِجَابَةِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا رَفَعَ قَوْمٌ أَكْفَهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَسْأَلُونَهُ شَيْئًا إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَصْنَعَ فِي أَيْدِيهِمْ الَّذِي سَأَلُوا. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي سَأَجْمَعُ لَكَ الْكَلَامَ فِي أَرْبَعِ كَلِمَاتٍ. قَالَ: يَا رَبِّ وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: وَاحِدَةٌ لِي، وَوَاحِدَةٌ لَكَ، وَوَاحِدَةٌ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ، وَوَاحِدَةٌ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ النَّاسِ. قَالَ: يَا رَبِّ، بَيْنَهُنَّ لِي حَتَّى أَعْلَمَهُنَّ. قَالَ: أَمَّا الَّتِي لِي فَتَعْبُدُنِي لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا. وَأَمَّا الَّتِي لَكَ فَأَجْزِيكَ بِعَمَلِكَ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ. وَأَمَّا الَّتِي بَيْنِي وَبَيْنَكَ فَعَلَيْكَ الدُّعَاءُ وَعَلَى الإِجَابَةِ. وَأَمَّا الَّتِي بَيْنَكَ وَبَيْنَ النَّاسِ فَتَرْضَى لِلنَّاسِ مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ، وَتَكْرَهُ لَهُمْ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ. (3)

-
- 1- عيون الأخبار لابن قتيبة: ج 2 ص 277 عن أنس، المعجم الكبير: ج 6 ص 253 ح 6137 عن سلمان نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 67 ح 3149 وراجع مسند أبي يعلى: ج 3 ص 177 ح 2749 وحلية الأولياء: ج 6 ص 173.
 - 2- المعجم الكبير: ج 6 ص 254 ح 6142 عن سلمان، كنز العمال: ج 2 ص 66 ح 3145.
 - 3- الكافي: ج 2 ص 146 ح 13 عن يعقوب بن شعيب، الخصال: ص 243 ح 98 عن ميثم بن يعقوب بن شعيب، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 405 ح 5877، معاني الأخبار: ص 137 ح 1 عن محمد بن قيس عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 93 ص 363 ح 5.

1 / 3 اجابت دعا، وظیفه ای است که خداوند بر خود، واجب ساخته است

1 / 3 اجابت دعا، وظیفه ای است که خداوند بر خود، واجب ساخته است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پروردگارتان عز و جل فرمود: «سه چیز است که یکی به من مربوط می شود، یکی به تو_ ای پسر آدم_، و یکی به هر دوی ما. آن که به من مربوط می شود، این است که تنها مرا پرستی و چیزی را شریکم قرار ندهی. آن که به تو مربوط می شود، این است که وقتی بیش از هر زمانی به عملت نیاز داری، پاداش آن را به تو بدهم. و آن که به رابطه میان من و تو مربوط می شود، این است که تو دعا کنی و من اجابت کنم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ قومی دست به درگاه خداوند عز و جل برنداشتند تا از او چیزی بخواهند، مگر آن که بر خدا بوده که آنچه را خواسته اند، در دست های آنان قرار دهد.

امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل به آدم علیه السلام وحی فرمود که: «من تمام سخن را در چهار کلمه برایت گرد می آورم». آدم علیه السلام عرض کرد: پروردگارا! آن چهار کلمه چیست؟ خداوند فرمود: «یکی از آن من است، یکی از آن تو، یکی در رابطه میان من و تو، و یکی در رابطه میان تو و مردم». آدم عرض کرد: پروردگارا! آنها را برایم بیان فرما تا بدانمشان فرمود: «آنچه از آن من است، این است که مرا پرستی و چیزی را شریکم نگردانی. آنچه از آن توست، این است که پاداش عملت را زمانی که بیش از هر وقت، بدان نیازمندی، به تو بدهم. آنچه به هر دوی ما مربوط می شود، دعا کردن از توست و اجابت کردن از من. و آنچه به رابطه میان تو و مردم مربوط می شود، این است که برای مردم، آنچه را برای خودت می پسندی، پسندی و آنچه را برای خودت ناخوش می داری، برای مردم هم ناخوش بداری».

1 / 4 استحياء الله من ردّ الداعيرسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ رَبَّكُمْ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - حَيِّي كَرِيمٌ، يَسْتَحِي مِنْ عَبْدِهِ إِذَا رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَيْهِ أَنْ يَرُدَّهُمَا صِفْرًا. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ جَوَادٌ كَرِيمٌ، يَسْتَحِي مِنَ الْعَبْدِ الْمُسْلِمِ إِذَا دَعَاهُ أَنْ يَرُدَّ يَدَيْهِ صِفْرًا لَيْسَ فِيهِمَا شَيْءٌ، وَإِذَا دَعَا الْعَبْدُ فَأَشَارَ بِإِصْبَعِهِ، قَالَ الرَّبُّ: أَخْلَصَ عَبْدِي، وَإِذَا رَفَعَ يَدَيْهِ قَالَ اللَّهُ: إِنِّي لَأَسْتَحِي مِنْ عَبْدِي أَنْ أُزِدَّهُ. (2)

1- .سنن أبي داوود: ج 2 ص 78 ح 1488، سنن الترمذی: ج 5 ص 556 ح 3556، سنن ابن ماجة: ج 2 ص 1271 ح 3865، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 718 ح 1962 نحوه وكلها عن سلمان، كنز العمال: ج 2 ص 65 ح 3135؛ مكارم الأخلاق: ج 2 ص 22 ح 2054 عن سلمان نحوه .

2- .حلية الأولياء: ج 3 ص 263 عن أنس، كنز العمال: ج 2 ص 84 ح 3251 نقلاً عن الديلمي نحوه .

1 / 4 شرم کردن خداوند از رد کردن دعاکننده

1 / 4 شرم کردن خداوند از رد کردن دعاکننده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پروردگار شما _ تبارک و تعالی _ ، با حیا و بزرگواری است . او از بنده اش شرم می کند که وی را هر گاه دستانش را به سوی او دراز کند ، دست خالی برگرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، بخشنده و بزرگواری است . او از بنده مسلمان شرم می کند که وی را هر گاه به درگاهش دعا کند ، دست خالی برگرداند . هر گاه بنده دعا کند و با انگشتش اشاره نماید ، پروردگار می فرماید : «بنده ام اخلاص ورزید [و مرا یگانه داشت]» و هر گاه دستانش را بلند کند ، خداوند می فرماید : «من از بنده ام شرم می کنم که او را رد کنم».

البابُ الثَّانِي : شروطُ الإجابة 1 / 2 المَعْرِفَةُ الكِتَاب «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» . (1)

الحديثُ للإمام الصادق عليه السلام_ في قَوْلِهِ تَعَالَى : «فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي» _ : يَعْلَمُونَ أَنِّي أَقْدِرُ عَلَى أَنْ أُعْطِيَهُمْ مَا يَسْأَلُونَ . (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله : قَالَ اللهُ عز و جل : مَنْ سَأَلَنِي _ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي أُضُرُّ وَأَنْفَعُ _ اسْتَجَبْتُ لَهُ . (3)

1- .البقرة : 186 .

2- .تفسير العياشي : ج 1 ص 83 ح 196 عن ابن أبي يعفور ، عدّة الداعي : ص 15 وفيه «وليتحققوا أنني قادر على إعطائهم ما سألوه» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 323 ح 37 .

3- .ثواب الأعمال : ص 184 ح 1 عن سورة بن كليب عن الإمام الصادق عليه السلام ، عدّة الداعي : ص 131 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 305 ح 1 .

باب دوم : شرایط اجابت دعا

1 / 2 شناخت

باب دوم : شرایط اجابت دعا (1) / 2 شناختقرآن «و هر گاه بندگان من ، از تو درباره من می پرسند ، [بگو :] من نزدیکم و دعای دعاکننده را ، هنگامی که مرا بخواند ، اجابت می کنم . پس آنان [نیز] باید به فرمان من گردن نهند و به من ایمان آورند . باشد که راه یابند» .

حدیثامام صادق علیه السلام_ درباره این فرموده خداوند متعال که : «پس باید به فرمان من گردن نهند و به من ایمان آورند»_ : یعنی بدانند که من قادرم آنچه را می خواهند ، به آنان بدهم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل فرمود : «هر که از من درخواست کند ، در حالی که بداند من سود و زیان می رسانم ، درخواستش را می پذیرم».

عنه صلى الله عليه وآله: لَوْ عَرَفْتُمْ اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ، لَزَالَتْ بِدُعَائِكُمُ الْجِبَالُ. (1)

الإمام الكاظم عليه السلام: قَالَ قَوْمٌ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَدْعُو فَلَا يُسْتَجَابُ لَنَا! قَالَ: لِأَنَّكُمْ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ. (2)

2 / 2 الإخلاص الكتاب «فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ». (3)

«هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (4)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا قَالَ عَبْدٌ قَطُّ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» مُخْلِصًا بِهَا رُوحَهُ، مُصَدِّقًا بِهَا قَلْبَهُ لِسَانَهُ، إِلَّا فَتِحَ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ، حَتَّى يَنْظُرَ اللَّهُ إِلَى قَائِلِهَا، وَحَقَّقَ لِعَبْدٍ نَظَرَ اللَّهِ إِلَيْهِ أَنْ يُعْطِيَهُ سُؤْلَهُ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ، وَعِمَادُ الدِّينِ، وَنُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ فَعَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ وَأَخْلِصُوا النِّيَّةَ. (6)

1- نواذر الأصول: ج 1 ص 148 و ص 344، كنز العمال: ج 3 ص 144 ح 5893 نقلاً عن ابن السني عن معاذ وزاد فيه «لمشيتم على البحور» بعد «معرفة» و ص 142 ح 5881؛ عوالي اللآلي: ج 4 ص 132 ح 225، مستدرک الوسائل: ج 17 ص 301 ح 21409 نقلاً عن المجموع الرائق عن أبي سعيد الخدرى.

2- التوحيد: ص 288 ح 7 عن يزيد بن الحسن الكحال، إحقاق الحق: ج 12 ص 266 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 93 ص 368 ح 4.

3- غافر: 14.

4- غافر: 65.

5- عمل اليوم والليلة للنسائي: ص 150 ح 28، نواذر الأصول: ج 1 ص 251 و ص 47، كنز العمال: ج 2 ص 229 ح 3881.

6- جامع الأحاديث للقمي: ص 76 عن علي بن صدقة الرقي، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ص 225 ح 112 وفيه «عمارة» بدل «عماد» وكلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر خدا را چنان که باید و شاید، می شناختید، هر آینه با دعای شما کوه ها جا به جا می شدند.

امام کاظم علیه السلام: عده ای به [امام] صادق علیه السلام گفتند: دعا می کنیم؛ اما دعایمان مستجاب نمی شود! فرمود: «چون شما کسی را می خوانید که نمی شناسیدش».

2 / 2 اخلاص (1) قرآن «خدا را بخوانید و دین را برای او خالص گردانید، هر چند کافران، خوش نداشته باشند».

«اوست زنده. معبودی جز او نیست. پس، او را بخوانید و دین را برای او خالص گردانید. ستایش، مختص به خداست که پروردگار جهانیان است».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای هرگز از سر اخلاص و اعتقاد قلبی نگفت: «معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست. پادشاهی، از آن اوست و ستایش، مختص به اوست و او بر هر چیزی تواناست»، مگر آن که درهای آسمان برایش باز می شوند، تا آن که خداوند به گوینده اش بنگرد، و برای بنده ای که خداوند به او می نگرد، سزاوار است که خدا خواسته اش را به او بدهد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دعا سلاح مؤمن، و ستون دین، و نور آسمان ها و زمین است. پس، دعا کنید و تبت را خالص گردانید.

1- اخلاص یعنی خالص و ناب گردانیدن. یعنی اعتقاد به خدای یکتا و یگانه و عمل برای خدای یگانه و پرستیدن خدای یگانه و چیزی را نه در عرصه اعتقاد و نه در عرصه عمل و پرستش، شریک او قرار ندادن.

الإمام علي عليه السلام في وصيته لولده محمد بن الحنفية: «والجئ نفسك في الأمور كلها إلى الله الواحد القهار؛ فإنك تلجئها إلى كهف حصين وحرز حريز ومانع عزيز. وأخلص المسألة لربك؛ فإن بيده الخير والشر والإعطاء والمنع والصلة والجرمان» (1)

عنه عليه السلام: طوبى لمن أخلص لله العبادة والدعاء، ولم يشغل قلبه بما ترى عيناه» (2)

عنه عليه السلام في الحكم المنسوبة إليه: «لا يخطئ المخلص في الدعاء إحدى ثلاث: ذنب يغفر، أو خير يعجل، أو شر يؤجل» (3)

عنه عليه السلام: عليك بإخلاص الدعاء؛ فإنه أخلق بالإجابة» (4)

راجع: ص 128 (آداب الدعاء / الصلاة على محمد وآله).

3 / 2 العمألكتاب «وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ» (5)

1- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 386 ح 5834، نهج البلاغة: الكتاب 31 نحوه.

2- الكافي: ج 2 ص 16 ح 3 عن علي بن أسباط، بحار الأنوار: ج 84 ص 261 ح 59 نقلاً عن أسرار الصلاة، وكلاهما عن الإمام الرضا عليه السلام.

3- شرح نهج البلاغة: ج 20 ص 276 ح 187.

4- غرر الحكم: ح 6091، عيون الحكم والمواعظ: ص 335 ح 5717.

5- الشورى: 26.

امام علی علیه السلام در توصیه به فرزندش محمد بن حنفیه: در همه کارها خویشتن را در پناه خداوند یکتای قهار در آور؛ زیرا در این صورت، خود را در پناه سنگری استوار و دژی مستحکم و مانعی محکم در آورده ای. و تنها از پروردگارت درخواست کن؛ چرا که خوب و بد، و دادن و ندادن، و دهش و دریغ، در دست اوست.

امام علی علیه السلام: خوشا آن که تنها خدا را پرستش و نیایش کرد و دلش را به آنچه چشمانش می بیند، مشغول نساخت.

امام علی علیه السلام در حکمت هایی که به ایشان منسوب است: کسی که از سر اخلاص دعا کند، به یکی از این سه چیز دست می یابد: گناهی آمرزیده، یا خیری زود هنگام، یا به تأخیر افتادن شرّ و گزند.

امام علی علیه السلام: بر تو باد اخلاص داشتن در دعا؛ زیرا چنین دعایی، به اجابت، سزاوارتر است.

ر. ک: ص 129 (آداب دعا / درود فرستادن بر محمد و خاندان او).

2 / 3 عملقرآن «و خداوند، [درخواست] کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، اجابت می کند و از فضل خویش به آنان زیاده می دهد، و برای کافران، عذابی سخت خواهد بود».

الحدِيثُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى أَخِي الْعَزِيرِ: ... يَا عَزِيرُ اعْصِمْنِي (1) بِقَدْرِ طَاقَتِكَ عَلَيَّ عَذَابِي ، وَسَلِّمْ لِي حَوَائِجَكَ عَلَيَّ مِقْدَارَ عَمَلِكَ لِي . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: الدَّاعِي بِلا عَمَلٍ كَالرَّامِي بِلا وَتَرٍ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: يَكْفِي مِنَ الدُّعَاءِ مَعَ الْبِرِّ مَا يَكْفِي الطَّعَامَ مِنَ الْمِلْحِ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله: عَمَلُ الْبِرِّ كُلُّهُ نِصْفُ الْعِبَادَةِ وَالِدُّعَاءُ نِصْفُ؛ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا امْتَحَنَ قَلْبَهُ لِلدُّعَاءِ . (5)

عنه صلى الله عليه وآله: أَطِيعُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُطِعْكُمْ . (6)

عنه صلى الله عليه وآله: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... مَا مِنْ عَبْدٍ يُطِيعُنِي ، إِلَّا وَأَنَا مُعْطِيهِ قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَنِي ، وَمُسْتَجِيبٌ لَهُ قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَنِي ، وَغَافِرٌ لَهُ قَبْلَ أَنْ يَسْتَغْفِرَنِي . (7)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، أَنْ بَلِّغْ قَوْمَكَ أَنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مِنْهُمْ أَمْرُهُ بِطَاعَتِي فَيُطِيعُنِي ، إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَعِينَهُ عَلَيَّ طَاعَتِي ؛ فَإِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ وَإِنْ دَعَانِي أَجَبْتُهُ ، وَإِنْ اعْتَصَمَ بِي عَصَمْتُهُ ، وَإِنْ اسْتَكْفَانِي كَفَيْتُهُ ، وَإِنْ تَوَكَّلَ عَلَيَّ حَفِظْتُهُ ، وَإِنْ كَادَهُ جَمِيعُ خَلْقِي كِدَتْ دُونَهُ . (8)

1- في المصدر «اعصمني» ، وما في المتن أثبتناه من كنز العمال .

2- الفردوس : ج 1 ص 144 ح 514 عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 11 ص 500 ح 32341 .

3- الجعفریات : ص 224 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأحاديث للقمي : ص 78 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 216 ح 5904 عن زرارة عن الإمام الصادق عليه السلام ، نهج البلاغة : الحكمة 337 ، الخصال : ص 621 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 372 ح 15؛ الفردوس : ج 2 ص 225 ح 3092 .

4- الأُمالي للطوسي : ص 534 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 372 ح 2661 كلاهما عن أبي ذرّ ، عدّة الداعي : ص 141 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 305 ح 1 .

5- الفردوس : ج 3 ص 40 ح 4096 ، كنز العمال : ج 2 ص 65 ح 3137 نقلاً عن ابن منيع وكلاهما عن أنس وفيه «انتجى» بدل «امتحن» .

6- الجعفریات : ص 215 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام .

7- الفردوس : ج 1 ص 140 ح 496 ، كنز العمال : ج 3 ص 102 ح 5692 نقلاً عن تمام وابن عساكر وكلاهما عن كعب بن مالك وفيه «يدعوني» بدل «يسألني» في الموضع الثاني .

8- قصص الأنبياء : ص 198 ح 251 عن أبي حمزة الثمالي ، عدّة الداعي : ص 292 نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 376 ح 16 و ج

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل به برادرم عزیز ، وحی فرمود که : «... ای عزیز ! مرا به اندازه ای که تاب عذابم را داری ، نافرمانی کن و حوائج را به اندازه ای که برایم عمل می کنی ، از من بخواه».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دعاکننده بدون عمل ، همانند کسی است که با کمان بی زه تیراندازی می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دعا برای عمل نیک ، همانند نمک برای غذاست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : همه کارهای نیک ، نصف عبادت است و دعا نصف دیگرش . پس هر گاه خداوند خیر بنده ای را بخواهد ، دلش را برای دعا خالص می گرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از خداوند عز و جل فرمان برید تا او [نیز خواسته های] شما را اجابت کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند به داوود علیه السلام وحی فرمود : «... هیچ بنده ای نیست که از من فرمان ببرد ، مگر این که پیش از آن که از من بخواهد ، به او عطا می کنم ، و پیش از آن که از من درخواست کند ، اجابتش می کنم ، و پیش از آن که از من آمرزش بطلبد ، او را می آمرزم».

امام صادق علیه السلام : خدای متعال به داوود علیه السلام وحی کرد که : «به قومت برسان که هیچ بنده ای از ایشان نیست که به طاعتم فرمانش دهم و او از من اطاعت کند ، مگر این که وظیفه من است که او را بر طاعتم کمک نمایم . پس ، اگر از من درخواست کرد ، عطایش می کنم ، و اگر مرا خواند ، پاسخش می دهم ، و اگر به من پناه آورد ، پناهش می دهم ، و اگر از من بسندگی خواست ، او را بس خواهم بود ، و اگر به من توکل کرد ، او را حفظ می کنم ، و اگر همه خَلقم برای او دسیسه کنند ، من به نفع او دسیسه می کنم».

عدّة الداعي: وَرَدَ فِي الْحَدِيثِ الْقُدْسِيِّ: يَا بَنَ آدَمَ، أَنَا غَنِيٌّ (1) لَا- أَفْتَقِرُ، أَطْعَنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ، أَجْعَلُكَ غَنِيًّا لَا تَفْتَقِرُ. يَا بَنَ آدَمَ، أَنَا حَيٌّ لَا أَمُوتُ، أَطْعَنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ أَجْعَلُكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ. يَا بَنَ آدَمَ، أَنَا أَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ، أَطْعَنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ، أَجْعَلُكَ تَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ. (2)

الزهد لابن المبارك عن وهب بن منبه: وَجَدْتُ فِي بَعْضِ الْكُتُبِ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: إِنَّ عَبْدِي إِذَا أَطَاعَنِي فَإِنِّي أَسْتَجِيبُ لَهُ قَبْلَ أَنْ يَدْعُوَنِي، وَأُعْطِيهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَسْأَلَنِي. وَإِنَّ عَبْدِي إِذَا أَطَاعَنِي فَلَوْ أَجْلَبَ (3) عَلَيْهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلُ الْأَرْضِ جَعَلْتُ لَهُ الْمَخْرَجَ مِنْ ذَلِكَ. وَإِنَّ عَبْدِي إِذَا عَصَانِي، فَإِنِّي أَقْطَعُ يَدَيْهِ مِنْ أَبْوَابِ السَّمَاوَاتِ، وَأَجْعَلُهُ فِي الْهَوَاءِ لَا يَنْتَصِرُ مِنْ شَيْءٍ مِنْ خَلْقِي. (4)

1- في المصدر: «فقير»، والصواب ما أثبتناه كما في بحار الأنوار والنسخ الخطية لعدّة الداعي.

2- عدّة الداعي: ص 291، إرشاد القلوب: ص 75 وفيه من «يا بن آدم، أنا حيّ...»، بحار الأنوار: ج 93 ص 376 ح 16.

3- يقال: أجلبوا عليه: إذا تجمّعوا وتألّبوا. وأجلب عليه: إذا صاح به واستحثّه (النهاية: ج 1 ص 282 «جلب»).

4- الزهد لابن المبارك: ص 108 ح 318، الدرّ المنثور: ج 8 ص 199 نقلاً عن أحمد في الزهد نحوه وراجع حلية الأولياء: ج 4 ص

عَدَّة الداعی: در حدیث قدسی آمده است: «ای فرزند آدم! من توانگری هستم که هرگز فقیر نمی شوم. در هر چه به تو دستور داده ام، از من اطاعت کن تا تو را نیز توانگری گردانم که فقیر نشوی. ای فرزند آدم! من زنده ای هستم که هرگز نمی میرم. از دستورات من اطاعت کن تا تو را نیز زنده ای گردانم که نمیری. ای فرزند آدم! من به هر چه بگویم: هست شو، هست می شود. از دستورات من اطاعت کن تا تو را نیز چنان گردانم که به هر چه بگویی: هست شو، هست شود».

الزهد، ابن مبارک_ به نقل از وهب بن منبه_: در یکی از کتاب ها دیدم که خداوند متعال می فرماید: «بنده ام هر گاه از من اطاعت کند، من [نیز] پیش از آن که مرا بخواند، اجابتش می کنم و پیش از آن که از من بخواهد، عطایش می کنم. بنده ام هر گاه از من اطاعت کند، اگر اهل آسمان ها و اهل زمین، علیه او هم داستان شوند، برای او راه نجاتی از آن قرار می دهم. و بنده ام هر گاه از من نافرمانی کند، داستان او را از درهای آسمان ها قطع می کنم و او را در هوارها می سازم و از هیچ یک از آفریدگانم به او کمکی نمی رسد».

عيسى عليه السلام: أكثرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عز و جل و حَمْدَهُ و تَقْدِيسَهُ و أَطِيعُوهُ؛ فَإِنَّمَا يَكْفِي أَحَدَكُمْ مِنَ الدُّعَاءِ _ إِذَا كَانَ اللَّهُ عز و جل رَاضِيًا عَنْهُ _
أَنْ يَقُولَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَأَصْلِحْ لِي مَعِيشَتِي، وَعَافِنِي مِنَ الْمَكَارِهِ يَا إِلَهِي. (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله _ مِنْ جُمْلَةِ قَوْلِهِ عز و جل لِأُمَّةٍ شَدِيدٍ عَيْبٍ _ كَيْفَ (أَسْتَجِيبُ) دُعَاءَهُمْ، وَإِنَّمَا هُوَ قَوْلٌ بِالسُّنَنِ وَالْعَمَلِ مِنْ ذَلِكَ بَعِيدٌ! (2)

الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ عَظَّمَ أَوْامِرَ اللَّهِ أَجَابَ سُؤَالَهُ. (3)

عنه عليه السلام: النَّاسُ فِي الدُّنْيَا عَامِلَانِ ... عَامِلٌ عَمِلَ فِي الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا، فَجَاءَهُ الَّذِي لَهُ مِنَ الدُّنْيَا بِغَيْرِ عَمَلٍ، فَأَحْرَزَ الْحَظَّيْنِ مَعًا، وَمَلَكَ الدَّارَيْنِ جَمِيعًا، فَأَصْبَحَ وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، لَا يَسْأَلُ اللَّهَ حَاجَةً فَيَمْنَعُهُ. (4)

الإمام الرضا عليه السلام: سَبْعَةٌ أَشْيَاءُ بِغَيْرِ سَبْعَةِ أَشْيَاءٍ مِنَ الْإِسْتِهْزَاءِ: مَنْ اسْتَغْفَرَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يَنْدَمْ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ، وَمَنْ سَأَلَ اللَّهَ التَّوْفِيقَ وَلَمْ يَجْتَهِدْ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ، وَمَنْ اسْتَحْزَمَ وَلَمْ يَحْدَرَ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ، وَمَنْ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَلَمْ يَصْبِرْ عَلَى الشَّدَائِدِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ، وَمَنْ تَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَلَمْ يَتْرِكِ الشَّهَوَاتِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ، وَمَنْ ذَكَرَ اللَّهَ وَلَمْ يَسْتَبِقْ إِلَى لِقَائِهِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ. (5)

الإمام الهادي عليه السلام: الدُّعَاءُ لِمَنْ يَدْعُو بِهِ (6)، إِذَا أَخْلَصْتَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، وَاعْتَرَفْتَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِحَقِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَسَأَلْتَ اللَّهَ _ تَبَارَكَ وَتَعَالَى _ شَيْئًا لَمْ يَحْرِمَكَ. (7)

1- الزهد لابن حنبل: ص 72 عن وهب بن منبه.

2- مشكاة الأنوار: ص 451 ح 1511 عن أنس؛ عيون الأخبار لابن قتيبة: ج 2 ص 265 عن وهب من دون إسناد إليه صلى الله عليه وآله.

3- كنز الفوائد: ج 1 ص 278، بحار الأنوار: ج 78 ص 90 ح 95.

4- نهج البلاغة: الحكمة 269، بحار الأنوار: ج 93 ص 360 ح 22.

5- كنز الفوائد: ج 1 ص 330 عن أيوب بن نوح، بحار الأنوار: ج 78 ص 356 ح 11.

6- أي كلّ من يدعو به يستجاب له، أو الدعاء تابع لحال الداعي، فإذا لم يكن في الدعاء شرائط الدعاء لم يستجب له، فيكون قوله: «إذا أخلصت» مفسراً لذلك، وهو أظهر (بحار الأنوار: ج 50 ص 128).

7- الأمالى للطوسي: ص 286 ح 555، بشارة المصطفى: ص 135 كلاهما عن أبي الحسن محمد بن أحمد عن عمّ أبيه، بحار الأنوار: ج 50 ص 127 ح 5.

عیسی علیه السلام: خداوند عز و جل را بسیار یاد و ستایش و تقدیر کنید و فرمانش برید، و هر یک از شما را در صورتی که خداوند عز و جل از او خشنود باشد، همین اندازه از دعا کافی است که بگویید: بار خدایا! گناه مرا ببخشای، و معیشتم را سامان بخش، و از ناخوشایندها به سلامت دارم، ای معبود من!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در بیان سخنان خداوند عز و جل به ائمت شعیب_ چگونه دعایشان را مستجاب کنم، در حالی که، آن تنها لقلقه زبان آنهاست و عمل، از آن به دور است؟

امام علی علیه السلام: هر کس اوامر خداوند را بزرگ شمارد، خداوند درخواست او را جواب می دهد.

امام علی علیه السلام: مردم در دنیا دو گونه عمل می کنند: ... یکی در دنیا برای پس از آن، عمل می کند و بهره اش از دنیا بدون کار و عمل به او می رسد. چنین کسی، هر دو بهره را کسب کرده و هر دو سرای را به دست آورده و نزد خداوند آبرومند گشته است، به طوری که هر حاجتی از خدا بخواهد، از او مضایقه نمی کند.

امام رضا علیه السلام: هفت چیز بدون هفت چیز، مسخره است. کسی که با زبانش آمرزش بطلبد، ولی [از گناهش] پشیمان نباشد، در حقیقت، خودش را مسخره کرده است. کسی که از خدا توفیق بخواهد، ولی تلاش نکند، در حقیقت، خودش را مسخره کرده است. کسی که جویای دوراندیشی باشد اما احتیاط نرزد، در حقیقت خودش را مسخره کرده است. کسی که از خدا بهشت بخواهد، ولی سختی ها را تحمل نکند، در حقیقت، خودش را مسخره کرده است. کسی که از آتش به خدا پناه برد، ولی شهوات را فرو نگذارد، در حقیقت، خودش را مسخره کرده است. و کسی که یاد خدا کند، اما به سوی لقای او نشتابد، در حقیقت، خودش را مسخره کرده است.

امام هادی علیه السلام: دعا برای کسی است که دعا می کند. (1) هر گاه مخلصانه خدا را اطاعت کردی و به [حقانیت] پیامبر خدا و به حقّ (حقانیت) ما اهل بیت اعتراف نمودی و از خداوند_ تبارک و تعالی_ چیزی خواستی، تو را محروم نخواهد کرد.

1- در بحار الأنوار (ج 50 ص 128)، برای این جمله دو وجه ذکر شده است: یکی این که: هر کس دعا کند، دعایش مستجاب می شود به شرط...، و دوم این که: دعا تابع حال دعاکننده است و هر گاه در دعا شرایط آن نباشند، دعا مستجاب نمی شود. در این صورت، عبارت بعد، تفسیر جمله یاد شده می شود. ظاهراً این دو وجه در معنا تفاوتی با هم نمی کنند و نزدیک به هم هستند.

راجع : ص 632 (من لا تستجاب دعوته).

2 / 4 طيب المكسب والمطعم رسول الله صلى الله عليه وآله - لمن قال له : أحب أن يستجاب دعائي - : طهر ما كلك ، ولا تدخل بطنك الحرام . (1)

عنه صلى الله عليه وآله : الدعاء مفتاح الحاجة ، ولقم الحلال أسنانه . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : أطب مطعمك تستجب دعوتك . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : من سره أن يستجاب دعوته فليطيب كسبه . (4)

عنه صلى الله عليه وآله : من أكل لقمة من حرام لم تقبل له صلاة أربعين ليلة ، ولم يستجب له دعوة أربعين صباحا . (5)

عنه صلى الله عليه وآله : أطب كسبك تستجب دعوتك ؛ فإن الرجل يرفع اللقمة إلى فيه [من حرام] (6) ، فما تستجاب له دعوة أربعين يوماً . (7)

1- عده الداعي : ص 128 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 373 ح 16 .

2- الدعاء المأثور وآدابه : ص 57 .

3- الدعاء المأثور وآدابه : ص 57 .

4- الجعفریات : ص 65 عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهم السلام ، عده الداعي : ص 128 نحوه ، جامع الأحاديث للقمي : ص 120 ، الكافي : ج 2 ص 486 ح 9 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 321 ح 31 .

5- الفردوس : ج 3 ص 591 ح 5853 عن ابن مسعود ، كنز العمال : ج 4 ص 15 ح 9266 ؛ بحار الأنوار : ج 66 ص 314 ح 7 .

6- ما بين المعقوفين أثبتناه من الفردوس ، وفي بحار الأنوار : «حراما» .

7- مكارم الأخلاق : ج 2 ص 20 ح 2045 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 358 ح 16 ؛ الفردوس : ج 5 ص 363 ح 8446 عن أنس .

2 / 4 پاک بودن درآمد و خوراک

ر. ک: ص 633 (کسی که دعایش مستجاب نمی شود).

2 / 4 پاک بودن درآمد و خوراک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به کسی که به ایشان گفت: دوست دارم دعایم مستجاب شود: خوراکی را پاک گردان و حرام وارد شکمت مکن.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دعا کلید حاجت است و لقمه های حلال، دندانه های آن کلیدند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوراک را پاک و حلال گردان تا دعایت مستجاب گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که خوش دارد دعایش مستجاب شود، باید درآمدش را پاک گرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس لقمه ای از حرام بخورد، تا چهل شب نمازش پذیرفته نمی شود و تا چهل صبح دعایش مستجاب نمی گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسب و کارت را پاک کن تا دعایت مستجاب شود؛ زیرا انسان، لقمه [ی حرام] را که به سوی دهانش می برد، تا چهل روز دعایش مستجاب نمی شود.

المعجم الأوسط عن ابن عباس: تَلَيْتَ هَذِهِ الْآيَةَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِيَّاهَا النَّاسُ كُلُّوْا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَّ لَا طَيْبًا» (1)، فِقَامَ سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ادْعُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَ لِي مُسْتَجَابَ الدَّعْوَةِ. فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا سَعْدُ، أَطْبَ مَطْعَمَكَ تَكُنْ مُسْتَجَابَ الدَّعْوَةِ، وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، إِنَّ الْعَبْدَ لَيَقْدِزُ اللَّقْمَةَ الْحَرَامَ فِي جَوْفِهِ، مَا يَتَقَبَّلُ مِنْهُ عَمَلٌ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، وَإِذَا عَبَدَ نَبَتَ لِحْمُهُ مِنَ الشُّحِّ وَالرِّبَا فَالْتَأَزَّ أَوْلَى بِهِ. (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «إِيَّاهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ» (3) إِنَّ أَحَدَهُمْ يَرْفَعُ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَيَقُولُ: يَا رَبِّ يَا رَبِّ، وَمَطْعَمُهُ مِنْ حَرَامٍ، وَمَكْسَبُهُ مِنْ حَرَامٍ، وَغُذِيَ مِنْ حَرَامٍ، فَأَنَّى يُسْتَجَابُ لِهَذَا! وَأَيُّ عَمَلٍ يُقْبَلُ لِهَذَا وَهُوَ يُنْفِقُ فِيهِ مِنْ غَيْرِ حِلٍّ! (4)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَرْفَعُ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ، فَيَقُولُ: يَا رَبِّ يَا رَبِّ، وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ، فَأَيُّ دُعَاءٍ يُسْتَجَابُ لِهَذَا! وَأَيُّ عَمَلٍ يُقْبَلُ مِنْهُ وَهُوَ يُنْفِقُ مِنْ غَيْرِ حِلٍّ! إِنَّ حَرَجَ حَرَامًا، وَإِنْ تَصَدَّقَ بِحَرَامٍ، وَإِنْ تَزَوَّجَ بِحَرَامٍ، وَإِنْ صَامَ أَفْطَرَ عَلَى حَرَامٍ... فَيَا وَيْحَهُ! مَا عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا الطَّيِّبَ، وَقَدْ قَالَ فِي كِتَابِهِ: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (5) (6)

1- البقرة: 168 .

2- المعجم الأوسط: ج 6 ص 311 ح 6495، الدر المنثور: ج 1 ص 403 نقلاً عن ابن مردويه .

3- البقرة: 267 وسقطت كلمة «طيبات» من المصدر .

4- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 226 .

5- المائدة: 27 .

6- إرشاد القلوب: ص 69 .

المعجم الأوسط_ به نقل از ابن عباس_: این آیه نزد پیامبر خدا تلاوت شد: «ای مردم! از آنچه در زمین، حلال و پاکیزه است، بخورید» . سعد بن ابی وقاص برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! دعا کن که خدا مرا مستجاب الدعوه گرداند. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «ای سعد! خوراکی را پاک گردان تا مستجاب الدعوه شوی. سوگند به آن که جان محمد در دست اوست، بنده که لقمه حرام وارد شکمش می کند، چهل روز هیچ عملی از او پذیرفته نمی شود. و هر بنده ای که گوشتش از حرام و ربا برآید، آتش به او سزاوارتر است».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید! از چیزهای پاک که به دست آورده اید و از آنچه برای شما از زمین برآورده ایم، انفاق کنید». یکی از شما دست به آسمان برمی دارد و «پرورگار! پرورگار!» می گوید، در صورتی که خوراکش از حرام و درآمدش از حرام است و از حرام تغذیه شده است. چگونه دعای چنین کسی مستجاب شود؟ و کدام عمل از او پذیرفته می شود، در صورتی که برای آن عمل، از غیر حلال خرج می کند؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فردی از شما در حالی که خوراکش حرام و پوشاکش حرام است، دست به آسمان برمی دارد و «خدایا! خدایا!» می گوید. کدام دعا برای چنین کسی مستجاب می شود؟ و کدام عمل او پذیرفته می شود، در حالی که از غیر حلال انفاق می کند؟ اگر حج گزارد، حج حرام می گزارد، اگر صدقه دهد، حرام صدقه می دهد، اگر ازدواج کند، با حرام ازدواج می کند، اگر روزه بگیرد، با حرام افطار می کند... ای وای بر او! نمی داند که خداوند، پاک است و جز پاک نمی پذیرد. او خود در کتابش فرموده است: «خدا در حقیقت، از پرهیزگاران می پذیرد».

صحيح مسلم عن أبي هريرة عن رسول الله صلى الله عليه وآله: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا، وَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ بِهِ الْمُرْسَلِينَ، فَقَالَ: «(1) أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا مِنْ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» (1) وَقَالَ «(2) أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُّوْا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» (2) ثُمَّ ذَكَرَ (3): الرَّجُلُ يُطِيلُ السَّفَرَ أَشْعَثَ أَغْبَرَ يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ: يَا رَبِّ يَا رَبِّ، وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ، وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ، وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ، وَغُذِيَ بِالْحَرَامِ، فَأَتَى يُسْتَجَابُ لِذَلِكَ! (4)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْعَبْدَ لَيَرْفَعُ يَدَهُ إِلَى اللَّهِ وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ؛ فَكَيْفَ يُسْتَجَابُ لَهُ وَهَذَا حَالُهُ! (5)

عنه صلى الله عليه وآله: جَوَابًا لِمَنْ قَالَ: أَحِبُّ أَنْ تُسْتَجَابَ دَعْوَتِي: اجْتَنِبِ الْحَرَامَ تُسْتَجَبَ دَعْوَتُكَ. (6)

1- المؤمنون: 51 .

2- البقرة: 172 .

3- قوله: «ثم ذكر» هذا من كلام الراوى، وضمير «ذكر» يعود إلى النبي صلى الله عليه وآله، ومعنى يطيل السفر: أى سفر الحج وغيره الموجب للشعث والغبرة .

4- صحيح مسلم: ج 2 ص 703 ح 65، سنن الترمذى: ج 5 ص 220 ح 2989، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 220 ح 8356، سنن الدارمى: ج 2 ص 756 ح 2617، الزهد لابن المبارك: ص 154 ح 456 وفيه من «إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ...»، كنز العمال: ج 2 ص 81 ح 3236 .

5- إرشاد القلوب: ص 149 .

6- كنز العمال: ج 16 ص 129 ح 44154 .

صحیح مسلم_ به نقل از ابو هریره_: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای مردم! خدا پاک است و جز پاک نمی پذیرد. خدا به مؤمنان، همان فرمائی را داده است که به پیامبران داده است. او فرموده است: «ای پیامبران! از پاکیزه ها بخورید و کار شایسته کنید که من به آنچه انجام می دهید، دانایم»، و فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید! از پاکیزه هایی که به شما روزی کرده ایم، بخورید»». سپس فرمود: «انسان به سفری دور و دراز می رود [همانند حج] و ژویله و غبار گرفته دستانش را به سوی آسمان برمی دارد و پروردگارا! پروردگارا! می گوید، در حالی که خوراکش حرام، نوشیدنی اش حرام، و پوشاکش حرام است و با حرام تغذیه شده است. با چنین وضعی چگونه دعای او پذیرفته شود؟».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده دستش را به سوی خدا برمی دارد، در حالی که خوراکش حرام است. با چنین وضعی چگونه دعایش پذیرفته شود؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در پاسخ به کسی که گفت: دوست دارم دعایم مستجاب شود_: از حرام دوری کن، دعایت مستجاب می شود.

الإمام الصادق عليه السلام: إذا أراد أحدكم أن يستجاب له، فليطيب كسبه، وليخرج من مظالم الناس، وإن الله لا يرفع إليه دعاء عبدي وفي بطنه حرام، أو عنده مظلمة لأحد من خلقه. (1)

عده الداعي: في الحديث القدسي: فمِنَكَ الدُّعَاءُ وَعَلَى الإِجَابَةِ. فَلَا تَحْتَجِبْ عَنِّي دَعْوَةً، إِلَّا دَعْوَةَ آكِلِ الحَرَامِ. (2)

5/2 حضور القليرسول الله صلى الله عليه وآله: الدعاء مع حضور القلب لا يُردُّ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: فيما أوصى به علياً عليه السلام: يا علي، لا يقبل الله دعاء قلبٍ ساءٍ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: أدعوا الله وأنتم موقنون بالإجابة، وأعلموا أن الله لا يستجيب دعاء من قلب غافلٍ لاهٍ. (5)

نوادير الأصول عن معاذ بن جبل: قلتُ له يوماً: يا رسولَ الله، لو علمتني بعض ما تدعونه، فقال رسولُ الله صلى الله عليه وآله: لو كنتُ أعلمُ لك فيه خيراً لعلمتُكَ. فقلتُ: سبحانَ الله يا رسولَ الله! لِمَ لا تعلمُ لي فيه خيراً؟ قال: لأنَّ أفضلَ الدعاء ما خرج من القلبِ بجدٍّ واجتهادٍ، فذاكَ الَّذِي يُسْمَعُ وَيُسْتَجَابُ وَإِنْ قَلَّ. (6)

1- فلاح السائل: ص 101 ح 39، بحار الأنوار: ج 93 ص 321 ح 31.

2- عده الداعي: ص 128، بحار الأنوار: ج 93 ص 373 ح 16.

3- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 118.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 367 ح 5762 عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليهم السلام.

5- سنن الترمذي: ج 5 ص 517 ح 3479، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 671 ح 1817 كلاهما عن أبي هريرة، مسند ابن

حنبل: ج 2 ص 592 ح 6667 عن عبد الله بن عمرو نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 72 ح 3176؛ فلاح السائل: ص 99 ح 36، الدعوات

: ص 30 ح 61، أعلام الدين: ص 295، بحار الأنوار: ج 93 ص 313 ح 17 و ص 321 ح 31.

6- نوادر الأصول: ج 2 ص 201، كنز العمال: ج 2 ص 77 ح 3211.

2 / 5 حضور قلب

امام صادق علیه السلام: هر گاه فردی از شما خواست دعایش مستجاب شود، در آمدش را پاک گرداند و از زیر بار حقوق مردم بیرون برود . دعای بنده ای که در شکمش حرام باشد، یا حقّ یکی از خلق خدا به گردنش باشد، به درگاه خداوند بالا نمی رود.

عدّة الداعی: در حدیث قدسی آمده است: «دعا کردن از تو، اجابت کردن بر عهده من . هیچ دعایی از من محجوب نمی ماند، مگر دعای حرامخوار.

2 / 5 حضور قلبیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دعای همراه با حضور قلب، رد نمی شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در سفارش های خود به علی علیه السلام_: ای علی! خداوند دعای دل غافل را نمی پذیرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدا را بخوانید و به اجابت یقین داشته باشید؛ اما بدانید که خداوند، دعای دل غافل بی توجه را نمی پذیرد.

نوادر الأصول_ به نقل از معاذ بن جبل_: روزی گفتم: ای پیامبر خدا! کاش یکی از دعاهایی را که می خوانید، به من می آموختید! پیامبر خدا فرمود: «اگر می دانستم که این کار برای تو نفعی دارد، حتما تعلیمت می دادم». گفتم: سبحان الله! چرا در آن برای من نفعی نمی بینید، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «چون بهترین دعا دعایی است که با کوشش و تلاش، از دل برآید. چنین دعایی است که شنیده و مستجاب می شود، هر چند اندک باشد».

الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ : لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ دُعَاءَ قَلْبٍ لَاهٍ . وَكَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ لِلْمَيِّتِ فَلَا يَدْعُو لَهُ وَقَلْبُهُ لَاهٍ عَنْهُ ، وَلَكِنْ لِيَجْتَهِدَ لَهُ فِي الدُّعَاءِ . (1)

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عِزُّ وَجَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بِيْظَهْرِ قَلْبٍ سَاهٍ ، فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ، ثُمَّ اسْتَيْقِنْ بِالْإِجَابَةِ . (2)

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عِزُّ وَجَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بِيْظَهْرِ قَلْبٍ قَاسٍ . (3)

2 / 6 الإِنْقِطَاعُ الْكِتَابُ «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلِهَةٌ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ» . (4)

-
- 1- .الكافي : ج 2 ص 473 ح 2 عن ابن القدّاح ، عدّة الداعي : ص 167 وليس فيه من «وكان عليّ عليه السلام يقول : إذا دعا ...» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 314 ح 19 .
- 2- .الكافي : ج 2 ص 473 ح 1 ، عدّة الداعي : ص 126 كلاهما عن سليمان بن عمرو ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 11 ح 2002 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 305 ح 1 .
- 3- .الكافي : ج 2 ص 474 ح 4 ، عدّة الداعي : ص 126 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 164 ح 18 .
- 4- .النمل : 62 .

2 / 6 بریدن از غیر خدا

امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان _ که دروذهای خداوند بر او باد _ فرمود: خداوند عز و جلدعای دل بی توجه را نمی پذیرد». علی علیه السلام همچنین می فرمود: «هر گاه یکی از شما برای مرده دعا کرد، با دل بی توجه به او برایش دعا نکند؛ بلکه در دعا کردن برایش کوشش به خرج دهد».

امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل دعایی را که از روی دل غافل باشد، نمی پذیرد. پس هر گاه دعا کردی، با دلت رو کن، آن گاه به اجابت، یقین داشته باش.

امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل دعایی را که از دلی سخت برخیزد، اجابت نمی کند.

2 / 6 بریدن از غیر خدا قرآن «یا [کیست] آن که در مانده را، چون وی را بخواند، اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می گرداند و شما را جانشینان این زمین قرار می دهد؟ آیا معبودی با خداست؟ چه کم، پند می پذیرید!». .

الحديث مصباح الشريعة_ فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام: سئل رسول الله صلى الله عليه وآله عن اسم الله الأعظم، قال: كلُّ اسمٍ من أسماء الله، ففرغ قلبك عن كلِّ ما سواه، وادعه بأيِّ اسمٍ شئت؛ فليس في الحقيقة لله اسمٌ دون اسمٍ، بل هو الواحد القهار. (1)

1- . مصباح الشريعة: ص 129، بحار الأنوار: ج 93 ص 322 ح 36.

حدیث مصباح الشریعة_ در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده است_: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره اسم اعظم خدا سؤال شد. فرمود: «همه نام های خدا اسم اعظم اند. پس، دلت را از هر آنچه جز اوست، خالی گردان و آن گاه او را با هر نامی که خواستی، بخوان؛ زیرا در حقیقت برای خداوند، نام خاصی نیست؛ بلکه او یکتای قهار است».

سخنی درباره اصلی ترین شرط اجابت دعا

سخنی درباره اصلی ترین شرط اجابت دعایش از این، اشاره کردیم که اصلی ترین مقدمه اجابت دعا، حال انقطاع و تهی کردن دل از امید به غیر خداوند متعال است و هر چه این حال در نیايشگر تقویت شود، دعای او به اجابت، نزدیک تر می گردد. به سخن دیگر، اجابت دعا، یک شرط بیشتر ندارد و آن، تحقق حقیقت دعا از سوی دعاکننده است؛ اما تا حال انقطاع به انسان دست ندهد، حقیقت دعا تحقق نمی یابد. از این رو، هنگامی که انسان در مورد نیازی از نیازهای خود، بیچاره و مضطر شود و پناهگاهی جز خداوند متعال نبیند، دعای او مستجاب می گردد. علامه سیّد محمدحسین طباطبایی _ رضوان الله تعالی علیه _ در تبیین آیه: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ . . .» (1) می فرماید: «مراد از اجابت در مانده ای که او را می خواند، پاسخ مثبت دادن به درخواست دعاکنندگان و برطرف کردن نیاز آنهاست. خداوند، صفت در ماندگی را آورده تا به دعا کننده،

1- .نمل: آیه 62: «یا کیست که در مانده را _ آن گاه که او را بخواند _ اجابت می کند و گرفتاری اش را برطرف می سازد؟» .

حقیقت دعا و درخواست را یادآوری کند؛ زیرا مادام که انسان در تنگنای درماندگی نیفتد و در رسیدن به خواستش آزادی عمل داشته باشد، درخواستش خالصانه نخواهد بود و این، مطلب روشنی است. اما این که اجابت دعا را به دعا کردن (درخواست کردن از خدا) مشروط کرده و فرموده است: «إِذَا دَعَا؛ آن گاه که او را بخواند»، برای اشاره به این نکته است که در دعا باید تنها از خداوند پاک، طلب کرد و این، زمانی عملی می شود که دعا کننده، از تمامی اسباب و علل ظاهری دست بکشد و دلش را تنها به خداوند ببیوندد؛ اما کسی که دلش را تنها به اسباب و علل ظاهری و یا به آنها و به خداوند با هم ببیوندد، پروردگارش را نخوانده؛ بلکه دیگری را خوانده است. پس هرگاه دعا کننده در دعا صادق باشد و تنها از خداوند بخواهد، خداوند والا، خواست او را اجابت می کند و گرفتاری ای را که او را به درخواست و دعا واداشته، برطرف می سازد؛ همان گونه که خداوند متعال فرموده است: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ (1) مرا بخوانید تا برایتان اجابت کنم». در این جا شرط اجابت را تنها دعا کردن حقیقی قرار داده است و این که درخواست، تنها باید از خداوند عز و جل صورت بگیرد». (2) علامه طباطبایی، همچنین در تفسیر جمله: «وَيَجْعَلْكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ؛ (3) و شما را خلیفگان زمین قرار داد» فرموده است: «آنچه از سیاق کلام به دست می آید، این است که مراد از خلافت، خلافتی است که خداوند در زمین برای انسان ها قرار داده تا با آن، هرگونه که می خواهند، در زمین، دخل و تصرف و ساخت و ساز

1- مؤمن: آیه 60.

2- المیزان فی تفسیر القرآن: ج 15 ص 381.

3- نمل: آیه 62.

کنند ، همان گونه که خداوند متعال فرموده است : «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (1) و به یاد آر هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان فرمود : من در زمین خلیفه ای قرار می دهم» و این ، از آن روست که دخل و تصرف انسان به وسیله مقام خلافت، در زمین و هر چه در آن است، مربوط به زندگی و معاش اوست . بنا بر این، گرفتاری _ که انسان را به درماندگی می افکند ، تا آن جا که از خداوند ، برطرف شدنش را درخواست می کند _ ، ناگزیر ، مربوط به چیزی است که انسان از تصرف در آن و یا بخشی از آن ، ممنوع شده است و درهای زندگی و ماندگاری و هر چه به زندگی مربوط است و یا پاره ای از درهای زندگی را به روی او می بندد، و برطرف شدن آن (گرفتاری) از انسان، موجب تمامیت خلافتش می گردد . اگر دعا و درخواست را در عبارت قرآنی : «إِذَا دَعَا» ، اعم از درخواست زبانی بدانیم، این معنا، بیشتر و بیشتر روشن می شود ، همان طور که از این کلام خداوند ، روشن است : «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا» (2) و از هر چه شما می خواستید، به شما داد و اگر نعمت های خدا را بشمارید، نخواهید توانست که به تمامی بشمارید» و نیز : «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» (3) هر کس در آسمان ها و زمین است، از او درخواست می کند» . بنا بر این، تمامی توانی که برای دخل و تصرف به انسان داده شده و روزی او شده است، خود ، نوعی برطرف کردن گرفتاری در مانده نیازمند، در پی درخواست اوست . پس او را خلیفه قرار داد و در پی اجابت درخواست او و برطرف ساختن گرفتاری ای برآمد که وی در آن ، در مانده است» . (4)

1- بقره : آیه 30 .

2- ابراهیم : آیه 34 .

3- الرحمن : آیه 29 .

4- المیزان فی تفسیر القرآن : ج 15 ص 383 .

2 / 7 تلك الخصالاً لإمام عليّ عليه السلام: للدُّعاءِ شروطٌ أربعةٌ: الأوَّلُ: إحصاءُ النِّيَّةِ، والثَّاني: إخلاصُ السَّرِيَّةِ، والثَّالثُ: مَعْرِفَةُ المَسْئُولِ، والرَّابِعُ: الإِنصافُ فِي المَسْأَلَةِ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: جاء رجلٌ إلى أمير المؤمنين عليه السلام فقال: إني دعوتُ اللهَ فلم أرَ الإِجابَةَ! فقال: لَقَدْ دَوَّصَتْ اللهُ بِغَيْرِ صِفَاتِهِ، وَإِنَّ لِلدُّعَاءِ أَرْبَعَ خِصَالٍ: إِخْلَاصَ السَّرِيَّةِ، وَإِحْصَاءَ النِّيَّةِ، وَمَعْرِفَةَ الوَسِيلَةِ، وَالإِنصافَ فِي المَسْأَلَةِ؛ فَهَلْ دَعَوْتَ وَأَنْتَ عَارِفٌ بِهَذِهِ الأَرْبَعَةِ؟ قَالَ: لا. قَالَ: فَاعْرِفْهُنَّ. (2)

راجع: ص 602 (من تستجاب دعوته / من دعا كدعاء الغريق).

بحار الأنوار: ج 93 ص 361 (كلام ابن سينا في بيان إجابة الدعاء).

1- إرشاد القلوب: ص 149، المواعظ العددية: ص 215.

2- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 302.

2 / 7 این خصلت ها

2 / 7 این خصلت ها امام علی علیه السلام: دعا کردن، چهار شرط دارد: اول نیت کردن، دوم خلوص باطن، سوم شناخت درخواست شونده، و چهارم انصاف در درخواست.

امام صادق علیه السلام: مردی نزد امیر مؤمنان آمد و گفت: من دعا کردم و اجابتی ندیدم! فرمود: «تو خداوند را به غیر صفاتش وصف کردی!» (1) دعا چهار ویژگی می خواهد: خلوص باطن، نیت کردن، شناخت وسیله، و انصاف در درخواست. آیا تو با آگاهی از این چهار چیز دعا کردی؟». گفت: خیر. فرمود: «پس آنها را بدان».

ر. ک: ص 603 (کسانی که دعایشان مستجاب می شود / کسی که غریق گونه دعا کند). بحار الأنوار: ج 93 ص 361 (سخن ابن سینا در بیان سبب اجابت دعا).

1- یعنی: یکی از صفات خداوند، «مُجیب» است و تو او را غیر مجیب خواندی!

البَابُ الثَّالِثُ : مَوَاقِعُ الإِجَابَةِ 3 / 1 المَعْصِيَةِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ تَخْبُثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ ، وَتَحْسُنُ فِيهِ عَلاَنِيتُهُمْ طَمَعًا فِي الدُّنْيَا ، لَا يُرِيدُونَ بِهِ مَا عِنْدَ رَبِّهِمْ ، يَكُونُ دِينُهُمْ رِيَاءً لَا يُخَالِطُهُمْ خَوْفٌ ، يَعْمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ فَيَدْعُونَهُ دُعَاءَ الْغَرِيقِ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله : يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ يَكُونُ أُمْرًاؤُهُمْ عَلَى الْجَوْرِ ، وَعُلَمَاؤُهُمْ عَلَى الطَّمَعِ وَقِلَّةِ الْوَرَعِ ، وَعَبَادُهُمْ عَلَى الرِّيَاءِ ، وَتُجَارُهُمْ عَلَى أَكْلِ الرِّبَا وَكتمانِ الْعَيْبِ فِي الْبَيْعِ وَالشِّرَاءِ ، وَنَسَاؤُهُمْ عَلَى زِينَةِ الدُّنْيَا ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يُسَلِّطُ عَلَيْهِمْ أَشْرَارَهُمْ ، فَيَدْعُو خِيَارَهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ . (2)

الإمام عليّ عليه السلام : المَعْصِيَةُ تَمْنَعُ الإِجَابَةَ . (3)

1- .الكافي : ج 2 ص 296 ح 14 و ج 8 ص 306 ح 476 ، ثواب الأعمال : ص 301 ح 3 وفيه «أمرهم رياء لا يخالطه» بدل «دينهم رياء لا يخالطهم» وكلّها عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، عدّة الداعي : ص 178 وفيه «عملهم رياء» بدل «دينهم رياء» ، بحار الأنوار : ج 18 ص 146 ح 6 و ج 74 ص 400 ح 43 .

2- .أعلام الدين : ص 285 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 82 ح 10 .

3- .غرر الحكم : ح 792 و 928 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 23 ح 188 .

باب سوم : موانع اجابت دعا**3 / 1 گناه**

باب سوم : موانع اجابت دعا 3 / 1 گناه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به زودی ، زمانی خواهد رسید که مردم ، به سبب دنیاخواهی ، باطنی پلید و ظاهری نیک دارند . آنچه را نزد پروردگارشان است ، نمی خواهند . دینشان ریاکارانه است و در دل هایشان ترسی [از خدا نیست] . عذاب خدا آنان را فرا می گیرد و مردم ، همچون شخص در حال غرق شدن به درگاه او دعا می کنند ؛ اما دعایشان را نمی پذیرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : زمانی بر امتم می رسد که فرمان روایانشان راه ستم می پویند ، علمایشان طمعکار و بی وَرَع اند ، عبادت پیشگانشان ریاکارند ، بازرگانانشان رباخوارند و در خرید و فروش ، عیب [کالای خود] را می پوشانند ، و زنانشان اهل زیور دنیایند . در این زمان ، بدان آنها بر آنان مسلط می شوند ، و نیکانشان دعا می کنند ؛ اما دعایشان مستجاب نمی شود .

امام علی علیه السلام : گناه ، مانع اجابت می شود .

عنه عليه السلام: لا تَسْتَبِطِي إِجَابَةَ دُعَايِكَ ، وَقَدْ سَدَدْتَ طَرِيقَهُ بِالذُّنُوبِ . (1)

عنه عليه السلام: الْعَجَبُ مِمَّنْ يَدْعُو وَيَسْتَبِطِي الْإِجَابَةَ ، وَقَدْ سَدَّ طَرِيقَهَا بِالْمَعَاصِي . (2)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْسِبُ الدُّعَاءَ . (3)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ عَظُمَ بِلَائِي ، وَأَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي ، وَقَصَّرَتْ بِي أَعْمَالِي ، وَقَعَدَتْ بِي أَغْلَالِي ، وَحَبَسَتْ بِي عَنْ نَفْعِي بَعْدَ أَمَلِي ، وَخَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا ، وَنَفْسِي بِجِنَائِيهَا وَمِطَالِي (4) ، يَا سَيِّدِي ، فَاسْأَلْكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَفِعَالِي . (5)

عنه عليه السلام: أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يَمْنَعُ الدُّعَاءَ . (6)

الإمام زين العابدين عليه السلام في المُنَاجَاةِ الْإِنْجِيلِيَّةِ: فَإِنْ كَانَ ذُنُوبِي حَالَتْ بَيْنَ دُعَائِي وَإِجَابَتِكَ ، فَلَمْ يَحُلْ كَرْمُكَ بَيْنِي وَبَيْنَ مَغْفِرَتِكَ . (7)

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الْعَبْدَ يَسْأَلُ اللَّهَ الْحَاجَةَ ، فَيَكُونُ مِنْ شَأْنِهِ قَضَاؤُهَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ أَوْ إِلَى وَقْتٍ بَطِيءٍ ، فَيُذْنِبُ الْعَبْدُ ذَنْبًا ، فَيَقُولُ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لِلْمَلِكِ: لَا تَقْضِ حَاجَتَهُ وَاحْرِمَهُ إِيَّاهَا؛ فَإِنَّهُ تَعَرَّضَ لِسَخَطِي ، وَاسْتَوْجَبَ الْحِرْمَانَ مِنِّي . (8)

1- غرر الحكم : ح 10329 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 524 ح 9537 ، نثر الدرّ : ج 1 ص 285 وفيه «أستبطي الدعاء بالإجابة...»

2- تذكرة الخواصّ : ص 137؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 72 ح 37 .

3- مصباح المتهجدّ : ص 844 ح 910 عن كميل ، الكافي : ج 4 ص 72 ح 3 عن عليّ بن رناب ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 102 ح 1848 كلاهما عن الإمام الكاظم عليه السلام وفيهما «تردّ» بدل «تحبس» ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 96 ح 257 عن سعد بن سعد عن الإمام الرضا عليه السلام وفيه «أعوذ بك من» بدل «اللهم اغفر لي» ، بحار الأنوار : ج 95 ص 435 ح 43 .

4- المَطْلُ : التسويةُ بِالْعِدَّةِ وَالذَّيْنِ ، كَالْمِطَالِ وَالْمُطَاةِ وَالْمِطَالِ (القاموس المحيط : ج 4 ص 51 «مطل»).

5- مصباح المتهجدّ : ص 845 ح 910 ، الإقبال : ج 3 ص 333 كلاهما عن كميل .

6- الدعوات : ص 61 ح 150 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 382 ح 8 .

7- بحار الأنوار : ج 94 ص 169 ح 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين .

8- الكافي : ج 2 ص 271 ح 14 ، فلاح السائل : ص 95 ح 33 كلاهما عن محمّد بن مسلم ، عدّة الداعي : ص 198 ، الاختصاص : ص 31 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 377 ح 19 .

امام علی علیه السلام: راه دعا را با گناهان بسته ای . بنا بر این ، دیر اجابت شدن دعایت را بعید ندان.

امام علی علیه السلام: تعجب است از کسی که دعا می کند و اجابت آن را کند می شمارد ، در حالی که راه اجابت را با گناهان ، بسته است!

امام علی علیه السلام: بار خدایا! گناهان مرا که مانع [اجابت] دعا می شوند ، بیامرز.

امام علی علیه السلام: خدایا! گرفتاری هایم بالا گرفته ، و بدی احوالم از حد گذشته ، و اعمالم کاستی گرفته ، و غل و زنجیرهایم مرا زمینگیر کرده ، و دور و درازی آرزویم مرا از منافع (منافع حقیقی ام) باز داشته ، و دنیا با فریبندگی هایش ، و نفسم با بزهکاری اش و وعده دادن هایش مرا فریب داده اند. ای آقای من! پس ، به حق عزتت ، از تو می خواهم که کردار و رفتار بدم ، مانع دعای من از درگاه تو نشود.

امام علی علیه السلام: پناه می برم به تو از گناهی که مانع دعا می شود.

امام زین العابدین علیه السلام: در «مناجات انجیلیه» : اگر گناهانم حائل میان دعای من و اجابت تو شده است ، اَمَّا کَرَمَ تُو ، حائل میان من و آمرزش تو نگشته است.

امام باقر علیه السلام: بنده از خداوند ، حاجتی می طلبد که اقتضا دارد به زودی یا دیرتر برآورده شود . سپس آن بنده گناهی می کند و خداوند _ تبارک و تعالی _ به فرشته می فرماید : «حاجتش را برآورده مساز و او را از آن محروم کن ؛ چرا که خود را در معرض خشم من قرار داد و مستوجب محرومیت من گشت».

الإمام الصادق عليه السلام_ جَوَابًا لِمَنْ قَالَ : إِنَّا نَدْعُو اللَّهَ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَنَا _ : إِنَّكُمْ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَهَابُونَهُ وَتَعْصُونَهُ ، وَكَيْفَ يَسْتَجِيبُ لَكُمْ !؟
(1)

الإمام الكاظم عليه السلام :اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ يَحْسِبُ رِزْقِي وَيَحْجُبُ مَسْأَلَتِي ، أَوْ يَقْصُرُ رُبِّي عَنْ بُلُوغِ مَسْأَلَتِي ، أَوْ يَصُدُّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي . (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله :مَرَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِرَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ وَهُوَ سَاجِدٌ ، وَانصَرَفَ مِنْ حَاجَتِهِ وَهُوَ سَاجِدٌ ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَوْ كَانَتْ حَاجَتُكَ بِيَدِي لَقَضَيْتُهَا لَكَ . فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ : يَا مُوسَى ، لَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ مَا قَبِلْتَهُ ، أَوْ يَتَحَوَّلَ عَمَّا أَكْرَهُ إِلَى مَا أَحَبُّ . (3)

الأمالى للصدوق عن وهب بن منبه :وَجَدْتُ فِي بَعْضِ كُتُبِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : أَنَّ يَوْسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَّ فِي مَوْكِبِهِ عَلَى امْرَأَةِ الْعَزِيزِ وَهِيَ جَالِسَةٌ عَلَى مَرْبَلَةٍ . فَقَالَتْ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمُلُوكَ بِمَعْصِيَتِهِمْ عِبِيدًا ، وَجَعَلَ الْعَبِيدَ بِطَاعَتِهِمْ مُلُوكًا ، أَصَابَتْنَا فَاقَةٌ فَتَصَدَّقَ عَلَيْنَا . فَقَالَ يَوْسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : غَمُوطٌ (4) النَّعْمُ سَدِّقُمْ دَوَامِهَا ، فَرَاغِي مَا يُمَحِّصُ عَنكَ دَنَسَ الْخَطِيئَةِ ؛ فَإِنَّ مَحَلَّ الْإِسْتِجَابَةِ قُدْسُ الْقُلُوبِ وَطَهَارَةُ الْأَعْمَالِ . (5)

1- إرشاد القلوب : ص 152 .

2- مصباح المتهجد : ص 502 ح 583 ، البلد الأمين : ص 88 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 135 ح 3 .

3- عدّة الداعى : ص 164 ، الكافى : ج 8 ص 129 ح 98 عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 138 عن الإمام على عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 341 ح 11 .

4- الغمط : كفران النعمة وسرّها ، والغمط : الاستهانة والاستحقار (النهاية : ج 3 ص 387 _ 388 «غمط»).

5- الأمالى للصدوق : ص 52 ح 7 ، بحار الأنوار : ج 12 ص 254 ح 18 .

امام صادق علیه السلام در پاسخ به کسی که گفت: ما خدا را می خوانیم؛ اما پاسخمان نمی دهد: شما کسی را می خوانید که از او بیم نمی دارید و نافرمانی اش می کنید. او چگونه پاسختان دهد؟

امام کاظم علیه السلام: بار خدایا! هر گناهی را که روزی ام را بند می آورد و مانع [پذیرش] درخواستم می شود، یا مرا از رسیدن به خواسته ام باز می دارد، یا توجه کریمانه تو را از من می گرداند، بر من بیخشای.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: موسی علیه السلام به مردی از پیروانش گذشت که در حال سجده بود. کارش را که انجام داد و برگشت، دید همچنان در سجده است. گفت: اگر حاجتت به دست من بود، آن را برایت برآورده می ساختم. پس، خداوند عز و جل به او وحی فرمود که: «ای موسی! اگر آن قدر سجده کند که گردشش قطع شود، از او نمی پذیرم، مگر آن که از آنچه ناخوش می دارم، دست برداشته، به آنچه من دوست دارم، روی آورد.»

الأمالی، صدوق به نقل از وهب بن منبه: در یکی از کتاب های [آسمانی] خداوند عز و جلدیدم که: یوسف علیه السلام با همراهانش بر همسر عزیز گذشت که در خرابه ای نشسته بود. [همسر عزیز] گفت: سپاس، خداوندی را که شاهان را به سبب نافرمانی شان به بندگی کشانند و بندگان را به واسطه فرمان برداری شان به شاهی رسانند. به فقر در افتاده ایم، به ما صدقه ای بده. یوسف علیه السلام فرمود: «ناسپاسی نعمت ها، آفت پایداری آنهاست. پس، به چیزی که پلیدی گناه را از تو می زداید، باز گرد؛ زیرا پاکی دل ها و پاکیزگی اعمال، جایگاه استجاب است.»

إرشاد القلوب: قال تعالى: إِنَّ الْعَبْدَ يَدْعُونِي لِلْحَاجَةِ فَأَمُرُ بِقَضَائِهَا فَيُذْنِبُ، فَأَقُولُ لِلْمَلِكِ: إِنَّ عَبْدِي قَدْ تَعَرَّضَ لِسَخَطِي بِالْمَعْصِيَةِ فَاسْتَحَقَّ الْجِرْمَانَ، وَإِنَّهُ لَا يُبَالُ مَا عِنْدِي إِلَّا بِطَاعَتِي. (1)

2/3 الظلم ومَعُونَةُ الظالمِ رسول الله صلى الله عليه وآله: حَتَمَ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَسْتَجِيبَ دَعْوَةَ مَظْلُومٍ وَلَا أَحَدٍ قَبْلَهُ مِثْلَ مَظْلَمَتِهِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَظْلِمُوا فَتَدْعُوا فَلَا يُسْتَجَابَ لَكُمْ، وَتَسْتَسْقُوا فَلَا تُسْقُوا، وَتَسْتَصِرُّوا فَلَا تُنصَرُوا. (3)

الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قُلْ لِلْمَلَائِكَةِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ: لَا يَدْخُلُوا بَيْتًا مِنْ بُيُوتِي إِلَّا بِقُلُوبٍ طَاهِرَةٍ، وَأَبْصَارٍ خَاشِعَةٍ، وَأَكْفُفٍ تَقِيَّةٍ، وَقُلْ لَهُمْ: إِعْلَمُوا أَنِّي غَيْرُ مُسْتَجِيبٍ لِأَحَدٍ مِنْكُمْ دَعْوَةً وَلَا أَحَدٍ مِنْ خَلْقِي قَبْلَهُ مِثْلَ مَظْلَمَتِهِ. (4)

عنه عليه السلام في كتابه إلى أمراء الأجناد: أَمَا بَعْدُ، فَاتَى أَبْرَأُ إِلَيْكُمْ وَإِلَى أَهْلِ الذِّمَّةِ مِنْ مَعْرَةَ (5) الْجَيْشِ... فَاعزِلُوا النَّاسَ عَنِ الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ، وَخُذُوا عَلَى أَيْدِي سَفَهَائِكُمْ، وَاحْتَرِسُوا أَنْ تَعْمَلُوا أَعْمَالًا لَا يَرْضَى اللَّهُ بِهَا عَمَّا، فَيَزِدَّ عَلَيْنَا وَعَلَيْكُمْ دُعَاءَنَا؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «قُلْ مَا يَعْجُبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ...» (6) فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا مَقَّتْ قَوْمًا مِنَ السَّمَاءِ هَلَكُوا فِي الْأَرْضِ، فَلَا تَأْلُوا (7) أَنْفُسَكُمْ خَيْرًا. (8)

1- إرشاد القلوب: ص 149.

2- كنز العمال: ج 3 ص 503 ح 7626 نقلاً عن ابن عدى في الكامل عن ابن عباس.

3- مجمع الزوائد: ج 5 ص 423 ح 9191 نقلاً عن الطبراني في المعجم الأوسط عن ابن مسعود.

4- النخصال: ص 337 ح 40، فلاح السائل: ص 93 ح 28، إرشاد القلوب: ص 20 كلّها عن نوف، عدّة الداعي: ص 130 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 93 ص 319 ح 27؛ حلية الأولياء: ج 1 ص 79 عن نوف البكالي نحوه.

5- معرّة الجيش: هو أن ينزلوا يقوم فيأكلوا من زروعهم بغير علم. وقيل: هو قتال الجيش دون إذن الأمير. والمعرّة: الأمر القبيح المكروه والأذى (النهاية: ج 3 ص 205 «عرر»).

6- الفرقان: 76.

7- من أوت: إذا قصرت. يقال: ألى الرجل: إذا قصر وترك الجهد (النهاية: ج 1 ص 63 «ألى»).

8- وقعة صفين: ص 125، بحار الأنوار: ج 75 ص 355 ح 70؛ شرح نهج البلاغة: ج 3 ص 194.

3 / 2 ستم کردن و کمک کردن به ستمکار

إرشاد القلوب: خدای متعال فرمود: «بنده حاجتی از من می خواهد و من فرمان برآورده شدن آن را می دهم . به دنبال آن ، گناه می کند و من به فرشته می گویم : بنده ام ، با نافرمانی ، خود را در معرض خشم من قرار داد و سزاوار محرومیت شد ، در حالی که به آنچه نزد من است ، جز با طاعت از من نتوان رسید».

3 / 2 ستم کردن و کمک کردن به ستمکار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : قطعاً خداوند دعای ستم دیده ای را که به دیگری چنان ستمی را روا داشته است ، نمی پذیرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ستم نکنید که در این صورت ، دعا می کنید و دعایتان مستجاب نمی شود ، و باران می طلبید و باران نمی آید ، و [از خدا] یاری می جوید و یاری نمی شوید.

امام علی علیه السلام : خداوند عز و جل به عیسی بن مریم علیه السلام وحی فرمود که : «به اشراف بنی اسرائیل بگو : جز با دل های پاک و دیدگان فروهشته و دستانی پاکیزه [و به ستم نیالوده] به خانه ای از خانه های من وارد نشوند . و به آنان بگو : بدانید که من دعای کسی از شما را که حقّ یکی از آفریدگان من بر گردن اوست ، مستجاب نمی کنم».

امام علی علیه السلام در نامه اش به امرای لشکر : «اما بعد ، من به شما و اهل ذمه اعلام می دارم که هرگز به پشت اندازی های سپاهیان ، راضی نیستم ... پس ، مردم را از ستم و تجاوز کردن ، به دور دارید و جلوی تعدّی نابخردانتان را بگیرید و از انجام دادن کارهایی که مورد رضایت خداوند نیست ، بپرهیزید ، که در غیر این صورت ، دعای ما را به خود ما و شما بر می گرداند ؛ چرا که خداوند متعال می فرماید : «بگو : اگر دعای شما نباشد ، پروردگارم به شما اعتنایی نمی کند ...» . همانا خداوند ، هر گاه از آسمان بر مردمی خشم گیرد ، آنان در زمین هلاک می شوند . پس ، از نیکی کردن در حقّ خویش فروگذار نکنید.

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - بِه عَيْسَى بْنِ مَرِيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ لَهُ: يَا عَيْسَى... قُلْ لِيُظْلَمَةَ بَنِي إِسْرَائِيلَ: لَا تَدْعُونِي وَالسُّحُتُ تَحْتَ أَحْضَانِكُمْ، وَالْأَصْنَامُ فِي بُيُوتِكُمْ؛ فَإِنِّي وَأَيْتُ (1) أَنْ أُجِيبَ مَنْ دَعَانِي، وَأَنْ أُجْعَلَ إِجَابَتِي إِيَّاهُمْ لَعْنَا عَلَيْهِمْ حَتَّى يَتَفَرَّقُوا. (2)

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا أُجِيبُ دَعْوَةَ مَظْلُومٍ دَعَانِي فِي مَظْلَمَةٍ ظَلَمَهَا، وَلَا أَحَدٍ عِنْدَهُ مِثْلُ تِلْكَ الْمَظْلَمَةِ. (3)

عنه عليه السلام: مَنْ عَذَرَ ظَالِمًا بِظُلْمِهِ، سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَنْ يَظْلِمُهُ؛ فَإِنْ دَعَا لَمْ يَسْتَجِبْ لَهُ وَلَمْ يَأْجُرْهُ اللَّهُ عَلَى ظُلَامَتِهِ. (4)

عنه عليه السلام: إِذَا ظَلَمَ الرَّجُلُ فُظِّلَ يَدْعُو عَلَى صَاحِبِهِ، قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: إِنَّ هَاهُنَا آخَرَ يَدْعُو عَلَيْكَ يَزْعُمُ أَنَّكَ ظَلَمْتَهُ، فَإِنْ شِئْتَ أُجِبْتُكَ وَأُجِبْتَ عَلَيْكَ، وَإِنْ شِئْتَ أَخَّرْتُكُمْ فَيُوسِعُكُمْ مَا عَفَوِي. (5)

1- الوأى: الوعد الذي يوثقه الرجل على نفسه، ويعزم على الوفاء به (النهاية: ج 5 ص 144 «وأى»).

2- الأمالى للصدوق: ص 608 ح 841 عن أبي بصير، الكافي: ج 8 ص 133 ح 103 عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام وفيه «آليت» بدل «وأيت»، عده الداعي: ص 129 وفيه «أقدامكم» بدل «أحضانكم»، تحف العقول: ص 497، بحار الأنوار: ج 93 ص 373 ح 16.

3- ثواب الأعمال: ص 321 ح 3، فلاح السائل: ص 95 ح 32 وليس فيه «دعاني» وكلاهما عن علي بن سالم، الدعوات: ص 25 ح 39 وفيه «ولأحد من خلقى عنده مظلمة مثلها»، بحار الأنوار: ج 93 ص 320 ح 30 وراجع كنز العمال: ج 3 ص 503 ح 7626.

4- الكافي: ج 2 ص 334 ح 18، ثواب الأعمال: ص 323 ح 14، فلاح السائل: ص 93 ح 29 كلها عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج 93 ص 319 ح 26.

5- الأمالى للصدوق: ص 396 ح 509 عن الحسن بن راشد، روضة الواعظين: ص 511، الدعوات: ص 25 ح 38 نحوه وفيه: «وفى التوراة: يقول الله عز وجل للعبدة»، بحار الأنوار: ج 93 ص 324 ح 3؛ كنز العمال: ج 3 ص 376 ح 7017 نقلاً عن الحاكم فى تاريخه عن أنس.

امام صادق علیه السلام: از جمله اندرزهای خداوند _ تبارک و تعالی _ به عیسی بن مریم علیه السلام ، این بود که به او فرمود : «ای عیسی! ... به ستمکاران بنی اسرائیل بگو : در حالی که زیر پاهایتان حرام و در خانه هایتان بت قرار دارد ، مرا نخوانید ؛ زیرا من با خود ، عهد استوار بسته ام که هر کس مرا بخواند ، پاسخش بدهم ، و پاسخ من به آنان تا زمانی که [از محفل دعا] پراکنده شوند ، لعنت کردن ایشان است».

امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جل می فرماید : «به عزّت و جلالم سوگند که دعای ستم دیده ای را در حقّ ستم کننده بدو ، که خود نسبت به دیگری چنان ستمی را روا داشته است ، اجابت نمی کنم».

امام صادق علیه السلام : هر کس ستمکاری را در ستمش ، معذور بدارد (ستم او را توجیه کند) ، خداوند کسی را بر او مسلّط می گرداند که به وی ستم کند . پس چنانچه [برای رفع ستم او از خود] دعا کند ، خداوند دعایش را مستجاب نمی کند و در برابر ستمی هم که به او می شود ، به وی اجری نمی دهد.

امام صادق علیه السلام : هر گاه به مردی ستم شود و او پیوسته ستمگرش را نفرین کند ، خداوند عز و جل می فرماید : «هم اکنون ، یک نفر هم تو را نفرین می کند و می گوید که تو به او ستم کرده ای . پس ، اگر می خواهی ، نفرین هر دوی شما را اجابت کنم ، و اگر می خواهی ، نفرین هر دوی شما را به تأخیر افکنم تا مشمول عفووم شوید».

عدّة الداعى: فيما أوحى الله تعالى إلى داؤد عليه السلام: مَنِ انْقَطَعَ إِلَيَّ كَفَيْتُهُ، وَمَنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ، وَمَنْ دَعَانِي أَجَبْتُهُ، وَإِنَّمَا أُوحِرُ دَعْوَتَهُ وَهِيَ مُعَلَّقَةٌ وَقَدْ اسْتَجَبْتُهَا لَهُ حَتَّى يَتِمَّ قَضَائِي، فَإِذَا تَمَّ قَضَائِي أَنْفَذْتُ مَا سَأَلَ. قُلْ لِلْمَظْلُومِ: إِنَّمَا أُوحِرُ دَعْوَتَكَ وَقَدْ اسْتَجَبْتُهَا لَكَ عَلَى مَنْ ظَلَمَكَ، حَتَّى يَتِمَّ قَضَائِي لَكَ عَلَى مَنْ ظَلَمَكَ؛ لِضُرُوبٍ كَثِيرَةٍ غَابَتْ عَنْكَ وَأَنَا أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ: إِمَّا أَنْ تَكُونَ قَدْ ظَلَمْتَ رَجُلًا فَادْعَا عَلَيْكَ فَتَكُونَ هَذِهِ بِهِذِهِ لَا لَكَ وَلَا عَلَيْكَ، وَإِمَّا أَنْ تَكُونَ لَكَ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ لَا تَبْلُغُهَا عِنْدِي إِلَّا بِظُلْمِهِ لَكَ؛ لِأَنِّي أُخْتَبِرُ عِبَادِي فِي أَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ. (1)

إحياء علوم الدين عن سفيان الثوري: بَلَغَنِي أَنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ قَطَعُوا سَبْعَ سِنِينَ... فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى أَنْبِيَائِهِمْ: لَوْ مَشَيْتُمْ إِلَيَّ بِأَقْدَامِكُمْ حَتَّى تَحْفَى رُكْبَتُكُمْ، وَتَبْلُغَ أَيْدِيكُمْ أَعْنَانَ السَّمَاءِ، وَتَكِلَ السِّدِّ تَتَكَّمُ عَنِ الدُّعَاءِ، فَإِنِّي لَا أُجِيبُ لَكُمْ دَاعِيًا وَلَا أَرْحَمُ مِنْكُمْ بَاكِيًا، حَتَّى تَرُدُّوا الْمَظَالِمَ إِلَى أَهْلِهَا، فَفَعَلُوا فَمُطِرُوا مِنْ يَوْمِهِمْ. (2)

إحياء علوم الدين عن مالك بن دينار: أَصَابَ النَّاسَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ قَحْطٌ فَخَرَجُوا مِرَارًا، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيِّهِمْ أَنْ: أَخْبِرْهُمْ أَنَّكُمْ تَخْرُجُونَ إِلَيَّ بِأَبْدَانٍ نَجِسَةٍ، وَتَرْفَعُونَ إِلَيَّ أَكْفًا قَدْ سَفَكْتُمْ بِهَا الدَّمَاءَ، وَمَلَأْتُمْ بُطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ، الْآنَ قَدْ اشْتَدَّ غَضَبِي عَلَيْكُمْ، وَلَنْ تَرُدُّوا مِنِّي إِلَّا بُعْدًا. (3)

-
- 1- عدّة الداعى: ص 31، إرشاد القلوب: ص 153 وفيه «لذنوب كثيرة غابت عنك وأنا أرحم الراحمين وأحكم الحاكمين» بدل «لضروب كثيرة...» وليس فيه «حتى يتم قضائي لك على من ظلمك»، بحار الأنوار: ج 14 ص 42 ح 34.
 - 2- إحياء علوم الدين: ج 1 ص 461؛ المحجّة البيضاء: ج 2 ص 298.
 - 3- إحياء علوم الدين: ج 1 ص 462؛ المحجّة البيضاء: ج 2 ص 298.

عدّة الدعای: از جمله چیزهای که خداوند متعال به داوود علیه السلام وحی فرمود، این بود که: «هر کس تنها به من تکیه کند، او را کفایت [و از حَلَقَم بی نیاز] می‌کنم، و هر کس از من بخواهد، به او عطا می‌کنم، و هر کس مرا بخواند، پاسخش می‌دهم، جز آن که دعای او را به تأخیر می‌افکنم و همچنان اجابت شده معلّق می‌گذارم تا آن که قضایم صادر شود، و چون قضایم صادر شد، خواسته او را اجرا می‌کنم. به ستم دیده بگو: نفرین تو را در حقّ کسی که به تو ستم کرده است، اجابت می‌کنم؛ اما آن را به تأخیر می‌افکنم تا آن گاه که قضایم برای تو درباره کسی که به تو ستم کرده است، به انجام رسد. و این، به دلایل گوناگونی است که تو از آن بی‌خبری، و من خود، بهترین داورانم. یا به این دلیل است که تو نیز به مردی ستم کرده‌ای و او تو را نفرین کرده است. پس، آن نفرین در برابر این نفرین است؛ [یعنی] نه نفرین تو را اجابت می‌کنم و نه نفرین او را در حقّ تو. و یا به این دلیل است که [در قبال آن ستمی که به تو شده،] تو را در بهشت درجه ای دهم که جز با همین ستمی که در حقّ تو کرده است، به آن نمی‌رسی؛ چرا که من بندگانم را در مال و جان آنان می‌آزمایم».

إحیاء علوم الدین_ به نقل از سفیان ثوری_: شنیده‌ام که بنی اسرائیل به مدّت هفت سال دچار قحطی شدند... پس، خداوند عز و جل به پیامبرانشان وحی فرمود که: «اگر پیاده به سوی من آید، چندان که زانوانتان بساید، و [چندان دست به آسمان برکشید که] دست هایتان به کرانه‌های آسمان رسد، و [آن اندازه دعا کنند که] زبان هایتان از دعا کردن خسته شود، دعای هیچ یک از شما را نمی‌پذیرم و به هیچ گریه کننده‌ای از شما رحم نخواهم کرد تا آن گاه که حقوق مردم را به صاحبان آنها بازگردانید». آنان چنین کردند و همان روز، باران آمد.

إحیاء علوم الدین_ به نقل از مالک بن دینار_: در میان بنی اسرائیل، قحطی افتاد و مردم بارها [برای طلب باران] بیرون شدند. پس، خداوند عز و جل به پیامبر آنان وحی فرمود که: «به آنان بگو: شما با بدن‌هایی ناپاک به درگاه من می‌آید و دستانی را به سویم بلند می‌کنید که با آنها خون ریخته‌اید و شکم هایتان را از حرام پر کرده‌اید. اکنون، خشم من بر شما شدت گرفته است و دمام از من دورتر می‌شوید».

3 / 3 عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ إِمَامُ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الدُّنُوبُ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ الْبَغْيُ، ... وَالَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ وَتُظْلِمُ (1) الْهَوَاءَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ . (2)

3 / 4 قَطِيعَةُ الرَّحِمِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَطِيعَةُ الرَّحِمِ تَحْجُبُ الدُّعَاءَ . (3)

3 / 5 الزُّنَا إِمَامُ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ: لَا تَزِنِ فَأَحْجَبَ عَنْكَ نُورَ وَجْهِهِ ، وَتُغْلَقَ أَبْوَابُ السَّمَاوَاتِ دُونَ دُعَائِكَ . (4)

-
- 1- إظلام الهواء إما كناية عن التحير في الأمور ، أو شدة البلية ، أو ظهور آثار غضب الله في الجو (مرآة العقول : ج 11 ص 341) .
 - 2- الكافي : ج 2 ص 447 ح 1 ، علل الشرايع : ص 584 ح 27 ، معاني الأخبار : ص 270 ح 1 كلها عن مجاهد عن أبيه ، الاختصاص : ص 238 عن عبد الله بن سنان وفيه « تحبس » بدل « ترد » ، بحار الأنوار : ج 87 ص 253 .
 - 3- نزهة الناظر : ص 37 ح 115 .
 - 4- المحاسن : ج 1 ص 194 ح 331 عن أبي حمزة ، بحار الأنوار : ج 79 ص 27 ح 33؛ شُعب الإيمان : ج 4 ص 222 ح 4858 عن أبي حمزة نحوه .

3 / 3 نافرمانی از پدر و مادر و آزردهن آنها

3 / 4 بریدن از خویشاوندان

3 / 5 زنا

3 / 3 نافرمانی از پدر و مادر و آزردهن آنها امام صادق علیه السلام: گناहانی که نعمت ها را زوال می آورند ، ستم کردن ... است و آنهایی که دعا را رد می کنند و فضا را تاریک می گردانند ، نافرمانی از پدر و مادر و آزردهن آنهاست.

3 / 4 بریدن از خویشاوندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بریدن پیوند خویشاوندی ، مانع اجابت دعا می شود.

3 / 5 زنا امام باقر علیه السلام : خداوند به موسی بن عمران وحی فرمود که : «زنا مکن ، که پرتورویم را از تو باز می دارم و درهای آسمانها به روی دعایت بسته می شوند».

6/3 شَرِبَ الخَمْرَ المعجم الكبير عن القاسم أبي عبد الرحمن: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ فِي الخَمْرِ: مَنْ وَضَعَهَا عَلَى كَفِّهِ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ دَعْوَةٌ، وَمَنْ أَدْمَنَ عَلَى شُرْبِهَا سُقِيَ مِنَ الخَبَالِ (1). (2)

راجع: ص 476 ح 781.

7/3 تَرَكَ الأَمْرَ بالمَعْرُوفِ وَالتَّهَيَّ عَنِ المُنْكَرِ رسول الله صلى الله عليه وآله: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: مُرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَانْهَوْا عَنِ المُنْكَرِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَدْعُونِي فَلَا أُجِيبُكُمْ، وَتَسْأَلُونِي فَلَا أُعْطِيكُمْ، وَتَسْتَصِرُّونِي فَلَا أَنْصُرُكُمْ. (3)

الإمام الباقر عليه السلام: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ... إِذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَلَمْ يَنْهَوْا عَنِ المُنْكَرِ، وَلَمْ يَتَّبِعُوا الأَخْيَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ شِرَارَهُمْ، فَيَدْعُو خِيَارَهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ. (4)

-
- 1- الخَبَالُ عَصَاةُ أَهْلِ النَّارِ، وَالخَبَالُ فِي الأَصْلِ الفَسَادُ وَيَكُونُ فِي الأَفْعَالِ وَالأَبْدَانِ وَالعُقُولِ (النهاية: ج 2 ص 8 «خبيل»).
 - 2- المعجم الكبير: ج 19 ص 374 ح 879، كنز العمال: ج 5 ص 350 ح 13188 وراجع روضة الواعظين: ص 509.
 - 3- مسند ابن حنبل: ج 9 ص 504 ح 25310، السنن الكبرى: ج 10 ص 160 ح 20200، كنز العمال: ج 3 ص 73 ح 5554 نقلاً عن الديلمي وكلها عن عائشة وراجع حلية الأولياء: ج 8 ص 287 و مسند أبي يعلى: ج 4 ص 440 ح 4893.
 - 4- الكافي: ج 2 ص 374 ح 2، ثواب الأعمال: ص 301 ح 1، علل الشرايع: ص 584 ح 26 وفيهما «وجدنا في كتاب أمير المؤمنين عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله...» وكلها عن أبي حمزة، تحف العقول: ص 51، بحار الأنوار: ج 91 ص 328 ح 11.

3 / 6 شرابخواری

3 / 7 ترک امر به معروف و نهی از منکر

3 / 6 شرابخواری بالمعجم الکبیر۔ به نقل از ابو عبد الرحمن ، قاسم : از پیامبر خدا شنیدم که درباره شراب می فرماید : «هر که آن را در کف بگیرد ، هیچ دعایی از او پذیرفته نمی شود ، و هر که بر نوشیدن آن مداومت ورزد ، از چرکابه اهل دوزخ (1) به او نوشانده می شود» .
ر . ک : ص 477 ح 781 .

3 / 7 ترک امر به معروف و نهی از منکر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای مردم! خداوند عز و جل می فرماید : «امر به معروف و نهی از منکر کنید ، پیش از آن که مرا بخوانید و پاسختان ندهم ، یا از من بخواهید و عطایتان نکنم ، یا از من یاری طلبید و یاری تان نرسانم» .
امام باقر علیه السلام : در کتاب پیامبر خدا دیدیم که : «... هر گاه امر به معروف و نهی از منکر نکنند و از خوبان اهل بیتم پیروی ننمایند ، خداوند بدان آنها را بر ایشان مسلط می گرداند . پس ، خوبانشان دعا می کنند ؛ اما دعایشان مستجاب نمی شود» .

1- . در متن عربی ، «خَبَال» آمده است به معنای : افشردن دوزخیان ، شیرابه ای که از بدن فاسدشده اهل دوزخ جاری می شود . خَبَال در اصل به معنای تباهی است ، چه در کردار ، یا بدن و یا عقل . به معنای سمّ کشنده هم آمده است (النهاية : ج 2 ص 8) .

الإمام عليّ عليه السلام: لا تَرْكُوا الأَمْرَ بِالمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ المُنْكَرِ، فَيُؤَلِّيَ اللهُ أَمْرَكُمْ شِرَارَكُمْ، ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ عَلَيْهِم. (1)

3 / 8 التَّهَؤُنُ بِالصَّلَاةِ رسول الله صلى الله عليه وآله لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ: يَا فَاطِمَةُ، مَنْ تَهَاوَنَ بِصَدِّ لَاتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ ابْتِلَاءَ اللهُ بِخَمْسِ عَشْرَةَ خَصَلَةً: سِتُّ مِنْهَا فِي دَارِ الدُّنْيَا... فَأَمَّا اللَّوَاتِي تُصِيبُهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا... وَلَا يَرْتَفِعُ دُعَاؤُهُ إِلَى السَّمَاءِ، وَالسَّادِسَةُ لَيْسَ لَهُ حَظٌّ فِي دُعَاءِ الصَّالِحِينَ. (2)

3 / 9 النَّمِيمَةُ بحار الأنوار: زُوِيَ أَنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْتَسْقَى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ حِينَ أَصَابَهُمْ فَحَطُّ. فَأَوْحَى اللهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: إِنِّي لَا أُسْتَجِيبُ لَكَ وَلَا لِمَنْ مَعَكَ وَفِيكُمْ نَمَامٌ قَدْ أَصَرَ عَلَى النَّمِيمَةِ. (3)

3 / 10 الغِنَاءُ الإمام الصادق عليه السلام: بَيَّتُ الغِنَاءُ لَا تُؤْمَنُ فِيهِ الفَجِيعَةُ، وَلَا تُجَابُ فِيهِ الدَّعْوَةُ، وَلَا يَدْخُلُهُ المَلَكُ. (4)

-
- 1- الكافي: ج 7 ص 52 ح 7 عن عبدالرحمن بن الحجاج عن الإمام الكاظم عليه السلام وج 5 ص 56 ح 3 عن محمد بن عمر بن عرفة عن أبي الحسن عليه السلام، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 178 ح 714، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 191 ح 5433 كلاهما عن سليم بن قيس، نهج البلاغة: الكتاب 47 كلها نحوه، بحار الأنوار: ج 100 ص 77 ح 30؛ البداية والنهاية: ج 7 ص 328 نحوه.
 - 2- فلاح السائل: ص 61 ح 1، بحار الأنوار: ج 83 ص 21 ح 39.
 - 3- بحار الأنوار: ج 75 ص 268 ح 19.
 - 4- الكافي: ج 6 ص 433 ح 15 عن زيد الشحام، دعائم الإسلام: ج 2 ص 208 ح 762 وفيه «الملائكة» بدل «الملك».

3 / 8 سبک شمردن نماز

3 / 9 سخن چینی

3 / 10 آوازه خوانی

امام علی علیه السلام: امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که خداوند، امور شما را به دست بدانتان می سپارد، و آن گاه نفرینشان می کنید؛ اما نفرینتان پذیرفته نمی شود.

3 / 8 سبک شمردن نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ به فاطمه علیها السلام: ای فاطمه! هر کس، از مرد و زن، نمازش را سبک بشمارد، خداوند او را به پانزده چیز مبتلا می کند: شش تایی آنها در سرای دنیاست... و آن شش چیزی که در سرای دنیا به او می رسد، این است که: ... و [پنجم] دعایش به آسمان بالا نمی رود، و ششم، برای او در دعای نیکان، بهره ای نیست.

3 / 9 سخن چینیهجار الأنوار: روایت شده است که موسی علیه السلام برای بنی اسرائیل که دچار قحطی شده بودند، طلب باران کرد؛ اما خداوند متعال به او وحی فرمود که: «با وجود سخن چینی که در میان شما هست و به سخن چینی اش ادامه می دهد، نه دعای تو و نه دعای همراهانت را اجابت نمی کنم».

3 / 10 آوازه خوانی امام صادق علیه السلام: خانه ای که در آن آوازه خوانی شود، از فاجعه در امان نیست، و دعا در آن مستجاب نمی گردد، و فرشته واردش نمی شود.

رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تدخل الملائكة بيتا فيه خمر أو دف أو طنبور أو نرد (1)، ولا يستجاب دُعَاؤُهُمْ وَيَرَفَعُ اللَّهُ عَنْهُمْ الْبِرْكََةَ .
(2)

3 / 11 عَدَمُ الْوَفَاءِ بِعَهْدِ اللَّهِ الْكِتَابِ «إِنِّي إِسْرَائِيلُ أَذْكُرُوا نِعْمَتِي الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ» .
(3)

الحديث تفسير القمّي عن جميل عن الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ لَهُ رَجُلٌ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» وَإِنَّا نَدْعُو فَلَا يُسْتَجَابُ لَنَا! قَالَ: لِأَنَّكُمْ لَا تَقُونَ اللَّهَ بِعَهْدِهِ، وَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «أَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ»، وَاللَّهُ لَوْ وَفَيْتُمْ لِلَّهِ لَوْفَى اللَّهُ لَكُمْ .
(4)

1- الدَّفُّ: آلة طرب يُنْقَرُ عليها . والطنبور: آلة من آلات اللعب واللهو والطرب ذات عنق وأوتار . والنرد: لعبة ذات صندوق وحجارة وفصّين، تعتمد على الحظ وتُنْقَلُ فيها الحجارة على حسب ما يأتي به الفصّ (الرّهر) وتُعرف عند العامّة بالطاولة . (المعجم الوسيط: ص 289 و ص 567 و ص 912) .

2- إرشاد القلوب: ص 174، عوالي اللآلي: ج 1 ص 261 ح 44، وسائل الشيعة: ج 17 ص 315 ح 13 نقلاً عن تنبيه الخواطر .
3- البقرة: 40 .

4- تفسير القمّي: ج 1 ص 46، بحار الأنوار: ج 93 ص 368 ح 3 .

3 / 11 وفا نکردن به عهد خدا

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرشتگان به خانه ای که در آن شراب یا دف (1) یا تنبور (2) یا نرد (3) باشد، وارد نمی شوند، و دعای اهل آن خانه مستجاب نمی شود و خداوند برکت را از آنان می برد.

3 / 11 وفا نکردن به عهد خداقرآن (ای بنی اسرائیل! نعمت مرا که به شما ارزانی داشتم، به یاد آورید و به عهد من وفا کنید تا به عهد [م با] شما وفا کنم، و تنها از من بیم دارید).

حدیث تفسیر القمی_ به نقل از جمیل_: مردی به امام صادق علیه السلام گفت: قربانت کردم! خداوند می فرماید: «مرا بخوانید تا پاسختان دهم»، و ما می خوانیم و پاسخ داده نمی شویم. فرمود: «علتش آن است که شما به عهد خدا وفا نمی کنید. خدا می فرماید: «به عهد من وفا کنید تا به عهد [م با] شما وفا کنم». به خدا سوگند، اگر با خدا وفا می کردید، قطعاً خدا با شما وفا می کرد».

-
- 1- دف، وسیله شادی که در آن می نوازند. طبلی که یک و یا دو طرفش پوستی نازک می کشند و با زدن انگشتان بر آن، می نوازند.
 - 2- تنبور، از وسایل لهو و لعب و شادی است که دارای یک کاسه و دسته و تعدادی تار (دو، سه، شش و...) است.
 - 3- نرد، وسیله بازی است. دارای تخته ای است که دو قسمت راست و چپ دارد و با دو طاس و سی مهره بر روی آن بازی می کنند.

الاختصاص عن هشام بن سالم: قُلْتُ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، مَا بَالُ الْمُؤْمِنِ إِذَا دَعَا رَبِّمَا اسْتَجِيبَ لَهُ وَرَبِّمَا لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؟! فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا دَعَا اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَقَلْبٍ مُخْلِصٍ، اسْتَجِيبَ لَهُ بَعْدَ وَفَائِهِ بِعَهْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَإِذَا دَعَا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لِعَبْرٍ نَبِيَّةٍ وَإِخْلَاصٍ، لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ، أَلَيْسَ اللَّهُ تَعَالَى يَقُولُ: «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ»؟ فَمَنْ وَفَى أَوْفَى لَهُ. (1)

3 / 12 الإِعْتِصَامُ بِغَيْرِ اللّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَا مِنْ مَخْلُوقٍ يَعْتَصِمُ [بِمَخْلُوقٍ] (2) دُونِي، إِلَّا قَطَعْتُ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ وَأَسْبَابَ الْأَرْضِ مِنْ دُونِهِ؛ فَإِنْ سَأَلَنِي لَمْ أُعْطِهِ، وَإِنْ دَعَانِي لَمْ أُجِبْهُ. وَمَا مِنْ مَخْلُوقٍ يَعْتَصِمُ بِي دُونَ خَلْقِي إِلَّا ضَمَنْتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ رِزْقَهُ؛ فَإِنْ دَعَانِي أُجِبْتُهُ، وَإِنْ سَأَلَنِي أُعْطِيتُهُ، وَإِنْ اسْتَغْفَرَنِي غَفَرْتُ لَهُ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَرَادَ صَاحِبُكُمْ أَنْ لَا يَسْأَلَ رَبَّهُ إِلَّا أَعْطَاهُ، فَلْيَبْسُ مِنَ النَّاسِ كُلِّهِمْ، وَلَا يَكُونَنَّ لَهُ رَجَاءٌ عِنْدَ غَيْرِ اللَّهِ؛ فَإِذَا عَلِمَ اللَّهُ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِهِ لَمْ يَسْأَلْهُ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ. (4)

الكافي عن الحسين بن علوان: كُنَّا فِي مَجْلِسٍ نَطْلُبُ فِيهِ الْعِلْمَ، وَقَدْ نَفَدَتِ نَفَقَتِي فِي بَعْضِ الْأَسْفَارِ، فَقَالَ لِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا: مَنْ تَوَمَّلْ لِمَا قَدْ نَزَلَ بِكَ؟ فَقُلْتُ: فَلَنَا. فَقَالَ: إِذَا وَاللَّهِ لَا تُسَعَّفُ حَاجَتُكَ، وَلَا يَبْلُغُكَ أَمْلُكَ، وَلَا تُنْجِحُ طَلِبَتُكَ. قُلْتُ: وَمَا عَلِمُكَ رَحِمَكَ اللَّهُ؟ قَالَ: إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدَّثَنِي أَنَّهُ قَرَأَ فِي بَعْضِ الْكُتُبِ: أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَمَجْدِي وَارْتِقَاعِي عَلَى عَرْشِي، لَأَقْطَعَنَّ أَمَلَ كُلِّ مُؤْمَلٍ [مِنَ النَّاسِ] غَيْرِي بِالْيَأْسِ، وَلَا كَسُوتَهُ تَوْبَ الْمَذَلَّةِ عِنْدَ النَّاسِ، وَلَا نُحَيْتَهُ مِنْ قُرْبِي، وَلَا بُعْدَهُ مِنْ فَضْلِي، أَيُّؤْمَلُ غَيْرِي فِي الشَّدَايِدِ، وَالشَّدَايِدُ بِيَدِي؟! وَيَرْجُو غَيْرِي وَيَفْرَعُ بِالْفِكْرِ بَابَ غَيْرِي وَيَبْدِي مَفَاتِيحَ الْأَبْوَابِ وَهِيَ مُغْلَقَةٌ، وَبَابِي مَفْتُوحٌ لِمَنْ دَعَانِي؟! فَمَنْ ذَا الَّذِي أَمَلَنِي لِتَوَائِبِهِ فَقَطَعْتُهُ دُونَهَا؟! وَمَنْ ذَا الَّذِي رَجَانِي لِعَظِيمَةِ فَقَطَعْتُ رَجَاءَهُ مِنِّي؟! جَعَلْتُ أَمَالَ عِبَادِي عِنْدِي مَحْفُوظَةً، فَلَمْ يَرْضُوا بِحَفْظِي، وَمَلَأْتُ سَمَاوَاتِي مِمَّنْ لَا يَمَلُّ مِنْ تَسْبِيحِي، وَأَمَرْتُهُمْ أَنْ لَا يُغْلِقُوا الْأَبْوَابَ بَيْنِي وَبَيْنَ عِبَادِي، فَلَمْ يَتَّقُوا بِقَوْلِي. أَلَمْ يَعْلَمْ [أَنَّ] مَنْ طَرَفْتُهُ نَائِبَةً مِنْ نَوَائِبِي، أَنَّهُ لَا يَمْلِكُ كَشْفَهَا أَحَدٌ غَيْرِي إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِي؟! فَمَا لِي أَرَاهُ لَا هِيَا عَنِّي؟! أَعْطَيْتُهُ بِجُودِي مَا لَمْ يَسْأَلْنِي، ثُمَّ انْتَرَعْتُهُ عَنْهُ فَلَمْ يَسْأَلْنِي رَدَّهُ، وَسَأَلَ غَيْرِي، أَفَيْرَانِي أَبْدَأُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ، ثُمَّ أَسْأَلُ فَلَا أُجِيبُ سَائِلِي؟! أُنْخِيلُ أَنَا فَيُنْخَلِنِي عِبْدِي؟! أَوْلَيْسَ الْجُودُ وَالْكَرَمُ لِي؟! أَوْلَيْسَ الْعَفْوُ وَالرَّحْمَةُ بِيَدِي؟! أَوْلَيْسَ أَنَا مَحَلُّ الْأَمَالِ فَمَنْ يَقْطَعُهَا دُونِي؟! أَفَلَا يَخْشَى الْمُؤْمَلُونَ أَنْ يُؤْمَلُوا غَيْرِي؟! فَلَوْ أَنَّ أَهْلَ سَمَاوَاتِي وَأَهْلَ أَرْضِي أَمَلُوا جَمِيعًا، ثُمَّ أُعْطِيتُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مِثْلَ مَا أَمَلَّ الْجَمِيعُ مَا انْتَقَصَ مِنْ مُلْكِي مِثْلُ عُضْوٍ ذَرَّةً، وَكَيْفَ يَنْقُصُ مُلْكُ أَنَا قِيَمُهُ؟ فَيَا بُؤْسًا لِلْقَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِي، وَيَا بُؤْسًا لِمَنْ عَصَانِي وَلَمْ يُرَاقِبْنِي! (5)

1- الاختصاص: ص 242، بحار الأنوار: ج 93 ص 379 ح 23.

2- ما بين المعقوفين سقط من المصدر وأثبتناه من بحار الأنوار والمصادر الأخرى.

3- الأمالى للطوسى: ص 585 ح 1210، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 74 كلاهما عن إسحاق بن جعفر عن أخيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ص 82 ح 5، عده الداعى: ص 124، مشكاة الأنوار: ص 51 ح 46، بحار الأنوار: ج 93 ص 304 ح 39؛ كنز العمال: ج 3 ص 703 ح 8512 نقلًا عن العسكري عن الإمام علي عليه السلام نحوه وراجع الفردوس: ج 1 ص 140 ح 496.

- 4- .تيسير المطالب : ص 235 عن الإمام عليّ عليه السلام .
- 5- .الكافي : ج 2 ص 66 ح 7 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 130 ح 7 .

3 / 12 متوسل شدن به غیر خدا

الاختصاص_ به نقل از هشام بن سالم_: به امام صادق علیه السلام گفتم: ای فرزند پیامبر خدا! چرا مؤمن وقتی دعا می کند، گاه دعایش مستجاب می شود و گاه مستجاب نمی شود، در حالی که خداوند عز و جل فرموده است: «و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا پاسختان دهم»؟ فرمود: «بنده هر گاه با یت راست و دل با اخلاص به درگاه خداوند_ تبارک و تعالی_ دعا کند و به عهد[ش با] خداوند عز و جل هم وفا کند، دعایش مستجاب می شود، و هر گاه بدون یت [راست] و اخلاص به درگاه خداوند عز و جل دعا کند، دعایش مستجاب نمی شود. آیا نه این است که خداوند متعال می فرماید: «به عهدم وفا کنید تا به عهد[م با] شما وفا کنم»؟ پس هر که وفا کند، وفا می بیند».

3 / 12 متوسل شدن به غیر خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای عز و جل می فرماید: «هیچ مخلوقی نیست که به غیر من چنگ زند، مگر آن که اسباب آسمان ها و اسباب زمین را از او قطع می کنم. پس اگر از من خواست، به او نمی دهم و اگر مرا خواند، پاسخش نمی دهم؛ و هیچ مخلوقی نیست که به من، و نه خلق من، چنگ زند، مگر آن که آسمان ها و زمین را ضامن روزی او می گردانم. پس اگر مرا خواند، پاسخش می دهم و اگر از من خواست، به او می دهم، و اگر از من آمرزش طلبید، او را می آمرزم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما خواست که آنچه را از پروردگارش درخواست می کند، به او بدهد، باید از همه مردم چشم امید بر کند و به غیر خدا هرگز امیدی نداشته باشد. پس خدا هر گاه این را از قلب او دانست، هر چه را از وی بخواهد، به او می دهد.

الکافی_ به نقل از حسین بن علوان_: در مجلس درسی بودیم و خرجی ام در یکی از سفرها تمام شده بود. یکی از رفقایمان گفت: برای رفع این مشکلت به چه کسی امیدواری؟ گفتم: فلانی. گفت: در این صورت، به خدا سوگند که حاجت برآورده نمی شود و به آرزویت نمی رسی و مرادت حاصل نمی شود. گفتم: تو از کجا می دانی، خدایت رحمت کند؟ گفت: امام صادق علیه السلام برایم فرمود که در کتابی خوانده است که خدای_ تبارک و تعالی_ می فرماید: «به عزت و جلال و عظمت و عرش نشینی ام سوگند که امید هر کس از مردم را که به غیر من امید بندد، به نومییدی مبدل می سازم و جامه خواری نزد مردم را بر او می پوشانم و از قرب خود می رانمش و از فضلم دورش می کنم. آیا او در سختی ها به غیر من آرزو می بندد، در صورتی که سختی ها به دست من است؟ و به غیر من امیدوار می شود و در اندیشه اش در خانه غیر مرا می کوید، در صورتی که کلیدهای همه درهای بسته نزد من است و در من به روی هر کس که مرا بخواند، باز است؟ کیست که در گرفتاری هایش به من امید بسته و من امیدش را قطع کرده ام؟ کیست که برای مشکلی به من امیدوار شده و من امید او را از خودم بریده ام؟ من آرزوهای بندگانم را نزد خود نگه داشته ام؛ اما آنها به نگهداری من راضی نگشتند، و آسمان هایم را از وجود کسانی که از تسبیح گویی من خسته نمی شوند، آکنده ساختم و به آنها فرمان دادم که درهای میان من و بندگانم را نبندند؛ ولی آنها به قول من اعتماد نکردند. آیا کسی که حادثه ای از حوادث من به او می رسد، نمی داند که هیچ کس نمی تواند آن را برطرف سازد، مگر با اجازه خود من؟ پس چرا می بینمش که از من رویگردان است؟ من به واسطه جود و بخشش خود، آنچه را از من درخواست نکرد، به او دادم و سپس آن را از او گرفتم، و او برگشتش را از من نخواست و از غیر من خواست؟ آیا فکر می کند منی که ابتدا و پیش از درخواست عطا می کنم، اگر از من درخواست شود، به درخواست کننده جواب نمی دهم؟ مگر من بخیلیم که بنده ام مرا بخیل می داند؟ مگر بخشندگی و آقایی، مختص من نیست؟ مگر گذشت و رحمت، در دست من نیست؟ آیا من منتهای آرزوها نیستم؟ پس چه کسی

می تواند آنها را از من ببرد (/ چه کسی جز من می تواند آرزوها را ببرد)؟ آیا آرزومندان نمی ترسند که به غیر من آرزومند می شوند؟ اگر همه اهل آسمان هایم و اهل زمینم به من امید ببندند و من به هر یک از آنها به اندازه امید همه آنها بدهم ، باز به قدر عضو مورچه ای ، از مُلک من کاسته نمی شود . چگونه کاسته شود مُلکی که من سرپرست آنم ؟ پس ، بیچاره نومیدان از رحمت من! بدبخت کسی که نافرمانی من کند و مراد در نظر نگیرد!» .

الإمام عليّ عليه السلام_ لَنُوفِ الْبِكَالِيِّ - : اِنْقَطَعْ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ ؛ فَإِنَّهُ يَقُولُ : وَعِزَّتِي وَجَلَالِي ، لَأَقْطَعَنَّ أَمَلَ كُلِّ مَنْ يُؤْمَلُ غَيْرِي بِالْيَأْسِ ، وَلَا كَسُوفَهُ تَوْبَ الْمَذَلَّةِ فِي النَّاسِ ، وَلَا بُعْدَنَهُ مِنْ قُرْبِي ، وَلَا قَطْعَنَهُ عَن وَصَلِي ، وَلَا خَمْلَنَ ذِكْرَهُ حِينَ يَرَعَى غَيْرِي ، أَيُّؤْمَلُ - وَيَلَهُ - لِشِدَائِدِهِ غَيْرِي ، وَكَشْفُ الشَّدَائِدِ بِيَدِي ؟! وَيَرْجُو سِوَايَ ، وَأَنَا الْحَيُّ الْبَاقِي ؟! وَيَطْرُقُ أَبْوَابَ عِبَادِي وَهِيَ مُغْلَقَةٌ ؟! وَيَتْرِكُ بَابِي وَهُوَ مَفْتُوحٌ ؟! فَمَنْ ذَا الَّذِي رَجَانِي لِكَثِيرِ جُرْمِهِ فَخَيَّبْتُ رَجَاءَهُ ؟! جَعَلْتُ آمَالَ عِبَادِي مُنْصِيئَةً لِي ، وَجَعَلْتُ رَجَاءَهُمْ مَذْخُورًا لَهُمْ عِنْدِي ، وَمَلَأْتُ سَمَاوَاتِي مِمَّنْ لَا يَمَلُّ تَسْبِيحِي ، وَأَمَرْتُ مَلَائِكَتِي أَنْ لَا يُغْلِقُوا الْأَبْوَابَ بَيْنِي وَبَيْنَ عِبَادِي ، أَلَمْ يَعْلَمْ مَنْ فَدَحَتْهُ نَائِبَةٌ مِنْ نَوَائِبِي أَنْ لَا يَمْلِكَ أَحَدٌ كَشْفَهَا إِلَّا بِإِذْنِي ؟! فَلِمَ يُعْرِضُ الْعَبْدُ بِأَمَلِهِ عَنِّي ، وَقَدْ أُعْطِيَتْهُ مَا لَمْ يَسْأَلْنِي ، فَلِمَ يَسْأَلُنِي وَسَأَلَ غَيْرِي ؟ أَفْتَرَانِي أَبْتَدِي خَلْقِي مِنْ غَيْرِ مَسْأَلَةٍ ، ثُمَّ أَسْأَلُ فَلَا أُجِيبُ سَائِلِي ؟! أَبْخِيلُ أَنَا فَيَبْخُلُنِي عَبْدِي ؟! أَوْلَيْسَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ لِي ؟! أَوْلَيْسَ الْكَرَمُ وَالْجُودُ صِدْقَتِي ؟! أَوْلَيْسَ الْفَضْلُ وَالرَّحْمَةُ بِيَدِي ؟! أَوْلَيْسَ الْأَمَالُ لَا - تَنْتَهِي إِلَّا - إِلَيَّ ، فَمَنْ يَقْطَعُهَا دُونِي ؟ وَمَا عَسَى أَنْ يُؤْمَلَ الْمُؤْمَلُونَ مِنْ سِوَايَ ؟! وَعِزَّتِي وَجَلَالِي ، لَوْ جَمَعْتُ آمَالَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ ، ثُمَّ أُعْطِيتُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ ، مَا نَقَصَ مِنْ مُلْكِي بَعْضُ عُضْوِ الدَّرَّةِ ، وَكَيْفَ يَنْقُصُ نَائِلٌ أَنَا أَفْضَلُهُ ؟ يَا بُؤْسَا لِلْقَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِي ، يَا بُؤْسَا لِمَنْ عَصَانِي وَتَوَثَّبَ عَلَيَّ مَحَارِمِي وَلَمْ يُرَاقِبْنِي وَاجْتَرَأَ عَلَيَّ . (1)

1- .بحار الأنوار : ج 94 ص 95 ح 12 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي عن نوف البكالي .

امام علی علیه السلام به نوف بکالی: توجّهت فقط به خدا باشد؛ زیرا او می فرماید: «به عزّت و جلالم سوگند که امید هر کس را که به غیر من امید بندد، به یأس مبدّل می کنم و بر او جامه خواری در نزد مردم می پوشانم، و از قرب خود، دورش می کنم و پیوندش با خودم را می برم و گمناش می سازم؛ زیرا غیر مرا در نظر می گیرد. وای بر او! آیا در سختی هایش به غیر من آرزو می بندد، با آن که سختی ها به دست من است؟ و به جز من امیدوار می شود، در صورتی که منم زنده جاویدان؟ و درهای بسته بندگانم را می کوبد و در مرا که همیشه باز است، رها می کند؟ کیست که برای [بخشودن] گناهان فراوانش به من امید بسته باشد و من امیدش را ناامید کرده باشم؟ من آرزوهای بندگانم را متّصل به خویش قرار داده ام، و امیدشان را نزد خود برای آنها ذخیره کرده ام، و آسمان هایم را از کسانی که از تسبیح گویی من خسته نمی شوند، آکنده ساخته ام، و به فرشتگانم دستور داده ام که درهای میان من و بندگانم را نبندند. آیا آن که حادثه ای از حوادث من او را در فشار قرار می دهد، نمی داند که هیچ کس نمی تواند جز با اجازه من، آن را برطرف کند؟ پس چرا بنده با آرزویش از من روی گردان می شود؟ چرا از منی که بی درخواست به او عطا کرده ام، درخواست نمی کند و از غیر من درخواست می کند؟ آیا فکر می کند منی که ابتدائاً و بی درخواست خلقم، به آنها می دهم، اگر از من درخواست شود، جواب درخواست کننده را نمی دهم؟ مگر من بخیلیم که بنده ام مرا بخیل می داند؟ آیا دنیا و آخرت از آن من نیست؟ آیا آقایی و بخشندگی، صفت من نیست؟ آیا فضل و رحمت، به دست من نیست؟ آیا آرزوها جز به من منتهی می شوند؟ پس چه کسی جز من آنها را قطع می کند؟ و چرا امیدواران، به غیر من امید می بندند؟ به عزّت و جلالم سوگند، اگر آرزوهای اهل زمین و آسمان را جمع کنم و آرزوهای یکایک آنها را برآورم، به اندازه یک عضو مورچه ای هم از مُلک من کاسته نمی شود. چگونه عطایی که من بخشنده آنم، کاستی گیرد؟ بیچاره نومیدان از رحمت من! بدبخت، کسی که مرا نافرمانی کند و به حرام های من رو آورد و مرا در نظر نگیرد و بر من گستاخی کند!».

3 / 13 الحِكْمَةُ رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْعَبْدَ لَيَشْرَفُ عَلَى حَاجَةٍ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا، فَيَذْكُرُهُ اللَّهُ مِنْ فَوْقِ سَمَاوَاتٍ، فَيَقُولُ: مَلَائِكَتِي إِنَّ عَبْدِي هَذَا قَدْ أَشْرَفَ عَلَى حَاجَةٍ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا؛ فَإِنْ فَتَحْتُهَا لَهُ فَتَحْتُ بَابًا إِلَى النَّارِ، وَلَكِنْ ازْوَوْهَا عَنْهُ. فَيُصْبِحُ الْعَبْدُ عَاصِدًا عَلَى أَنَامِلِهِ، يَقُولُ: مَنْ سَبَقَنِي؟ مَنْ دَهَانِي؟ وَمَا هِيَ إِلَّا رَحْمَةٌ رَحِمَهُ اللَّهُ بِهَا. (1)

الزهد لابن المبارك عن يزيد بن ميسرة: قَالَ نَبِيٌّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ: يَا رَبِّ دَعَاكَ فُلَانُ النَّبِيُّ وَفُلَانُ النَّبِيُّ فَأَجَبْتَهُمْ، وَدَعَوْتَكَ فَلَمْ تُجِبْنِي! فَقَالَ: إِنَّ فُلَانَ النَّبِيَّ وَفُلَانَ (2) النَّبِيَّ دَعَوْنِي وَالْأَجَلَ الَّذِي أَهْلِكُ فِيهِ أُمَّتَهُمْ مُسْتَأْخِرٌ فَاسْتَجَبْتُ لَهُمْ، وَإِنَّكَ دَعَوْتَنِي وَالْأَجَلَ الَّذِي أَهْلِكُ فِيهِ أُمَّتَكَ قَدْ حَضَرَ. (3)

عدّة الداعى: زُورِي فِي زُبُورِ دَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: يَا بَنَ آدَمَ، تَسَأَلُنِي وَأَمْنَعُكَ؛ لِعِلْمِي بِمَا يَنْفَعُكَ، ثُمَّ تُدِيحُ عَلَيَّ بِالْمَسْأَلَةِ فَأَعْطِيكَ مَا سَأَلْتَ، فَتَسْتَعِينُ بِهِ عَلَيَّ مَعْصِيَتِي، فَأَهْمُ بِهَيْتِكَ سِتْرَكَ فَتَدْعُونِي فَأَسْتُرُّ عَلَيْكَ، فَكَمْ مِنْ جَمِيلٍ أَصْنَعُ مَعَكَ! وَكَمْ مِنْ قَبِيحٍ تَصْنَعُ مَعِي! يُوْشِكُ أَنْ أُغْضِبَ عَلَيْكَ غَضَبَةً لَا أَرْضَى بَعْدَهَا أَبَدًا. (4)

- 1- حلية الأولياء: ج 7 ص 208 و ج 3 ص 305 وفيه «ازودها» بدل «ازووها» و «سعى بي» بدل «سبقني» وكلاهما عن ابن عباس وراجع التمهيص: ص 56 ح 113، مشكاة الأنوار: ص 514 ح 1723، بحار الأنوار: ج 67 ص 243 ح 81.
- 2- كذا في المصدر في الموضوعين، والقياس: «فلانا النبي».
- 3- الزهد لابن المبارك (الملحقات): ص 20 ح 82.
- 4- عدّة الداعى: ص 198، بحار الأنوار: ج 73 ص 365 ح 98.

3 / 13 حکمت خداوند

3 / 13 حکمت خداوند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا بنده در آستانه رسیدن به حاجتی از حاجت های دنیا قرار می گیرد؛ اما خداوند از فراز هفت آسمان، یاد او می کند و می فرماید: «فرشتگان من! این بنده ام به حاجتی از حاجت های دنیا نزدیک شده است. اگر آن را برایش بگشایم، دری به سوی آتش گشوده ام. پس، آن را از او دور کنید». بنده انگشت حسرت می گزد و می گوید: چه کسی بر من [در رسیدن به آن حاجت] پیشی گرفت؟ چه کسی به من نیرنگ زد؟ در صورتی که این، جز یک لطف نیست که خداوند در حق او نموده است.

الزهدي، ابن المبارک _ به نقل از یزید بن میسره _ پیامبری از پیامبران گفت: ای پروردگار من! فلان پیامبر و بهمان پیامبر، تو را خواندند و اجابتشان کردی، و من تو را خواندم و اجابت نکردی! خداوند فرمود: «فلان پیامبر و بهمان پیامبر، وقتی مرا خواندند که اجلی که امتشان در آن نابود می شدند، هنوز نرسیده بود. از این رو، دعایشان را اجابت کردم؛ اما تو، وقتی مرا خواندی که اجلی که امتت در آن نابود می شد، فرا رسیده بود».

عدّة الداعي: در زیور داوود علیه السلام روایت شده است که: «خداوند _ تبارک و تعالی _ می فرماید: ای فرزند آدم! تواز من درخواست می کنی و من به تو نمی دهم؛ چون می دانم چه چیز به سود توست؛ اما تو اصرار می کنی و من خواسته ات را می دهم و تو از آن در نافرمانی از من کمک می گیری. پس، آهنگ آن می کنم که پرده ات را بیدرم [و آبرویت را ببرم]؛ ولی تو مرا می خوانی و من پرده پوشی می کنم. پس، چه خوبی ها که با تو می کنم و چه بدیها که تو با من می کنی! نزدیک است که چنان از تو در خشم شوم که زان پس، هرگز خشنود نگردم».

المستدرک علی الصحیحین عن جابر بن عبد اللہ عن رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ: یَدْعُو اللّٰهُ بِالْمُؤْمِنِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ حَتَّى یُوقِفَهُ بَیْنَ یَدَیْهِ ، فِیَقُولُ : عَبْدِی ، اِنِّیْ اَمَرْتُكَ اَنْ تَدْعُوْنِیْ وَوَعَدْتُكَ اَنْ اَسْتَجِبْتُ لَكَ ، فَهَلْ كُنْتَ تَدْعُوْنِیْ ؟ فِیَقُولُ : نَعَمْ يَا رَبِّ . اَمَّا اِنَّكَ لَمْ تَدْعُنِیْ بِدَعْوَةٍ اِلَّا- اَسْتَجِیْبَ لَكَ ، فَهَلْ لَیْسَ دَعْوَتِیْ یَوْمَ كَذَا وَكَذَا لِغَمِّ نَزَلَ بِكَ اَنْ اُفْرَجَ عَنْكَ فَفَرَّجْتُ عَنْكَ ؟ فِیَقُولُ : نَعَمْ يَا رَبِّ . فَاِنِّیْ عَجَّلْتُهَا لَكَ فِی الدُّنْیَا ، وَدَعْوَتِیْ یَوْمَ كَذَا وَكَذَا لِغَمِّ نَزَلَ بِكَ اَنْ اُفْرَجَ عَنْكَ فَلَمْ تَرَفْرَجَا ؟ قَالَ : نَعَمْ يَا رَبِّ ، فِیَقُولُ : اِنِّیْ اَدَّخَرْتُ لَكَ بِهَا فِی الْجَنَّةِ كَذَا وَكَذَا . قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صلی اللہ علیہ وآلہ : فَلَا یَدْعُ اللّٰهُ دَعْوَةً دَعَا بِهَا عَبْدُهُ الْمُؤْمِنُ اِلَّا بَیَّنَ لَهُ ، اِمَّا اَنْ یَكُونَ عَجَلَ لَهُ فِی الدُّنْیَا ، وَاِمَّا اَنْ یَكُونَ اَدَّخَرَ لَهُ فِی الْاٰخِرَةِ . قَالَ : فِیَقُولُ الْمُؤْمِنُ فِی ذٰلِكَ الْمَقَامِ : يَا لَیْتَهُ لَمْ یَكُنْ عَجَلَ لَهُ فِی شَیْءٍ مِنْ دُعَائِهِ . (1)

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ: اِنَّ الرَّجُلَ لَیَطْلُبُ الْحَاجَةَ فِیْزَوِیْهَا اللّٰهُ عَنْهُ لِمَا هُوَ خَیْرٌ لَهُ ، فِیْتَّهَمُ النَّاسَ ظَالِمًا لَهُمْ ، فِیَقُولُ : مَنْ شَبَّعَنِی (2) ؟ (3) ؟

الإمام علیّ علیہ السلام: اِنَّ كَرَمَ اللّٰهِ سُبْحَانَهُ لَا یَنْقُضُ حِكْمَتَهُ ، فَلِذٰلِكَ لَا یَعُجُّ الْاِجَابَةُ فِی كُلِّ دَعْوَةٍ . (4)

- 1- .المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 671 ح 1819 ، حلیة الأولیاء: ج 6 ص 208 نحوه ، كنز العمال: ج 2 ص 92 ح 3290 .
- 2- .یعنی من تزیّن بالباطل وعارضنی فیما سألته من الأمر - مثلاً - لیغیظنی بذلك ویدخل الأذى والضرر علیّ بمعارضته ... وفي اللسان: المتشبع: المترین بأكثر ممّا عنده ، یتكثّر بذلك یتزیّن بالباطل ، كالمراة تكون للرجل ولها ضرائر فتشبع بما تدعی من الحظوة عند زوجها بأكثر ممّا عنده لها ، تريد بذلك غیظ جاراتها (فیض القدير: ج 2 ص 429 ، وراجع لسان العرب: ج 8 ص 172 «شبع»).
- 3- .المعجم الكبير: ج 11 ص 284 ح 12011 عن ابن عباس ، كنز العمال: ج 2 ص 79 ح 3223 وفيه «سبّعنی» بدل «شبعنی» أي عابنی وانتقصنی .
- 4- .غرر الحكم: ح 3478 ، عیون الحكم والمواعظ: ص 151 ح 3311 .

المستدرک علی الصحیحین_ به نقل از جابر بن عبد الله_: پیامبر خدا فرمود: «روز قیامت، خداوند، مؤمن را صدا می زند و او را در برابر خود، نگه می دارد و می فرماید: بنده ام! من به تو دستور دادم که مرا بخوانی و وعده ات دادم که پاسخت دهم. آیا مرا می خواندی؟. بنده می گوید: آری، ای پروردگار من! خداوند می فرماید: هر دعایی به درگاهم کردی، برایت مستجاب شد. آیا فلان و بهمان روز برای اندوهی که به تو رسیده بود، دعایم نکردی تا اندوهت را بزدایم و من آن را از تو زدودم؟. می گوید: چرا، ای پروردگار من! خداوند می فرماید: پس، آن را در همان دنیا برایت برآوردم. آیا فلان و بهمان روز برای اندوهی که به تو رسیده بود، دعایم نکردی تا اندوهت را بزدایم و گشایشی ندیدی؟. می گوید: چرا، ای پروردگار من! خداوند می فرماید: من به جای آن، در بهشت چه و چه برایت اندوختم». پیامبر خدا فرمود: «[به همین ترتیب،] خداوند همه دعاهایی را که بنده مؤمنش به درگاه او کرده است، برایش بیان می کند که یا در همان دنیا برایش اجابت کرده و یا برای آخرتش اندوخته است». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «در این هنگام، مؤمن می گوید که ای کاش هیچ یک از دعاهایش در دنیا به اجابت نرسیده بود».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آدمی حاجتی را می طلبد؛ اما خداوند، به خاطر خیر و مصلحتش، آن را از او دور می گرداند و نمی دهد. پس به ناحق، مردم را متهم می کند و می گوید: چه کسی مرا بی نیاز جلوه داد؟ (1)

امام علی علیه السلام: گرم خداوند سبحان، حکمت او را نقض نمی کند. از این روست که همه دعاها اجابت نمی شود.

1- یعنی حقّ مرا با باطل در هم آمیخت و از موقعیت من کاست و من نتوانستم به خواسته ام برسم. در نتیجه به من ضرر زد.

عنه عليه السلام: رُبَّمَا سَأَلَتِ الشَّيْءَ فَلَمْ تُعْطَهُ وَأُعْطِيَتْ خَيْرًا مِنْهُ. (1)

عنه عليه السلام_ مِنْ وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ_- رُبَّمَا سَأَلَتِ الشَّيْءَ فَلَا تُؤْتَاهُ، وَأُوتِيَتْ خَيْرًا مِنْهُ عَاجِلًا أَوْ آجِلًا، أَوْ صُرِفَ عَنْكَ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَكَ، فَلَرُبَّ أَمْرٍ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَاكُ دِينِكَ لَوْ أُوتِيَتْهُ، فَلَتَكُنْ مَسْأَلَتَكَ فِيمَا يَبْقَى لَكَ جَمَالُهُ، وَيُنْفِي عَنْكَ وَبَالُهُ، فَالْمَالُ لَا يَبْقَى لَكَ وَلَا تَبْقَى لَهُ. (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام: يَا مَنْ لَا تَبْدُلُ حِكْمَتَهُ الْوَسَائِلُ (3). (4)

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا غَتَّه (5) بِالْبَلَاءِ غَتًّا، وَثَجَّه (6) بِالْبَلَاءِ ثَجًّا، فَإِذَا دَعَاهُ قَالَ: لَبَّيْكَ عَبْدِي، لَئِنْ عَجَلْتُ لَكَ مَا سَأَلْتَ إِنِّي عَلَى ذَلِكَ لَقَادِرٌ، وَلَئِنْ أَدَّخَرْتُ لَكَ فَمَا أَدَّخَرْتُ لَكَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ. (7)

1- غرر الحكم: ح 5371، عيون الحكم والمواعظ: ص 267 ح 4909.

2- نهج البلاغة: الكتاب 31، تحف العقول: ص 75 وفيه «فيما يعنيك ممًا» بدل «فيما»، بحار الأنوار: ج 93 ص 301 ح 38.

3- والمعنى أنّ حكيمته تعالى إذا اقتضت وقوع أمرٍ أو عدم وقوعه فلا بدّ من تحقّق ما اقتضته حكيمته، ولا تغيّر ذلك الوسائل من الأعمال التي يتوسّل بها إليه كالدعاء وغيره. وإلى هذا المعنى أشار من قال: إنّ العلماء بالله لا يتوسّسون إلى الله في أن يبذل لهم جريان أحكامه بخلاف ما يكرهون، ولا- ليغيّر لهم سابق مشيئته ومقتضى حكيمته، ولا- ليحوّل عنهم سائر سنّته التي قد خلت في عباده من الابتلاء والاختبار. فإن قلت: قد ورد أنّ الدعاء والصدقة يدفعان البلاء المقدر. قلت: دفع ذلك البلاء بالدعاء والصدقة منوط بالحكمة الإلهية أيضا، وقد كانت الحكمة في وقوعه مشروطة بعدم الدعاء والتصدّق، فلا منافاة (رياض السالكين: ج 3 ص 17).

4- الصحيفة السّجّادية: ص 57 الدعاء 13، عدّة الداعي: ص 16.

5- «يَغْتُهُمُ اللَّهُ فِي الْعَذَابِ غَتًّا» أي يغمسهم فيه غمسا مُتتَابِعًا (النهاية: ج 3 ص 342 «غتت»).

6- الثَّجُّ: سيلان دعاء الهدى، وأتانا الوادي بثجيجهِ، أي بسيلِهِ، ومطر ثَجَّجٌ، إذا انصبَّ جدًّا (الصحاح: ج 1 ص 302 «ثجج»).

7- الكافي: ج 2 ص 253 ح 7 عن حمّاد عن أبيه، المؤمن: ص 25 ح 39 وفيه «غته بالبلَاء غتًا» بدل «غته بالبلَاء غتًا»، مشكاة الأنوار: ص 513 ح 1720، التمهيص: ص 34 ح 25 عن سدير، بحار الأنوار: ج 93 ص 371 ح 11.

امام علی علیه السلام: ای بسا که چیزی خواسته ای و به تو داده نشده؛ اما بهتر از آن به تو داده شده است.

امام علی علیه السلام در وصیت به فرزندش حسن علیه السلام: ای بسا چیزی بخواهی و به تو داده نشود؛ اما بهتر از آن، در دنیا یا آخرت، داده شوی، یا به خاطر خیر و مصلحت به تو داده نشود؛ زیرا ای بسا چیزی را می‌طلبی که اگر به تو داده شود، تباهی دین تو در آن باشد. پس باید چیزی را بطلبی که زیبایی آن برایت می‌ماند و رنجی برایت ندارد. مثلاً ثروت برای تو نمی‌ماند و تو نیز برای آن نمی‌مانی.

امام زین العابدین علیه السلام: ای کسی که وسیله‌ها حکمت او را دگرگون نمی‌سازند! (1)

امام باقر علیه السلام: خدای - تبارک و تعالی - هر گاه بنده ای را دوست داشته باشد، او را در بلا غوطه ور می‌سازد و سیلاب بلا بر او فرو می‌باراند، و چون [بنده] او را بخواند، می‌فرماید: «لَبَّيْكَ، بنده من! اگر بخواهم آنچه را خواسته ای، در همین دنیا به تو بدهم، می‌توانم چنین کنم؛ اما اگر برایت ذخیره کنم، آنچه می‌اندوزم، برای تو بهتر است».

1- معنایش آن است که هر گاه حکمت خداوند متعال وقوع یا عدم وقوع امری را اقتضا کند، حتماً مقتضای حکمتش تحقق پیدا می‌کند و وسایل، یعنی اعمالی که وسیله تقرب به خداوند قرارشان می‌دهیم (مانند دعا و غیره)، آن را تغییر نمی‌دهند. به همین معنا اشاره دارد این سخن که: مردان خداشناس به خدا متوسل نمی‌شوند که جریان احکامش را که خلاف میل آنهاست، در جهت خوشایند آنان تغییر دهد، یا مشیت پیشینش و مقتضای حکمتش را به نفع آنان دگرگون سازد، یا سنت و قانون آزمایش و امتحانش را که با همه بندگانش داشته است، شامل حال آنان نکند. اگر بگویی: در احادیث آمده که دعا و صدقه بلای مقدر را دفع می‌کنند، می‌گوییم: دفع چنین بلایی با دعا و صدقه نیز بسته به حکمت الهی است و حکمت در بلا هم، مشروط به عدم دعا و صدقه است. بنا بر این، منافاتی میان آنها نیست.

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الرَّبَّ لَيَلِي حِسَابَ الْمُؤْمِنِ، فَيَقُولُ: تَعْرِفُ هَذَا الْحِسَابَ؟ فَيَقُولُ: لَا يَا رَبِّ، فَيَقُولُ: دَعَوْتِي فِي لَيْلَةِ كَذَا وَكَذَا، فِي سَاعَةِ كَذَا وَكَذَا، فَذَخَرْتُهَا لَكَ. قَالَ: فَمَا تَرَى مِنْ عَطِيَّةِ ثَوَابِ اللَّهِ؟ يَقُولُ: يَا رَبِّ، لَيْتَ أَنْتَ لَمْ تَكُنْ عَجَلْتَ لِي شَيْئًا وَادَّخَرْتَهُ لِي (1).

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُعْطِي الدُّنْيَا مَنْ يُحِبُّ وَيُبْغِضُ، وَلَا يُعْطِي الآخِرَةَ إِلَّا مَنْ أَحَبَّ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَسْأَلُ رَبَّهُ مَوْضِعَ سَوِّطٍ مِنَ الدُّنْيَا فَلَا يُعْطِيهِ، وَيَسْأَلُهُ الآخِرَةَ فَيُعْطِيهِ مَا شَاءَ، وَيُعْطِي الْكَافِرَ مِنَ الدُّنْيَا قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَهُ مَا شَاءَ، وَيَسْأَلُهُ مَوْضِعَ سَوِّطٍ فِي الآخِرَةِ فَلَا يُعْطِيهِ إِيَّاهُ. (2)

3 / 14 تلك الخصال رسول الله صلى الله عليه وآله: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ قَوْمَكَ بَنَوْا مَسَاجِدَهُمْ، وَخَرَّبُوا قُلُوبَهُمْ، وَتَسَمَّنُوا كَمَا تُسَمَّنُ الْخَنَازِيرُ يَوْمَ ذَبْحِهَا، وَإِنِّي نَظَرْتُ إِلَيْهِمْ فَلَعَنْتُهُمْ، فَلَا أَسْتَجِيبُ لَهُمْ وَلَا أُعْطِيهِمْ مَسْأَلَتَهُمْ. (3)

1- التمهيد: ص 45 ح 59 عن إسحاق بن عمار، بحار الأنوار: ج 93 ص 371 ح 12.

2- فضائل الشيعة: ص 71 ح 32، التمهيد: ص 51 ح 92 كلاهما عن محمد بن مسلم، المؤمن: ص 27 ح 47، مشكاة الأنوار: ص 503 ح 1684، بحار الأنوار: ج 93 ص 368 ح 2.

3- الفردوس: ج 1 ص 142 ح 507 عن إبراهيم بن حنظلة، كنز العمال: ج 16 ص 13 ح 43723 نقلاً عن ابن مندة.

3 / 14 این چند صفت

امام صادق علیه السلام: خداوند به حسابرسی از مؤمن می پردازد و می فرماید: «این حساب را می شناسی؟». می گوید: نه، ای خداوندگار من! می فرماید: «در فلان و بهمان شب، در فلان و بهمان ساعت، دعا کردی و من آن را برایت ذخیره کردم». سپس می فرماید: «حال، نظرت درباره دهش پاداش خداوند چیست؟». می گوید: ای خداوندگار من! کاش هیچ چیز [از دعاهایم] را در دنیا برآورده نمی ساختی و برای آخرت می اندوختی.

امام باقر علیه السلام: خداوند عز و جل دنیا را به دوست و دشمنش می دهد؛ اما آخرت را جز به کسی که دوستش می دارد، نمی دهد. مؤمن از دنیا به اندازه ردّ یک تازیانه از پروردگارش درخواست می کند و خدا به او نمی دهد؛ اما آخرت را که درخواست می کند، هر چه بخواهد، به او می دهد. و به کافر پیش از آن که از او درخواست کند، آنچه از دنیا بخواهد، به او می دهد؛ ولی از آخرت به اندازه ردّ تازیانه ای [هم] از او درخواست می کند و به او نمی دهد.

3 / 14 این چند صفت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل به موسی علیه السلام وحی فرمود که: «قوم تو، مسجدهایشان را ساختند و دل هایشان را ویران کردند و مانند خوک های پرواری در هنگام ذبح فربه گشتند. و من آنها را می نگرم و لعنتشان می کنم، و نه دعایشان را می پذیرم و نه درخواست هایشان را برآورده می سازم».

عنه صلى الله عليه وآله: تفتَحُ أبوابُ السَّماءِ نِصفَ اللَّيْلِ، فينادى مُنادٍ: هل من داعٍ فيستجاب له؟ هل من سائلٍ فيعطى؟ هل من مكروبٍ فيفترج عنه؟ فلا يبقى مسلمٌ يدعو بدعوةٍ إلاَّ استجابَ اللهُ له، إلاَّ زانيةً تسعى بفرجها أو عشارًا. (1)

أعلام الدين: الإمام عليّ عليه السلام _ في خطبةٍ له يومَ الجُمعةِ _ : أيُّها النَّاسُ ، سَبْعَ مَصَائِبٍ عِظَامٍ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْهَا : عَالِمٌ زَلَّ ، وَعَابِدٌ مَلَّ ، وَمُؤْمِنٌ حَلَّ (2) ، وَمُؤْتَمَنٌ غَلَّ (3) ، وَغَنِيٌّ أَقَلَّ ، وَعَزِيْزٌ ذَلَّ ، وَفَقِيْرٌ اعْتَلَّ . فِقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ : صَدَقْتَ يَا أَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ ، أَنْتَ الْقِبْلَةُ إِذَا مَا صَلَّلْنَا ، وَالنُّورُ إِذَا مَا أَظْلَمْنَا ، وَلَكِنْ نَسَأُ لَكَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى : «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (4) فَمَا بَالُنَا نَدْعُو فَلَا نُجَابُ ؟ قَالَ : لِأَنَّ قُلُوبَكُمْ خَانَتْ بِشِمَانِ خِصَالٍ : أَوَّلُهَا : أَنْتُمْ عَرَفْتُمْ اللَّهَ فَلَمْ تُؤَدُّوا حَقَّهُ كَمَا أَوْجَبَ عَلَيْكُمْ ، فَمَا أَغْنَتْ عَنْكُمْ مَعْرِفَتُكُمْ شَيْئًا . وَالثَّانِيَةُ : أَنْتُمْ آمَنْتُمْ بِرَسُولِهِ ثُمَّ خَالَفْتُمْ سُنَّتَهُ وَأَمْتُمْ شَرِيْعَتَهُ ، فَأَيْنَ ثَمْرَةٌ إِيْمَانِكُمْ ؟ وَالثَّالِثَةُ : أَنْتُمْ قَرَأْتُمْ كِتَابَهُ الْمُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ فَلَمْ تَعْمَلُوا بِهِ ، وَقُلْتُمْ : سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ثُمَّ خَالَفْتُمْ . وَالرَّابِعَةُ : أَنْتُمْ قُلْتُمْ ، إِنَّكُمْ تَخَافُونَ مِنَ النَّارِ ، وَأَنْتُمْ فِي كُلِّ وَقْتٍ تُقَدِّمُونَ أَجْسَامَكُمْ إِلَيْهَا بِمَعَاصِيكُمْ ، فَأَيْنَ خَوْفُكُمْ ؟ وَالخَامِسَةُ : أَنْتُمْ قُلْتُمْ ، إِنَّكُمْ تَرْغَبُونَ فِي الْجَنَّةِ ، وَأَنْتُمْ فِي كُلِّ وَقْتٍ تَفْعَلُونَ مَا يُبَاعِدُكُمْ مِنْهَا ، فَأَيْنَ رَغْبَتُكُمْ فِيهَا ؟ وَالسَّادِسَةُ : أَنْتُمْ أَكَلْتُمْ نِعْمَةَ الْمَوْلَى وَلَمْ تَشْكُرُوا عَلَيْهَا . وَالسَّابِعَةُ : أَنَّ اللَّهَ أَمَرَكُمْ بِعَدَاوَةِ الشَّيْطَانِ ، وَقَالَ : «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» (5) فَعَادَيْتُمُوهُ بِلا قَوْلٍ وَوَالَيْتُمُوهُ بِلا مُخَالَفَةٍ . وَالثَّامِنَةُ : أَنْتُمْ جَعَلْتُمْ عُيُوبَ النَّاسِ نُصَبَ أَعْيُنِكُمْ ، وَعُيُوبَكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ ، تَلُومُونَ مَنْ أَنْتُمْ أَحَقُّ بِاللُّومِ مِنْهُ ، فَأَيُّ دُعَاءٍ يُسْتَجَابُ لَكُمْ مَعَ هَذَا ؟ وَقَدْ سَدَدْتُمْ أَبْوَابَهُ وَطَرَقَهُ ، فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا أَعْمَالَكُمْ ، وَأَخْلِصُوا سَرَائِرَكُمْ ، وَأَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ، فَيَسْتَجِيبَ اللَّهُ لَكُمْ دُعَاءَكُمْ . (6)

- 1- .المعجم الكبير : ج 9 ص 59 ح 8391 ، أسد الغابة : ج 3 ص 574 الرقم 3581 نحوه وكلاهما عن عثمان بن أبي العاص الثقفي ، كنز العمال : ج 2 ص 105 ح 3357 .
- 2- .الخلة بالفتح : الحاجة والفقر ، وهي الفرجة والثلمة التي تركها بعده ، من الخلل الذي أبغاه فيأموره (النهاية : ج 2 ص 72 _ 73 «خلل»).
- 3- .الغلول : وهو الخيانة في المغنم والسرقعة من الغنيمة قبل القسمة ، يقال : غل في المغنم يغل ، وكل من خان في شيء خفية فقد غل (النهاية : ج 3 ص 380 «غلل»).
- 4- .غافر : 61 .
- 5- .فاطر : 6 .
- 6- .أعلام الدين : ص 269 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 376 ح 17 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در نیمه شب، درهای آسمان گشوده می شوند و منادی ای ندا می دهد: «آیا کسی هست که دعا کند تا دعایش مستجاب گردد؟ آیا کسی هست که چیزی بخواهد تا به او داده شود؟ آیا غم زده ای هست تا غمش زدوده شود؟». پس، هیچ مسلمانی نیست که دعایی کند، مگر آن که خداوند دعایش را مستجاب فرماید، بجز زن زناکاری که از راه زنا دادن کسب می کند، یا باجگیر.

أعلام الدین: امام علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش در روز جمعه فرمود: «ای مردم! هفت مصیبت بزرگ است که از آنها به خدا پناه می بریم: عالمی که بلغزد، عابدی که [از عبادتش] زده شود، مؤمنی که [ایمانش] خلل یابد، و امینی که خائن شود، و توانگری که نادر شود، و عزیزی که خوار گردد، و فقیری که بیمار شود». مردی به امام علیه السلام گفت: راست گفتی، ای امیر مؤمنان! تویی قبله، آن گاه که به گم راهی در افتیم، و نور، آن گاه که تاریکی، ما را فرو گیرد. حال از تو درباره این فرموده خداوند متعال می پرسیم که: «مرا بخوانید تا پاسختان دهم». پس چرا دعا می کنیم و پاسخی داده نمی شویم؟ فرمود: «زیرا دل هایتان به هشت چیز خیانت کرده است: نخست، آن که: شما خدا را شناختید؛ اما حق او را چنان که بر شما واجب ساخته است، ادا نکردید. پس، شناخت شما به کارتان نیامده است. دوم، آن که: شما به پیامبر او ایمان آوردید؛ اما سپس بر خلاف سنت (روش) او رفتار کردید و شریعتش را میرانید. پس، کجاست ثمره ایمانتان؟ سوم، آن که: شما کتاب او را که بر شما فرو فرستاده شده است، خواندید؛ اما به آن عمل نکردید و گفتید: شنیدیم و فرمان برداریم. سپس مخالفت کردید. چهارم، آن که: گفتید از آتش می ترسید، در حالی که هر زمان، پیکرهای خود را با گناهانتان، به سوی آتش می برید. پس، کجاست ترستان؟ پنجم، آن که: گفتید خواهان بهشت هستید، در حالی که هر زمان، کاری می کنید که شما را از آن دور می گرداند. پس، کجاست بهشت خواهی شما؟ ششم، آن که: نعمت خداوندگار را خوردید؛ اما سپاس آن را نگراردید. هفتم، آن که: خدا شما را به دشمنی با شیطان فرمان داد و فرمود: «شیطان، دشمن شماست. پس شما نیز او را دشمن خود بگیرید»؛ اما شما بی هیچ سخنی، با او (خدا) دشمنی نمودید و بی هیچ مخالفتی، با او (شیطان) دوستی ورزیدید. (1) هشتم، آن که: عیب های مردم را پیش چشم خود قرار داده اید و عیب های خود را پشت سرتان نهاده اید. کسانی را سرزنش می کنید که خودتان به سرزنش سزاوارتر از آنانید. با وجود اینها، چه دعایی برایتان مستجاب شود؟ شما درها و راه های دعا را بسته اید. پس، از خدا بترسید و کردارتان را درست کنید. و درون هایتان را خالص گردانید و امر به معروف و نهی از منکر کنید تا خداوند دعایتان را مستجاب فرماید».

1- در بحار الأنوار (ج 90 ص 377 ح 17) و مستدرک الوسائل (ج 5 ص 269) آمده است: ظاهراً عبارت چنین باشد: «پس شما در حرف، با او دشمنی کردید و با مخالفت [با فرمان خدا]، با او دوستی نمودید».

الإمام زين العابدين عليه السلام: الذُّنُوبُ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ: سُوءُ النِّيَّةِ، وَحُبُّ السَّرِيَّةِ، وَالنَّفَاقُ مَعَ الإِخْوَانِ، وَتَرْكُ التَّصَدِيقِ بِالإِجَابَةِ، وَتَأخِيرُ الصَّلَوَاتِ المَفْرُوضَاتِ حَتَّى تَذَهَبَ أوقَاتُهَا، وَتَرْكُ التَّقَرُّبِ إِلَى اللَّهِ عز و جل بِالْبِرِّ وَالصَّدَقَةِ، وَاسْتِعْمَالُ البِدَاءِ وَالْفُحْشِ فِي القَوْلِ.

(1)

1- .معانى الأخبار: ص 271 ح 2 عن أبى خالد الكابلى ، بحار الأنوار: ج 73 ص 376 ح 12 .

امام زین العابدین علیہ السلام: گناہانی کہ دعا را رد می کنند، عبارت اند از: بدی نیت، پلیدی درون، دورویی با برادران، باور نداشتن اجابت [دعا]، به تأخیر افکندن نمازهای واجب تا جایی که وقتشان بگذرد، و تقرّب نجستن به خداوند عز و جل با نیکی کردن و صدقه دادن، و بدزبانی و ناسزاگویی کردن.

الإمام الصادق عليه السلام: كان في بني إسرائيل رجلٌ، فدعا الله أن يرزقه غلاماً ثلاث سنين، فلما رأى أن الله لا يجيبه قال: يا رب! أبعيد أنا منك فلا تسمعني، أم قريب أنت مني فلا تجيبني. قال: فأثاه آت في منامه فقال: إنك تدعو الله عز وجل منذ ثلاث سنين بلسان بديء، وقلب عاتٍ غير تقى، ونية غير صادقة، فأقلع عن بدائك، وليتق الله قلبك، ولتحسن نيتك. ففعل الرجل ذلك ثم دعا الله فولد له غلامٌ.

(1)

1- الكافي: ج 2 ص 324 ح 7، فلاح السائل: ص 94 ح 31، قصص الأنبياء: ص 181 ح 218 نحوه وكلها عن عمر بن يزيد، عدة الداعي: ص 127 وفيه «تقى» بدل «تقى»، بحار الأنوار: ج 93 ص 370 ح 6.

امام صادق علیه السلام: در میان بنی اسرائیل ، مردی بود که سه سال دعا می کرد تا خداوند به او پسری روزی کند . چون دید خداوند جوابش را نمی دهد ، گفت : ای پروردگار من! آیا من از تو دورم که صدایم را نمی شنوی ، یا این که توبه من نزدیکی ، اما جوابم را نمی دهی؟ پس ، کسی به خوابش آمد و گفت : تو سه سال است که خداوند عز و جل را با زبانی ناسزاگو ، و دلی سرکش و ناپرهیزگار ، و نیتی ناراست می خوانی . پس ، از ناسزاگویی ات دست بردار و باید دلت از خدا پروا کند و نیتت نیکو گردد . آن مرد چنین کرد و سپس دعا نمود و پسر دار شد.

الباب الرابع: تفسير إجابة الدعاء رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من مؤمن يدعو بدعوة إلا استجيب له؛ فإن لم يعطها في الدنيا أعطيها في الآخرة. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إذا أراد الله أن يصابي عبدا من عبيده صب عليه البلاء صبا، وثج عليه البلاء ثجا، فإذا دعا قالت الملائكة: صوت معروف، وقال جبريل: يا رب هذا عبدك فلان يدعو فاستجب له، فيقول الله تبارك وتعالى: إني أحب أن أسمع صوتك، فإذا قال: يا رب، قال: لبيك عبدى، لا تدعوني بشيء إلا استجبت لك على إحدى ثلاث خصال: إما أن أعجل لك ما سألتني، وإما أن أدخر لك في الآخرة ما هو أفضل منه، وإما أن أدفع عنك من البلاء مثل ذلك. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إذ دعا أحدكم بدعوة فلم يستجب له، كتبت له حسنة. (3)

مسند ابن حنبل عن أبي سعيد الخدري عن رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من مسلم يدعو بدعوة ليس فيها إثم ولا قطيعة رحم، إلا أعطاه الله بها إحدى ثلاث: إما أن تعجل له دعوته، وإما أن يدخرها له في الآخرة، وإما أن يصرف عنه من السوء مثلها. قالوا: إذن نكثر، قال: الله أكثر. (4)

1- مسند زيد: ص 156 عن الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام.

2- مسند زيد: ص 420 عن الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام؛ الدر المنثور: ج 7 ص 215 عن ابن مردويه عن أنس نحوه.

3- تاريخ بغداد: ج 12 ص 205 ح 6666 عن هلال بن يساف مرفوعا، كنز العمال: ج 2 ص 71 ح 3173 وص 67 ح 3150.

4- مسند ابن حنبل: ج 4 ص 37 ح 11133، الأدب المفرد: ص 213 ح 710، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 670 ح

1816 نحوه، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 24 ح 4 كلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج 2 ص 70 ح 3171؛ عدّة الداعي:

ص 24، جامع الأخبار: ص 369 ح 1022 كلاهما عن أبي سعيد الخدري، الدعوات: ص 19 ح 12، بحار الأنوار: ج 93 ص 366

ح 16.

باب چهارم : تفسیر اجابت دعا

باب چهارم : تفسیر اجابت دعای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ مؤمنی نیست که دعایی کند ، مگر آن که دعایش مستجاب می شود . اگر در دنیا به او داده نشد ، در آخرت به او داده می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه خداوند بخواهد بنده ای از بندگانش را خالص گرداند ، باران بلا بر او فرو می ریزد و سیلاب بلا بر او جاری می سازد . [بنده مخلص] هر گاه دعا کند ، فرشتگان می گویند : صدایی آشناست . و جبرئیل می گوید : پروردگارا ! این بنده ات ، فلانی است که تو را می خواند . پس اجابتش فرما . خداوند _ تبارک و تعالی _ می فرماید : «دوست دارم صدایش را بشنوم» . پس ، هر گاه بگویند : ای پروردگار من ! خداوند می فرماید : «بله بنده من ! هر چیزی که از من بخواهی ، به یکی از سه شکل برایت مستجاب می کنم : یا آنچه را از من می خواهی ، در همین دنیا به تو می دهم ، یا بهتر از آن را برای آخرت ذخیره می کنم ، و یا به همان اندازه بلا را از تو دفع می کنم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه یکی از شما دعایی کرد و مستجاب نشد ، [به ازای آن ،] یک ثواب برایش نوشته می شود .

مسند ابن حنبل _ به نقل از ابو سعید خدری _ : پیامبر خدا فرمود : «هیچ مسلمانی دعایی (بجز درباره گناه یا قطع رحم) نمی کند ، مگر آن که خداوند به یکی از سه طریق ، خواسته اش را به او می دهد : یا آن را در همین دنیا برمی آورد ، یا آن را برای آخرتش می اندوزد و یا به مانند آن ، بدی را از او می گرداند» . مسلمانان گفتند : در این صورت ، زیاد دعا می کنیم . حضرت فرمود : «خدا زیادتر است» . (1)

1- در مصادر این حدیث این گونه آمده لکن در وسائل الشیعة (ج 4 ص 1086 ح 8617) چنین آمده است : پس ، زیاد دعا کنیم؟ فرمود : «زیاد دعا کنید» و همین متن صحیح بنظر می رسد .

رسول الله صلى الله عليه وآله: ما من مؤمن يدعو الله إلا استجاب له؛ فإما أن يعجل له في الدنيا، أو يؤجل له في الآخرة، وإما أن يكفر عنه من ذنوبه بقدر ما دعا، ما لم يدع بمئاته. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: ما من مسلم يدعو بدعاء إلا استجيب له؛ فإما أن يعجل له في الدنيا، وإما أن يدخر له في الآخرة، وإما أن يكفر عنه من ذنوبه بقدر ما دعا، ما لم يدع بإثم أو قطيعة رحم. (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام: المؤمن من دعائه على ثلاث: إما أن يدخر له، وإما أن يعجل له، وإما أن يدفع عنه بلاء يريد أن يصيبه. (3)

الاحتجاج: من سؤال الرنديق الذي سأل أبا عبد الله عليه السلام عن مسائل كثيرة أن قال: . . . ألسنت تقول: إن الله تعالى قال: «ادعوني أستجب لكم» (4)، وقد نرى المضطر يدعو فلا يجاب له، والمظلوم يستنصره على عدوه فلا ينصره؟ قال: ويحك! ما يدعو أحد إلا استجاب له؛ أما الظالم فدعاؤه مردود إلى أن يتوب إلى الله، وأما المحق فإنه إذا دعا استجاب له، وصرف عنه البلاء من حيث لا يعلمه، أو ادخر له ثواباً جزئياً ليوم حاجته إليه، وإن لم يكن الأمر الذي سأل العبد خيراً له إن أعطاه أمسك عنه، والمؤمن العارف بالله ربماً عز عليه أن يدعو فيما لا يدرى أصواب ذلك أم خطأ، وقد يسأل العبد ربه إهلاك من لم تنقطع مدته، ويسأل المطر وقتاً ولعله أوان لا يصلح فيه المطر؛ لأنه أعرف بتدبير ما خلق من خلقه، وأشبه ذلك كثيرة، فافهم هذا. (5)

1- عدّة الداعي: ص 34، أعلام الدين: ص 278، بحار الأنوار: ج 93 ص 302 ح 39.

2- تنبيه الغافلين: ص 401 ح 607 عن أبي هريرة.

3- تحف العقول: ص 280، بحار الأنوار: ج 78 ص 138 ح 18.

4- غافر: 60.

5- الاحتجاج: ج 2 ص 228 ح 223، بحار الأنوار: ج 10 ص 174 ح 2.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر مؤمنی دعا کند، قطعاً خداوند دعایش را مستجاب می کند: یا در همین دنیا به او می دهد، یا برای آخرتش می گذارد، و یا به اندازه ای که دعا کرده، از گناهانش می بخشد، به شرط آن که برای گناهی دعا نکرده باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مسلمانی نیست که دعایی بکند، جز آن که دعایش مستجاب می شود: یا در همین دنیا خواسته اش برآورده می شود، یا در آخرت برای او ذخیره می شود، و یا به اندازه آنچه دعا کرده، از گناهانش بخشوده می شود، به شرط آن که برای گناهی یا گسستن خویشاوندی ای دعا نکرده باشد.

امام زین العابدین علیه السلام: مؤمن از دعای خود [یکی از] سه چیز را دارد: یا برایش اندوخته می شود، یا در همین دنیا به او داده می شود، و یا بلایی که می خواسته به او برسد، از وی دفع می گردد.

الاحتجاج_ در بیان یکی از پرسش های فراوانی که زندیق از امام صادق علیه السلام پرسید: _زندیق گفت: مگر شما نمی گوی: خداوند متعال فرموده است: «مرا بخوانید تا پاسختان دهم»، در صورتی که می بینیم در مانده او را می خواند؛ اما پاسخش داده نمی شود، و ستم دیده از او در برابر دشمنش یاری می طلبد؛ ولی یاری اش نمی دهد؟ امام علیه السلام فرمود: «زهی تو! هیچ کس نیست که او را بخواند، جز آن که پاسخش می دهد. اما ستمکار، دعایش برمی گردد تا آن گاه که به درگاه خدا توبه کند، و اما شخص مُحِق، هر گاه دعا کند، خداوند دعایش را مستجاب می کند و بلا را از او، از جایی که نمی داند، دور می سازد و یا پاداش فراوانی برای روزی که به آن نیازمند است، ذخیره می کند، و اگر برآوردن آنچه بنده درخواست کرده است، برایش خوب نباشد، از برآوردنش خودداری می کند. ای بسا بر مؤمنِ خداشناس گران باشد که به درگاه خدا برای چیزی دعا کند که نمی داند درست است یا نادرست. گاهی اوقات بنده از پروردگارش نابودی کسی را می طلبد که هنوز عمرش به سر نیامده است، یا درخواست باران در وقتی می کند که شاید در آن وقت، بارش باران صلاح نباشد؛ چرا که خداوند، خود، به تدبیر مخلوقاتی که آفریده، داناتر است. و امثال این دلایل که بسیار است. دَقَّتْ کن».

الباب الخامس: دور الأسماء الحسنى فى إجابة الدعاء 5 / 1 لله الأسماء الحسنى الكتاب «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا» . (1)

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» . (2)

«قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» . (3)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا؛ مِئَةً إِلَّا وَاحِدًا، مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَهِيَ: اللَّهُ، الإله، الواحد، الأحد، الصَّمَدُ (4)، الأَوَّلُ، الآخِرُ، السَّمِيعُ، البَصِيرُ، الْقَدِيرُ، الْقَاهِرُ، الْعَلِيُّ، الْأَعْلَى، الْبَاقِي، الْبَدِيعُ، الْبَارِي، الْأَكْرَمُ، الظَّاهِرُ، الْبَاطِنُ، الْحَيُّ، الْحَكِيمُ، الْعَلِيمُ، الْحَلِيمُ، الْحَفِيفُ، الْحَقُّ، الْحَسِيبُ (5)، الْحَمِيدُ، الْحَفِيظُ، الرَّبُّ، الرَّحْمَنُ، الرَّحِيمُ، الدَّارِيُّ (6)، الرَّزَّاقُ، الرَّقِيبُ، الرَّؤُوفُ، الرَّائِي، السَّلَامُ، الْمُؤْمِنُ، الْمُهِمِّنُ، الْعَزِيزُ، الْجَبَّارُ، الْمُتَكَبِّرُ، السَّيِّدُ، السُّبُوْحُ (7)، الشَّهِيدُ، الصَّادِقُ، الصَّانِعُ، الطَّاهِرُ، الْعَدْلُ، الْعَفْوَ، الْعَفُورُ، الْغَنِيُّ، الْغِيَاثُ، الْفَاطِرُ، الْفَرْدُ، الْفَتَّاحُ، الْفَالِقُ، الْقَدِيمُ، الْمَلِكُ، الْقُدُّوسُ، الْقَوِيُّ، الْقَرِيبُ، الْقَيُّومُ، الْقَابِضُ، الْبَاسِطُ، قَاضِي الْحَاجَاتِ، الْمَجِيدُ، الْمَوْلَى، الْمَنَّانُ، الْمُحِيطُ، الْمُبِينُ، الْمُقْتَبِ، الْمُصَوِّرُ، الْكَرِيمُ، الْكَبِيرُ، الْكَافِي، كَاشِفُ الضَّرِّ، الْوَتْرُ، التَّوْرُ، الْوَهَّابُ، النَّاصِرُ، الْوَاسِعُ، الْوَدُودُ، الْهَادِي، الْوَفِيُّ، الْوَكِيلُ، الْوَارِثُ، الْبَرُّ، الْبَاعِثُ، التَّوَّابُ، الْجَلِيلُ، الْجَوَادُ، الْخَبِيرُ، الْخَالِقُ، خَيْرُ النَّاصِرِينَ، الدِّيَّانُ (8)، الشَّكُورُ، الْعَظِيمُ، اللَّطِيفُ، الشَّافِي (9).

1- الأعراف : 180 .

2- طه : 8 .

3- الإسراء : 110 .

4- «الصَّمَدُ»: هو السيّد الذى انتهى إليه السُّودد، وقيل: هو الدائم الباقي، وقيل: الذى يُصَمَدُ فى الحوائج إليه: أى يُقصد (النهاية: ج 3 ص 52 «صمد»).

5- الْحَسِيبُ: الكافى (النهاية: ج 1 ص 381 «حسب»).

6- الدارِي: وهو الذى ذرأ الخلق أى خلقهم (لسان العرب: ج 1 ص 79 «ذرا»).

7- سُبُوْح قُدُّوس: يرويان بالضم والفتح، من أبنية المبالغة للتنزيه، وسُبُوْح: الطاهر عن أوصاف المخلوقات، وقُدُّوس: بمعناه، وقيل: مبارك (مجمع البحرين: ج 2 ص 807 «سبح»).

8- الدِّيَّان: القهَّار، وقيل: الحاكم والقاضى (النهاية: ج 2 ص 148 «دين»).

9- التوحيد: ص 194 ح 8، الخصال: ص 593 ح 4، عدّة الداعى: ص 299 كلّها عن سليمان بن مهران عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 4 ص 186 ح 1 .

باب پنجم : نقش نام های نیکوی خداوند در اجابت دعا

5 / 1 نامهای نیکو، ویژه خدایند

باب پنجم : نقش نام های نیکوی خداوند در اجابت دعا 5 / 1 نامهای نیکو، ویژه خدایندقرآن «همه نام های نیکو، اختصاص به خدا دارند . پس ، او را به این نام ها بخوانید» .

«خدا، معبودی جز او نیست . همه نام های نیکو متعلق به اویند» .

«بگو : خدا را بخوانید ، یا رحمان را بخوانید ، هر چه را بخوانید [، فرقی نمی کند] ؛ زیرا همه نام های نیکو متعلق به اویند» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند _ تبارک و تعالی _ نود و نه نام دارد ؛ از صد ، یکی کم . هر کس آنها را شماره کند ، به بهشت می رود . این نام ها عبارت اند از : خدا ، پرستیده ، یگانه ، یکتا ، قبله حاجات ، (1) آغاز ، انجام ، شنوا ، بینا ، توانا ، چیره ، والا ، والاخر ، مانا ، نواقرین ، پدیدآورنده ، کریم تر ، پیدا ، پنهان ، زنده ، استوارکار ، (2) دانا ، بردبار ، نگهبان ، راست ، بسنده ، ستودنی ، نیکوکار ، (3) خداوندگار ، مهرگستر ، مهربان ، آفریدگار ، روزی دهنده ، مراقب ، دلسوز ، بیننده ، سلام ، ایمنی بخش ، امین ، (4) عزتمند ، جبار ، بزرگ منش ، آقا ، وارسته ، گواه ، راستگو ، سازنده ، پاک ، داد[گر] ، عفوکنده ، آمرزگار ، بی نیاز ، کمک رسان ، گشاینده ، تک ، بازکننده ، شکافنده ، دیرین ، پادشاه ، مقدّس ، نیرومند ، نزدیک ، پاینده ، جمع کننده ، گستراننده ، برآورنده نیازها ، صاحب مجد ، سرور ، بنده نواز ، درمیان گیرنده ، آشکارا ، خوراک ده ، صورتگر ، بزرگوار ، بزرگ ، کفایت کننده ، زداینده رنج [و گزند] ، طاق ، روشنایی ، بخشنده ، یاور ، پهناور ، دوستدار ، راهنما ، وفادار ، وکیل ، ارث بر ، نیکوکار ، برانگیزاننده ، توبه پذیر ، باشکوه ، دَهِشمنند ، آگاه ، آفریننده ، بهترین یاور ، سزادهنده ، قدردان ، باعظمت ، با لطف ، شفادهنده .

1- در اصل عربی حدیث ، «صَمَد» آمده است که آن را به «قبله حاجات» ترجمه کرده ایم . صمد ، به معنای آقایی است که آقایی به او منتهی می شود و به قولی : دیرنده مانا ، و به قولی : کسی که در نیازها به او رو می شود ؛ یعنی مقصد خلق (النهاية : ج 3 ص 52 «صمد»).

2- این ، در صورتی است که حکمت _ در متن عربی حدیث _ را صفت فعل بدانیم .

3- در متن عربی حدیث آمده : «الحفی» که به معنای نیکوکار است و نیز کسی را گویند که زیاد جویای حال دیگران باشد ، احوالپرس .

4- مهیمن _ در متن عربی حدیث _ در اصل مؤیمن بوده و در آن ، قلب رخ داده است . به معنای امین شدن و گواه آمده است .

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا، مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ: هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْمَلِكُ، الْقُدُّوسُ، السَّلَامُ، الْمُؤْمِنُ، الْمُهِمِّنُ، الْعَزِيزُ، الْجَبَّارُ، الْمُتَكَبِّرُ، الْخَالِقُ، الْبَارِئُ، الْمُصَوِّرُ، الْغَفَّارُ، الْقَهَّارُ، الْوَهَّابُ، الرَّزَّاقُ الْفَتَّاحُ، الْعَلِيمُ، الْقَابِضُ، الْبَاسِطُ، الْخَافِضُ، الرَّافِعُ، الْمُعِزُّ، الْمُدَبِّرُ، السَّمِيعُ، الْبَصِيرُ، الْحَكَمُ، الْعَدْلُ، اللَّطِيفُ، الْخَبِيرُ، الْحَلِيمُ، الْعَظِيمُ، الْغَفُورُ، الشَّكُورُ، الْعَلِيُّ، الْكَبِيرُ، الْحَفِيفُ، الْمُقْتَبِطُ، الْحَسِيبُ، الْجَلِيلُ، الْكَرِيمُ، الرَّقِيبُ، الْمُجِيبُ، الْوَاسِعُ، الْحَكِيمُ، الْوَدُودُ، الْمَجِيدُ، الْبَاعِثُ، الشَّهِيدُ، الْحَقُّ، الْوَكِيلُ، الْقَوِيُّ، الْمَتِينُ، الْوَلِيُّ، الْحَمِيدُ، الْمُحْصِي، الْمُبْدِي، الْمُعِيدُ، الْمُحْيِي، الْمُمِيتُ، الْحَيُّ، الْقَيُّومُ، الْوَاجِدُ، الْمَاجِدُ، الْوَاحِدُ، الصَّمَدُ، الْقَادِرُ، الْمُقْتَدِرُ، الْمُقَدِّمُ، الْمُؤَخَّرُ، الْأَوَّلُ، الْآخِرُ، الظَّاهِرُ، الْبَاطِنُ، الْوَالِي، الْمُتَعَالِي، الْبَرُّ، التَّوَّابُ، الْمُنتَقِمُ، الْعَفُوفُ، الرَّؤُوفُ، مَالِكُ الْمُلْكِ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، الْمُقْسِطُ، الْجَامِعُ، الْغَنِيُّ، الْمُغْنَى، الْمَانِعُ، الضَّارُّ، النَّافِعُ، النَّورُ، الْهَادِي، الْبَدِيعُ، الْبَاقِي، الْوَارِثُ، الرَّشِيدُ، الصَّبُورُ. (1)

1- سنن الترمذی: ج 5 ص 531 ح 3507، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 62 ح 41، الدعاء للطبرانی: ص 51 ح 111 کلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 1 ص 448 ح 1937.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند را نود و نه نام است. هر کس آنها را بشمارد، به بهشت درمی آید. این نام‌ها عبارت‌اند از: خدای یگانه ای که معبودی جز او نیست، مهرگستر، مهربان، پادشاه، مقدس، سلام، ایمنی بخش، امین، عزتمند، جبار، بزرگ منش، آفریننده، پدیدآورنده، صورتگر، آمرزنده، چیره، بخشنده، روزی دهنده، بازکننده، دانا، جمع کننده، گستراننده، پایین آورنده، بالا برنده، عزتبخش، خوارکننده، شنوا، بینا، داور، داد[گر]، با لطف، آگاه، بردبار، با عظمت، آمرزگار، قدردان، والا، بزرگ، نگهبان، خوراک دهنده، حسابگر، باشکوه، بزرگوار، مراقب، پاسخ دهنده، پهناور، استوارکار، دوستدار، صاحب مجد، برانگیزاننده، گواه، راست، وکیل، نیرومند، ستوار، دوست، ستودنی، شمارنده، آغازگر، بازآفرین، زنده کننده، میراننده، زنده، پاینده، دارنده، ارجمند، یگانه، قبله حاجات، توانا، مقتدر، پیش افکننده، پس افکننده، آغاز، انجام، پیدا، نهان، والی، برتر، نیکوکار، توبه پذیر، کین ستان، بخشاینده، دلسوز، مُلک دار، خداوند شکیبایی و ارج، دادگستر، دربردارنده، بی نیاز، بی نیازکننده، منع کننده، زیان ده، سودرسان، روشنایی، راهنما، نوآفرین، مانا، ارث بر، دارای رشد، شکیبیا.

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا؛ مِنْةً إِلَّا وَاحِدًا، إِنَّهُ وَتَرٌ يُحِبُّ الْوَتَرَ، مَنْ حَفِظَهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَهِيَ: اللَّهُ، الْوَاحِدُ،
 الصَّمَدُ، الْأَوَّلُ، الْآخِرُ، الظَّاهِرُ، الْبَاطِنُ، الْخَالِقُ، الْبَارِئُ، الْمُصَوِّرُ، الْمَلِكُ، الْحَقُّ، السَّلَامُ، الْمُؤْمِنُ، الْمُهَيِّمُ، الْعَزِيزُ، الْجَبَّارُ،
 الْمُتَكَبِّرُ، الرَّحْمَنُ، الرَّحِيمُ، اللَّطِيفُ، الْخَبِيرُ، السَّمِيعُ، الْبَصِيرُ، الْعَلِيمُ، الْعَظِيمُ، الْبَارُّ، الْمُتَعَالِ، الْجَلِيلُ، الْجَمِيلُ، الْحَيُّ، الْقَيُّومُ،
 الْقَادِرُ، الْقَاهِرُ، الْعَلِيُّ، الْحَكِيمُ، الْقَرِيبُ، الْمُجِيبُ، الْغَنِيُّ، الْوَهَّابُ، الْوَدُودُ، الشَّكُورُ، الْمَاجِدُ، الْوَاحِدُ، الْوَالِي، الرَّاشِدُ، الْعَفْوُ،
 الْغَفُورُ، الْحَلِيمُ، الْكَرِيمُ، النَّوَّابُ، الرَّبُّ، الْمَجِيدُ، الْوَلِيُّ، الشَّهِيدُ، الْمُبِينُ، الْبُرْهَانُ، الرَّؤُوفُ، الرَّحِيمُ، الْمُبْدِي، الْمُعِيدُ، الْبَاعِثُ،
 الْوَارِثُ، الْقَوِيُّ، الشَّدِيدُ، الصَّارُ، النَّافِعُ، الْبَاقِي، الْوَاقِي، الْخَافِضُ، الرَّافِعُ، الْقَابِضُ، الْبَاسِطُ، الْمُعِزُّ، الْمُدِئِلُّ، الْمُتَسِطُّ، الرَّزَّاقُ، ذُو
 الْقُوَّةِ، الْمَتِينُ، الْقَائِمُ، الدَّائِمُ، الْحَافِظُ، الْوَكِيلُ، الْفَاطِرُ، السَّمَاعُ، الْمُعْطَى، الْمُحْيِي، الْمُمِيتُ، الْمَانِعُ، الْجَامِعُ، الْهَادِي، الْكَافِي،
 الْأَبَدُ، الْعَالِمُ، الصَّادِقُ، النُّورُ، الْمُنِيرُ، التَّامُّ، الْقَدِيمُ، الْوَتَرُ، الْأَحَدُ، الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ . 1

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند نود و نه نام دارد ، از صد ، یکی کم . او ، خود ، فرد است و فرد را دوست دارد . هر کس این نام ها را حفظ کند ، به بهشت درمی آید . این نام ها عبارت اند از : خدا ، یکتا ، قبله حاجات ، آغاز ، انجام ، پیدا ، نهان ، آفریننده ، پدیدآورنده ، صورتگر ، پادشاه ، راست ، سلام ، ایمنی بخش ، امین ، عزتمند ، جبار ، بزرگ منش ، مهرگستر ، مهربان ، با لطف ، آگاه ، شنوا ، بینا ، دانا ، باعظمت ، نیکوکار ، والا ، باشکوه ، زیبا ، زنده ، پاینده ، توانا ، چیره ، بلندمرتبه ، استوارکار ، نزدیک ، پاسخ دهنده ، بی نیاز ، بخشنده ، دوستدار ، قدردان ، ارجمند ، دارنده ، والی ، دارای رشد ، باگذشت ، آمرزگار ، بردبار ، بزرگوار ، توبه پذیر ، خداوندگار ، صاحب مجد ، دوست ، گواه ، آشکار ، برهان ، دلسوز ، مهرگستر ، آغازگر ، بازآفرین ، برانگیزاننده ، ارث بر ، نیرومند ، پرتوان ، زیان رسان ، سودرسان ، مانا ، نگهدار ، پست کننده ، بالابرنده ، جمع کننده ، پهن کننده ، عزتبخش ، خوارکننده ، دادگستر ، روزی ده ، بانیرو ، استوار ، پابرجا ، همیشگی ، نگهبان ، وکیل ، گشاینده ، شنونده ، دهنده ، زنده کننده ، میراننده ، منع کننده ، دربردارنده ، راهنما ، کفایت کننده ، جاویدان ، دانا ، راستگو ، روشنایی ، روشنایی بخش ، کامل ، دیرین (ازلی) ، فرد ، یگانه ، قبله حاجات ، آن که نزاده و زاده نشده است و هیچ کس همتای او نیست .

الإمام الصادق عليه السلام - لَمَّا سَدَّ يَلَّ عَنِ الْأَسْمَاءِ السَّعَةِ وَالسَّعِينِ الَّتِي مَن أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ -: هِيَ فِي الْقُرْآنِ: فِي الْفَاتِحَةِ خَمْسَةٌ
 أَسْمَاءٍ: يَا أَللَّهُ، يَا رَبُّ، يَا رَحْمَنُ، يَا رَحِيمُ، يَا مَالِكُ. وَفِي الْبَقَرَةِ ثَلَاثَةٌ وَثَلَاثُونَ اسْمًا: يَا مُحِيطُ، يَا قَدِيرُ، يَا عَلِيمُ، يَا حَكِيمُ، يَا عَلِيُّ، يَا
 عَظِيمُ، يَا تَوَّابُ، يَا بَصِيرُ، يَا وَلِيُّ، يَا وَاسِعُ، يَا كَافِي، يَا رَوْوْفُ، يَا بَدِيعُ، يَا شَاكِرُ، يَا وَاحِدُ، يَا سَمِيعُ، يَا قَابِضُ، يَا بَاسِطُ، يَا حَيُّ، يَا
 قَيُّوْمُ، يَا غَنِيُّ، يَا حَمِيدُ، يَا غَفُورُ، يَا حَلِيمُ، يَا إِلَهُ، يَا قَرِيبُ، يَا مُجِيبُ، يَا عَزِيزُ، يَا نَصِيرُ، يَا قَوِيُّ، يَا شَدِيدُ، يَا سَرِيعُ، يَا خَبِيرُ. وَفِي آلِ
 عِمْرَانَ: يَا وَهَّابُ، يَا قَائِمُ، يَا صَادِقُ، يَا بَاعِثُ، يَا مُنْعِمُ، يَا مُتَفَضِّلُ. وَفِي النِّسَاءِ: يَا رَقِيبُ، يَا حَسِيبُ، يَا شَهِيدُ، يَا مُقِيمُ، يَا وَكِيلُ، يَا
 عَلِيُّ، يَا كَبِيرُ. وَفِي الْأَنْعَامِ: يَا فَاطِرُ، يَا قَاهِرُ، يَا لَطِيفُ، يَا بُرْهَانُ. وَفِي الْأَعْرَافِ: يَا مُحِيطُ، يَا مُمِيتُ. وَفِي الْأَنْفَالِ: يَا نِعَمَ الْمَوْلَى، يَا
 نِعَمَ النَّصِيرُ. وَفِي هُودٍ: يَا حَفِيطُ، يَا مَجِيدُ، يَا وَدُودُ، يَا فَعَّالُ لِمَا يُرِيدُ. وَفِي الرَّعْدِ: يَا كَبِيرُ، يَا مُتَعَالٍ. وَفِي إِبْرَاهِيمَ: يَا مَنَّانُ، يَا وَارِثُ.
 وَفِي الْحِجْرِ: يَا خَلَّاقُ. وَفِي مَرْيَمَ: يَا فَرْدُ. وَفِي طه: يَا غَفَّارُ. وَفِي «قَدْ أَفْلَحَ»: يَا كَرِيمُ. وَفِي النَّوْرِ: يَا حَقُّ، يَا مُبِينُ. وَفِي الْفُرْقَانِ: يَا
 هَادِي. وَفِي سَبَأٍ: يَا فَتَّاحُ. وَفِي الزُّمَرِ: يَا عَالِمُ. وَفِي غَافِرٍ: يَا غَافِرُ، يَا قَابِلَ التَّوْبَةِ، يَا ذَا الطَّلُوبِ، يَا زَفِيعُ. وَفِي الذَّارِيَاتِ: يَا رَزَّاقُ، يَا ذَا
 الْقُوَّةِ، يَا مَتِينُ. وَفِي الطُّورِ: يَا بَرُّ. وَفِي «اِقْتَرَبَتْ»: يَا مَلِكُ، يَا مُقْتَدِرُ. وَفِي الرَّحْمَنِ: يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا رَبَّ الْمَشْرِقَيْنِ، يَا رَبَّ
 الْمَغْرِبَيْنِ، يَا بَاقِي، يَا مُهَيِّمُنُ. وَفِي الْحَدِيدِ: يَا أَوَّلُ، يَا آخِرُ، يَا ظَاهِرُ، يَا بَاطِنُ. وَفِي الْحَشْرِ: يَا مَلِكُ، يَا قُدُّوسُ، يَا سَلَامُ، يَا مُؤْمِنُ، يَا
 مُهَيِّمُنُ، يَا عَزِيزُ، يَا جَبَّارُ، يَا مُتَكَبِّرُ، يَا خَالِقُ، يَا بَارِيُّ، يَا مُصَوِّرُ. وَفِي الْبُرُوجِ: يَا مُبْدِيُّ، يَا مُعِيدُ. وَفِي الْفَجْرِ: يَا وَتْرُ. وَفِي الْإِخْلَاصِ:
 يَا أَحَدُ، يَا صَمَدُ. (1)

امام صادق علیه السلام_ در پاسخ به پرسش از نود و نه نامی که هر کس آنها را برشمارد ، به بهشت می رود _: این نام ها در قرآن آمده اند: در [سوره] فاتحه ، پنج نام : ای خدا ، ای خداوندگار ، ای مهرگستر ، ای مهربان ، ای مالک! در بقره ، سی و سه نام : ای فراگیرنده ، ای توانا ، ای دانا ، ای استوارکار ، ای بلندمرتبه ، ای باعظمت ، ای توبه پذیر ، ای بینا ، ای ولیّ ، ای پهناور ، ای بسنده ، ای دلسوز ، ای نوآفرین ، ای قدردان ، ای یگانه ، ای شنوا ، ای جمع کننده ، ای پهن کننده ، ای زنده ، ای پاینده ، ای بی نیاز ، ای ستودنی ، ای آمرزگار ، ای بردبار ، ای معبود ، ای نزدیک ، ای پاسخ دهنده ، ای باعزّت ، ای یاور ، ای نیرومند ، ای پرتوان ، ای باسرعت ، ای آگاه! در آل عمران : ای بخشنده ، ای استوار ، ای راستگو ، ای برانگیزاننده ، ای نعمت دهنده ، ای صاحب فضل ! در نساء : ای مراقب ، ای حسابگر ، ای گواه ، ای خوراک دهنده ، ای وکیل ، ای بلندمرتبه ، ای بزرگ! در انعام : ای گشاینده ، ای چیره ، ای با لُطف ، ای برهان! در اعراف : ای زنده کننده ، ای میراننده! در انفال : ای نیکوحامی ، ای نیکویاور! در هود : ای نگهبان ، ای صاحب مجد ، ای دوستدار ، ای انجام دهنده آنچه بخواهد! در رعد : ای بزرگ ، ای والا! در ابراهیم : ای بنده نواز ، ای ارث بر! در حجر : ای آفریدگار! در مریم : ای تک! در طه : ای بسیار آمرزنده! در «قَدْ أَفْلَحَ» : ای بزرگوار! در نور : ای راست ، ای آشکار! در فرقان : ای راهنما! در سبأ : ای گشایشگر (/ ای داور) ! در زمر : ای دانا! در غافر : ای آمرزنده ، ای توبه پذیر ، ای صاحب فضل و غنا (/ صاحب قدرت) ، ای با رفعت! در ذاریات : ای روزی دهنده ، ای نیرومند ، ای ستوار! در طور : ای نیکوکار! در «اقتربت» : ای شهریار ، ای مقتدر! در الرحمن : ای با شُکوه و ارج ، ای خداوند دو خاور ، ای خداوند دو باختر ، ای مانا ، ای امین! در حدید : ای آغاز ، ای انجام ، ای پیدا ، ای نهان! در حشر : ای پادشاه ، ای پاک ، ای سلام ، ای ایمنی بخش ، ای سرپرست ، ای عزّتمند ، ای جبار ، ای بزرگ منش ، ای آفریننده ، ای پدیدآورنده ، ای صورتگر! در بروج : ای آغازکننده [ی آفرینش] ، ای بازآفرین! در فجر : ای طاق! در اخلاص : ای یکتا ، ای قبله حاجات!

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَّمَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ دَعْوَةً يَدْعُو بِهَا عِنْدَ مَا أَهَمَّهُ، فَكَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُعَلِّمُهَا وَوَلَدَهُ: يَا كَايْنَا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَيَا مُكُونُ كُلِّ شَيْءٍ، وَيَا كَايْنَا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، أَفْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا. (1)

الأسماء والصفات عن ابن عمر: كَانَ مِنْ دُعَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الَّذِي كَانَ يَقُولُ: يَا كَايْنَا قَبْلَ أَنْ يَكُونَ شَيْءٌ، وَالْمُكُونُ لِكُلِّ شَيْءٍ، وَالْكَائِنُ بَعْدَمَا لَا يَكُونُ شَيْءٌ، أَسَأَلُكَ بِلِحَظَةِ مَنْ لِحَظَاتِكَ الْحَافِظَاتِ الْغَافِرَاتِ الْوَاجِبَاتِ الْمُنْجِيَاتِ. (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ دَعَا بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ (3) اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ... وَهَذِهِ الْأَسْمَاءُ وَالِدُعَاءُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ، وَأَنْتَ الرَّحْمَنُ، وَأَنْتَ الرَّحِيمُ، الْمَلِكُ، الْقُدُّوسُ، السَّلَامُ، الْمُؤْمِنُ، الْمُهِيمُنُ، الْعَزِيزُ، الْجَبَّارُ، الْمُتَكَبِّرُ، الْأَوَّلُ، الْآخِرُ، الظَّاهِرُ، الْبَاطِنُ، الْحَمِيدُ، الْمَجِيدُ، الْمُبْدِيُّ، الْمُعِيدُ، الْوَدُودُ، الشَّهِيدُ، الْقَدِيمُ، الْعَلِيُّ، الْعَظِيمُ، الْعَلِيمُ، الصَّادِقُ، الرَّؤُوفُ، الرَّحِيمُ، الشَّكُورُ، الْغَفُورُ، الْعَزِيزُ، الْحَكِيمُ، ذُو الْقُوَّةِ، الْمَتِينُ، الرَّقِيبُ، الْحَفِيزُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، الْعَظِيمُ، الْعَلِيمُ، الْغَنِيُّ، الْوَلِيُّ، الْفَتَّاحُ، الْمُرْتَّاحُ، الْقَابِضُ، الْبَاسِطُ، الْعَدْلُ، الْوَفِيُّ، الْوَلِيُّ، الْحَقُّ، الْمُبِينُ، الْخَلَّاقُ، الرَّزَّاقُ، الْوَهَّابُ، التَّوَّابُ، الرَّبُّ، الْوَكِيلُ، اللَّطِيفُ، الْخَبِيرُ، السَّمِيعُ، الْبَصِيرُ، الدَّيَّانُ، الْمُتَعَالَى، الْقَرِيبُ، الْمُجِيبُ، الْبَاعِثُ، الْوَارِثُ، الْوَاسِعُ، الْبَاقِي، الْحَيُّ، الدَّائِمُ الَّذِي لَا يَمُوتُ، الْقَيُّومُ، النَّورُ، الْغَفَّارُ، الْوَاحِدُ، الْفَهَّارُ، الْأَحَدُ، الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، ذُو الطَّوْلِ، الْمُقْتَدِرُ، عَلَامُ الْغُيُوبِ، الْبَدِيءُ، الْبَدِيعُ، الْقَابِضُ، الْبَاسِطُ، الدَّاعِي، الظَّاهِرُ، الْمُقِيتُ، الْمُغِيثُ، الدَّافِعُ، الصَّارُ، النَّافِعُ، الْمُعِزُّ، الْمُدِلُّ، الْمُطْعِمُ، الْمُنْعِمُ، الْمُهِيمُنُ، الْمُكْرِمُ، الْمُحْسِنُ، الْمُجْمِلُ، الْحَدَّانُ، الْمُفْضِلُ، الْمُحْيِي، الْمُمِيتُ، الْفَعَّالُ لِمَا يُرِيدُ. مَالِكُ الْمَلِكِ، تُوتِي الْمَلِكَ مَنْ تَشَاءُ، وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ مِنْ تَشَاءُ، وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. تَوْلِجُ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ، وَتَوْلِجُ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ، وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ، وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ. فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَفَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى، يَسْبِغُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. اللَّهُمَّ مَا قُلْتُ مِنْ قَوْلٍ، أَوْ حَلَفْتُ مِنْ حَلْفٍ، أَوْ نَذَرْتُ مِنْ نَذْرٍ فِي يَوْمِي هَذَا وَلَيْدَتِي هَذِهِ فَمَشِيئَتِكَ بَيْنَ يَدَيِ ذَلِكَ كُلِّهِ، مَا شِئْتُمْ فِيهِ كَانَ، وَمَا لَمْ تَشَأْ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ، فَادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ عِنْدَكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، وَتُبْ عَلَيَّ، وَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي، وَيَسِّرْ أُمُورِي، وَوَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي، وَأَغْنِنِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ عَنِ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَصُنْ وَجْهِي وَيَدِي وَلِسَانِي عَنِ مَسْأَلَةٍ غَيْرِكَ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا؛ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ، وَتَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدِ النَّبِيِّ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. (4)

1- الأسماء والصفات: ج 1 ص 42 ح 16 عن صالح بن حيَّان، الفرج بعد الشدة لابن أبي الدنيا: ص 47 ح 67 عن صالح بن حسان، كنز العمال: ج 2 ص 656 ح 4998.

2- الأسماء والصفات: ج 1 ص 43 ح 17، الدر المنثور: ج 8 ص 48.

3- ما في المتن أثبتناه من بحار الأنوار والطبعات الأخرى من مهج الدعوات. وقد وقع في الطبعة المعتمدة تصحيف ظاهر وزيادة غير مرتبطة في المتن.

4- مهج الدعوات: ص 122 عن أنس بن أويس عن الإمام علي عليه السلام، البلد الأمين: ص 376، المصباح للكفعمي: ص 379، بحار الأنوار: ج 95 ص 376 ح 26.

امام باقر علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام دعایی آموخت که در هنگام گرفتاری آن را بخواند، و علی علیه السلام هم آن را به فرزندانش می آموخت: «ای بوده پیش از هر چیز، و ای بودکننده هر چیز، و ای بوده پس از هر چیز! فلاّن و بهمان حاجت مرا بر آور.»

الأسماء و الصفات_ به نقل از ابن عمر: از جمله دعاهایی که پیامبر خدا می خواند، این بود: «ای آن که پیش از هستی یافتن هر چیزی بوده است، و هر چیز را به وجود آورده است، و پس از آن که همه چیز نابود شود، او هست! به حقّ نگاهی از آن نگاه هایت که نگهبان و آمرزنده و واجب و نجاتبخش اند، از تو درخواست می کنم.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس با این نام ها دعا کند، خداوند دعایش را مستجاب می کند... این نام ها و دعا این است: به نام خدای مهرگستر مهربان. بار خدایا! تویی خدا، تویی مهرگستر، تویی مهربان، پادشاه، پاک، سلام، ایمن دهنده، امین، عزّتمند، جبار، بزرگ منش، آغاز، انجام، آشکار، نهان، ستودنی، با مجد، آغازکننده آفرینش، بازآفرین، دوستدار، گواه، دیرین (ازلی)، والا، باعظمت، دانا، راستگو، دلسوز، مهربان، قدردان، آمرزگار، باعزّت، استوارکار، نیرومند، ستّوار، مراقب، نگهبان، صاحب شُکوه و ارج، باعظمت، دانا، بی نیاز، ولیّ، گشایشگر (/ داور)، مهرورز، جمع کننده، (1) بسط دهنده، داد[گر]، وفاکننده، ولیّ، راست، آشکار، آفریننده، روزی دهنده، بخشنده، توبه پذیر، خداوندگار، وکیل، با لطف، آگاه، شنوا، بینا، سزادهنده، بلندمرتبه، نزدیک، پاسخ دهنده، برانگیزاننده، ارث بر، پهناور، مانا، زنده، همیشگی ای که نامیراست، پاینده، روشنایی، آمرزنده، یکتا، چیره، یگانه، قبله حاجات، نه دارای فرزند و نه زاده کسی است و نه کسی همتای اوست، صاحب فضل و غنا (/ صاحب قدرت)، مقتدر، دانای نهان ها، آغاز (/ آغازگر [آفرینش])، نوآفرین، جمع کننده، بسط دهنده، دعوتگر، آشکار، خوراک ده، کمک رسان، دفع کننده، زیان رسان، سودرسان، عزّت بخش، خوارکننده، اطعام کننده، نعمت دهنده، امین، اکرام کننده، نیکی کننده، خوبی کننده، با محبّت، فزون دهنده، زنده کننده، میراننده، انجام دهنده آنچه بخواهد. مالک پادشاهی. پادشاهی را به هر که بخواهی، می دهی و پادشاهی را از هر که بخواهی، می ستانی. هر که را خواهی، عزّت می بخشی و هر که را خواهی، خوار می گردانی. خوبی ها همه به دست تواند، و تو بر هر چیز، توانایی. شب را به روز می بری و روز را در شب اندر می کنی، زنده را از مرده بیرون می کشی و مرده را از زنده بیرون می آوری، و هر که را خواهی، بی حساب روزی می دهی. شکافنده صبح و شکافنده دانه ها و هسته ها. تسبیح گوی اوست هر آنچه در آسمان ها و زمین است، و اوست باعزّت استوارکار. بار خدایا! در این روز و این شب، هر سخنی که گفتم، یا هر سوگندی که خوردم و یا هر نذری که کردم، همگی منوط به خواست توست. آنچه تو درباره آنها بخواهی، همان می شود و آنچه تو نخواهی، نمی شود. پس، به توش و توان خود از من دفع کن؛ چرا که هیچ توش و توانی نیست، مگر به مدد خداوند والا و بزرگ. بار خدایا! به حقّ این نام هایت، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا بیامرز، و به من رحم فرما، و توبه ام را بپذیر، و از من پذیرا شو، و کار مرا به سامان آور، و امورم را آسان گردان، و روزی ام را فراخ گردان، و به حقّ ذات بزرگواریت مرا از همه خلقت بی نیاز کن، و رو و دست و زبان مرا از درخواست از غیر خودت مصون بدار، و در کارم گشایشی و راه خروجی قرار بده؛ که تو می دانی و من نمی دانم، و تو می توانی و من ناتوانم، و تو بر هر چیز توانایی، به حقّ مهربانی ات، ای مهربان ترین مهربانان! و درود خدا بر سرور پیامبران، محمّد پیامبر و خاندان پاک و مطهر او باد!

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا طَلَبَ أَحَدُكُمْ الْحَاجَةَ فَلْيُثْنِ عَلَى رَبِّهِ وَلِيَمْدَحْهُ؛ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا طَلَبَ الْحَاجَةَ مِنَ السُّلْطَانِ هَيَّأَ لَهُ مِنَ الْكَلَامِ أَحْسَنَ مَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ، فَإِذَا طَلَبْتُمْ الْحَاجَةَ فَمَجِّدُوا اللَّهَ الْعَزِيزَ الْجَبَّارَ وَامْدَحُوهُ وَأَثْنُوا عَلَيْهِ، تَقُولُ: يَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، وَيَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، يَا أَحَدُ يَا صَدَمُدُّ، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا، يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَيَحْكُمُ مَا يُرِيدُ وَيَقْضِي مَا أَحَبَّ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، يَا سَمِيعٌ يَا بَصِيرٌ. وَأَكْثَرَ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ؛ فَإِنَّ أَسْمَاءَ اللَّهِ كَثِيرَةٌ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَقُلْ: اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ مَا أَكْفُ بِهِ وَجْهِي، وَأُوَدِّ بِهٍ عَن أَمَانَتِي، وَأَصِلْ بِهِ رَحْمِي؛ وَيَكُونُ عَوْنًا لِي فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ. (1)

الإمام الرضا عليه السلام: وَصَفَ نَفْسَهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - بِأَسْمَاءٍ دَعَا الْخَلْقَ - إِذْ خَلَقَهُمْ وَتَعَبَّدَهُمْ وَابْتَلَاهُمْ - إِلَى أَنْ يَدْعُوهُ بِهَا، فَسَمَّى نَفْسَهُ: سَمِيعًا، بَصِيرًا، قَادِرًا، قَائِمًا، نَاطِقًا، ظَاهِرًا، بَاطِنًا، لَطِيفًا، خَبِيرًا، قَوِيًّا، عَزِيزًا، حَكِيمًا، عَلِيمًا وَمَا أَشْبَهَ هَذِهِ الْأَسْمَاءَ. (2)

-
- 1- الكافي: ج 2 ص 485 ح 6، فلاح السائل: ص 89 ح 21 وفيه صدره إلى «وآمدحوه وأثنوا عليه»، عدّة الداعي: ص 149 كلّها عن عيص بن القاسم، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 17 ح 2031، بحار الأنوار: ج 93 ص 315 ح 21.
- 2- الكافي: ج 1 ص 120 ح 2 عن عليّ بن محمد مرسلًا، التوحيد: ص 186 ح 2، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 145 ح 50 وفيه «قاهرا حيّا قيّوما» بدل «قادرا، قائما» وكلاهما عن الحسين بن خالد، بحار الأنوار: ج 4 ص 177 ح 5.

امام صادق علیه السلام: هر گاه یکی از شما حاجتی می طلبد، ابتدا مدح و ثنای پروردگارش را به جا آورد؛ چرا که آدمی وقتی از سلطان حاجتی می طلبد، مقدم‌تا بهترین سخنی را که در توان خود دارد، به او می گوید. بنا بر این، هر گاه حاجتی طلبیدید، نخست خداوند عزّتمندِ جبّار را تمجید کنید و او را مدح و ثنا گوید. [پس] می گویی: ای بخشنده ترین کسی که عطا می کند! ای بهترین کسی که از او درخواست می شود! ای بارحم ترین کسی که از او رحم طلبیده می شود! ای یکتا! ای قبله حاجات! ای کسی که نه زاده است و نه زاده کسی است و هیچ کس همتای او نیست! ای کسی که او را نه زن است و نه فرزندی! ای کسی که آنچه بخواهد، انجام می دهد، و هر حکمی که بخواهد، می کند، و هر قضایی که دوست دارد، می راند! ای کسی که میان آدمی و دل او حائل می شود! ای کسی که در بالاترین چشم انداز است! ای کسی که هیچ چیز همانند او نیست! ای شنوا! ای بینا! و از نام های خداوند عز و جل بسیار بگو؛ زیرا نام های خدا بسیارند. و بر محمّد و خاندان او صلوات فرست و بگو: بار خدایا! از روزیِ حلالیت به من گشایشی ده، چندان که با آن آبروی خویش را نگه دارم، و با آن امانتم را ادا کنم، و با آن به خویشاوندانم رسیدگی نمایم، و در گزاردن حج و عمره از آن کمک بگیرم.

امام رضا علیه السلام: خداوند _ تبارک و تعالی _ خویشتن را به نام هایی وصف کرده و از خلق _ آن گاه که آنان را آفرید و به عبادتشان طلبید و [از این طریق] آزمودشان _ خواست تا او را به این نام ها بخوانند. او خویشتن را شنوا، بینا، توانا، پابرجا، گویا، آشکار، نهان، لطیف، آگاه، نیرومند، عزّتمند، استوارکار، دانا و مانند این نام ها نامیده است.

5 / 2 الدُّعَاءُ بِالأَسْمَاءِ الحُسْنِيَا لِكِتَابِ «وَلِلَّهِ الأَسْمَاءُ الحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا». (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله عز وجل تِسْعَةً وَتِسْعُونَ اسْمًا ، مَنْ دَعَا اللَّهَ بِهَا اسْتَجَابَ لَهُ ، وَمَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ (2) ، وَقَالَ اللَّهُ عز وجل : «وَلِلَّهِ الأَسْمَاءُ الحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا». (3)

الكافي عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر عليه السلام ، قال : قُلْتُ : فَمَا عَنِي بِقَوْلِهِ فِي يَحْيَى : «وَحَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَرِزْقًا» (4) ؟ قَالَ : تَحَنُّنَ اللَّهِ ، قُلْتُ : فَمَا بَلَغَ مِنْ تَحَنُّنِ اللَّهِ عَلَيْهِ ؟ قَالَ : كَانَ إِذَا قَالَ : يَا رَبِّ ، قَالَ اللَّهُ عز وجل : لَبَّيْكَ يَا يَحْيَى . (5)

رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَيَقُولُ مُتَضَرِّعًا : يَا رَبِّ _ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ _ مَلَأَ اللَّهُ تَعَالَى يَدَيْهِ مِنَ الرَّحْمَةِ . (6)

1- الأعراف : 180 .

2- قال الصدوق رحمه الله : معنى قول النبي صلى الله عليه وآله : إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تِسْعَةَ وَتِسْعِينَ اسْمًا ، مِنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ ؛ إِحْصَاؤُهَا هُوَ الإِحْاطَةُ بِهَا ، وَالْوَقُوفُ عَلَى مَعَانِيهَا ، وَلَيْسَ مَعْنَى الإِحْصَاءِ عَدُّهَا . وَبِاللَّهِ التَّوْفِيقُ (التوحيد : ص 195 ذيل ح 9) . وَقَالَ الْعَلَامَةُ الطَّبَّاطِبَائِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ الْمُرَادُ بِقَوْلِهِ : «مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ» الإِيمَانُ بِاتِّصَافِهِ تَعَالَى بِجَمِيعِ مَا تَدَلَّ عَلَيْهِ تِلْكَ الأَسْمَاءُ ، بِحَيْثُ لَا يَشُدُّ عَلَيْهَا شَاذُّ (الميزان في تفسير القرآن : ج 8 ص 359) .

3- التوحيد : ص 195 ح 9 عن أبي الصلت الهروي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 4 ص 187 ح 2؛ الدر المنثور : ج 3 ص 614 نقلًا عن ابن مردويه وأبي نعيم عن ابن عباس وابن عمر وفيه «مئة غير واحد» بدل «من دعا الله بها استجاب له» .

4- مريم : 13 .

5- الكافي : ج 2 ص 535 ح 38 ، المحاسن : ج 1 ص 104 ح 83 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 233 ح 3 .

6- مستدرک الوسائل : ج 5 ص 220 ح 5737 نقلًا عن تفسير أبي الفتوح الرازي .

5 / 2 خواندن خدا با نام های نیکو

2/5 خواندن خدا با نام های نیکو قرآن «همه نام های نیکو متعلق به خدایند . پس ، او را بدانها بخوانید».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل دارای نود و نه نام است که هر کس خدا را با آنها بخواند ، او پاسخش می دهد ، و هر کس آنها را بشمارد ، به بهشت می رود، (1) و خداوند عز و جلفرموده است : «و همه نام های نیکو متعلق به خدایند . پس ، او را بدانها بخوانید» .

الکافی_ به نقل از ابو حمزه ثمالی_ : به امام باقر علیه السلام گفتم : مقصود خداوند از این سخنش درباره یحیی که : «و مهربانی ای از جانب خود و پاکی ای [به او دادیم]» چیست؟ فرمود : «مهرورزی خداوند» . گفتم : مهرورزی خدا به او تا چه اندازه رسید؟ فرمود : «تا اندازه ای که هر گاه می گفت : ای خداوند من ، خدای عز و جل می فرمود : بله ، ای یحیی» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس دست به سوی خدای متعال بردارد و سه مرتبه با زاری و التماس بگوید : «پروردگارا !» ، خدای متعال دستاش را از رحمت پُر می کند.

1- . صدوق رحمه الله گفته است : معنای این سخن پیامبر که : «خداوند _ تبارک و تعالی _ نود و نه نام دارد . هر کس آنها را بشمارد ، به بهشت می رود» ، احاطه بر آنها و شناخت معانی آنهاست ، نه شمردن آنها (التوحید : ص 195 ذیل ح 9) . علامه طباطبایی رحمه الله می گوید : مراد از عبارت «هر که آنها را بشمارد ، به بهشت می رود» ، ایمان داشتن به این معناست که خداوند متعال به همه آنچه این نام ها بر آن دلالت دارند ، متّصف است و استثنا هم ندارد (المیزان فی تفسیر القرآن : ج 8 ص 359).

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلَّهِ مَلَكًا مُوَكَّلًا بِمَنْ يَقُولُ: يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، فَمَنْ قَالَهَا ثَلَاثًا، قَالَ الْمَلَكُ: إِنَّ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ قَدْ أَقْبَلَ عَلَيْكَ، فَاسْأَلْ. (1)

المستدرک علی الصحیحین عن أنس: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرَجُلٍ وَهُوَ يَقُولُ: يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَلْ فَقَدْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْكَ. (2)

المعجم الكبير عن ابن عباس: إِنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَلْ مِنَ الدُّعَاءِ شَيْءٌ لَا يَرُدُّ؟ قَالَ: نَعَمْ، تَقُولُ: أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْلَى الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ. (3)

معاني الأخبار عن معاذ بن جبل: مَرَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرَجُلٍ وَهُوَ يَدْعُو وَيَقُولُ: يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. فَقَالَ لَهُ: قَدْ اسْتَجِيبَ لَكَ، فَسَلْ. (4)

رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلْطَوَا (5) بـ «يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ». (6)

عمل اليوم والليلة للنسائي عن أنس بن مالك: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدْعُو: «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ». (7)

1- المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 728 ح 1996 عن أبي أمامة، كنز العمال: ج 2 ص 77 ح 3213؛ محاسبة النفس لابن طاووس: ص 35، الدعوات: ص 45 ح 109 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه.

2- المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 728 ح 1995؛ محاسبة النفس لابن طاووس: ص 35 عن الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه.

3- المعجم الكبير: ج 11 ص 285 ح 12015، الدعاء للطبراني: ص 53 ح 115؛ الدعوات: ص 50 ح 122 وزاد فيه «ترددها ثم سل حاجتك»، بحار الأنوار: ج 95 ص 163 ح 17.

4- معاني الأخبار: ص 230 ح 1، بحار الأنوار: ج 95 ص 135 ح 4؛ الأدب المفرد: ص 217 ح 725 وفيه «سل» بدل «قد استجيب لك فسل»، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 244 ح 22117، تاريخ بغداد: ج 3 ص 126، كنز العمال: ج 2 ص 627 ح 4935 نقلاً عن المصنف لابن أبي شيبة.

5- أَلْظَّ بِالشَّيْءِ: لزمه وثابر عليه (النهاية: ج 4 ص 252 «لظظ»).

6- سنن الترمذي: ج 5 ص 539 ح 3524 عن أنس، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 187 ح 17607، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 676 ح 1836 كلاهما عن ربيعة بن عامر، كنز العمال: ج 2 ص 78 ح 3218؛ الدعوات: ص 45 ح 107، بحار الأنوار: ج 93 ص 235 ح 7.

7- عمل اليوم والليلة للنسائي: ص 397 ح 612، المعجم الأوسط: ج 8 ص 79 ح 8021، الدعاء للطبراني: ص 47 ح 91.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند را فرشته ای است گماشته بر کسی که بگوید: «یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، ای مهربان ترین مهربانان!» . پس هر که سه بار این را بگوید، فرشته می گوید: مهربان ترین مهربانان به تو رو کرده است، پس درخواست کن.

المستدرک علی الصحیحین_ به نقل از انس_: پیامبر خدا بر مردی گذشت که می گفت: یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، ای مهربان ترین مهربانان! پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «درخواست کن، که خدا به تو نظر کرده است» .

المعجم الکبیر_ به نقل از ابن عبّاس_: مردی گفت: ای پیامبر خدا! آیا دعایی هست که رد نشود؟ فرمود: «آری . می گویی: أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْلَى الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ، به نام برتر و عزیزتر و بشکوه تر و ارجمندترت، از تو درخواست می کنم» .

معانی الأخبار_ به نقل از معاذ بن جبل_: پیامبر صلی الله علیه و آله بر مردی گذشت که دعا می کرد و می گفت: یا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، ای صاحب شُکوه و ارج! به او فرمود: «پاسخ داده شدی . پس درخواست کن» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر ذکر «یا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، ای صاحب شُکوه و ارج!» مداومت ورزید.

عمل الیوم و اللیلة، نسایی_ به نقل از آنس بن مالک_: پیامبر خدا این دعا را زیاد می خواند: «یا حَيُّ یا قَیُّوْمُ، ای زنده، ای پاینده!» .

الإمام عليّ عليه السلام - لابنه - : إذا نَزَلَ بِكَ أَمْرٌ عَظِيمٌ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا ، فَتَوَضَّأْ وَارْفَعْ يَدَيْكَ وَقُلْ : يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ - سَبْعَ مَرَّاتٍ - فَإِنَّهُ يُسْتَجَابُ لَكَ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام : إشتكيتُ فَمَرَّ [بي] أبي عليه السلام فقال : قُلْ يَا بُنَيَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ : يَا اللَّهُ ؛ فَإِنَّهُ لَمْ يَقْلُهَا عَبْدٌ إِلَّا قَالَ : لَبَّيْكَ ، وَمَنْ قَالَ : يَا رَبِّي يَا اللَّهُ ، يَا رَبِّي يَا اللَّهُ حَتَّى يَنْقَطِعَ النَّفْسُ ، أُجِيبَ فَقِيلَ لَهُ : لَبَّيْكَ ، مَا حَاجَتُكَ . (2)

عنه عليه السلام : مَنْ قَالَ عَشْرَ مَرَّاتٍ : يَا رَبِّ يَا رَبِّ ، قِيلَ لَهُ : لَبَّيْكَ ، مَا حَاجَتُكَ ؟ (3)

الكافي عن محمد بن حمران : مَرَضَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قُلْ : يَا رَبِّ يَا رَبِّ عَشْرَ مَرَّاتٍ ، فَإِنَّ مَنْ قَالَ ذَلِكَ نُوْدِيَ : لَبَّيْكَ ، مَا حَاجَتُكَ ؟ (4)

الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَجَدَ فَقَالَ : يَا رَبِّ يَا رَبِّ - حَتَّى يَنْقَطِعَ نَفْسُهُ - قَالَ لَهُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : لَبَّيْكَ مَا حَاجَتُكَ ؟ (5)

عنه عليه السلام : إِنَّ الرَّجُلَ لَمِنْكُمْ لَيَقِفُ عِنْدَ ذِكْرِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ، ثُمَّ يَقُولُ : أَيُّ رَبِّ أَيُّ رَبِّ أَيُّ رَبِّ - ثَلَاثًا - فَإِذَا قَالَهَا نُوْدِيَ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ : سَلِّ ، مَا حَاجَتُكَ . (6)

-
- 1- . مكارم الأخلاق : ج 2 ص 146 ح 2361 ، بحار الأنوار : ج 80 ص 328 ح 15 نقلاً عن كتاب الاختيار لابن الباقي وفيه « لأبي ذر » بدل « لابنه » و ج 95 ص 159 ح 10 .
 - 2- . الدعوات : ص 44 ح 105 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 235 .
 - 3- . الكافي : ج 2 ص 520 ح 1 عن أيوب بن الحرّ أخي أديم ، المحاسن : ج 1 ص 105 ح 85 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 84 ح 2224 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 164 ح 18 نقلاً عن كتاب الصلاة لمحمد بن عليّ بن محبوب .
 - 4- . الكافي : ج 2 ص 520 ح 2 .
 - 5- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 333 ح 976 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 38 ح 2085 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 205 ح 19 .
 - 6- . المحاسن : ج 1 ص 105 ح 84 عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج 93 ص 233 ح 4 .

امام علی علیه السلام به فرزندش: هر گاه در زمینه دین یا دنیا مشکل بزرگی برایت پیش آمد، وضو ساز و دستانت را به آسمان بردار و هفت بار بگو: «یا اَللّهُ یا اَللّهُ، ای خدا! ای خدا!...». پاسخ داد می شود.

امام صادق علیه السلام: بیمار شدم و پدرم از کنارم رد شد و فرمود: «پسرم! ده مرتبه بگو: یا اَللّهُ، ای خدا!؛ زیرا هر بنده ای این را بگوید، خداوند می فرماید: بله. و هر کس بگوید: یا رَبِّ یا اَللّهُ، ای پرورگار من، ای خدا!، تا جایی که نفس قطع شود، در پاسخ او گفته می شود: بله، حاجتت چیست؟».

امام صادق علیه السلام: هر کس ده مرتبه بگوید: «یا رَبِّ یا رَبِّ، ای خداوندگار من! ای خداوندگار من!...»، جواب می آید که: بله، چه می خواهی؟

الکافی به نقل از محمد بن حمران: اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام بیمار شد. امام علیه السلام به او فرمود: «ده مرتبه بگو: یا رَبِّ یا رَبِّ، ای خداوندگار من! ای خداوندگار من!...؛ زیرا هر کس این را بگوید، جواب داده می شود که: بله، چه می خواهی؟».

امام صادق علیه السلام: بنده هر گاه به سجده رود و بگوید: «یا رَبِّ یا رَبِّ، ای خداوندگار من! ای خداوندگار من!...» تا نفسش قطع شود، خداوند تبارک و تعالی به او می فرماید: «بله، چه می خواهی؟».

امام صادق علیه السلام: فردی از شما در هنگام یاد از بهشت و دوزخ درنگ می کند و سه مرتبه می گوید: «أی رَبِّ ای رَبِّ ای رَبِّ، ای خداوند من! ای خداوند من! ای خداوند من!». پس چون این را گفت، از فراز سرش ندا آیدش که: بخواه، حاجتت چیست؟

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ: يَا رَبِّ يَا إِلَهَ، يَا رَبَّ يَا إِلَهَ - حَتَّى يَنْقَطِعَ نَفْسُهُ - قِيلَ لَهُ: لَيْبِكَ، مَا حَاجَتِكَ؟ (1)

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ: يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ أَحَدٌ غَيْرُهُ - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - اسْتُجِيبَ لَهُ، وَهُوَ الدُّعَاءُ الَّذِي لَا يُرَدُّ. (2)

المجتبى عن الليث بن سعد عن الإمام الصادق عليه السلام - فِي دُعَاءِ سَرِيعِ الإِجَابَةِ -: يَا إِلَهَ يَا إِلَهَ يَا إِلَهَ - حَتَّى انْقَطَعَ نَفْسُهُ - يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ - حَتَّى انْقَطَعَ نَفْسُهُ - يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ - حَتَّى انْقَطَعَ نَفْسُهُ - يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ - حَتَّى انْقَطَعَ نَفْسُهُ - ثُمَّ سَأَلَ حَاجَتَهُ فَحَضَرَتْ فِي الْحَالِ. (3)

الدعاء المأثور وآدابه عن عبد الله بن الصامت عن الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ حَزَبَهُ أَمْرٌ (4) فَقَالَ خَمْسَ مَرَّاتٍ: رَبَّنَا رَبَّنَا، وَدَعَا فِي كَشْفِهِ، إِلَّا أَنْجَاهُ اللَّهُ مِمَّا يَخَافُ، وَأَعْطَاهُ مَا أَرَادَ. وَاحْتَجَّ بِقَوْلِهِ سُبْحَانَهُ: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيًا - مَا وَقَعُوا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» الْآيَاتِ إِلَى قَوْلِهِ: «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمَلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثِيَ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ» (5) (6).

- 1- الكافي: ج 2 ص 520 ح 3، المحاسن: ج 1 ص 105 ح 85 وفيه «يا رب يا رب» بدل «يا رب يا الله يا الله» وكلاهما عن أبي بصير، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 84 ح 2224 نحوه، بحار الأنوار: ج 93 ص 234 ح 5.
- 2- الدعوات: ص 45 ح 112، بحار الأنوار: ج 95 ص 162 ح 17.
- 3- المجتبى: ص 64.
- 4- أى نزل به مهمم أو أصابه غم (النهاية: ج 1 ص 377 «حزب»).
- 5- آل عمران: 191 - 195.
- 6- الدعاء المأثور وآدابه: ص 74، مستدرک الوسائل: ج 5 ص 219 ح 5736 نقلاً عن تفسير أبي الفتوح الرازي عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه.

امام صادق علیه السلام: هر کس بگوید: «یا رَبِّ یا اَللهُ یا رَبِّ یا اَللهُ، ای خداوند من، ای خدا! ای خداوند من، ای خدا!» تا آن که نفسش تمام شود، به او گفته می شود: بله، چه حاجت داری؟

امام صادق علیه السلام: هر کس سه بار بگوید: «یا مَنْ یَفْعَلُ ما یَشَاءُ ولا یَفْعَلُ ما یَشَاءُ اَحَدٌ غَیْرُهُ، ای کسی که آنچه را بخواهد، انجام می دهد و هیچ کس جز او اینگونه (فَعَال ما یَشَاء) نیست»، پاسخش داده می شود. و این است آن دعایی که رد نمی شود.

المجتبی_ به نقل از لیث بن سعد، درباره دعایی که زود اجابت می شود: امام صادق علیه السلام فرمود: «یا اَللهُ یا اَللهُ یا اَللهُ، ای خدا! ای خدا! ای خدا!...» تا آن که نفسش قطع شود، «یا رَحْمَنُ یا رَحْمَنُ یا رَحْمَنُ، ای مهرگستر! ای مهرگستر! ای مهرگستر!...» تا آن که نفسش قطع شود، «یا رَحِیْمُ یا رَحِیْمُ یا رَحِیْمُ، ای مهربان! ای مهربان! ای مهربان!...» تا آن که نفسش قطع شود، «یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ، ای مهربان ترین مهربانان!...» تا آن که نفسش قطع شود. سپس حاجتش را درخواست کند. در دم برآورده شود.

الدعاء المأثور و آدابه_ به نقل از عبد الله بن صامت: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس مشکل بزرگی برایش پیش آید و پنج مرتبه بگوید: رَبَّنَا رَبَّنَا، ای خداوندگار ما! ای خداوندگار ما!... و برای رفع آن مشکل دعا کند، حتما خداوند او را از آنچه می ترسیده است، نجات می بخشد و آنچه را خواسته است، به او می دهد». امام علیه السلام به این فرموده خداوند سبحان استدلال کرد که: «آنان که ایستاده و نشسته و به پهلو خفته، خدا را یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند» تا «پس، پروردگارشان پاسخشان دهد که: من عمل هیچ عمل کننده ای از شما را، از مرد و زن، که همه از یکدیگرید، تباه نمی کنم».

الإمام الرضا عليه السلام: إِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ شِدَّةٌ فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَيَّ اللَّهُ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا»، قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَحْنُ وَاللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى الَّتِي لَا يَقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا، قَالَ: «فَادْعُوهُ بِهَا». (1)

راجع: ص 296 (جوف الليل).

1- تفسير العياشي: ج 2 ص 42 ح 119، الاختصاص: ص 252 وليس فيه «قال أبو عبد الله...»، بحار الأنوار: ج 94 ص 5 ح 7 وراجع الكافي: ج 1 ص 143 ح 4.

امام رضا علیه السلام: هر گاه گرفتاری ای بر شما نازل شد، از ما به درگاه خدا کمک بگیرید و این، فرموده خداوند عز و جلاست، آن جا که می فرماید: «و همه نامهای نیکو متعلق به خدایند پس بدانها او را بخوانید». [امام] صادق علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، ماییم نام های نیکو که خداوند از هیچ کس [عملش را] نمی پذیرد، مگر آن که همراه با شناخت [و اعتقاد به] ما باشد. خدا فرموده است: «پس ، بدانها او را بخوانید»».

ر. ک: ص 297 (دل شب).

الباب السادس: استجابة الدعاء بالاسم الأعظم 6 / 1 ما رُوِيَ فِي تَفْسِيرِ الْإِسْمِ الْأَعْظَمِ - مَوْقِعُ الْإِسْمِ الْأَعْظَمِ مِنَ الْبَسْمَلَةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» أَقْرَبُ إِلَى الْإِسْمِ الْأَعْظَمِ (1) مِنْ سَوَادِ الْعَيْنِ إِلَى بَيَاضِهَا. (2)

1- استعملت كلمة «اسم» في معناها الجامع القابل للصدق على جميع أسمائه تعالى، فهو من باب ذكر المفهوم والإشارة به إلى المصداق. وبما أن الاسم الأعظم أشرف المصدايق فلا محالة أن يكون أولى وأحقّ بانطباق المفهوم عليه. وبهذا يتضح معنى كون «باسم الله» أقرب إلى الاسم الأعظم من سواد العين إلى بياضها؛ فإنّ القرب بينهما قرب ذاتي؛ إذ المفهوم متحد مع مصداقه خارجاً، وقرب سواد العين إلى بياضها قرب مكاني، والاتحاد بينهما وضعي (البيان في تفسير القرآن: ص 514).

2- عدّة الداعي: ص 49، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 5 ح 11 عن محمد بن سنان عن الإمام الرضا عليه السلام، تفسير العياشي: ج 1 ص 21 ح 13 عن إسماعيل بن مهرا عن الإمام الرضا عليه السلام، دلائل الإمامة: ص 420 ح 383 عن أحمد بن إسحاق عن الإمام الهادي عن الإمام الرضا عليهما السلام وفيها «اسم الله الأعظم» بدل «الاسم الأعظم»، بحار الأنوار: ج 78 ص 371 ح 6 وراجع: تهذيب الأحكام: ج 2 ص 289 ح 1159 والمستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 738 ح 2027 وتاريخ بغداد: ج 7 ص 313 ح 3826 وكنز العمال: ج 2 ص 296 ح 4047.

باب ششم : مستجاب شدن دعا با اسم اعظم**6 / 1 احادیثی در تفسیر «اسم اعظم»****الف _ جایگاه اسم اعظم نسبت به بسم الله**

باب ششم : مستجاب شدن دعا با اسم اعظم 6 / 1 احادیثی در تفسیر «اسم اعظم» الف _ جایگاه اسم اعظم نسبت به بسم الله پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «بسم الله الرحمن الرحيم»، به اسم اعظم خدا، (1) از سیاهی چشم به سفیدی آن، نزدیک تر است.

1- . کلمه «اسم»، به معنای جامع آن که بر تمام نام های خداوند صدق پذیر است، به کار رفته است. بنا بر این، از باب ذکر مفهوم و اشاره با آن به مصداق است. و از آن جا که اسم اعظم، عالی ترین مصادیق است، به ناچار، اولی و احق است به انطباق مفهوم بر آن. با این بیان، معنای این که «بسم الله» به اسم اعظم، نزدیک تر از سیاهی چشم به سفیدی آن است، روشن می شود؛ چرا که قرب میان آن دو، ذاتی است؛ چون مفهوم با مصداقش در خارج متحدند، در صورتی که نزدیکی سیاهی چشم به سفیدی، نزدیکی مکانی است و اتحاد میان آن دو، اتحاد وضعی است (البیان فی تفسیر القرآن: ص 514).

عنه صلى الله عليه وآله وقد سُئِلَ عَنْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» - هُوَ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ ، وَمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اسْمِ اللَّهِ الْأَكْبَرِ إِلَّا كَمَا بَيَّنَّ سَوَادِ الْعَيْنِ وَيَبَاضِهَا مِنَ الْقُرْبِ . (1)

مُهْجِ الدَّعَوَاتِ عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» اسْمُ اللَّهِ الْأَكْبَرِ . أَوْ قَالَ : الْأَعْظَمُ . (2)

ب - آيٌ مِنَ الْقُرْآنِ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ : «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» (3) ، وَ «إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَحِدٌ» (4) . (5)

عنه صلى الله عليه وآله : اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ : «وَالْإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» (6) ، وَفَاتِحَةَ سُورَةِ آلِ عِمْرَانَ : «الْم * اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» (7) . (8)

عنه صلى الله عليه وآله : اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَابَ : «قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ» إِلَى «بِغَيْرِ حِسَابٍ» (9) . (10)

-
- 1- .المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 738 ح 2027 عن ابن عباس ، كنز العمال : ج 2 ص 296 ح 4047 ؛ مُهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص 381 عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج 93 ص 225 ح 1 .
 - 2- .مُهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص 379 .
 - 3- .البقرة : 255 . وهى آية الكرسي .
 - 4- .البقرة : 163 .
 - 5- .مُهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص 383 عن أسماء بنت زيد ، بحار الأنوار : ج 93 ص 227 .
 - 6- .البقرة : 163 .
 - 7- .آل عمران : 1 و 2 .
 - 8- .سنن أبي داوود : ج 2 ص 80 ح 1496 ، سنن الترمذی : ج 5 ص 517 ح 3478 ، سنن ابن ماجة : ج 2 ص 1267 ح 3855 وليس فيه ذيله ، سنن الدارمی : ج 2 ص 907 ح 3266 ، المعجم الكبير : ج 24 ص 174 ح 440 و 441 والثلاثة الأخيرة نحوه وكلها عن أسماء بنت يزيد ، كنز العمال : ج 1 ص 451 ح 1941 .
 - 9- .آل عمران : 26 و 27 .
 - 10- .مُهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص 380 عن أسماء بنت زيد ، بحار الأنوار : ج 93 ص 224 ؛ المعجم الكبير : ج 12 ص 133 ح 12792 عن ابن عباس ، كنز العمال : ج 1 ص 451 ح 1943 .

ب - آیاتی از قرآن

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به سؤال از «بسم الله الرحمن الرحيم» - آن، نامی از نام های خداست و نزدیکی آن به اسم اکبر خداوند، مانند نزدیکی سیاهی چشم به سفیدی آن است.

مهج الدعوات - به نقل از معاویه بن عمّار - امام صادق علیه السلام فرمود: «(بسم الله الرحمن الرحيم)»، نام اکبر خداست» یا فرمود: «[اسم] اعظم خداست».

ب - آیاتی از قرآن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اسم اعظم خدا، در این دو آیه است: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ؛ خداست که معبودی جز او نیست، زنده و برپادارنده است» و «إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ؛ خدای شما خدای یگانه است».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اسم اعظم خدا، در این دو آیه است: «وَالْإِلَٰهَ الْهَكْمَ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ؛ و خدای شما خدایی یکتاست، معبودی جز او نیست، مهرگستر و مهربان است»، و در آغاز سوره آل عمران: «الْم * اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ؛ الف - لام - میم . خداست که معبودی جز او نیست، زنده و برپادارنده است».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اسم اعظم خدا که هر گاه با آن خوانده شود، پاسخ می دهد، این است: «قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمُلْكِ؛ بگو: بار خدایا! ای صاحب پادشاهی!» تا «بَغَيْرِ حِسَابٍ؛ بدون حساب».

مهج الدعوات عن أبي أمامة عن رسول الله صلى الله عليه وآله: إسمُ الله الأعظمُ الذي إذا دُعِيَ بِهِ أَجَابَ، في سُوْرٍ ثَلَاثٍ: في البَقْرَةِ وآلِ عِمْرَانَ، وطه. قَالَ أَبُو أَمَامَةَ: في البَقْرَةِ آيَةُ الكُرْسِيِّ، وفي آلِ عِمْرَانَ: «الم * اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» (1) وفي طه: «وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ» (2). (3)

المستدرک عن الصحيحين عن سعد بن مالك عن رسول الله صلى الله عليه وآله: هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى اسْمِ اللهِ الْأَعْظَمِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَابَ، وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ؟ الدَّعْوَةُ الَّتِي دَعَا بِهَا يُوْسُفُ، حَيْثُ نَادَاهُ فِي الظُّلُمَاتِ الثَّلَاثِ: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللهِ، هَلْ كَانَتْ لِيُوْسُفَ خَاصَّةً أَمْ لِلْمُؤْمِنِينَ عَامَّةً؟ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» (4). (5)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إسمُ الله الأعظمُ في سِتِّ آيَاتٍ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْحَشْرِ. (6)

كنز العمال عن البراء بن عازب: قُلْتُ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَسَأَلُكَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَّا خَصَّصْتَنِي بِأَعْظَمِ مَا خَصَّكَ بِهِ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاخْتَصَّهُ بِهِ جِبْرِيلُ، وَأَرْسَلَهُ بِهِ الرَّحْمَنُ، فَضَدَّ حِكْمَ ثَمَّ قَالَ يَا بَرَاءُ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَدْعُوَ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ بِاسْمِهِ الْأَعْظَمِ فَاقْرَأْ مِنْ أَوَّلِ سُورَةِ الْحَدِيدِ إِلَى آخِرِ سِتِّ آيَاتٍ مِنْهَا، إِلَى «... عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (7)، وَآخِرِ سُورَةِ الْحَشْرِ، يَعْنِي أَرْبَعَ آيَاتٍ، ثُمَّ ارْفَعْ يَدَيْكَ فَقُلْ: «يَا مَنْ هُوَ هَكَذَا، أَسَأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا مِمَّا تُرِيدُ»، فَوَاللهِ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ لَتَقْبَلَنَّ (8) بِحَاجَتِكَ إِنْ شَاءَ اللهُ. (9)

1- آل عمران: 1 و 2.

2- طه: 111.

3- مُهْجُ الدَّعَوَاتِ: ص 380، بحار الأنوار: ج 93 ص 224؛ سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1267 ح 3856، المستدرک علی الصحيحين: ج 1 ص 684 ح 1861 وليس فيه «الذي إذا دعى به أجاب»، المعجم الكبير: ج 8 ص 237 ح 7925، المعجم الأوسط: ج 8 ص 192 ح 8371 كلها عن أبي أمامة، كنز العمال: ج 1 ص 451 ح 1942.

4- الأنبياء: 87 و 88.

5- المستدرک علی الصحيحين: ج 1 ص 685 ح 1865، تفسير الطبري: ج 10 الجزء 17 ص 82 نحوه وكلاهما عن سعد بن مالك، كنز العمال: ج 1 ص 452 ح 1944.

6- مجمع البيان: ج 9 ص 401، مُهْجُ الدَّعَوَاتِ: ص 380 وليس فيه «سورة» وكلاهما عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج 93 ص 224؛ الفردوس: ج 1 ص 416 ح 1686 عن ابن عباس، كنز العمال: ج 1 ص 452 ح 1945.

7- الحديد: 6.

8- في الدر المنثور: «لَتَقْبَلَنَّ».

9- كنز العمال: ج 2 ص 248 ح 3941 نقلاً عن ابن النجار وص 250 ح 3945 نقلاً عن أبي علي عبد الرحمن بن محمد النيسابوري في فوائده نحوه، الدر المنثور: ج 8 ص 49 نقلاً عن ابن النجار في تاريخ بغداد؛ بحار الأنوار: ج 92 ص 309.

مهج الدعوات_ به نقل از ابو امامه _: پیامبر خدا فرمود: «اسم اعظم خدا که هر گاه با آن خوانده شود، جواب می دهد، در سه سوره بقره و آل عمران و طه است». ابو امامه گوید: در بقره، آیه الکرسی است، در آل عمران، «الم * اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ؛ الف _ لام _ میم . خداست که معبودی جز او نیست، زنده و برپادارنده است»، و در طه، «وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ؛ و چهره ها برای آن زنده برپادارنده، خضوع می کنند» .

المستدرک علی الصحیحین_ به نقل از سعد بن مالک _: پیامبر خدا فرمود: «آیا شما را به اسم اعظم خدا راهنمایی کنم؛ همان که هر گاه به آن خوانده شود، پاسخ می دهد و هر گاه به آن از او درخواست شود، عطا می کند؟ [همان] دعایی که یونس با آن دعا کرد، آن گاه که در تاریکی های سه گانه او را صدا زد: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ معبودی جز تو نیست . منزهی تو! من از ستمکاران بودم» .» . مردی گفت: ای پیامبر خدا! آیا این دعا اختصاص به یونس داشت، یا برای همه مؤمنان است؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا فرموده خداوند عز و جل را نمی شنوی که: «وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ؛ و او را از اندوه رهانیدیم و این چنین ما مؤمنان را می رهانیم»؟» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اسم اعظم خدا در شش آیه آخر سوره حشر است.

کنز العمّال_ به نقل از براء بن عازب _: به علی علیه السلام گفتم: ای امیر مؤمنان! به حق خدا و پیامبرش، از تو خواهش می کنم که بزرگ ترین چیزی را که پیامبر خدا به تو اختصاص داد و جبرئیل به او اختصاص داد و خداوند مهربان، او را به آن وسیله فرو فرستاد، به من نیز اختصاص دهی . امام علیه السلام خندید و سپس فرمود: «ای براء! هر گاه خواستی خداوند عز و جل را با اسم اعظمش بخوانی، از آغاز سوره حدید تا آخر آیه ششم آن، [یعنی] تا «... علیم بذات الصدور»، و چهار آیه آخر سوره حشر را بخوان . سپس دستانت را بلند کن و بگو: ای آن که چنین است! به حق این نام ها از تو درخواست می کنم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و فلان و بهمان خواسته مرا برآوری. به خدایی که معبودی جز او نیست، سوگند می خورم که به خواست خدا، با خواسته ات بر می گردی.»

الإمام الصادق عليه السلام: إسمُ اللهِ الأعظمُ مُقَطَّعٌ فِي أُمَّ الْكِتَابِ . (1)

عنه عليه السلام: «الـم» هُوَ حَرْفٌ مِنْ حُرُوفِ إِسْمِ اللهِ الأعظمِ المُقَطَّعِ فِي الْقُرْآنِ ، الَّذِي يُؤَلَّفُهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْإِمَامُ ، فَإِذَا دَعَا بِهِ أُجِيبَ . (2)

ج - نُصُوصٌ مِنَ الْأَدْعِيَةِ سَنَّ التِّرْمِذِيُّ عَنْ بَرِيدَةَ: سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلًا يَدْعُو وَهُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ . فَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ سَأَلَ اللهُ بِإِسْمِهِ الْأَعْظَمِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أُجَابَ ، وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ . (3)

-
- 1- . ثواب الأعمال : ص 130 ح 1 ، تفسير العياشي : ج 1 ص 19 ح 1 ، مُهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص 379 كُلِّهَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ الْبَطَّانِيِّ ، بحار الأنوار : ج 92 ص 234 ح 16 .
 - 2- . معاني الأخبار : ص 23 ح 2 ، تفسير القمّي : ج 1 ص 30 كلاهما عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج 2 ص 16 ح 38 .
 - 3- . سنن الترمذی : ج 5 ص 515 ح 3475 ، سنن أبي داوود : ج 2 ص 79 ح 1493 ، سنن ابن ماجة : ج 2 ص 1267 ح 3857 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 683 ح 1858 ، كنز العمّال : ج 1 ص 453 ح 1949؛ مُهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص 380 نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 224 .

ج - متونی از دعاها

امام صادق علیه السلام: اسم اعظم خدا در اُمّ الكتاب (سوره حمد) پراکنده است.

امام صادق علیه السلام: «الف - لام - میم»، حرفی از حروف اسم اعظم خداست که در قرآن، پراکنده است و پیامبر صلی الله علیه و آله و امام، آنها را با هم ترکیب می کنند و هر گاه با آن دعا کنند، دعایشان اجابت می شود.

ج - متونی از دعاهاسنن الترمذی - به نقل از بریده -: پیامبر صلی الله علیه و آله شنید فردی دعا می کند و می گوید: بار خدایا! به حقّ این که گواهی می دهم تویی خدای یکتا و معبودی جز تو نیست و یگانه بی نیازی که نه فرزند دارد و نه فرزند کسی است و هیچ کس همتای او نیست، از تو درخواست می کنم. فرمود: «سوگند به آن کسی که جانم در دست اوست، این مرد از خداوند به اسم اعظمش درخواست کرد؛ اسمی که هر گاه با آن خوانده شود، پاسخ می دهد و هر گاه با آن از او درخواست شود، عطا می کند».

مسند ابن حنبل عن أنس: كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسًا فِي الْحَلْقَةِ وَرَجُلٌ قَائِمٌ يُصَلِّي، فَلَمَّا رَكَعَ وَسَجَدَ فَتَشَهَّدَ ثُمَّ قَالَ فِي دُعَائِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ، يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، إِنِّي أَسْأَلُكَ. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَتَدْرُونَ بِمَا دَعَا اللَّهُ؟ قَالَ: فَقَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ دَعَا اللَّهُ بِاسْمِهِ الْأَعْظَمِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَابَ، وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ. (1)

الأدب المفرد عن أنس: كُنْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، دَعَا رَجُلٌ فَقَالَ: يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، إِنِّي أَسْأَلُكَ. فَقَالَ: أَتَدْرُونَ بِمَا دَعَا؟ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، دَعَا اللَّهُ بِاسْمِهِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَابَ. (2)

الإمام الحسين عن الإمام عليّ عليهما السلام: رَأَيْتُ الْخِضَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَنَامِ قَبْلَ بَدْرِ بَلِيلَةَ، فَقُلْتُ لَهُ: عَلَّمَنِي شَيْئًا أَنْصَرَّ بِهِ عَلَيَّ الْأَعْدَاءُ، فَقَالَ: قُلْ: «يَا هُوَ، يَا مَنْ لَا هُوَ إِلَّا هُوَ»، فَلَمَّا أَصْبَحْتُ قَصَصْتُهَا عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ لِي: يَا عَلِيُّ عَلَّمْتَ الْإِسْمَ الْأَعْظَمَ. فَكَانَ عَلِيُّ لِسَانِي يَوْمَ بَدْرِ. وَإِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَرَأَ: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، فَلَمَّا فَرَّغَ قَالَ: يَا هُوَ، يَا مَنْ لَا هُوَ إِلَّا هُوَ، اغْفِرْ لِي، وَأَنْصُرْ رَنِي عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. وَكَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ ذَلِكَ يَوْمَ صِفِّينَ وَهُوَ يُطَارِدُ، فَقَالَ لَهُ عَمَارُ بْنُ يَاسِرٍ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مَا هَذِهِ الْكِنَايَاتُ؟ قَالَ: إِسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ وَعِمَادُ التَّوْحِيدِ: اللَّهُ (3) لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ. ثُمَّ قَرَأَ: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» وَأَخْرَجَ الْحَشْرَ، ثُمَّ نَزَلَ فَصَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ قَبْلَ الزَّوَالِ. (4)

1- مسند ابن حنبل: ج 4 ص 488 ح 13571 و ص 316 ح 12611، سنن أبي داوود: ج 2 ص 79 ح 1495، سنن النسائي: ج 3 ص 52، صحيح ابن حبان: ج 3 ص 175 ح 893، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1268 ح 3858، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 683 ح 1856 و ح 1857، كنز العمه: ج 2 ص 250 ح 3944؛ الدعوات: ص 57 ح 144 عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 95 ص 163 ح 17.

2- الأدب المفرد: ص 211 ح 705.

3- في المصدر: «عماد التوحيد لله» والصواب ما أثبتناه كما في بحار الأنوار: ج 93 ص 232 ح 3.

4- التوحيد: ص 89 ح 2 عن وهب بن وهب القرشي عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 3 ص 222.

مسند ابن حنبل_ به نقل از انس_: با پیامبر خدا در مجلسی نشسته بودم و مردی ایستاده بود و نماز می خواند . پس از آن که رکوع و سجود کرد و تشهّدش را خواند ، در دعایش گفت : بار خدایا ! از تو درخواست می کنم ، به حقّ این [معنا] که ستایش ، ویژه توست [و] معبودی جز توی نعمت بخش نیست . ای پدیدآورنده آسمان ها و زمین ! ای باشکوه و ارج ! ای زنده ، ای پاینده ! از تو درخواست می کنم . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «آیا می دانید او خدا را به چه خواند؟». گفتند : خدا و پیامبر او بهتر می دانند . فرمود : «سوگند به آن که جانم در دست اوست ، او خدا را به بزرگ ترین نامش خواند ؛ همان که هر گاه با آن خوانده شود ، پاسخ می دهد و هر گاه با آن از او درخواست شود ، عطا می کند».

الأدب المفرد_ به نقل از انس_: من همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بودم که مردی دعا کرد و گفت : ای پدیدآورنده آسمان ها ، ای زنده ، ای پاینده ! من از تو درخواست می کنم . [پیامبر صلی الله علیه و آله] فرمود : «می دانید او با چه چیز دعا کرد؟ سوگند به آن که جانم در دست اوست ، این مرد خدا را با آن نامش خواند که هر گاه بدان خوانده شود ، پاسخ می دهد» .

امام حسین علیه السلام : [پدرم] علی علیه السلام فرمود : «یک شب قبل از [جنگ] بدر ، خضر علیه السلام را خواب دیدم و به او گفتم : چیزی به من بیاموز که با آن بر دشمنان ، نصرت داده شوم . گفت : بگو : یا هُوَ یا مَنْ لا هُوَ اِلَّا هُوَ ، ای او ! ای آن که او بی جز او نیست ! . چون صبح شد ، آن را برای پیامبر خدا باز گفتم . فرمود : ای علی ! اسم اعظم به تو آموخته شده است . در روز بدر ، پیوسته این جمله بر زبانم بود». نیز امیر مؤمنان ، «قل هو الله أحد» را خواند و چون آن را تمام کرد ، فرمود : «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ، ای او ! ای آن که او بی جز او نیست ! مرا پیامرز و بر گروه کافران ، پیروزم گردان». در روز صفین نیز ، در حالی که حمله می کرد ، این دعا را می خواند . عمّار بن یاسر به ایشان گفت : ای امیر مؤمنان ! این اشارات چیست؟ فرمود : «اسم اعظم خدا و ستون توحید است . خدا ، که معبودی جز او نیست» . سپس آیه : «شهد الله أنه لا إله إلا هو ؛ خدا ، خود ، گواهی می دهد که معبودی جز او نیست» و آخر حشر را قرائت کرد . آن گاه پیاده شد و چهار رکعت پیش از زوال خواند .

الإمام زين العابدين عليه السلام: كُنْتُ أَدْعُو اللَّهَ سُبْحَانَهُ سَنَةً عَقِيبَ كُلِّ صَلَاةٍ أَنْ يُعَلِّمَنِي الْإِسْمَ الْأَعْظَمَ، فَإِنِّي ذَاتَ يَوْمٍ قَدِ صَلَّيْتُ الْفَجْرَ، إِذْ غَلَبَتْنِي عَيْنَايَ وَأَنَا قَاعِدٌ، وَإِذَا أَنَا بِرَجُلٍ قَائِمٍ بَيْنَ يَدَيَّ يَقُولُ لِي: سَأَلْتَ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يُعَلِّمَكَ الْإِسْمَ الْأَعْظَمَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: قُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، اللَّهُ، اللَّهُ، اللَّهُ، اللَّهُ، اللَّهُ، الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ». قَالَ: فَوَلَّ اللَّهُ مَا دَعَوْتُ بِهَا لِسْتَيْءِ إِلَّا رَأَيْتُ نُجْحَهُ. (1)

الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» مِئَةَ مَرَّةٍ، كَانَ أَقْرَبَ إِلَى اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ مِنْ سَوَادِ الْعَيْنِ إِلَى بَيَاضِهَا، وَإِنَّهُ دَخَلَ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمِ. (2)

-
- 1- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 159 ح 2392، مهج الدعوات: ص 382 نحوه، بحار الأنوار: ج 61 ص 170 ح 27.
 2- مُهَجِ الدَّعَوَاتِ: ص 379 عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، بِحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 86 ص 162 ح 41.

د - كُلُّ اسْمٍ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ مُصْبِحٌ الشَّرِيعَةِ - فِيمَا نَسَبَهُ إِلَى الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - : سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ قَالَ : كُلُّ اسْمٍ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ ، فَفَرَّغَ قَلْبَكَ عَنْ كُلِّ مَا سِوَاهُ ، وَادْعُهُ بِأَيِّ اسْمٍ شِئْتُمْ ، فَلَيْسَ فِي الْحَقِيقَةِ لِلَّهِ اسْمٌ دُونَ اسْمِ بَلْ هُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّازُ . (1)

6 / 2 مَنْ كَانَ عِنْدَهُ الْإِسْمُ الْأَعْظَمُ الْكِتَابُ «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ بِنَاءِ اتِّبَاعِكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَءَاهُ مُسْتَقْبِرًا عِنْدَهُ قَالَ يَا مَعْزُومُ إِنَّهُ اسْمٌ كَبِيرٌ وَكَرِيمٌ» . (2)

الحديث بالإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اسْمَ اللَّهِ الْأَعْظَمَ عَلَى ثَلَاثَةِ وَسَبْعِينَ حَرْفًا ، وَإِنَّمَا كَانَ عِنْدَ أَصْفَ مِنْهَا حَرْفٌ وَاحِدٌ ، فَتَكَلَّمَ بِهِ ، فَخُسِفَ بِالْأَرْضِ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ سَدْرِيْرِ بَلْقَيْسَ ، حَتَّى تَنَاوَلَ السَّرِيرَ بِيَدِهِ ، ثُمَّ عَادَتِ الْأَرْضُ كَمَا كَانَتْ أَسْرَعَ مِنْ طَرْفَةِ عَيْنٍ ، وَنَحْنُ عِنْدَنَا مِنَ الْإِسْمِ الْأَعْظَمِ اثْنَانِ وَسَبْعُونَ حَرْفًا ، وَحَرْفٌ وَاحِدٌ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى ، اسْتَأْثَرَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَهُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . (3)

1- . مصباح الشريعة : ص 129 .

2- . النمل : 40 .

3- . الكافي : ج 1 ص 230 ح 1 عن جابر وح 3 عن علي بن محمد النوفلي عن الإمام العسكري عليه السلام ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ص 47 عن الإمام علي عليه السلام وكلاهما نحوه ، بصائر الدرجات : ص 208 ح 1 وص 209 ح 6 وكلاهما عن جابر ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 406 عن علي بن محمد النوفلي عن الإمام الهادي عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 14 ص 113 ح 5 .

د _ هر نامی از نام های خدا

6 / 2 کسانی که اسم اعظم را می دانسته اند

د _ هر نامی از نام های خدامصباح الشریعة_ در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده است _: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره اسم اعظم خدا سؤال شد . فرمود : «هر نامی از نام های خدا [، اسم اعظم است] . پس ، قلبت را از هر آنچه جز اوست ، خالی گردان و به هر نامی که خواستی ، او را بخوان ؛ چرا که در حقیقت ، خداوند ، نام خاصی ندارد ؛ بلکه اوست یگانه چیره».

6 / 2 کسانی که اسم اعظم را می دانسته اندقرآن«کسی که نزد او دانشی از کتاب [الهی] بود ، گفت : «من آن را پیش از آن که چشم خود را بر هم زنی ، برایت می آورم» . پس ، [سلیمان] چون آن را نزد خود مستقر دید ، گفت : این از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که آیا سپاس گزارم ، یا ناسپاسی می کنم . و هر کس سپاس گزارد ، تنها به سود خویش سپاس می گزارد و هر کس ناسپاسی کند ، بی گمان ، پروردگارم بی نیاز و کریم است» .

حدیثامام باقر علیه السلام : اسم اعظم خدا ، هفتاد و سه حرف است و نزد آصف ، تنها یک حرف آن بود . او آن را به زبان آورد و زمین حدّ فاصل او و تخت بلقیس ، فرورفت و او تخت را با دستش برداشت . سپس زمین به حال نخست بازگشت و این عمل ، در کمتر از چشم بر هم زدن صورت گرفت . و در نزد ما هفتاد و دو حرف از اسم اعظم وجود دارد ، و یک حرف آن هم نزد خدای متعال است و آن را در علم غیب ، به خودش اختصاص داده است ، و هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خداوند بلندمرتبه و بزرگ .

الإمام الصادق عليه السلام: كان سليمانُ عندهُ اسمُ اللهِ الأكبرِ، الذي إذا سألَهُ أعطى، وإذا دعا به أجاب، ولو كان اليومَ لاحتاجَ إلينا. (1)

عنه عليه السلام: سلمانُ علّمَ الاسمَ الأعظمَ. (2)

بصائر الدرجات عن عبد الله بن بكير عن أبي عبد الله عليه السلام: كُنْتُ عندهُ فذَكَرُوا سُلَيْمَانَ وما أُعْطِيَ مِنَ الْعِلْمِ وما أُوتِيَ مِنَ الْمُلْكِ، فَقَالَ لِي: وما أُعْطِيَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُودَ؟ إِنَّمَا كَانَ عِنْدَهُ حَرْفٌ وَاحِدٌ مِنَ الْإِسْمِ الْأَعْظَمِ، وَصَاحِبِكُمْ الَّذِي قَالَ اللَّهُ: «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (3) وكان واللهِ عندَ عليٍّ عليه السلامِ عِلْمُ الْكِتَابِ، فَقُلْتُ: صَدَقْتَ وَاللَّهِ جُعِلَتْ فِدَاكَ! (4)

الإمام الصادق عليه السلام: إن عيسى بن مريم عليه السلام أعطى حرفين وكان يعمل بهما، وأعطى موسى أربعة أحرف، وأعطى إبراهيم ثمانية أحرف، وأعطى نوح خمسة عشر حرفاً، وأعطى آدم خمسة وعشرين حرفاً، وإن الله تعالى جمع ذلك كله لمحمد صلى الله عليه وآله، وإن اسم الله الأعظم ثلاثة وسبعون حرفاً، أعطى محمداً صلى الله عليه وآله اثنين وسبعين حرفاً، وحجب عنه حرف واحد. (5)

عنه عليه السلام: إن الله - سبحانه وتعالى - جعل اسمه الأعظم على ثلاثة وسبعين حرفاً، فأعطى آدم منها خمسة وعشرين حرفاً، وأعطى نوحاً منها خمسة عشر حرفاً، وأعطى إبراهيم منها ثمانية أحرف، وأعطى موسى منها أربعة أحرف، وأعطى عيسى منها حرفين، وكان يحيى بهما الموتى، ويبرئ الأكمه والأبرص، وأعطى محمداً صلى الله عليه وآله اثنين وسبعين حرفاً، واحتجب بحرف؛ لئلا يعلم أحد ما في نفسه، ويعلم ما في أنفس العباد. (6)

- 1- بصائر الدرجات: ص 211 ح 2، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 249 وفيه «سأل به» بدل «سأله» وكلاهما عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج 27 ص 27 ح 7.
- 2- رجال الكشي: ج 1 ص 56 ح 29، الاختصاص: ص 11 كلاهما عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج 22 ص 346 ح 59.
- 3- الرعد: 43.
- 4- بصائر الدرجات: ص 212 ح 1، بحار الأنوار: ج 26 ص 170 ح 36.
- 5- الكافي: ج 1 ص 230 ح 2، بصائر الدرجات: ص 208 ح 2 بزيادة «وأهل بيته» بعد «لمحمد» وص 209 ح 4 عن عبد الصمد بن بشير، تفسير العياشي: ج 1 ص 352 ح 231 عن عبد الله بن بشير وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 27 ص 25 ح 2.
- 6- مختصر بصائر الدرجات: ص 125، بصائر الدرجات: ص 208 ح 3، بحار الأنوار: ج 4 ص 211 ح 5.

امام صادق علیه السلام: سلیمان، نام اکبر خدا را می دانست؛ همان که هر گاه با آن از خدا درخواست می کرد، به او عطا می فرمود و هر گاه با آن می خواندش، پاسخ می داد. با این حال، اگر او امروز می بود، به ما نیاز داشت.

امام صادق علیه السلام: به سلمان، اسم اعظم آموخته شده بود.

بصائر الدرجات_ به نقل از عبد الله بن بکیر_: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که حاضران، از سلیمان و علم و سلطنتی که به او داده شده بود، سخن به میان آوردند. امام علیه السلام به من فرمود: «مگر به سلیمان بن داوود چه داده شده بود؟ او فقط یک حرف از اسم اعظم را می دانست؛ اما امام شما، کسی است که خداوند [در حق او] فرمود: «بگو: کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است، میان من و شما گواه باشد». به خدا سوگند، علم کتاب، نزد علی بود». گفتم: به خدا که راست فرمودی، فدایت شوم!

امام صادق علیه السلام: به عیسی بن مریم، دو حرف داده شد که با آنها کار می کرد، و به موسی چهار حرف، و به ابراهیم هشت حرف، و به نوح پانزده حرف، و به آدم، بیست و پنج حرف داده شد، و خداوند متعال همه این حروف را یک جا به محمد صلی الله علیه و آله داد. اسم اعظم خدا، هفتاد و سه حرف است. هفتاد و دو حرف آن را به محمد صلی الله علیه و آله داد و یک حرف از او پنهان نگه داشته شد.

امام صادق علیه السلام: خداوند پاک و بلند مرتبه، نام اعظم خود را هفتاد و سه حرف قرار داد. بیست و پنج حرف از آن را به آدم داد، پانزده حرفش را به نوح، هشت حرفش را به ابراهیم، چهار حرفش را به موسی، و دو حرفش را به عیسی که با آن دو حرف، مرده را زنده می کرد و کور مادرزاد و سپس را شفا می داد. و به محمد صلی الله علیه و آله هفتاد و دو حرف داد و یک حرف را از او پنهان داشت، برای این که کسی نداند که در ذات خدا چه هست و خدا بداند که در جان بندگان چه می گذرد.

الإمام الرضا عليه السلام: أُعْطِيَ بَلَعَمُ بْنُ بَاعُورًا الْإِسْمَ الْأَعْظَمَ ، فَكَانَ يَدْعُو بِهِ فَيَسْتَجَابُ لَهُ . (1)

راجع : أهل البيت في الكتاب والسنة : القسم الرابع / الفصل الثاني : أبواب علومهم / اسم الله الأعظم . موسوعة العقائد الإسلامية : القسم الثالث / الفصل الثاني : أصناف أسماء الله / الأسماء التكوينية .

1- . تفسير القمّي : ج 1 ص 248 عن الحسين بن خالد ، بحار الأنوار : ج 13 ص 377 ح 1 .

امام رضا علیه السلام: به بلعم بن باعورا اسم اعظم داده شده بود . او با آن دعا می کرد و دعایش مستجاب می شد.

ر . ک : اهل بیت علیهم السلام در قرآن و حدیث : بخش پنجم / فصل دوم : درهای علوم اهل بیت / نام اعظم خدا . دانش نامه عقاید اسلامی : بخش سوم / فصل دوم : گونه های نام های خدا / نام های تکوینی .

تحقیقی در باره معنای اسم اعظم و استجابت دعاء با آن

تحقیقی در باره معنای اسم اعظم و استجابت دعاء با آنموضوع اسم اعظم خداوند عز و جل ، در احادیث اسلامی، بویژه در ادعیه، بسیار تکرار شده و این نکته نیز آمده است که هر کس خدا را با آن نام بخواند، دعایش مستجاب می شود و اهل بیت علیهم السلامین نام (بجز یک حرف از آن) را می دانند . اما آن نام چیست؟ همان طور که ملاحظه شد، احادیث، در این باره ، مختلف اند و نمی توان پاسخ قاطعی بر پایه احادیث اسلامی، به این سؤال داد ؛ لیکن می توان گفت که به فرض صحّت این احادیث، اسم اعظمی که نزد انبیای الهی و اهل بیت علیهم السلام بوده ، با توجه به خصوصیتی که برای آن ذکر شده ، بی تردید، چیزی غیر از الفاظی است که در احادیث مذکور آمده است. نبودن دلیل قاطعی بر مراد از اسم اعظم، موجب شده است که دیدگاه های مختلفی درباره آن ارائه گردد ، تا آن جا که سیوطی، بیست قول را در این زمینه نقل کرده است . گروهی مانند ابو جعفر طبری و ابو الحسن اشعری و ابو حاتم ابن حیان و باقلانی ، بر این باورند که همه اسمای الهی (یعنی صفات خداوند عزوجل)، بزرگ هستند و اسمی که بزرگ تر از اسمای دیگر باشد، وجود ندارد .

بهترین تحقیق در تبیین اسم اعظم

برخی می گویند: اسم اعظم، وجود دارد؛ اما کسی جز خداوند متعال، از آن آگاهی ندارد. برخی می گویند: اسم اعظم خدا، در میان اسمای حُسنای پنهان است. برخی می گویند: اسم اعظم، هر اسمی است که بنده، پروردگار خود را با همه وجود، به آن بخواند. (1) برخی گفته اند: اسم اعظم، نامی است که جامع همه نام های الهی باشد. (2) برخی گفته اند: انبیا، تجلی نام های اصلی حق هستند و این نام های اصلی، همگی داخل در اسم اعظم (اسم جامع) و مظهر حقیقت محمدی اند. (3) باری، اختلاف نظر در تبیین آنچه حقیقتش حتی برای محققان مشخص نیست، طبیعی است؛ ولی از آن جا که دیدگاه های مختلف را در این زمینه مطالعه کرده ایم، کلام علامه طباطبایی را در تبیین اسم اعظم، بهترین تحقیق یافته ایم.

بهترین تحقیق در تبیین اسم اعظم علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله در پاسخ این سؤال که: «معنای اسم اعظم چیست؟» می گوید: «در میان مردم، شایع شده که اسم اعظم، اسمی است لفظی، از اسمای خدای متعال، که اگر خدا را به آن بخوانند، دعا مستجاب می شود و در هیچ مقصدی، از تأثیر باز نمی ماند، و چون در میان اسمای حسنای خدا به چنین اسمی دست نیافته اند و در لفظ جلاله (الله) نیز چنین اثری ندیده اند، معتقد

-
- 1- برای اطلاع بیشتر درباره سایر اقوال، ر. ک: الحاوی، سیوطی: ج 2 ص 135 ح 139.
 - 2- التعریفات: ص 10 _ 11.
 - 3- شرح فصوص الحکم، قیصری: ص 108.

شده اند که اسم اعظم، مرکب از حروفی است که آن حروف و نحوه ترکیب آنها را هر کسی نمی داند، و اگر کسی به آن دست بیابد، همه موجودات، در برابرش خاضع می شوند و به فرمانش در می آیند. به نظر افسونگران و دعانویسان [که به علوم غریبه معتقدند]، اسم اعظم، دارای لفظی است که به حسب طبع دلالت بر آن می کند، نه به حسب وضع لغوی. چیزی که هست، ترکیب حروف آن، به حسب اختلاف حوایج و مقاصد، مختلف می شود و برای به دست آوردن آن، راه های مخصوصی هست، که نخست، حروف آن را از آن راه ها به دست می آورند و سپس آنها را در هم می آمیزند و با آنها دعا می کنند، و تفصیل آن، محتاج به مراجعه به آن فن است. در بعضی روایات نیز اندک اشعاری به این معنا هست، مثل آن روایتی که می گوید: «بسم الله الرحمن الرحیم، نسبت به اسم اعظم، نزدیک تر است از سفیدی چشم به سیاهی آن» و آن روایتی که می گوید: «اسم اعظم، در آیه الکرسی و اول سوره آل عمران است» و نیز روایتی که می گوید: «حروف اسم اعظم، در سوره حمد پراکنده اند و امام، آن حروف را می شناسد و هر وقت بخواهد، آنها را ترکیب می کند و با آنها دعا می کند و در نتیجه، دعایش مستجاب می شود» و نیز این روایت که: «آصف بن برخیا، وزیر سلیمان، با حروفی از اسم اعظم که پیشش بود، دعا کرد و توانست تخت بلقیس، ملکه سبأ را در مدتی کمتر از چشم بر هم زدن، نزد سلیمان حاضر سازد» و یا این روایت که: «اسم اعظم، مرکب از 73 حرف است و خداوند، 72 حرف از این حروف را در میان پیامبرانش تقسیم کرده، و یکی را در علم غیب، به خودش اختصاص داده است». همچنین، روایات دیگری هستند که اشعار دارند بر این که اسم اعظم، مرکب

لفظی است؛ ولی بحث حقیقی درباره علت و معلول و خواص آن، همه این سخنان را نفی می کند؛ زیرا تأثیر حقیقی، به وجود اشیا و قوت و ضعف وجود آنها و سنخیت بین مؤثر و متأثر بستگی دارد و اسم لفظی، صرفاً از نظر لفظ آن، چیزی جز مجموعه ای از صوت های شنیدنی نیست و شنیدنی ها، از کیفیات عرضی هستند و اگر از جهت معنای متصورش اعتبار شود، صورتی است ذهنی که به خودی خود، هیچ اثری در هیچ موجودی ندارد، و مُحال است صوتی که ما آن را از حنجره خود خارج می کنیم و یا صورت خیالی ای که ما آن را در ذهن خود تصور می نماییم، آن گونه باشد که به وجود خود، وجود هر چیزی را مقهور سازد و در آنچه ما میل داریم، به دلخواه ما تصرف کند، مثلاً آسمان را زمین و زمین را آسمان کند، دنیا را آخرت و آخرت را دنیا کند و کارهایی از این دست. حال آن که خود آن صورت، معلول اراده ماست. افزون بر این، اسمای الهی و مخصوصاً اسم اعظم او، هر چند در عالم، مؤثر باشند و اسباب و وسایطی برای نزول فیض از ذات خدای متعال در این عالم مشهود بوده باشند، این تأثیرشان به خاطر حقایقشان است، نه الفاظی که در فلان گویش، دلالت بر فلان معنا دارند، و نه حتی به خاطر معانی شان _ که از الفاظ، فهمیده می شوند و در ذهن، تصور می شوند نیز نیست؛ بلکه معنای این تأثیر، این است که خدای متعال _ که پدیدآورنده هر چیزی است _ هر چیزی را با یکی از صفات کریمش پدید می آورد که مناسب آن چیز و در قالب اسمی است، نه این که لفظ خشک و خالی اسم و یا معنای آن و یا حقیقت دیگری غیر از ذات متعالی خداوندی، چنین تأثیری داشته باشد. چیزی که هست، خدای متعال، وعده داده است که دعای دعا کننده را اجابت

می کند و فرموده است: «أَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَا»؛ (1) دعای دعا کننده را اجابت می کنم، آن گاه که مرا بخواند» و این اجابت، موکول به دعا و طلب حقیقی و جدی است و نیز همان طور که در تفسیر این آیه گذشت _ موقوف بر این است که درخواست، از خود خدا شود و نه از دیگری. آری، کسی که دست از تمامی وسائل و اسباب بردارد و برای یکی از حوایجش، به پروردگارش متصل شود، در حقیقت متصل به حقیقت آن اسمی شده است که با حاجتش تناسب دارد و در نتیجه، آن اسم نیز با حقیقتش تأثیر می کند و دعای او مستجاب می شود. این است حقیقت «خدا را به نام هایش خواندن» و به همین جهت، خصوصیت و عمومیت تأثیر، به حال آن اسمی بستگی دارد که حاجتمند، به آن، تمسک جسته است. پس اگر این اسم، اسم اعظم باشد، تمامی اشیا، در برابر حقیقت آن اسم، رام می شوند و دعای کسی که با آن اسم دعا کرده، بی هیچ قید و شرطی مستجاب می شود. بنا بر این، روایات و ادعیه این باب را باید بر این معنا حمل کرد و نه بر اسم لفظی یا مفهوم آن. و این که در روایت آمده است که خداوند، اسمی از اسمای خود و یا چیزی از اسم اعظم خود را به یکی از پیغمبران یا بندگانش آموخته، معنایش این است که راه انقطاع به سوی خود را به وی آموخته است، بدین گونه که اسم خداوندی مناسب با دعا و درخواست او را بر زبانش جاری ساخته است. پس اگر واقعا اسم لفظی ای در کار باشد و معنای روشنی هم داشته باشد، باز هم تأثیر آن دعا، از این باب است که الفاظ و معانی، وسایل و اسبابی هستند که به نحوی، حقایق را حفظ می کنند. پس دقت فرمایید». (2)

1- بقره: آیه 186.

2- المیزان فی تفسیر القرآن: ج 8 ص 354_ 356.

الباب السابع : من تستجاب دعوته 7 / 1 الأنبياء الكتاب «وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوهُ عَنِ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ * قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ » . (1)

«قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ * فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ » . (2)

«وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِن قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ » . (3)

«وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِن ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ » . (4)

«وَذَا النُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغْرِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنجِي الْمُؤْمِنِينَ » . (5)

1- يونس : 88 و 89 .

2- يوسف : 33 و 34 . وصبا إلى الشيء يصبو : إذا مال ، ومنه الحديث : «وشابُّ ليست له صبوة» أي مائل إلى الهوى (النهاية : ج 3 ص 10 _ 11 «صبا»).

3- الأنبياء : 76 .

4- الأنبياء : 83 و 84 .

5- الأنبياء : 87 و 88 .

باب هفتم : کسانی که دعایشان مستجاب می شود

1 / 7 پیامبران

باب هفتم : کسانی که دعایشان مستجاب می شود 1 / 7 پیامبرانقرآن «و موسی گفت : پروردگارا! تو به فرعون و اشرافش در زندگی دنیا زیور و اموال داده ای. پروردگارا! آنان بدین وسیله [خَلَقَ را] از راه تو گم راه می کنند . پروردگارا! اموالشان را نابود کن و دل هایشان را سخت گردان که ایمان نمی آورند تا عذاب دردناک را ببینند . فرمود : «دعای هر دوی شما پذیرفته شد . پس ایستادگی کنید و راه کسانی را که نمی دانند ، پیروی مکنید» .

«گفت : پروردگارا! زندان در نزد من ، خوش تر از آن چیزی است که [همسر عزیز مصر] مرا به آن می خواند و اگر نیرنگ آنان (زنان) را از من نگردانی ، به سوی ایشان خواهم گرایید و از جمله نادانان خواهم شد . پس ، پروردگارش دعای او را اجابت کرد و نیرنگ زنان را از او بگردانید . آری ، او شنوای داناست» .

«و نوح را [یاد کن ،] آن گاه که پیش تر [از ابراهیم و لوط] ندا کرد و ما او را اجابت کردیم و او و خانواده اش را از اندوه بزرگ رهانیدیم» .

«و ایوب را [یاد کن ،] آن گاه که پروردگارش را ندا داد که : «به من آسیب رسیده است و تو مهربان ترین مهربانانی» . پس ، او را اجابت کردیم و آسیب او را زدودیم و کسان او را و مانند آنها را همراه با آنان [مجددا] به وی عطا کردیم تا رحمتی از جانب ما و عبرتی برای عبادت کنندگان باشد» .

«و ذوالنون را [یاد کن ،] آن گاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او سخت نمی گیریم . پس در دل تاریکی ها ندا در داد که : «معبودی جز تو نیست . منزهی تو! راستی که من از ستمکاران بودم» . پس ، دعای او را مستجاب کردیم و او را از اندوه رهانیدیم و این چنین ما مؤمنان را می رهانیم» .

«رَبِّ نَجِيٍّ وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ* فَنجَيْنَهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ» . (1)

«وَرَكْرَبًا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ* فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْـرِعُونَ فِي الْخَيْرِ
تِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خـشيعِينَ» . (2)

«قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّزُقِينَ* قَالَ اللَّهُ إِنَّي
مُنزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدَ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعـَلَمِينَ» . (3)

«وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ» . (4)

الحديث المستدرک علی الصحیحین عن أنس بن مالک: إنَّ أبَا طَالِبٍ مَرِضٌ فَتَقَلَّ ، فَعَادَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقَالَ : يَا بَنَ أَخِي أَدْعُ
رَبِّكَ الَّذِي بَعَثَكَ أَنْ يُعَافِيَنِي . فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اللَّهُمَّ اشْفِ عَمِّي ، فَقَامَ (5) كَأَنَّمَا نَشِطُ مِنْ عِقَالٍ . فَقَالَ أَبُو طَالِبٍ : إِنَّ رَبِّكَ
بَعَثَكَ لِيُطِيعَكَ؟! قَالَ : وَأَنْتَ _ يَا عَمَّ _ إِنْ أَطَعْتَ اللَّهَ لِيُطِيعَنَّكَ . (6)

1- الشعراء : 169 و 170 .

2- الأنبياء : 89 و 90 وراجع آل عمران : 38 .

3- المائدة : 114 و 115 .

4- الصافات : 75 .

5- في المصدر : «فقال» ، وما أثبتناه من باقي المصادر .

6- المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 727 ح 1991 ، المعجم الأوسط : ج 4 ص 200 ح 3973 ، تاريخ بغداد : ج 8 ص 377 ح 4479 ، دلائل النبوة للبيهقي : ج 6 ص 184 كلها نحوه؛ المناقب لابن شهر آشوب : ج 1 ص 83 ، الخرائج والجرائح : ج 1 ص 49 ح 67 وفيهما إلى «نشط من عقال» ، بحار الأنوار : ج 18 ص 9 ح 16 .

«پروردگارا! مرا و کسانم را از آنچه انجام می دهند، برهان. پس، او و کسانش، همگی را رهانیدیم».

«و زکریا را [یاد کن،] آن گاه که پروردگارش را ندا داد: «پروردگارا! مرا تنها مگذار و تو بهترین ارث برندگان» . پس، دعای او را اجابت نمودیم و یحیی را بدو بخشیدیم و همسرش را برای وی شایسته [و آماده حمل] ساختیم؛ زیرا آنان در کارهای نیک شتاب می کردند و ما را به امید و بیم می خواندند و در برابر ما خاشع بودند».

«عیسی بن مریم گفت: بار الها! ای پروردگار ما! از آسمان، خوانی بر ما فرو فرست تا که عیدی برای اوّل و آخر ما باشد و نشانه ای از جانب تو، و ما را روزی ده، که تو بهترین روزی دهندگانی. خدا گفت: «من آن را بر شما فرو خواهم فرستاد؛ اما پس از آن، هر کس از شما کفر ورزد، وی را چنان عذابی می کنم که هیچ یک از جهانیان را چنان عذاب نکرده باشم»».

«و نوح، ما را ندا داد و چه نیک، اجابت کننده بودیم!».

حدیثالمستدرک علی الصحیحین_ به نقل از انس بن مالک_: ابو طالب بیمار شد و بیماری اش شدّت گرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله به عیادتش رفت. او گفت: پسر برادرم! از پروردگارت که تو را فرستاده است، بخواه مرا بهبود بخشد. پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «بار الها!» عمویم را شفا بخش. ابو طالب در دم برخاست، چنان که گویی از بند آزاد شد، و گفت: پروردگارت تو را فرستاده که از تو اطاعت کند؟! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «عموجان! تو هم اگر از خدا اطاعتی کنی، او از تو اطاعت می کند».

صحيح البخارى عن إسحاق بن عبد الله عن أنس بن مالك: أصابت النَّاسَ سَنَةٌ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَبَيْنَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَخْطُبُ فِي يَوْمِ جُمُعَةٍ، قَامَ أَعْرَابِيٌّ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَلَكَ الْمَالُ، وَجَاعَ الْعِبَالُ، فَادْعُ اللَّهَ لَنَا، فَرَفَعَ يَدَيْهِ - وَمَا نَرَى فِي السَّمَاءِ قَزَعَةً (1) - فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، مَا وَضَعَهَا حَتَّى نَارَ السَّحَابِ أَمْثَالَ الْجِبَالِ، ثُمَّ لَمْ يَنْزِلْ عَنْ مَنبَرِهِ حَتَّى رَأَيْتُ الْمَطَرَ يَتَحَادَرُ عَلَى لِحْيَتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَمَطَرْنَا يَوْمَنَا ذَلِكَ، وَمِنَ الْعَدِ، وَبَعْدَ الْعَدِ، وَالَّذِي يَلِيهِ، حَتَّى الْجُمُعَةَ الْآخَرَى. وَقَامَ ذَلِكَ الْأَعْرَابِيُّ - أَوْ قَالَ غَيْرُهُ - فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ تَهَدَّمُ الْبِنَاءُ، وَغَرِقَ الْمَالُ، فَادْعُ اللَّهَ لَنَا، فَرَفَعَ يَدَيْهِ فَقَالَ: اللَّهُمَّ حَوَالَيْنَا وَلَا عَلَيْنَا، فَمَا يُشِيرُ بِيَدِهِ إِلَى نَاحِيَةٍ مِنَ السَّحَابِ إِلَّا انْفَرَجَتْ، وَصَارَتْ الْمَدِينَةُ مِثْلَ الْجَوْبَةِ (2) وَسَالَ الْوَادِي قَنَاةَ شَهْرًا، وَلَمْ يَجِئْ أَحَدٌ مِنْ نَاحِيَةِ إِلَّا حَدَّثَ بِالْجُودِ. (3)

الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: دَخَلْتُ السُّوقَ فَابْتَعْتُ لِحْمًا بِدِرْهَمٍ، وَذُرَّةً بِدِرْهَمٍ، فَأَتَيْتُ بِهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، حَتَّى إِذَا فَرَعَتْ مِنَ الْخَبِزِ وَالطَّبِيخِ قَالَتْ: لَوْ دَعَوْتُ أَبِي. فَأَتَيْتُهُ وَهُوَ مُضْطَجِعٌ، وَهُوَ يَقُولُ: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْجُوعِ» صَدَّجِيْعًا. فَقُلْتُ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ عِنْدَنَا طَعَامًا، فَقَامَ وَاتَّكَأَ عَلَيَّ، وَمَضَّ بَيْنَا نَحْوَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، فَلَمَّا دَخَلْنَا: قَالَ: هَلُمَّ طَعَامَكَ يَا فَاطِمَةُ، فَقَدَّمْتُ إِلَيْهِ الْبُرْمَةَ (4) وَالْقُرْصَ، فَغَطَّى الْقُرْصَ وَقَالَ: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي طَعَامِنَا. ثُمَّ قَالَ: اِغْرِفِي لِعَائِشَةَ فَعَرَفَتْ، ثُمَّ قَالَ: اِغْرِفِي لِأُمِّ سَلَمَةَ فَعَرَفَتْ، فَمَا زَالَتْ تَعْرِفُ حَتَّى وَجَّهَتْ إِلَى نِسَائِهِ التَّسْعَ قُرْصَةً قُرْصَةً وَمَرَقًا. ثُمَّ قَالَ: اِغْرِفِي لِأَبِيكَ وَبِعَلِّكَ. ثُمَّ قَالَ: اِغْرِفِي وَكُلِّي وَأَهْدِي لِجَارَاتِكَ. فَفَعَلْتُ، وَبَقِيَ عِنْدَهُمْ أَيَّامًا يَأْكُلُونَ. (5)

- 1- أي قطعة من الغيم (النهاية: ج 4 ص 59 «قزع»).
- 2- الجوبة: هي الحفرة المستديرة الواسعة؛ أي حتى صار الغيم والسحاب محيطًا بأفاق المدينة (النهاية: ج 1 ص 310 «جوب»).
- 3- صحيح البخارى: ج 1 ص 315 ح 891 و ص 349 ح 986، سنن النسائي: ج 3 ص 166، صحيح مسلم: ج 2 ص 614 ح 9 نحوه؛ دلائل النبوة لأبي نعيم: ص 448 ح 370؛ الخرائج والجرائح: ج 1 ص 58 ح 99 نحوه، بحار الأنوار: ج 18 ص 14 ح 38.
- 4- البرمة: القدرُ مُطلقًا، وجمعها برام، وهي في الأصل المُتَّخِذَةُ مِنَ الْحَجَرِ الْمَعْرُوفِ بِالْحِجَازِ وَالْيَمَنِ (النهاية: ج 1 ص 121 «برم»).
- 5- قرب الإسناد: ص 325 ح 1228 عن معمر عن الإمام الرضا عليه السلام، الخرائج والجرائح: ج 1 ص 108 ح 179، بحار الأنوار: ج 18 ص 30 ح 20.

صحیح البخاری_ به نقل از اسحاق بن عبد الله، از انس بن مالک_: در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، مردم دچار خشک سالی شدند. یکی از روزهای جمعه که پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول خواندن خطبه بود، باده نشینی برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! دار و ندارمان از بین رفت و زن و فرزندانمان گرسنه اند. برایمان دعا کن. پیامبر صلی الله علیه و آله دستانش را به آسمان برداشت، در حالی که یک تکه ابر هم در آسمان مشاهده نمی شد. سوگند به آن که جانم در دست اوست، هنوز دستانش را نینداخته بود که ابرهای کوه آسا پیدا شدند و از منبرش پایین نیامده بود که دیدم باران از محاسن او می چکد، و آن روز و فردا و پس فردا و پسین فردایش تا جمعه دیگر، باران بارید. آن باده نشین یا باده نشین دیگری برخاست (1) و گفت: ای پیامبر خدا! خانه ها خراب شد و سیل، اموال ما را برد. برایمان دعا کن. پیامبر صلی الله علیه و آله دستانش را بلند کرد و گفت: «بار الها! پیرامون ما، نه بر سر ما!» (2) و ابرهای هر طرف که با دستش به آنها اشاره می کرد، از هم پراکنده می شدند. و مدینه چونان حفره (3) شد و تا یک ماه، آب در وادی، جاری بود و هر کس از هر سوی می آمد، از بارندگی فراوان سخن می گفت.

امام کاظم علیه السلام: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «به بازار رفتم و درهمی گوشت و درهمی ذرت خریدم و برای فاطمه آوردم. او وقتی نان ها را پخت و گوشت را طبخ کرد، گفت: کاش پدرم را هم دعوت کنی! من نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم. دیدم دراز کشیده است و می گوید: پناه می برم به خدا از گرسنه خوانیدن. گفتم: ای پیامبر خدا! ما غذایی تهیه کرده ایم. برخاست و به من تکیه داد و با هم به سوی فاطمه علیها السلام رفتیم. وارد که شدیم، فرمود: غذایت را بیاور، ای فاطمه! فاطمه، دیزی و نان ها را آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله روی نان ها را پوشاند و گفت: بار خدایا! به غذای ما برکت عطا کن. سپس فرمود: مقداری برای عایشه بکش. فاطمه کشید. باز فرمود: برای ام سلمه هم بکش و فاطمه کشید، و برای هر نه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، یک قرص نان و ملاقه ای آب گوشت کشید و فرستاد. پیامبر صلی الله علیه و آله سپس فرمود: برای پدرت و شوهرت هم بکش. آن گاه فرمود: غذا بکش و بخور و به همسایگان هم اهدا کن و فاطمه چنان کرد. با این حال، چندان از آن غذا باقی ماند که چند روز می خوردند.

1- تردید، از اسحاق بن عبد الله است.

2- یعنی در بیابان های اطراف که محلّ رویش گیاهان است، بیارد، نه بر سر ما و خانه های ما.

3- مراد، این است که ابرها به پیرامون مدینه پراکندند و گرداگرد آن حلقه زدند (النهاية: ج 1 ص 310 «جوب»).

المستدرک عن سهل بن حنيف عن عثمان بن حنيف: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَاءَهُ رَجُلٌ ضَرِيرٌ فَشَكَا إِلَيْهِ ذَهَابَ بَصَرِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَيْسَ لِي قَائِدٌ وَقَدْ شَقَّ عَلَيَّ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ائْتِ الْمِيضَةَ فَتَوَضَّأْ ثُمَّ صَلِّ رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ قُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، يَا مُحَمَّدُ، إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى رَبِّكَ فَيَجْلِبِي لِي عَنْ بَصَرِي، اللَّهُمَّ شَفِّعْهُ فِيَّ وَشَفِّعْنِي فِي نَفْسِي. قَالَ عُثْمَانُ: فَوَاللَّهِ مَا تَفَرَّقْنَا وَلَا طَالَ بِنَا الْحَدِيثُ، حَتَّى دَخَلَ الرَّجُلُ وَكَأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ بِهِ ضَرْقُ قَطُّ. (1)

الإمام عليّ عليه السلام: دَعَانِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَا أَرْمَدُ، فَتَقَلَّ فِي عَيْنِي، وَشَدَّ الْعِمَامَةَ عَلَيَّ رَأْسِي، وَقَالَ: «اللَّهُمَّ، أَذْهَبْ عَنْهُ الْحَرَ وَالْبَرْدَ»، فَمَا وَجَدْتُ بَعْدَهَا حَرًّا وَلَا بَرْدًا. (2)

1- .المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 708 ح 1930؛ الخرائج والجرائح: ج 1 ص 55 ح 88 نحوه، بحار الأنوار: ج 94 ص 5 ح 6 وراجع مسند ابن حنبل: ج 6 ص 107 ح 17240 .

2- .الأمالی للمفید: ص 318 ح 3، الأمالی للطوسی: ص 89 ح 137 كلاهما عن عبدالرحمن بن أبي ليلى، بحار الأنوار: ج 18 ص 4 ح 2 .

المستدرک_ به نقل از سهل بن حنیف ، از عثمان بن حنیف _: مرد ناینبایی نزد پیامبر خدا آمد و از نایبنا شدنش به ایشان شکوه کرد و گفت : ای پیامبر خدا! من عصاکشی ندارم و به زحمت افتاده ام! پیامبر خدا فرمود : «به وضوخانه برو و وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان و سپس بگو : بار الها! از تو درخواست می کنم و پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله ، پیامبر رحمت را واسطه خود به درگاهت قرار می دهم . ای محمد! من به واسطه تو ، به درگاه پروردگارت روی کرده ام تا کوری چشمم را بزداید. بار الها! شفاعت او را در حق من و شفاعت خودم را درباره ام بپذیر». عثمان می گوید : به خدا سوگند ، هنوز پراکنده نشده بودیم و مدّت زیادی هم از گفتگویمان نمی گذشت که آن مرد آمد و انگار که هرگز کور نبوده است.

امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله مرا که دچار چشم درد بودم ، صدا زد و آب دهانش را به چشمم کشید و بر سرم دستار بست و فرمود : «بار خدایا! گرما و سرما را از او دور گردان». زان پس ، هرگز گرما و سرمایی احساس نکردم.

دلائل النبوة لإبي نعيم عن عبدالرحمن بن أبي ليلى: اجتمع إلى نَفَرٍ مِنْ أَهْلِ الْمَسْجِدِ فَقَالُوا: إِنَّا قَدْ رَأَيْنَا مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ شَيْئًا أَنْكَرْنَاهُ، فَقُلْتُ: وما هو؟ فقالوا: يخرج علينا في الشتاء في إزارٍ ورداءٍ وفي الصيف في قباءٍ محشوٍّ! فدخلتُ فذكرتُ ذلكَ لأبي، فلما راح إلى علي عليه السلام قال: إنَّ النَّاسَ قَدْ رَأَوْا مِنْكَ شَيْئًا أَنْكَرُوهُ، قال: وما هو؟ قلتُ: لباسُكَ، قال لي: أو ما كنتُ معنَا حينَ دعاني رسولُ الله صلى الله عليه وآله وأنا أرمُدُ فتقلَّ في راحتيه وأصقَّ بهما عيني، وقال: اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنْهُ الْحَرَ وَالْبَرْدَ؟ وَالَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ مَا وَجَدْتُ لِوَاحِدٍ مِنْهُمَا أذَى حَتَّى السَّاعَةِ. (1)

الخرايج والجرائح: إنَّه لَمَّا انصَرَفَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ خَيْبَرَ رَاجِعًا إِلَى الْمَدِينَةِ، قَالَ جَابِرٌ: أَشْرَفْنَا عَلَى وادٍ عَظِيمٍ قَدِ امْتَلَأَ بِالماءِ، فَقَاسُوا عُمُقَهُ بِرُمَحٍ فَلَمْ يَبْلُغْ قَعْرَهُ، فَنَزَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ: «اللَّهُمَّ أَعْطِنَا الْيَوْمَ آيَةً مِنْ آيَاتِ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ»، ثُمَّ ضَرَبَ المَاءَ بِقَضِيئِهِ وَاسْتَوَى عَلَى رَاحِلَتِهِ ثُمَّ قَالَ: سِيرُوا خَلْفِي عَلَى اسْمِ اللَّهِ، فَمَضَتْ رَاحِلَتُهُ عَلَى وَجْهِ المَاءِ وَاتَّبَعَهُ النَّاسُ عَلَى رِوَاحِلِهِمْ وَدَوَابِّهِمْ، فَلَمْ تَتَرَطَّبْ أَحْفَافُهَا وَلَا حَوَافِرُهَا. (2)

الخرايج والجرائح: إنَّ أصحابَهُ [أَي النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] يَوْمَ الْأَحْزَابِ صَارُوا بِمَعْرِضِ الْعَطَبِ لِفَنَاءِ الْأَزْوَادِ، فَهَيَّأَ رَجُلٌ قُوَّةَ رَجُلٍ أَوْ رَجُلَيْنِ - لَا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ - وَدَعَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَانْقَلَبَ الْقَوْمُ وَهُمْ أُلُوفٌ مَعَهُ، فَدَخَلَ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: غَطُّوا إِنَاءَكُمْ فَغَطُّوه، ثُمَّ دَعَا وَبَرَكَ عَلَيْهِ، فَأَكَلُوا جَمِيعًا وَشَبِعُوا، وَالطَّعَامُ بِهَيْئَتِهِ. (3)

1- دلائل النبوة لأبي نعيم: ص 463 ح 391، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 214 ح 778، خصائص أمير المؤمنين عليه السلام للنسائي: ص 54 ح 13 كلاهما نحوه.

2- الخرايج والجرائح: ج 1 ص 161 ح 250، بحار الأنوار: ج 21 ص 30 ح 31.

3- الخرايج والجرائح: ج 1 ص 27 ح 14، إعلام الوري: ج 1 ص 80 نحوه، بحار الأنوار: ج 18 ص 26 ح 7.

دلایل النبوة، ابو نعیم۔ به نقل از عبدالرحمان بن ابی لیلی: گروهی از اهل مسجد، نزد من آمدند و گفتند: ما از امیر مؤمنان چیزی باور نکردنی مشاهده می کنیم. گفتیم: چه چیزی؟ گفتند: در زمستان، تنها با یک ازار و ردا بیرون می آید و در تابستان با قبایی لایی دار! من به خانه رفتم و این را برای پدرم گفتم. چون نزد علی علیه السلام رفت، گفت: مردم از شما چیزی دیده اند که برایشان پذیرفتنی نیست. فرمود: «چه چیزی؟». گفتم: لباسستان. فرمود: «مگر تو خود، با ما نبودی، آن گاه که پیامبر خدا مرا صدا زد و من دچار چشم درد بودم و ایشان در کف دستانش آب دهان انداخت و به چشمان من کشید و گفت: بار خدایا! گرما و سرما را از او دور گردان؟ سوگند به آن خدایی که پیامبر صلی الله علیه و آله را به حق برانگیخت، تاکنون از هیچ یک از این دو، اذیت نشده ام».

الخرائج و الجرائح۔ به نقل از جابر۔ چون پیامبر خدا از خیبر به سوی مدینه باز گشت، به وادی بزرگی رسیدیم که پر از آب بود. با نیزه ای عمق آن را اندازه گرفتند. نیزه به ته وادی نرسید. پیامبر خدا پیاده شد و فرمود: «بار خدایا! امروز، نشانی از نشانه های پیامبران و فرستادگانت را به ما عطا فرما». سپس با چوب دستی اش به آب زد و بر شتر خویش نشست و فرمود: «به نام خدا، پشت سر من حرکت کنید». شتر پیامبر صلی الله علیه و آله روی آب به راه افتاد و مردم سوار بر شتران و ستورانشان در پی ایشان حرکت کردند، بدون آن که [حتی] کف پا و سُم آنها تر شود.

الخرائج و الجرائح: در روز احزاب، توشه (آذوقه) یاران پیامبر صلی الله علیه و آله تمام شد و در معرض نابودی قرار گرفتند. مردی به اندازه خوراک یک یا دو نفر۔ و نه بیشتر۔ تهیه کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله را دعوت کرد؛ اما مسلمانان نیز که هزاران نفر بودند، نیز با ایشان آمدند. پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد و فرمود: «ظرف هایتان را بپوشانید». ظرف ها را پوشاندند و پیامبر صلی الله علیه و آله دعا کرد و برکت طلبید. آن گاه همگی خوردند و سیر شدند و غذا همچنان باقی بود.

الخرائج والجرائح: إِنَّهُ لَمَّا أَصَابَ النَّاسَ بِالْحُدَيْبِيَّةِ جُوعٌ شَدِيدٌ، وَقَلَّتْ أَزْوَادُهُمْ (1) لِأَنَّهُمْ أَقَامُوا بِهَا بِضْعَةَ عَشَرَ يَوْمًا، فَشَكُوا إِلَيْهِ (2) ذَلِكَ، وَأَمَرَ بِالنَّطْعِ (3) أَنْ يُسَدَّ طَ، وَأَمَرَهُمْ أَنْ يَأْتُوا بِبَيْتَةِ أَزْوَادِهِمْ فَيَطْرَحُوا، فَاتُوا بِكَفٍّ مِنْ دَقِيقٍ وَتَمِيرَاتٍ. فَقَامَ وَدَعَا بِالْبِرْكَةِ فِيهَا، وَأَمَرَهُمْ بِأَنْ يَأْتُوا بِأَوْعِيَتِهِمْ فَمَلَّؤُوهَا حَتَّى لَمْ يَجِدُوا لَهُ مَحَلًّا. (4)

الخرائج والجرائح عن أسماء بنت عميس: كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي غَزْوَةِ حُنَيْنٍ، فَبَعَثَ عَلِيًّا فِي حَاجَةٍ، وَقَدْ صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْعَصْرَ وَلَمْ يُصَلِّ لَهَا عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمَّا رَجَعَ وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ رَأْسَهُ فِي حِجْرِهِ حَتَّى غَرَبَتِ الشَّمْسُ، فَلَمَّا رَفَعَ النَّبِيُّ رَأْسَهُ، قَالَ عَلِيٌّ: لَمْ أَكُنْ صَلَّيْتُ الْعَصْرَ! فَقَالَ النَّبِيُّ: اللَّهُمَّ إِنَّ عَلِيًّا حَبَسَ بِنَفْسِهِ عَلَى ذَيْبِكَ، فَرَدَّ لَهُ الشَّمْسُ، فَطَلَعَتْ حَتَّى ارْتَفَعَتْ الشَّمْسُ عَلَى الْحَيْطَانِ وَالْأَرْضِ حَتَّى صَلَّى عَلِيٌّ الْعَصْرَ، ثُمَّ غَرَبَتْ. قَالَتْ أَسْمَاءُ: وَذَلِكَ بِالصَّهْبَاءِ (5)، فِي غَزْوَةِ حُنَيْنٍ، وَإِنَّ عَلِيًّا صَلَّى إِيْمَاءً، ثُمَّ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ: يَا عَلِيُّ أَمَا إِنَّهَا سَتَرْدُّ عَلَيْكَ بَعْدَى حُجَّةٍ عَلَى أَهْلِ خِلَافِكَ. فَقَالَ حَسَّانُ بْنُ ثَابِتٍ فِي ذَلِكَ: إِنَّ عَلِيًّا بَنَ أَبِي طَالِبٍ رَدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ مِنَ الْمَغْرِبِ رُدَّتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ فِي ضَوْئِهَا عَصْرًا كَأَنَّ الشَّمْسَ لَمْ تَغْرُبِ (6)

الدعاء للطبراني عن الربيع بنت معوذ بن عفراء: بَيْنَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَعْضِ أَسْفَارِهِ؛ إِذْ أَحْتَاجَ النَّاسُ إِلَى وَضُوءٍ، فَالْتَمَسُوا فِي الرَّكْبِ مَاءً فَلَمْ يَجِدُوا، فَجَاءَنِي عَمِّي مُعَاذُ بْنُ عَفْرَاءَ فَقَالَ: يَا بَنِيَّةُ، هَلْ فِي إِدَاوَتِكَ مَا يَتَوَضَّأُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ قُلْتُ: لَا وَالَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ [مَا] (7) فِيهَا شَيْءٌ، فَأَتَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: مَا فِي الرَّكْبِ مَاءٌ، فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَمْطَرَتْ حَتَّى اسْتَقَى النَّاسُ وَسُقُوا. (8)

- 1- زَادُ الْمُسَافِرِ: طَعَامُهُ الْمَتَّخِذُ لِسَفَرِهِ، وَالْجَمْعُ أَزْوَادٍ (المصباح المنير: ص 259 «زاد»).
- 2- أَي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.
- 3- النَّطْعُ: بَسَاطٌ مِنَ الْأَدِيمِ (مجمع البحرين: ج 3 ص 1798 «نطع»).
- 4- الخرائج والجرائح: ج 1 ص 123 ح 204، بحار الأنوار: ج 20 ص 357 ح 7.
- 5- الصهباء: موضع قرب خيبر (تاج العروس: ج 2 ص 158 «صهب»).
- 6- الخرائج والجرائح: ج 2 ص 498 ح 13؛ المناقب للخوارزمي: ص 307 ح 302 نحوه. راجع: موسوعة الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام: القسم الثالث عشر: آيات الإمام علي / الفصل الثاني: رد الشمس له.
- 7- ما بين المعقوفين أثبتناه من الطبعة الأخرى.
- 8- الدعاء للطبراني: ص 605 ح 2209.

الخراج و الجرائح: در حدیثی، مردم سخت گرسنه شدند و اندکی از آذوقه شان باقی مانده بود؛ چرا که ده روز و اندی در آن جا مانده بودند. از این وضع به پیامبر خدا شکایت کردند. ایشان فرمود سفره بیندازند و به آنان دستور داد که باقی مانده آذوقه شان را بیاورند و در سفره بریزند. آنان، مشتی آرد و چند عدد خرما آوردند. پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد و دعای برکت کرد و فرمودشان که ظرف هایشان را بیاورند. مردم ظرف هایشان را آوردند و پر کردند، به طوری که دیگر ظرفی برای پر کردن نداشتند.

الخراج و الجرائح_ به نقل از اسماء بنت عمیس: در غزوه حنین با پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که علی علیه السلام را در پی کاری فرستاد. پیامبر خدا نماز عصر را خوانده بود؛ اما علی علیه السلام آن را نگزارده بود. وقتی علی علیه السلام بازگشت، پیامبر خدا سر بر زانوی او نهاد [و خوابید]، تا آن که آفتاب غروب کرد. چون پیامبر صلی الله علیه و آله سرش را برداشت، علی علیه السلام گفت: نماز عصر را نخوانده بودم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بار خدایا! علی خودش را وقف پیامبرت کرد. پس، خورشید را برایش باز گردان.» ناگهان خورشید طلوع کرد، به طوری که آفتاب روی دیوارها و زمین افتاد و علی علیه السلام نماز عصر را خواند. آن گاه خورشید غروب کرد. این واقعه در صهباء (1) و در جنگ حنین بود و علی با اشاره نماز خواند. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «ای علی! بعد از من نیز خورشید، به عنوان حجتی بر ضد مخالفان تو، برایت بازگردانده خواهد شد.» (2) حسن بن ثابت در این باره گفت: علی بن ابی طالب خورشید از مغرب برایش بازگردانیده شد. آفتاب، دوباره برایش برآمد عصرهنگام، چنان که گویی غروب نکرده بود.

الدعاء، طبرانی_ به نقل از ربیع، دختر معوذ بن عفرأ: در یکی از سفرهای پیامبر خدا، با ایشان بودیم که مردم به وضو احتیاج پیدا کردند. تمام کاروان را گشتند؛ اما آبی نیافتند. عمویم معاذ بن عفرأ نزد من آمد و گفت: دخترم! در ظرف تو، آبی هست که پیامبر خدا وضو بگیرد؟ گفتم: نه، به خدایی که او را به حق برانگیخت، خالی است. او نزد پیامبر خدا رفت و گفت: در کاروان، آب نیست. پس، پیامبر خدا دعا کرد و باران آمد و مردم آب برداشتند و سیراب شدند.

1- مکانی است نزدیک خیبر.

2- ر. ک: دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام: بخش سیزدهم: کرامت های امام علی / فصل دوم: بازگشت خورشید برای امام علی).

راجع: ج 2 ص 76 (من دعا له النبي).

7 / الأئمة الإمام الرضا عليه السلام: للإمام علامات: يكون أعلم الناس... ويكون دُعاؤه مُستجابا، حتى إنه لو دعا على صخرة لانشقت
بِنصْفَيْنِ. (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: الإمام العادل لا تردُّ دعوته. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: إن الله لا يكلنا إلى أنفسنا، ولو وكلنا إلى أنفسنا لَكُنَّا كَعَرَضِ النَّاسِ، وَنَحْنُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «ادْعُونِي
أَسْتَجِبْ (3) لَكُمْ». (4)

الكافي عن الكناسي عن الإمام الصادق عليه السلام: خَرَجَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ عُمَرِهِ (5)، وَمَعَهُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الزُّبَيْرِ كَانَ
يَقُولُ بِإِمَامِيَّةِ، فَنَزَلُوا فِي مَنْهَلٍ (6) مِنْ تِلْكَ الْمَنَاهِلِ، تَحْتَ نَخْلٍ يَأْسِ، قَدْ يَسَّ مِنَ الْعَطَشِ، فَفُرِشَ لِلْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَحْتَ نَخْلَةٍ
وَفُرِشَ لِلزُّبَيْرِيِّ بِحِذَاهُ تَحْتَ نَخْلَةٍ أُخْرَى، فَقَالَ الزُّبَيْرِيُّ: وَرَفَعَ رَأْسَهُ: لَوْ كَانَ فِي هَذَا النَّخْلِ رُطْبٌ لَأَكَلْنَا مِنْهُ. فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ
السَّلَامُ: وَإِنَّكَ لَتَشْتَهِي الرُّطْبَ؟ فَقَالَ الزُّبَيْرِيُّ: نَعَمْ، قَالَ: فَرَفَعَ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ، فَدَعَا بِكَلَامٍ لَمْ أَفْهَمُهُ، فَأَخْضَرَّتِ النَّخْلَةُ، ثُمَّ صَارَتْ إِلَى
حَالِهَا فَأَوْرَقَتْ وَحَمَلَتْ رُطْبًا، فَقَالَ الْجَمَّالُ الَّذِي اكْتَرَوْا مِنْهُ: سَيَحْرُ وَاللَّهِ! فَقَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَيَلِك! لَيْسَ بِسِحْرٍ، وَلَكِنْ دَعْوَةُ ابْنِ
نَبِيِّ مُسْتَجَابَةٌ، قَالَ: فَصَعِدُوا إِلَى النَّخْلَةِ، فَصَرَمُوا مَا كَانَ فِيهِ، فَكَفَّاهُمْ. (7)

- 1- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 418 ح 5914، الخصال: ص 527 ح 1، معاني الأخبار: ص 102 ح 4، الاحتجاج: ج 2 ص 448 ح 311 كلها عن الحسن بن فضال، بحار الأنوار: ج 25 ص 116 ح 1.
- 2- مسند ابن حنبل: ج 3 ص 449 ح 9731، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 571 ح 1 كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 6 ص 10 ح 14614؛ عوالي اللآلي: ج 1 ص 114 ح 29 عن أبي هريرة.
- 3- غافر: 60.
- 4- بصائر الدرجات: ص 466 ح 8، تأويل الآيات الظاهرة: ج 2 ص 532 ح 16 كلاهما عن محمد بن النعمان، بحار الأنوار: ج 24 ص 310 ح 14.
- 5- العمرة في الحجّ معروفة، والجمع العُمَر (لسان العرب: ج 4 ص 604 «عمر»).
- 6- المنهال: المورد، وهو عين ماء ترده الإبل في المرعى، وتسمى المنازل التي في المفاوز على طريق السّفّار: مناهل؛ لأنّ فيها ماء (الصحيح: ج 5 ص 1837 «نهل»).
- 7- الكافي: ج 1 ص 462 ح 4، بصائر الدرجات: ص 256 ح 10، الخرائج والجرائح: ج 2 ص 571 ح 1 كلها عن الكناسي، دلائل الإمامة: ص 186 ح 105 عن محمد الكناني وفيه «خرج الحسين بن عليّ عليه السلام...»، بحار الأنوار: ج 43 ص 323 ح 1.

راجع: ج 2 ص 77 (کسانی که پیامبر برای ایشان دعا کرد).

2 / 7 امامان امام رضا علیه السلام: امام، نشانه هایی دارد: عالم ترین مردم است... دعایش مستجاب می شود و حتی اگر تخته سنگی را نفرین کند، تخته سنگ دو نیم می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیشوای عادل، دعایش رد نمی شود.

امام صادق علیه السلام: خداوند، ما را به خودمان وا نمی گذارد. اگر ما را به خود وا می گذاشت، ما نیز مانند توده مردم بودیم، در حالی که ما کسی هستیم که خداوند عز و جل فرموده است: «مرا بخوانید تا پاسختان دهم».

الکافی_ به نقل از کناسی، از امام صادق علیه السلام: حسن بن علی علیه السلام برای گزاردن عمره خارج شد و یکی از فرزندان زبیر که معتقد به امامت او بود، ایشان را همراهی می کرد. در یکی از آبگاه ها، در نخلستان خشکیده ای که از بی آبی خشک شده بود، فرود آمدند. زبیر یک نخل برای [امام] حسن علیه السلام فرش انداختند و رو به روی آن، زبیر نخل دیگری برای آن زبیری فرش پهن کردند. زبیری سرش را بالا کرد و گفت: کاش این نخلستان، خرمایی می داشت و از آن می خوردیم! [امام] حسن علیه السلام به او فرمود: «هوس خرما کرده ای؟». زبیری گفت: آری. امام علیه السلام دست به سوی آسمان برداشت و به سخنی دعا کرد که من آن را نفهمیدم. در حال، نخل، سبز شد و به حال اولش برگشت و برگ و خرما برآورد. ساربانانی که شتر از او کرایه کرده بودند، گفت: به خدا که جادوست! [امام] حسن علیه السلام فرمود: «وای بر تو! جادو نیست؛ بلکه دعای پسر پیامبر است که مستجاب شده است». پس بالای نخل رفتند و هر چه خرما داشت، چیدند و همه را کفایت کرد.

المناقب لابن شهر آشوب عن إسحاق وإسماعيل ويونس بنى عمّار: إِنَّهُ اسْتَحَالَ وَجْهُ يُونُسَ إِلَى الْبَيَاضِ ، فَنَظَرَ الصَّادِقُ إِلَى جَبْهَتِهِ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ ، ثُمَّ حَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ، وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ ، ثُمَّ قَالَ : يَا أَلَّهُ يَا أَلَّهُ يَا أَلَّهُ ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ ، يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، يَا سَمِيعَ الدَّعَوَاتِ ، يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الطَّيِّبِينَ ، وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ الدُّنْيَا وَشَرَّ الْآخِرَةِ ، وَأَذْهِبْ عَنِّي مَا بِي ، فَقَدْ غَاظَنِي ذَلِكَ وَأَحْزَنَنِي . قَالَ : فَوَاللَّهِ ، مَا خَرَجْنَا مِنَ الْمَدِينَةِ حَتَّى تَنَاطَرَ عَن وَجْهِهِ مِثْلُ النُّخَالَةِ وَذَهَبَ . قَالَ الْحَكَمُ بْنُ مَسْكِينٍ : وَرَأَيْتُ الْبَيَاضَ بِوَجْهِهِ ، ثُمَّ انْصَرَفَ وَلَيْسَ فِي وَجْهِهِ شَيْءٌ . (1)

1- المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 232، بحار الأنوار: ج 95 ص 79 ح 4.

المناقب، ابن شهر آشوب_ به نقل از اسحاق و اسماعیل و یونس، پسران عمّار_: صورت یونس را لک سفیدی فراگرفت. امام صادق علیه السلام به پیشانی او نگاه کرد و دو رکعت نماز خواند و سپس حمد و ثنای خداوند را به جای آورد و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او صلوات فرستاد. آن گاه گفت: «ای خدا، ای خدا، ای خدا! ای مهرگستر، ای مهرگستر، ای مهرگستر! ای مهربان، ای مهربان، ای مهربان! ای مهربان ترین مهربانان! ای شنونده دعاها! ای دهنده خوبی ها! بر محمّد و بر خانواده پاک و نیک او درود فرست و بدی دنیا و بدی آخرت را از من بگردان و این حال که دارم، از من بپیر؛ چرا که این صحنه مرا ناراحت و اندوهگین ساخت». به خدا سوگند، هنوز از مدینه خارج نشده بودیم که آن سفیدی از صورت او مثل نخاله فرو ریخت و از بین رفت. حکم بن مسکین گفت: من خودم لک سفید را در صورتش دیدم؛ اما وقتی برگشت، اثری از آن در صورتش نبود.

الكافي عن عبد الله بن المغيرة: مَرَّ الْعَبْدُ الصَّالِحُ بِامْرَأَةٍ بِنَمِيٍّ وَهِيَ تَبْكِي ، وَصِيَانُهَا حَوْلَهَا يَبْكُونَ ، وَقَدْ مَاتَتْ لَهَا بَقْرَةٌ ، فَدَنَا مِنْهَا ثُمَّ قَالَ لَهَا : مَا يُبْكِيكِ يَا أُمَّةَ اللَّهِ ؟ قَالَتْ : يَا عَبْدَ اللَّهِ ، إِنَّ لَنَا صَبِيَانَا يَتَامَى ، وَكَانَتْ لِي بَقْرَةٌ ، مَعِيشَتِي وَمَعِيشَةُ صَبِيَانِي كَانَ مِنْهَا ، وَقَدْ مَاتَتْ وَبَقِيَتْ مُنْقَطِعَا بِي وَبَوْلْدِي ، لَا حِيلَةَ لَنَا ، فَقَالَ : يَا أُمَّةَ اللَّهِ ، هَلْ لَكَ أَنْ أَحْيِيَهَا لَكَ ؟ فَأَلْهِمْتَ أَنْ قَالَتْ : نَعَمْ ، يَا عَبْدَ اللَّهِ . فَتَنَحَّى وَصَدَّ لِي رُكْعَتَيْنِ ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَهُ هُنَيْئَةً وَحَرَّكَ شَدَّ فَنِيهِ ، ثُمَّ قَامَ فَصَوَّتَ بِالْبَقْرَةِ فَتَحَسَّهَا نَحْسَةً ، أَوْ ضَرَبَهَا بِرِجْلِهِ ، فَاسْتَوَتْ عَلَى الْأَرْضِ قَائِمَةً ، فَلَمَّا نَظَرَتِ الْمَرَأَةُ إِلَى الْبَقْرَةِ صَاغَتْ وَقَالَتْ : عَيْسَى بِنُ مَرِيَمَ وَرَبِّ الْكَعْبَةِ !! فَخَالَطَ النَّاسَ وَصَارَ بَيْنَهُمْ وَمَضَى عَلَيْهِ السَّلَامُ . (1)

الإمام الجواد عليه السلام: إِنَّ الرُّضَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ، لَمَّا جَعَلَهُ الْمَأْمُونُ وَلِيَّ عَهْدِهِ احْتَبَسَ الْمَطْرُ ، فَجَعَلَ بَعْضُ حَاشِيَةِ الْمَأْمُونِ وَالْمُتَعَصِّبِينَ عَلَى الرُّضَا يَقُولُونَ : أَنْظِرُوا لَمَّا جَاءَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ، وَصَارَ وَلِيَّ عَهْدِنَا ، فَحَبَسَ اللَّهُ عَنَّا الْمَطْرَ ! وَأَتَصَلَ لَكَ ذَلِكَ بِالْمَأْمُونِ ، فَاشْتَدَّ عَلَيْهِ ، فَقَالَ لِلرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَدْ احْتَبَسَ الْمَطْرُ ، فَلَوْ دَعَوْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُمِطِرَ النَّاسَ . فَقَالَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : نَعَمْ . قَالَ : فَمَتَى تَفْعَلُ ذَلِكَ ؟ _ وَكَانَ ذَلِكَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ _ قَالَ : يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ ؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَتَانِي الْبَارِحَةَ فِي مَنَامِي وَمَعَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَقَالَ : يَا بُنَيَّ ! انْتَظِرْ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ ، فَابْرُزْ إِلَى الصَّحْرَاءِ وَاسْتَسْقِ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَيُسْقِيهِمْ ، وَأَخْبِرُهُمْ بِمَا يُرِيكَ اللَّهُ مِمَّا لَا يَعْلَمُونَ مِنْ حَالِهِمْ ، لِيَزِدَادَ عِلْمُهُمْ بِفَضْلِكَ وَمَكَانِكَ مِنْ رَبِّكَ عَزَّ وَجَلَّ . فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ غَدَا إِلَى الصَّحْرَاءِ ، وَخَرَجَ الْخَلَائِقُ يَنْظُرُونَ ، فَصَدَّ عِدَّ الْمَنْبَرِ ، فَحَمِدَ اللَّهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ، ثُمَّ قَالَ : اللَّهُمَّ يَا رَبِّ ، أَنْتَ عَظَمْتَ حَقَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ، فَتَوَسَّلُوا بِنَا كَمَا أَمَرْتَ ، وَأَمَلُوا فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ ، وَتَوَقَّعُوا إِحْسَانَكَ وَنِعْمَتَكَ ، فَاسْقِهِمْ سَقِيًّا نَافِعًا عَامًا غَيْرَ رَائِبٍ وَلَا ضَائِرٍ ، وَلِيَكُنْ ابْتِدَاءُ مَطَرِهِمْ بَعْدَ انْصِرَافِهِمْ مِنْ مَسْجِدِهِمْ هَذَا إِلَى مَنَازِلِهِمْ وَمَقَارِهِمْ . قَالَ : فَوَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا ، لَقَدْ نَسَجَتِ الرِّيَّاحُ فِي الْهَوَاءِ الْغُيُومَ ، وَأَرَعَدَتِ وَأَبْرَقَتْ ، وَتَحَرَّكَ النَّاسُ كَأَنَّهُمْ يُرِيدُونَ التَّنَحِّيَ عَنِ الْمَطْرِ . فَقَالَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَلَى رِسَالِكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ ، فَلَيْسَ هَذَا الْغَيْمُ لَكُمْ ، إِنَّمَا هُوَ لِأَهْلِ بَلَدِ كَذَا ، فَامْضَتِ السَّحَابَةُ وَعَبَّرَتْ . ثُمَّ جَاءَتْ سَحَابَةٌ أُخْرَى تَشْتَمِلُ عَلَى رَعْدٍ وَبَرْقٍ ، فَتَحَرَّكُوا ، فَقَالَ : عَلَى رِسَالِكُمْ ، فَمَا هَذِهِ لَكُمْ ، إِنَّمَا هِيَ لِأَهْلِ بَلَدِ كَذَا ، فَمَا زَالَتْ حَتَّى جَاءَتْ عَشْرَ سَحَابَاتٍ (2) وَعَبَّرَتْ ، وَيَقُولُ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كُلِّ وَاحِدَةٍ : عَلَى رِسَالِكُمْ ، لَيْسَتْ هَذِهِ لَكُمْ ، إِنَّمَا هِيَ لِأَهْلِ بَلَدِ كَذَا . ثُمَّ أَقْبَلَتِ السَّحَابَةُ الْحَادِيَةَ (3) عَشْرَةَ ، فَقَالَ : أَيُّهَا النَّاسُ ! هَذِهِ سَحَابَةٌ بَعَثَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ ، فَاشْكُرُوا اللَّهَ عَلَى تَفَضُّلِهِ عَلَيْكُمْ ، وَقوموا إِلَى مَقَارِكُمْ وَمَنَازِلِكُمْ ؛ فَإِنَّهَا مُسَامِتَةٌ (4) لَكُمْ وَلِرُؤُوسِكُمْ ، مُسَمِّكَةٌ عَنْكُمْ ، إِلَى أَنْ تَدْخُلُوا إِلَى مَقَارِكُمْ ، ثُمَّ يَأْتِيكُمْ مِنَ الْخَيْرِ مَا يَلِيْقُ بِكْرَمِ اللَّهِ تَعَالَى وَجَلَالِهِ . وَنَزَلَ مِنَ (5) الْمَنْبَرِ وَأَنْصَرَفَ النَّاسُ ، فَمَا زَالَتْ السَّحَابَةُ مُسَمِّكَةً إِلَى أَنْ قَرَّبُوا مِنْ مَنَازِلِهِمْ ، ثُمَّ جَاءَتْ بِوَابِلِ الْمَطْرِ ، فَامْلَأَتِ الْأُودِيَةَ وَالْحِيَاضَ وَالغُدْرَانَ وَالْفَلَوَاتِ ، فَجَعَلَ النَّاسُ يَقُولُونَ : هُنَيْنًا لَوْلَا بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَرَامَاتُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ! (6)

- 1- الكافي: ج 1 ص 484 ح 6 ، بصائر الدرجات: ص 272 ح 2 عن علي بن المغيرة ، الشاقب في المناقب: ص 431 ح 363 عن المغيرة بن عبد الله ، بحار الأنوار: ج 48 ص 55 ح 62 .
- 2- في المصدر: «سحابة» و ما أثبتناه من دلائل الإمامة .
- 3- في المصدر: «سحابة حادية عشر» و ما أثبتناه من دلائل الإمامة .
- 4- في المصدر: «مسامة» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- 5- في المصدر: «على» ، والتصويب من بحار الأنوار .

6- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 168 ح 1 ، دلائل الإمامة : ص 376 ح 340 كلاهما عن محمد بن زياد ومحمد بن سيّار ،
الثاقب فى المناقب : ص 467 ح 394 عن يوسف بن محمد بن زياد وعلّى بن محمد بن سيّار وكلاهما نحوه وكلّهما عن الإمام العسكرى
عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 49 ص 180 ح 16 .

الکافی_ به نقل از عبد الله بن مغیره_: عبد صالح (موسی بن جعفر علیه السلام) در منا بر زنی گذشت که گریه می کرد و فرزندانش نیز گرد او می گریستند، و ماده گاوشان مرده بود. امام علیه السلام نزدیک آن زن شد و فرمود: «چرا گریه می کنی، ای کنیز خدا؟». گفت: ای بنده خدا! من کودکانی یتیم دارم، و ماده گاوی داشتم که زندگی خودم و فرزندانم با آن می گذشت. اکنون، آن گاو مرده و من و فرزندانم بی کس و بیچاره مانده ایم. امام علیه السلام فرمود: «ای کنیز خدا! می خواهی آن را برایت زنده گردانم». به زن الهام شد که بگوید: آری، ای بنده خدا! امام علیه السلام به کناری رفت و دو رکعت نماز گزارد. سپس دستش را کمی بالا برد و لبانش را جنباند. آن گاه برخاست و گاورا صدا زد و با سیخی_ یا با پایش_ به او زد. گاو برخاست و ایستاد. زن با دیدن گاو، فریاد کشید و گفت: به خدای کعبه سوگند، این مرد، عیسی بن مریم است! امام علیه السلام قاطی مردم شد و به میان آنها در آمد و رفت.

امام جواد علیه السلام: پس از آن که مأمون، علی بن موسی الرضا علیه السلام را ولی عهد خود کرد، خشک سالی شد. عده ای از اطرافیان مأمون و بدخواهان [امام] رضا می گفتند: بنگرید، از وقتی علی بن موسی آمده و ولی عهد ما شده، باران بر ما بند آمده است! این سخن ها به گوش مأمون رسید و بر او سخت آمد و به [امام] رضا علیه السلام گفت: باران، بند آمده است. کاش دعا کنید که خداوند عز و جل بر مردم بارانند. [امام] رضا علیه السلام فرمود: «باشد». مأمون گفت: چه وقت این کار را می کنید؟ و آن روز، جمعه بود. فرمود: «روز دوشنبه؛ چون دیشب پیامبر خدا، در حالی که امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز با او بود، به خوابم آمد و فرمود: فرزندم! منتظر روز دوشنبه باش و [در آن] روز به صحرا برو و طلب باران کن. به زودی، خداوند متعال به آنان باران خواهد داد. و مردم را از حالشان که [خود] نمی دانند و خداوند، تو را از آن آگاه می سازد، خبر ده تا آگاهی آنان از برتری تو و جایگاهت در نزد پروردگارت بیشتر شود». چون دوشنبه رسید، [امام علیه السلام] به صحرا رفت و خلائق به تماشا بیرون آمدند. ایشان بر منبر رفت و خداوند را ستود و ثنایش گفت. آن گاه فرمود: «بار خدایا! ای خداوندگار من! تو حق ما اهل بیت را بزرگ دانستی و این مردمان، همچنان که تو فرمودی، به ما متوسل گشته اند و فضل و رحمت تو را امیدوارند و نواخت و نعمت تو را چشم می دارند. پس، بر آنان بارانی سودمند و فراگیر فرو بار، بی درنگ و بی زیان، و بارش آن، پس از آنی آغاز گردد که از این اجتماع به خانه ها و منازلشان بازگشتند». سوگند به آن که محمد را به حق پیامبر کرد، بادهای در هوا ابرها را به هم بافتند و رعد و برق آغاز شد و مردم طوری به حرکت در آمدند که گویا می خواهند خود را از باران دور کنند. [امام] رضا علیه السلام فرمود: «آرام باشید، ای مردم! این ابر، برای شما نیست. آن برای مردم فلان شهر است». پس، ابر عبور کرد و رفت. سپس ابر دیگری آمد و رعد و برق می زد. مردم دوباره به حرکت در آمدند. ایشان فرمود: «آرام باشید، که این نیز برای شما نیست. این برای مردم بهمان شهر است». به همین ترتیب، ده ابر آمد و عبور کرد و هر بار علی بن موسی الرضا علیه السلام می فرمود: «آرام باشید. این ابر برای شما نیست. برای اهالی فلان شهر است». [سرانجام]، یازدهمین ابر آمد. فرمود: «ای مردم! این، ابری است که خداوند عز و جل آن را برای شما فرستاده است. پس، خدا را بر لطفی که در حق شما فرمود، سپاس گوید و برخیزید و به خانه ها و منازلتان بروید، و این ابر، بر فراز سر شما خواهد بود و نخواهد بارید تا آن گاه که به منزل های خود بروید. سپس خیر و برکتی که در خور بزرگواری و شکوه خداوند متعال است، به شما خواهد رسید». و از منبر به زیر آمد و مردم رفتند. ابر نبارید تا آن که مردم نزدیک خانه هایشان رسیدند. در این هنگام، باران سیل آسا فرو بارید و رودخانه ها و کانال ها و آبگیرها و دشت ها را پر کرد، و مردم می گفتند: گوارا باد کرامات خداوند عز و جل بر فرزند پیامبر خدا!

دلائل الإمامة عن القاسم بن العلاء: كَتَبْتُ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثَةَ كُتُبٍ فِي حَوَائِجِ لِي ، وَأَعْلَمْتُهُ أَنَّي رَجُلٌ قَدْ كَبِرَ سِنِّي ، وَأَنَّهُ لَا وَاَدَّ لِي ، فَأَجَابَنِي عَنِ الْحَوَائِجِ وَلَمْ يُجِبْنِي عَنِ الْوَالِدِ بِشَيْءٍ . فَكَتَبْتُ إِلَيْهِ فِي الرَّابِعَةِ كِتَابًا وَسَأَلْتُهُ أَنْ يَدْعُو اللَّهَ لِي أَنْ يَرْزُقَنِي وَلَدًا ، فَأَجَابَنِي وَكَتَبَ بِحَوَائِجِي ، فَكَتَبَ : اللَّهُمَّ ارزُقْهُ وَاَدَّ ذَكَرًا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ ، وَاجْعَلْ هَذَا الْحَمَلَ الَّذِي لَهُ وَارثَا ، فَوَزِدَ الْكِتَابُ وَأَنَا لَا أَعْلَمُ أَنَّ لِي حَمَلًا ، فَدَخَلْتُ إِلَى جَارِيَتِي ، فَسَأَلْتُهَا عَنْ ذَلِكَ ، فَأَخْبَرَتْنِي أَنَّ عَلَّتَهَا قَدْ ارْتَقَعَتْ فَوَلَدَتْ غُلَامًا . (1)

راجع: ج 2 ص 168 (من دعا له الإمام علي عليه السلام _ إلى _ من دعا له الإمام المهدي عليه السلام).

3 / 7 أولياء اللها الكتاب «وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ» . (2)

1- دلائل الإمامة: ص 525 ح 496، بحار الأنوار: ج 51 ص 303 ح 19 .

2- الشورى: 26 .

7 / 3 اولیای خدا

دلائل الإمامة_ به نقل از قاسم بن علاء: به صاحب الزمان علیه السلام سه نامه درباره سه مطلب نوشتم و [نیز] به ایشان خبر دادم که ستم بالا رفته و فرزندی ندارم. ایشان آن سه مطلب مرا پاسخ داد؛ اما درباره فرزند، جوابی به من نداد. برای بار چهارم، نامه ای نوشتم و از ایشان تقاضا کردم که دعا کنند خداوند به من فرزندی روزی کند. ایشان پاسخم را داد و درباره حوایجم نوشت و مرقوم فرمود: «بار خدایا! به او فرزند پسری روزی کن که چشمش را بدو روشن گردانی، و این بچه ای را که در شکم است، وارث او گردان». نامه را که دریافت کردم، نمی دانستم بچه ای در راه دارم. نزد کنیزم رفتم و در این باره از او پرسیدم. به من گفت که عیب و علّتش (نازایی اش) برطرف شده است، و پسری زایید.

ر. ک: ج 2 ص 169 (کسانی که امیر مؤمنان علیه السلام برایشان دعا کرد _ تا _ کسانی که امام مهدی برای ایشان دعا کرد).

7 / 3 اولیای خداقرآن «و [درخواست] کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، اجابت می کند و از فضل خویش به آنان زیاده می دهد؛ ولی برای کافران، عذاب سختی خواهد بود».

الحدِيثُ رسولَ الله صلى الله عليه وآله: إِحْذَرِ يَا أَسَامَةَ دُعَاءَ عِبَادِ اللَّهِ الَّذِينَ أَنهَكُوا الْأَبْدَانَ، وَصَاحِبُوا الْأَحْزَانَ، وَأَزَالُوا اللَّحُومَ، وَأَذَابُوا الشُّحُومَ، وَأَظْمَأُوا الْكُبُودَ، وَأَحْرَقُوا الْجُلُودَ بِالْأَرْيَاحِ وَالسَّمَائِمِ (1)، حَتَّى عَشِيَّتْ مِنْهُمْ الْأَبْصَارُ شَوْقًا إِلَى الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهِمْ، بَاهَى بِهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَعَشَّاهُمْ بِالرَّحْمَةِ، بِهِمْ يَدْفَعُ اللَّهُ الزَّلَازِلَ وَالْفِتْنََ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ عز وجل: مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ أَرْصَدَ لِمُحَارَبَتِي، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدٌ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَإِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالتَّافِلَةِ حَتَّى أُحِبَّهُ، فَإِذَا أَحَبَبْتُهُ، كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ، وَيَدَّهُ الَّتِي يَبِطِّشُ بِهَا؛ إِنْ دَعَانِي أُجِبْتُهُ، وَإِنْ سَأَلَنِي أُعْطِيتُهُ، وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ، كَتَرَدَّدِي عَنْ مَوْتِ الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: رُبَّ أَسْعَثَ أَغْبَرَ ذِي طَمْرِينٍ (4) مُدَقِّعٍ بِالْأَبْوَابِ، لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ عز وجل جَلَّابِرَةً. (5)

الإمام عليّ عليه السلام: الدَّاسُ فِي الدُّنْيَا عَامِلَانِ: ... وَعَامِلٌ عَمِلَ فِي الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا، فَجَاءَهُ الَّذِي لَهُ مِنَ الدُّنْيَا بِغَيْرِ عَمَلٍ، فَأَحْرَزَ الْحَظَّيْنِ مَعًا، وَمَلَكَ الدَّارَيْنِ جَمِيعًا، فَأَصْبَحَ وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، لَا يَسْأَلُ اللَّهَ حَاجَةً فَيَمْنَعُهُ. (6)

1- السَّمَائِمُ: جمع السَّموم؛ الريح الحارّة (لسان العرب: ج 12 ص 304 «سمم»).

2- التحصين لابن فهد: ص 21 ح 39 عن سعيد بن زيد بن عمرو بن نفيل.

3- الكافي: ج 2 ص 352 ح 7 عن حمّاد بن بشير، المحاسن: ج 1 ص 454 ح 1047 عن حنان بن سدير، مشكاة الأنوار: ص 256 ح 754 كلاهما نحوه وكلّهما عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 87 ص 31 ح 15؛ المعجم الكبير: ج 8 ص 206 ح 7833 عن أبي أمامة نحوه، كنز العمال: ج 1 ص 230 ح 1157.

4- الطَّمْر: الثوب الخلق (النهاية: ج 3 ص 138 «طمر»).

5- التوحيد: ص 400 ح 2، الأمالي للطوسي: ص 429 ح 959، الأمالي للصدوق: ص 470 ح 627 وفيه «مدقع» بدل «مدقع» وكلّهما عن أبي هريرة، بحار الأنوار: ج 75 ص 143 ح 7؛ صحيح مسلم: ج 4 ص 2024 ح 138 وص 2191 ح 48 وليس فيه «أغبر ذى طمرين»، المستدرک على الصحيحين: ج 4 ص 364 ح 7932 كلّها عن أبي هريرة نحوه، كنز العمال: ج 3 ص 152 ح 5924.

6- نهج البلاغة: الحكمة 269، بحار الأنوار: ج 78 ص 93 ح 106 نقلاً عن أعلام الدين نحوه.

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای اسامه! بر حذر باش از دعای آن بندگان خدا که بدن‌ها را فرسوده اند و با اندوه‌ها دمخورند، و گوشت‌ها [ی بدنشان] را ریخته‌اند و چربی‌ها را آب کرده‌اند، و جگرها را تشنگی داده‌اند و پوست‌ها را با بادهای سوزان سوزانده‌اند، تا آن‌که دیدگانشان از شوق به یگانه‌فهار، کور شد؛ چرا که خداوند هر گاه به ایشان بنگرد، به وجود آنان بر فرشتگان می‌نازد و آنها را غرق در رحمت می‌سازد. به برکت وجود ایشان است که خداوند زلزله‌ها و آشوب‌ها را دفع می‌کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل فرمود: «هر کس به ولی‌ای از اولیای من بی‌حرمتی کند، هر آینه برای جنگ با من آماده شده است. در نزد من، محبوب‌ترین وسیله تقرب بنده به من، آن چیزی است که بر او واجب گردانیده‌ام. و البته او به وسیله نوافل، خود را به من نزدیک می‌سازد، تا جایی که دوستش بدارم و چون او را دوست بدارم، من گوش شنوای او و چشم بینای او و زبان گویای او و دست توانای او می‌شوم. اگر مرا بخواند، پاسخش می‌گویم و اگر از من بخواهد، به او عطا می‌کنم. و من از کاری که می‌کنم، بر نمی‌گردم، آن سان که از مرگ مؤمن برمی‌گردم: او مرگ را خوش نمی‌دارد و من ناراحتی او را خوش نمی‌دارم» (1).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بسا ژولیده‌خاک آلود ژنده‌پوشی که از در خانه‌ها رانده می‌شود؛ اما اگر خداوند عز و جل را سوگند دهد، خداوند اجابتش می‌کند.

امام علی علیه السلام: مردم در دنیا دو گونه عمل می‌کنند: ... و یکی در دنیا برای زندگی پس از آن عمل می‌کند. چنین کسی نصیبش از دنیا، بدون تلاش، به او می‌رسد. در نتیجه، هر دو نصیب [دنیا و آخرت] را با هم می‌برد و هر دو سرای را به دست می‌آورد. پس در نزد خداوند، آبرومند است و هر حاجتی از خدا بخواهد، به او می‌دهد.

1- یعنی چون ناراحتی مؤمن را نمی‌توانم ببینم و تحمل کنم، مرگ او را از موعد مقرر به تأخیر می‌افکنم.

الإمام زين العابدين عليه السلام: لَكِنَّ الرَّجُلَ ، كُلَّ الرَّجُلِ ، نِعَمَ الرَّجُلِ ، هُوَ الَّذِي جَعَلَ هَوَاهُ تَبَعًا لِأَمْرِ اللَّهِ ، وَقُوَاهُ مَبْدُولَةً فِي رِضَى اللَّهِ ، يَرَى الدُّلَّ مَعَ الحَقِّ أَقْرَبَ إِلَى عِزِّ الأَبَدِ مِنَ العِزِّ فِي البَاطِلِ ... فَذَلِكُمْ الرَّجُلُ نِعَمَ الرَّجُلِ ، فِيهِ فَتَمَسَّكُوا ، وَبِسَدِّ نَبْتِهِ فَاقْتَدُوا ، وَإِلَى رَبِّكُمْ فِيهِ فَتَوَسَّلُوا ؛ فَإِنَّهُ لَا تُرَدُّ لَهُ دَعْوَةٌ ، وَلَا تُحْيَبُ لَهُ طَلِبَةٌ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام_ مِنْ وَصِيَّتِهِ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ _ : يَا بْنَ جُنْدَبٍ ، قَالَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ فِي بَعْضِ مَا أَوْحَى : إِنَّمَا أَقْبَلَ الصَّلَاةَ مِمَّنْ يَتَوَاضَعُ لِعَظَمَتِي ، وَيَكُفُّ نَفْسَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ مِنْ أَجْلِى ، وَيَقْطَعُ نَهَارَهُ بِذِكْرِي ، وَلَا يَتَعَظَّمُ عَلَيَّ خَلْقِي ، وَيُطْعِمُ الجَائِعَ وَيَكْسُو العَارِيَ ، وَيَرْحَمُ المُصَابَّ ، وَيُؤْوِي العَرِيبَ ، فَذَلِكَ يُشْرِقُ نُورُهُ مِثْلَ الشَّمْسِ ، أَجْعَلُ لَهُ فِي الظُّلْمَةِ نورا ، وَفِي الجَهَالَةِ حِلْمًا ، أَكَلُوهُ (2) بِعِزَّتِي ، وَأَسْتَحْفِظُهُ مَلَائِكَتِي ، يَدْعُونِي فَأَلْبِيهِ ، وَيَسْأَلُنِي فَأَعْطِيهِ . (3)

عنه عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى داوودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَنْ بَلِّغْ قَوْمَكَ أَنَّهُ لَيْسَ مِنْ عِبَادِ مَنْهُمُ أَمْرُهُ بِطَاعَتِي فَيُطِيعُنِي ، إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أُعِينَهُ عَلَيَّ طَاعَتِي ؛ فَإِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ ، وَإِنْ دَعَانِي أَجَبْتُهُ ، وَإِنْ اعْتَصَمَ بِي عَصَمْتُهُ ، وَإِنْ اسْتَكْفَانِي كَفَيْتُهُ ، وَإِنْ تَوَكَّلَ عَلَيَّ حَفِظْتُهُ ، وَإِنْ كَادَهُ جَمِيعُ خَلْقِي كِدَتْ دُونَهُ . (4)

- 1- الاحتجاج : ج 2 ص 162 ح 192 عن الإمام العسكري عن الإمام الرضا عليهما السلام ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص 55 ح 27 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 85 ح 10 .
- 2- الكلاءة : الحفظ والحراسة (النهاية : ج 4 ص 194 «كلاء»).
- 3- تحف العقول : ص 306 ، المحاسن : ج 1 ص 79 ح 44 و ص 458 ح 1059 كلاهما عن عبد الله بن ميمون القداح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 69 ص 391 ح 66؛ كنز العمال : ج 7 ص 530 ح 20104 نقلاً عن الديلمي عن حارثة بن وهب نحوه .
- 4- قصص الأنبياء : ص 198 ح 251 عن أبي حمزة الثمالي ، عدّة الداعي : ص 292 عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 376 ح 16 .

امام زین العابدین علیه السلام: اَمَّا مَرْدٌ ، كَامِلٌ مَرْدٌ ، نِيكُومَرْدٌ ، اَنْ مَرْدِيْ اَسْتِ كِه هُوسِ خُوِيْش رَا پِيرو فَرْمَانِ خُدَا قَرَار دَاَدِه وَ هَمِه نِيروِيْش رَا دَر جِهتِ خَشْنُوْدِيْ خُدَا صَرْفِ كَرْدِه اَسْت وَ خُوَارِ بُوْدِن ، اَمَّا بَا حَقِّ بُوْدِن رَا بِه عَزَّتِ اَبْدِيْ ، نَزْدِيكِ تَر اَز عَزَّتِ دَاشْتِن دَر سَايِه بَاطِلِ مِي دَاَنَد اِيْن اَسْت مَرْدٌ ، نِيكُومَرْدٌ ! پَس بِه دَاْمِنِ او چَنگِ دَر زَنِيْدِ وَ بِه رُوْشِ او اَقْتِدَا كُنِيْدِ وَ بَرَايِ تَقَرَّبِ بِه پَرُوْر دِگَار تَاْنِ بِه او تُوَسَّلِ جُوِيْدِ ؛ زِيْرَا هِيْچِ دَعَايِ او رَدِ نَمِيْ شُوْدِ وَ هِيْچِ دَر خُوَاَسْتِشِ بِيْ پَاْسَخِ نَمِيْ مَاْنَدِ .

امام صادق عليه السلام_ در توصيه هاي ايشان به عبد الله بن جندب _: اي پسر جندب! خداوند عز و جلدريكي از وحى هاي خود فرموده است: «همانا من نماز را از كسى مي پذيرم كه در برابر عظمت من ، فروتنى كند ؛ و به خاطر من ، نفس خويش را از خواهش ها باز دارد و روزش را به ياد من بگذراند و بر خَلقِ من بزرگي نكند و گرسنه را سير كند و برهنه را بپوشاند و به مصيبت زده رحم كند و غريب را پناه دهد . چنين كسى نورش چونان خورشيد مي تابد . در تاريخي برايش روشني قرار مي دهم ، و در [برابر] ناداني [ها] [بردباري] . با قدرتم او را ننگه مي دارم و فرشتگانم را به پاسباني از او مي گمارم . مرا مي خواند و من پاسخش مي دهم ، و از من درخواست مي كند و من به او عطا مي كنم» .

امام صادق عليه السلام : خداوند متعال به داوود عليه السلام وحى فرمود كه : «به قوم خود ابلاغ كن كه هيچ بنده اى از ايشان نيست كه به فرمان بردارى از خويش فرمانش دهم و او فرمانم برد ، جز آن كه بر عهده من است كه او را بر طاعتم يارى دهم . پس اگر از من بخواهد ، عطايش مي كنم ، اگر مرا بخواند ، پاسخش مي دهم ، اگر به من پناهنده شود ، پناهنش مي دهم ، اگر از من كفايت طلبد ، كفايتش مي كنم ، اگر به من توكل كند ، او را حفظ مي كنم و اگر همه آفريدگانم عليه او نقشه كشند ، من به سود او نقشه مي کشم» .

4 / 7 المؤمنون إذا دعوا في أمرٍ واحدٍ رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يجتمع ملاً فيدعوا بعضهم، ويؤمن البعض، إلا أجابهم الله. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: ما اجتمع ثلاثة قط بدعوة، إلا كان حقاً على الله أن لا ترد أيديهم. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: لا يجتمع أربعون رجلاً يدعون الله في أمرٍ واحدٍ، إلا استجاب الله لهم، حتى لو دعوا على جبلٍ لأزله. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: أيما ثلاثة مؤمنين اجتمعوا عند أخ لهم يأمنون بوائقه (4)، ولا يخافون غوائله (5)، ويرجون ما عنده، إن دعوا الله أجابهم، وإن سألوا أعطاهم، وإن استزادوا زادهم، وإن سكتوا ابتدأهم. (6)

عنه عليه السلام: ما اجتمع ثلاثة من المؤمنين فصاعداً إلا حصدت من الملائكة مثلهم، فإن دعوا بخير آمنوا، وإن استعاضوا من شر دعوا الله ليصرفه عنهم، وإن سألوا حاجةً تشفعوا إلى الله وسألوه قضاها. (7)

1- المستدرک علی الصحیحین : ج 3 ص 390 ح 5478 ، المعجم الكبير : ج 4 ص 22 ح 3536 وفيه «سائرهم» بدل «البعض» وكلاهما عن حبيب بن مسلمة ، كنز العمال : ج 2 ص 107 ح 3367 .

2- حلية الأولياء : ج 3 ص 226 عن أنس .

3- الفردوس : ج 5 ص 154 ح 7795 عن ابن عباس؛ الدعوات : ص 30 ح 56 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 394 ح 6 .

4- «بوائقه» أى غوائله وشروره ، واحداً بائقة ، وهى الداهية (النهاية : ج 1 ص 162 «بوق»).

5- الغوائل أى : المهالك ، جمع غائلة . غاله يغولهُ أى : ذهب به وأهلكه . والغائلة صفة لخصلة مهلكة (النهاية : ج 3 ص 397 «غول»).

6- الكافى : ج 2 ص 178 ح 14 عن صفوان الجمال ، عدّة الداعى : ص 175 وفيه «أيما مؤمنين أو ثلاثة» ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 198 ، بحار الأنوار : ج 74 ص 349 ح 14 .

7- الكافى : ج 2 ص 187 ح 6 عن غياث بن إبراهيم ، بحار الأنوار : ج 74 ص 261 ح 60 .

7 / 4 هر گاه مؤمنان درباره یک چیز دعا کنند

7 / 4 هر گاه مؤمنان درباره یک چیز دعا کنند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه جماعتی گرد هم آیند و برخی دعا کنند و برخی شان آمین گویند، حتما خداوند، دعایشان را اجابت می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگز سه نفر برای دعا کردن گرد نیامدند، مگر آن که بر خداست که دست آنان را پس نزنند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه چهل مرد گرد هم آیند و برای حاجتی واحد به درگاه خدا دعا کنند، حتما خداوند، دعایشان را اجابت می کند. حتی اگر کوهی را نفرین کنند، آن کوه را [با دعایشان] از جا برمی کنند.

امام صادق علیه السلام: چنانچه سه مؤمن در نزد برادری که از گزند او آسوده اند و از شرّش بیمناک نیستند و به خیرش امید دارند، گرد آیند، اگر خدا را بخوانند، اجابتشان می کند و اگر چیزی از او بخواهند، عطایشان می فرماید و اگر از او بیشتر بخواهند، بیشترشان می دهد و اگر سکوت کنند [و لب به خواهش نگشایند]، خداوند، بی درخواست به آنان عطا می کند.

امام صادق علیه السلام: هیچ گاه سه مؤمن [به بالا] گرد هم نمی آیند، مگر آن که به همان تعداد، فرشته [در جمع آنان] حاضر می شوند و اگر آنها دعای خیر کنند، آن فرشتگان «آمین» می گویند و اگر از شرّی [به خدا پناه] پناه جویند، آنان نیز دعا می کنند تا خداوند، آن شر را از ایشان بگرداند و اگر حاجتی درخواست کنند، آن فرشتگان، نزد خداوند شفاعت می نمایند و برآوردن آن حاجت را از او می خواهند.

عنه عليه السلام: مَا اجْتَمَعَ أَرْبَعَةٌ زَهَطٍ قَطُّ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ ، فَدَعُوا اللَّهَ إِلَّا تَفَرَّقُوا عَنْ إِجَابَةِ . (1)

عنه عليه السلام: مَا مِنْ زَهَطٍ أَرْبَعِينَ رَجُلًا ، اجْتَمَعُوا فَدَعُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَمْرٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُمْ ، فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا أَرْبَعِينَ فَأَرْبَعَةٌ يَدْعُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ ، إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُمْ ، فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا أَرْبَعَةً فَوَاحِدٌ يَدْعُو اللَّهَ أَرْبَعِينَ مَرَّةً ، فَيَسْتَجِيبُ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ لَهُ . (2)

عنه عليه السلام: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ ، جَمَعَ النِّسَاءَ وَالصِّبْيَانَ ، ثُمَّ دَعَا وَأَمَّنُوا . (3)

عنه عليه السلام: كَانَ فِيهَا وَعَظَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - بِهَ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ... يَا عَيْسَى ، تَبَّ إِلَيَّ بَعْدَ الذَّنْبِ ، وَذَكَرَ بِي الْأَوَابِينَ ، وَأَمِنْ بِي ، وَتَقَرَّبَ إِلَى الْمُؤْمِنِينَ ، وَمُرْهُمُ يَدْعُونِي مَعَكَ . (4)

سعد السعود: مِنْ سُدُنِ إِدْرِيسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَهُوَ بِخَطِّ عَيْسَى نَقَلَهُ مِنَ الشَّرِيفَانِيِّ إِلَى الْعَرَبِيِّ : ... أَدْعُوا اللَّهَ فِي أَكْثَرِ أَوْقَاتِكُمْ مُتَعَاضِدِينَ مُتَأَلِّهِينَ فِي دُعَائِكُمْ ؛ فَإِنَّهُ إِنْ يَعْلَمَ مِنْكُمْ التَّطَافُرَ وَالتَّوَارُرَ يُجِيبُ دُعَاءَكُمْ ، وَيَقْضِي حَاجَاتِكُمْ ، وَيُبَلِّغُكُمْ آمَالَكُمْ ، وَيُقْضِي عَطَايَاكُمْ مِنْ خَزَائِنِهِ الَّتِي لَا تَقْنَى . (5)

-
- 1- الكافي : ج 2 ص 487 ح 2 ، ثواب الأعمال : ص 193 ح 1 ، عدّة الداعي : ص 145 ، المواعظ العددية : ص 396 كلّها عن عبد الأعلى ، الدعوات : ص 29 ح 55 وليس فيه «رَهَط» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 394 ح 4 .
 - 2- الكافي : ج 2 ص 487 ح 1 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 17 ح 2032 ، عدّة الداعي : ص 144 ، المواعظ العددية : ص 396 كلّها عن أبي خالد ، بحار الأنوار : ج 93 ص 316 ح 21 .
 - 3- الكافي : ج 2 ص 487 ح 3 ، عدّة الداعي : ص 146 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 18 ح 2033 ، الدعوات : ص 29 ح 54 وفيه «أحزبه» بدل «حزنه» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 316 ح 21 .
 - 4- الأُمالي للصدوق : ص 606 _ 609 ح 841 عن أبي بصير ، الكافي : ج 8 ص 134 ح 103 عن عليّ بن أسباط عنهم عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 140 ، أعلام الدين : ص 229 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 291 ح 14 .
 - 5- سعد السعود : ص 39 ، بحار الأنوار : ج 11 ص 283 ح 11 .

امام صادق علیه السلام: هیچ گاه چهار تن گرد هم نیامدند و برای مطلبی واحد به درگاه خدا دعا نکردند ، مگر این که با اجابت آن از هم جدا شدند.

امام صادق علیه السلام: هیچ گاه چهل مرد گرد هم نیامدند و برای کاری به درگاه خداوند عز و جلدعا نکردند ، مگر آن که خداوند ، دعایشان را اجابت کرد. اگر چهل نفر نبودند ، چهار نفر ، ده بار دعا کنند ، حتما خداوند دعایشان را اجابت می کند و اگر چهار نفر نبودند ، یک نفر ، چهل بار دعا کند ، خداوند عزیز جبار ، دعایش را اجابت می کند.

امام صادق علیه السلام: پدرم [امام باقر علیه السلام] ، هر گاه پیشامدی اندوهناکش می ساخت ، زنان و کودکان را گرد می آورد ، سپس دعا می کرد و آنها «آمین» می گفتند.

امام صادق علیه السلام: از جمله اندرزهای خداوند _ تبارک و تعالی _ به عیسی بن مریم علیه السلام این بود : « ... ای عیسی! بعد از گناه ، به درگاه من توبه کن و مرا به توبه کنندگان ، یادآور شو و به من ، ایمان بیاور و به مؤمنان ، نزدیک شو و به آنان بفرما که همراه تو مرا بخوانند».

سعد السعود: از سنّت های ادریس علیه السلام که به خطّ عیسی (1) است و آن را از سّریانی به عربی برگردانیده ، این است : « ... در بیشتر اوقاتان ، خدا را بخوانید و در دعایتان ، همیار و هم آوا باشید ؛ زیرا خداوند ، چنانچه همیاری و اتحاد در شما ببیند ، دعایتان را اجابت می کند ، حاجت هایتان را برآورده می سازد و شما را به آرزوهایتان می رساند و عطایای خویش را از خزانه های پایان ناپذیرش بر شما سرازیر می کند».

1- مقصود از عیسی ، در این جا ، ظاهرا مترجم متن مذکور به عربی است .

5 / 7 المؤمن رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِكُلِّ مُسْلِمٍ دَعْوَةً مُسْتَجَابَةً ، يَدْعُوهَا فَيَسْتَجِيبُ لَهَا . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: لِلْمُؤْمِنِ فِي كُلِّ يَوْمٍ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِحْذَرُوا دَعْوَةَ الْمُؤْمِنِ وَفِرَاسَتَهُ ؛ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ ، وَيَنْظُرُ بِالتَّوْفِيقِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام: اسْتَكْثَرُوا مِنَ الْإِخْوَانِ ؛ فَإِنَّ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ دَعْوَةً مُسْتَجَابَةً . (4)

المراسيل عن أبي قلابة عن رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا يَزَالُ فِي أُمَّتِي شَيْعَةٌ ، لَا يَدْعُونَ اللَّهَ بِشَيْءٍ إِلَّا اسْتَجَابَ لَهُمْ ، بِهِمْ تُنصَرُونَ ، وَبِهِمْ تُمَطَّرُونَ . وَحَسِبْتُ أَنَّهُ قَالَ : _ وَبِهِمْ يُدْفَعُ عَنْكُمْ . (5)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا ، قَبِلَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ صَلَاتَهُ وَصِيَامَهُ وَقِيَامَهُ ، وَاسْتَجَابَ دُعَاؤَهُ . (6)

عنه صلى الله عليه وآله: لَمَّا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... نَادَى رَبُّنَا عَزَّ وَجَلَّ : يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ ، إِنَّ قَضَائِي عَلَيْكُمْ : أَنْ رَحِمْتِي سَبَقَتْ غَضَبِي ، وَعَفْوِي قَبْلَ عِقَابِي ، فَقَدْ اسْتَجَبْتُ لَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَدْعُونِي ، وَأَعْطَيْتُكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَسْأَلُونِي . (7)

1- .حلية الأولياء: ج 9 ص 319 و ج 8 ص 257 كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 2 ص 71 ح 3175 .

2- .كنز العمال: ج 1 ص 165 ح 825 نقلاً عن تمام عن أبي سعيد الخدرى .

3- .حلية الأولياء: ج 4 ص 81 عن ثوبان، كنز العمال: ج 11 ص 97 ح 30769 .

4- .مصادقة الإخوان: ص 150 ح 1 .

5- .المراسيل: ص 176 ح 7 .

6- .مائة منقبة: ص 149، إرشاد القلوب: ص 235، أعلام الدين: ص 464، كشف الغمّة: ج 1 ص 104 كلّها عن ابن عمر، بحار

الأنوار: ج 27 ص 120 ح 100؛ المناقب للخوارزمي: ص 72 ح 51، مقتل الحسين للخوارزمي: ج 1 ص 40 كلاهما عن ابن عمر .

7- .عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 283 ح 30، علل الشرايع: ص 418 ح 3، بشارة المصطفى: ص 214 كلّها عن محمد

بن زياد ومحمد بن سيّار عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 419 ح 12 عن الإمام العسكري

عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 92 ص 225 ح 2 .

5/7 مؤمنپيامبر خدا صلى الله عليه و آله : هر مسلماني يك دعای اجابت شده دارد که به آن دعا می کند و خدا آن را مستجاب می کند.

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : برای مؤمن در هر روز ، يك دعا مستجاب می شود.

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : از دعای مؤمن و روشن بینی او بر حذر باشید ؛ چرا که او با نور خدا می بیند و با توفیق [الهی] می نگرد.

امام صادق علیه السلام : بر شمار برادران [دینی] خود بیفزایید ؛ چرا که هر مؤمنی ، يك دعای اجابت شده دارد.

المراسیل_ به نقل از ابو قلابه_ : پيامبر خدا فرمود : «همواره در اُمت من ، گروهی هستند که هر دعایی به درگاه خدا کنند ، دعایشان را مستجاب می کند . به واسطه آنان است که شما یاری داده می شوید و به برکت وجود ایشان است که باران بر شما می بارد» و به گمانم فرمود : «و به واسطه ایشان است که [بلا] از شما دفع می شود».

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : هر کس علی را دوست بدارد ، خداوند متعال نماز و روزه و شب زنده داری هایش را می پذیرد و دعایش را مستجاب می کند.

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله : چون خداوند عز و جل موسی بن عمران علیه السلام را برانگیخت ... ، پروردگار ما عز و جل ندا داد : «ای اُمت محمّد ! حُکم من بر شما این است که : مِهْر من بر خشم من پیشی دارد و گذشتم بر کیفرم . پیش از آن که مرا بخوانید ، پاسختان می دهم و پیش از آن که از من بخواهید ، به شما عطا می کنم».

ثواب الأعمال عن سهل بن سعد الأنصاري: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا» (1) قَالَ: كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ كِتَابًا قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْخَلْقَ بِالْفِي عَامٍ، فِي وَرَقٍ آسٍ أُنْبَتَهُ، ثُمَّ وَصَدَّعَهَا عَلَى الْعَرْشِ، ثُمَّ نَادَى: يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ، إِنَّ رَحْمَتِي سَدَبَقَتْ غَضَبِي، أُعْطِيتُكُمْ قَبْلَ أَنْ تَسْأَلُونِي، وَغَفَرْتُ لَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَسْتَغْفِرُونِي، فَمَنْ لَقِينِي مِنْكُمْ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدِي وَرَسُولِي، أَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِي. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: لَوْ أَنَّ شِيعَتَنَا اسْتَقَامُوا لَصَافَحْتَهُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَلَا ظَلَمَهُمُ الْغَمَامُ، وَلَا شَرَقُوا نَهَارًا، وَلَا كَلَمُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ، وَلَمَّا سَأَلُوا اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُمْ. (3)

المؤمن عن الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا دَعَا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَجَابَهُ _ [قَالَ الرَّاوي]: فَشَخِصَ بَصْرِي نَحْوَهُ إِعْجَابًا بِمَا (4) قَالَ _ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ لِحَلْقِهِ. (5)

6/7 الإمامُ رسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا فَاعْتَنِمُوا دُعَاءَ الْعَالِمِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَسْتَجِيبُ دُعَاءَهُ فِيمَنْ دَعَاهُ. (6)

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الرَّجُلَ الْعَالِمَ مِنْ شِيعَتِنَا إِذَا حَفِظَ لِسَانَهُ، وَطَابَ نَفْسًا بِطَاعَةِ أَوْلِيَانِهِ، ... إِنْ سَأَلَ أُعْطِيَ، وَإِنْ دَعَا أُجِيبَ، وَإِنْ طَلَبَ أَدْرَكَ، وَإِنْ نَصَرَ مَظْلُومًا عَزَّ. (7)

1- القصص: 46.

2- ثواب الأعمال: ص 25 ح 2، تفسير فرات: ص 316 ح 426، تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 417 ح 10 كلاهما عن أبي سعيد المدائني عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 3 ص 12 ح 24 و ج 24 ص 266 ح 30.

3- تحف العقول: ص 302، بحار الأنوار: ج 78 ص 280 ح 1.

4- في المصدر: «بها» بدل «بما»، وما أثبتناه من بحار الأنوار.

5- المؤمن: ص 34 ح 69، بحار الأنوار: ج 67 ص 65 ح 17.

6- جامع الأخبار: ص 111 ح 195 عن الإمام علي عليه السلام.

7- دعائم الإسلام: ج 1 ص 65.

ثواب الأعمال_ به نقل از سهل بن سعد انصاری_: از پیامبر خدا درباره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم که: «و آن گاه که [موسی را] ندا دادیم، تو در جانب طور نبودی». فرمود: «خدای عز و جل، دو هزار سال پیش از آن که خلق را بیافریند، در برگ درخت موزد که آن را رویاند، نبشته ای نوشت. سپس آن را بر عرش نهاد. آن گاه ندا داد: ای امت محمد! مهر من بر خشم من پیشی دارد. پیش از آن که از من بخواهید، به شما عطا کردم و پیش از آن که از من آمرزش بطلبید، شما را آمرزیدم. پس، هر یک از شما مرا در حالی دیدار کند که گواهی می دهد معبودی جز من نیست و محمد، بنده و فرستاده من است، با مهر خویش او را به بهشت درمی آورم».

امام صادق علیه السلام: اگر شیعیان ما استوار بودند، هر آینه فرشتگان با آنان دست می دادند و ابر بر سرشان سایه می افکند و در روز می درخشیدند (/ چون روز می درخشیدند). و از بالای سرشان و از زیر پایشان روزی می خوردند و هر چه از خدا می خواستند، به آنها می داد.

المؤمن: امام صادق علیه السلام فرمود: «مؤمن هر گاه خدای عز و جل را بخواند، خداوند پاسخش می دهد». [راوی گفت:] من از تعجب، چشمم به سوی ایشان خیره شد. فرمود: «رحمت خداوند، خلقتش را فراگرفته است».

6 / 7 عالم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هان! دعای عالم را غنیمت شمارید؛ زیرا خداوند از میان کسانی که او را می خوانند، دعای عالم را می پذیرد.

امام باقر علیه السلام: عالم از شیعیان ما، اگر زبانش را نگه دارد و از اولیای خدا صادقانه و با طیب خاطر اطاعت کند ...، هر گاه [از خداوند] درخواست کند، به او عطا می شود و هر گاه دعا کند، اجابت می شود و هر گاه بخواهد می یابد و هر گاه ستم دیده ای را یاری دهد، پشتیبانی می شود.

7 / 7 المُجَاهِدُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اتَّقُوا أَدَى الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَغْضَبُ لَهُمْ، كَمَا يَغْضَبُ لِلرُّسُلِ، وَيَسْتَجِيبُ لَهُمْ، كَمَا يَسْتَجِيبُ لِلرُّسُلِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: دَعَا مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَمَّنَ هَارُونَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَمَّتِ الْمَلَائِكَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ، فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا» (2)، وَمَنْ غَزَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اسْتَجِيبَ لَهُ، كَمَا اسْتَجِيبُ لَكُمْ [إلى] (3) يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (4)

7 / 8 الْمُؤَذِّنُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمُؤَذِّنُونَ أَمْنَاءُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ، وَلُحُومِهِمْ وَدِمَائِهِمْ، لَا يَسْأَلُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُمْ، وَلَا يَشْفَعُونَ فِي شَيْءٍ إِلَّا شَفَّعُوا. (5)

1- الفردوس: ج 1 ص 95 ح 309 عن الإمام عليّ عليه السلام، كنز العمال: ج 4 ص 314 ح 10664.

2- يونس: 89.

3- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.

4- الكافي: ج 2 ص 510 ح 8 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، الجعفريات: ص 76، النوادر للراوندي: ص 137 ح 181 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام: ج 1 ص 343 نحوه والثلاثة الأخيرة عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 13 ص 359 ح 70.

5- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 292 ح 905، الأمالي للصدوق: ص 280 ح 310، روضة الواعظين: ص 344 كلّها عن بلال، بحار الأنوار: ج 84 ص 124 ح 21.

7 / 7 مجاهد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از آزار دادن مجاهدانِ راه خدا بپرهیزید؛ زیرا خداوند عز و جل برای آنان به خشم می آید، چنان که برای پیامبران به خشم می آید، و دعایشان را مستجاب می کند، چنان که دعای پیامبران را مستجاب می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: موسی علیه السلام دعا کرد و هارون علیه السلام و فرشتگان، آمین گفتند. خداوند _ تبارک و تعالی _ فرمود: «دعای شما دو تن پذیرفته شد. پس استوار باشید» و تا روز قیامت، هر که در راه خدا جهاد کند، دعایش را می پذیرم، همچنان که دعای شما را پذیرفتم.

7 / 8 مؤذّن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤذّنان، امین (مورد اعتماد) مؤمنین در نمازها و روزه هایشان و گوشت ها و خون هایشان هستند. هر چه از خداوند عز و جل بخواهند، به آنان می دهد و در هر کاری شفاعت (وساطت) کنند، شفاعتشان پذیرفته می شود.

7 / 9 الصائِمُ رسول الله صلى الله عليه وآله: الصائِمُ لا تُرَدُّ دَعْوَتُهُ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلصَّائِمِ عِنْدَ فِطْرِهِ لَدَعْوَةَ مَا تُرَدُّ . (2)

الإمام الحسن عليه السلام: إِنَّ لِكُلِّ صَائِمٍ عِنْدَ فُطُورِهِ دَعْوَةَ مُسْتَجَابَةً . (3)

رسول الله صلى الله عليه وآله: نَوْمُ الصَّائِمِ عِبَادَةٌ، وَسُكُوتُهُ تَسْبِيحٌ، وَدُعَاؤُهُ مُسْتَجَابٌ، وَعَمَلُهُ مُتَقَبَّلٌ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله: دَعْوَةُ الصَّائِمِ تُسْتَجَابُ عِنْدَ إِفْطَارِهِ . (5)

7 / 10 مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا الْإِمَامَ الْبَاقِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ فَطَّرَ مُؤْمِنًا لَيْدَةً مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِذَلِكَ مِثْلَ أَجْرِ مَنْ أَعْتَقَ نَسَمَةً مُؤْمِنَةً، وَمَنْ فَطَّرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ كُلَّهُ، كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بِذَلِكَ أَجْرَ مَنْ أَعْتَقَ ثَلَاثِينَ نَسَمَةً مُؤْمِنَةً، وَكَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ .

(6)

- 1- .مسند ابن حنبل: ج 3 ص 519 ح 10187 ، مسند إسحاق بن راهويه: ج 1 ص 320 ح 303 كلاهما عن أبي هريرة؛ عدّة الداعي: ص 117 ، بحار الأنوار: ج 96 ص 256 ح 36 .
- 2- .سنن ابن ماجة: ج 1 ص 557 ح 1753 ، شُعَبُ الْإِيمَانِ: ج 3 ص 407 ح 3904 ، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 583 ح 1535 وليس فيه «ما تردّ» وكلّها عن عبد الله بن عمرو بن العاص ، كنز العمال: ج 8 ص 447 ح 23585؛ الدعوات: ص 27 ح 46 عن الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار: ج 96 ص 255 ح 33 .
- 3- .الإقبال: ج 1 ص 244 عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج 98 ص 14 ح 2 .
- 4- .شُعَبُ الْإِيمَانِ: ج 3 ص 415 ح 3938 عن عبد الله بن أبي أوفى ، كنز العمال: ج 8 ص 443 ح 23562؛ كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 76 ح 1783 ، ثواب الأعمال: ص 75 ح 3 عن الحسين بن أحمد عن أبيه وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، الدعوات: ص 27 ح 45 عن أبي الحسن عليه السلام وكلّها نحوه ، بحار الأنوار: ج 93 ص 360 ح 21 .
- 5- .مكارم الأخلاق: ج 1 ص 69 ح 84 ، المقنعة: ص 320 ، بحار الأنوار: ج 96 ص 315 ح 17 .
- 6- .المقنعة: ص 342 ، المحاسن: ج 2 ص 158 ح 1429 عن أبي بصير ، عوالي اللآلى: ج 1 ص 353 ح 18 .

7 / 9 روزه دار

7 / 10 کسی که روزه داری را افطاری دهد

7 / 9 روزه دار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزه دار ، دعایش رد نمی شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دعای روزه دار در هنگام افطار ، رد نمی شود.

امام حسن علیه السلام: برای هر روزه داری در هنگام افطارش ، یک دعای مستجاب است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خواب شخص روزه دار ، عبادت ، و سکوتش تسبیح ، و دعایش مستجاب ، و عملش پذیرفته است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دعای روزه دار در هنگام افطارش ، مستجاب می شود.

7 / 10 کسی که روزه داری را افطاری دهد امام باقر علیه السلام: هر مؤمنی ، که یک شب از ماه رمضان را به مؤمنی افطاری دهد ، خداوند

بدین سبب برای او همانند اجر کسی را می نویسد که بنده مؤمنی را آزاد کند ، و هر کس تمام ماه رمضان را به او افطاری دهد ، خدای

متعالم بدین سبب برای او اجر کسی را می نویسد که سی بنده مؤمن آزاد کند ، و نیز بدین سبب در نزد خدا دعایی مستجاب دارد.

الإمام الصادق عليه السلام: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا لَيْلَةً مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِذَلِكَ مِثْلَ أَجْرِ مَنْ أَعْتَقَ ثَلَاثِينَ نَسَمَةً مُؤْمِنَةً، وَكَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلْدَعَوَةٌ مُجَابَةً. (1)

11/7 مَنْ فَرَّجَ عَنِ مَكْرُورٍ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَرَادَ أَنْ تُسْتَجَابَ دَعْوَتُهُ وَأَنْ تُكْشَفَ كُرْبَتُهُ، فَلْيَفْرِجْ عَنِ مُعْسِرٍ. (2)

12/7 الْمَظْلُومُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِتَّقِ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ؛ فَإِنَّهَا لَيْسَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ. (3)

عنه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِتَّقُوا دَعْوَاتِ الْمَظْلُومِ؛ فَإِنَّهَا تَصْعَدُ إِلَى السَّمَاءِ كَأَنَّهَا شَرَارٌ. (4)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَبِي يَقُولُ: إِتَّقُوا الظُّلْمَ؛ فَإِنَّ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ تَصْعَدُ إِلَى السَّمَاءِ. (5)

-
- 1- ثواب الأعمال: ص 164 ح 1 عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج 96 ص 316 ح 1.
 - 2- مسند ابن حنبل: ج 2 ص 248 ح 4749، مسند أبي يعلى: ج 5 ص 277 ح 5687 وفيه «فلييسر على معسر» وكلاهما عن ابن عمر، كنز العمال: ج 6 ص 215 ح 15398.
 - 3- صحيح البخاري: ج 2 ص 864 ح 2316، سنن أبي داود: ج 2 ص 104 ح 1584، سنن الترمذي: ج 4 ص 368 ح 2014، سنن النسائي: ج 5 ص 55، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 568 ح 1783، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 502 ح 2071 كلها عن ابن عباس، صحيح مسلم: ج 1 ص 50 ح 29 عن معاذ، كنز العمال: ج 6 ص 295 ح 15773.
 - 4- المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 83 ح 81 عن ابن عمر، كنز العمال: ج 3 ص 500 ح 7601.
 - 5- الكافي: ج 2 ص 509 ح 4 عن سماعة، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 21 ح 2050 وفيه «دعوة المظلوم» بدل «الظلم»، بحار الأنوار: ج 93 ص 358 ح 16.

7 / 11 کسی که غم زده ای را شاد کند

7 / 12 ستم دیده

امام صادق علیه السلام: هر مؤمنی که مؤمنی را یک شب از ماه رمضان اطعام کند، خداوند بدین سبب برای او همانند مزد کسی را می نویسد که سی بنده مؤمن آزاد کند، و نیز بدین سبب، او را نزد خداوند عز و جل دعایی اجابت شده است.

7 / 11 کسی که غم زده ای را شاد کند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس می خواهد دعایش مستجاب و اندوهش زدوده شود، باید اندوه را از گرفتار و درمانده بگسارد.

7 / 12 ستم دیده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از نفرین ستم دیده بترس؛ زیرا میان او و خدا هیچ حجابی نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از دعاهای ستم دیده بترسید؛ زیرا همچون شراره به آسمان بالا می روند.

امام صادق علیه السلام: پدرم بارها می فرمود: «از ستم کردن دوری کنید؛ زیرا نفرین ستم دیده، به آسمان بالا می رود».

رسول الله صلى الله عليه وآله: اِتَّقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ - وَإِنْ كَانَ كَافِرًا - فَإِنَّهُ لَيْسَ دُونَهَا حِجَابٌ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله - تَقَالًا عَنْ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ فِي دَعْوَةِ الْمَظْلُومِ -: إِنِّي لَا أُزْدُّهَا وَإِنْ كَانَتْ مِنْ كَافِرٍ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ مُسْتَجَابَةٌ ، وَإِنْ كَانَ فَاجِرًا فَفُجُورُهُ عَلَى نَفْسِهِ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا ظَلِمَ فَلَمْ يَنْتَصِرْ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ مَنْ يَنْصُرُهُ ، رَفَعَ طَرَفَهُ إِلَى السَّمَاءِ ، فَدَعَا اللَّهَ ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَبَّيْكَ عَبْدِي أَنَا أَنْصُرُكَ عَاجِلًا وَأَجَلًا . (4)

عنه صلى الله عليه وآله: إِيَّاكُمْ وَدَعْوَةَ الْمَظْلُومِ ؛ فَإِنَّهَا تُرْفَعُ فَوْقَ السَّحَابِ حَتَّى يَنْظُرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا ، فَيَقُولُ : اِرْفَعُوهَا حَتَّى أَسْتَجِيبَ لَهُ . (5)

عنه صلى الله عليه وآله: إِيَّاكَ وَدَعْوَةَ الْمَظْلُومِ ؛ فَإِنَّمَا يَسْأَلُ اللَّهُ حَقَّهُ ، وَإِنَّ اللَّهَ لَا يَمْنَعُ ذَا حَقٍّ حَقَّهُ . (6)

1- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 306 ح 12551 ، الفردوس : ج 1 ص 381 ح 1532 نحوه وكلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج 3 ص 500 ح 7602 .

2- .الخصال : ص 525 ح 13 ، معاني الأخبار : ص 334 ح 1 ، الأمالى للطوسى : ص 540 ح 1163 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 382 ح 2661 وزاد فى ذيلهما «أو فاجر فجوره على نفسه» وكلها عن أبى ذرّ ، بحار الأنوار : ج 77 ص 71 ح 1؛ صحيح ابن حبان : ج 2 ص 78 ح 361 ، تاريخ دمشق : ج 23 ص 275 ، حلية الأولياء : ج 1 ص 167 كلها عن أبى ذرّ ، كنز العمال : ج 16 ص 133 ح 44158 .

3- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 296 ح 8803 ، المصنّف لابن أبى شيبة : ج 7 ص 59 ح 5 ، مسند الطيالسى : ص 306 ح 2330 ، تاريخ بغداد : ج 2 ص 272 ح 742 ، مسند الشهاب : ج 1 ص 208 ح 315 كلها عن أبى هريرة ، كنز العمال : ج 2 ص 106 ح 3364؛ الأمالى للطوسى : ص 311 ح 628 عن أبى هريرة نحوه ، بحار الأنوار : ج 93 ص 356 ح 7 .

4- .الفردوس : ج 1 ص 196 ح 740 عن أبى الدرداء ، كنز العمال : ج 3 ص 506 ح 7648 ؛ تنبيه الخواطر : ج 2 ص 200 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 329 .

5- .الكافى : ج 2 ص 509 ح 3 ، عدّة الداعى : ص 121 كلاهما عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 361 ح 23 .

6- .الفردوس : ج 1 ص 389 ح 1568 ، ذخائر العقبى : ص 170 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنز العمال : ج 3 ص 507 ح 7649 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از دعای ستم دیده بترسید _ اگرچه کافر باشد _ ؛ چرا که در برابر آن ، هیچ مانعی نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ به نقل از صَدْحُف ابراهیم ، از خداوند ، درباره نفرین ستم دیده _: من آن را رد نمی کنم ، اگرچه از جانب کافری باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دعای ستم دیده مستجاب می شود ، هر چند آن ستم دیده گنهکار باشد ؛ زیرا گناهِش بر عهده اوست [و کیفرش را خواهد چشید].

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه به بنده ای ستم شود و نتواند داد خویش را بستاند و یآوری هم نداشته باشد ، [اگر] نگاهش را به سوی آسمان بردارد و خدا را بخواند ، خداوند عز و جلمی فرماید: «بله ، بنده ام! من خود ، تو را در (/ دنیا و آخرت) دیر یا زود یاری خواهم داد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از نفرین ستم دیده پرهیزید ؛ چرا که بر فراز ابرها می رود تا خدای عز و جلدان بنگرد و بفرماید: «فرازش آورید تا بپذیرمش».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زنهار از دعای ستم دیده ؛ زیرا او از خدا حَقَّش را درخواست می کند و خدا هیچ صاحب حَقِّی را از حَقَّش محروم نمی کند.

الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ مُجَابَةٌ عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ؛ لِأَنَّهُ يَطْلُبُ حَقَّهُ، وَاللَّهُ تَعَالَى أَعَدَّ أَنْ يَمْنَعَ ذَا حَقِّ حَقَّهُ. (1)

عنه عليه السلام: ائْتُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ؛ فَإِنَّهُ يَسْأَلُ اللَّهَ حَقَّهُ، وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ حَقًّا إِلَّا أَجَابَ. (2)

عنه عليه السلام: أَنْفَذُ السَّهَامِ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ. (3)

الإمام الحسن عليه السلام: بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ: دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ، وَمَدُّ الْبَصَرِ. (4)

الإمام الصادق عليه السلام: إِيَّاكُمْ أَنْ تُعِينُوا عَلَيَّ مُسْلِمٍ مَظْلُومٍ فَيَدْعُو اللَّهَ عَلَيْكُمْ، وَيُسْتَجَابَ لَهُ فِيكُمْ؛ فَإِنَّ أَبَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ: إِنَّ دَعْوَةَ الْمُسْلِمِ الْمَظْلُومِ مُسْتَجَابَةٌ. (5)

الكافي عن عليّ بن أسباط عنهم عليهم السلام: فيما وَعَظَ اللَّهُ عز و جل بِهِ عيسى عليه السلام: يا عيسى... إِيَّاكَ وَدَعْوَةَ الْمَظْلُومِ؛ فَإِنِّي آلَيْتُ عَلَى نَفْسِي أَنْ أَفْتَحَ لَهَا بَابًا مِنَ السَّمَاءِ بِالْقَبُولِ، وَأَنْ أُجِيبَهُ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ. (6)

جامع الأحاديث للقمي عن مكحول: قِيلَ لِأَبِي ذَرِّ الْغِفَارِيِّ: ... أَيُّ الدَّاعِي أَسْرَعُ إِجَابَةً؟ قَالَ: الْمَظْلُومُ الَّذِي لَا نَاصِرَ لَهُ إِلَّا اللَّهُ. (7)

1- غرر الحكم: ح 3498.

2- غرر الحكم: ح 2510، عيون الحكم والمواعظ: ص 88 ح 2088.

3- غرر الحكم: ح 2979 وراجع عيون الحكم والمواعظ: ص 267 ح 4892.

4- الخصال: ص 441 ح 33، الاحتجاج: ج 2 ص 15 ح 149 كلاهما عن محمد بن قيس عن الإمام الباقر عليه السلام، تحف العقول: ص 229، تاريخ يعقوبى: ج 2 ص 209 نحوه، الغارات: ج 1 ص 188 عن الأصبغ بن نباتة وكلاهما عن الإمام عليّ، بحار الأنوار: ج 10 ص 130 ح 1.

5- الكافي: ج 8 ص 8 ح 1 عن إسماعيل بن مخلد السراج وإسماعيل بن جابر وحفص المؤذن، تحف العقول: ص 315، بحار الأنوار: ج 78 ص 217 ح 93 و ص 295 ح 3.

6- الكافي: ج 8 ص 131 ح 103، الأمالي للصدوق: ص 609 ح 841 عن أبي بصير وفيه «وَأَيْت» بدل «آلَيْت»، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 140 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 14 ص 292 ح 14.

7- جامع الأحاديث للقمي: ص 178 - 179.

امام علی علیه السلام: دعای ستم دیده به درگاه خداوند پاک، پذیرفته می شود؛ چرا که او حقّ خویش را می طلبد و خدای متعال، دادگتر از آن است که حقّ حقداری را از او باز دارد.

امام علی علیه السلام: از نفرین ستم دیده بترسید؛ چرا که او حقّ خود را از خداوند می خواهد و خدای پاک، کریم تر از آن است که حقّی از او خواسته شود و ندهد.

امام علی علیه السلام: کارگترین تیرها، دعای ستم دیده است.

امام حسن علیه السلام: میان آسمان و زمین، به اندازه دعای ستم دیده و امتداد نگاه، فاصله است.

امام صادق علیه السلام: زنهار که علیه مسلمان ستم دیده ای یاری دهید که اگر به درگاه خدا نفرینتان کند، نفرینش در حقّ شما مستجاب می شود. پدرمان پیامبر خدا می فرمود: «دعای مسلمان ستم دیده، مستجاب است».

الکافی_ به نقل از علی بن اسباط، از امامان علیهم السلام_: از اندرزه‌های خداوند عز و جل به عیسی علیه السلام این بود که: «ای عیسی! از دعای ستم دیده بترس؛ زیرا من با خود عهد بسته ام که در آسمان را به روی آن بکشایم و دعای او را، ولو پس از چندی، اجابت کنم».

جامع الأحادیث، قمی_ به نقل از مکحول_: به ابوذر غفاری گفته شد: ... دعای کدام دعاکننده زودتر اجابت می شود؟ گفت: ستم دیده ای که یآوری جز خدا ندارد.

13 / 7 المُنْضَطَّرُ الكِتَابُ «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُنْضَطَّرَ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ الشُّوْءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَيْلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ» . (1)

راجع : ص 100 (ذم من لا يدعو إلا عند نزول البلاء) .

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله - لجابر بن سليم : أَنَا رَسُولُ اللَّهِ الَّذِي إِذَا أَصَابَكَ ضُرٌّ فَدَعَوْتَهُ كَشَفَهُ عَنْكَ ، وَإِنْ أَصَابَكَ عَامٌ سَنَةٍ (2) فَدَعَوْتَهُ أَنْتَبَهْتَ لَكَ ، وَإِذَا كُنْتَ بِأَرْضٍ قَفْرَاءَ أَوْ فَلَاحٍ فَضَلَّتْ رَاحِلَتُكَ ، فَدَعَوْتَهُ ، رَدَّهَا عَلَيْكَ . (3)

الإمام الباقر عليه السلام : كَانَ دُعَاءُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِيَدَّةِ الْأَحْزَابِ : يَا صَدْرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ ، وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُنْضَطَّرِينَ ، وَيَا كَاشِفَ غَمِّي ، أَكْشِفْ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكُرْبِي ؛ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ حَالِي وَحَالَ أَصْحَابِي ، وَآكْفِنِي هَوْلَ عَدُوِّي . (4)

1- . النمل : 62 .

2- . السَّنةُ : الجذب ، يقال : أَخَذْتَهُمُ السَّنةُ : إِذَا أُجْدِبُوا وَأَقْحَطُوا ، وَهِيَ مِنَ الْأَسْمَاءِ الْغَالِبَةِ (النهاية : ج 2 ص 413 «سنه»).

3- . سنن أبي داود : ج 4 ص 56 ح 4084 ، السنن الكبرى : ج 10 ص 399 ح 21093 كلاهما عن جابر بن سليم ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 583 ح 16616 و ج 7 ص 359 ح 20661 وكلُّها نحوه ، كنز العمال : ج 1 ص 100 ح 448 .

4- . الكافي : ج 2 ص 561 ح 17 عن محمد بن مسلم ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 18 ح 39 ، كامل الزيارات : ص 64 ح 48 كلاهما عن عقبة بن خالد ، إعلام الوري : ج 1 ص 193 عن أبان بن عثمان وكلُّها عن الإمام الصادق عليه السلام ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 1 ص 198 ، مُهَجُّ الدَّعَوَاتِ : ص 94 عن محمد بن مسلم وكلُّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 94 ص 212 ح 6 .

7 / 13 درماندهقرآن «با کیست آن کس که درمانده را - چون وی را بخواند - اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد و شما را جانشینان زمین قرار می دهد؟ آیا هیچ معبودی با خدا هست؟ چه اندک، پند می پذیرید!». .

ر. ک: ص 101 (نکوهش کسانی که فقط هنگام گرفتاری دعا می کند).

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - به جابر بن سلیم -: من فرستاده آن خدایی هستم که هر گاه درماندگی و گزندی به تو رسد و دعایش کنی، آن را از تو می زداید، و هر گاه به خشک سالی در افتی و دعایش کنی، آن سال را برایت سرسبز می گرداند، و هر گاه در سرزمینی متروک یا بیابانی باشی و اشترت گم شود و به درگاهش دعا کنی، آن را به تو باز می گرداند.

امام باقر علیه السلام: دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در شب احزاب، این بود: «ای فریادرس غصّه داران، و ای اجابت کننده دعای درماندگان، و ای غم گسار من! غم و اندوه و غصّه ام را از من بزدای، که تو خود، حال من و حال یاران مرا می دانی، و مرا از هراسیدن از دشمنم نگه دار».

الكافي عن علي بن عيسى رفعه: إن موسى عليه السلام ناجاه الله تبارك وتعالى ، فقال له في مناجاته : ... يا موسى ! مُر عِبَادِي يَدْعُونِي عَلَيَّ مَا كَانَ ، بَعْدَ أَنْ يُقَرَّرُوا لِي أَنِّي أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ، مُجِيبُ الْمُضْطَرِّينَ ، وَأَكْشِفُ السُّوءَ ، وَأُبَدِّلُ الزَّمَانَ ، وَأَتِي بِالرَّخَاءِ ، وَأَشْكُرُ الْيَسِيرَ ، وَأُثِيبُ الْكَثِيرَ ، وَأُغْنِي الْفَقِيرَ ، وَأَنَا الدَّائِمُ الْعَزِيزُ الْقَدِيرُ . (1)

الكافي عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام: فيما وَعَظَ اللَّهُ عز و جل بِهِ عيسى عليه السلام : ... يا عيسى ، ادعني دُعَاءَ الْغَرِيقِ الْحَزِينِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُغِيثٌ ... يا عيسى ، اسْتَغِثْ بِي فِي حَالَاتِ الشَّدَّةِ ؛ فَإِنِّي أُغِيثُ الْمَكْرُوبِينَ ، وَأُجِيبُ الْمُضْطَرِّينَ ، وَأَنَا أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام : سُبْحَانَكَ ! نَحْنُ الْمُضْطَرُّونَ الَّذِينَ أَوْجِبَتْ إِيَابَتَهُمْ ، وَأَهْلُ السُّوءِ الَّذِينَ وَعَدْتَ الْكَشْفَ عَنْهُمْ . (3)

عنه عليه السلام : إلهي ... أَنْتَ الَّذِي أُجِبْتَ عِنْدَ الْإِضْطِرَارِ دَعْوَتِي ، وَأَقْلَتَ عِنْدَ الْعِثَارِ زَلَّتِي ، وَأَخَذْتَ لِي مِنَ الْأَعْدَاءِ بِظُلَامَتِي . (4)

عنه عليه السلام من دُعَائِهِ عِنْدَ الشَّدَّةِ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ... وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَدْعُوكَ مُخْلِصًا فِي الرَّخَاءِ ، دُعَاءَ الْمُخْلِصِينَ الْمُضْطَرِّينَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ . (5)

-
- 1- الكافي : ج 8 ص 48 ح 8 ، تحف العقول : ص 495 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 38 ح 7 .
 - 2- الكافي : ج 8 ص 138 ح 103 ، الأمالى للصدوق : ص 611 ح 842 عن أبي بصير ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 143 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام وفيهما «استغفرتي» بدل «استغث بي» ، تحف العقول : ص 498 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 295 ح 14 .
 - 3- الصحيفة السجادية : ص 49 الدعاء 10 .
 - 4- الصحيفة السجادية : ص 218 الدعاء 51 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 423 ح 43 نقلاً عن أصل قديم من دون إسناد إلى المعصوم .
 - 5- الصحيفة السجادية : ص 96 الدعاء 22 .

الکافی_ به نقل از علی بن عیسی ، که سند آن را به معصوم رسانده است _ : خداوند _ تبارک و تعالی _ با موسی علیه السلام نجوا کرد و در نجوایش به او فرمود : « ... ای موسی! به بندگانم بگو که برای هر حاجتی مرا بخوانند ، زان پس که اعتراف کردند من مهربان ترین مهربانان و اجابت کننده در ماندگانم و [رنج و]بدی را می زدایم و زمان را دیگرگون می کنم و آسایش و رفاه می آورم و از اندک ، قدردانی می کنم و بسیار را پاداش می دهم و نیازمند را بی نیاز می گردانم و من ، پاینده و شکست ناپذیر و توانایم» .

الکافی_ به نقل از علی بن اسباط ، از امامان علیهم السلام _ : از اندرزهای خداوند عز و جل به عیسی علیه السلام این بود که : « ... ای عیسی! مرا چونان شخص در حال غرق شدن و غم زده ای که هیچ فریادرسی برایش نیست ، بخوان ای عیسی! در سختی ها و گرفتاری ها از من کمک بخواه ؛ زیرا من ، گرفتاران را یاری می رسانم و به فریاد در ماندگان می رسم و من ، مهربان ترین مهربانانم» .

امام زین العابدین علیه السلام : ای خدای پاک! ما همان در ماندگانی هستیم که اجابت آنان را [بر خود]واجب گردانیده ای ، و گرفتارانی هستیم که وعده رفع گرفتاری از ایشان را داده ای .

امام زین العابدین علیه السلام : معبود من! ... تو آنی که دعای مرا در هنگام در ماندگی ، اجابت کرده ای و هنگام لغزش ، دست مرا گرفته ای و داد مرا از دشمنان ستانده ای .

امام زین العابدین علیه السلام_ در دعای ایشان به هنگام سختی ها _ : بار خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست ... و مرا از کسانی قرار ده که در هنگام [خوشی و]آسایش ، تو را با همان اخلاصی می خوانند که افراد بیچاره (مضطرب) از سر اخلاص ، می خوانندت ، که به راستی ، تو ستودنی و پرشکوهی» .

عنه عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ فِي الظُّلُمَاتِ _ : اللَّهُمَّ ... وَعَرَّفَنِي مَا وَعَدْتَ مِنْ إِجَابَةِ الْمُضْطَّرِّينَ . (1)

عنه عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ _ : اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَصُولَ بَيْتِكَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ ، وَأَسْأَلَكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ ، وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ عِنْدَ الْمَسْكِنَةِ ، وَلَا تَقْتَتِنِي بِالْإِسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطُرَرْتُ ، وَلَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ ، وَلَا بِاللِّتَضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونَكَ إِذَا رَهَبْتُ ، فَاسْتَحَقَّ بِذَلِكَ خِذْلَانِكَ وَمَنْعَكَ وَإِعْرَاضَكَ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (2)

14 / 7 مِنْ دَعَا كَدُّعَاءِ الْغَرِيقِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَحَى اللَّهُ إِلَى نَبِيِّهِ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ : مَا بَالُ عِبَادِي يَدْخُلُونَ بُيُوتِي بِقُلُوبٍ غَيْرِ طَاهِرَةٍ ، وَأَبْدَانٍ غَيْرِ نَقِيَّةٍ ؟ أَيْ يَغْتَرُونَ ؟ أَوْ إِيْمَاءٍ يُخَادِعُونَ ؟ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي ، وَعُلُوُّ مَكَانِي ، لَا بُدَّ لِيَنْهَمُ بِبِلْيَةِ أَنْتَرَكُ الْحَلِيمَ فِيهَا حَيْرَانَ ، لَا يَنْجُو مَنْ نَجَا مِنْهُمْ إِلَّا بِدُعَاءِ كَدُّعَاءِ الْغَرِيقِ . (3)

الغيبية للنعماني عن عبد الله بن سنان : دَخَلْتُ أَنَا وَأَبِي عَلِيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ : كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا صَدَرْتُمْ فِي حَالٍ لَا تَرَوْنَ فِيهَا إِمَامًا هُدًى وَلَا عِلْمًا يُرَى ؟! فَلَا يَنْجُو مِنْ تِلْكَ الْحَيْرَةِ إِلَّا مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ ، فَقَالَ أَبِي : هَذَا وَاللَّهِ الْبَلَاءُ ، فَكَيْفَ نَصْنَعُ جُعَلْتُ فِدَاكَ حِينَئِذٍ ؟ قَالَ : إِذَا كَانَ ذَلِكَ _ وَلَنْ تُدْرِكَهُ _ فَتَمَسَّكُوا بِمَا فِي أَيْدِيكُمْ حَتَّى يَنْصَحَ لَكُمْ الْأَمْرُ . (4)

1- .الصحيفة السجّادية: ص 62 الدعاء 14 ، الأمل للطوسي : ص 422 ح 944 عن الحسين بن علي بن يقطين ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 80 ح 7 ، الأمل للصدوق : ص 460 ح 612 ، مُهَجَّ الدعوات : ص 44 والثلاثة الأخيرة عن علي بن يقطين وكلها عن الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 95 ص 210 ح 1 .

2- .الصحيفة السجّادية: ص 84 الدعاء 20 .

3- .الفردوس : ج 1 ص 145 ح 517 عن أنس .

4- .الغيبية للنعماني : ص 159 ح 4 ، كمال الدين : ص 348 ح 40 نحوه ، بحار الأنوار : ج 52 ص 133 ح 37 .

7 / 14 کسی که غریق گونه دعا کند

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در دادخواهی: بار خدایا! ... وعده ای را که درباره اجابت دعای درماندگان داده ای، به من بنمایان.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان درباره خوی های والای انسانی: بار خدایا! چنانم گردان که به هنگام درماندگی، از تو کمک بجویم و به گاه نیاز، از تو درخواست کنم و به وقت بیچارگی، برای توزاری و التماس نمایم، و مرا به کمک گرفتن از غیر خودت در هنگام درماندگی ام، و تن دادن به خواهش از غیر خودت به گاه نیازمندی ام، و التماس و زاری به غیر خودت به هنگام ترس، مبتلا مکن، که در نتیجه، سزاوار یاری نرساندن تو و دریغ ورزی و روی گردانی تو شوم، ای مهربان ترین مهربانان!

7 / 14 کسی که غریق گونه دعا کند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند به پیامبری از پیامبران، وحی فرمود که: «چه شده است که بندگانم با دل های ناپاک و بدن های آلوده به خانه های من در می آیند؟ آیا به من غره می شوند؟ یا مرا می فریبند؟ به عزت و شکوه و بلندی مقامم سوگند که آنان را به چنان بلایی گرفتار می سازم که شخص بردبار (/ خردمند) را در آن سرگشته کنم و از ایشان تنها آن کس نجات می یابد که چونان شخص در حال غرق شدن دعا کند».

الغیبة، نعمانی به نقل از عبد الله بن سنان: من و پدرم به حضور امام صادق علیه السلام رسیدیم. ایشان فرمود: «شما چگونه اید، اگر به روزی در افتید که نه امامی رهنما ببینید و نه نشانه ای نمایان؟ [و بدانید] کسی از آن سرگشتگی رهایی نمی یابد، مگر آن که دعای غریق را بخواند». پدرم گفت: به خدا سوگند که این، بلاست. فدایت شوم! در آن هنگام چه کنیم؟ فرمود: «هر گاه چنین روزگاری آمد و امام زمان را ندیدی، به آنچه در دست دارید، چنگ زنی تا امر برایتان روشن شود».

كمال الدين عن عبد الله بن سنان: قال أبو عبد الله عليه السلام: سَتَصِيْبُكُمْ شُبُهَةٌ فَتَبْقُونَ بِلاَ عِلْمٍ يَرى ولا إمامٍ هُدَى، لا يَنْجُو مِنْها إِلا مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ. قُلْتُ: كَيْفَ دُعَاءِ الْغَرِيقِ؟ قَالَ: يَقُولُ: يا آللهُ يا رَحْمَنُ يا رَحِيمُ، يا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ. فَقُلْتُ: يا آللهُ يا رَحْمَنُ يا رَحِيمُ، يا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصارِ، ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ! قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُقَلَّبُ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصارِ، وَلَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ لَكَ: يا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ. (1)

7 / 15 من عالج نفسه للدُّعاءِ بالليلى رسول الله صلى الله عليه وآله: رَجُلانِ مِنْ أُمَّتِي؛ يَقومُ أَحَدُهُما اللَّيْلَ يُعالِجُ نَفْسَهُ إِلى الطَّهورِ وَعَلَيْهِ عُقْدَةٌ فَيَتَوَضَّأُ، فَإِذا وَضَّأَ يَدَيْهِ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، وإِذا وَضَّأَ وَجْهَهُ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، وإِذا مَسَحَ بِرَأْسِهِ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، وإِذا وَضَّأَ رِجْلَيْهِ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلَّذِينَ وَرَاءَ الْحِجَابِ: أَنْظُرُوا إِلى عَبْدِ هَذَا يُعالِجُ نَفْسَهُ يَسَأُ لَنِي، ما سَأَلَنِي عَبْدِي فَهُوَ لَهُ. (2)

-
- 1- كمال الدين: ص 352 ح 49، مهج الدعوات: ص 396، إعلام الوري: ج 2 ص 238، بحار الأنوار: ج 95 ص 326 ح 1.
 - 2- مسند ابن حنبل: ج 6 ص 236 ح 17806، صحيح ابن حبان: ج 3 ص 330 ح 1052 و ج 6 ص 295 ح 2555، المعجم الكبير: ج 17 ص 306 ح 843 كلها عن عقبة بن عامر، كنز العمال: ج 7 ص 794 ح 21442 وراجع حلية الأولياء: ج 2 ص 9.

7 / 15 کسی که خود را برای دعا در دل شب آماده می سازد

کمال الدین_ به نقل از عبد الله بن سنان_: امام صادق علیه السلام فرمود: «به زودی، در شبه ای خواهید افتاد و بدون نشانه ای نمایان و امامی راهنما خواهید ماند. از این شبه رهایی نمی یابد، مگر آن کس که دعای غریق را بخواند». گفتم: دعای غریق چگونه است؟ فرمود: «می گوید: خدایا! بخشایشگرا! مهربانا! ای دگرگونساز دل ها! دل مرا بر دینت استوار گردان». گفتم: خدایا! بخشایشگرا! مهربانا! ای دگرگونساز دل ها و اندیشه ها! دل مرا بر دینت استوار گردان. فرمود: «البته خدای عز و جل دگرگون کننده دل ها و اندیشه هاست؛ اما تو همان را بگو که من می گویم: ای دگرگونساز دل ها! دل مرا بر دینت استوار گردان».

7 / 15 کسی که خود را برای دعا در دل شب آماده می سازد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو مرد از امت من هستند که یکی از آن دو، شب بر می خیزد و خود را برای وضو آماده می سازد و گره هایی در اوست. پس وضو را آغاز می کند و چون دستانش را شست، یک گره گشوده می شود، و چون صورتش را شست، گره دیگری گشوده می شود، و چون سرش را مسح کشید، گره دیگری گشوده می شود، و چون پاهایش را شست، گره دیگری گشوده می شود. پس، خداوند عز و جل به پرده نشینان می فرماید: «به این بنده ام که خود را آماده می کند تا از من درخواست کند، بنگرید. آنچه بنده ام از من درخواست کند، به او می دهم».

16/7 المَرِيضُ وَالْمُبْتَليِرِ سِوَالِ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَوِذُوا بِالْمَرَضِي، وَمُرُوهُمْ فَلْيَدْعُوا لَكُمْ؛ فَإِنَّ دَعْوَةَ الْمَرِيضِ مُسْتَجَابَةٌ، وَذَنْبُهُ مَغْفُورٌ (1).

الفردوس: رسول الله صلى الله عليه وآله: يا سَلْمَانُ، إِنَّ الْمُبْتَليِ مُسْتَجَابُ الدَّعْوَةِ؛ فَادْعُ وَتَخَيَّرْ مِنَ الدُّعَاءِ، وَادْعُ أَنْتَ وَأُوْمَنُ أَنَا، فَدَعَا سَلْمَانُ وَأَمَّنَ رَسُوْلُ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا دَخَلْتَ عَلَيَّ مَرِيضٍ فَمُرَّهُ أَنْ يَدْعُوَ لَكَ؛ فَإِنَّ دُعَاءَهُ كَدُعَاءِ الْمَلَائِكَةِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: لِسَلْمَانَ: يَا سَلْمَانُ، إِنَّ لَكَ فِي عَلَيِّكَ إِذَا اعْتَلَّتْ ثَلَاثَ خِصَالٍ: أَنْتَ مِنَ اللّهِ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - بِذِكْرِ، وَدُعَاؤِكَ فِيهَا مُسْتَجَابٌ، وَلَا تَدْعُ الْعِلَّةَ عَلَيْكَ ذَنْبًا إِلَّا حَطَّتْهُ، مَتَّعَكَ اللّهُ بِالْعَافِيَةِ إِلَى انْقِضَاءِ أَجَلِكَ. (4)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ عَلَيَّ أَخِيهِ عَائِدًا لَهُ، فَلْيَسْأَلْهُ يَدْعُو لَهُ؛ فَإِنَّ دُعَاءَهُ مِثْلَ دُعَاءِ الْمَلَائِكَةِ. (5)

1- المعجم الأوسط: ج 6 ص 140 ح 6027، الأحكام النبوية في الصناعة الطيبة: ص 139 كلاهما عن أنس، كنز العمال: ج 9 ص 96 ح 25147.

2- الفردوس: ج 5 ص 387 ح 8510 عن سلمان، كنز العمال: ج 2 ص 107 ح 3368.

3- سنن ابن ماجه: ج 1 ص 463 ح 1441 عن عمر، كنز العمال: ج 9 ص 94 ح 25136.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 375 ح 5762 عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه، الخصال: ص 170 ح 224 عن حماد بن عمرو وكلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليهم السلام، الأمالي للصدوق: ص 553 ح 741 عن أبان بن عثمان عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، الدعوات: ص 224 ح 616، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 1 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 81 ص 185 ح 37.

5- الكافي: ج 3 ص 117 ح 3 عن سيف بن عميرة، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 178 ح 2456 وفيه «فليدع له» بدل «فليسأله يدعوه له».

7 / 16 بیمار و گرفتار

7 / 16 بیمار و گرفتار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از بیماران، عیادت کنید و از آنان بخواهید برایتان دعا کنند؛ زیرا دعای بیمار، مستجاب است و گناهایش آمرزیده.

الفردوس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای سلمان! گرفتار، مستجاب الدعوه است. پس دعا کن و دعای نیک کن؛ تو دعا کن و من آمین می گویم». سلمان دعا کرد و پیامبر خدا آمین گفت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه نزد بیماری رفتی، از او بخواه که برایت دعا کند؛ زیرا دعای او مانند دعای فرشتگان است [که حتما مستجاب می گردد].

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به سلمان: ای سلمان! برای تو در بیماری ات، هر گاه که بیمار شوی، سه فایده است: نخست، آن که تو در یاد خداوند - تبارک و تعالی - به سر میبری. دیگر، آن که دعایت در آن حال، مستجاب می شود. و سوم، آن که بیماری، هیچ گناهی برایت بر جای نمی گذارد و همه را می ریزد. خداوند تو را تا پایان عمرت از سلامت برخوردار کند!

امام صادق علیه السلام: هر گاه یکی از شما برای عیادت برادرش نزد او رفت، از وی بخواهد که برایش دعا کند؛ زیرا دعای او مانند دعای فرشتگان است.

عنه عليه السلام: عودوا مَرْضَاكُمْ وَاسْأَلُوهُمْ الدُّعَاءَ؛ فَإِنَّهُ يَعْدِلُ دُعَاءَ الْمَلَائِكَةِ. (1)

عنه عليه السلام: مَنْ عَادَ مَرِيضًا فِي اللَّهِ، لَمْ يَسْأَلِ الْمَرِيضُ لِلْعَائِدِ شَيْئًا إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ. (2)

17/7 عائِدُ الْمَرِيضِ السَّنَنِ الْكُبْرَى لِلنَّسَائِي عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا عَادَ الْمَرِيضَ جَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهِ، ثُمَّ قَالَ - سَبْعَ مَرَّاتٍ -: أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ، رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، أَنْ يَشْفِيكَ. فَإِنْ كَانَ فِي أَجَلِهِ تَأْخِيرٌ عَوْفِيٍّ مِنْ وَجَعِهِ ذَلِكَ. (3)

الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أُوتِيَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ إِلَى اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّهُ، فَيُحَاسِبُهُ بِحَسَابِ يَسِيرِهِ... ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُ عِزُّهُ وَجَلُّهُ: هَلْ تَعْرِفُ فُلَانًا بَنَ فُلَانًا؟ فَيَقُولُ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: مَا مَنَعَكَ أَنْ تَعُودَهُ حَيْثُ مَرِضَ؟ أَمَا لَوْ عَدْتَهُ لَعَدْتَنِي، ثُمَّ لَوْ جَدْتَنِي عِنْدَ سُؤَالِكَ، ثُمَّ لَوْ سَأَلْتَنِي حَاجَةً لَقَضَيْتُهَا لَكَ، ثُمَّ لَمْ أُزِدْكَ عَنْهَا. (4)

-
- 1- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 173 ح 2434، مشكاة الأنوار: ص 488 ح 1629، روضة الواعظين: ص 426 وفيه «أن يدعو لكم» بدل «الدعاء»، بحار الأنوار: ج 81 ص 219 ح 15.
 - 2- ثواب الأعمال: ص 230 ح 3 عن أبي عبيدة الحذاء، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 178 ح 2457، الدعوات: ص 222 ح 607، جامع الأخبار: ص 466 ح 1317، أعلام الدين: ص 398، بحار الأنوار: ج 81 ص 217 ح 10.
 - 3- السنن الكبرى للنسائي: ج 6 ص 258 ح 10882، الأدب المفرد: ص 164 ح 536 وراجع سنن أبي داود: ج 3 ص 187 ح 3106 وسنن الترمذي: ج 4 ص 410 ح 2083 ومسند ابن حنبل: ج 1 ص 515 ح 2137 و 2138 والمستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 493 ح 1268 - 1270 وكنز العمال: ج 9 ص 93 ح 25132 و 25133.
 - 4- المؤمن: ص 61 ح 156، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 176 ح 2447 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 81 ص 227 ح 39.

7 / 17 عیادت کننده از بیمار

امام صادق علیه السلام: بیمارانتان را عیادت کنید و از آنان تقاضای دعا نمایید؛ زیرا دعای آنان هم تراز دعای فرشتگان است.

امام صادق علیه السلام: هر کس برای خدا از بیماری عیادت کند، خداوند هر آنچه را که بیمار برای عیادت کننده بخواهد، برآورده می سازد.

7 / 17 عیادت کننده از بیمار السنن الکبری، نسایی— به نقل از ابن عباس—: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه به عیادت بیمار می رفت، کنار بالین او می نشست و آن گاه هفت مرتبه می فرمود: «از خدای بزرگ، خداوندگار عرش بزرگ، مسئلت دارم که تو را شفا بخشد». اگر هنوز اجلش نرسیده بود، از آن بیماری بهبود می یافت.

امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام: چون روز رستاخیز شود، بنده مؤمن را نزد خداوند عز و جلمی آورند و او عز و جل اندک حسابی از وی به عمل می آورد... آن گاه می فرماید: «آیا فلانی پسر فلانی را می شناسی؟». می گوید: آری. می فرماید: «چرا آن گاه که بیمار شد، عیادتش نکردی؟ بدان که اگر عیادتش می کردی، در حقیقت، مرا عیادت کرده بودی. سپس مرا نزد خواهشست می یافتی و اگر حاجتی از من می خواستی، آن را برایت برآورده می ساختم و از تو بازش نمی داشتم».

الإمام الكاظم عليه السلام: إذا مَرَضَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْذَنْ لِلنَّاسِ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَلَهُ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ. (1)

طَبَّ الْأَنْمَةِ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا مَرَضَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْذَنْ لِلنَّاسِ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَلَهُ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ (2).

18/7 السَّائِلُ وَالْمُحْسِنُ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: دُعَاءُ الْمُحْسِنِ إِلَيْهِ لِلْمُحْسِنِ لَا يُرَدُّ. (3)

الإمام عليّ عليه السلام: إذا نَوَلْتُمْ السَّائِلَ الشَّيْءَ فَاسْأَلُوهُ أَنْ يَدْعُوَ لَكُمْ؛ فَإِنَّهُ يُجَابُ فِيكُمْ، وَلَا يُجَابُ فِي نَفْسِهِ؛ لِأَنَّهُمْ يَكْذِبُونَ. (4)

الإمام زين العابدين عليه السلام: دَعْوَةُ السَّائِلِ الْفَقِيرِ لَا تُرَدُّ. (5)

عدّة الداعي: كَانَ [الْإِمَامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ] عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْمُرُ الْخَادِمَ إِذَا أَعْطَتْ (6) السَّائِلَ أَنْ تَأْمُرَهُ أَنْ يَدْعُوَ بِالْخَيْرِ. (7)

الإمام زين العابدين عليه السلام: مَا مِنْ رَجُلٍ تَصَدَّقَ عَلَى مِسْكِينٍ مُسْتَضْعَفٍ، فَدَعَا لَهُ الْمِسْكِينُ بِشَيْءٍ تِلْكَ السَّاعَةَ، إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ. (8)

1- الكافي: ج 3 ص 117 ح 2 عن يونس، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 177 ح 2448.

2- طبّ الأنمة لابن بسطام: ص 16، بحار الأنوار: ج 81 ص 218 ح 13.

3- الفردوس: ج 2 ص 213 ح 3040 عن ابن عمر، كنز العمال: ج 2 ص 98 ح 3315.

4- النخصال: ص 619 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 109، بحار الأنوار: ج 93 ص 357 ح 11.

5- عدّة الداعي: ص 59، بحار الأنوار: ج 96 ص 134 ح 68.

6- فى المصدر: «أعطيت»، والتصويب من بحار الأنوار.

7- عدّة الداعي: ص 59، بحار الأنوار: ج 96 ص 134 ح 68.

8- ثواب الأعمال: ص 174 ح 1 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 96 ص 144 ح 14.

7 / 18 نیازمند و نیکی کننده به او

امام کاظم علیه السلام: هر گاه یکی از شما بیمار شد ، به مردم اجازه دهد که نزد او بروند ؛ زیرا هیچ کس [از عیادت کنندگان] نیست، مگر آن که یک دعای اجابت شده دارد.

طَبِّ الْأَئِمَّةِ_ به نقل از وِثَاءِ_: امام رضا علیه السلام فرمود : «هر گاه یکی از شما بیمار شد ، به مردم اجازه دهد که نزد او بروند ؛ زیرا هیچ کسی [از عیادت کنندگان] نیست ، مگر آن که یک دعای مستجاب شده دارد» .

7 / 18 نیازمند و نیکی کننده به او پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دعای احسان شونده در حق احسان کننده رد نمی شود.

امام علی علیه السلام : هر گاه به نیازمند چیزی دادید ، از او بخواهید که برایتان دعا کند ؛ زیرا دعای او در حق شما قبول می شود ؛ ولی درباره خودش قبول نمی شود ؛ چون این جماعت ، دروغ می گویند.

امام زین العابدین علیه السلام : دعای گدای فقیر ، رد نمی شود.

عَدَّةُ الدَّاعِي : [امام زین العابدین علیه السلام] به خدمتکار [ش] دستور می داد که : «هر گاه به فقیر چیزی دادی ، از او بخواه برایت دعای خیر کند».

امام زین العابدین علیه السلام : هر کس به بینوای درویش صدقه ای دهد و آن بینوا در آن لحظه برایش دعایی کند ، حتما دعایش مستجاب می شود.

19 / 7 الطَّفَلُ رَسولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: دُعَاءُ أَطْفَالِ أُمَّتِي مُسْتَجَابٌ، مَا لَمْ يُقَارَبُوا (1) الذُّنُوبَ . (2)

20 / 7 الوَالِدُ رَسولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: دُعَاءُ الوَالِدِ يُفْضَى إِلَى الحِجَابِ 3 . (3)

عنه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِيَّاكُمْ وَدَعْوَةَ الوَالِدِ؛ فَإِنَّهَا أَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ . (4)

عنه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِيَّاكُمْ وَدَعْوَةَ الوَالِدِ؛ فَإِنَّهَا تُرْفَعُ فَوْقَ السَّحَابِ حَتَّى يَنْظُرَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهَا، فَيَقُولُ: اِرْفَعُوهَا إِلَيَّ حَتَّى أُسْتَجِيبَ لَهَا؛ فَإِيَّاكُمْ وَدَعْوَةَ الوَالِدِ؛ فَإِنَّهَا أَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ . (5)

-
- 1- .في الفردوس وبحار الأنوار: «يقارفوا» .
 - 2- .صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ص 113 ح 69 عن الإمام الرضا عن أبيه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 93 ص 357 ح 14؛ الفردوس: ج 2 ص 213 ح 3039 عن أم حكيم بنت وداع، ربيع الأبرار: ج 2 ص 249 وفيه «ذُرِّيَّتِي» بدل «أُمَّتِي» .
 - 3- .سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1271 ح 3863 عن أم حكيم بنت وداع الخزاعية، كنز العمال: ج 2 ص 98 ح 3313 .
 - 4- .الكافي: ج 2 ص 509 ح 3، عده الداعي: ص 121 كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 93 ص 361 ح 23 .
 - 5- .الجعفریات: ص 186، النوادر للراوندي: ص 92 ح 31 كلاهما عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهم السلام، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 12 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وفيه «الوالدة» بدل «الوالد» في الموضع الثاني، بحار الأنوار: ج 93 ص 358 ح 17 و ج 74 ص 83 ح 94 .

7 / 19 کودکیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دعای کودکانِ اَمّت من مستجاب می شود، مادام که به گناهان، نزدیک نشده باشند.

7 / 20 پدرپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دعای پدر از حجاب می گذرد. (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زنهارتان از نفرین پدر که تیزتر از شمشیر است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از نفرین پدر بترسید؛ زیرا نفرین پدر بر فراز ابرها بالا می رود تا آن که خدای متعال آن را می بیند و می فرماید: «آن را نزد من فراز آورید تا بپذیرمش». پس، از نفرین پدر بترسید که از شمشیر، برنده تر است.

1- یعنی به درگاه الهی بالا می رود و هیچ چیزی مانع اجابت آن نمی شود.

عنه صلى الله عليه وآله: لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ، إِلَّا قَوْلُ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ودُعَاءُ الْوَالِدِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: كُلُّ شَيْءٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ تَعَالَى حِجَابٌ، إِلَّا شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، ودُعَاءُ الْوَالِدِ لَوْلَدِهِ. (2)

راجع: ج 2 ص 26 (من ينبغي الدعاء له / الأهل والأولاد والأخ).

7 / 21 من رَضِيَ بِقَضَاءِ اللَّهِ إِمَامَ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَقِيَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ جَعْفَرٍ، فَقَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، كَيْفَ يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا وَهُوَ يَسْخَطُ قِسْمَهُ، وَيُحَقِّقُ مَنَزِلَتَهُ، وَالْحَاكِمُ عَلَيْهِ اللَّهُ؟ وَأَنَا الصَّامِنُ لِمَنْ لَمْ يَهْجُسْ فِي قَلْبِهِ إِلَّا الرِّضَا، أَنْ يَدْعُو اللَّهَ فَيَسْتَجَابَ لَهُ. (3)

عنه عليه السلام: تَبَحَّرُوا 4 قُلُوبَكُمْ، فَإِنْ أَنْفَاهَا اللَّهُ مِنْ حَرَكَةِ الْوَاجِسِ (4) لَسَّ خَطِ شَيْءٍ مِنْ صُنْعِهِ، فَإِذَا وَجَدْتُمُوهَا كَذَلِكَ، فَاسْأَلُوهُ مَا شِئْتُمْ. (5)

- 1- الدر المنثور: ج 7 ص 493 نقلاً عن ابن مردويه عن أنس .
- 2- الجامع الصغير: ج 2 ص 282 ح 6324، كنز العمال: ج 2 ص 99 ح 3318 كلاهما نقلاً عن ابن النجار عن أنس .
- 3- الكافي: ج 2 ص 62 ح 11، مشكاة الأنوار: ص 74 ح 137، بحار الأنوار: ج 71 ص 159 ح 75 .
- 4- الواجس: الهاجس، والتوجس: التسمّع إلى الصوت الخفي، وأوجس في نفسه خيفة أى أضمر (الصحاح: ج 2 ص 987 «وجس»)
- 5- الأمالى للمفيد: ص 54 ح 1 عن صالح بن يزيد، مشكاة الأنوار: ص 520 ح 1748 نحوه، بحار الأنوار: ج 70 ص 58 ح 36 .

7 / 21 کسی که راضی به قضای خداست

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: میان هر چیز و خداوند، حجابی است، بجز گفتار «لا إله إلا الله» و دعای پدر.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر چیزی، میان آن و خداوند متعال مانعی است، بجز شهادت «لا إله إلا الله» و دعای پدر برای فرزندش.

ر. ک: ج 2 ص 27 (آنان که سزاوار دعایند / خانواده، فرزندان و برادر).

7 / 21 کسی که راضی به قضای خداست امام صادق علیه السلام: حسن بن علی علیه السلام به عبد الله بن جعفر بر خورد و فرمود: «ای عبد الله! چگونه مؤمن، مؤمن است، در حالی که از قسمت خود، ناخرسند است و مقام خویش را کوچک می کند، با آن که حاکم بر او خداست؟ من برای کسی که در دلش جز رضایت نیست، ضمانت می کنم که به درگاه خدا دعا کند و دعایش مستجاب شود».

امام صادق علیه السلام: دل هایتان را واری کنید. اگر دیدید خداوند، آنها را از احساس ناخشنودی نسبت به چیزی از کار او پاک کرده است، آن گاه هر چه می خواهید، از او درخواست کنید.

الإمام الباقر عليه السلام: [\(1\)](#) قلوبكم بالخوف من الله تعالى، فإن لم تسخطوا شيئاً من صنع الله تعالى يُلتم بكم، فاسألوا ما شئتم .
[\(2\)](#)

22 / 7 من لا يرجو إلاّ اللهَ الإمام زين العابدين عليه السلام: رأيتُ الخيرَ كُلَّهُ قد اجتمعَ في قطعِ الطمَعِ عمّا في أيدي الناسِ، ومن لم يرجُ الناسَ في شيءٍ، وردَّ أمره إلى الله عز وجل في جميع أمورِهِ، استجابَ اللهُ عز وجلَّه في كلِّ شيءٍ . [\(3\)](#)

الإمام الصادق عليه السلام: إذا أرادَ أحدُكم أن لا يسألَ ربّه شيئاً إلاّ أعطاهُ، فليَسأل من الناسِ كُلِّهِم، ولا يكونَ له رجاءٌ إلاّ عندَ اللهِ، فإذا عَلِمَ اللهُ عز وجل ذلكَ من قلبه، لم يسألِ اللهُ شيئاً إلاّ أعطاهُ . [\(4\)](#)

راجع: ص 478 (موانع الإجابة / الاعتصام بغير الله).

1- شحنتُ البيتَ وغيره شحنا: ملأتهُ (المصباح المنير: ص 306 «شحن»).

2- نزهة الناظر: ص 97 ح 6.

3- الكافي: ج 2 ص 148 ح 3 عن الزهري، مشكاة الأنوار: ص 226 ح 624، بحار الأنوار: ج 75 ص 110 ح 16.

4- الكافي: ج 2 ص 148 ح 2 و ج 8 ص 143 ح 108، الأمل للمفيد: ص 274 ح 1 و ص 329 ح 1، الأمل للطوسي: ص 36 ح 38 و ص 110 ح 169، عدّة الداعي: ص 122 كلّها عن حفص بن غياث، بحار الأنوار: ج 93 ص 314 ح 19.

7 / 22 کسی که امیدش فقط به خداست

امام باقر علیه السلام: دل هایتان را با ترس از خداوند متعال بیاکنید . پس ، اگر از آنچه خداوند متعال با شما می کند ، ناخرسند نبودید ، در آن صورت ، هر چه را خواستید ، درخواست کنید.

7 / 22 کسی که امیدش فقط به خداست امام زین العابدین علیه السلام: تمام خوبی را دیدم که در قطع امید کردن از آنچه مردم دارند ، گرد آمده است . هر کس در هیچ چیزی به مردم امید نبندد (/ هیچ چشمداشتی نداشته باشد) و کار خود را در همه امورش به خداوند عز و جل واگذارد ، خداوند عز و جل در هر چیزی او را اجابت می کند.

امام صادق علیه السلام: هر گاه یکی از شما خواست که هر چه از پروردگارش درخواست می کند ، به او بدهد ، باید چشم امید از همه مردم برگیرد و امیدی جز به خدا نداشته باشد . و چون خداوند عز و جل دانست که او قلبا چنین است ، هر چه را که از خدا می خواهد ، به او می دهد.

ر . ک : ص 479 (موانع اجابت / متوسل شدن به غیر خدا) .

7 / 23 مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِرْسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، ثَلَاثَةٌ مِنْ حُلَلِ اللَّهِ: رَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ فَهُوَ زَوْرٌ (1) اللَّهُ، وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ زَوْرَهُ وَيُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ. (2)

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُخْرِجُ إِلَى أَخِيهِ يَزُورُهُ، فَيُوكِّلُ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ بِهِ مَلَكًا، فَيَضَعُ جَنَاحًا فِي الْأَرْضِ، وَجَنَاحًا فِي السَّمَاءِ يُظِلُّهُ، فَإِذَا دَخَلَ إِلَى مَنْزِلِهِ نَادَى الْجَبَّارُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَيُّهَا الْعَبْدُ الْمُعْظَمُ لِحَقِّي، الْمُتَّبِعُ لِإِثَارِ نَبِيِّي، حَقُّ عَلَى إِعْظَامِكَ، سَلَّمَنِي أُعْطِكَ، ادْعُنِي أُجِبَكَ، اسْكُتْ أُبَدِّثَكَ. (3)

7 / 24 هُوَ لَا يَرْسُولُ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ثَلَاثُ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٌ: دَعْوَةُ الصَّائِمِ، وَدَعْوَةُ الْمُسَافِرِ، وَدَعْوَةُ الْمَظْلُومِ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثُ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٌ لَا شَكَّ فِيهِنَّ: دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ، وَدَعْوَةُ الْمُسَافِرِ، وَدَعْوَةُ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ. (5)

-
- 1- الزَّوْرُ: الزائر، وهو في الأصل مصدر وضع موضع الاسم. وقد يكون الزَّوْرُ جمع زائر (النهاية: ج 2 ص 318 «زور»).
 - 2- تحف العقول: ص 7، مصادقة الإخوان: ص 161 ح 2 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 77 ص 62 ح 4.
 - 3- الكافي: ج 2 ص 178 ح 12 عن عبد الله بن محمد الجعفي، بحار الأنوار: ج 59 ص 189 ح 41.
 - 4- فضائل الأشهر الثلاثة: ص 143 ح 157؛ شُعَبُ الْإِيمَانِ: ج 3 ص 300 ح 3594، كُنُزُ الْعَمَّالِ: ج 2 ص 99 ح 3319 نقلًا عن البزار وكلها عن أبي هريرة وح 3320.
 - 5- سنن الترمذي: ج 4 ص 314 ح 1905، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1270 ح 3862، الأدب المفرد: ص 23 وفيه «الوالدين على ولدهما» بدل «الوالد على ولده» وكلها عن أبي هريرة، كُنُزُ الْعَمَّالِ: ج 2 ص 99 ح 3322؛ الجعفریات: ص 187، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 20 ح 2044، بحار الأنوار: ج 93 ص 358 ح 16 وص 359 ح 17.

7 / 23 کسی که برای خدا به دیدار برادرش رود

7 / 24 این دعاکنندگان

7 / 23 کسی که برای خدا به دیدار برادرش رود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در توصیه های ایشان به علی علیه السلام: ای علی! سه کس از جامه های خدایند: مردی که به خاطر خدا به زیارت برادر مؤمنش می رود. چنین کسی زائر خداست و بر خداست که زائرش را گرامی بدارد و آنچه را درخواست کرد، به او عطا کند ...

امام باقر علیه السلام: هنگامی که مؤمن برای دیدن برادرش خارج می شود، خداوند عز و جلفرشته ای را بر او می گمارد و فرشته یک بال را روی زمین می گستراند و بال دیگر [ش] را در آسمان [می نهد و با آن] بر او سایه می افکند. و چون به منزلش در آمد، خداوند تبارک و تعالی _ ندا می دهد: «ای بنده ای که حق مرا بزرگ داشتی و از پیامبرم پیروی کردی! بر من است که تو را بزرگ دارم. از من بخواه تا عطایت کنم، دعایم کن تا اجابت کنم، سکوت کن تا من [بی درخواست تو] آغاز کنم».

7 / 24 و این دعاکنندگان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه دعا مستجاب می شود: دعای روزه دار، دعای مسافر، و دعای ستم دیده.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه دعا، بی شک، پذیرفته می شود: دعای ستم دیده، دعای مسافر، و دعای پدر بر فرزندش.

عنه صلى الله عليه وآله: ثلاث دعواتٍ مُستجابَةٌ: دُعاءُ الحاجِّ في تخلفِ أهله (1)، ودُعاءُ المريضِ فلا تؤذوه ولا تضجروه، ودُعاءُ المظلوم (2).

عنه صلى الله عليه وآله: ثلاث دعواتٍ لا تُردُّ: دُعوةُ الوالدِ، ودُعوةُ الصائمِ، ودُعوةُ المسافرِ (3).

عنه صلى الله عليه وآله: ثلاثةٌ لا تُردُّ دعوتُهُم: المريضُ، والتائبُ، والسخيُّ (4).

عنه صلى الله عليه وآله: ثلاثةٌ لا يُردُّ اللهُ دُعاءَهُم: الذَّاكِرُ اللهُ كثيراً، ودُعوةُ المظلومِ، والإمامُ المُقسِطُ (5).

عنه صلى الله عليه وآله: ثلاثةٌ لا تُردُّ دعوتُهُم: الصَّائمُ حتَّى يُفطرَ، والإمامُ العادلُ، ودُعوةُ المظلومِ يرفعُها اللهُ فوقَ الغمامِ، ويفتحُ لها أبوابَ السَّماءِ، ويقولُ الرَّبُّ: وعزَّتي، لأنصرتك ولو بعد حين (6).

عنه صلى الله عليه وآله: الغازي في سبيلِ اللهِ والحاجُّ والمُعتمرُ وفدُّ اللهِ، دُعاؤهم فأجابوه، وسألوه فأعطاهم (7).

1- في بحار الأنوار: «فيمن يخلف أهله» وهو الأنسب.

2- الدعوات: ص 30 ح 58، بحار الأنوار: ج 93 ص 360 ح 21.

3- السنن الكبرى: ج 3 ص 481 ح 6392، سلسلة الأحاديث الصحيحة: ج 4 ص 406 ح 1797 كلاهما عن أنس، كنز العمال: ج 2 ص 99 ح 3323 نقلاً عن أبي الحسن بن مهرويه في الثلاثيات والضياء.

4- إرشاد القلوب: ص 196 عن ابن عباس.

5- شعب الإيمان: ج 1 ص 419 ح 588 عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 2 ص 100 ح 3326.

6- سنن الترمذي: ج 5 ص 578 ح 3598، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 557 ح 1752 وفيه «دون الغمام يوم القيامة» بدل «فوق الغمام» ، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 452 ح 9749، صحيح ابن حبان: ج 16 ص 396 ح 7387، السنن الكبرى: ج 10 ص 150 ح 20163 ، الزهد لابن المبارك: ص 380 ح 1075 كلُّها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 2 ص 100 ح 3325.

7- سنن ابن ماجه: ج 2 ص 966 ح 2893، موارد الظمان: ص 240 ح 964، المعجم الكبير: ج 12 ص 323 ح 13556 وليس فيه «والمعتمر» وليس فيهما «وسألوه فأعطاهم» وكلُّها عن ابن عمر، كنز العمال: ج 4 ص 302 ح 10602.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه دعا به اجابت می رسد: دعای حج گزار درباره حفظ خانواده اش در غیاب او ، دعای بیمار (پس او را آزرده و رنجیده نکنید) ، و دعای ستم دیده.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه دعاست که رد نمی شود: دعای پدر ، دعای روزه دار ، و دعای مسافر.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه کس اند که دعایشان رد نمی شود: بیمار ، توبه گر ، و سخاوتمند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه کس اند که خداوند دعایشان را رد نمی کند: کسی که بسیار ذکر خدا می گوید ، دعای ستم دیده ، و پیشوای دادگر.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه گروه اند که دعایشان رد نمی شود: روزه دار تا آن گاه که افطار کند ؛ پیشوای دادگر ؛ و دعای ستم دیده که خداوند دعایش را از ابرها بالا می برد و درهای آسمان را برایش می گشاید و پروردگار می فرماید: «به عزّت سوگند که تو را یاری می دهم ، هر چند پس از چندی».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رزمنده در راه خدا و حج گزار و عمره گزار ، واردشوندگان بر خدایند . خداوند آنان را دعوت کرد و آنها پذیرفتند ، و آنان از او درخواست کردند و خداوند عطایشان فرمود.

عنه صلى الله عليه وآله: أَرْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ، حَتَّى تُفْتَحَ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَتَصِيرَ إِلَى الْعَرْشِ: الْوَالِدُ لِوَلَدِهِ، وَالْمَظْلُومُ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ، وَالْمُعْتَمِرُ حَتَّى يَرْجِعَ، وَالصَّائِمُ حَتَّى يَفْطِرَ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله- فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، أَرْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ: إِمَامٌ عَادِلٌ، وَوَالِدٌ لِوَلَدِهِ، وَالرَّجُلُ يَدْعُو لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ، وَالْمَظْلُومُ؛ يَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، لِأَنْتَصِرَنَّ لَكَ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ. (2)

شُعَبُ الْإِيمَانِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حَمْسُ دَعَوَاتٍ يُسْتَجَابُ لَهُنَّ: دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ حَتَّى يُسْتَنْصَرَ، وَدَعْوَةُ الْحَاجِّ حَتَّى يَصْدَرَ (3)، وَدَعْوَةُ الْمُجَاهِدِ حَتَّى يَقْفَلَ (4)، وَدَعْوَةُ الْمَرِيضِ حَتَّى يَبْرَأَ، وَدَعْوَةُ الْأَخِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ. ثُمَّ قَالَ: وَأَسْرَعُ هَذِهِ الدَّعَوَاتِ إِجَابَةً دَعْوَةُ الْأَخِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ. (5)

1- الكافي: ج 2 ص 510 ح 6 عن عبد الله بن طلحة النهدي عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 226 ح 2555، فضائل الأشهر الثلاثة: ص 86 ح 64، الأمل للصدوق: ص 337 ح 394 كلاهما عن عبد الله بن طلحة النهدي عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، جامع الأخبار: ص 436 ح 1222، بحار الأنوار: ج 93 ص 354 ح 1 و ج 96 ص 256 ح 39.

2- النخصال: ص 197 ح 4 عن أنس بن محمد عن أبيه، مستطرفات السرائر: ص 112 ح 1 عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً وكلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليهم السلام، روضة الواعظين: ص 356، بحار الأنوار: ج 93 ص 356 ح 8.

3- الصّدْر: رجوع المسافر من مقصده (النهاية: ج 3 ص 15 «صدر»).

4- قَفَلَ يَقْفَلُ: إذا عاد من سفره (النهاية: ج 4 ص 92 «قفل»).

5- شُعَبُ الْإِيمَانِ: ج 2 ص 46 ح 1125، مشكاة المصابيح: ج 1 ص 692 ح 2260 وفيه «يقعد» بدل «يقفل» وكلاهما عن ابن عباس، كنز العمال: ج 2 ص 98 ح 3309.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار کس اند که دعایشان رد نمی شود تا درهای آسمان برایشان باز شود و دعای آنها به عرش رود: پدر برای فرزندش، ستم دیده درباره کسی که به او ستم کرده است، عمره گزار تا زمانی که برگردد، و روزه دار تا آن گاه که افطار کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در توصیه ایشان به علی علیه السلام_: ای علی! چهار کس اند که دعایشان رد نمی شود: پیشوای دادگر؛ پدر برای فرزندش؛ شخصی که پشت سر برادرش برای او دعا می کند؛ و ستم دیده که خداوند _جلّ جلاله_ [به او] می فرماید: «به عزّت و جلالم سوگند که انتقام تو را خواهم گرفت، اگرچه پس از مدّتی».

شعب الإیمان_ به نقل از ابن عباس_: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «پنج دعاست که پذیرفته می شود: دعای ستم دیده تا آن که انتقام بگیرد، دعای حج گزار تا آن گاه که برگردد، دعای مجاهد تا زمانی که مراجعت کند، دعای بیمار تا آن گاه که بهبود یابد، و دعای برادر [ایمانی] برای برادرش در پشت سر او». سپس فرمود: «از این دعاها، دعای برادر برای برادرش در پشت سر او، از بقیّه زودتر مستجاب می شود».

الإمام عليّ عليه السلام: أَرْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ: الْإِمَامُ الْعَادِلُ لِرَعِيَّتِهِ، وَالْوَالِدُ الْبَارُّ لَوَلَدِهِ، وَالْوَالِدُ الْبَارُّ لَوَالِدِهِ، وَالْمَظْلُومُ، يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ اسْمُهُ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، لَأَنْتَقِمَنَّ لَكَ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: خَمْسُ دَعَوَاتٍ لَا تُحْجَبَنَّ عَنِ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: دَعْوَةُ الْإِمَامِ الْمُقْسِطِ، وَدَعْوَةُ الْمَظْلُومِ؛ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَأَنْتَقِمَنَّ لَكَ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ، وَدَعْوَةُ الْوَالِدِ الصَّالِحِ لَوَالِدِيهِ، وَدَعْوَةُ الْوَالِدِ الصَّالِحِ لَوَلَدِهِ، وَدَعْوَةُ الْمُؤْمِنِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ، فَيَقُولُ: وَلَكَ مِثْلُهُ. (2)

عنه عليه السلام: ثَلَاثَةٌ دَعَوْتُهُمْ مُسْتَجَابَةٌ: الْحَاجُّ فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونَهُ، وَالغَازِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونَهُ، وَالْمَرِيضُ فَلَا تُغِيظُوهُ وَلَا تُضَجِّرُوهُ. (3)

عنه عليه السلام: ثَلَاثُ دَعَوَاتٍ لَا يُحْجَبَنَّ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى: دُعَاءُ الْوَالِدِ لَوَلَدِهِ إِذَا بَرَّهُ، وَدَعْوَتُهُ عَلَيْهِ إِذَا عَقَّمَهُ، وَدُعَاءُ الْمَظْلُومِ عَلَى ظَالِمِهِ، وَدُعَاؤُهُ لِمَنْ انْتَصَرَ لَهُ مِنْهُ، وَرَجُلٌ مُؤْمِنٌ دَعَا لِأَخٍ لَهُ مُؤْمِنٍ وَاسَأَهُ فِينَا، وَدُعَاؤُهُ عَلَيْهِ إِذَا لَمْ يُوَاسِهِ، مَعَ الْقُدْرَةِ عَلَيْهِ وَاضْطِرَارِ أَخِيهِ إِلَيْهِ. (4)

1- الإرشاد: ج 1 ص 304، مصادقة الإخوان: ص 182 ح 1، الأُمالي للطوسي: ص 150 ح 248 كلاهما عن سليمان بن خالد عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه وفيهما «والأخ لأخيه بظهر الغيب يوكل به ملك يقول: ولك مثل ما دعوت لأخيك» بدل «الولد البار لوالده»، بحار الأنوار: ج 77 ص 421 ح 40.

2- الكافي: ج 2 ص 509 ح 2، عدّة الداعي: ص 120 وليس فيه «كان أبي عليه السلام يقول» وكلاهما عن عبد الله بن سنان، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 19 ح 2043 وفيه «لأنتصفتن» بدل «لأنتقمن»، بحار الأنوار: ج 93 ص 358 ح 16.

3- الكافي: ج 2 ص 509 ح 1، عدّة الداعي: ص 115 نحوه وكلاهما عن عيسى بن عبد الله القمّي، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 19 ح 2042 وفيه «فلا تعرضوه» بدل «فلا تغيظوه»، بحار الأنوار: ج 93 ص 357 ح 16.

4- الأُمالي للطوسي: ص 280 ح 541 عن المنصوري عن عمّ أبيه عن الإمام الهادي عن آبائه عليهم السلام، عدّة الداعي: ص 121، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 171، بحار الأنوار: ج 93 ص 356 ح 6.

امام علی علیه السلام: چهار دسته اند که دعایشان رد نمی شود: پیشوای دادگر در حق رعیتش، پدر خوب در حق فرزندش، فرزند خوب در حق پدرش، و ستم دیده که خداوند _ عزّ اسمه _ [به وی] می فرماید: به عزّت و شکوهم سوگند که داد تو را خواهم ستاند، هر چند با تأخیر باشد».

امام صادق علیه السلام: پدرم علیه السلام می فرمود: «پنج دعاست که از درگاه خداوندگار _ تبارک و تعالی _ در پرده نمی ماند: دعای پیشوای دادگستر، دعای ستم دیده که خداوند عز و جل [به وی] می فرماید: هر آینه داد تو را می ستانم، هر چند پس از چندی، دعای فرزند نیک برای پدر و مادرش، دعای پدر نیک برای فرزندش، و دعای مؤمن برای برادرش در غیاب او که خداوند [به وی] می فرماید: برای تو نیز چنین باد».

امام صادق علیه السلام: سه دسته اند که دعایشان مستجاب می شود: یکی حج گزار پس مراقب باشید که در غیاب او [با خانواده اش] چگونه رفتار می کنید، دیگری مجاهد در راه خدا پس مراقب باشید که در غیابش [با خانواده او] چگونه رفتار می کنید، و سوم بیمار پس، او را ناراحت و رنجبه نسازید.

امام صادق علیه السلام: سه دعاست که از درگاه خداوند متعال محبوب نمی ماند: دعای پدر برای فرزندش هر گاه نسبت به پدرش فرمان بردار و نیکوکار باشد و نفرینش هر گاه نسبت به پدرش نافرمانی کند و او را بیازارد؛ نفرین ستم دیده درباره کسی که به او ستم کرده است و دعایش در حق کسی که داد وی را از او ستانده است؛ و دعای مرد مؤمن برای برادر مؤمنش که به خاطر ما به او کمک [مالی] کرده است و نفرینش درباره وی، هر گاه بتواند به او کمک [مالی] کند و برادرش به آن کمک نیاز شدید داشته باشد و وی کمکش نکند.

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعْطَى ... الإِجَابَةَ لِعَشْرَةٍ: «وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ» (1)، «فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ» (2) يوسُفَ، «قَالَ قَدْ أُجِيبَتِ دَعْوَتُكُمَا» (3) موسى وهارونَ، «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ» (4) يونسَ، «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ» (5) أيوبَ، «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى» (6) زكريَّا، «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (7) لِلْمُخْلِصِينَ، «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ» (8) لِلْمُضْطَرِّينَ، «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي» (9) لِلدَّاعِينَ، «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ» (10) فَاطِمَةَ وَرَوْجَهَا. (11)

راجع: ج 2 ص 36 (من ينبغي الدعاء له / الأخ المؤمن بظهر الغيب).

- 1- الصافات: 75.
- 2- يوسف: 34.
- 3- يونس: 89.
- 4- الأنبياء: 88.
- 5- الأنبياء: 84.
- 6- الأنبياء: 90.
- 7- غافر: 60.
- 8- النمل: 62.
- 9- البقرة: 186.
- 10- آل عمران: 195.
- 11- المناقب لابن شهر آشوب: ج 3 ص 321، بحار الأنوار: ج 43 ص 34 ح 39.

امام صادق علیه السلام: خداوند متعال اجابت را به ده کس . . . عطا فرمود: [به نوح:] «و هر آینه ما نوح را ندا دادیم و ما نیکو پاسخ دهندگانیم» و یوسف: «پس پروردگارش دعای او را پذیرفت و نیرنگ آن زنان را از او بگرداند» و به موسی و هارون: «فرمود: هر آینه دعای شما دو تن را پذیرفتم» و به یونس: «پس دعای او را پذیرفتم» و به ایوب: «پس دعای او را پذیرفتم و گزند را از او زدودیم» و به زکریا: «پس دعای او را پذیرفتم و یحیی را بدو بخشیدیم؟» و به مخلصان: «مرا بخوانید تا پاسختان دهم» و به در ماندگان: «آیا کیست که در مانده را پاسخ دهد» و به دعاکنندگان: «و هر گاه بندگانم از تو پرسند» و به فاطمه و شوهرش: «پس پروردگارشان دعایشان را پذیرفت» .

ر . ک : ج 2 ص 37 (آنان که سزاوار دعایند / پشتِ سر برادر مؤمن) .

البابُ الثَّامِنُ : من تقضى حاجته بلا سؤال الرسول الله صلى الله عليه وآله يقولُ اللهُ عز و جل : مَنْ شَغَلَهُ ذِكْرِي عَنْ مَسْأَلَتِي ، أُعْطِيَتْهُ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَ السَّائِلِينَ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله : قَالَ اللهُ عز و جل : مَنْ شَغَلَهُ ذِكْرِي عَنْ مَسْأَلَتِي ، أُعْطِيَتْهُ قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَنِي . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ شَغَلَتْهُ عِبَادَةُ اللهِ عَنْ مَسْأَلَتِهِ ، أُعْطَاهُ اللهُ أَفْضَلَ مَا يُعْطَى السَّائِلِينَ . (3)

فاطمة عليها السلام : مَنْ أَصْعَدَ إِلَى اللهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ ، أَهْبَطَ اللهُ عز و جل إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ لَهُ الْحَاجَّةُ إِلَى اللهِ عز و جل ، فَيَبْدَأُ بِالثَّنَاءِ عَلَى اللهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، حَتَّى يَنْسَى حَاجَتَهُ ، فَيَقْضِيهَا اللهُ لَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَسْأَلَهُ بِهَا . (5)

-
- 1- التاريخ الكبير : ج 2 ص 115 ح 1879 عن عمر ، سنن الترمذى : ج 5 ص 184 ح 2926 عن أبي سعيد الخدرى وفيه «القرآن وذكرى» بدل «ذكرى» ، كنز العمال : ج 1 ص 434 ح 1874 ؛ الكافى : ج 2 ص 501 ح 1 ، المحاسن : ج 1 ص 109 ح 97 ، عدّة الداعى : ص 233 كلّها عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 158 ح 30 وص 323 ح 36 .
 - 2- الفردوس : ج 3 ص 168 ح 4446 ، حلية الأولياء : ج 7 ص 313 كلاهما عن حذيفة ، كنز العمال : ج 1 ص 434 ح 1873 .
 - 3- عدّة الداعى : ص 233 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 108 ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 327 ح 175 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 342 ح 11 .
 - 4- عدّة الداعى : ص 218 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 108 ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام : ص 327 ح 177 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 249 ح 25 وج 71 ص 184 ح 44 .
 - 5- الكافى : ج 2 ص 501 ح 2 ، عدّة الداعى : ص 233 كلاهما عن هارون بن خارجة ، الدعوات : ص 22 ح 25 وليس فيه «وآل محمد» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 312 ح 17 وص 342 ح 11 .

باب هشتم : کسی که حاجتش بی درخواست برآورده شود

باب هشتم : کسی که حاجتش بی درخواست برآورده شود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل می فرماید : «هر کس یاد من او را از درخواست کردن از من غافل سازد ، بهترین چیزی را که به درخواست کنندگان می دهم ، به او عطا می کنم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل فرمود : «هر کس چنان در یاد من غرقه شود که درخواست کردن از من یادش برود ، پیش از آن که از من درخواست کند ، به او عطا می کنم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس عبادت خدا او را از درخواست کردن از وی باز دارد ، خداوند بهترین چیزی را که به درخواست کنندگان می دهد ، به او عطا می کند.

فاطمه علیها السلام : هر کس عبادت خالصش را به درگاه خداوند فرا فرستد ، خدای عز و جل برترین مصلحت او را برایش فرو می فرستد.

امام صادق علیه السلام : بنده به خداوند عز و جل حاجتی دارد و شروع به ثنای خداوند و صلوات فرستادن بر محمد و خاندان محمد می کند ، تا جایی که یادش می رود حاجتی داشته است . پس خداوند حاجتش را ، بی آن که آن را از خداوند درخواست کند ، برایش برآورده می سازد.

عنه عليه السلام: _ فيما يُقالُ في كُلِّ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ _ : يا مَنْ يُعْطَى الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ ، يا مَنْ يُعْطَى مَنْ سَأَلَهُ ، يا مَنْ يُعْطَى مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَرَحْمَةً ، أُعْطِنِي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَجَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ ؛ وَأَصْرِفْ عَنِّي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ الْآخِرَةِ ؛ فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَا أُعْطِيتَ ، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ يَا كَرِيمٌ . (1)

1- .الإقبال : ج 3 ص 211 عن محمد السجّاد ، الكافي : ج 2 ص 584 ح 20 عن أبي جعفر نحوه ، رجال الكشي : ج 2 ص 667 ح 689 عن محمد بن زيد الشحام ، بحار الأنوار : ج 95 ص 360 ح 15 .

امام صادق علیه السلام_ در دعایی که هر روز از ماه رجب خوانده می شود_: ای کسی که در برابر [عمل] اندک ، [پاداش] بسیار می دهد ! ای کسی که به هر کس از او درخواست کند ، عطا می نماید ! ای کسی که به آن کس هم که از او درخواست نکند و به آن کس هم که خداشناس نیست ، از سر شفقت و مهر ، عطا می کند ! به من که از تو درخواست می کنم ، هر چه خیر دنیا و هر چه خیر آخرت است ، عطا فرما ، و از من که از تو درخواست می کنم ، جمیع شرّ دنیا و آخرت را دور گردان _ چرا که آنچه تو عطا کنی ، بی کاست است _ و از فضل خود ، مرا فزونی ده ، ای صاحب کرم!

الباب التاسع: من لا تستجاب دعوتها الكتاب «وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ * قَالُوا أَوْ لَمْ تَكُنْ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دَعَا الْكَاذِبِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ». (1)

«حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ». (2)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: خَمْسَةٌ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ: رَجُلٌ جَعَلَ اللَّهُ بِيَدِهِ طَلَاقَ امْرَأَتِهِ فَهِيَ تُؤْذِيهِ وَعِنْدَهُ مَا يُعْطِيهَا، وَلَمْ يُخَلِّ سَبِيلَهَا، وَرَجُلٌ أَبَقَ مَمْلُوكُهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَلَمْ يَبْعَهُ، وَرَجُلٌ مَرَّ بِحَائِطٍ مَائِلٍ وَهُوَ يَقْبَلُ إِلَيْهِ وَلَمْ يُسْرِعِ الْمَشَى حَتَّى سَقَطَ عَلَيْهِ، وَرَجُلٌ أَقْرَضَ رَجُلًا مَالًا فَلَمْ يُشْهَدْ عَلَيْهِ، وَرَجُلٌ جَلَسَ فِي بَيْتِهِ وَقَالَ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي وَلَمْ يَطْلُبْ. (3)

1- غافر: 49 و 50.

2- المؤمنون: 99 و 100.

3- الخصال: ص 299 ح 71 عن محمد بن حماد الحارثي عن الإمام الصادق عليه السلام، روضة الواعظين: ص 356، بحار الأنوار: ج 93 ص 356 ح 10.

باب نهم : کسی که دعایش مستجاب نمی شود

باب نهم : کسی که دعایش مستجاب نمی شود قرآن «و آنان که در دوزخ اند به دوزخ بانان می گویند : پروردگارتان را بخوانید تا یک روز ، عذاب ما را سبک گرداند . گویند : مگر پیامبرانتان دلایل روشن به سوی شما نیاوردند؟ گویند : چرا . گویند : پس ، بخوانید ؛ ولی دعای کافران جز در بیراهه نیست» .

«تا آن گاه که مرگ یکی از ایشان فرارسد ، گوید : «پروردگارا! مرا باز گردان . شاید من در آنچه وا نهاده ام ، کار نیکی انجام دهم» . نه چنین است . این ، سخنی است که او گوینده آن است و پیشاپیش آنان ، برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند» .

حدیث 2. وقال _ علیه الصلوة والسلام _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پنج کس اند که دعایشان مستجاب نمی شود : یکم . مردی که خداوند طلاق زنش را در اختیار او قرار داده است و زنش او را می آزارد و او [آن مقدار] دارد که مهریه اش را بدهد ؛ اما طلاقش نمی دهد [و به نفرین روی می آورد] ، دوم . مردی که غلامش سه بار گریخته ؛ اما او را نفروخته است ، سوم . مردی که از کنار دیوار کجی بگذرد و تند رد نشود تا دیوار بر او فرود آید ، چهارم . مردی که پولی به کسی قرض دهد و بر آن گواه نگیرد ، و پنجم . مردی که در خانه اش بنشیند و بگوید: «خدایا! مرا روزی ده» و در طلب آن بر نیاید.

3. وقال _ عليه الصلاة والسلام _ : عنه صلى الله عليه وآله : ثلاثة يدعون الله فلا يستجاب لهم : رجلٌ كانت تحته امرأةٌ سيئةٌ فلم يطلقها ، ورجلٌ كان له [على رجلٍ] (1) مالٌ فلم يشهد عليه ، ورجلٌ أتى سفيهاً ماله ، وقد قال الله عز وجل : «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ» (2) .

(3) 4. وحكى _ عليه الصلاة والسلام _ عن الله تعالى : الكافي : الإمام الصادق عليه السلام : أربعةٌ لا تُستجاب لهم دعوةٌ : رجلٌ جالسٌ في بيته يقول : اللهم ارزقني فيقال له : ألم أمرك بالطلبِ ؟ ورجلٌ كانت له امرأةٌ قد دعا عليها ، فيقال له : ألم أجعل أمرها إليك ؟ ورجلٌ كان له مالٌ فأفسده ، فيقول : اللهم ارزقني ، فيقال له : ألم أمرك بالإقتصادِ ؟ ألم أمرك بالإصلاحِ ؟ ثم قال : «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (4) ، ورجلٌ كان له مالٌ فأدانه بغير بيعةٍ ، فيقال له : ألم أمرك بالشهادةِ ؟ (5) 5. وقال _ عليه الصلاة والسلام _ : الإمام الصادق عليه السلام _ مما قاله عليه السلام في جوابِ الصوفيةِ : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى . . . فِي غَيْرِ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ يَقُولُ : «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» فَنهَاهُمْ عَنِ الْإِسْرَافِ ، وَنهَاهُمْ عَنِ التَّقْتِيرِ وَلَكِنْ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ ، لَا يُعْطَى جَمِيعَ مَا عِنْدَهُ ، ثُمَّ يَدْعُو اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُ ؛ لِلْحَدِيثِ الَّذِي جَاءَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

إِنَّ أَصْنَافًا مِنْ أُمَّتِي لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دُعَاؤُهُمْ : رَجُلٌ يَدْعُو عَلَيَّ وَالِدِيهِ ، وَرَجُلٌ يَدْعُو عَلَيَّ غَرِيمٍ ذَهَبَ لَهُ بِمَالٍ ، فَلَمْ يَكْتُبْ عَلَيْهِ وَلَمْ يُشْهَدْ عَلَيْهِ ، وَرَجُلٌ يَدْعُو عَلَيَّ امْرَأَتِهِ وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ تَخْلِيَةً سَبِيلَهَا بِيَدِيهِ ، وَرَجُلٌ يَقْعُدُ فِي بَيْتِهِ وَيَقُولُ : رَبِّ ارْزُقْنِي ، وَلَا يَخْرُجُ وَلَا يَطْلُبُ الرِّزْقَ ، يَقُولُ اللَّهُ عز وجل له : عَبْدِي ! أَلَمْ أَجْعَلْ لَكَ السَّبِيلَ إِلَى الطَّلَبِ ، وَالضَّرْبَ فِي الْأَرْضِ بِجَوَارِحِ صَحِيحَةٍ ؟ فَتَكُونُ قَدْ أَعْدَرْتَ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ فِي الطَّلَبِ لِاتِّبَاعِ أَمْرِي ، وَلِكَيْلَا تَكُونَ كَلًّا عَلَى أَهْلِكَ ، فَإِنْ شِئْتَ رَزَقْتُكَ ، وَإِنْ شِئْتَ قَتَرْتُ عَلَيْكَ ، وَأَنْتَ غَيْرُ مَعْدُورٍ عِنْدِي .

وَرَجُلٌ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا كَثِيرًا فَأَنْفَقَهُ ، ثُمَّ أَقْبَلَ يَدْعُو : يَا رَبِّ ارْزُقْنِي ، يَقُولُ اللَّهُ عز وجل : أَلَمْ أَرْزُقْكَ رِزْقًا وَسِيعًا ؟ فَهَلَّا اقْتَصَدْتَ فِيهِ كَمَا أَمَرْتُكَ وَلَمْ تُسْرِفْ ، وَقَدْ نَهَيْتُكَ عَنِ الْإِسْرَافِ ؟ وَرَجُلٌ يَدْعُو فِي قَطِيعَةٍ رَحِمٍ . (6) .

1- أثبتنا ما بين المعقوفين من السنن الكبرى .

2- النساء : 5 .

3- المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 331 ح 3181 ، السنن الكبرى : ج 10 ص 247 ح 20517 ، شُعَبُ الْإِيمَانِ : ج 6 ص 249 ح 8041 ، تاريخ دمشق : ج 24 ص 190 كلاهما نحوه وكلها عن أبي موسى الأشعري ، كنز العمال : ج 16 ص 35 ح 43825 .

4- الفرقان : 67 .

5- الكافي : ج 2 ص 511 ح 2 ، عدّة الداعي : ص 126 كلاهما عن جعفر بن إبراهيم وفيه «امرأة فاجرة» ، الدعوات : ص 33 ح 75 ، عوالي اللآلي : ج 4 ص 22 ح 65 وزاد فيه «فيجده صاحبه» بعد «بيئته» ، بحار الأنوار : ج 93 ص 360 ح 21 .

6- الكافي : ج 5 ص 67 ح 1 عن مسعدة بن صدقة ، تحف العقول : ص 350 ، بحار الأنوار : ج 47 ص 234 ح 22 و ج 70 ص 124 ح 13 وراجع قرب الاسناد : ص 79 ح 258 .

6. وقال _ عليه الصلاة والسلام _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه کس اند که خدا را می خوانند و پاسخ نمی گیرند : مردی که همسر بدی دارد و طلاقش نمی دهد ؛ مردی که [از کسی] پولی طلبکار است و بر آن گواه نگرفته است ؛ و مردی که مالش را به شخص سفیه داده است ، در حالی که خداوند عز و جلفرموده است : «و اموالتان را به سفیهان ندهید» . 7. وقال _ عليه الصلاة والسلام _ : الکافی : امام صادق علیه السلام فرمود : «چهار دسته اند که دعایشان پذیرفته نمی شود :

یکی مردی که در خانه اش بنشیند و بگوید : خدایا! روزی ام ده . در جوابش گفته می شود : مگر تو را به طلب روزی ، فرمان ندادم؟

دیگر ، مردی که زنی دارد و زنش را نفرین می کند . به او گفته می شود : مگر اختیار کار [طلاق] او را به تو ندادم؟

سوم ، مردی که مالی دارد و آن را تباه می کند و می گوید : خدایا! روزی ام ده . به او گفته می شود : مگر تو را به میانه روی فرمان ندادم؟ مگر تو را به بهسازی [مال و دارایی ات] فرمان ندادم؟». سپس فرمود : «و آنان که هر گاه اتفاق کنند ، نه ولخرجی می کنند و نه خست می ورزند ؛ بلکه میان این دو حد ، میانه را برمی گزینند» .

«و چهارم ، مردی که پولی داشته و آن را ، بدون گرفتن گواه ، قرض داده است . پس به او گفته می شود : مگر تو را به گواه گرفتن ، فرمان ندادم؟». 8. وقال _ عليه الصلاة والسلام _ : امام صادق علیه السلام _ از جمله جواب های ایشان به صوفیان _ : خداوند _ تبارک و تعالی _ در چند جای کتابش می فرماید : «همانا او اسرافکاران را دوست ندارد» . پس ، مردم را از زیاده روی نهی فرمود ، و از تنگ گرفتن هم نهی فرموده است ؛ بلکه حدّ میان این دو را باید برگزید .

نباید هر چه دارد ، بدهد ، آن گاه دعا کند که خداوند روزی اش دهد ، که دعایش به اجابت نمی رسد ؛ به دلیل حدیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است که فرمود :

«چند دعاست که از اَمّت من به اجابت نمی رسد : نفرین شخص به پدر و مادرش و نفرین شخص به بدهکارش که مال او را خورده است و او برای پولی که به او داده ، نوشته و گواهی نگرفته است و نفرین شخص به همسرش ، در حالی که خداوند اختیار طلاقش را به دست او داده است و دعای مردی که در خانه اش بنشیند و بگوید : پروردگارا! به من روزی ده . و به دنبال تحصیل روزی نرود . خداوند عز و جل به او می فرماید : بنده ام! آیا من بدنی سالم برای طلب روزی و سفر به تو ندادم تا هم میان من و خودت برای پیروی از فرمانم در طلب روزی ، عذر داشته باشی و هم سربار خانواده ات نباشی . پس [اکنون] اگر خواستم ، به تو روزی می دهم و اگر خواستم ، بر تو تنگ می گیرم ، و تو را در نزد من عذری نیست و دعای مردی که خداوند ثروت فراوان به او روزی کرده و او همه آنها را خرج کند و آن گاه دعا کند که : خدایا! به من روزی ده . پس خداوند عز و جلمی فرماید : مگر تو را روزی گسترده ندادم؟ پس چرا در آن ، چنان که تو را فرمان دادم ، میانه روی نکردی و زیاده روی نمودی ، با این که تو را از زیاده روی نهی کرده بودم؟ ؛ و دعای شخص برای قطع صله رحم» . .

9. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي عن الوليد بن صبيح عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: صَحِبْتُهُ بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ، فَجَاءَهُ سَائِلٌ فَأَمَرَ أَنْ يُعْطَى، ثُمَّ جَاءَ آخَرَ فَأَمَرَ أَنْ يُعْطَى، ثُمَّ جَاءَ آخَرَ فَأَمَرَ أَنْ يُعْطَى، ثُمَّ جَاءَ الرَّابِعَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُشْبِعُكَ اللَّهُ، ثُمَّ التَفَّتْ إِلَيْنَا فَقَالَ:

أما عندنا ما نُعْطِيهِ، ولكن أخشى أن نكون كأحدِ الثلاثةِ الذين لا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعْوَةٌ: رَجُلٌ أَعْطَاهُ اللَّهُ مَالًا فَأَنْفَقَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ ارزُقني؛ فلا يُسْتَجَابُ لَهُ. وَرَجُلٌ يَدْعُو عَلَى امْرَأَتِهِ أَنْ يُرِيحَهُ مِنْهَا، وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ أَمْرَهَا إِلَيْهِ. وَرَجُلٌ يَدْعُو عَلَى جَارِهِ، وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ لَهُ السَّبِيلَ إِلَى أَنْ يَتَحَوَّلَ عَنْ جِوَارِهِ وَيَبِيعَ دَارَهُ. (1)10. وقال صلى الله عليه وسلم: كتاب من لا يحضره الفقيه عن الوليد بن صبيح: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَاءَهُ سَائِلٌ فَأَعْطَاهُ، ثُمَّ جَاءَهُ آخَرَ فَأَعْطَاهُ، ثُمَّ جَاءَهُ آخَرَ فَأَعْطَاهُ، ثُمَّ جَاءَهُ آخَرَ فَقَالَ: وَسَعَّ اللَّهُ عَلَيْكَ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ رَجُلًا لَوْ كَانَ لَهُ مَالٌ يَبْلُغُ ثَلَاثِينَ أَوْ أَرْبَعِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ، ثُمَّ شَاءَ أَنْ لَا يُبْقِيَ مِنْهَا شَيْئًا إِلَّا وَضَعَهُ فِي حَقِّ لَفْعَلٍ، فَيُبْقَى لَا مَالَ لَهُ، فَيَكُونُ مِنَ الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ يَرُدُّ دَعَاؤُهُمْ.

قُلْتُ: مَنْ هُمْ؟ قَالَ: أَحَدُهُمْ رَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَنْفَقَهُ فِي غَيْرِ وَجْهِهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا رَبِّ ارزُقني، فَيَقُولُ الرَّبُّ عِزَّ وَجَلَّ: أَلَمْ أَرْزُقْكَ؟

وَرَجُلٌ جَلَسَ فِي بَيْتِهِ وَلَا يَسْعَى فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَيَقُولُ: يَا رَبِّ ارزُقني، فَيَقُولُ الرَّبُّ عِزَّ وَجَلَّ: أَلَمْ أَجْعَلْ لَكَ سَبِيلًا إِلَى طَلَبِ الرِّزْقِ؟

وَرَجُلٌ لَهُ امْرَأَةٌ تُؤْذِيهِ، فَيَقُولُ: يَا رَبِّ خَلِّصْنِي مِنْهَا، فَيَقُولُ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ: أَلَمْ أَجْعَلْ أَمْرَهَا بِيَدِكَ؟ (2).

1- الكافي: ج 2 ص 510 ح 1.

2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 69 ح 1747، الكافي: ج 4 ص 16 ح 1 وليس فيه ذيله من «ورجل جلس في بيته»، النخصال: ص 160 ح 208، مستطرفات السرائر: ص 28 ح 14، الأمالى للطوسي: ص 679 ح 1445 وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 93 ص 354 ح 2.

11. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي_ به نقل از ولید بن صبیح_: میان مکه و مدینه همراه امام صادق علیه السلام بودم که نیازمندی آمد . امام علیه السلام فرمود چیزی به او بدهند . بعد ، نیازمند دیگری آمد . باز امام علیه السلام فرمود چیزی به او بدهند . سپس دیگری آمد و امام علیه السلام فرمود به او هم بدهند .

چهارمی آمد . امام صادق علیه السلام فرمود : «خدا سیرت کند!» . سپس رو به ما کرد و فرمود : «البته چیزی داریم که به او هم بدهیم ؛ اما می ترسم مانند یکی از سه نفری شویم که دعایشان مستجاب نمی شود :

یکی ، مردی که خداوند به او مالی داده و او آنها را نابه جا خرج کند و بعد بگوید : بار خدایا! مرا روزی ده . چنین کسی دعایش مستجاب نمی شود .

دوم ، مردی که دعا کند خدا او را از دست زنش آسوده گرداند ، در حالی که خداوند عز و جل طلاقش را در اختیار او نهاده است .

و سوم ، مردی که همسایه اش را نفرین کند ، در حالی که خداوند عز و جل او را قادر ساخته است که خانه اش را بفروشد و از همسایگی او برود». 12. وقال صلى الله عليه وسلم الإيمان بضع وسبعون شعبةً كتاب من لايحضره الفقيه_ به نقل از ولید بن صبیح_: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که نیازمندی ، نزد ایشان آمد و امام علیه السلام چیزی به او داد . سپس نیازمند دیگری آمد و باز امام علیه السلام چیزی به او داد . آن گاه دیگری آمد و به او هم عطا کرد .

چهارمی آمد . امام علیه السلام فرمود : «خدایت گشایش دهاد!» . سپس فرمود : «انسان اگر ثروتی بالغ بر سی یا چهل هزار درهم داشته باشد و بخواهد آن را تا درهم آخر در راه حقش بدهد ، می تواند ؛ اما در آن صورت ، خودش بی پول می ماند و از جمله آن سه نفری خواهد بود که دعایشان پذیرفته نمی شود».

گفتم : آن سه نفر کیان اند؟

فرمود : «یکی از آنان ، مردی است که مالی دارد و آن را نابه جا انفاق (خرج) می کند . سپس می گوید : خدایا! روزی ام را برسان . پس پروردگار عز و جل می فرماید : مگر روزی ات ندادم؟ .

دوم ، مردی است که در خانه اش نشسته است و به دنبال روزی نمی رود و می گوید : خدایا! روزی ام را برسان . پس پروردگار عز و جلمی فرماید : مگر راهی را جهت طلب روزی برایت قرار ندادم؟ .

و سوم ، مردی است که زنش او را آزار و اذیت می کند و او می گوید : خدایا! مرا از دست این زن برهان . پس خداوند عز و جلمی فرماید : مگر اختیار طلاق او را به تو ندادم؟ . . .

13. وعن سفيان قال: الكافي عن عمر بن يزيد: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَجُلٌ قَالَ: لَأَقْعُدَنَّ فِي بَيْتِي وَلَأَصَلِّ لِيَنَّ وَلَأَصُومَنَّ وَلَأَعْبُدَنَّ رَبِّي، فَأَمَّا رِزْقِي فَسَيَأْتِينِي.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا أَحَدُ الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ. (1) 14. وقال صلى الله عليه وسلم: مجمع البيان عن عمرو بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام: إِنِّي لَأَرْكَبُ فِي الْحَاجَةِ الَّتِي كَفَاهَا اللَّهُ، مَا أَرْكَبُ فِيهَا إِلَّا التِّمَّاسَ أَنْ يَرَانِي اللَّهُ أَضْحَى فِي طَلَبِ الْحَلَالِ، أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ اسْمُهُ: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ» (2)؟ أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ بَيْتًا وَطَيَّنَ عَلَيْهِ بَابَهُ، ثُمَّ قَالَ: رِزْقِي يَنْزِلُ عَلَيَّ، كَانَ يَكُونُ هَذَا؟ أَمَا إِنَّهُ أَحَدُ الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ.

قُلْتُ: مَنْ هُوَ الثَّلَاثَةُ؟

قَالَ: رَجُلٌ تَكُونُ عِنْدَهُ الْمَرْأَةُ فَيَدْعُو عَلَيْهَا فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُ؛ لِأَنَّ عِصْمَتَهَا فِي يَدِهِ (3)، لَوْ شَاءَ أَنْ يُحَلِّيَ سَبِيلَهَا لَحَلَّى سَبِيلَهَا، وَالرَّجُلُ يَكُونُ لَهُ الْحَقُّ عَلَى الرَّجُلِ فَلَا يُشْهَدُ عَلَيْهِ فَيَجْحَدُهُ حَقَّهُ، فَيَدْعُو عَلَيْهِ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُ؛ لِأَنَّهُ تَرَكَ مَا أَمَرَ بِهِ، وَالرَّجُلُ يَكُونُ عِنْدَهُ الشَّيْءُ فَيَجْلِسُ فِي بَيْتِهِ فَلَا يَنْتَشِرُ، وَلَا يَطْلُبُ وَلَا يَلْتَمِسُ حَتَّى يَأْكُلَهُ، ثُمَّ يَدْعُو فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُ. (4).

1- الكافي: ج 5 ص 77 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 323 ح 887، مستطرفات السرائر: ص 139 ح 11، بحار الأنوار: ج 93 ص 357 ح 15.

2- الجمعة: 10.

3- يقال: بيده عِصْمَةُ النِّكَاحِ؛ أَي عَقْدَةُ النِّكَاحِ (لسان العرب: ج 12 ص 405 «عصم»).

4- مجمع البيان: ج 10 ص 435، عدّة الداعي: ص 81 عن عمر بن يزيد، بحار الأنوار: ج 89 ص 129.

15. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي_ به نقل از عمر بن یزید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردی گفت: در خانه ام می نشینم و به نماز و روزه و عبادت پروردگارم می پردازم. روزی ام هم خودش می رسد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «این، یکی از همان سه نفری است که دعایشان مستجاب نمی شود». 16. وقال صلى الله عليه وسلم: مجمع البيان_ به نقل از عمرو بن زید: امام صادق علیه السلام فرمود: «من برای تحصیل معاشم_ که خداوند، خود، آن را تضمین کرده است_ تلاش می کنم و این تلاش فقط از آن روست که می خواهم خداوند ببیند من برای طلب حلال می کوشم. مگر نشنیده ای سخن خداوند_ عزّ اسمه_ را که: «چون نماز به پایان رسید، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بجوید»؟ به نظر تو، اگر مردی به اتاقی برود و در آن را به روی خود گل بگیرد و آن گاه بگوید: روزی ام به من می رسد، به راستی چنین خواهد شد؟ بدان که او یکی از آن سه نفری است که دعایشان مستجاب نمی شود».

گفتم: آن سه نفر کیان اند؟

فرمود: «مردی که زنش نزد اوست و وی را نفرین کند، نفرینش مستجاب نمی شود؛ چرا که اختیار زنش در دست اوست و اگر بخواهد، می تواند طلاقش دهد. مردی که از دیگری طلبکار باشد و بر آن گواه نگیرد و آن مرد، حق او را انکار نماید و آن شخص نفرینش کند. نفرین او هم مستجاب نمی شود؛ زیرا دستوری را که [در نوشتن و گرفتن شاهد] به او داده شده، ترک کرده است. و مردی که ثروتی دارد و در خانه اش می نشیند و به راه نمی افتد و تلاش نمی کند، تا این که هر آنچه را دارد، می خورد، سپس دعا می کند؛ دعای چنین کسی نیز [برای روزی] مستجاب نمی شود».

17. وقال صلى الله عليه وسلم: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ لَمْ يَطْلُبْ طَعْمَهُ فَلَا عَلَيْهِ أَنْ لَا يُكْثِرَ الدُّعَاءَ . (1)18. وقال صلى الله عليه وسلم: عنه صلى الله عليه وآله: إني لأبغض الرجل فأغرا (2) فاه إلى ربه، يقول: أرزقني، ويترك الطلب . (3)19. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي عن كليب الصيداوي: قلتُ لأبي عبد الله عليه السلام: أدع الله عز وجل لي في الرزق فقد التأت (4) عليّ أموري .

فأجابني مسرعا: لا، أخرج فاطم . (5)20. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي عن أيوب أخي أديم بياع الهروي: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِذْ أَقْبَلَ الْعَلَاءُ بْنُ كَامِلٍ، فَجَلَسَ قُدَّامَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: أَدْعُ اللَّهُ أَنْ يَرْزُقَنِي فِي دَعَا . (6)

فَقَالَ: لَا أَدْعُو لَكَ، أَطْلُبْ كَمَا أَمَرَكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ . (7)

1- .كنز العمال: ج 4 ص 12 ح 9249 نقلاً عن الديلمي عن عائشة .

2- .فغر فاه: فتحه (لسان العرب: ج 5 ص 59 «فغر»).

3- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 192 ح 3721 عن علي بن عبدالعزيز عن الإمام الصادق عليه السلام، عوالي اللآلي: ج 2 ص 108 ح 296 و ج 4 ص 22 ح 66 .

4- .التأت عليه الأمور: التبست واختلطت . والالتياث: الاجتماع والاختلاط والالتباس وصعوبة الأمر وشدته (تاج العروس: ج 3 ص 258 «لوث»).

5- .الكافي: ج 5 ص 79 ح 11 .

6- .الدعة: الخفض والسكون والراحة والسعة في العيش (تاج العروس: ج 11 ص 499 «ودع»).

7- .الكافي: ج 5 ص 78 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 324 ح 888 .

21. وقال النبي صلى الله عليه وسلم: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: کسی که دنبال روزی اش نمی رود، بر او گناهی نیست که زیاد دعا نکند. (1) 22. وقالت عائشة رضی الله عنه فقدت رسول الله صلى الله عليه وآله: من بيزارم از آن مردی که دهان خود را به سوی پروردگارش بگشاید و بگوید: «به من روزی ده» و در طلب روزی بر نیاید. 23. وقالت عائشة رضی الله عنها: الكافي - به نقل از کلب صیداوی: به امام صادق علیه السلام گفتم: خداوند عز و جل را برای روزی ام دعا کن؛ زیرا اوضاعم به هم ریخته است.

امام علیه السلام بی درنگ پاسخ داد: «نه؛ برو و آن را بجوی». 24. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي - به نقل از ایوب، برادر آدمیم زردچوبه فروش: خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودیم که علاء بن کامل وارد شد و جلوی ایشان نشست و گفت: دعا

بفرمایید که خداوند مرا به آسودگی روزی دهد.

امام علیه السلام فرمود: «برایت دعا نمی کنم. برو و همچنان که خداوند عز و جل فرمانت داده است، در طلب آن بکوش».

1- چون دعا کردن در این جایی مورد است و هر چه دعا کند نیز بی فایده است؛ بلکه باید کار و تلاش کند.

25. قال ابن عباس _ رضی الله عنه: الكافي عن علي بن عبدالعزيز: قال لى أبو عبد الله عليه السلام: ما فعل عمر بن مسلم؟

قلت: جعلت فداك! أقبل على العبادة، وترك التجارة.

فقال: ويحه! أما علم أن تارك الطلب لا يستجاب له؟ إن قوما من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله لما نزلت: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (1) أغلقوا الأبواب وأقبلوا على العبادة، وقالوا: قد كفيينا.

فبلغ ذلك النبي صلى الله عليه وآله فأرسل إليهم، فقال: ما حملكم على ما صنعتم؟ قالوا: يا رسول الله، تكفل لنا بأزقاتنا، فأقبلنا على العبادة.

فقال: إن من فعل ذلك لم يستجب له، عليكم بالطلب. (2) وقال صلى الله عليه وسلم: رسول الله صلى الله عليه وآله ثلاثة لا يجيبهم ربك عز وجل: رجل نزل بيتا خربا، ورجل نزل على طريق السبيل (3)، ورجل أرسل دابته ثم جعل يدعو الله أن يحبسها. (4) وقال صلى الله عليه وسلم: عنه صلى الله عليه وآله: من زوج كريمة بفاسق، نزل عليه كل يوم ألف لعنة، ولا يصعد له عمل إلى السماء، ولا يستجاب له دعاؤه، ولا يقبل منه صرف ولا عدل. (5).

1- الطلاق: 2 و 3.

2- الكافي: ج 5 ص 84 ح 5، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 323 ح 885، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 192 ح 3721، بحار الأنوار: ج 22 ص 131 ح 111.

3- أى الطريق المسلوک. قال ابن منظور: سبيل سابلة: أى مسلوكة. والسابلة: أبناء السبيل المختلفون على الطرقات فى حوائجهم (لسان العرب: ج 11 ص 320 «سبل»).

4- تاريخ دمشق: ج 34 ص 449 ح 7057، الإصابة: ج 5 ص 180، كنز العمال: ج 16 ص 31 ح 43804 نقلاً عن الطبرانى وكلها عن عبدالرحمن بن عائذ الثمالى.

5- إرشاد القلوب: ص 174.

28. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي... به نقل از علی بن عبد العزیز: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «عمر بن مسلم، چه می کند؟».

گفتم: فدایت شوم! به عبادت رو آورده و کسب و تجارت را رها کرده است.

فرمود: «وای از او! مگر نمی داند که هر کس طلب روزی را وا نهد، دعایش مستجاب نمی شود؟ گروهی از اصحاب پیامبر خدا، وقتی آیات «و هر کس تقوای خدا پیشه کند، خداوند برایش راه خروجی قرار می دهد و او را از جایی که گمان نمی برد، روزی می رساند» نازل شد، درها [ی دکان هایشان] را بستند و به عبادت روی آوردند و گفتند: روزی مان می رسد.

این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. ایشان در پی آنان فرستاد (احضارشان کرد) و فرمود: چه باعث شد که به این کار دست بزنید؟.

گفتند: ای پیامبر خدا! روزی ما، برایمان تضمین شده است. از این رو، به عبادت روی آوردیم.

فرمود: کسی که چنین کند، دعایش به اجابت نمی رسد. بر شما باد طلب روزی!». 29. وقال صلى الله عليه وسلم: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سه کس اند که پروردگارت عز و جل دعایشان را اجابت نمی کند: مردی که در خانه ای ویرانه فرود آید، مردی که در گذرگاه فرود آید، و مردی که ستورش را رها سازد [و نبندد] و سپس دعا کند که خداوند آن را نگه دارد. 30. وقال صلى الله عليه وسلم: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دخترش را به مردی فاسق شوهر دهد، روزی هزار لعنت بر

او فرود می آید و هیچ عملی از او به آسمان بالا نمی رود و دعایش مستجاب نمی گردد و فدیة و توبه ای از او پذیرفته نمی شود. .

31. وقال صلى الله عليه وسلم: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ ضَحِكَ عَلَى جِنَازَةٍ، أَهَانَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ، وَلَا يُسْتَجَابُ دُعَاؤُهُ. (1) 32. وقال صلى الله عليه وسلم: الإمام الباقر عليه السلام: يَا بُنَيَّ، إِنَّ مَنْ ائْتَمَنَ شَارِبَ الْحَمْرِ عَلَى أَمَانَةٍ فَلَمْ يُؤَدِّهَا إِلَيْهِ، لَمْ يَكُنْ لَهُ عَلَى اللَّهِ صَمَانٌ وَلَا أَجْرٌ وَلَا خَلْفٌ، ثُمَّ إِنْ ذَهَبَ لِيَدْعُوَ اللَّهَ عَلَيْهِ، لَمْ يَسْتَجِبِ اللَّهُ دُعَاءَهُ. (2) 33. وقال صلى الله عليه وسلم: رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا يَقْبَلُ اللَّهُ دُعَاءَ الْمُرَائِي، وَلَا اللَّاعِبِ، وَلَا يَقْبَلُ إِلَّا الدُّعَاءَ مِنَ الدَّعَاءِ. (3) 34. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَسْتَجِيبُ لِلْمَظْلُومِينَ، مَا لَمْ يَكُونُوا أَكْثَرَ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَإِذَا كَانُوا أَكْثَرَ مِنَ الظَّالِمِينَ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ. (4) عنه صلى الله عليه وآله: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَنْ لَمْ يَقْبَلْ مِنْ عِبَادِي الْمَيْسُورَ، وَلَمْ يَدَعْ الْمَعْسُورَ، لَمْ أَنْفَسْ كُرْبَتَهُ، وَلَمْ أَسْمَعْ دُعَاءَهُ، وَلَمْ أُسْتَجِبْ لَهُ. (5).

-
- 1- إرشاد القلوب: ص 175، بحار الأنوار: ج 81 ص 264 ح 18 نقلاً عن تنبيه الخواطر.
 - 2- الأصول الستة عشر: ص 50 عن زيد النرسي عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار: ج 103 ص 175 ح 4.
 - 3- الجعفریات: ص 170 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.
 - 4- الفردوس: ج 1 ص 149 ح 538 عن جرير بن عبد الله.
 - 5- الفردوس: ج 5 ص 241 ح 8072 عن أنس.

36. وقال صلى الله عليه وسلم: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس به جنازه ای بخندد، روز قیامت، خداوند او را در برابر همگان خوار می گرداند و دعایش نیز مستجاب نمی شود. 37. وقال صلى الله عليه وسلم: امام باقر علیه السلام: فرزندم! هر کس امانتی به شرابخوار بسپارد و او آن را به وی باز نگرداند، او را نزد خداوند نه ضمانتی است، نه مزدی و نه عوضی. وانگهی، اگر برود و نفرینش هم بکند، خداوند نفرین او را نمی پذیرد. 38. وقال صلى الله عليه وسلم: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خداوند، دعای ریاکار و بازیگر (1) را نمی پذیرد. و دعا را جز از کسی که بسیار دعا می کند، قبول نمی کند. 39. وقال صلى الله عليه وسلم: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خداوند عز و جل دعای ستم دیدگان را می پذیرد، مادام که از ستمکاران بیشتر نباشند. هر گاه شمارشان از ستمکاران بیشتر باشد، دیگر دعایشان را نمی پذیرد. 40. وقال صلى الله عليه وسلم: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خداوند عز و جل می فرماید: «هر که آسان را از بندگان من نپذیرد. و از دشوار نگذرد، اندوه او را نمی گسارم و دعایش را نمی شنوم و اجابتش نمی کنم».

1- . شاید مقصود، کسی باشد که نه از روی جدّ، بلکه از سر سرگرمی دعا می کند و در واقع، آن را بازیچه قرار می دهد.

الباب العاشر: تأخير الإجابة 10 / 1 الفصل بين الإجابة وتحقق المطلوب 44. وقال صلى الله عليه وسلم: الإمام الصادق عليه السلام: كان بين قول الله عز وجل: «قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا» (1) وبين أخذ فرعون، أربعين (2) عاما. (3) 45. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي عن إسحاق بن عمار: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: يستجاب للرجل الدعاء، ثم يؤخر؟ قال: نعم، عشرين سنة. (4) 46. وقال صلى الله عليه وسلم: الإمام الصادق عليه السلام: إن المؤمن ليدعو، فيؤخر إجابته إلى يوم الجمعة. (5).

1- يونس: 89.

2- في عدة الداعي والاختصاص: «أربعون».

3- الكافي: ج 2 ص 489 ح 5، تفسير العياشي: ج 2 ص 127 ح 40، عدة الداعي: ص 189 كلها عن هشام بن سالم، الاختصاص: ص 266، الخصال: ص 540 ح 11 عن زرارة عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 93 ص 375 ح 16.

4- الكافي: ج 2 ص 489 ح 4، عدة الداعي: ص 189، بحار الأنوار: ج 93 ص 375 ح 16.

5- الكافي: ج 2 ص 490 ح 6 عن أبي بصير، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 5 ح 12، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 422 ح 1243 وزاد في آخره «ليخصه بفضل يوم الجمعة» وكلاهما عن أبي بصير عن أحدهما عليهما السلام نحوه، عدة الداعي: ص 190 عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج 93 ص 375 ح 16.

باب دهم : تأخیر اجابت

10 / 1 فاصله میان اجابت و تحقق یافتن خواسته

باب دهم : تأخیر اجابت 10 / 1 فاصله میان اجابت و تحقق یافتن خواسته 50. قال صلی الله علیه و سلم: امام صادق علیه السلام : میان فرموده خداوند عز و جل [به موسی و هارون] که : «دعای شما دو را پذیرفتم» تا مجازات کردن فرعون ، چهل سال طول کشید. 51. قال صلی الله علیه و سلم: الکافی_ به نقل از اسحاق بن عمّار_ : به امام صادق علیه السلام گفتم : ممکن است دعای انسان مستجاب شود و سپس [تحقق آن] به تأخیر بیفتد؟

فرمود : «آری ، [حتّی] بیست سال». 52. قال صلی الله علیه و سلم: امام صادق علیه السلام : مؤمن دعا می کند و اجابتش تا روز جمعه به تأخیر می افتد.

10 / 2 حِكْمَةٌ تَأْخِيرِ الْإِجَابَةِ 55. وقال صلى الله عليه وسلم: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو اللَّهَ وَهُوَ يُحِبُّهُ، فَيَقُولُ: يَا جِبْرِيلُ، اقضِ (1) لِعَبْدِي هَذَا حَاجَتَهُ وَأَخْرُهَا؛ فَإِنِّي أُحِبُّ أَنْ أَسْمَعَ صَوْتَهُ، وَإِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو اللَّهَ وَهُوَ يُبْغِضُهُ، فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: يَا جِبْرِيلُ اقضِ لِعَبْدِي حَاجَتَهُ بِإِخْلَاصِهِ وَعَجَلِهَا لَهُ؛ فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ أَسْمَعَ صَوْتَهُ. (2) 56. وقال صلى الله عليه وسلم: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْكَافِرَ (3) لَيَدْعُو اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ فِي حَاجَتِهِ فَتَقْضَى لَهُ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَدْعُو اللَّهَ تَعَالَى فَتَبْطِئُ عَلَيْهِ الْإِجَابَةُ، فَتَضِجُ الْمَلَائِكَةُ لِذَلِكَ، فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: إِنَّمَا أُحِبُّ الْكَافِرَ لِيَلَّا يَدْعُونِي وَلَا يَذْكُرْنِي؛ فَإِنِّي أُبْغِضُهُ وَأُبْغِضُ صَوْتَهُ، وَأُبْطِئُ لِلْمُؤْمِنِ لِيَلَّا يَنْقَطِعَ عَنِّي وَيَذْكُرْنِي؛ فَإِنِّي أُحِبُّهُ وَأُحِبُّ تَصَرُّعَهُ. (4) 57. وقال صلى الله عليه وسلم: أسد الغابة عن محمد بن المنكدر عن رجل من الأنصار عن أبيه: كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسًا، فَأَصْغَى إِصْغَاءً حَتَّى أَنْكُرَنَاهُ، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا وَقَدْ سُرِّيَ عَنْهُ، فَقَالَ: إِنَّ جِبْرِيلَ أَتَانِي فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا دَعَا عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ قَالَ: يَا جِبْرِيلُ قَدْ اسْتَجَبْتُ لِعَبْدِي الْمُؤْمِنِ وَقَضَيْتُ حَاجَتَهُ، وَإِنِّي أُحِبُّ صَوْتَهُ.

ثم أصغى الثانية فطال إصغأؤه، ثم أقبل علينا وقد سرى عنه فقال: جاءني جبريل فقال: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا دَعَا عَبْدَهُ الْكَافِرَ، قَالَ: يَا جِبْرِيلُ، اقضِ حَاجَتَهُ، فَإِنِّي أُبْغِضُ صَوْتَهُ. (5).

1- في مجمع البيان وجامع الأخبار و الفردوس : «لا تقض» بدل «اقض» .

2- تاريخ دمشق : ج 8 ص 244 ح 2192 ، الفردوس : ج 1 ص 197 ح 745 كلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج 2 ص 86 ح 3264 ؛ مجمع البيان : ج 2 ص 501 ، عدّة الداعي : ص 25 ، جامع الأخبار : ص 370 ح 1025 كلها عن جابر بن عبد الله .

3- المراد من الكافر هنا _ هو الذى ليس منكرا لله كما ورد فى قوله تعالى : «وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ» (لقمان : 25) .

4- كنز العمال : ج 2 ص 86 ح 3262 نقلاً عن الخليلي عن جابر ، وراجع الدر المنثور : ج 1 ص 227 وجامع الأخبار : ص 369 ح 1024 .

5- أسد الغابة : ج 6 ص 378 .

10 / 2 حکمت تأخیر اجابت 60. وقال صلى الله عليه وسلم: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله بنده ای که خداوند دوستش دارد، او را می خواند و خدا می فرماید: «ای جبرئیل! حاجت این بنده ام را با تأخیر برآورده ساز؛ زیرا دوست دارم صدایش را بشنوم». و بنده ای که خداوند از او بیزار است، او را می خواند و خدای متعال می فرماید: «ای جبرئیل! حاجت این بنده ام را به خاطر اخلاصش برآورده ساز و تعجیل کن؛ زیرا دوست ندارم صدایش را بشنوم». 61. قال صلى الله عليه وسلم: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: کافر (1) برای حاجتش به درگاه خداوند عز و جلدعا می کند و حاجتش برآورده می شود، و [لی] مؤمن به درگاه خداوند متعال دعا می کند و در اجابتش کندی می شود. از این کار، داد و فریاد فرشتگان بلند می شود. خداوند متعال می فرماید: «کافر را اجابت کردم تا دیگر مرا نخواند و یاد من نکند؛ چرا که از او و صدایش بیزارم؛ ولی در اجابت دعای مؤمن، کندی می کنم تا از من بگرد و مرا یاد کند؛ چرا که خودش وزاری کردنش را دوست دارم». 62. وقال صلى الله عليه وسلم: أسد الغابة_ به نقل از محمد بن منکدر، از مردی انصاری، از پدرش: با پیامبر خدا نشسته بودم که یک باره غرق در گوش دادن شد، به طوری که نگران ایشان شدیم. سپس به خود آمد و رو به ما کرد و فرمود: «جبرئیل نزد من آمد و گفت: خدای متعال هر گاه بنده مؤمنش او را بخواند، می فرماید: ای جبرئیل! دعای بنده مؤمنم را مستجاب کردم و حاجتش را برآوردم و من صدایش را دوست دارم».

پیامبر صلى الله عليه وآله دوباره مدتی طولانی غرق در گوش دادن شد و آن گاه به خود آمد و رو به ما کرد و فرمود: «جبرئیل نزد من آمد و گفت: خدای متعال هر گاه بنده کافرش او را بخواند، می فرماید: ای جبرئیل! حاجتش را برآور که از صدایش متنفرم».

1- مقصود کافری است که منکر خدا نیست، چنان که در آیه 25 لقمان آمده: و اگر از ایشان (مشرکان) پرسى چه كسى آسمان ها و زمين را آفریده؟ گویند: خدا».

63. وعن أبيذر قال: الإمام الصادق عليه السلام: إن العبد الولي لله يدعوه الله عز وجل في الأمر ينوبه، فيقول للملك الموكّل به: إقض لعبدي حاجته ولا تعجلها؛ فإني أشتهي أن أسمع نداءه وصوته.

وإن العبد العبد لله يدعوه الله عز وجل في الأمر ينوبه، فيقال للملك الموكّل به: إقض لعبدي حاجته وعجلها؛ فإني أكره أن أسمع نداءه وصوته. (1)64. وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال: عدّة الداعي عن كعب الأحمار: مكتوب في التوراة: يا موسى... إني لست بغافل عن خلقي، ولكن أحب أن تسمع ملائكتي صجيج الدعاء من عبادي، وترى حفطتي تقرب بني آدم إليّ، بما أنا مقويهم عليه ومسدّببهم لهم. (2)65. وقال صلى الله عليه وسلم: عدّة الداعي: فيما أوحى الله إلى داود عليه السلام... ربّما أمرضت العبد فقلّت صلاته وخدمته، ولصوته إذا دعاني في كربيته أحب إليّ من صلاة المصلين. (3)66. وقال صلى الله عليه وسلم: الإمام الصادق عليه السلام: إن الله إذا أحب عبداً بعث إليه ملكاً فيقول: أسقمه وشدّد البلاء عليه، فإذا برأ من شديء فابتله لما هو أشد منه، وقو عليه، حتى يذكرني؛ فإني أشتهي أن أسمع دعاءه.

وإذا أبغض عبداً وكلّ به ملكاً، فقال: صحّحه وأعطه كي لا يذكرني؛ فإني لا أشتهي أن أسمع صوته. (4).

- 1- الكافي: ج 2 ص 490 ح 7، عدّة الداعي: ص 187 وزاد في آخره «قال: فيقول الناس: ما أعطى هذا إلا لكرامته، وما منع هذا إلا لهوانه»، التمهيد: ص 58 ح 119 وفيه «المخالف» بدل «العدو» وزاد في آخره «قال: فيقول الناس: ما أعطى هذا حاجته وحرّم هذا إلا لكرامة هذا على الله، وهوان هذا عليه»، بحار الأنوار: ج 93 ص 374 ح 16.
- 2- عدّة الداعي: ص 143، أعلام الدين: ص 328، بحار الأنوار: ج 93 ص 340 ح 11 وص 375 ح 16.
- 3- عدّة الداعي: ص 32، بحار الأنوار: ج 14 ص 43 ح 34.
- 4- المؤمن: ص 26 ح 44.

67. وقال صلى الله عليه وسلم: امام صادق عليه السلام: بنده دوست خداوند، در گرفتاری که برایش پیش می آید، خدای عز و جل را می خواند. پس خداوند به فرشته گماشته بر او می فرماید: «حاجت بنده ام را برآور؛ اما در آن شتاب مکن؛ زیرا دوست دارم ندا و صدای او را بشنوم».

و بنده دشمن خدا در گرفتاری که برایش پیش می آید، خداوند عز و جل را می خواند. پس به فرشته گماشته بر او گفته می شود: «زود حاجت بنده ام را برآور که خوش ندارم ندا و صدای او را بشنوم». 68. وقال صلى الله عليه وسلم: عدّة الداعي... به نقل از كعب الأخبار: در تورات نوشته شده است: «ای موسی! ... من از خلق خود غافل نیستم؛ اما دوست دارم فرشتگانم هیاهوی دعای بندگانم را بشنوند و نگهبانانم ببینند که چگونه فرزندان آدم، با نیرویی که خود به آنها داده ام و با سبب سازی ای که خود برایشان کرده ام، در نزدیک شدن به من می کوشند». 69. وقال صلى الله عليه وسلم: عدّة الداعي: از جمله چیزهایی که خداوند به داوود علیه السلام وحی فرمود، این بود: «گاه بنده را گرفتار بیماری می کنم و او کمتر به نماز و چاکری می پردازد؛ اما صدای او که در هنگام اندوهش مرا می خواند، نزد من محبوب تر از نماز نمازگزاران است». 70. وقال صلى الله عليه وسلم: امام صادق عليه السلام: خداوند هر گاه بنده ای را دوست داشته باشد، فرشته ای به سوی او می فرستد و به وی می فرماید: «او را بیمار کن و بلا را بر او سخت گردان، و اگر از مرضی بهبود یافت، به سخت تر از آن گرفتارش ساز و او را در فشار قرار ده تا [همواره] مرا یاد کند؛ چرا که میل دارم دعای او را بشنوم».

و هر گاه بنده ای را دشمن بدارد، فرشته ای را بر او می گمارد و به وی می فرماید: «او را تن درست بدار و هر چه می خواهد، عطایش کن تا یاد من نکند؛ زیرا میل ندارم صدای او را بشنوم».

71. وقال صلى الله عليه وسلم: عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا ابْتَلَاهُ وَتَعَهَّدَهُ بِالْبَلَاءِ، كَمَا يَتَعَهَّدُ الْمَرِيضَ أَهْلُهُ بِالطَّرْفِ (1)، وَوَكَّلَ بِهِ مَلَكَينِ فَقَالَ لَهُمَا: أَسْقِمَا بَدَنَهُ، وَصَدِّيقَا مَعِيشتَهُ، وَوَعَوْقَا عَلَيْهِ مَطْلَبَهُ، حَتَّى يَدْعُونِي فَإِنِّي أَحِبُّ صَوْتَهُ، فَإِذَا دَعَا قَالَ: أَكْتُبَا لِعَبْدِي ثَوَابَ مَا سَأَلَنِي، فَضَاعِفَاهُ لَهُ حَتَّى يَأْتِيَنِي وَمَا عِنْدِي خَيْرٌ لَهُ.

وإذا أَبْغَضَ عَبْدًا وَكَّلَ بِهِ مَلَكَينِ، فَقَالَ: أَصِحِّحَا بَدَنَهُ، وَوَسِّعَا عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ، وَسَهِّلَا لَهُ مَطْلَبَهُ، وَأَنْسِيَاهُ ذِكْرِي؛ فَإِنِّي أَبْغِضُ صَوْتَهُ، حَتَّى يَأْتِيَنِي وَمَا عِنْدِي شَرٌّ (2) لَهُ. (3) 72. وقال صلى الله عليه وسلم: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لَيَتَعَاهَدُ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ بِأَنْوَاعِ الْبَلَاءِ، كَمَا يَتَعَاهَدُ أَهْلَ الْبَيْتِ سَدِيدُهُمْ بِطَّرْفِ الطَّعَامِ (4)، يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، وَعَظَمَتِي وَبَهَائِي، إِنِّي لِأَحْمَى وَلِيِّي أَنْ أُعْطِيَهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا شَيْئًا يَشْغَلُهُ عَن ذِكْرِي، حَتَّى يَدْعُونِي فَاسْمَعُ دُعَاءَهُ وَصَوْتَهُ، وَإِنِّي لِأَعْطِي الْكَافِرَ أُمِّيَّتَهُ، حَتَّى لَا يَدْعُونِي فَاسْمَعُ صَوْتَهُ؛ بَغْضًا مِنِّي لَهُ. (5) 73. وقال صلى الله عليه وسلم: عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّهُ سُبْحَانَهُ يَبْتَلِي الْعَبْدَ، حَتَّى يَسْمَعَ دُعَاءَهُ وَتَضَرُّعَهُ. (6) 74. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي عن منصور الصيقل: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رُبَّمَا دَعَا الرَّجُلُ بِالْدُّعَاءِ فَاسْتَجِيبَ لَهُ، ثُمَّ أَخَّرَ ذَلِكَ إِلَى حِينٍ؟

فَقَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: وَلِمَ ذَاكَ؟ لِيَزِدَادَ مِنَ الدُّعَاءِ؟ قَالَ: نَعَمْ. (7).

- 1- الطَّرْفُ: جمع طَرْفَةٍ؛ وهو ما يستطرف أى يستملح (المصباح المنير: ص 371 «طرف»).
- 2- فى المصدر: «شئ» بدل «شر» والصواب ما أثبتناه كما فى بحار الأنوار.
- 3- التمهيص: ص 55 ح 111 عن سفيان بن السمط، بحار الأنوار: ج 93 ص 371 ح 13.
- 4- الطَّرِيفُ: الغريب الملوّن من الثَّمَر وغيره ممّا يستطرف به (تاج العروس: ج 12 ص 348 «طرف»).
- 5- مشكاة الأنوار: ص 175 ح 451 عن أبى الحسن الأحمسى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، التمهيص: ص 33 ح 17 عن أبى الحسن الأحمسى عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 93 ص 371 ح 10.
- 6- إرشاد القلوب: ص 148.
- 7- الكافي: ج 2 ص 489 ح 2، عدّة الداعى: ص 189، بحار الأنوار: ج 93 ص 375 ح 16.

75. وقال صلى الله عليه وسلم: امام صادق عليه السلام: خداوند هر گاه بنده ای را دوست بدارد، او را با بلا و گرفتاری مورد عنایت قرار می دهد، همچنان که کسانِ مریض با دادن نوبری به او، او را مورد توجه قرار می دهند، و دو فرشته بر وی می گمارد و به آن دو می فرماید: «بدنش را بیمار کنید و معیشتش را تنگ سازید و خواسته اش را برآورده نسازید تا مرا بخواند؛ زیرا صدایش را دوست دارم». و هر گاه دعا کند، می فرماید: «برای بنده ام ثواب آنچه را از من درخواست کرد، بنویسید و دو چندانش کنید تا نزد من آید و آنچه نزد من است، برای او بهتر است».

و هر گاه از بنده ای بیزار باشد، دو فرشته بر او می گمارد و می فرماید: «بدنش را سالم بدارید و روزی اش را گشایش دهید و خواسته اش را سهولت بخشید و کاری کنید که یاد مرا فراموش کند؛ زیرا صدای او را خوش نمی دارم، تا آن گاه که نزد من آید و آنچه نزد من است، برای او بدتر است.» 76. وقال صلى الله عليه وسلم: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خداوند _ تبارک و تعالی _ بنده مؤمنش را با انواع بلاها می نوازد، همچنان که آقای خانه با آوردن خوراکی های نوبر، افراد خانواده اش را مورد نوازش قرار می دهد. خداوند عز و جل می فرماید: «به عزّت و جلالم و به عظمت و شکوهم سوگند، من دوستم را از این که در سرای دنیا چیزی عطایش کنم که از یاد من غافلش گرداند، محروم می سازم تا مرا بخواند و من دعا و صدای او را بشنوم، و آرزوی کافر را برآورده می سازم تا مرا نخواند و صدایش را نشنوم؛ چون از او نفرت دارم.» 77. وقال صلى الله عليه وسلم _ لعلی بن أبیطالب رضی اِپیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خداوند سبحان، بنده را گرفتار می کند تا دعا و زاری او را بشنود. 78. وقال صلى الله عليه وسلم: الکافی _ به نقل از منصور صیقل _: به امام صادق علیه السلام گفتم: [آیا] ممکن است که انسان دعا کند و دعایش مستجاب شود، سپس برآوردن حاجتش تا مدتی به تأخیر بیفتد؟

فرمود: «آری».

گفتم: چرا؟ تا بیشتر دعا کند؟

فرمود: «آری».

79. وقال صلى الله عليه وسلم: المؤمن عن الصباح بن سيابة: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَصَابَ الْمُؤْمِنَ مِنْ بَلَاءٍ فَبَدَنٍ؟

قَالَ: لَا، وَلَكِنْ لِيُسْمَعَ أُنَيْنُهُ وَشِدَّ كَوَاهُ وَدُعَاؤُهُ، الَّذِي يُكْتَبُ لَهُ بِالْحَسَنَاتِ، وَتُحَطُّ عَنْهُ السَّيِّئَاتِ، وَتُدْخَرُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (1) 80. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي عن أحمد بن محمد بن أبي نصر: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي قَدْ سَأَلْتُ اللَّهَ حَاجَةً مُنْذُ كَذَا وَكَذَا سَنَةً، وَقَدْ دَخَلَ قَلْبِي مِنْ إِبْطَائِهَا شَيْءٌ.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَحْمَدُ! إِيَّاكَ وَالشَّيْطَانَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عَلَيْكَ سَبِيلٌ حَتَّى يُفَنِّطَكَ، إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ - صَ لَمَوَاتُ اللَّهُ عَلَيْهِ - كَانَ يَقُولُ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَةً، فَيُؤَخَّرُ عَنْهُ تَعَجِيلَ إِجَابَتِهِ حُبًّا لِصَوْتِهِ وَاسْتِمَاعِ نَحْيِهِ. ثُمَّ قَالَ: وَاللَّهِ، مَا أَخَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ مَا يَطْلُبُونَ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا خَيْرٌ لَهُمْ مِمَّا عَجَّلَ لَهُمْ فِيهَا، وَأَيُّ شَيْءٍ الدُّنْيَا؟ إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ دُعَاؤُهُ فِي الرَّخَاءِ نَحْوًا مِنْ دُعَائِهِ فِي الشَّدَّةِ، لَيْسَ إِذَا أُعْطِيَ فِتْرًا، فَلَا تَمَلَّ الدُّعَاءَ؛ فَإِنَّهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِمَكَانٍ، وَعَلَيْكَ بِالصَّبْرِ، وَطَلَبِ الْحَلَالِ، وَصِلَةِ الرَّحِمِ، وَإِيَّاكَ وَمُكَاشَفَةَ النَّاسِ؛ فَإِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ نَصِلُ مَنْ قَطَعَنَا، وَنُحْسِنُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْنَا، فَنَرَى وَاللَّهِ فِي ذَلِكَ الْعَاقِبَةَ الْحَسَنَةَ.

إِنَّ صَاحِبَ النِّعْمَةِ فِي الدُّنْيَا إِذَا سَأَلَ فَأُعْطِيَ، طَلَبَ غَيْرَ الَّذِي سَأَلَ، وَصَدَّ غُرَّتِ النِّعْمَةُ فِي عَيْنِهِ، فَلَا يَشْبَعُ مِنْ شَيْءٍ. وَإِذَا كَثُرَتِ النِّعْمُ، كَانَ الْمُسْلِمُ مِنْ ذَلِكَ عَلَى خَطَرٍ؛ لِلْحَقِيقِ الَّتِي تَجِبُ عَلَيْهِ، وَمَا يُخَافُ مِنَ الْفِتْنَةِ فِيهَا، أَخْبَرَنِي عَنْكَ، لَوْ أَنِّي قُلْتُ لَكَ قَوْلًا، أَكُنْتُ تَثِقُ بِهِ مِنِّي؟ فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِذَا لَمْ أَثِقُ بِقَوْلِكَ فَبِمَنْ أَثِقُ، وَأَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ؟

قَالَ: فَكُنْ بِاللَّهِ أَوْثِقَ، فَإِنَّكَ عَلَى مَوْعِدٍ مِنَ اللَّهِ، أَلَيْسَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» (2) وَقَالَ: «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» (3) وَقَالَ: «وَاللَّهِ يَعِدُّكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا» (4)؟ فَكُنْ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْثِقَ مِنْكَ بِغَيْرِهِ، وَلَا تَجْعَلُوا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا خَيْرًا؛ فَإِنَّهُ مَغْفُورٌ لَكُمْ. (5).

1- المؤمن: ص 24 ح 34، عدّة الداعي: ص 240 عن أبي الصباح وليس فيه «وتدخر له يوم القيامة»، بحار الأنوار: ج 81 ص 193 ح 50.

2- البقرة: 186.

3- الزمر: 53.

4- البقرة: 268.

5- الكافي: ج 2 ص 488 ح 1، قرب الإسناد: ص 385 ح 1358، عدّة الداعي: ص 187 وفيه إلى «(وأي شيء الدنيا)»، بحار الأنوار: ج 93 ص 367 ح 1.

81. وقال صلى الله عليه وسلم: المؤمنُ به نقل از صباح بن سيّابه: به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا هر گرفتاری ای که به مؤمن می رسد، به سبب گناهی است؟

فرمود: «خیر؛ بلکه برای این است که ناله و شکایت و دعایش شنیده شود، تا برایش ثواب نوشته شود و گناهانش بریزد و ذخیره روز قیامتش شود». 82. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي. به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر: به ابو الحسن (امام رضا) عليه السلام گفتم: قربانت گردم! من چند سال است که از خدا حاجتی خواسته ام و از تأخیر آن، در دلم تردیدی افتاده است.

فرمود: «ای احمد! مبادا شیطان به تو راه یابد تا ناامیدت سازد. ابو جعفر (امام باقر) که درودهای خدا بر او باد می فرمود: مؤمن از خداوند عز و جل حاجتی می خواهد و خداوند بر آوردن حاجتش را به تأخیر می افکند؛ چون صدای او و شنیدن ناله اش را دوست دارد».

سپس فرمود: «به خدا سوگند، این که خداوند عز و جل خواسته های دنیوی مؤمنان را به تأخیر (/ به آخرت) می افکند، برایشان بهتر از آن است که در همین دنیا به آنها بدهد. دنیا چه ارزشی دارد؟ ابو جعفر علیه السلام می فرمود: مؤمن باید در هنگام آسایش [و خوشی]، همان گونه که درگاه خدا دعا کند که در وقت سختی [و گرفتاری] دعا می کند، نه این که هر گاه به او عطا شد، [در دعا کردن] سست شود. پس، از دعا کردن خسته مشو؛ زیرا دعا نزد خداوند عز و جل جایگاهی [بلند] دارد. بر تو باد شکیبایی و طلب روزی حلال و به جای آوردن صله رحم، و از اظهار دشمنی (/ اظهار گرفتاری ها (1)) با مردم پرهیز؛ زیرا ما خاندانی هستیم که با هر کس که از ما ببرد، می پیوندیم و به هر که به ما بدی کند، خوبی می کنیم، و به خدا سوگند که در این کار، فرجام نیک می بینیم. کسی که در این دنیا از نعمت برخوردار است، [چنین است که] هر گاه [از خدا] بخواهد و به او داده شود، باز هم چیز دیگری طلب می کند و نعمت [خدا] در نظرش کوچک می آید. بنا بر این، از هیچ چیز سیر نمی شود. و هر گاه نعمت فراوان شود، مسلمان از این جهت در معرض خطر قرار می گیرد؛ زیرا حقوقی بر او واجب است و بیم آن می رود که در آنها کوتاهی ورزد. بگو بدانم: اگر من سخنی به تو بگویم، به سخن من اعتماد داری؟».

گفتم: قربانت گردم! اگر به گفته شما که حجت خدا بر خلق او هستید، اعتماد نکنم، به چه کسی اعتماد کنم؟

فرمود: «پس، اعتمادت به خدا بیشتر باشد؛ زیرا خداوند به تو وعده [ای اجابت دعا] داده است. آیا نه این است که خداوند عز و جل می فرماید: «هر گاه بندگانم از تو درباره من پرسیدند [بگو: من نزدیک هستم و دعای دعاکننده را، هر گاه مرا بخواند، اجابت می کنم]، و فرموده است: «از رحمت خدا نومید نشوید»، و فرموده است: «و خدا از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می دهد». پس، به خدای عز و جلمطمئن تر باش تا به دیگران، و در دل خویش جز خوبی جای ندهید، که شما آمرزیده اید».

83. وقال صلى الله عليه وسلم: الإمام على عليه السلام في وصيته لابنه الحسن عليه السلام: لا يُقنطنك إبطاءُ إجابته؛ فإنَّ العطيَّةَ على قدرِ النِّيَّةِ، ورُبَّما أُخِرَتْ عنكَ الإجابةُ، لِيَكُونَ ذَلِكَ أعْظَمَ لِأَجْرِ السَّائِلِ، وَأَجْزَلَ لِإِعْطَاءِ الأَمَلِ. (1)84. وقال صلى الله عليه وسلم في صوم الوصال: عنه عليه السلام: كانَ جَبْرَيْلُ يَنْزِلُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَرَضِهِ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ... فَقَالَ لَهُ جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِعْلَمْ يَا مُحَمَّدُ - أَنَّ اللَّهَ لَمْ يُشَدِّدْ عَلَيْكَ، وَمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنْكَ، وَلَكِنَّهُ أَحَبَّ أَنْ يَسْمَعَ صَوْتَكَ وَدُعَاءَكَ، حَتَّى تَلْقَاهُ مُسْتَوْجِبًا لِلدَّرَجَةِ وَالثَّوَابِ الَّذِي أَعَدَّ اللَّهُ لَكَ، وَالكَرَامَةَ وَالْفَضِيلَةَ عَلَى الْخَلْقِ. (2)85. وقال صلى الله عليه وسلم: الدرّ المنشور عن الديلمي: قال موسى عليه السلام: يَا رَبِّ، أَعْطَيْتَ الدُّنْيَا لِأَعْدَائِكَ، وَمَنْعْتَهَا أَوْلِيَاءَكَ! فَمَا الْحِكْمَةُ فِي ذَلِكَ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: أَعْطَيْتُهَا أَعْدَائِي لِيَتَمَرَّغُوا (3)، وَمَنْعْتُهَا أَوْلِيَاءِي لِيَتَضَرَّعُوا. (4).

-
- 1- نهج البلاغة: الكتاب 31، مجمع البيان: ج 2 ص 501، جامع الأخبار: ص 369 ح 1021، الدعوات: ص 41 ح 102 وفي الثلاثة الأخيرة من «وربما أخرت...»، غررالحكم: ح 10356 وفيه «النائل» بدل «الأمّل»، بحار الأنوار: ج 93 ص 301 ح 38 و ص 372 ح 14.
 - 2- كشف الغمّة: ج 1 ص 17، بحار الأنوار: ج 22 ص 532 ح 36.
 - 3- يتمرغ في النعيم: أي يتقلّب فيه (تاج العروس: ج 12 ص 59 «مرغ»).
 - 4- الدرّ المنشور: ج 3 ص 537 نقلاً عن الديلمي.

86. قال صلى الله عليه وسلم: امام على عليه السلام_ در وصیتش به فرزندش حسن علیه السلام_: کُندی اجابتش هرگز تو را نومید نسازد؛ زیرا دَهش، بسته به نیت است، و بسا که اجابت دعایت به تأخیر افتد و این برای آن است که به درخواست کننده مزدی بزرگ تر و به آرزومند، عطایی فراوان تر داده شود. 87. وقال صلى الله عليه وسلم: امام على عليه السلام: جبرئیل علیه السلام در بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله که به مرگ ایشان انجامید [نیز] بر ایشان نازل می شد... و به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: بدان_ ای محمد_ که خداوند بر تو سخت نگرفته است و هیچ یک از آفریدگانش به نزد او گرامی تر از تو نیست؛ بلکه دوست دارد صدا و دعای تو را بشنود تا چون به لقای او پیوستی، مستوجب آن درجه و پاداشی که خدا برایت آماده کرده است و [نیز مستوجب] کرامت و برتری بر مردم باشی. 88. وروی فی الحدیث أنه صلى الله عليه وسلم لبس منديلًا لدر المنثور_ به نقل از دیلمی_: موسی علیه السلام گفت: پروردگارا! تو دنیا را به دشمنانت دادی و به دوستانت ندادی. حکمتش چیست؟

خداوند به او وحی فرمود که: «آن را به دشمنانم دادم تا بلولند (1) و به دوستانم ندادم تا [به درگاه من] زاری کنند»..

1- واژه «تمرغ» در متن عربی، به معنای غلتیدن و لولیدن و غوطه ور شدن است و بیشتر در خصوص چارپایان بویژه غلت زدن در خاک، به کار می رود. به عبارت دیگر: استعمال آن درباره انسان حاوی تحقیر و ناسزاست.

89. وقال صلى الله عليه وسلم: الإمام الصادق عليه السلام: بينا إبراهيم خليل الرحمن عليه السلام في جبل بيت المقدس يطلب مَرعى لغنمه، إذ سمع صوتا، فإذا هو برجل قائم يصلى، طوله اثنا عشر شبرا. فقال له: يا عبد الله لمن تصلى؟ قال: لآله السماء. فقال له إبراهيم: هل بقي أحد من قومك غيرك؟ قال لا. قال: فمن أين تأكل؟ قال: أجتني من هذا الشجر في الصيف وأكله في الشتاء، قال له: فأين منزلك؟ قال: فأوماً بيده إلى جبل، فقال له إبراهيم عليه السلام: هل لك أن تذهب بي معك فأبيت عندك الليلة؟ فقال: إن قدامى ماء لا يخاض. قال: كيف تصنع؟ قال: أمسى عليه. قال: فاذهب بي معك فلعل الله أن يرزقني ما رزقك؟

قال: فأخذ العابد بيده، فمضيا جميعا حتى انتهيا إلى الماء، فمشى ومشى إبراهيم عليه السلام معه حتى انتهيا إلى منزله.

فقال له إبراهيم عليه السلام: أى الأيام أعظم؟ فقال له العابد: يوم الدين؛ يوم يدان الناس بعضهم من بعض. قال: فهل لك أن ترفع يدك، وأرفع يدي، فتدعو الله عز وجل أن يؤمننا من شر ذلك اليوم؟ فقال: وما تصنع بدعوتي؟ فوالله، إن لى لدعوة منذ ثلاثين سنة ما أحببت فيها بشيء. فقال له إبراهيم عليه السلام: أولا أخبرك لأى شيء احتسبت دعوتك؟ قال: بلى.

قال له: إن الله عز وجل إذا أحب عبدا احتسب دعوته ليناحية ويسأله ويطلب إليه، وإذا أبغض عبدا عجل له دعوته، أو ألقى فى قلبه اليأس منها.

ثم قال له: وما كانت دعوتك؟ قال: مررت بى غنم ومعه غلام له ذؤابة، فقلت: يا غلام لمن هذا الغنم؟ فقال: لإبراهيم خليل الرحمن. فقلت: اللهم إن كان لك فى الأرض خليل فأرنيه.

فقال له إبراهيم عليه السلام: فقد استجاب الله لك، أنا إبراهيم خليل الرحمن. فعانقه، فلما بعث الله محمدا صلى الله عليه وآله، جاءت المصافحة. (1).

1- الأمالى للصدوق: ص 373 ح 470 عن محمد بن جعفر التميمي، مشكاة الأنوار: ص 354 ح 1148، روضة الواعظين: ص 361 وفيه «ثلاث سنين» بدل «ثلاثين سنة»، بحار الأنوار: ج 93 ص 369 ح 5 وج 76 ص 19 ح 1 وج 12 ص 76 ح 1.

90. وقال صلى الله عليه وسلم : امام صادق عليه السلام : ابراهيم خليل الرحمان عليه السلام در كوه بيت المقدس به دنبال چراگاهی برای گوسفندانش بود كه صدایی شنید . نگاه كرد . مردی را دید كه به نماز ایستاده است و دوازده وجب ، قامتش بود . پرسید : «ای بنده خدا ! برای چه کسی نماز می خوانی؟» .

گفت : برای خدای آسمان .

ابراهيم گفت : «آيا از قوم و قبيله ات کسی غير از تو باقی مانده است؟» .

مرد گفت : خير .

ابراهيم گفت : «پس ، از كجا می خوری؟» .

گفت : از این درخت ، در تابستان ، میوه می چینم و در زمستان ، آنها را می خورم .

ابراهيم گفت : «خانه ات كجاست؟» .

مرد با دستش به كوهی اشاره كرد .

ابراهيم گفت : «ممکن است مرا با خود ببری و امشب را نزد تو باشم؟» .

مرد گفت : بر سر راهم آبی است كه نمی توان از آن گذشت .

ابراهيم عليه السلام گفت : «پس ، [خودت] چگونه عبور می کنی؟» .

گفت : بر آن راه می روم .

ابراهيم گفت : «پس ، مرا با خودت ببر . شاید خداوند آنچه را روزی تو کرده است ، به من نیز روزی داد» .

عابد ، دست ابراهيم را گرفت و رفتند تا به آن آب رسیدند . عابد از روی آب رفت و ابراهيم نیز با او رفت تا آن كه به خانه او رسیدند .

ابراهيم عليه السلام به او گفت : «بزرگ ترین روزها كدام است؟» .

عابد گفت : روز جزا ، روزی كه مردم جزای رفتارهایشان نسبت به يكديگر را می بینند .

ابراهيم گفت : «پس ، آیا حاضری هر دو ، دست به سوی آسمان برداریم و تو دعا کنی كه خداوند عز و جل ما را از گزند آن روز در امان بدارد؟» .

عابد گفت : دعای من به چه كار تو می آید؟ به خدا سوگند كه سی سال است ، دعایی می كنم و جوابی نشنیده ام .

ابراهیم علیه السلام گفت: «آیا تو را خبر ندهم که چرا دعایت پاسخ داده نشده است؟».

عابد گفت: چرا.

ابراهیم علیه السلام گفت: «خداوند عز و جل هر گاه بنده ای را دوست بدارد، دعایش را پاسخ نمی دهد تا با او مناجات کند و از او درخواست و تقاضا نماید، و هر گاه بنده ای را دشمن بدارد، زود دعایش را برآورده می کند، و یا نومییدی از آن را در دلش می افکند».

سپس به عابد گفت: «دعایت چه بوده است؟».

گفت: روزی، پسری که زلف داشت، با گوسفندانی بر من گذشت. گفتم: ای پسر! این گوسفندان از آن کیستند؟ گفت: از آن ابراهیم خلیل الرحمان. گفتم: بار خدایا! اگر در زمین خلیلی [و دوستی] داری، او را به من نشان بده.

ابراهیم علیه السلام به او گفت: «خدا دعایت را مستجاب کرد. من، ابراهیم خلیل الرحمان هستم».

پس، عابد ابراهیم را در آغوش کشید و معانقه کرد؛ اما چون خداوند محمد صلی الله علیه و آله را برانگیخت، دست دادن رسم شد.

الباب الحادى عَشَرَ : صلوات قضاء الحوائج 92. وقال صلى الله عليه وسلم عند موته: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَتْ لَهُ حَاجَةٌ، فَلْيَصُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ آخِرَهَا الْجُمُعَةَ، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، تَطَهَّرَ وَرَاحَ [إِلَى الْمَسْجِدِ] (1)، وَنَصَّدَّقَ بِصَدَقَةٍ - قَلَّتْ أَوْ كَثُرَتْ - بِالرَّغِيفِ إِلَى مَا دُونَ ذَلِكَ، فَإِذَا صَلَّى الْجُمُعَةَ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ، الَّذِي مَلَأَتْ عَظَمَتُهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، الَّذِي عَنَتَ لَهُ الْوُجُوهُ، وَخَشَعَتَ لَهُ الْأَبْصَارُ، وَوَجَلَّتِ الْقُلُوبُ مِنْ خَشْيَتِهِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي فِي كَذَا وَكَذَا.

قَالَ: وَلَا تَعْلَمُوهَا سُفَهَاءُكُمْ فَيَدْعُونَ بِهَا فَيَسْتَجَابُ لَهُمْ، وَلَا تَدْعُوا بِهَا فِي مَائِمٍ وَلَا قَطِيعَةٍ رَجِيمٍ. (2).

1- ما بين المعقوفين ليس فى المصدر وأثبتناها من المجتى .

2- المصباح للكفعمى : ص 523 ، المجتى : ص 53 من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 90 ص 71 ح 15 وراجع مصباح المتهدد : ص 338 و 339 و 341 وجمال الأسبوع : ص 215 .

باب یازدهم : نمازهای برآورده شدن حاجت

باب یازدهم : نمازهای برآورده شدن حاجت 94. وقال صلى الله عليه و سلم : پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : هر کسی حاجتی داشت ، سه روز آخر هفته را روزه بگیرد و چون روز جمعه شد، وضو بگیرد و [به مسجد] (1) برود و یک گرده نان یا کمتر از آن ، صدقه بدهد و نماز جمعه را که خواند، بگوید :

«بار خدایا! به نامت، به نام الله که مهرگستر و مهربان است ، او که معبودی جز او نیست و دانای نهان و آشکار است [و] مهرگستر و مهربان است، او که معبودی جز او نیست و زنده و پاینده است و نه او را چُرت می گیرد و نه خواب، او که عظمتش آسمان ها و زمین را پر کرده است ، از تو درخواست می کنم و به نامت، به نام الله که مهرگستر و مهربان است ، او که معبودی جز او نیست ، او که روی ها در برابرش خوار و چشم ها در پیشگاهش فروهشته و دل ها از بیمش لرزان اند ، از تو درخواست می کنم که بر محمد و خاندان او درود فرستی و فلان و بهمان حاجتم را برآورده سازی» .

این را به نابخردانتان نیاموزید ، که با آن دعا می کنند و دعایشان مستجاب می شود. نیز با آن برای گناهی یا قطع صله رحم دعا نکنید .

95. وقال صلى الله عليه وسلم: الإمام الصادق عليه السلام: كان عليّ عليه السلام إذا هالَهُ (1) شَىءٌ فَنَزَعَ إِلَى الصَّلَاةِ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «وَأَسْأَلُ تَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (2). (3) الدعوات: رُوِيَ أَنَّ زَيْنَ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَّ بِرَجُلٍ وَهُوَ قَاعِدٌ عَلَى بَابِ رَجُلٍ، فَقَالَ لَهُ: مَا يَقْعِدُكَ عَلَى بَابِ هَذَا الْمُتْرِفِ الْجَبَّارِ؟ فَقَالَ: الْبَلَاءُ. قَالَ: قُمْ فَأَرْشِدَكَ إِلَى بَابِ خَيْرٍ مِنْ بَابِهِ، وَإِلَى رَبِّ خَيْرٍ لَكَ مِنْهُ.

فَأَخَذَ بِيَدِهِ حَتَّى انْتَهَى بِهِ إِلَى الْمَسْجِدِ - مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - ثُمَّ قَالَ: اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ وَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ ارْفَعْ يَدَيْكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَأَثْنِ عَلَى اللَّهِ، وَصَلِّ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ ادْعُ بِأَخْرِ الْحَشْرِ، وَسِتِّ آيَاتٍ مِنَ أَوَّلِ الْحَدِيدِ، وَبِالْآيَتَيْنِ اللَّتَيْنِ فِي آلِ عِمْرَانَ (4)، ثُمَّ سَلِّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ؛ فَإِنَّكَ لَا تَسْأَلُ شَيْئًا إِلَّا أُعْطَاكَ. (5) 97. وقال صلى الله عليه وسلم: الإمام الصادق عليه السلام: يَا مَسْمُوعُ، مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غَمُومِ الدُّنْيَا، أَنْ يَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ مَسْجِدَهُ، وَيَرْكَعَ رَكَعَتَيْنِ فَيَدْعُو اللَّهَ فِيهِمَا؟ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ: «وَأَسْأَلُ تَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»؟ (6) 98. وقال صلى الله عليه وسلم: عنه عليه السلام: إِذَا أُرِدْتَ حَاجَةً فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَسَلِّ تُعْطَهُ. (7).

1- الهَوْلُ: هو الخوف والأمر الشديد، وقد هاله يهوله (النهاية: ج 5 ص 283 «هول»).

2- البقرة: 45.

3- الكافي: ج 3 ص 480 ح 1 عن أبي بصير.

4- قال الراوندى رحمه الله: لعل المراد بالآيتين آية الملك [«قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمُلْكِ...»]. أقول: لأنهما آيتان يقال لهما آية على إرادة الجنس. ويحتمل أن يكون المراد هي وآية «شَهِدَ اللَّهُ...» (بحار الأنوار: ج 91 ص 375).

5- الدعوات: ص 55 ح 138، بحار الأنوار: ج 91 ص 375 ح 32 و ج 92 ص 271 ح 22.

6- تفسير العياشى: ج 1 ص 43 ح 39 عن مسمع، مجمع البيان: ج 1 ص 217، بحار الأنوار: ج 91 ص 348 ح 10.

7- الكافي: ج 3 ص 479 ح 10 عن الحارث بن المغيرة.

99. وقال صلى الله عليه وسلم: امام صادق عليه السلام: على عليه السلام هرگاه چیزی او را به وحشت می انداخت، به نماز پناه می برد. سپس این آیه را تلاوت کرد: «و از صبر و نماز، کمک بجوید». 100. وقال صلى الله عليه وسلم: الدعوات: روایت شده است که امام زین العابدین علیه السلام بر مردی گذشت که بر در خانه مردی نشسته بود. به او فرمود: «چه موجب شده است که بر در سرای این خوش گذران زورگو بنشینی؟».

گفت: گرفتاری.

فرمود: «برخیز تا تو را به در خانه ای بهتر از خانه او، و به خداوندی که برایت بهتر از اوست، راهنمایی کنم».

پس، دست او را گرفت و به مسجد (مسجد پیامبر خدا) برد و فرمود: «رو به قبله بایست و دو رکعت نماز بخوان و سپس دستانت را به درگاه خدای عز و جل بردار و خداوند را ثنا گو و بر پیامبرش صلوات فرست و سپس آخر سوره حشر و شش آیه نخست سوره حدید و دو آیه ای را که در آل عمران است، [\(1\)](#) بخوان. آن گاه از خداوند سبحانه در خواست کن، که هر چه بخواهی، به تو می دهد». 101. وقال صلى الله عليه وسلم: امام صادق عليه السلام: ای مسمع! چرا هرگاه غمی از غم های دنیا به یکی از شما می رسد، وضو نمی گیرد و به مسجد نمی رود و دو رکعت نماز نمی گزارد و در آن خدا را نمی خواند؟ مگر نشنیده ای که خداوند می فرماید: «از صبر و نماز، کمک بجوید»؟ 102. وقال صلى الله عليه وسلم: امام صادق عليه السلام: هرگاه حاجتی داشتی، دو رکعت نماز بگزار و بر محمد و خاندان محمد صلوات بفرست و در خواست کن، که حاجتت داده می شود. .

1- راوندی رحمه الله می گوید: شاید مراد از دو آیه، آیه مُلک باشد. من (علامه مجلسی) می گویم: چون این دو [در واقع]، دو آیه هستند و از باب اراده جنس، به آنها یک آیه گفته می شود. احتمال هم دارد که مراد، آیه مُلک و آیه «شهد الله» باشد (بحار الأنوار: ج 91 ص 375).

103. وقال صلى الله عليه وسلم: عنه عليه السلام: إذا كانت لك حاجة، فتوضأ وصل ركعتين، ثم أحمد الله وأثن عليه، وأذكر من آياته، ثم ادعُ تُجِب [بما تُحِب] . (1) 104. وقال صلى الله عليه وسلم: تفسير العياشي عن أبي بكر الحضرمي عن الإمام الصادق عليه السلام: إذا كانت لك حاجة فاقرا المثنائي وسورة أخرى، وصل ركعتين، وادع الله.

قُلْتُ: أصلحك الله! وما المثنائي؟

قال: فاتحة الكتاب؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . (2) 105. وقال صلى الله عليه وسلم: الإمام الباقر عليه السلام في حديث: إذا كانت لها [أى للمرأة] إلى الله عز وجل حاجة صعدت فوق بيتها، وصلت ركعتين، وكشفت رأسها إلى السماء؛ فإنها إذا فعلت ذلك استجاب الله لها، ولم يخيبها (3) . (4) 106. وقال صلى الله عليه وسلم: الإمام الصادق عليه السلام في الرجل يحزنه الأمر أو يريد الحاجة: يصلي ركعتين يقرأ في إحداهما «قل هو الله أحد» ألف مرة، وفي الأخرى مرة، ثم يسأل حاجته . (5) 107. وقال صلى الله عليه وسلم: عنه عليه السلام: من توضأ فأحسن الوضوء، وصلى ركعتين فاتم ركوعهما وسجودهما، ثم جلس فأثنى على الله عز وجل، وصلى على رسول الله صلى الله عليه وآله، ثم سأل الله حاجته، فقد طلب الخير في مظانه، ومن طلب الخير في مظانه لم يخب . (6) 108. وقال صلى الله عليه وسلم: عنه عليه السلام: اتخذ مسجدا في بيتك، فإذا خفت شيئا، فالبس ثوبين غليظين من أغلظ ثيابك، فصل فيهما، ثم اجث على ركبتيك فأصرخ إلى الله وسله الجنة، وتعوذ بالله من شر الذي تخافه، وإياك أن يسمع الله منك كلمة بغى (7) ، وإن أعجبتك نفسك وعشيرتك . (8) .

1- الكافي: ج 3 ص 479 ح 9 عن الحارث بن المغيرة .

2- تفسير العياشي: ج 1 ص 21 ح 11 و ج 2 ص 249 ح 35، بحار الأنوار: ج 91 ص 348 ح 10 .

3- في المصدر: «يخبها»، والتصحيح من بحار الأنوار .

4- الخصال: ص 586 ح 12 عن جابر بن يزيد الجعفي، بحار الأنوار: ج 91 ص 342 ح 3 .

5- الكافي: ج 3 ص 477 ح 2، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 562 ح 1549 .

6- الكافي: ج 3 ص 478 ح 5، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 313 ح 969، المحاسن: ج 1 ص 124 ح 138 كلها عن الحسن بن صالح، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 10 ح 1994، بحار الأنوار: ج 84 ص 252 ح 47 .

7- البغي: التعدى (الصباح: ج 6 ص 2281 «بغى»).

8- الكافي: ج 3 ص 480 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 314 ح 973 كلاهما عن حريز، بحار الأنوار: ج 83 ص 176 .

109. وقال صلى الله عليه وسلم: امام صادق عليه السلام: هر گاه حاجتی داشتی، وضو ساز و دو رکعت نماز بگذار. سپس حمد و ثنای خداوند را به جای آور و نعمت هایش را یاد کن. آن گاه دعا کن، که [آنچه بخواهی،] اجابت می شود. 110. وقال النبي صلى الله عليه وسلم: تفسير العياشي - به نقل از ابو بکر حضرمی - : امام صادق عليه السلام فرمود: «هرگاه حاجتی داشتی، سوره مثنی و یک سوره دیگر را بخوان و دو رکعت نماز بگذار و دعا کن» .

گفتم: خداوند شما را به صلاح دارد! مثنی، کدام سوره است؟

فرمود: «فاتحة الكتاب: (بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين)» 111. وقال صلى الله عليه وسلم: امام باقر عليه السلام - ضمن حدیثی - : هر گاه زن از خداوند عز و جل حاجتی داشت، بر بام خانه اش برود و دو رکعت نماز بخواند و سرش را به طرف آسمان برهنه سازد. هر گاه چنین کند، خداوند دعایش را مستجاب می فرماید و نومیدش باز نمی گرداند. 112. وقال صلى الله عليه وسلم: امام صادق عليه السلام - درباره مردی که اندوهی به او رسیده است یا حاجتی می خواهد - : دو رکعت نماز بگذارد و در یکی از آن دو، هزار مرتبه و در دیگری یک مرتبه «قل هو الله أحد» بخواند، آن گاه حاجتش را درخواست کند. 113. وقال صلى الله عليه وسلم: امام صادق عليه السلام: هر کس وضو سازد و نیکو وضو سازد و دو رکعت نماز گزارد و رکوع و سجود آن را کامل به جا آورد، سپس بنشیند و خداوند عز و جل را ثنا گوید و بر پیامبر خدا صلوات بفرستد، آن گاه حاجتش را از خداوند بخواند، خیر را در جایگاهش جسته است و هر که خیر را در جایگاهش بجوید، نومید باز نمی گردد. 114. وقال صلى الله عليه وسلم: امام صادق عليه السلام: در اتاقت، جای مخصوصی برای نماز در نظر بگیر. و هر گاه از چیزی ترسیدی، دو جامه از درشت ترین جامه هایت را بپوش و با آنها نماز بخوان. سپس زانو بزنی و به درگاه خدا شیون کن و بهشت را از او مسئلت نما و از شر چیزی که از آن می ترسی، به خدا پناه ببر و مواظب باش که خداوند، سخن ظالمانه ای نشنود، (1) هر چند آن سخن، مورد پسند تو و عشیره ات باشد . .

1- یعنی نفرینی در حق دشمنت نکنی (الکافی: ج 3 ص 480 پ 3).

115. وقال صلى الله عليه وسلم لو ابصت: الإمام الباقر عليه السلام: إذا أردت أمراً تسأله ربك، فتوضأ وأحسن الوضوء، ثم صل ركعتين، وعظم الله، وصل على النبي صلى الله عليه وآله، وقُلْ بَعْدَ التَّسْلِيمِ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِكٌ، وَأَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مُقْتَدِرٌ، وبِأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي لِيُنْجِحَ لِي طَلِبَتِي، اللَّهُمَّ بِنَبِيِّكَ أَنْجِحْ لِي طَلِبَتِي بِمُحَمَّدٍ»، ثُمَّ سَلْ حَاجَتَكَ. (1) 116. وقال صلى الله عليه وسلم: الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا مَرَضَ، دَعَا الطَّيِّبَ وَأَعْطَاهُ، وَإِذَا كَانَ لَهُ حَاجَةٌ إِلَى سُلْطَانٍ، رَسَا الْبَوَابَ وَأَعْطَاهُ، وَلَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا فَدَحَهُ أَمْرٌ فَرَعَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فَتَطَهَّرَ وَتَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ قَلَّتْ أَوْ كَثُرَتْ، ثُمَّ دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُمَّ إِنِّ عَافَيْتَنِي مِنْ مَرَضِي أَوْ رَدَدْتَنِي مِنْ سَفَرِي، أَوْ عَافَيْتَنِي مِمَّا أَخَافُ مِنْ كَذَا وَكَذَا»، إِلَّا- آتَاهُ اللَّهُ ذَلِكَ، وَهِيَ الْيَمِينُ الْوَاجِبَةُ، وَمَا جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ فِي الشُّكْرِ. (2) 117. وقال صلى الله عليه وسلم: عنه عليه السلام: مَنْ كَانَ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ يُرِيدُ قَضَاءَهَا، فَلْيُصَلِّ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَالْأَنْعَامِ، فَلْيَقُلْ فِي صَلَاتِهِ إِذَا فَرَغَ مِنَ الْقِرَاءَةِ: «يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ، يَا أَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ، يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمَ صَدِّعِي وَفَقْرِي وَمَسْكَنَتِي، فَإِنَّكَ أَعْلَمُ بِهَا مِنِّي، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِحَاجَتِي، يَا مَنْ رَحِمَ الشَّيْخَ يَعْقُوبَ حِينَ رَدَّ عَلَيْهِ يُوْسُفَ قُرَّةَ عَيْنِهِ، يَا مَنْ رَحِمَ أَيُّوبَ بَعْدَ حُلُولِ بَلَائِهِ، يَا مَنْ رَحِمَ مُحَمَّدًا، وَمِنْ الْيَتِيمِ آوَاهُ، وَنَصَرَ رَهْ عَلَى جَبَابِرَةَ قُرَيْشٍ وَطَوَاعِيئِهَا، وَأَمَكْنَهُ مِنْهُمْ، يَا مُغِيثُ يَا مُغِيثُ يَا مُغِيثُ»، تَقُولُهُ مَرَارًا، فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ دَعَوْتُ بِهَا بَعْدَمَا نَصَلْتُ لِي هَذِهِ الصَّلَاةَ فِي دُبْرِ هَذِهِ السُّورَةِ، ثُمَّ سَأَلْتَ جَمِيعَ حَوَائِجِكَ مَا بَجَلَ عَلَيْكَ، وَلَأَعْطَاكَ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (3).

1- الكافي: ج 3 ص 478 ح 7، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 313 ح 971 كلاهما عن شرحبيل الكندي.

2- تهذيب الأحكام: ج 3 ص 182 ح 415، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 557 ح 1544، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 110 ح 2309، مصباح المتهجد: ص 53 وليس فيه «من مرضى أو رددتني من سفري أو عافيتني» وكلها عن سماعة بن مهران، المقنعة: ص 220 وفيه «أو كفييتني ما أخاف من كذا وكذا أو فعلت بي كذا وكذا فلك على كذا وكذا إلا آتاه الله ذلك» بدل «أو عافيتني مما أخاف...»، بحار الأنوار: ج 91 ص 351 ح 12.

3- تفسير العياشي: ج 1 ص 353 ح 1، مجمع البيان: ج 4 ص 422 كلاهما عن أبي بصير، المجتبي: ص 106 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 91 ص 348 ح 10.

118. وقال صلى الله عليه وسلم: امام باقر عليه السلام: هرگاه خواستی از پروردگارت درخواستی کنی، وضویی نیکو ساز و سپس دو رکعت نماز به جای آور و خدا را به بزرگی یاد کن و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرست و بعد از سلام دادن نماز، بگو: «بار خدایا! از تو درخواست می کنم، که تو، پادشاه و مالک همه چیزی و بر هر کاری توانا و مقتدری و هر آنچه خواهی، می شود. بار خدایا! به واسطه پیامبرت محمد، پیامبر رحمت، به درگاه تو روی آورده ام. ای محمد، ای پیامبر خدا! من به واسطه تو به درگاه خداوند که پروردگار تو و پروردگار من است، روی آورده ام تا خواسته ام را برآورده سازد. بار خدایا! به آبروی پیامبرت، خواسته مرا برآورده ساز، به حق محمد».

سپس حاجت را بخواه. 119. وقال صلى الله عليه وسلم: امام صادق عليه السلام: هر یک از شما وقتی بیمار می شود، طیب را به بالینش فرا می خواند و به او چیزی می دهد، و وقتی به حاکمی نیاز دارد، به دربان رشوه می دهد و چیزی به او می پردازد. اگر هر یک از شما، آن گاه که برایش گرفتاری پیش می آید، به خداوند متعال پناه برد و وضو بگیرد و کمابیش صدقه ای بدهد، سپس به مسجد برود و دو رکعت نماز بگذارد و حمد و ثنای الهی به جای آورد و بر پیامبر و اهل بیت او صلوات بفرستد، آن گاه بگوید: «بار خدایا! اگر مرا از بیماری ام رهایی بخشی، یا از سفرم [به سلامت] باز گردانی، یا از فلان و بهمان چیز که می ترسم، در امانم داری...»، خداوند حتما خواسته اش را برآورده می سازد و این، همان سوگند واجب و همان چیزی است که خدای متعال به عنوان وظیفه سپاس گذاری بر عهده او نهاده است. (1) 120. وقال صلى الله عليه وسلم: امام صادق عليه السلام: هر کس به درگاه خداوند حاجتی داشت و خواست آن را برآورده سازد، چهار رکعت نماز با فاتحة الكتاب و سوره انعام بخواند و چون از قرائت فارغ شد، بگوید: «ای کریم، ای کریم، ای کریم! ای باعظمت، ای باعظمت، ای باعظمت! ای باعظمت تر از هر با عظمتی! ای شنونده دعا! ای کسی که دست خوش دگرگونی روزان و شبان نمی شود! بر محمد و خاندان محمد صلوات فرست و به ناتوانی و ناداری و درویشی و بی نوایی من رحم آور، که حال و روز مرا بهتر از خودم می دانی و به حاجت من دانتری. ای کسی که به یعقوب پیر رحم آورد، زمانی که نور دیده اش، یوسف را به او باز گرداند! ای کسی که به ایوب بلازده رحم آورد! ای کسی که به محمد، رحمت آورد و او را که یتیم بود، در پناه خود در آورد و بر گردن فرزندان و سرکشان قریش نصرتش بخشید و بر آنها چیره اش گردانید! ای دادرس، ای دادرس، ای دادرس!».

بارها این جملات را می گویی. پس، سوگند به آن که جانم در دست اوست، اگر پس از آن که این نماز را در پی قرائت این سوره خواندی، با این دعا خداوند را بخوانی و سپس همه حاجت هایت را از او بخواهی، بر تو بخل نمی ورزد و همه آنها را به تو عطا می فرماید، إن شاء الله..

1- یعنی بر اوست که به عهد و سوگند خود وفا کند. بر اساس این احتمال، جواب شرط، حذف شده که همان التزام دعا کننده به ادای نذر و وفا به عهد و سوگند است. احتمال هم دارد سوگند واجب، بر عهده خدا باشد برای پذیرش نماز و صدقه و طهارت شخص گرفتار، به قرینه عبارت پایانی سخن امام (وما جعل الله تعالی علیه...). احتمال اول، قوی تر است.

121. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي عن مقاتل بن مقاتل: قُلْتُ لِلرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! عَلَّمَنِي دُعَاءً لِقَضَاءِ الْحَوَائِجِ .

فَقَالَ: إِذَا كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مُهِمَّةً، فَاغْتَسِلْ وَابْسِ أَنْظَفَ ثِيَابِكَ وَشَمِّ شَيْئًا مِنَ الطَّيِّبِ، ثُمَّ ابْرُزْ تَحْتَ السَّمَاءِ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ، تَفْتِيحُ الصَّلَاةِ فَتَقْرَأُ «فَاتِحَةَ الْكِتَابِ» وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً، ثُمَّ تَرَكَعْ فَتَقْرَأُ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً، ثُمَّ تُتِمُّهَا عَلَى مِثَالِ صَلَاةِ التَّسْبِيحِ، غَيْرَ أَنَّ الْقِرَاءَةَ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً، فَإِذَا سَلَّمْتَ فَاقْرَأْهَا خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً، ثُمَّ تَسْجُدُ فَتَقُولُ فِي سُجُودِكَ:

«اللَّهُمَّ إِنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ آدَمَ عَرَشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ فَهُوَ بِاطِلٍ سِوَاكَ؛ فَإِنَّكَ (أَنْتَ) اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، اقْضِ لِي حَاجَةً كَذَا وَكَذَا، السَّاعَةَ السَّاعَةَ»، وَتُلْحِقُ فِيهَا أَرْدَتَ . (1) 122. قَالَتْ عَائِشَةُ _ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا _ : الْإِمَامُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي ذُو عِيَالٍ، وَعَلَيَّ دَيْنٌ، وَقَدْ اسْتَدَّتْ حَالِي، فَعَلَّمَنِي دُعَاءً أَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ، لِيَرْزُقَنِي مَا أَقْضِي بِهِ دِينِي، وَأَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عِيَالِي .

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، تَوَضَّأَ وَأَسْبَغَ وُضُوءَكَ، ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ تُتِمُّ الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ، ثُمَّ قُلْ:

يَا مَاجِدُ، يَا وَاحِدُ، يَا كَرِيمُ يَا دَائِمُ، أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَسْأَلُكَ نَفْحَةً كَرِيمَةً مِنْ نَفْحَاتِكَ، وَفَتْحًا يَسِيرًا وَرِزْقًا وَسِعًا، أَلْمُ بِهِ شَعْنِي (2)، وَأَقْضِي بِهِ دِينِي، وَأَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عِيَالِي . (3).

1- الكافي: ج 3 ص 477 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 184 ح 417 و ج 1 ص 117 ح 305، مصباح المتهجد: ص 532 وليس فيه «إِذَا سَلَّمْتَ فَاقْرَأْهَا خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً»، المقنعة: ص 224 عن مقاتل عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 91 ص 353 ح 15 .

2- تُلْمُ بِهَا شَعْنِي: أَي تَجْمَعُ بِهَا مَا تَقَرَّقَ مِنْ أَمْرِي (النهاية: ج 2 ص 478 «شعث»).

3- الكافي: ج 2 ص 552 ح 6 و ج 3 ص 473 ح 2 كلاهما عن أبي حمزة، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 311 ح 966 عن ابن أبي حمزة عن الإمام الجواد عليه السلام وفيه «الرضا» بدل «النبي»، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 129 ح 2337، بحار الأنوار: ج 91 ص 360 .

123. قال أنس رضی الله عنه: الكافی۔ به نقل از مُقاتل بن مُقاتل۔: به امام رضا علیه السلام گفتم: فدایت شوم! دعایی برای قضای حوائج به من بیاموزید .

فرمود: «هر گاه به درگاه خداوند عز و جل حاجت مهمّی داشتی، غسل کن و پاکیزه ترین جامه هایت را بپوش و عطری بزن . سپس به زیر آسمان برو و دو رکعت نماز بگزار . نماز را شروع می کنی و فاتحة الكتاب و قل هو الله أحد را پانزده مرتبه می خوانی، سپس به رکوع می روی و در رکوع نیز پانزده مرتبه می خوانی، و بقیّه نماز را مانند نمازِ تسبیحات دار ادامه می دهی، با این تفاوت که [به جای تسبیحات اربعه] پانزده مرتبه قرائت [حمد و توحید] می خوانی . پس از سلام دادن نماز نیز آنها را پانزده مرتبه می خوانی و آن گاه به سجده می روی و می گویی: بار خدایا! هر معبودی از عرش تا فرش باطل است بجز تو، که تو، خدای حق و آشکاری . فلان و بهمان حاجتم را هم اکنون، هم اکنون برآورده ساز و در خواسته ات پافشاری می کنی». 124. لذلك قال _ علیه الصلاة والسلام _ : امام باقر علیه السلام: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من مردی عیالوار و مقروض هستم و در مضیقه شدیدی به سر می برم . دعایی به من بیاموزید که با آن، خداوند عز و جل، را بخوانم تا به مقداری که قرضم را بپردازم و خرجی عائله ام را بدهم، مرا روزی عطا فرماید . پیامبر خدا فرمود: «ای بنده خدا! وضویی کامل بساز، سپس دو رکعت نماز بخوان و رکوع و سجود را کامل به جای آور، سپس بگو:

ای شکوهمند، ای یگانه! ای بزرگوار، ای پایدار! به واسطه پیامبرت محمّد، پیامبر رحمت، به درگاه تو روی می کنم . ای محمّد، ای پیامبر خدا! من با توسّل به توبه درگاه خداوند که پروردگار تو و پروردگار من و پروردگار همه چیز است، روی می کنم که: [ای خداوند!] بر محمّد و اهل بیت او درود فرستی، و از تو نسیمی کریمانه از نسیم هایت، و گشایشی آسان و روزی ای گسترده که با آن پریشانی خویش را به سامان آورم و قرضم را بپردازم و مخارج عائله ام را تأمین کنم، درخواست می کنم» . .

125. وقال صلى الله عليه وسلم: الإمام الصادق عليه السلام: إذا غَدَوْتَ فِي حَاجَتِكَ بَعْدَ أَنْ تَجِبَ الصَّلَاةُ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ ، فَإِذَا فَرَّغْتَ مِنْ الشَّهْدِ قُلْتَ :

«اللَّهُمَّ إِنِّي غَدَوْتُ أَلْتَمِسُ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي ، فَأَرْزُقْنِي رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا ، وَأَعْطِنِي فِيمَا رَزَقْتَنِي الْعَاقِبَةَ» تُعِيدُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، ثُمَّ تُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ أُخْرَاوَيْنِ ، فَإِذَا فَرَّغْتَ مِنَ الشَّهْدِ قُلْتَ :

«بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ ، غَدَوْتُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ ، وَلَكِنْ بِحَوْلِكَ يَا رَبِّ وَقُوَّتِكَ ، وَأَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هَذَا الْيَوْمِ وَبَرَكَةَ أَهْلِهِ ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا طَيِّبًا حَلَالًا ، تَسَوِّفُهُ إِلَيَّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ ، وَأَنَا خَافِضٌ (1) فِي عَاقِبَتِكَ ، تَقُولُهَا ثَلَاثًا . (2) .

1- .خَفَضُ مِنَ الْعَيْشِ : أَى فِي سَعَةِ وَرَاحَةِ (المصباح المنير : ص 175 «خفض»).

2- .الكافي : ج 3 ص 475 ح 7 عن الوليد بن صبيح ، قرب الإسناد : ص 3 ح 7 نحوه ، بحار الأنوار : ج 95 ص 293 ح 1 .

126. وقال صلى الله عليه وسلم: امام صادق عليه السلام: چون نماز صبح را خواندی و خواستی به سر کازت روی، دو رکعت نماز بخوان و بعد از تشهد بگو:

«بار خدایا! من، همچنان که فرمانم داده ای، برای طلب فضل تو بیرون می روم. پس، روزی حلال و پاک روزی ام فرما و در آنچه مرا روزی می کنی، عافیت را نیز عطایم کن».

این دعا را سه بار می گویی، سپس دو رکعت دیگر می خوانی و بعد از تشهد، سه مرتبه می گویی:

«با توش و توان خداوند، بیرون می روم، نه با توش و توانی از خودم؛ بلکه با توش و توان تو— ای پروردگار من— و در برابر تو، خویشتن را بی توش و توان می دانم. بار خدایا! برکت این روز را و برکت اهل آن را از تو درخواست می کنم و از تو مسئلت دارم که از فضل خویش، روزی فراخ و پاک و حلالی را نصیبم کنی و آن را با توش و توان خودت به جانب من سوق دهی، در حالی که غرقه در عافیت تو بیاسایم».

127. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي عن ابن الوليد بن صبيح، عن أبيه: قال أبو عبد الله عليه السلام: أين حانوتك من المسجد؟ فقلت: على بابي. فقال: إذا أردت أن تأتي حانوتك فأبدأ بالمسجد، فصل فيه ركعتين أو أربعاً، ثم قل:

عَدَوْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ، وَعَدَوْتُ بِلَا حَوْلِ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ، بَلْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا رَبِّ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ التَّمَسُّ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَيَسِّرْ لِي ذَلِكَ، وَأَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ. (1) 128. قال صلى الله عليه وسلم: الكافي عن ابن طيار: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: إنه كان في يدي شيء تفرق وضقت ضيقاً شديداً، فقال لي: ألك حانوت في السوق؟ قلت: نعم وقد تركته.

فقال: إذا رجعت إلى الكوفة فاقعد في حانوتك واكنسه، فإذا أردت أن تخرج إلى سوقك فصل ركعتين أو أربع ركعات، ثم قل في دبر صلاتك:

«تَوَجَّهْتُ بِلَا- حَوْلِ مِنِّي وَلَا- قُوَّةٍ، وَلَكِنْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، وَأَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ إِلَّا بِكَ، فَأَنْتَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ فَارزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقاً كَثِيراً طَيِّباً، وَأَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ؛ فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا أَحَدٌ غَيْرَكَ»....

فَمَا زِلْتُ أَخْذُ عِدْلاً عِدْلاً فَأَبِيعُهُ، وَأَخْذُ فَضْلَهُ وَأُرْذُ عَلَيْهِ مِنْ رَأْسِ الْمَالِ، حَتَّى رَكِبْتُ الدَّوَابَّ، وَاشْتَرَيْتُ الرِّقِيقَ، وَبَنَيْتُ الدَّوْرَ. (2) 129. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي عن محمد بن الحسن العطار عن رجل من أصحابنا عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: قال لي يا فلان، أما تغدو في الحاجة؟ أما تمر بالمسجد الأعظم عندكم بالكوفة؟ قلت: بلى. قال: فصل فيه أربع ركعات، قل فيهن:

عَدَوْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ، عَدَوْتُ بِغَيْرِ حَوْلِ مِنِّي وَلَا- قُوَّةٍ، وَلَكِنْ بِحَوْلِكَ يَا رَبِّ وَقُوَّتِكَ، أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هَذَا الْيَوْمِ وَبَرَكَةَ أَهْلِهِ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ حَلاً طَيِّباً، تَسْوِفُهُ إِلَيَّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، وَأَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ. (3).

1- الكافي: ج 3 ص 474 ح 4.

2- الكافي: ج 3 ص 474 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 312 ح 967 عن أبي الطيار، بحار الأنوار: ج 47 ص 367 ح 84.

3- الكافي: ج 3 ص 475 ح 5، المزار الكبير: ص 164، بحار الأنوار: ج 100 ص 414.

130. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي_ به نقل از فرزند ولید بن صبیح ، از پدرش _: امام صادق علیه السلام فرمود : «دکانت در کجای مسجد است؟» .

گفتم : کنار در مسجد .

فرمود : «هرگاه خواستی به دکانت بروی ، ابتدا به مسجد برو و دو یا چهار رکعت نماز بخوان و بعد از آن بگو :

با توان و نیروی خداوند بیرون آمده ام، نه با توان و نیرویی از جانب خودم؛ بلکه با توان و نیروی تو ای پروردگارم! بار خدایا! من بنده تو ام که به دستور تو ، از فضل تو می جویم . پس ، آن را برای من آسان گردان و در عافیت آسوده ام بدار» . 131. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي_ به نقل از ابن طیار_ : به امام صادق علیه السلام گفتم : من ثروتی داشتم و همه از دستم رفت و در تنگنای سختی افتاده ام .

فرمود : «دکانی در بازار داری؟» .

گفتم : آری؛ اما رهائش کرده ام .

فرمود : «چون به کوفه برگشتی ، دکانت را بگشای و آب و جارویش کن، و هر زمان خواستی به بازارت بروی ، دو یا چهار رکعت نماز بخوان و در تعقیب نمازت بگو : نه با توش و توان خودم ، بلکه با توش و توان تو [ای خداوند] می روم و برای خویش ، هیچ توش و توانی نمی دانم ، مگر به یاری تو، که تویی نیروی من و از توست توان من . بار خدایا! از فضل گسترده ات مرا روزی ای فراوان و پاک عطا فرما ، و من در [سایه] آسایش تو آسوده ام، که جز تو کسی مالک آسایش نیست ...» .

از آن پس ، جوال جوال [از فلاّن بازرگان] می گرفتم و می فروختم و سودش را بر می داشتم و سرمایه را به او بر می گرداندم ، چندان که مرکب ها سوار شدم و غلامانی خریدم و چند خانه ساختم . 132. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي_ به نقل از محمد بن حسن عطار ، از مردی از همکیشان ما (شیعه) _ : امام صادق علیه السلام به من فرمود : «فلائی! صبح ها سر کار نمی روی؟ آیا از مسجد اعظمتان در کوفه نمی گذری؟» .

گفتم : چرا .

فرمود : «پس ، در آن ، چهار رکعت نماز بگزار و در نمازت بگو : با حرکت و نیروبخشی خداوند ، بیرون آمده ام . نه با حرکت و نیرویی از خودم ، بلکه با حرکت و نیروبخشی تو _ ای پروردگار _ بیرون آمده ام . برکت این روز و برکت اهل آن را از تو درخواست می کنم . و از تو تقاضا دارم که از فضل خودت به من روزی ای حلال و پاک عطا فرمایی و با حرکت و نیرویت آن را به سوی من سوق دهی ، در حالی که من در عافیت تو آسوده ام» . .

133. وقال صلى الله عليه وسلم: الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى حَاجَةٌ ، فَلْيَقْصِدْ إِلَى مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَلْيَسْبِغْ وُضوءَهُ ، وَيُصَلِّ فِي الْمَسْجِدِ رَكَعَتَيْنِ ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَسَبْعَ سُورٍ مَعَهَا ، وَهُنَّ : الْمُعَوِّذَاتَانِ ، وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ، وَ«قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» ، وَ«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ» ، وَ«سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» ، وَ«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» فَإِذَا فَرَغَ مِنَ الرَّكَعَتَيْنِ وَتَسَبَّهَدَ وَسَلَّمَ ، سَأَلَ اللَّهُ حَاجَتَهُ فَإِنَّهَا تُقْضَى بِعَوْنِ اللَّهِ ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ . (1) 134. وقال صلى الله عليه وسلم حين دفن إبراهيم ابنه _ عالِ كافي عن مُحَمَّد بن عَلِيّ الحلبى : سَكَى رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَاقَةَ وَالْحِرْفَةَ (2) فِي التَّجَارَةِ بَعْدَ يَسَارٍ قَدْ كَانَ فِيهِ ، مَا يَتَوَجَّهُ فِي حَاجَةٍ إِلَّا ضَاقَتْ عَلَيْهِ الْمَعِيشَةُ ، فَأَمَرَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَأْتِيَ مَقَامَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَ الْقَبْرِ وَالْمِنْبَرِ ، فَيَصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ ، وَيَقُولَ مِئَةَ مَرَّةٍ :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَبِعِزَّتِكَ وَمَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ ، أَنْ تُسِّرَ لِي مِنَ التَّجَارَةِ أَوْسَعَهَا رِزْقًا ، وَأَعْمَمَهَا فَضْلًا ، وَخَيْرَهَا عَاقِبَةً .

قَالَ الرَّجُلُ : فَفَعَلْتُ مَا أَمَرَنِي بِهِ ، فَمَا تَوَجَّهْتُ بَعْدَ ذَلِكَ فِي وَجْهِ إِلَّا رَزَقَنِي اللَّهُ . (3) 135. وقال صلى الله عليه وسلم: كتاب من لا يحضره الفقيه: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ لَيْسَ ثَوْبَيْنِ مِنْ أَعْلَطِ ثِيَابِهِ وَأَحْشَنَهَا ، ثُمَّ رَكَعَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ رَكَعَتَيْنِ ، حَتَّى إِذَا كَانَ فِي آخِرِ سَجْدَةٍ مِنْ سُجُودِهِ سَبَّحَ اللَّهُ مِئَةَ تَسْبِيحَةٍ ، وَحَمِدَ اللَّهُ مِئَةَ مَرَّةٍ ، وَهَلَّلَ اللَّهُ مِئَةَ مَرَّةٍ ، وَكَبَّرَ اللَّهُ مِئَةَ مَرَّةٍ ، ثُمَّ يَعْتَرِفُ بِذُنُوبِهِ كُلِّهَا مَا عَرَفَ مِنْهَا ، أَقْرَبَ لَهُ _ تَبَارَكَ وَتَعَالَى _ بِهِ فِي سُجُودِهِ ، وَمَا لَمْ يَذْكَرْ مِنْهَا اعْتَرَفَ بِهِ جُمْلَةً ، ثُمَّ يَدْعُو اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ ، وَيُقْضَى (4) بِرُكْبَتَيْهِ إِلَى الْأَرْضِ . (5) .

- 1- الأُمالي للطوسي : ص 416 ح 936 و ص 734 ح 1534 وليس فيه «حاجته» وكلاهما عن صباح الحداء ، بحار الأنوار : ج 100 ص 393 ح 25 .
- 2- حُورِفَ كَسْبُ فُلَانٍ : إِذَا شَدَّدَ عَلَيْهِ فِي مَعَاشِهِ (الصَّحاح : ج 4 ص 1342 «حرف»).
- 3- الكافي : ج 3 ص 473 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 311 ح 965 .
- 4- [يقال :] أَفْضَى بِيَدِهِ إِلَى الْأَرْضِ : إِذَا مَسَّهَا بِبَاطِنِ رَاحَتِهِ فِي سُجُودِهِ (الصَّحاح : ج 6 ص 2455 «فضا») . فالمراد أنه عليه السلام يرفع ثيابه عن ركبتيه ويمس بهما الأرض .
- 5- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 558 ح 1545 ، الدعوات : ص 130 ح 324 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 376 ح 33 .

136. وقال صلى الله عليه وسلم: امام صادق عليه السلام: هر کس به خداوند متعال حاجتی داشت، آهنگ مسجد کوفه کند و وضویی کامل بگیرد و دو رکعت نماز در مسجد بخواند. در هر رکعت، فاتحة الكتاب و هفت سوره «فلق» و «ناس» و «قل هو الله أحد» و «قل يا أيها الكافرون» و «إذا جاء نصر الله» و «سبح اسم ربك الأعلى» و «إنا أنزلناه في ليلة القدر» را بخواند و چون دو رکعت را خواند و تشهد گفت و سلام داد، حاجتش را از خدا بخواهد که . به یاری خدا و به خواست خدا، برآورده می شود. 137. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي - به نقل از محمد بن علی حلی - : مردی به امام صادق علیه السلام از تنگ دستی و بدشانسی خود در کسب و کار شکایت کرد و گفت که قبلاً وضع مالی اش خوب بوده و اکنون دست به هر کاری می زند، گشایشی در معیشتش حاصل نمی شود .

امام صادق علیه السلام به او فرمود که به مقام رسول خدا در بین قبر و منبر، برود و دو رکعت نماز بخواند و صد مرتبه بگوید: «بار خدایا! به حق نیرو و توان و عزتت و به علمت که بر همه چیز احاطه دارد، از تو درخواست می کنم که در کسب و کارم گشایشی دهی و فراخ ترین روزی و گسترده ترین فضل و بهترین عاقبت را نصیبم فرمایی».

آن مرد گفت: به دستور ایشان عمل کردم و از آن پس، به هر کاری که دست می زدم، خداوند به من روزی می داد. 138. وقال صلى الله عليه وسلم: كتاب من لا يحضره الفقيه: امام زين العابدين عليه السلام هرگاه پیشامدی او را اندوهگین می ساخت، دو جامه از زبرترین و درشت ترین جامه هایش را می پوشید. سپس در آخر شب، دو رکعت نماز می خواند و در آخرین سجده اش، صد مرتبه تسبیح و صد مرتبه حمد و صد مرتبه «لا إله إلا الله» و صد مرتبه تکبیر می گفت و آن گاه به همه گناهانش اعتراف می کرد. آنهایی را که به یاد داشت، در سجده اش برای خداوند - تبارک و تعالی - به زبان می آورد و آنهایی را که به یاد نداشت، به طور کلی می گفت. سپس به درگاه خداوند عز و جل دعا می کرد و زانوانش را برهنه بر زمین می نهاد . .

139. وقال صلى الله عليه وسلم: الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ تَطَهَّرَ ثُمَّ أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ بَاتَ وَفِرَاشُهُ كَمَسْجِدِهِ، فَإِنْ قَامَ مِنَ اللَّيْلِ فَذَكَرَ اللَّهَ تَنَاقَرَتْ عَنْهُ حَطَايَاهُ، فَإِنْ قَامَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ فَتَطَهَّرَ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، وَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ، إِمَّا أَنْ يُعْطِيَهُ الَّذِي يَسْأَلُهُ بِعَيْنِهِ، وَإِمَّا أَنْ يَدَّخِرَ لَهُ مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ مِنْهُ. (1) 140. وقال صلى الله عليه وسلم فى حديث: عنه عليه السلام فى الأمرِ يَطْلُبُهُ الطَّالِبُ مِنْ رَبِّهِ -: تَصَدَّقْ فى يَوْمِكَ عَلَى سِتِّينَ مِسْكِينًا، عَلَى كُلِّ مِسْكِينٍ صَاعٌ بِصَاعِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِذَا كَانَ اللَّيْلُ اغْتَسَّ لَمْتِ فى الثُّلْثِ الباقى، وَلَبِستِ أدنى ما يلبسُ مَنْ تَعَوَّلَ مِنَ الثِّيَابِ، إِلَّا أَنْ عَلَيكَ فى تِلْكَ الثِّيَابِ إِزارًا، ثُمَّ تُصَلِّى رَكَعَتَيْنِ، فَإِذَا وَصَلْتَ جَبْهَتَكَ فى الرِّكَعَةِ الأَخيرةِ لِلسُّجودِ هَلَلْتَ اللَّهَ وَعَظَّمْتَهُ وَقَدَّستَهُ وَمَجَّدْتَهُ، وَذَكَرْتَ ذُنُوبَكَ فَأَقْرَرْتَ بِمَا تَعْرِفُ مِنْهَا مُسَدِّمِي، ثُمَّ رَفَعْتَ رَأْسَكَ، ثُمَّ إِذَا وَصَلْتَ رَأْسَكَ لِلسُّجودِ الثَّانِيَةِ اسْتَحَرْتَ اللَّهَ مِئَةَ مَرَّةٍ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ»، ثُمَّ تَدْعُو اللَّهَ بِمَا شِئْتَ وَتَسْأَلُهُ إِياهُ، وَكُلَّمَا سَجَدْتَ فَأَفْضِ بِرُكْبَتَيْكَ إِلَى الأَرْضِ، ثُمَّ تَرَفُّعِ الإِزارِ حَتَّى تَكشِفَ فُهْمًا، وَاجْعَلِ الإِزارَ مِنْ خَلْفِكَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَباطِنِ سَاقَيْكَ. (2).

1- الكافى: ج 3 ص 468 ح 5 عن محمد بن كردوس .

2- الكافى: ج 3 ص 479 ح 8، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 314 ح 972 كلاهما عن زرارة وراجع كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 555 ح 1542 .

141. وقال صلى الله عليه وسلم: امام صادق عليه السلام: هر کس وضو بگیرد و به بسترش برود، آن شب، بسترش به منزله مسجد او خواهد بود و چنانچه شب برخیزد و ذکر خدا بگوید، گناهانش می ریزند، و اگر آخر شب برخیزد و وضو بسازد و دو رکعت نماز بگزارد و حمد و ثنای الهی به جای آورد و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرستد، هر چه از خدا بخواهد، به او عطا می فرماید؛ یا همان چیزی را که از او خواسته است، می دهد و یا بهتر از آن را برایش اندوخته [ی آخرت] می کند. 142. وقال صلى الله عليه وسلم: امام صادق عليه السلام_ درباره آنچه شخص از پروردگارش می طلبد_: در روز به شصت مستمند، به هر مستمند یک صاع به اندازه صاع پیامبر صلی الله علیه و آله، صدقه بده و شب که شد، در ثلث آخر آن غسل کن و پست ترین لباسی را که فردی از افراد خانواده ات می پوشد، بپوش و ازاری نیز بر تن کن. سپس دو رکعت نماز بخوان و در رکعت آخر که پیشانی ات را برای سجده نهادی، خداوند را به یگانگی و بزرگی و پاکی و شُکوه بستای و گناهانت را یاد کن و آنها را که به یاد داری، [یکایک] نام ببر و به آنها اعتراف نما. سپس سر از سجده بردار و چون به سجده دوم رفتی، از خداوند، صد مرتبه طلب خیر کن و بگو: «بار خدایا! من از تو خیر می طلبم». آن گاه هر دعایی خواستی، بکن و از او مسئلت نما. و هر بار که به سجده رفتی، ازار خود را بالا بزن، به طوری که زانوانت برهنه بر زمین قرار گیرند؛ ولی از پشت ساق، پاهایت را با آن بپوشان. .

143. وقال: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ صَلَّى مَا بَيْنَ الْجُمُعَتَيْنِ خَمْسَةَ مِئَةِ رَكْعَةٍ، فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ مَا يَتَمَنَّى مِنْ خَيْرٍ. (1) 144. وقال صلى الله عليه وسلم: عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ تَنَقَّلَ مَا بَيْنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ خَمْسَةَ مِئَةِ رَكْعَةٍ، فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ مَا شَاءَ، إِلَّا أَنْ يَشَاءَ مُحَرَّمًا. (2) 145. وقال صلى الله عليه وسلم: مصباح المتهجد: الإمام الباقر عليه السلام: ما يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا أَصَابَهُ شَيْءٌ مِنْ غَمِّ الدُّنْيَا أَنْ يُصَلِّيَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ رَكْعَتَيْنِ، وَيَحْمَدَ اللَّهَ تَعَالَى وَيُثْنِيَ عَلَيْهِ، وَيُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَيَمُدُّ يَدَهُ وَيَقُولُ: وَذَكَرَ الدُّعَاءَ. (3) 146. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي عن أبي عليٍّ الخِرَازِيِّ: حَضَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَخِي بِهِ بَلِيَّةٌ أَسْتَحْيِي أَنْ أَذْكَرَهَا.

فَقَالَ لَهُ: أَسْتُرْ ذَلِكَ، وَقُلْ لَهُ: يَصُومُ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَالْخَمِيسِ وَالْجُمُعَةِ، وَيَخْرُجُ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ، وَيَلْبَسُ ثَوْبَيْنِ إِمَّا جَدِيدَيْنِ وَإِمَّا غَسِيلَيْنِ حَيْثُ لَا يَرَاهُ أَحَدٌ، فَيُصَلِّيَ وَيُكْشِفُ عَنْ رُكْبَتَيْهِ، وَيَمْطِي بِرَأْسِهِ الْأَرْضَ وَجَنَبِيهِ، وَيَقْرَأُ فِي صَلَاتِهِ «فَاتِحَةَ الْكِتَابِ» عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» عَشْرَ مَرَّاتٍ، فَإِذَا رَكَعَ قَرَأَ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، فَإِذَا سَجَدَ قَرَأَهَا عَشْرًا، فَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ قَبْلَ أَنْ يَسْجُدَ قَرَأَهَا عَشْرِينَ مَرَّةً، يُصَلِّيَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ عَلَى مِثْلِ هَذَا، فَإِذَا فَرَغَ مِنَ الشَّهَادَةِ قَالَ:

يَا مَعْرُوفًا بِالْمَعْرُوفِ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، يَا آخِرَ الْآخِرِينَ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، يَا رَازِقَ الْمَسَاكِينِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، إِنِّي اشْتَرَيْتُ نَفْسِي مِنْكَ بِثُلْثِ مَا أَمْلِكُ، فَاصْرِفْ عَنِّي شَرًّا مَا ابْتُلَيْتُ بِهِ؛ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (4).

1- ثواب الأعمال: ص 68 ح 1، المحاسن: ج 1 ص 132 ح 163 كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 91 ص 387 ح 19.

2- الجعفریات: ص 35 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الكافي: ج 3 ص 488 ح 7 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام.

3- مصباح المتهجد: ص 323 عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار: ج 90 ص 28 ح 1.

4- الكافي: ج 3 ص 477 ح 4.

147. وقال صلى الله عليه وسلم: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس ما بین دو جمعه پانصد رکعت نماز بخواند، هر خیری که از خدا آرزو کند، به او می دهد. 148. وكان صلى الله عليه وسلم يقول في دعائه: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس از جمعه تا جمعه پانصد رکعت نماز مستحبی بخواند هر چه از خدا بخواهد، به او می دهد، مگر آن که چیز حرامی بخواهد. 149. وقال صلى الله عليه وسلم: مصباح المتهجد: امام باقر علیه السلام فرمود: «چرا هر گاه غمی از غم های دنیا به یکی از شما می رسد، روز جمعه دو رکعت نماز نمی خواند و حمد و ثنای خداوند متعال را به جا نمی آورد و بر محمد و خاندان او صلوات نمی فرستد و دستش را به آسمان بر نمی دارد و بگوید: ...؟». امام علیه السلام دعا را ذکر کرد. 150. قال صلى الله عليه وسلم: الكافي_ به نقل از ابو علی خزاز: در محضر امام صادق علیه السلام بودم که مردی وارد شد و گفت: فدایت شوم! برادرم به مرضی دچار شده است که خجالت می کشم بگویم.

امام علیه السلام فرمود: «پوشیده اش بدار و به او بگو: روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیرد و زوال خورشید که شد، دو جامه نو یا تمیز بپوشد و به جایی برود که کسی او را نبیند و نماز بگذارد و زانوانش را برهنه سازد و کف دستانش و پهلوهایش را بر زمین بکشد، و در [قیام] نمازش، فاتحة الكتاب را ده مرتبه و «قل هو الله أحد» را ده مرتبه بخواند و چون به رکوع رفت، پانزده مرتبه «قل هو الله أحد» را بخواند و در سجده نیز ده مرتبه آن را بخواند، و سر از سجده که برداشت، قبل از رفتن به سجده دوم، بیست مرتبه آن را بخواند. چهار رکعت با همین شیوه بخواند و پس از تمام شدن تشهد بگوید: ای خدایی که به نیکی کردن، معرفی! ای اول از هر اولی! ای آخر از هر آخری! ای دارنده نیروی استوار! ای روزی دهنده مستمندان! ای مهربان ترین مهربانان! من جان خویش را به یک سوم آنچه دارم، از تو خریدم. پس شرّ آنچه را بدان گرفتار آمده ام، از من بگردان، که همانا تو بر هر کاری توانایی». . .

151. وقال صلى الله عليه وسلم: تهذيب الأحكام عن صفوان بن يحيى ومحمد بن سهيل عن أشياخهما عن الإمام الصادق عليه السلام: إذا حَضَرْتَ لَكَ حَاجَةٌ مُهِمَّةٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَصُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مُتَوَالِيَةٍ: الْأَرْبَعَاءَ وَالْخَمِيسَ وَالْجُمُعَةَ، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ - إِنْ شَاءَ اللَّهُ - فَاغْتَسِلِ وَالْبَسِ ثَوْبًا جَدِيدًا، ثُمَّ اصْعَدِ إِلَى أَعْلَى بَيْتِ فِي دَارِكَ وَصَلِّ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ، وَارْفَعْ يَدَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ، ثُمَّ قُلْ:

اللَّهُمَّ إِنِّي حَلَلْتُ بِسَاحَتِكَ؛ لِمَعْرِفَتِي بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَصِدْقِ مَدَائِنِيَّتِكَ، وَأَنْتَ لَا فَادِرَ عَلَى قَضَائِ حَاجَتِي غَيْرِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ - يَا رَبِّ - أَنْهُ كُلَّمَا تَظَاهَرَتْ نِعْمَتُكَ عَلَيَّ اشْتَدَّتْ فَاقَتِي إِلَيْكَ، وَقَدْ طَرَقَنِي هَمٌّ كَذَا، وَأَنْتَ بِكَشْفِهِ عَالِمٌ غَيْرُ مُعَلِّمٍ، وَاسِعٌ غَيْرُ مُتَكَلِّفٍ، فَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى الْجِبَالِ فَتُسَبِّحُ بِهِ، وَوَضَعْتَهُ عَلَى السَّمَاءِ فَانْتَشَقَّتْ، وَعَلَى النُّجُومِ فَانْتَشَدَّرَتْ، وَعَلَى الْأَرْضِ فَسَبَّحَتْ، وَأَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ وَالْأَيَّمَةِ - وَتُسَبِّحُهُمْ إِلَى آخِرِهِمْ - أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ وَأَهْلِي بَيْتِي، وَأَنْ تُقْضِيَ حَاجَتِي، وَأَنْ تُبَسِّرَ لِي عُسْرَهَا، وَتُكْفِيَنِي مُهِمَّتَهَا، فَإِنْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَكَ الْحَمْدُ، غَيْرَ جَائِرٍ فِي حُكْمِكَ، وَلَا مُتَّهَمٍ فِي قَضَائِكَ، وَلَا حَائِفٍ فِي عَدْلِكَ.

وَتَلَصِّقُ خَدَّكَ بِالْأَرْضِ وَتَقُولُ:

اللَّهُمَّ إِنَّ يُونُسَ بْنَ مَتَّى عَبْدَكَ دَعَاكَ فِي بَطْنِ الْحَوْتِ، وَهُوَ عَبْدُكَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَأَنَا عَبْدُكَ أَدْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لِي.

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا كَانَتْ لِي الْحَاجَةُ فَأَدْعُو بِهِذَا الدُّعَاءَ، فَأَرْجِعْ وَقَدْ قُضِيَتْ. (1).

1- تهذيب الأحكام: ج 3 ص 183 ح 416، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 556 ح 1543 وفيه «سهل» بدل «سهيل»، المقنعة: ص 220، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 110 ح 2310، مصباح المتهجد: ص 324 عن عاصم ابن حميد وليس فيه «ثم قال أبو عبد الله عليه السلام...»، جمال الأسبوع: ص 208، بحار الأنوار: ج 90 ص 33 ح 3.

152. وقال صلى الله عليه وسلم: تهذيب الأحكام_ به نقل از صفوان بن يحيى و محمد بن سهيل ، از شيوخشان_: امام صادق عليه السلام فرمود: «هرگاه حاجت مهتی از خداوند عز و جل داشتی ، سه روز پیاپی روزه بگیر: چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه . و چون به خواست خدا جمعه شد ، غسل کن و جامه ای نوپوش و به بلندترین بام سرایت برو و در آن جا دو رکعت نماز بخوان و دستانت را به سوی آسمان بردار و بگو: بار خدایا! من به درگاه تو آمده ام؛ زیرا می دانم تو یگانه و بی نیازی و جز تو ، کسی قادر به برآوردن حاجت من نیست، و می دانم_ ای پروردگار من_ که هر چه نعمت هایت به من فزونی بگیرند ، نیاز من به تو بیشتر می شود . اینک ، فلان گرفتاری به سراغم آمده است و تو ، بی آن که کسی به تو آموخته باشد، می دانی چگونه آن را برطرف سازی، و بدون زحمت ، کارگشایی می کنی . پس، به حق آن نامت که بر کوه هایش نهادی و کوه ها از هم پاشیدند، و بر آسمانش نهادی و آسمان از هم شکافت، و بر ستارگانش نهادی و ستارگان از هم پراکندند، و بر زمینش نهادی و زمین پهن شد ، از تو درخواست می کنم ، و به آن حقی که نزد محمد و امامان و یکایک آنان را تا به آخر ، نام می بری قرار دادی، از تو درخواست می کنم که بر محمد و اهل بیت او درود فرستی و حاجت مرا برآوری و دشواری آن را برابم آسان گردانی و گره آن را برابم بگشایی . اگر چنین کردی ، تو را سپاس ، و اگر نکردی ، باز هم تو را سپاس، که تو در حکمت ستم نمی ورزی و در قضایات به تو سوء ظنی نمی رود و در عدالتت منحرف نمی شوی .

و گونه ات را به زمین می چسبانی و می گویی :

بار خدایا! بنده ات یونس بن مٹی ، در شکم ماهی ، تو را خواند، و او بنده تو بود و دعایش را مستجاب کردی . من نیز بنده تو هستم و تو را می خوانم . پس ، دعایم را مستجاب فرما .» .

امام صادق علیه السلام سپس فرمود: من خود، هرگاه حاجتی پیدا می کنم ، با این دعا ، دعا می کنم و حاجت روا بر می گردم» . .

153. وجاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وسلم فقال: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا اسْتَخْلَفَ عَبْدٌ عَلَى أَهْلِهِ بِخِلَافَةِ أَفْضَلٍ مِنْ رَكَعَتَيْنِ يَرْكَعُهُمَا إِذَا أَرَادَ سَفَرًا، يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَدِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأَمَانَتِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي»، إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مَا سَأَلَ. (1).

1- الكافي: ج 3 ص 480 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 310 ح 959 كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 271 ح 2413، المحاسن: ج 2 ص 87 ح 1231 عن النوفلي وفيهما «وذريتي» بدل «وديني»، بحار الأنوار: ج 76 ص 244 ح 27.

154. وقال صلى الله عليه و سلم: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هرگاه بنده ای بخواهد به سفر برود ، بهترین جانشینی که برای خود در میان خانواده اش می گذارد ، دو رکعت نماز است که می خواند و می گوید :

«بار خدایا! خودم و خانواده ام و دارایی ام و دین و دنیا و آخرتم و امانتم و پایان کارم را به تو می سپارم» .

هر گاه چنین کند ، آنچه از خداوند بخواهد ، به او عطا می فرماید . .

يَدِيلُو يَدَهُ اللَّهُ الَّذِي هُوَ غَالِبُهُ

ثُمَّ حَلَفَ بِاللَّهِ لَيَقْدَمَنَّ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ، فَيَسْتَعِدِّي اللَّهَ عَلَيَّ .

قال: فَصَامَ أَسَابِيعَ، وَصَلَّى رَكَعَاتٍ، وَدَعَا، وَخَرَجَ مُتَوَجِّحًا عَلَى عَيْرَانَةٍ (9)، يَقَطَعُ بِالسَّيْرِ عَرْضَ الْفَلَاةِ، وَيَطْوِي الْأَوْدِيَةَ وَيَعْلُو الْجِبَالَ، حَتَّى قَدِمَ مَكَّةَ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ، فَنَزَلَ عَنْ رَاحِلَتِهِ، وَأَقْبَلَ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ، فَسَعَى وَطَافَ بِهِ، وَتَعَلَّقَ بِأَسْتَارِهِ وَابْتَهَلَ، وَأَنْشَأَ يَقُولُ:

يَا مَنْ إِلَيْهِ أَتَى الْحُجَّاجُ بِالْجَهْدِ فَوْقَ الْمَهَاوِي (10) مِنْ أَقْصَى غَايَةِ الْبُعْدِ إِنِّي أَتَيْتُكَ يَا مَنْ لَا يُحِبُّ مَنِيَّةَ دَعْوِهِ مُبْتَهَلًا بِالْوَاحِدِ الصَّمَدِ هَذَا مَنَازِلُ يَرْتَاعُ مِنْ عَقْفِي فَخُذْ بِحَقِّي يَا جَبَّارُ مِنْ وَلَدِي حَتَّى تُشِلَّ بِعَوْنٍ مِنْكَ جَانِبِيهَا مِنْ تَقَدُّسٍ لَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَلِدْ

قال: فَوَ الَّذِي سَمَكَ السَّمَاءَ، وَأَنْبَعَ الْمَاءَ، مَا اسْتَتَمْتُ دُعَاءَهُ حَتَّى نَزَلَ بِي مَا تَرَى - ثُمَّ كَشَفَ عَن يَمِينِهِ، فَإِذَا بِجَانِبِهِ قَدِ شَلَّ - فَأَنَا مُنْذُ ثَلَاثِ سِنِينَ أَطْلُبُ إِلَيْهِ أَنْ يَدْعُو لِي (11) فِي الْمَوْضِعِ الَّذِي دَعَا بِهِ عَلَيَّ، فَلَمْ يُجِبْنِي، حَتَّى إِذَا كَانَ الْعَامَ، أَنْعَمَ عَلَيَّ فَخَرَجْتُ بِهِ عَلَى نَاقَةٍ عَشْرَاءَ (12) أُجِدُّ السَّيْرَ حَيْثُ رَجَاءُ الْعَافِيَةِ، حَتَّى إِذَا كُنَّا عَلَى الْأَرَاكِ (13) وَحَطَمَةِ وَاوِي السِّيَاكِ (14) نَفَرُ طَائِرًا فِي اللَّيْلِ، فَفَنَرْتُ مِنْهُ النَّاقَةَ الَّتِي كَانَ عَلَيْهَا، فَأَلْقَتْهُ إِلَى قَرَارِ الْوَادِي، وَارْفَضَ بَيْنَ الْحَجْرَيْنِ، فَقَبْرَتُهُ هُنَاكَ، وَأَعْظَمُ مِنْ ذَلِكَ أَنِّي لَا أَعْرِفُ إِلَّا «الْمَأْخُودَ بِدَعْوَةِ أَبِيهِ» .

فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتَاكَ الْعَوْثُ، أَلَا أَعْلَمُكَ دُعَاءَ عَلَمَنِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَفِيهِ اسْمُ اللَّهِ الْأَكْبَرِ الْأَعْظَمِ الْعَزِيزِ الْأَكْرَمِ، الَّذِي يُجِيبُ بِهِ مَنْ دَعَاهُ، وَيُعْطِي بِهِ مَنْ سَأَلَهُ، وَيُفْرِجُ بِهِ الْهَمَّ، وَيَكْشِفُ بِهِ الْكَرْبَ، وَيَذْهَبُ بِهِ الْعَمَّ، وَيُبْرِئُ بِهِ السُّقْمَ، وَيَجْبُرُ بِهِ الْكَسِيرَ، وَيُغْنِي بِهِ الْفَقِيرَ، وَيَقْضِي بِهِ الدَّيْنَ، وَيُرْدُّ بِهِ الْعَيْنَ، وَيَغْفِرُ بِهِ الذُّنُوبَ، وَيَسْتُرُ بِهِ الْعُيُوبَ، وَيُؤْمِنُ بِهِ كُلَّ خَائِفٍ مِنْ شَيْطَانِ مَرِيدٍ، وَجَبَّارٍ عَنِيدٍ. وَلَوْ دَعَا بِهِ طَائِعٌ لِلَّهِ عَلَى جَبَلٍ لَزَالَ مِنْ مَكَانِهِ، أَوْ عَلَى مَيِّتٍ لِأَحْيَاءِ اللَّهِ بَعْدَ مَوْتِهِ، وَلَوْ دَعَا بِهِ عَلَى الْمَاءِ لَمَشَى عَلَيْهِ بَعْدَ أَنْ لَا يَدْخُلُهُ الْعُجْبُ .

فَاتَّقِ اللَّهَ أَيُّهَا الرَّجُلُ، فَقَدْ أَدْرَكْتَنِي الرَّحْمَةُ لَكَ، وَلَيَعْلَمُ اللَّهُ مِنْكَ صِدْقَ النَّيَّةِ أَنْكَ لَا تَدْعُو بِهِ فِي مَعْصِيَتِهِ وَلَا تُعِيدُهُ إِلَّا النُّقَّةَ فِي دِينِكَ! فَإِنْ أَخْلَصْتَ النَّيَّةَ اسْتَجَابَ اللَّهُ لَكَ، وَرَأَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَنَامِكَ، يُبَشِّرُكَ بِالْجَنَّةِ وَالْإِجَابَةِ .

قال الحَسَنُ بْنُ بَنِي عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: فَكَانَ سُرُورِي بِفَائِدَةِ الدُّعَاءِ أَشَدَّ مِنْ سُرُورِ الرَّجُلِ بِعَافِيَتِهِ وَمَا نَزَلَ بِهِ؛ لِأَنَّيَ لَمْ أَكُنْ سَمِعْتُهُ مِنْهُ، وَلَا عَرَفْتُ هَذَا الدُّعَاءَ قَبْلَ ذَلِكَ .

ثُمَّ قَالَ: إِنِّي بِدَوَاةٍ وَبِيَاضٍ، وَآكُتُّبُ مَا أُمْلِيهِ عَلَيْكَ. فَفَعَلْتُ وَهُوَ:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ وَلَا أَيْنَ هُوَ وَلَا حَيْثُ هُوَ وَلَا كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا ذَا الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، يَا ذَا الْعِزَّةِ وَالْجَبْرُوتِ، يَا مَلِكُ يَا قُدُّوسُ، يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيِّمُنُ، يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ، يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ، يَا مُفِيدُ يَا وَدُودُ، يَا مَحْمُودُ يَا مَعْبُودُ، يَا بَعِيدُ يَا قَرِيبُ يَا مُجِيبُ، يَا رَقِيبُ يَا حَسِيبُ، يَا بَدِيعُ يَا زَفِيعُ يَا مَنْبُغُ، يَا سَمِيعُ يَا عَلِيمُ، يَا حَكِيمُ يَا كَرِيمُ يَا قَدِيمُ .

يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا دِيَّانُ يَا مُسْتَعَانُ، يَا جَلِيلُ يَا جَمِيلُ، يَا وَكِيلُ يَا كَفِيلُ، يَا مُقِيلُ يَا مُنِيلُ، يَا نَبِيلُ يَا دَلِيلُ، يَا هَادِي يَا بَادِي، يَا أَوَّلُ يَا آخِرُ، يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ، يَا حَاكِمُ يَا قَاضِي، يَا عَادِلُ يَا فَاضِلُ، يَا وَاصِلُ يَا طَاهِرُ يَا مُطَهَّرُ، يَا قَادِرُ يَا مُقْتَدِرُ، يَا كَبِيرُ يَا مُتَكَبِّرُ .

يا أَحَدُ يا صَدْمَدُ ، يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَلَا كَانَ مَعَهُ وَزِيرٌ ، وَلَا اتَّخَذَ مَعَهُ مُمْشِرًا ، وَلَا احتاجَ إلى ظَهيرٍ ، وَلَا كَانَ مَعَهُ إِلَهٌ ، لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الجاحِدُونَ (الظالمون) عُلُوًّا كَبِيرًا .

يا عالِمُ يا شامِخُ يا باذِخُ ، يا فَتَّاحُ يا مُفَرِّجُ ، يا ناصِرُ يا مُنصِرُ يا مُهَلِكُ (مُدركُ) يا مُنتَقِمُ ، يا باعِثُ يا وارِثُ ، يا أوَّلُ يا طالِبُ يا غالِبُ ، يا مَنْ لا يَفوْتُهُ هارِبٌ ، يا تَوَّابُ يا أَوَّابُ يا وَهابُ ، يا مُسَبِّبُ الأسبابِ ، يا مُفَتِّحُ الأبوابِ ، يا مَنْ حَيْثُ ما دُعِيَ أَجابَ ، يا طَهُورُ يا شَكُورُ ، يا عَفُوُّ يا غَفُورُ ، يا نورَ النُّورِ ، يا مُدَبِّرُ الأمورِ ، يا لَطيفُ يا خَبيرُ ، يا مُتَجَبِّرُ يا مُنيرُ ، يا بَصيرُ يا ظَهِيرُ ، يا كَبيرُ يا وَترُ ، يا فَرْدُ يا صَمَدُ ، يا سَنَدُ يا كافيُ ، يا مُحسِنُ يا مُجملُ ، يا شافيُ يا وافيُ يا مُعافيُ ، يا مُنعمُ يا مُتفضلُ ، يا مُتكرِّمُ يا مُتفَرِّدُ .

يا مَنْ علا فَفَهَرَ ، يا مَنْ ملكَ فَفَدَرَ ، يا مَنْ بَطَنَ فَخَبَرَ ، يا مَنْ عَبدَ فَشَكَرَ ، يا مَنْ عُصِيَ فَغَفَرَ وَسَتَرَ ، يا مَنْ لا تَحويهِ الفِكرُ ، ولا يَدْرِكُهُ بَصَرُ ، ولا يَخفى عَلَيْهِ أثرُ ، يا رازِقَ البَشَرِ ، ويا مُقدِّرَ كُلِّ قَدَرٍ .

يا عالِيَ المَكانِ ، يا شَديدَ الأركانِ ، يا مُبدِلَ الرِّمانِ ، يا قَابلَ القربانِ ، يا ذا المَنِّ والإِحسانِ ، يا ذا العِزِّ والسُّلطانِ ، يا رَحيماً يا رَحمَنُ ، يا عَظيمَ الشَّانِ ، يا مَنْ هُوَ كُلَّ يَومٍ في شَأْنٍ ، يا مَنْ لا يَشغَلُهُ شَأْنٌ عَن شَأْنٍ .

يا سامِعَ الأصواتِ ، يا مُجيبَ الدَّعواتِ ، يا مُنحِجَ الطَّلِباتِ ، يا قاضِيَ الحاجاتِ ، يا مُنزِلَ البَرَكاتِ ، يا راحِمَ العَبراتِ ، يا مُقيلَ العَثراتِ ، يا كاشِفَ الكُرَباتِ ، يا وَلِيَّ الحَسَدِ ناتِ ، يا رَفيعَ الدَّرجاتِ ، يا مُعطِيَ المَسأَلاتِ ، يا مُحَيِّ الأَمواتِ ، يا مُطَّلِعَ عَلى النِّياتِ ، يا رادَّ ما قَد فاتَ ، يا مَنْ لا تَشبِهُ عَلَيْهِ الأصواتُ ، يا مَنْ لا تُضجِرُهُ المَسأَلاتُ ، ولا تَغشاها الطُّلماتُ ، يا نورَ الأرضِ والسَّمواتِ .

يا سابِغَ النِّعمِ ، يا دافعَ النِّعمِ ، يا بارِئَ النَّسمِ ، يا جامعَ الأُممِ ، يا شافيَ السَّقَمِ ، يا خالقَ النُّورِ وَالظُّلَمِ ، يا ذا الجودِ وَالكَرَمِ ، يا مَنْ لا يَطأُ عَرشَهُ قَدَمٌ .

يا أجودَ الأَجودينَ ، يا أَكْرَمَ الأَكْرَمينَ ، يا أسمعَ السَّامِعينَ ، يا أَبْصَرَ النَّاطِرينَ ، يا جازِ المُستَجيرينَ ، يا أمانَ الخائِفينَ ، يا ظَهرَ اللاجِئينَ ، يا وَلِيَّ المُؤمِنينَ ، يا غياثَ المُستغيثينَ ، يا غايَةَ الطَّالِبينَ .

يا صاحِبَ كُلِّ غَريبٍ ، يا مونسَ كُلِّ وَحيدٍ ، يا مَلجأَ كُلِّ طَريدٍ ، يا ماوِيَ كُلِّ شَدِيدٍ ، يا حافِظَ كُلِّ ضالَّةٍ ، يا راحِمَ الشَّيخِ الكَبيرِ ، يا رازِقَ الطِّفلِ الصَّغيرِ ، يا جابِرَ العَظَمِ الكَسيرِ ، يا فِكاكَ كُلِّ أُسيرٍ ، يا مُغنيَ البائِسِ الفَقيرِ ، يا عِصمَةَ الخائِفِ المُستَجيرِ ، يا مَنْ لَهُ التَّدبيرُ والتَّقديِرُ ، يا مَنْ العَسيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسيرٌ ، يا مَنْ لا يَحْتَاجُ إلى تَفسيرٍ ، يا مَنْ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ ، يا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ خَبيرٌ ، يا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصيرٌ .

يا مُرسِلَ الرِّياحِ ، يا فالِقَ الإِصباحِ ، يا باعِثَ الأرواحِ ، يا ذا الجودِ والسَّماحِ ، يا مَنْ بيَدِهِ كُلُّ مِفْتاحِ ، يا سامِعَ كُلِّ صَوْتٍ ، يا سابِقَ كُلِّ فَوْتٍ ، يا مُحَيِّ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ المَوْتِ .

يا عُدَّتِي في شِدَّتِي ، يا حافِظِي في عُربَتِي ، يا مونسِي في وَحدَتِي ، يا وَلِيَّيَ في نِعمَتِي ، يا كَنفِي حينَ تُعَيِّنِي المَذاهِبُ ، وُتَسَلِمُنِي الأَقاربُ ، وَيُخَدِّلُنِي كُلُّ صاحِبٍ .

يا عِمادَ مَنْ لا عِمادَ لَهُ ، يا سَنَدَ مَنْ لا سَنَدَ لَهُ ، يا دُخْرَ مَنْ لا دُخْرَ لَهُ ، يا كَهْفَ مَنْ لا كَهْفَ لَهُ ، يا رُكْنَ مَنْ لا رُكْنَ لَهُ ، يا غياثَ مَنْ لا غياثَ لَهُ ، يا جازِ مَنْ لا جازَ لَهُ .

- 1- لَيْلٌ دَجِيٌّ : أى مظلم (مجمع البحرين : ج 1 ص 578).
- 2- فى بحار الأنوار : «مُسْتَرَحِمًا» بدل «مترحماً» وهو الأصح .
- 3- الزيادة من بحار الأنوار .
- 4- فى بحار الأنوار : ج 1 ص 225 : «فإن تاب» بدل «فارتاب» .
- 5- حَدَّثَانُ الدهر وحوادثه : نُوبُهُ ، وما يحدث منه (لسان العرب : ج 2 ص 132 «حدث»).
- 6- الورق : الدرهم المضروبة ، وفى الورق ثلاث لغات : وَرِق ، وَوَرِق ، وَوَرَق (الصحاح : ج 4 ص 1564 «ورق»).
- 7- السَّمَرْدُلُ : السريع من الإبل وغيره (الصحاح : ج 5 ص 1741 «شمردل»).
- 8- الغارِبُ : ما بين العُنُقِ والسَّنَامِ ، وهو الذى يُلقى عليه خِطَامُ البعير إذا أُرسِلَ (المصباح المنير : ص 444 «غرب»).
- 9- العَيْرَانَةُ : ناقة تشبّه بالعَيْرِ [أى الحمار الوحشى] فى سرعتها ونشاطها (الصحاح : ج 2 ص 764 «عير»).
- 10- المَهْوَاةُ : موضع فى الهواء مشرف ما دونه من جبل وغيره (لسان العرب : ج 15 ص 370 «هوا»). وفى بحار الأنوار : «المهاد» .
- 11- فى المصدر : «يدعونى» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- 12- العُشْرَاءُ من النوق : التى مضى لحملها عشرة أشهر بعد طروق الفعل (تاج العروس : ج 7 ص 225 «عشر»).
- 13- هو وادى الأراك قرب مكّة (معجم البلدان : ج 1 ص 135).
- 14- فى المصدر : «وحطته وادى السجال» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- 15- الأعراف : 180 .
- 16- غافر : 60 .
- 17- البقرة : 186 .
- 18- الزمر : 53 .
- 19- فى المصدر : «بالخير» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- 20- مُهْجَ الدعوات : ص 191 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 394 ح 33 .

باب دوازدهم : داستان هایی درباره اجابت دعا

12 / 1 مستجاب شدن دعای جوان فلج

باب دوازدهم : داستان هایی درباره اجابت دعا 12 / 1 مستجاب شدن دعای جوان فلج 162. وقال صلی الله علیه و سلم: مهج الدعوات_ به نقل از امام حسین علیه السلام_ : در یک شب تاریک کم نور که طواف ، خلوت بود و زائران ، خفته بودند و چشم ها آرام گرفته بود، با علی بن ابی طالب علیه السلام در طواف بودم که شنید کسی با آوازی سوزناک و غمناک و برخاسته از دلی دردمند ، استغاثه می کند و به خدا پناه می جوید و از او رحم می طلبد و می گوید :

ای آن که دعای درمانده را در تاریکی ها جواب می دهی!

ای زداینده رنج و بلا و بیماری!

زائران تو ، پیرامون خانه می خوابند و بیدار می شوند

و دعا می کنند ، در حالی که چشمان تو_ ای پاینده _ هرگز نمی خوابد

به جود و بخشندگی ات از گناه من در گذر

ای آن که جمله خلائق در حرم ، او را نشان می دهند

اگر عفو تو شامل حال گنهکار نشود

پس چه کسی گنهکاران را مورد لطف قرار دهد؟

[پدرم] به من فرمود : «ای ابا عبد الله ! آیا شنیدی این صدایی را که از گناهانش می گوید و از پروردگارش کمک می جوید؟».

گفتم : آری، شنیدم .

فرمود : «جستجویش کن ، شاید او را بیابی» .

من کورمال کورمال در تاریکی پیش رفتم و از لابه لای خفتگان گذشتم و چون به میان رکن و مقام رسیدم، شبی راست به نظرم رسید. دقت کردم ، دیدم کسی ایستاده است . گفتم : سلام بر تو ، ای بنده ای که به گناه ، اقرار می کنی و پوزش می خواهی و آمرزش می طلبی و پناه می جویی . پسر عموی پیامبر خدا تو را می خواهد . به حق خدا اجابتش کن .

او سریع سجود و قعودش را به هم آورد و نمازش را سلام داد و بی آن که سخنی بگوید ، با دستش اشاره کرد که پیشاپیش او حرکت کنم . من به راه افتادم و او را نزد امیر مؤمنان علیه السلام آوردم و گفتم : بفرمایید، آوردمش .

امیر مؤمنان نگاهش کرد و جوانی خوب رو و آراسته دید . فرمود : «از کدام طایفه ای؟».

جوان گفت : از یکی از طوایف عرب .

فرمود : «چگونه است حال تو، و گریه و استغاثه ات برای چیست؟».

گفت: حالم، حال کسی است که به کیفر عاق و والدین گرفتار آمده و در تنگی است و بدبختی ، اسیرش ساخته و اندوه ، او را در میان گرفته و مردّد است و دعایش مستجاب نمی شود .

علی علیه السلام به او فرمود : «چرا چنین است؟».

گفت : من در میان عرب ، روزگار به بازی و طرب می گذرانیدم و در رجب و شعبان ، پیوسته سرگرم معصیت بودم و خدای مهربان را در نظر نمی داشتم . پدری دلسوز داشتم که مرا از مجازات های روزگار بر حذر می داشت و از عذاب دوزخ بیم می داد و می گفت : از دست تو ، چه ناله ها و شکوه ها که نکردند این روشنایی و تاریکی، و روزان و شبان و ماه ها و سال ها، و فرشتگان بزرگوار الهی . و هرگاه زیاد پند و اندرزم می داد ، بر او بانگ می زدم و تندی می کردم و می پریدم و او را می زدم .

روزی ، قصد سگّه هایی را کردم که در خیمه بود و رفتم تا آنها را بردارم و خرج بلهوسی های خود کنم ، که پدرم مانع شد . من او را به باد کتک گرفتم و دستش را پیچاندم و سگّه ها را برداشتم و رفتم . پدرم دستش را به طرف زانوانش برد تا از جایش برخیزد ؛ اما از شدت درد و ناراحتی نتوانست دستانش را حرکت دهد. پس شروع به خواندن این ابیات کرد :

میان من و مُنازل ، خویشاوندی بود

درست آن سان که باران خواه ، طلب باران می کند

و او را پروراندم تا که نیرو گرفت و قامت افراشت

آن سان که چون بایستد ، گردنش با گردن گاو نر برابری کند

آن گاه که کودک بود ، به او از خوراک می خوراندم

_ هرگاه گرسنه می شد _ بهترین و لذیذترینش را

اما همین که به عنفوان جوانی اش رسید

و زبانش چونان نیزه رُدینی (1) تیز گشت

مالم را به ستم گرفت و دستم را همی پیچاند

خدا که بالا دست اوست ، دستش را بیچاند!

سپس به خدا سوگند خورد که به بیت الله الحرام برود و از خدا دادخواهی کند. هفته ها روزه گرفت و نماز خواند و دعا کرد و سپس بر اشتر تیزرو خود نشست و به سرعت، پهنه بیابان را پیمود و درّه ها را در نوردید و کوه ها و تپه ها را پشت سر نهاد تا این که در روز حجّ اکبر به مکه رسید. از اشترش پیاده شد و به سوی خانه خدا رفت و سعی و طواف کرد و به پرده های کعبه چنگ در زد و زاری کنان این ابیات را خواند:

ای خدایی که حاجیان به سویش با تحمل رنج می آیند

و [نیز با] پیمودن فراز و نشیب ها، از دورترین سرزمین ها

من نزد تو آمده ام، ای کسی که نومید نمی سازد

آن را که به زاری، به یکتایی و بی نیازی بخواندش!

این، مُنازل است که از عاق شدن من می هراسد

پس، حقّ مرا_ ای خداوند جبار_ از فرزندم بستان

چنین که به یاری خود، نیمه بدنش را فلج گردانی

ای خداوند پاکی که نه زاده کسی هستی و نه فرزندی داری!

جوان گفت: سوگند به آن خدایی که آسمان را افراشت و آب از دل خاک بر جوشاند، هنوز دعایش به پایان نرسیده بود که این بلایی که می بینی، به سرم آمد. سپس دست راستش را برهنه ساخت. دیدیم نیمه راست بدنش فلج است.

[جوان ادامه داد:] من سه سال از او خواهش نمودم تا در همان جایی که نفرینم کرده است، برای شفایم دعا کند؛ اما نمی پذیرفت، تا این که امسال پذیرفت و من او را بر اشتری که ده ماهه باردار بود، نشاندم و به امید بهبود، شتابان به راه افتادیم و چون به اراک (2) و کناره وادی سیاک (3) رسیدیم، پرنده ای در تاریکی شب پرید و شتری که پدرم سوارش بود، رم کرد و او را به ته وادی انداخت و میان دو سنگ، خُرد شد و من او را همان جا به خاک سپردم. بدتر از این بلایی که به سرم آمده، آن است که به «گرفتار نفرین پدر» معروف شده ام.

امیر مؤمنان علیه السلام به او فرمود: «فریادرسی [خداوند]، تو را در رسیده است. آیا دعایی را به تونیا موزم که پیامبر خدا آن را به من آموخت و نام اکبر و اعظم و عزیز و اکرم خداوند در آن است و هر کس با آن خدا را بخواند، اجابتش می کند و به هر کس با آن از او درخواست کند، عطا می فرماید و به واسطه آن، اندوه را می گسارد و رنج را می زداید و غم را می برد و بیمار را شفا می بخشد و پریشانی را به سامان می آورد و نیازمند را بی نیاز می گرداند و قرض را ادا می کند و چشم زخم را دفع می کند و گناهان را می آمرزد و عیب ها را می پوشاند و هر ترسانی را از گزند هر شیطان پلید و ستمکار حق ستیز در امان می دارد؟ اگر آن که فرمان بردار خداست، با این دعا کوهی را نفرین کند، آن کوه از جای می جنبد، یا اگر بر مرده ای بخواند، خداوند او را دوباره زنده می کند و اگر بر آب بخواندش، بر آن راه می رود، به شرط آن که دچار غرور نگردد.

پس، ای مرد! از خدا بترس_ که دل من بر تو به رحم آمده است_ و تبتّ با خدا راست دار که این دعا را برای معصیت او نخوانی و نیز آن را

جز به کسی که در دینت بدو اعتماد داری، نیاموزی! که اگر نیت خالص گردانی، خداوند، دعایت را مستجاب می گرداند و پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله را در خوابت می بینی که تو را به بهشت و اجابت دعا نوید می دهد» .

شادمانی من از فایده این دعا، بیشتر از شادمانی آن مرد از بهبودش و رفع بلایش بود؛ زیرا من این دعا را از امیر مؤمنان نشنیده بودم و تا پیش از آن هنگام، چنین دعایی را نمی شناختم .

امیر مؤمنان، سپس فرمود: «دوات و کاغذی برایم بیاور و آنچه را به تو املا می کنم، بنویس» و من دستور او را اجرا کردم . آن دعا این است :

«به نام خداوند مهرگستر مهربان . بار خدایا! از تو درخواست می کنم به حق نامت، ای صاحب شکوه و ارج! ای زنده، ای پاینده! ای زنده ای که معبودی جز تو نیست! ای آن که هیچ کس جز خود او نمی داند که او چیست و کجاست و چگونه است! ای صاحب مُلک و ملکوت! ای صاحب عزّت و جبروت! ای پادشاه، ای پاک! ای سلام، ای مؤمن [به حقیقت حق خود]، ای نگهبان! ای عزّتمند، ای جبار، ای متکبر! ای آفریننده، ای پدیدآورنده، ای صورتگر! ای سودرسان، ای دوستدار! ای ستودنی، ای پرستیدنی! ای دور، ای نزدیک، ای پاسخ دهنده! ای ناظر، ای حسابگر! ای نو آفرین، ای با رفعت، ای بلند آستان! ای شنوا، ای دانا! ای با حکمت، ای بزرگوار، ای دیرین!

ای والای ای بزرگ! ای مهرورز، ای بنده نواز! ای جزا دهنده، ای آن که از او یاری می خواهند! ای بشکوه، ای زیبا! ای سرپرست، ای ضامن! ای دستگیر، ای عطابخش! ای شریف، ای راهنما! ای هدایتگر، ای آغازگر! ای آغاز، ای پایان! ای پیدا، ای پنهان! ای حاکم، ای داور! ای دادگر، ای فروز! ای واصل، ای پاک، ای پاک کننده! ای توانا، ای بااقتدار! ای بزرگ، ای بزرگ منش!

ای یکتا، ای بی نیاز! ای کسی که نزاده و زاده نشده است و هیچ کس همتای او نیست، و نه همسری دارد و نه دستیاری، و نه مشاوری برای خود برگزیده، و نه نیاز به پشتیبانی دارد، و هیچ خدایی با او نبوده است و نیست! معبودی جز تو نیست و بسی برتر از آنی که منکران (/ ستمکاران) می گویند .

ای دانا، ای بلندمرتبه، ای عالی مقام! ای گشاینده، ای گره گشا! ای یاور، ای ظفرمند! ای نابودکننده (/ دریابنده)، ای انتقام گیرنده! ای برانگیزنده، ای ارث برنده! ای آغاز، ای جوینده، ای چیره! ای کسی که هیچ گریزنده ای از چنگ او نمی تواند گریخت! ای توبه پذیر، ای بازگشت کننده [به سوی بنده گنهکار]، ای بخشنده! ای سبب ساز! ای گشاینده درها! ای کسی که هر جا خوانده شود، پاسخ می دهد! ای پاک، ای قدردان! ای عفو کننده، ای آمرزگار! ای نور انوار! ای تدبیرکننده امور! ای لطیف، ای باخبر! ای متجبر (برکنار از آنچه شایسته او نیست)، ای روشنایی بخش! ای بینا، ای پشتیبان! ای بزرگ، ای تک! ای فرد، ای بی نیاز! ای تکیه گاه، ای بسنده! ای احسان کننده، ای نیکوکار! ای شفافبخش، ای وفادار (/ کامل کننده)، ای عافیت بخش! ای نعمت دهنده، ای فزونی بخش! ای سخاوتمند، ای منحصر به فرد!

ای فرادست چیره! ای پادشاه توانا! ای نهان آگاه از نهان ها! ای کسی که چون عبادتش کنند، قدردانی می کند! ای کسی که چون معصیتش کند، می آمرزد و پرده پوشی می کند! ای کسی که در اندیشه نمی گنجد، و هیچ دیده ای او را در نمی یابد، و هیچ رد و نشانی بر او پوشیده نیست! ای روزی دهنده بشر! و ای تقدیر کننده همه مقدرات!

ای بلندجایگاه! ای استوار ارکان! ای تغییردهنده زمان! ای پذیرنده قربانی! ای بنده نواز و با احسان! ای صاحب عزّت و سلطنت! ای

مهربان، ای مهرگستر! ای عظیم الشان! ای آن که هر دمی در کاری است! ای آن که هیچ کاری او را از کاری دیگر باز نمی دارد!

ای شنونده آواها! ای اجابت کننده دعاها! ای برآورنده تقاضاها! ای برطرف کننده نیازها! ای فرو فرستنده برکت ها! ای رحم کننده بر اشک ها! ای درگذرنده از لغزش ها! ای زداینده اندوه ها! ای صاحب خوبی ها! ای بالا برنده درجات! ای عطاکننده خواسته ها! ای زنده کننده مرده ها! ای آگاه از نیت ها، ای بازگرداننده آنچه از دست رفته! ای آن که آواها بر او در هم نمی شوند! ای آن که درخواست ها [ی بی شمار بندگان] او را به ستوه نمی آورند، و تاریکی ها او را فرو نمی گیرند! ای روشنایی زمین و آسمان ها!

ای نعمت هایت سرشار! ای دفع کننده خشم ها (انتقام ها)! ای پدیدآورنده جان ها! ای گردآورنده امت ها! ای شفادهنده بیماری ها! ای آفریننده روشنی و تاریکی ها! ای با جود و کرم! ای آن که هیچ کس بر عرش او گام نمی نهد!

ای سخاوتمندتر از هر سخاوتمندی! ای کریم تر از هر کریمی! ای شنواترین شنوایان! ای بیناترین بینایان! ای پناه پناهجویان! ای آرام بیمناکان! ای پشت پناهندگان! ای حامی اهل ایمان! ای فریادرس فریادخواهان! ای هدف نهایی جویندگان!

ای یار هر غریب! ای همدم هر تنها! ای پناه هر گریخته! ای سرپناه هر آواره! ای نگهبان هر گم گشته! ای رحم کننده بر پیر سال خورده! ای روزی دهنده کودک خردسال! ای ترمیم کننده استخوان شکسته! ای آزادکننده هر دربند! ای بی نیازکننده بینوای درویش! ای حامی ترسان پناهخواه! ای آن که تدبیر و تقدیر به دست اوست! ای آن که دشوار برایش سهل و آسان است! ای کسی که نیاز به تفسیر ندارد! ای آن که بر هر چیزی تواناست! ای آن که از هر چیزی آگاه است! ای آن که به هر چیزی بیناست!

ای فرستنده بادها! ای شکافنده صبح! ای برانگیزاننده جان ها! ای صاحب جود و سخا! ای آن که هر کلیدی در دست اوست! ای شنونده هر آوا! ای آن که هیچ چیز از او فوت نمی شود! ای زنده کننده هر موجودی پس از مرگ!

ای ساز و برگ من در روزگار سختی! ای نگهبان من در غربت! ای همدم تنهایی ام! ای ولی نعمتم! ای پناه من، آن گاه که همه راه ها به رویم بسته شود و نزدیکان، مرا فرو گذارند و یاران، دست از یاری ام بدارند!

ای پشت و پناه آن که پشت و پناهی ندارد! ای تکیه گاه آن که تکیه گاهی ندارد! ای اندوخته آن که اندوخته ای ندارد! ای پناهگاه آن که پناهگاهی ندارد! ای پایه برای آن که پایه ای ندارد! ای فریادرس آن که فریادرسی ندارد! ای پناه دهنده آن که پناه دهی ندارد!

ای همسایه دیوار به دیوار من! ای پایه استوار من! ای معبود راستین من! ای خداوند خانه باستانی! ای مهربان، ای همراه! این حلقه تنگ را از من بگشای، و هر غم و اندوه و گرفتاری ای را از من دور گردان، و شر آنچه را طاقت ندارم، از من بگردان، و در آنچه طاقت دارم، کمکم فرما.

ای برگرداننده یوسف به آغوش یعقوب! ای برطرف کننده رنج ایوب! ای آمرزنده گناه داوود! 4 ای رهاننده عیسی بن مریم از چنگ یهود! ای اجابت کننده ندای یونس در تاریکی ها! ای برگزیننده موسی با کلمات! ای آن که خطای آدم را بخشود، و ادریس را با لطف خود، بالا برد! ای آن که نوح را از غرق شدن، نجات داد! ای آن که عادیان نخستین و ثمود را نابود کرد و [حتی یک نفر را هم] بر جای نهاد، و [نیز] پیش از آن، قوم نوح را - که ستمکارتر و طغیانگرتر بودند - و شهرها [ی سدوم و عاموره] را فرو افکند! ای آن که خانه های قوم لوط را بر سرشان آوار ساخت و قوم شعیب را از میان برداشت!

- 1- منسوب به رُدینه است و او زنی بود که به ساختن نیزه شهرت داشت .
- 2- اراک ، سرزمینی در نزدیکی مگّه است .
- 3- محلی در سرزمین اراک .

12 / 2 استجابة دعاء ثلاثة نفر حُسوا في الغار 165. وروى أن النبي صلى الله عليه وسلم قال حين رجع مرسل الله صلى الله عليه وآله: بينما ثلاثة نفر يتماشون أخذهم المطر، فمالوا إلى غار في الجبل، فأنحطت على فم غارهم صخرة من الجبل فأطبقت عليهم، فقال بعضهم لبعض: أنظروا أعمالاً عملتموها لله صالحة، فادعوا الله بها لعله يفرجها.

فقال أحدهم: اللهم إنه كان لي واليدان شيخان كبيران، ولي صبيبة صغار، كنت أرى عليهم، فإذا رحت عليهم فحلبت بدأت بوالدي أسقيهما قبل ولدي، وإنه ذاب بي السجر يوماً، فما أتيت حتى أمسيت فوجدتُهُما قد ناما، فحلبت كما كنت أحلب، فحنت بالجلاب فقتمت عند رؤوسهما، أكره أن أوقظهما من نومهما، وأكره أن أبدأ بالصبيبة قبلهما، والصبيبة يتضاغون (1) عند قدمي، فلم يزل ذلك دأبي ودأبهم حتى طلع الفجر، فإن كنت تعلم أني فعلت ذلك ابتغاء وجهك، فافرج لنا فرجة ترى منها السماء. ففرج الله لهم فرجة حتى يرون منها السماء.

وقال الثاني: اللهم إنه كانت لي ابنة عم أحبها كأشد ما يحب الرجال النساء، فطلبت إليها نفسها، فأبت حتى آتيتها بمئة دينار، فسعيت حتى جمعت مئة دينار فلقيتها بها، فلما عدت بين رجليها، قالت: يا عبد الله اتق الله، ولا تفتح الخاتم إلا بحقه. فقتمت عنها. اللهم فإن كنت تعلم أني قد فعلت ذلك ابتغاء وجهك فافرج لنا منها. ففرج لهم فرجة.

وقال الآخر: اللهم إنني كنت استأجرت أجيراً بفرق (2) أزر، فلما قضى عمله قال: أعطني حقي، فعرضت عليه حقه فتركه ورغب عنه، فلم أزل أزرعه حتى جمعت منه بقراً وراعيها، فجاءني فقال: اتق الله ولا تظلمني وأعطني حقي، فقلت: اذهب إلى تلك البقر وراعيها، فقال: اتق الله ولا تهزأ بي، فقلت: إنني لا أهزأ بك، فخذ تلك البقر وراعيها، فأخذه فانطلق بها، فإن كنت تعلم أني فعلت ذلك ابتغاء وجهك، فافرج ما بقي. ففرج الله عنهم (3).

1- الضغوة: الصياح والبكاء، يقال: ضغوا يضغون: إذا صاح وضج (النهاية: ج 3 ص 92 «ضغاً»).

2- الفرق: مكيال يسع ستة عشر رطلاً، وهي اثنا عشر مداً (النهاية: ج 3 ص 437 «فرق»).

3- صحيح البخاري: ج 5 ص 2228 ح 5629، صحيح مسلم: ج 4 ص 2099 ح 100، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 457 ح 5980 نحوه، السنن الكبرى: ج 6 ص 194 ح 11640 كلها عن عبد الله بن عمر، كنز العمال: ج 15 ص 155 ح 40464؛ الخصال: ص 184 ح 255 نحوه، الأمل للطوسي: ص 395 ح 878 كلاهما عن عبد الله بن عمر، بحار الأنوار: ج 70 ص 379 ح 29.

12 / 2 مستجاب شدن دعای سه نفر که در غار ، محبوس شدند

12 / 2 مستجاب شدن دعای سه نفر که در غار ، محبوس شدند 168. وقال صلى الله عليه وسلم: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه نفر با هم می رفتند که باران ، آنها را فرا گرفت و به غاری در یک کوه پناه بردند . تخته سنگی از کوه بر دهانه غار افتاد و آنها را محبوس ساخت . به یکدیگر گفتند : بنگریم که چه کارهای شایسته ای برای خدا کرده ایم . به حق آنها خدا را بخوانیم ، شاید دهانه غار باز شود .

یکی از آنها گفت : بار خدایا! مرا پدر و مادری پیر و سال خورده بود و خود نیز کودکانی خردسال داشتم . گوسفندانشان را به چرا می بردم و شامگاه که بر می گشتم و شیر می دوشیدم ، اول برای پدر و مادرم می بردم ، بعد به فرزندانم می دادم . روزی به چراگاه دور دستی رفتم و وقتی برگشتم ، شب شده بود و دیدم آن دو ، خفته اند . همچون گذشته شیر دوشیدم و پاتیل شیر را بردم و بالای سر پدر و مادرم ایستادم . نه دلم می آمد آنها را بیدار کنم و نه دوست داشتم پیش از آن که آنها شیر بنوشند ، به کودکان بنوشانم . بچه ها جلوی پای من گریه و زاری می کردند ؛ اما من همچنان ایستاده بودم و آنها همچنان خفته بودند تا آن که سینه زد . حال _ ای خداوند _ اگر می دانی که من به راستی ، این کار را برای رضای تو کردم ، اندکی سنگ را کنار بزن تا از شکاف آن ، آسمان را ببینیم .

پس ، خداوند برایشان شکافی ایجاد کرد ، به طوری که آسمان را از آن ببینند .

دومی گفت : بار خدایا! دختر عمویی داشتم که همانند شیدایی مردان به زنان، سخت دوستش می داشتم . از او تقاضای کامجویی کردم ؛ اما نپذیرفت ، مگر آن که صد دینار به او بدهم . من ، کار کردم و صد دینار فراهم آوردم و برایش بردم . همین که به حال کامجویی نشستم تا کام بگیرم ، گفت : ای بنده خدا! از خدا پروا کن و این مَهر را جز به روا باز مکن و من برخاستم . حال _ خداوند _ اگر می دانی که به راستی ، این کار را برای رضای تو کردم ، سنگ را اندکی دیگر کنار بزن . و خداوند ، شکافی دیگر گشود .

سومی گفت : بار خدایا! من کارگری را با یک پیمانۀ شانزده رطلی برنج اجیر کردم . چون کارش را تمام کرد ، گفت : مزدم را بده . من مزدش را دادم ؛ اما نپذیرفت و با ناراحتی رفت . من حق او را کشت و کار کردم ، تا جایی که از درآمد آن ، گله ای گاو به همراه گاوچرانیش خریدم . پس از مدتی ، آن کارگر نزد من آمد و گفت : از خدا بترس و به من ظلم مکن و حقم را بده . گفتم : برو آن گاوها و چوپانشان را بردار . گفت : از خدا بترس و مرا مسخره مکن . گفتم : مسخره ات نمی کنم . آن گاوها و چوپانشان مال توست . او آنها را برداشت و برد . حال _ ای خداوند _ اگر می دانی که من به راستی ، این کار را به خاطر تو کرده ام ، باقیمانده دهانه غار را بگشای . پس ، خداوند ، آن سه را نجات داد» .

169. وقال صلى الله عليه وسلم: عنه صلى الله عليه وآله: إن ثلاثة نفر انطلقوا إلى حاجبة لهم فأووا إلى غارٍ في جبل فسقطت صخرة على باب الغار فسدت عليهم، فقالوا: يا هؤلاء، تدكرون أحسن أعمالكم، فادعوا الله عز وجل بها؛ لعل الله تعالى يفرج عنكم بها.

فَقَالَ أَحَدُهُمْ: اللَّهُمَّ إِنَّهُ كَانَ لِي امْرَأَةٌ صَدِيقَةٌ أُطِيلُ الْإِخْتِلَافَ إِلَيْهَا حَتَّى أُدْرِكَتَ مِنْهَا حَاجَتِي، فَقَالَتْ: أَذْكَرَكَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ تَرْكَبَ مِنِّي مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ! قُلْتُ: فَأَيُّ أَحَقُّ أَنْ أَخَافَ رَبِّي عِزَّ وَجَلَّ فَتَرَكْتُهَا مِنْ مَخَافَتِكَ وَابْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ، فَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ ذَلِكَ فَافْرَجْ عَنَّا. فَانْصَدَعَ الْجَبَلُ عَنْهُمْ حَتَّى طَمِعُوا فِي الْخُرُوجِ وَلَمْ يَسْتَطِيعُوا الْخُرُوجَ.

وقال الثَّانِي: اللَّهُمَّ كَانَ لِي أَجْرَاءٌ يَعْمَلُونَ عَمَلًا وَاحِدًا وَيَأْخُذُونَ أَجْرًا وَاحِدًا، وَإِنْ أَحَدُهُمْ تَرَكَ أَجْرَهُ وَزَعَمَ أَنَّهُ أَكْثَرُ أَجْرًا مِنْ أَصْحَابِهِ، فَعَزَلْتُ أَجْرَهُ مِنْ مَالِي فَتَلَوْتَنِي (1) بِهِ حَتَّى كَانَ مَالًا وَأَشْيَاءً، فَأَتَانِي بَعْدَ مَا افْتَقَرَ وَكَبِرَ، فَقَالَ: أَذْكَرَكَ اللَّهُ تَعَالَى فِي أَجْرِي؛ فَإِنِّي أَحْوَجُ مَا كُنْتُ، فَطَلَعْتُ بِهِ فَوْقَ بَيْتِي لِي، فَأَرَيْتُهُ مَا أَنْمَى اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مِنْ أَجْرِهِ مِنَ الْمَالِ وَالْمَاشِيَةِ فِي الْغَائِطِ - يَعْنِي الصَّحَارَى - فَقُلْتُ لَهُ: هَذَا لَكَ وَهَذَا لَكَ وَهَذَا لَكَ، فَقَالَ: أَتَسْخَرُ بِي أَصْلَحَكَ اللَّهُ؟! كُنْتُ أُرِيدُكَ عَلَى أَقَلِّ مِنْ هَذَا مُنَابَا عَلَيَّ. قُلْتُ: أَجَلْ كُنْتُ تُرِيدُنِي عَلَى أَقَلِّ مِنْ هَذَا، فَبَلَّانِي اللَّهُ تَعَالَى بِهِ حَتَّى بَلَغَ مَا تَرَى، فَدَفَعْتُهُ إِلَيْهِ - يَارَبِّ - مِنْ مَخَافَتِكَ وَابْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ، فَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ ذَلِكَ فَافْرَجْ عَنَّا. فَانْفَرَجَ الْجَبَلُ عَنْهُمْ حَتَّى طَمِعُوا فِي الْخُرُوجِ وَلَمْ يَسْتَطِيعُوا أَنْ يَخْرُجُوا.

وقال الثَّالِثُ: اللَّهُمَّ يَارَبِّ، كَانَ لِي أَبْوَانٌ ضَعِيفَانِ فَقِيرَانِ، لَيْسَ لَهُمَا خَادِمٌ وَلَا رَاعٍ وَلَا وَلِيٌّ غَيْرِي، فَكُنْتُ أُرْعَى لَهُمَا بِالنَّهَارِ وَأَوَى إِلَيْهِمَا بِاللَّيْلِ، وَإِنَّ الْكَلَالَ نَأَى عَنِّي فَتَبَاعَدْتُ بِالْمَاشِيَةِ فَاتَيْتُهُمَا بَعْدَ مَا ذَهَبَ اللَّيْلُ وَنَامَا، فَحَلَبْتُ لَهُمَا ثُمَّ جَلَسْتُ عِنْدَ رُؤُوسِهِمَا بِإِنَائِي كَرَاهِيَةً أَنْ أُورِقَهُمَا (2) وَأُودِيَهُمَا، حَتَّى اسْتَيْقَظَا مِنْ قِبَلِ أَنْفُسِهِمَا فَسَقَيْتُهُمَا كَمَا كُنْتُ أَفْعَلُ. اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي فَعَلْتُ ذَلِكَ مِنْ مَخَافَتِكَ فَافْرَجْ عَنَّا. فَانْصَدَعَ الْجَبَلُ عَنْهُمْ فَخَرَجُوا يَتَرَلَزَلُونَ (3). (4).

- 1- تلوم: انتظر (النهاية: ج 4 ص 278 «لوم»).
- 2- الأرق: وهو السهر، رجل أرق إذا سهر لعلته، فإن كان السهر من عادته قيل: أرق بضم الهمزة والراء (النهاية: ج 1 ص 40 «أرق»).
- 3- يتزلزلون: أي يعدون؛ من زل: إذا عدا (أنظر: معجم مقاييس اللغة: ج 3 ص 4 «زلل»).
- 4- الدعاء للطبراني: ص 74 ح 187 عن الحارث عن الإمام علي عليه السلام، مجمع الزوائد: ج 8 ص 264 ح 13415 نقلًا عن البرار عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ج 15 ص 172 ح 40476.

170. وقال صلى الله عليه وسلم: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله سه نفر با هم برای کاری بیرون شدند و [در بین راه] به غاری در یک کوه پناه بردند. تخته سنگی بر دهانه غار افتاد و آن را به رویشان بست. گفتند: رفقا! بیایید بهترین کاری را که کرده اید، یاد کنید و خدا را به حق آنها بخوانید. شاید خداوند متعال به واسطه آنها شما را برهاند.

یکی از آنها گفت: بار خدایا! زنی بود که دوستش می داشتم و زیاد نزد او آمد و شد می کردم، تا آن که راضی اش کردم از او کام بگیرم. او گفت: به یاد خدا باش و با من کاری مکن که خداوند بر تو حرام کرده است! گفتم: راستی که مرا سزد که از پروردگارم بترسم. پس، از ترس تو و برای رضای تو، او را و نهادم. حال [ای خداوند!] اگر به راستی چنین است، در کار ما گشایشی آر. دهانه غار کمی شکاف برداشت، به طوری که امیدوار شدند خارج شوند؛ اما نتوانستند.

دومی گفت: بار خدایا! کارگرانی داشتم که همگی یک کار می کردند و مزد یکسانی می گرفتند. یکی از آنها از گرفتن مزدش ابا ورزید و گفت که باید از همکارانش مزد بیشتری بگیرد. من مزد او را از اموالم کنار گذاشتم و او نیامد بگیرد [و با آنها برایش کار کردم] تا آن که اموال و اشیای زیادی شد. روزی، بعد از آن که فقیر و پیر شده بود، نزد من آمد و گفت: تو را به خدا مزد مرا بده که بیش از پیش به آن محتاجم. من او را بر بام خانه ام بردم و مال و احشامی را که در صحرا بودند و آنچه را خداوند متعال با مزد او فراهم آورده بود، نشانش دادم و گفتم: اینها و آنها، همه مال تواند. گفت: خدا خیرت دهد! مرا دست انداخته ای؟ من مزدی به مراتب کمتر از این می خواستم [و تو نمی دادی]! گفتم: بله، تو کمتر از این می خواستی؛ اما خداوند متعال مرا به آن آزمود و مزد تو به این جا رسید که می بینی. و آنها را - ای خداوند - از ترس تو و برای خشنودی تو به او دادم. حال اگر به راستی چنین است، در کار ما گشایشی آر. پس، دهانه غار کمی بیشتر شکاف برداشت، به طوری که امیدوار شدند خارج شوند؛ اما باز نتوانستند.

سومی گفت: بار خدایا! مرا پدر و مادری ناتوان و نادار بود که جز من، نه خدمتکاری داشتند و نه چوپانی و نه سرپرستی. روزها گوسفندان شان را می چرانیدم و شب نزد آنان باز می گشتم. یک روز، گوسفندان را به چراگاهی دور بردم و چون برگشتم، پاسی از شب گذشته بود و پدر و مادرم خفته بودند. برایشان شیر دوشیدم و با همان ظرف شیر بر بالینشان ایستادم - چون دلم نمی خواست آنها را بیدار کنم و آزرده شان سازم - تا آن که خودشان بیدار شدند و من، همچون شب های قبل، به آن دو، شیر نوشاندم. حال - ای خداوند - اگر به راستی چنین است که من این کار را از ترس تو انجام داده ام، ما را برهان.

پس، دهانه غار کاملاً باز شد و آن سه، شتابان بیرون زدند.

12 / 3 استجابة دعاء الشاب القاطع الطريق 173. قال صلى الله عليه وسلم: الإمام زين العابدين عليه السلام: إن رجلاً ركب البحر بأهله فكسره بهم، فلم ينج ممن كان في السفينة إلا امرأة الرجل؛ فإنها نجت على لوح من ألواح السفينة، حتى ألجأت على جزيرة من جزائر البحر، وكان في تلك الجزيرة رجل يقطع الطريق، ولم يدع لله حرمة إلا انتهكها، فلم يعلم إلا والمرأة قائمة على رأسه، فرفع رأسه إليها فقال: إنسيئة أم حنيئة؟ فقالت: إنسيئة، فلم يكلمها كلمة حتى جلس منها مجلس الرجل من أهله، فلما أن هم بها اضطربت، فقال لها: ما لك تضطربين؟ فقالت: أفرق (1) من هذا - وأومات بيدها إلى السماء - قال: فصنع من هذا شيئاً؟ قالت: لا وعزتي. قال: فأنت تفرقين منه هذا الفرق ولم تصنعي من هذا شيئاً، وإنما استكرهك استكراها! فأنأ واللّه أولى بهذا الفرق والخوف وأحق منك.

قال: فقام ولم يحدث شيئاً، ورجع إلى أهله وليست له همّة إلا التوبة والمراجعة، فبينما هو يمشى إذ صادفه راهب يمشى في الطريق، فحيمت عليهما الشمس، فقال الراهب للشاب: ادع الله يظلمنا بغمامة؛ فقد حيمت علينا الشمس. فقال الشاب: ما أعلم أن لي عند ربي حسنة فأتجاسر على أن أسأله شيئاً! قال: فادعوا أنا وتؤمن أنت؟ قال: نعم. فأقبل الراهب يدعو والشاب يؤمن، فما كان بأسرع من أن أظلتها غمامة، فمشيا تحتها ملياً من النهار، ثم تفرقت الجادة جادتين، فأخذ الشاب في واحدة وأخذ الراهب في واحدة، فإذا السحابة مع الشاب.

فقال الراهب: أنت خير مني، لك استجيب ولم يستجب لي، فأخبرني ما قصتكَ؟ فأخبره بخبر المرأة، فقال: غفر لك ما مضى حيث دخلك الخوف، فانظر كيف تكون فيما تستقبل. (2).

1- الفرق: الخوف والفرع (النهاية: ج 3 ص 438 «فرق»).

2- الكافي: ج 2 ص 69 ح 8 عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج 14 ص 507 ح 32 و ج 70 ص 361 ح 6.

12 / 3 مستجاب شدن دعای جوان راهزن

12 / 3 مستجاب شدن دعای جوان راهزن 176. وقال صلى الله عليه وسلم: امام زين العابدين عليه السلام: مردی با خانواده اش به کشتی نشست و کشتی شان در هم شکست و از سرنشینان آن، تنها همسر مرد نجات یافت. او به تخته ای از تخته پاره های کشتی چنگ زد و به یکی از جزایر دریا برده شد. در آن جزیره، مردی بود که راهزنی می کرد و حرامی از حرام های خدا نبود که مرتکب نشده باشد. ناگاه دید آن زن، بالای سرش ایستاده است.

سرش را به طرف او برداشت و گفت: تو انسانی یا پری؟

گفت: انسانم.

راهزن، بی آن که کلمه ای با او سخن بگوید، در کنارش نشست، چنان که مرد با همسرش می نشیند. چون قصد وی کرد، زن برآشفت.

[راهزن] به او گفت: چرا برآشفتی؟

[زن] به آسمان اشاره کرد و گفت: از او می هراسم.

[راهزن] گفت: مگر چنین کاری نکرده ای؟

[زن] گفت: نه، به عزّتش سوگند.

[راهزن] گفت: تو با آن که چنین کاری نکرده ای و من تو را مجبور می کنم، این گونه از او می هراسی! به خدا سوگند که من به این هراس و ترس، سزاوارترم تا تو.

راهزن برخاست و کاری نکرد و به سوی خانواده اش برگشت و مدام به فکر توبه و بازگشت بود. در میانه راه به راهبی برخورد که در حال رفتن بود. آفتاب داغ بر سر آنها می تابید. راهب به جوان گفت: دعا کن تا خداوند ابری را بر سر ما سایه افکند؛ چرا که آفتاب، ما را سوزاند.

جوان گفت: من برای خودم کار نیکی نزد پروردگارم سراغ ندارم تا این جرئت را به خود بدهم که از او چیزی بخواهم.

[راهب] گفت: پس من دعا می کنم و تو آمین بگو.

[جوان] گفت: باشد.

راهب، دعا می کرد و جوان آمین می گفت، و به زودی، ابری بر آنها سایه افکند. مقدار زیادی از روز را در سایه آن رفتند و سپس به دو راهی رسیدند. جوان از یک راه رفت و راهب از راه دیگر. و ابر، همراه جوان شد.

راهب گفت: تو بهتر از من هستی. دعا به خاطر تو مستجاب شده است، نه برای من. بگو بدانم قصه چیست؟

جوان، ماجرای آن زن را به او باز گفت.

[راهب] گفت: به خاطر آن ترس که تو را گرفته، گناهان گذشته ات آمرزیده شده است. زین پس، مراقب اعمال خویش باش.

12 / 4 استجابةً لدعاء رجلٍ عابِدٍ 179. وقال صلى الله عليه وسلم: الإمام الباقر عليه السلام: إن إبراهيم عليه السلام خرج ذات يوم يسيرٌ ببعيرٍ ، فَمَرَّ بِفَلَاةٍ (1) مِنَ الْأَرْضِ فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ قَائِمٍ يُصَلِّي قَدْ قَطَعَ الْأَرْضَ إِلَى السَّمَاءِ طَوْلَهُ ، وَلِبَاسُهُ شَعْرٌ ، قَالَ : فَوَقَّفَ عَلَيْهِ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَجِبَ مِنْهُ وَجَلَسَ يَنْتَظِرُ فَرَاغَهُ ، فَلَمَّا طَالَ عَلَيْهِ حَرَكَهُ بِيَدِهِ فَقَالَ لَهُ : إِنَّ لِي حَاجَةً فَخَفَّفْ . قَالَ : فَخَفَّفَ الرَّجُلُ وَجَلَسَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

فَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لِمَنْ تَصَلَّى ؟ فَقَالَ : لِإِلَهِ إِبْرَاهِيمَ . فَقَالَ لَهُ : وَمَنْ إِلَهُ إِبْرَاهِيمَ ؟ فَقَالَ : الَّذِي خَلَقَكَ وَخَلَقَنِي . فَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَدْ أَعْجَبَنِي نَحْوُكَ ، وَأَنَا أَحِبُّ أَنْ أُوَاطِقَكَ فِي اللَّهِ ، أَيْنَ مَنَزِلُكَ إِذَا أَرَدْتُ زِيَارَتَكَ وَلِقَاءَكَ ؟ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ : مَنَزِلِي خَلْفَ هَذِهِ التُّنْفَةِ (2) . وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى الْبَحْرِ . وَأَمَّا مُصَلِّيٌّ فَهَذَا الْمَوْضِعُ ، تُصَيَّبُنِي فِيهِ إِذَا أَرَدْتَنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ .

قَالَ : ثُمَّ قَالَ الرَّجُلُ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَلَيْكَ حَاجَةٌ ؟ فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ : نَعَمْ . فَقَالَ لَهُ : وَمَا هِيَ ؟ قَالَ : تَدْعُو اللَّهَ وَأُوْمِنُ عَلَى دُعَايِكَ ، وَأَدْعُو أَنَا فَتُوْمِنُ عَلَى دُعَائِي .

فَقَالَ الرَّجُلُ : فِيمَ نَدْعُو اللَّهَ ؟ فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لِلْمُذْنِبِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ . فَقَالَ : الرَّجُلُ : لَا . فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَلِمَ ؟ فَقَالَ : لِأَنِّي قَدْ دَعَوْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مِنْذُ ثَلَاثِ سِنِينَ بِدَعْوَةٍ لَمْ أَرِ إِجَابَتَهَا حَتَّى السَّاعَةِ ، وَأَنَا أَسْتَحْيِي مِنَ اللَّهِ تَعَالَى أَنْ أَدْعُوهُ حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ قَدْ أَجَابَنِي .

فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِيمَ دَعَوْتَهُ ؟ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ : إِنِّي فِي مُصَلَّى هَذَا ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ مَرَّ بِي غُلَامٌ أَرَوَعٌ (3) ، التَّوْرُ يَطْلُعُ مِنْ جَبْهَتِهِ ، لَهُ ذُوَابَةٌ مِنْ خَلْفِهِ ، وَمَعَهُ بَقْرٌ يَسُوقُهَا كَأَنَّمَا دُهْنَتْ دَهْنًا ، وَعَنَمٌ يَسُوقُهَا كَأَنَّمَا دُخِسَتْ (4) دَخْسًا ، فَأَعْجَبَنِي مَا رَأَيْتُ مِنْهُ ، فَقُلْتُ لَهُ : يَا غُلَامُ لِمَنْ هَذَا الْبَقْرُ وَالْعَنَمُ ؟ فَقَالَ لِي : لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ . فَقُلْتُ : وَمَنْ أَنْتَ ؟ فَقَالَ : أَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ ، فَدَعَوْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَسَأَلْتُهُ أَنْ يُرِيَنِي خَلِيلَهُ . فَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَأَنَا إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ الرَّحْمَنِ ، وَذَلِكَ الْغُلَامُ ابْنِي .

فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ عِنْدَ ذَلِكَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَجَابَ دَعْوَتِي . ثُمَّ قَبَّلَ الرَّجُلُ صَدْرَ فَحْتِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَانَقَهُ ، ثُمَّ قَالَ : أَمَّا الْآنَ فَقُمْ فَادْعُ حَتَّى أُوْمِنُ عَلَى دُعَايِكَ . فَادْعَا إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُذْنِبِينَ مِنْ يَوْمِهِ ذَلِكَ ، بِالْمَغْفِرَةِ وَالرِّضَا عَنْهُمْ . قَالَ : وَأَمَّنَ الرَّجُلُ عَلَى دُعَائِهِ .

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَعْوَةُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْعَةِ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُذْنِبِينَ مِنْ شِيعَتِنَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . (5) .

- 1- الفلاة: القفر من الأرض، وقيل: هي التي لا ماء فيها. وقيل: هي الصحراء الواسعة (لسان العرب: ج 15 ص 164 «فلا»).
- 2- قال الفيروز آبادي: التُّنْفَةُ: الماء الصافي. قلَّ أو كثر. وقال المطرزي: النطفة البحر (مرآة العقول: ج 26 ص 603).
- 3- الأروع من الرجال: الذي يُعْجِبُكَ حُسْنُهُ (لسان العرب: ج 8 ص 136 «ورع»).
- 4- في أكثر النسخ بالخاء المعجمة، وفي بعضها بالمهملة. قال الجوهري: الدخيس: اللحم المكتنز، وكلُّ ذى سمن: دخيس. وقال الجزري: كلُّ شيءٍ ملأته فقد دخسته، والدخاس الامتلاء والزحام (مرآة العقول: ج 26 ص 604).
- 5- الكافي: ج 8 ص 392 ح 591، كمال الدين: ص 140 ح 8 وفيه «قطع إلى السماء صوته» بدل «قطع الأرض إلى السماء طوله» وكلاهما عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج 12 ص 80 ح 10.

12 / 4 مستجاب شدن دعای مرد عابد

12 / 4 مستجاب شدن دعای مرد عابد 182. وقال صلى الله عليه وسلم: امام باقر عليه السلام: روزی، ابراهیم علیه السلام سوار بر اشتری، راه سفر در پیش گرفت و در راه، از بیابانی کویری گذشت. در آن بیابان به مردی برخورد که به نماز ایستاده بود. او قامتی بلند و جامه ای موین به تن داشت. ابراهیم علیه السلام از دیدن او به شگفت آمد و منتظر ماند تا نمازش را تمام کند. چون نمازش به درازا کشید، با دستش او را تکان داد و گفت: «مرا با تو کاری است. زودتر تمام کن».

مرد، نمازش را زودتر به پایان رساند. ابراهیم علیه السلام نشست و به او گفت: «برای که نماز می گزاری؟».

گفت: برای خدای ابراهیم.

گفت: «خدای ابراهیم کیست؟».

گفت: همان که تو را و مرا آفریده است.

ابراهیم گفت: «از دین و آیینت خوشم آمد و دوست دارم با تو برادر دینی شوم. خانه ات کجاست، که اگر خواستم به دیدن و ملاقات بیایم؟».

مرد گفت: خانه من پشت این آب است. و با دستش به دریا (رودخانه) اشاره کرد و عبادتگاهم، همین جاست و هرگاه خواستی، می توانی به خواست خدا، مرا در این جا بیایی.

مرد سپس به ابراهیم علیه السلام گفت: کاری داری؟

ابراهیم گفت: «آری».

[مرد] گفت: چه کاری؟

[ابراهیم علیه السلام] گفت: «تو دعا کن و من بر دعایت آمین می گویم. من هم دعا می کنم و تو برای دعایم آمین بگو».

مرد گفت: برای چه دعا کنیم؟

ابراهیم علیه السلام گفت: «برای مؤمنان گنهکار».

مرد گفت: نه.

ابراهیم علیه السلام گفت: «چرا؟».

[مرد] گفت: چون من سه سال است که دعایی کرده ام و تاکنون اجابتی ندیده ام، و دیگر از خداوند متعال شرم می کنم دعایی کنم، مگر

این که بدانم آن دعایم را اجابت کرده است .

ابراهیم علیه السلام گفت : «چه درخواستی از او کرده ای؟».

مرد گفت : روزی در همین نمازگاهم بود که جوانکی خوش سیما با چهره ای نورانی و گیسوانی در پشت سر ، از من گذشت و گاوهابی فربه و سرحال و گوسفندانی چاق با گوسفندانی چاق با خود داشت . دیدن او مرا به اعجاب آورد و گفتمش : پسر جان! این گاو و گوسفندها از آن کیست؟ گفت : از آن ابراهیم علیه السلام . گفتم : تو کیستی؟ گفت : من اسماعیل ، پسر ابراهیم خلیل الرحمان هستم . و من دعا کردم و از خداوند عز و جل خواستم تا خلیلش را به من بنمایاند .

ابراهیم علیه السلام به مرد عابد گفت : «من ابراهیم خلیل الرحمان هستم و آن پسر ، فرزند من است» .

در این هنگام ، مرد گفت : سپاس ، خداوند را که دعایم را اجابت فرمود . سپس گونه های ابراهیم علیه السلام را بوسید و با او معانقه کرد و آن گاه گفت : حالا برخیز و دعا کن تا من برای دعایت آمین بگویم . و ابراهیم علیه السلام برای مردان و زنان مؤمن و گنهکاران از آن روز [تا روز قیامت] از خداوند ، آمرزش و رضایت طلبید و آن مرد ، آمین گفت .

پس ، دعای ابراهیم علیه السلام مؤمنان گنهکار شیعه ما را نیز تا روز قیامت ، شامل می شود .

12 / 5 استجابة دعاء غلام أسود في نزول المطر 185. وقال صلى الله عليه وسلم: إثبات الوصية عن سعيد بن المسيب: فحط الناس (1) يميننا وشمالاً، فمددت عيني فرأيت شخصاً أسوداً على تل قد انفرَدَ، فقصدت نحوه فرأيتُهُ يحركُ شفتيه، فلم يُنمَّ دعاءهُ حتى أقبلتْ عمامةً، فلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهَا حَمِدَ اللَّهَ وَأَنْصَرَفَ، وَأَدْرَكَنَا الْمَطْرُ حَتَّى ظَنَّنَاهُ الْمَغْرُوقَ .

فَاتَّبَعْتُهُ حَتَّى دَخَلَ دَارَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، فَدَخَلْتُ إِلَيْهِ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا سَيِّدِي، فِي دَارِكَ غُلَامٌ أَسْوَدٌ تَفْضُلَ عَلِيٍّ بِبَيْعِهِ . (2) فَقَالَ: يَا سَعِيدُ، وَلِمَ لَا يُوَهَّبُ لَكَ؟ ثُمَّ أَمَرَ الْقَيْمَ عَلَى غِلْمَانِهِ يَعْزُضُ كُلَّ مَنْ فِي الدَّارِ عَلَيْهِ، فَجُمِعُوا فَلَمَّ أَرْصَاحِي بَيْنَهُمْ، فَقُلْتُ: فَلَمَّ أَرَهُ . فَقَالَ: إِنَّهُ لَمْ يَبْقَ إِلَّا فُلَانُ السَّائِسُ، فَأَمَرَ بِهِ فَأَحْضِرَ فَإِذَا هُوَ صَاحِبِي، فَقُلْتُ لَهُ: هَذَا هُوَ . فَقَالَ لَهُ: يَا غُلَامُ، إِنَّ سَعِيدًا قَدْ مَلَكَكَ فَاْمُضِ مَعَهُ .

فَقَالَ لِي الْأَسْوَدُ: مَا حَمَلَكَ عَلَى أَنْ فَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ مَوْلَايَ؟ فَقُلْتُ لَهُ: إِنِّي رَأَيْتُ مَا كَانَ مِنْكَ عَلَى التَّلِّ، فَرَفَعَ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ مُبْتَهلاً ثُمَّ قَالَ: إِنْ كَانَتْ سَرِيرَةٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنِي قَدْ أذَعَتْهَا عَلَيَّ، فَاقْبِضْنِي إِلَيْكَ . فَبَكَى عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَبَكَى مَنْ حَضَرَهُ، وَخَرَجْتُ بَاكِياً .

فَلَمَّا صِرْتُ إِلَى مَنْزِلِي وَافَانِي رَسُولُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ لِي: إِنْ أُرِدْتَ أَنْ تَحْضُرَ جَنَازَةَ صَاحِبِكَ فَافْعَلْ . فَجَعَلْتُ مَعَهُ وَوَجَدْتُ الْعَبْدَ قَدْ مَاتَ بِحَضْرَتِهِ . (3) .

1- في مستدرک الوسائل: «فَحَطَّ الْمَدِينَةَ فَخَرَجَ النَّاسُ . . .» .

2- في المصدر: «بيعه»، والتصحيح من مستدرک الوسائل .

3- إثبات الوصية: ص 185، مستدرک الوسائل: ج 14 ص 74 ح 3 .

12 / 5 مستجاب شدن دعای غلام سیاه برای بارش باران

12 / 5 مستجاب شدن دعای غلام سیاه برای بارش باران 188. وقال صلى الله عليه وسلم: إثبات الوصية - به نقل از سعید بن مسیب -: همه مردم، از راست تا چپ، دچار خشک سالی شدند. (1) چشم دوختم. شخص سیاهی را دیدم که بر تپه ای تنها ایستاده است. به سویش رفتم. دیدم لباسش را تکان می دهد. هنوز دعایش تمام نشده بود که ابری نمایان شد. چشمش که بر ابر افتاد، خدا را سپاس گفت و رفت، و چنان باران شدیدی ما را فرا گرفت که گمان بردیم همه جا را آب خواهد برد.

او را دنبال کردم تا آن که وارد خانه علی بن الحسین علیه السلام شد. من هم پشت سرش داخل شدم و به امام علیه السلام گفتم: سرورم! در منزل شما، غلام سیاهی هست. خواهش می کنم او را به من بفروشید.

فرمود: «ای سعید! چرا به تو نبخشم؟». سپس به سرپرست غلامانش دستور داد همه غلامان خانه را برایش احضار کند.

همه جمع شدند و من شخص مورد نظرم را در میان آنها ندیدم.

گفتم: او را نمی بینم.

فرمود: «کسی جز فلان مهتر، نمانده است» و دستور داد او را احضار کردند.

دیدم همان است. گفتم: خود اوست.

امام علیه السلام به او فرمود: «ای غلام! از حالا سعید، مالک توست. پس با او برو».

غلام سیاه به من گفت: چه باعث شد تا میان من و سرورم جدایی افکنی؟

گفتم: من دیدم که بر فراز آن تپه چه کردی. غلام، ملتسمانه دست به سوی آسمان برداشت. و سپس گفت: [خداوند!] اگر راز میان خود و مرا فاش کرده ای، جان مرا بستان.

علی بن الحسین علیه السلام گریست و حاضران نیز گریستند و من با چشمان گریان، خارج شدم. به منزل که رسیدم، فرستاده امام علیه السلام نزد آمد و گفت: اگر می خواهی در جنازه آن غلام حاضر شوی، بیا.

با فرستاده امام علیه السلام باز گشتم و دیدم آن غلام در برابر امام علیه السلام افتاده و مرده است.

1- در مستدرک الوسائل آمده است: «مدینه دچار قحط سالی شد و مردم از چپ و راست، بیرون شدند».

6/ 12 استجابة دعاء أم أيمن 191. وقال صلى الله عليه وسلم: الخرائج والجرائح: إنَّ أُمَّ أَيْمَنَ لَمَّا تُوفِّيَتْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، حَلَفَتْ أَنْ لَا تَكُونَ بِالْمَدِينَةِ؛ إِذْ لَا تُطِيقُ النَّظَرَ إِلَى مَوَاضِعَ كَانَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِيهَا، فَخَرَجَتْ إِلَى مَكَّةَ، فَلَمَّا كَانَتْ فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ عَطِشَتْ عَطَشًا شَدِيدًا، فَرَفَعَتْ يَدَيْهَا، وَقَالَتْ: يَا رَبِّ، أَنَا خَادِمَةٌ فَاطِمَةَ، تَقْتُلُنِي عَطَشًا؟!

فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهَا دَلْوًا مِنَ السَّمَاءِ فَشَرِبَتْ، فَلَمْ تَحْتَاجْ إِلَى الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ سَبْعَ سِنِينَ. وَكَانَ النَّاسُ يَبْعَثُونَهَا فِي الْيَوْمِ الشَّدِيدِ الْحَرِّ، فَمَا يُصِيبُهَا عَطَشٌ. (1).

1- الخرائج والجرائح: ج 2 ص 530 ح 5، المناقب لابن شهر آشوب: ج 3 ص 338 عن علي بن معمر نحوه، بحار الأنوار: ج 43 ص 28 ح 32 وص 46 ح 45.

12 / 6 مستجاب شدن دعای اُم ایمن

12 / 6 مستجاب شدن دعای اُم ایمن 194. وقال صلى الله عليه و سلم: الخرائج و الجرائح : چون فاطمه علیها السلام از دنیا رفت، اُم ایمن سوگند خورد که در مدینه نماند؛ زیرا طاقت دیدن مکان هایی را که فاطمه علیها السلام در آنها بوده است، نداشت . پس به سوی مکه حرکت کرد . در بین راه ، سخت تشنه شد و دستانش را به آسمان برداشت و گفت : پروردگارا! من خادمه فاطمه هستم. می گذاری از تشنگی بمیرم؟

پس، خداوند از آسمان ، دلوی برایش فرو فرستاد و او آشامید و از آن پس تا هفت سال ، به خوراک و نوشیدنی نیاز پیدا نکرد . مردم او را در روزهای بسیار گرم می فرستادند و هرگز تشنگی به سراغش نمی آمد .

12 / 7 إِسْتِجَابَةُ دُعَاءِ امْرَأَةٍ مَاتَ ابْنُهَا 197. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي عن جميل: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَخَلَتْ عَلَيَّ امْرَأَةٌ، وَذَكَرَتْ أَنَّهَا تَرَكْتُ ابْنَهَا - وَقَدْ قَالَتْ (1) بِالْمِلْحَفَةِ عَلَى وَجْهِهِ - مَيِّتًا .

فَقَالَ لَهَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَعَلَّهُ لَمْ يَمُتْ، فَقَوْمِي فَأَذْهَبِي إِلَى بَيْتِكَ، فَأَغْتَسِ لِي وَصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، وَادْعِي وَقُولِي: يَا مَنْ وَهَبَهُ لِي وَلَمْ يَكُنْ شَيْئًا، جَدَّدَ هَبْتَهُ لِي، ثُمَّ حَرَّكِيهِ وَلَا تُخْبِرِي بِذَلِكَ أَحَدًا .

قَالَتْ: فَفَعَلْتُ فَحَرَّكْتُهُ، فَإِذَا هُوَ قَدْ بَكَى . (2) 12 / 8 إِسْتِجَابَةُ دُعَاءِ أُمِّ سَلَمَةَ أُخْتِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ 200. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي عن إسماعيل بن الأرقط - ابن أم سلمة أخت الإمام الصادق عليه السلام -: مَرِضْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مَرَضًا شَدِيدًا حَتَّى تَقُلْتُ، وَاجْتَمَعَتْ بَنُو هَاشِمٍ لَيْلًا لِلْجِنَازَةِ - وَهُمْ يَرُونَ أَنِّي مَيِّتٌ - فَجَزَعَتِ أُمِّي عَلَيَّ .

فَقَالَ لَهَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَالِي: إِصْعَدِي إِلَى فَوْقِ الْبَيْتِ، فَأَبْرِزِي إِلَى السَّمَاءِ، وَصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، فَإِذَا سَلِمْتَ فَقُولِي: اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَهَبْتَهُ لِي وَلَمْ يَكُنْ شَيْئًا، اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَسْتَوْهَبُكَ مُبْتَدِنًا فَأَعْرِنِيهِ .

قَالَ: فَفَعَلْتُ، فَأَقْفْتُ وَقَعَدْتُ، وَدَعَوَا بِسُحُورٍ لَهُمْ هَرِيصَةً فَتَسَحَّرُوا بِهَا، وَتَسَحَّرْتُ مَعَهُمْ . (3) .

-
- 1- العرب تجعل القول عبارة عن جميع الأفعال، وتطلقه على غير الكلام واللسان، فتقول: قال بيده: أى أخذ، وقال برجله: أى مشى... وقال بثوبه: أى رفعه، وكل ذلك على المجاز والانتساع (النهاية: ج 4 ص 124 «قول»).
 - 2- الكافي: ج 3 ص 479 ح 11، الدعوات: ص 69 ح 166 وليس فيه «وقد قالت بالملحفة على وجهه»، بصائر الدرجات: ص 272 ح 1، بحار الأنوار: ج 91 ص 347 ح 9 نقلًا عن كتاب السرائر.
 - 3- الكافي: ج 3 ص 478 ح 6، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 313 ح 970 وفيه «تلفت» بدل «تقلت»، بحار الأنوار: ج 47 ص 304 ح 26 وراجع مكارم الأخلاق: ج 2 ص 251 ح 2603.

12 / 7 / مستجاب شدن دعای زنی که فرزندش مرده بود**12 / 8 / مستجاب شدن دعای اُمّ سلمه ، خواهر امام صادق علیه السلام**

12 / 7 / مستجاب شدن دعای زنی که فرزندش مرده بود 203. وقال صلى الله عليه وسلم: الكافي_ به نقل از جمیل_: نزد امام صادق علیه السلام بودم که زنی وارد شد و گفت: فرزندش مرده و روی او ملافه انداخته است.

امام علیه السلام به او فرمود: «شاید نمرده باشد. برخیز و به خانه ات برو و غسل کن و دو رکعت نماز بخوان و دعا کن و بگو: ای کسی که او را در حالی که وجود نداشت، به من بخشیدی، او را دوباره به من ببخش. آن گاه تکانش بده و این موضوع را به هیچ کس نگو».

زن گفت: من به دستور امام علیه السلام عمل کردم و فرزندم را تکان دادم، ناگاه صدای گریه اش بلند شد. 12 / 8 / مستجاب شدن دعای اُمّ سلمه، خواهر امام صادق 1. رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: الكافي_ به نقل از اسماعیل بن ارقط، پسر اُمّ سلمه (خواهر امام صادق علیه السلام)_: در ماه رمضان، سخت بیمار گشتم، چنان که به حال مرگ افتادم. بنی هاشم_ که فکر می کردند مردنی هستم_ شبانه برای بردن جنازه ام جمع شدند. و مادرم نیز برایم شیون می کرد.

دایی ام ابو عبدالله (امام صادق) علیه السلام به او گفت: «به بام خانه برو و زیر آسمان، دو رکعت نماز بخوان و سلام که دادی، بگو: بار خدایا! تو او را که وجود نداشت، به من بخشیدی. بار خدایا! از تو می خواهم که دوباره او را به من ببخشی. پس مجدداً به من عاریه اش ده».

مادرم چنین کرد و من سالم خوب شد و نشستم. سحری هَلیم آوردند و خوردند و من هم با آنها سحری کردم.

12 / 9 استجابة دعاء رجل على جار له يؤذيه 2. البداية و النهاية (_ به نقل از هشام بن عروه ، از پدرش _) المجتبی عن أحمد بن داود النعماني : شكَا رَجُلٌ إِلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَارًا يُؤْذِيهِ ، فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ ، ثُمَّ قُلْ : يَا شَدِيدَ الْمِحَالِ ، يَا عَزِيزُ ، أَذَلَّتْ بِعِزَّتِكَ جَمِيعَ خَلْقِكَ ، اكْفِنِي شَرَّ فُلَانٍ بِمَا سِئْتِ .

قَالَ : فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ . فَلَمَّا كَانَ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ سَمِعَ الصُّرَاخَ ، وَقِيلَ : فُلَانٌ قَدْ مَاتَ اللَّيْلَةَ . (1) 10 / 12 استجابة دعاء يونس بن عمارة على جار له يؤذيه 5. الاختصاص عن الأوزاعي (_ فيما قال لقمان عليه السلام لابنه _) كتاب من لا يحضره الفقيه عن يونس بن عمارة : شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا كَانَ يُؤْذِينِي ، فَقَالَ : أَدْعُ عَلَيْهِ . فَقُلْتُ : قَدْ دَعَوْتُ عَلَيْهِ . فَقَالَ : لَيْسَ هَكَذَا ، وَلَكِنْ ، أَقْلِعْ عَنِ الذُّنُوبِ ، وَصُمْ وَصَلِّ وَتَصَدَّقْ ، فَإِذَا كَانَ آخِرُ اللَّيْلِ فَاسْبِغِ الوُضُوءَ ، ثُمَّ قُمْ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ ، ثُمَّ قُلْ وَأَنْتَ سَاجِدٌ : اللَّهُمَّ إِنَّ فُلَانًا بَنَ فُلَانًا قَدْ آذَانِي ، اللَّهُمَّ اسْقِمِ بَدَنَهُ ، وَأَقْطَعْ أَثْرَهُ ، وَأَنْقِصْ أَجَلَهُ ، وَعَجِّلْ لَهُ ذَلِكَ فِي عَامِهِ هَذَا .

قَالَ : فَفَعَلْتُ ، فَمَا لَيْتَ أَنْ هَلَكَ . (2) .

-
- 1- .المجتبی : ص 48 ، عدّة الداعي : ص 55 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 103 ح 20 .
 - 2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 559 ح 1546 ، المقنعة : ص 223 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 121 ح 2328 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 358 ح 19 .

12 / 9 مستجاب شدن نفرین مردی در حق همسایه اش که او را می آزرده**12 / 10 مستجاب شدن نفرین یونس بن عمار در حق همسایه مردم آزارش**

12 / 9 مستجاب شدن نفرین مردی در حق همسایه اش که او را می آزرده.3.الاختصاص (_ به نقل از اوزاعی _) الْمُجْتَنِي _ به نقل از احمد بن داوود نعمانی _ : مردی به حسن بن علی علیه السلام از همسایه ای که او را آزار می داد ، شکایت کرد .

[امام] حسن علیه السلام به او فرمود : «هرگاه نماز شام را خواندی ، دو رکعت نماز بگزار . سپس بگو : ای سخت کیفر! ای عزیزی که با عزّت همه آفریدگانت را خوار و رام ساختی! شرّ فلانی را آن گونه که خود می خواهی ، از من دفع کن» .

مرد چنان کرد و نیمه های شب ، صدای شیون شنید . گفته شد : فلانی امشب مُرد . 12 / 10 مستجاب شدن نفرین یونس بن عمار در حق همسایه مردم آزارش 6.الاختصاص (_ به نقل از اوزاعی _) کتاب من لا یحضره الفقیه _ به نقل از یونس بن عمار _ : از مردی که مرا آزار می داد ، به امام صادق علیه السلام شکایت بردم .

فرمود : «نفرینش کن» .

گفتم : نفرینش کرده ام .

فرمود : «همین طوری نه ؛ بلکه از گناهان ، دست بشوی و روزه بگیر و نماز بگزار و صدقه بده و آخر شب که شد ، وضوی کاملی بساز و بایست و دو رکعت نماز بخوان . سپس در حال سجده بگو : بار خدایا! فلانی پسر فلانی ، مرا آزار می دهد . بار خدایا! بدنش را بیمار گردان و نشانی از او بر جای مگذار و عمرش را بکاه و همین امسال ، او را از میان بردار» .

چنین کردم و دیری نگذشت که او هلاک شد .

7. الاختصاص (_ به نقل از أوزاعي ، درباره گفته لقمان عليه السل) الكافي عن يونس بن عمّار : قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ لِي جَارًا مِنْ قُرَيْشٍ مِنْ آلِ مُحَرِّزٍ ، قَدْ نَوَّهَ بِاسْمِي وَشَهَّرَنِي كُلَّمَا مَرَّرْتُ بِهِ . قَالَ : هَذَا الرَّافِضِيُّ يَحْمِلُ الْأَمْوَالَ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ .

قَالَ : فَقَالَ لِي : أَدْعُ اللَّهَ عَلَيْهِ إِذَا كُنْتَ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ ، وَأَنْتَ سَاجِدٌ فِي السَّجْدَةِ الْأَخِيرَةِ مِنَ الرَّكَعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ ، فَاحْمَدِ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ وَمَجْدَهُ وَقُل :

اللَّهُمَّ إِنَّ فُلَانًا بَنَ فُلَانٍ قَدْ شَهَّرَنِي وَنَوَّهَ بِي وَغَاطَنِي وَعَرَّضَنِي لِلْمَكَارِهِ ، اللَّهُمَّ اضْرِبْهُ بِسَهْمٍ عَاجِلٍ تَشْغَلُهُ بِهِ عَنِّي ، اللَّهُمَّ وَقَرِّبْ أَجَلَهُ ، وَاقْطَعْ أَثَرَهُ ، وَعَجِّلْ ذَلِكَ يَا رَبَّ السَّاعَةِ السَّاعَةِ .

قَالَ : فَلَمَّا قَدِمْنَا الْكُوفَةَ قَدِمْنَا لَيْلًا ، فَسَأَلْتُ أَهْلَنَا عَنْهُ قُلْتُ : مَا فَعَلَ فُلَانٌ ؟ فَقَالُوا : هُوَ مَرِيضٌ . فَمَا انْقَضَى آخِرُ كَلَامِي حَتَّى سَمِعْتُ الصَّبِيحَ مِنْ مَنْزِلِهِ ، وَقَالُوا : قَدْ مَاتَ . (1) .

8. إرشاد القلوب: الكافی۔ به نقل از یونس بن عمّار۔: به امام صادق علیه السلام گفتم: همسایه ای دارم از قریش، از خاندان مُحَرِّز، که مرا انگشت نماي خلق ساخته است و هرگاه بر او می گذرم، می گوید: این رافضی، اموال را به جعفر بن محمّد می دهد.

فرمود: «در نماز شبت، او را نفرین کن. هرگاه به سجده رفتی، در سجده آخر از دو رکعت اوّل، خداوند عز و جل را حمد و تمجید کن و بگو: خداوندا! فلانی پسر فلانی، مرا انگشت نما و شهره مردم ساخته و به خشمم آورده و در معرض خطرات، قرارم داده است. خداوندا! او را هر چه زودتر به تیر [غیب] گرفتار کن تا از من بازش داری. خداوندا! اجلس را نزدیک کن و نشانی از او به جا نگذار، هر چه زودتر۔ ای پروردگار۔ هم اکنون، هم اکنون».

به کوفه که آمدیم، شب بود. از خانواده اش درباره آن مرد پرسیدم. گفتند: بیمار است. هنوز سخنم به آخر نرسیده بود که صدای شیون از خانه اش شنیدم و گفتند: مُرد. . .

12 / 11 استجابة دعاء إسحاق بن عمارٍ على جارٍ له يؤذيه 11. الإمام الصادق عليه السلام (_ فيما وَعَظَ لُقْمَانَ ابْنَهُ _) الكافي عن إسحاق بن عمار: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَارًا لِي وَمَا أَلْقَى مِنْهُ .

قَالَ : فَقَالَ لِي : أَدْعُ عَلَيْهِ ، قَالَ : فَفَعَلْتُ فَلَمْ أَرِ شَيْئًا ، فَعُدْتُ إِلَيْهِ فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ فَقَالَ لِي :

أَدْعُ عَلَيْهِ . قَالَ : فَقُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ! قَدْ فَعَلْتُ فَلَمْ أَرِ شَيْئًا .

فَقَالَ : كَيْفَ دَعَوْتَ عَلَيْهِ ؟ فَقُلْتُ : إِذَا لَقَيْتُهُ دَعَوْتُ عَلَيْهِ .

قَالَ : فَقَالَ : أَدْعُ عَلَيْهِ إِذَا أَدْبَرَ وَإِذَا اسْتَدْبَرَ . (1) فَفَعَلْتُ ، فَلَمْ أَلْبَثْ حَتَّى أَرَاكَ اللَّهُ مِنْهُ . (2) 12 / 12 استجابة دعاء شيخ من آل سعدٍ لردِّ مَظْلَمَتِهِ 9. إرشاد القلوب: كتاب من لا يحضره الفقيه عن شيخ من آل سعد: كانت بيني وبين رجلٍ من أهل المدينةِ خصومةً ذاتَ خطرٍ عظيمٍ ، فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَكَرْتُ لَهُ ذَلِكَ .

وَقُلْتُ : عَلَّمَنِي شَيْئًا لَعَلَّ اللَّهَ يَرُدُّ عَلَيَّ مَظْلَمَتِي .

فَقَالَ : إِذَا أَرَدْتَ الْعَدُوَّ فَصَلِّ بَيْنَ الْقَبْرِ وَالْمِنْبَرِ رَكَعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ، وَإِنْ شِئْتَ فَفِي بَيْتِكَ ، وَاسْأَلِ اللَّهَ أَنْ يُعِينَكَ ، وَخُذْ شَيْئًا مِمَّا تَيْسَّرَ فَتَصَدَّقْ بِهِ عَلَى أَوْلَى مَسْكِينٍ تَلْقَاهُ . قَالَ : فَفَعَلْتُ مَا أَمَرَنِي فَفَضَى لِي وَرَدَّ اللَّهُ عَلَيَّ أَرْضِي . (3) .

1- . لعل المراد بالإدبار أوّل ما ولى ، وبلاستدبار الذهاب والبعد في الإدبار ، ويحتمل المراد بالثاني إرادة الإدبار ، فيكون بعكس الأوّل ، وقيل : المراد بالاستدبار الغيبة ، وهو بعيد . قال في القاموس : دَبَرَ : وَلَّى كَادْبَرَ ، وَاسْتَدْبَرَ : ضَدَّ اسْتَقْبَلَ . وفي بعض النسخ : إِذَا أَقْبَلَ وَاسْتَدْبَرَ ، وهو أظهر (مرآة العقول : ج 12 ص 177) .

2- . الكافي : ج 2 ص 511 ح 1 .

3- . كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 559 ح 1547 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 378 ح 37 نقلًا عن كتاب الذكرى .

12 / 11 مستجاب شدن نفرین اسحاق بن عمّار در حقّ همسایه اش که او را می آزرده

12 / 12 مستجاب شدن دعای پیری از خاندان سعد برای باز ستاندن حقّش

12 / 11 مستجاب شدن نفرین اسحاق بن عمّار در حقّ همسایه اش که او را می آزرده. 12. تفسیر السُّلَمَى: الکافی. به نقل از اسحاق بن عمّار: به امام صادق علیه السلام از دست همسایه ای که داشتم و آزار و اذیت هایی که از او می دیدم، شکایت کردم. فرمود: «نفرینش کن».

من نفرین کردم؛ اما نتیجه ای ندیدم. دوباره خدمت امام علیه السلام رفتم و شکایت کردم. فرمود: «او را نفرین کن».

گفتم: فدایت شوم! نفرین کردم؛ اما نتیجه ای ندیدم.

فرمود: «چگونه نفرینش کردی؟».

گفتم: هرگاه به او برخوردم، نفرینش کردم.

فرمود: «زمانی که از تو گذشت و دور شد، نفرینش کن».

من این کار را کردم و چندی نگذشت که خداوند، مرا از شرّ او آسوده ساخت. 12 / 12 مستجاب شدن دعای پیری از خاندان سعد برای باز ستاندن حقّش 15. الاختصاص عن الأوزاعيّ (_ فيما قالَ لُقمانُ عليه السلام لِابنِهِ _) کتاب من لا يحضره الفقيه. به نقل از پیرمردی از خاندان سعد: میان من و مردی از اهالی مدینه اختلاف بسیار مهمّی بود. خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و ماجرا را به ایشان بازگو کردم و گفتم: چیزی به من بیاموزید، بلکه خداوند، حقّ مرا از او بستاند.

فرمود: «هرگاه قصد دشمن کردی، میان قبر و منبر [پیامبر صلی الله علیه و آله]، یا اگر خواستی در منزلت، دو یا چهار رکعت نماز بخوان و از خدا بخواه که تو را یاری دهد، و مقداری از آنچه داری، بردار و به نخستین مستمندی که برخوردی، صدقه بده».

طبق دستور امام علیه السلام عمل کردم و خداوند حاجتم را بر آورد و زمینم را به من برگرداند.

12 / 13 استجابة دعاء أهل أهواز لدفع الزلازل¹⁴. الاختصاص (_ به نقل از اوزاعي ، درباره آنچه لقمان عليه السلام) تهذيب الأحكام عن علي بن مهزيار: كتبت إلى أبي جعفر عليه السلام وشكوت إليه كثرة الزلازل في الأهواز، وقلت: ترى لي التحول عنها؟

فكتب عليه السلام: لا تتحولوا عنها، وصوموا الأربعاء والخميس والجمعة، واغتسلوا وطهروا ثيابكم، وابرزوا يوم الجمعة، وادعوا الله فإنه يدفع عنكم. قال: ففعلنا فسكنت الزلازل. (1).

1- تهذيب الأحكام: ج 3 ص 294 ح 891، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 544 ح 1515، علل الشرايع: ص 555 ح 6، بحار الأنوار: ج 91 ص 150 ح 8.

12 / 13 مستجاب شدن دعای اهوازیان برای دفع زلزله

12 / 13 مستجاب شدن دعای اهوازیان برای دفع زلزله 17. تفسیر القمی: تهذیب الأحکام۔ به نقل از علی بن مهزیار۔: به ابو جعفر (امام جواد) علیه السلام نامه ای نوشتم و از فراوانی زلزله در اهواز به ایشان شکایت نمودم و گفتم: آیا صلاح می دانید من از این شهر منتقل شوم؟

ایشان مرقوم فرمود: «از آن جا منتقل نشوید. چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیرید و غسل کنید و جامه های پاکیزه بپوشید و روز جمعه بیرون روید و به درگاه خدا دعا کنید. [خداوند،] زلزله را از شما برطرف می کند».

ما این کار را کردیم و زلزله ها فرو نشستند.

ص: 729

فهرست تفصیلی .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

